تصویر ابو عبد الرحمن الكردي



تاریخ وقایع انتخابات هشتاد و هشت

۸۸

۳

عنوان و نام پدیدآور	:	تاریخ وقایع انتخابات ۸۸/موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت.
مشخصات نشر	:	تهران: موسسه فرهنگی هنری قدرولایت، ۱۳۸۹ -
مشخصات ظاهری	:	ج.:مصور.
شابک	:	دوره:978-964-495-212-8 ؛ ۱۵۰۰۰۰ ریال:ج.۱:978-964-495-209-8 ؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال:ج. ۲: 978-964-495-210-4 ؛ 978-964-495-211-1 :ج.۳ :۱۲۰۰۰۰ریال ؛
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	ج.۲ و ۳(چاپ اول:۱۳۸۹)(فیپا)
مندرجات	:	ج.۱. از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱۶ تا ۱۳۸۸/۳/۳۱.- ج.۲. از تاریخ ۸۸/۴/۱ تا ۱۳۸۸/۷/۱.- ج.۳. از تاریخ ۸۸/۷/۱ تا ۸۹/۳/۲۲
موضوع	:	احمدی‌نژاد، محمود، ۱۳۳۵ - -- سالشمار
موضوع	:	روسای جمهور -- ایران -- انتخابات -- ۱۳۸۸ -- پوشش مطبوعاتی
موضوع	:	ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸ -- سالشمار
موضوع	:	ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۸۸
شناسه افزوده	:	موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت
رده بندی کنگره	:	۱۳۸۹DSR۱۷۲۰ ۲ت/
رده بندی دیویی	:	۹۵۵/۰۸۴۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۲۲۲۲۲۲۲

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

تاریخ وقایع انتخابات ۸۸

جلد سوم

تدوین و تالیف : مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت	
ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت	
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۰	
شمارگان: ۳۰۰۰جلد	
حروفچینی: ظریفیان	
چاپ: آفرنگ	
لیتوگرافی: نیما	
صحافی: صداقت	
طراح جلد: خلیلی فرد	
قیمت گالینگور: ۱۲۰۰۰تومان	
شابک: ۱-۲۱۱-۴۹۵-۹۶۴-۹۷۸	ISBN:978-964-495-211-1
شابک دوره: ۸-۲۱۲-۴۹۵-۹۶۴-۹۷۸	ISBN:978-964-495-212-8
تلفن : ۶۶۴۶۹۹۵۸ - ۶۶۴۱۱۱۵۱	WWW. ghadr110.ir

تاریخ وقایع
انتخابات ۸۸

از تاریخ ۱۳۸۸/۷/۱ تا ۱۳۸۹/۳/۲۲

جلد سوم

موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

فهرست مطالب

فهرست پیوستها ۵۵۹

پیشگفتار

تجربه‌های تاریخی بر این مسأله تصدیق دارند که حوادث و وقایعی که اتاق فکر آنها در خارج از مرزها و بدست بیگانگان قرار داشته‌اند به تدریج به سمت ظاهر شدن اهداف اصلی پیش رفته‌اند. اهدافی که در ابتدا، مخفی نگهداشته شده و با پوشش فریبکارانه و مقطعی مانع از بروز و ادراک آن توسط عموم جامعه می‌شوند.

در فتنه‌های پس از انتخابات هشتاد و هشت، پوشش ظاهری، تقلّب در انتخابات و ضرورت ابطال نتایج آن بود. عوامل داخلی جریان فتنه، با آشوبها و اغتشاشات و حرکات نمایشی و تبلیغی، بدنبال آن بودند که خواست خود را به مسؤولین نظام تحمیل و به یک پیروزی بزرگ دست پیدا کنند، سپس در قالب انتخابات مجدد، مرحلهٔ بعدی سناریوی طراحی‌شده را اجرایی کنند. زمانی که مسؤولین نظام بویژه رهبر فرزانه و شجاع انقلاب اسلامی، از باج دادن به جریان فتنه خودداری و همه‌چیز را در قانون و مجرای تعیین‌شده در قانون قابل قبول و اجرا دانستند، کسانی که در اتاق فکر، سرنخ جریان فتنه را در دست داشتند، با ارزیابی غلط از اوضاع ایران و ملّت متدیّن، هدف اصلی را آشکار کردند. ماجراجویان وابسته به این اتاق فکر دستور حمله به مقدسات ملت و هتک حرکت

ولایت را دریافت کردند. آنان بارها و بارها از ناحیهٔ ولایت ضربه خورده و طرحهای براندازیشان به شکست منجر شده بود و لذا اعتقاد داشتند که در صورت عبور از ولایت، کار نظام اسلامی تمام خواهد شد و مردم دیگر انگیزه‌های لازم برای دفاع از نظام را نخواهند داشت.

جسارت و توهین به عکس حضرت امام خمینی(ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، که همه‌چیز نظام و مردم است، کلید ورود به مرحلهٔ هتک حرمت ولایت و عبور از آن بود. شعارهایی که برعلیه ولایت فقیه در معدود تجمّعات این جریان سر داده شد، نیّت براندازی و ضد انقلابی آنان را کاملاً آشکار ساخت. اینک دشمن که سرمایه‌گذاری عظیمی کرده بود و به جریان فتنه امید زیادی بسته بود، به‌گمان خام خود بایستی تیر خلاص را می‌زد. روز عاشورا و عزاداری ملت حسینی ایران، از نگاه آنان یک فرصت بود برای تیر خلاص، تا تمامی خط قرمزهای نظام جمهوری اسلامی و علائق مردم ایران، زیر پاگذاشته شود و جنگ نرم وارد مرحلهٔ اصلی و اساسی یعنی رودررویی آشکار و خونین با مردم و بسیجیان و مدافعان ولایت گردد. به‌گمان آنان شقاق و اختلاف در جامعه تشدید شده، امنیت و آرامش جامعه بهم خورده و در فضای ایجاد شده، به سمت تغییرات دلخواه خود در نظام و مسؤولین حرکت خواهند کرد.

اعمال وحشیانهٔ روز عاشورا که تمامی معیارها و موازین اخلاق و انسانیّت در آن زیر پاگذاشته شد، بعد از شعار تقلّب در انتخابات، رمز عبور از ولایت و سرخورده کردن مردم بود. عوامل وابسته به نفاق بین‌المللی و فتنهٔ سبز، در این روز عزا و ماتم ملّی، به توصیه‌های اتاق فکر، بخوبی عمل کردند و دلهای ماتم‌زدهٔ مردم را به شدّت جریحه‌دار و مبهوت اینهمه فساد و قساوت و بی‌هویتی خود کردند. آنان شش دی هشتاد و هشت را در تاریخ به نام خود ثبت کردند و منتظر

واکنشها شدند تا آثار ظاهر شدن اهداف اصلی اینهمه ماجرا و حادثه را، مشاهده و مراحل بعدی طرح براندازی را دنبال کنند.

همان‌طور که رمز «تقلّب» شکست خورده و موفق به باج‌خواهی و زیر پا گذاردن قانون نشده بودند، این‌جا هم با واکنش ـ البته غیرمنتظره به زعمِ خود ـ از سوی ملت مواجه شدند. خروش خودجوش مردمی که احساس می‌کردند دیگر مسأله، مسأله رأی و اختلاف نظر و ... نیست بلکه مسأله ایمان و کفر است، مسأله چنگ و دندان دشمنانی است که به سوی عزیزترین مقدسات آنان گشوده شده است، مسأله بازگشت به جاهلیت شاهنشاهی و حقارت و پستی وابستگی است، مسأله منافقینی است که فرزندان و پدران آنان را در سر سفره افطار گوش تاگوش سر بریده بودند، مسأله عبور از ولایت ائمه هُدی است تا ائمه کفر و سیاهی بر مسند حکومت تکیه کنند و آن بساط ظلم و عقب‌ماندگی و فساد و شهوت‌رانی را مجدداً علم کنند، مسأله تحت‌الحمایگی مجدد آمریکاست. امام حسین و تمامی خوبیها را باید بدهند تا یزیدیان و همه زشتیها را در عوض بگیرند. امام خمینی و رهبری متقی و عدالتخواه و ضد استکبار و مردمی را از دست وانهند و بر در کاخهای ستم‌پیشه‌ها، به ذلّت و مسکنت، مواجب حقیرانه بگیرند!

هیچ قشری در این خروش غایب نبود، همه آمدند، ولایت دلها را به هم گره زد و یکباره سونامی بزرگ انسانی، تمامی بافته‌ها و طرحهای اتاق فکر بوزینه‌های سبزینه‌پوش را بهم ریخت. میلیونها انسانِ عاشق ولایت، دلبسته و پیوسته با رهبری علوی، در خیابانها به حرکت درآمدند تا از نظام ولایی دفاع جانانه کنند و یاد شهدای دفاع مقدس و ایثارگریهای آنان را در خاطره‌ها تجدید نمایند. کوچه و خیابانی نماند مگر آن‌که رزمایش و همایش دفاع از دستاوردهای عزت و اقتدار ملت در آن برگزار شد. شعارها و کفنها، نمودها و نمادها، همه یک جهتگیری را

نشان می‌داد «آمده‌ایم تا دینی که حسین علمدار آن است و ولایت فقیه نگهبان آن، بماند. آمده‌ایم تا ته‌مانده‌های باطل را به زباله‌دانی تاریخ بریزیم. آمده‌ایم تا درسهای حسینی را که سالها آموخته‌ایم به رخ یزیدیان و کاخ‌نشینان سبز معاویه بکشیم. آمده‌ایم تا استواری خط قرمزهای نظام اسلامی را نشان دهیم. آمده‌ایم تا از مردمی و عدالتخواه و پاکترین نظام سیاسی عالم، دفاع کنیم و پشتیبانی و مشروعیت صد درصدی مردم از این نظام را به جهانیان بنمایانیم». این هماورد عظیم و روح پاک و زلالی که در آن جریان داشت، حیات طیبه را در کالبد نظام به جریان دوباره گذارد و فتنه‌گران همچون کف روی آب به جداره‌های رود عظیم و پرخروش مردمی رفته و ناپدید شدند. اسلام و نظام اسلامی یک بار دیگر کارآیی، عظمت و عزّت مردمی و حکومتش بر دلها را آشکار ساخت. قدرت بی‌نظیر بسیج مردمی از سوی ولایت به اذن الهی، کار را بر دشمنان یکسره کرد و دانستند که همچون دفعات پیشین، به کاه‌دان زده‌اند و این نظام مستحکم‌تر از آن است که به افواه آنها درهم بریزد. ۹ دی با سه روز فاصله به عنوان «یوم‌الله» در تاریخ ملّت ثبت شد و روزی حسینی را در برابر روز یزیدیان، با درخشندگیها و پاکیها و خوبیها به نمایش گذارد. ۹ دی، خط بطلانی بود بر پلشتیها و ادامهٔ زشتیهای اتاق فکر فتنه‌گران. دیگر دست و پا زدنهای آنان رنگ و حنایی نداشت و تنها نشانهٔ دست و پا زدن غریقی بود که به هر خاشاکی دست می‌گیرد تا شاید چند صباحی به زنده بودن ـ نه زندگی ـ ادامه دهد. ۲۲ بهمن هشتاد و هشت هم مُهر تأییدی شد بر خروش ۹ دی، که نگویند یک بار بود و احساسی و گذرا. خروشی دوقبضه شد برای بستن دهان یاوه‌گویان و اتمام حجت بر خاموشان و نخبه‌های مردودی و در حال سقوط. یک بار دیگر مردم، به تعبیر بنیانگذار جمهوری اسلامی، چراغ راه روشنفکران و خواص شدند و نشان دادند که در صحنه‌های دفاع از هویت دینی و

الهی خود، از آنان پیش‌اند.

این جلد از مجموعه «تاریخ وقایع انتخابات هشتاد و هشت» به حماسهٔ بزرگ و الهی ۹ دی می‌بایستی خاتمه می‌یافت و قصد نیز همین بود و درواقع نیز همین‌گونه است، لیکن برای تکمیل مباحث و نشان دادن تبعات سونامی بزرگ مردمی ۹ دی، به طور گزیده، حوادث را تا ۲۲ خرداد سال ۸۹ یعنی سالروز حماسه حضور بی‌نظیر مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری دوره دهم، دنبال کردیم تا مخاطبان عزیز، بی‌نیاز از رجوع به اسناد برای پیگیری حوادث بعد از ۹ دی شوند.

مجموعهٔ مواضع و عملکردها تا ۹ دی نشان می‌دهند که از یک سو اتمام حجّت، خویشتنداری، دعوت به عبرت‌گیری و بازگشت به دایرهٔ نظام و پیوستن به مردم می‌شد و این موضع رهبری و نظام بود که بر وفق سلوک سیاسی امام علی علیه‌السلام و امام خمینی قدس‌سره با مخالفان انجام می‌گرفت ولی از آن سو، عناد و خودفریبی و حقارت در برابر پشتیبانیهای بیگانگان بود و این موضع موسوی و کروبی و معدود هواداران آنها که مهر بر دهان داشتند و یا صریحاً به نفع فتنهٔ سبز موضع گرفته بودند. ۹ دی بخوبی نشان داد که گردن نهادن بر حق و اذعان نکردن بر اشتباه، به کجا منتهی می‌شود. همان‌طور که بخوبی آشکار ساخت که خویشتنداری و سلوک الهی و سیاست جذب حداکثری رهبری چگونه امداد و الطاف الهی را شامل حال نظام و مردم نموده و عزّت و پیروزی را نصیب آنان نمود. مخاطبان عزیز با مطالعهٔ موضعگیریها و پیگیری حوادث و وقایع بخوبی این مسائل را دریافت و ادراک خواهند کرد و ما در این پیشگفتار تنها به اشاره بسنده کردیم.

در هر حال نظام جمهوری اسلامی، اصولی دارد الهی و مردمی، هرکه به این اصول پشت کند، دیر یا زود، گرفتار عواقب خسارت‌بار آن خواهد شد. قانون اساسی محور، شاخص و شاقول درست یا نادرست بودن، حق یا باطل بودن

اشخاص و جریانات است. اگر در جایی، ابهام یا تفاسیر متفاوت از قانون هم باشد، راه دریافت صحیح قانون را خود قانون مشخص ساخته است. بالاترین و اصلیترین توصیهٔ حضرت امام خمینی(ره)، همین پایبندی و التزام عملی به قانون بود و هرکس که داعیهٔ خط امام را دارد باید به قانون تن دردهد. این مشی و توصیهٔ اصلی رهبری نیز هست. در دوران حضرت امام هم گاه، جهّالِ خواص‌نما، در مسؤولیتهای بالای نظام، مثل نخست‌وزیری و ریاست‌جمهوری (بازرگان و بنی‌صدر و موسوی) از امام می‌خواستند تا با اعمال قدرت، خلاف قانون عمل کنند که در همهٔ این موارد حضرت امام، استنکاف کرده و به دهان آنان می‌زدند. همان چیزی که موسوی و کروبی از رهبری خواستند تا برخلاف مسیر و مشی تعیین‌شده در قانون، نتایج انتخابات را ابطال کنند! و رهبری زیر بار این بدعت نرفتند. این درس بزرگی است که حوادث و وقایع انتخابات هشتاد و هشت به همه آموخت. قانون برآمده از اسلام و ولایت، مرز و خط قرمز نظام اسلامی است که هرکس با هر سابقه‌ای با میزان پایبندی به آن شناخته می‌شود و براساس آن مقبول یا مطرود ملّت قرار می‌گیرد.

نکتهٔ مهم دیگری که از کوران حوادث تلخ و شیرین سال ۸۸ می‌توان دریافت، ضرورت شناخت و فهم اصول و رئوس سیرهٔ سیاسی حضرت امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری است. کجاها باید فریاد زد و گفت؛ کجاها باید مدارا کرد؛ چه باید گفت و چه باید نگفت؛ مسائل اصلی کدام است و مسائل فرعی کدام و هریک چه جایگاهی دارند؛ شناخت دشمن و روشهای دشمنی و فهم مواضع و حرکات درست و نادرست از مواضع دشمن؛ اینها در سلامت شخصیتها و جریانات و گروهها بسیار مؤثرند. بصیرت هم یعنی شناخت همین مسائل. شاخصِ بصیرت هم جهتگیریهای امام و رهبری است. بودند اشخاص و جریاناتی که گمان

می‌کردند تأمّل و تحمّل رهبری در برابر فتنه‌گران و دعوت آنان به بیداری و مرزبندی با دشمنان، میدان بیشتری به دشمنان می‌دهد و بایستی با یک حرکت انقلابی کار آنان را تمام کرد ـ چنانچه در فتنهٔ بنی‌صدر همین توقع را برخی از امام داشتند ـ امّا گذشت زمان و هوشیاری و آگاهی عمومی از موضعگیریهای فتنه‌انگیزان و پی بردن به ماهیت پلید آنان و ریزشهای عمومی از هواداران این جریان، درستی و الهی بودن صبر و تأمّل رهبری را نشان داد. درواقع خیزش عمومی و پُرشور ۹ دی مُهر تأییدی بود بر سیاست «جذب حداکثری و دفع حداقلی» رهبری که موضعی الهی و از سر رحمت است.

شناخت اصول این سیره، بسیار اهمیت دارد و ما به سهم خود این بشارت را به مخاطبان می‌دهیم که در آیندهٔ نزدیک «سیرهٔ سیاسی حضرت امام خمینی» را مبتنی بر ۱۴ اصل، تدوین و منتشر و آنان را در این شناخت یاری خواهیم نمود. ان‌شاءالله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

مهر ماه ۱۳۸۸

چهارشنبه ۱ مهر ۱۳۸۸

ـ دیدار خاتمی و سوروس تکذیب‌شدنی نیست

محمدنبی حبیبی (دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی) درخصوص اظهارات خاتمی[۱] در دیدار با جرج سوروس گفت: «اگر اظهارات جرج سوروس در دیدار خاتمی واقعیت داتشه باشد، باید گفت انا لله و انا الیه راجعون. واقعاً برای جامعه سیاسی ما این مصیبت بزرگی است.»[۲] همچنین سید حسین نقوی حسینی (عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس) در این باره افزود: «برای خاتمی متأسف هستم، ما دیگر نمی‌توانیم از وی به عنوان شخصیت انقلابی یاد کنیم زیرا او به دنبال زیر سؤال بردن و نابود کردن اسلامیت و جمهوریت نظام است.»[۳] اسماعیل کوثری (نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس) با اشاره به این‌که خاتمی با تفکر اصلاح‌طلبانه و دموکراسی محض غرب تلاش کرد به غربیها نزدیک شود تصریح کرد: «غربیها به خوبی توانستند بر خاتمی تأثیر گذارند و اندیشه‌های آنان توانست خاتمی را دربر گیرد. الگوی خاتمی دموکراسی غربی بود، بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری به دنبال پیاده کردن این بحث بودند و در این ارتباط هم براساس تفکر و برداشت خود با تشکیلات سوروس تماس گرفت تا عقاید غرب را در جامعه حاکم کند.»[۴] حجةالاسلام شجونی (عضو جامعه روحانیت مبارز) نیز در این خصوص گفت: «آقای خاتمی شعار دانستن حق مردم است را به گونه‌ای در بوق و کرنا

۱- بخشی از زندگینامه سید محمد خاتمی در پیوست ۱ می‌باشد.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۲.
۳- همان.
۴- همان.

می‌کرد که گویا جز وی، هیچ‌کس چنین ادعایی را در جهان ندارد. حال که مشخص شده آقای خاتمی با جرج سوروس دیداری داشته و به قول سوروس این دیدار به یاد ماندنی هم بوده است چرا تاکنون این دیدار مهم و به یاد ماندنی را ـ که می‌تواند برای ملت ایران فراموش ناشدنی باشد ـ بازگو نکرده است.»[۱]

ـ منشأ حوادث پس از انتخابات قدرت‌طلبی معترضان بود

حجةالاسلام غلامرضا مصباحی مقدم (عضو جامعه روحانیت مبارز) در گفتگو با فارس با تطبیق فتنه خوارج با فتنه پس از انتخابات اظهار داشت: «همان‌طور که پیامبر(ص)، علی(ع) را به عنوان یک معیار مطرح کرد، امام رضوان‌الله تعالی‌علیه در دوران حیات خودشان فرمودند: پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به شما آسیبی نرسد، که این هم معیاری غیر قابل تردید است. اگر این معیار را اصل قرار دهیم و همه دور آن جمع شویم مسلماً بزودی خنثی می‌شود و اگر نخبگان تمام نظراتشان را به ولی فقیه ارجاع دهند و هرچه او گفت بپذیرند در این صورت نظام از هرگونه آسیبی مصون می‌ماند.»[۲]
وی در ادامه منشأ بحران بعد از انتخابات را قدرت‌طلبی دانست و خاطرنشان کرد: «آنها می‌گفتند یا در انتخابات پیروز می‌شویم یا اگر نشدیم به هم می‌زنیم و مایلند این آشوب را ادامه دهند تا در یک انتخابات دیگری از آن بهره‌برداری کنند.»[۳]

ـ موسوی و کروبی با رهبری تعامل کنند

به گزارش آینده محسن رضایی[۴] در گفتگو با باشگاه خبرنگاران با اشاره به این‌که فعالان سیاسی باید در محور وحدت حرکت کنند اذعان داشت: «با وحدت می‌توان از حقوق مردم و نظام در عرصه داخلی و خارجی دفاع کرد لذا فعالان سیاسی می‌بایست با

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲.
۳- همان.
۴- بخشی از زندگینامه محسن رضایی در پیوست ۲ می‌باشد.

برقراری ارتباط صمیمی‌تر با نظام و رهبری بتوانند از نظام و حقوق ملت دفاع کنند.»[۱] وی با اشاره به این‌که اگر انتقاد از موضع دلسوزی و بجا صورت نگیرد قطعاً جنبه کارشکنی به خود می‌گیرد، تصریح کرد: «نقد نباید وسیله‌ای برای لجبازی باشد و باید از موضع اصلاح صورت گیرد.»[۲]

ـ بیانیه می‌دهیم که ایران افغانستان نشود!

میرحسین موسوی[۳] در نامه‌ای به یکی از روحانیون مقیم قم با انداختن مسؤولیت خود در حوادث اخیر بر دوش مسؤولین گذشته، مدعی شد: «رسانه‌های دولتی اصرار دارند که ما را مسبب و محرک حوادث این چند ماهه معرفی کنند، حال آن‌که رفتارهای مسؤولان کشور نه فقط در انتخابات، بلکه سالها پیش هیمه‌هایی را انباشته بود که با خطاهای این ایام شعله‌ور شد.»[۴] این کاندیدای شکست خورده اصلاح‌طلبان با قبول نقش خود در ناآرامی‌های اخیر در ادامه نوشت: «مردم با سکوت یا سازش یک نفر از حرکت خود دست برنمی‌دارند و شاید حرکت مردم در حالی که به هیچ یک از دلبستگان نظام اعتماد نداشتند، آغاز می‌شد.»[۵] وی هدف خود از دادن بیانیه‌های احساسی و هیجانی را این گونه بیان کرد: «هدف از این بیانیه‌ها و حرکات قبلی این است که تکاپوی مردم در چارچوب نظام باقی بماند و در دام ساختارشکنی‌های خطرناک نیفتد. این خطری است که اگر محقق شود به راحتی می‌تواند از ایران، افغانستان و عراقی دیگر بسازد.»[۶]

ـ سخنان موسوی، خاتمی و کروبی را بشنوند

آیت‌الله سید علی‌محمد دستغیب (نماینده استان فارس در مجلس خبرگان) در نطقی

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۲. ۲- همان.

۳- بخشی از زندگینامه میرحسین موسوی در پیوست ۳ می‌باشد.

۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۲. ۵- همان.

۶- همان.

در اجلاسیه ششم مجلس خبرگان نسبت به آنچه تخریب یاران امام(ره) نامید اشاره کرد و گفت: «این تخریب از چهار سال پیش ظهور پیداکرد تا این اواخر که صدا و سیما سنگ تمام گذاشت. چهره‌های سرشناس ازجمله آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، حجةالاسلام کروبی، جنابان دو سید بزرگوار خاتمی و میرحسین موسوی چنان خدشه‌دار کرد که فریاد دوست و خنده‌های دشمن به آسمان رسید. آیا آنچه گذشت شرعی بود؟»[1] وی با انتقاد از وضع موجود افزود: «این چه وضعی است که جامعه را فرا گرفته و حتی مجلسین را، که هر صاحب نظری و مرجع و مجتهدی انتقاد می‌کند عده‌ای آماده شده به پشتیبانی نیروهای خاص به هر قیمتی او را از صحنه محو کنند تا عده‌ای خواب راحت کنند.»[2] وی در ادامه با بیان این‌که باید به موسوی، خاتمی و کروبی اجازه داده شود اعتراضات خود را بیان کنند، اضافه کرد: «چنانچه دعوت از آقایان موسوی و کروبی در این اجلاسیه میسر نیست، اجازه داده شود که در یک دعوت از طرف صدا و سیما و اگر نمی‌شود، از طریق سایت مجلس خبرگان اعتراضات خود را بیان کنند.»[3]

ـ لباس رهبری تنها بر قامت آیت‌الله خامنه‌ای برازنده است

نمایندگان مجلس خبرگان رهبری در پایان نشست سالانه خود با صدور بیانیه‌ای بر بیعت مجدد خود با رهبر معظّم انقلاب تأکید کرد و از همراهی برخی جریانات داخلی با دشمنان نظام در فتنه پس از انتخابات که با تدبیر رهبری خنثی شده انتقاد کردند. در بیانیه ششمین اجلاس رسمی خبرنگاران رهبری آمده است: «بدون شک تدابیر حکیمانه مقام معظّم رهبری در خاموش کردن آتش فتنه و حوادث پس از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری و مقاومت معظّم‌له در برابر تشکیک بی‌اساس نسبت به صحت و سلامت انتخابات ستودنی است و دلیلی قاطع بر هوشمندی و تدبیر ایشان می‌باشد.»[4]

۱- روزنامه اعتماد، ۸۸/۷/۴.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲.

◆ پنجشنبه ۲ مهر ۱۳۸۸ ◆

ـگاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن خودش کمک به فتنه است

مقام معظّم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان با تبیین ابعاد دشمنی دشمنان انقلاب اسلامی به انتخابات دهم اشاره کرده و اظهار داشتند: «دشمنان ما، دشمنان انقلاب، دشمنان نظام جمهوری اسلامی چند خط را دنبال می‌کنند که این در تبلیغاتشان و در کاری که انجام می‌دهند، واضح هم هست. اینها چیزهایی پوشیده و پنهانی نیست. باید در ذهن خودمان اینها را جمع‌بندی کنیم. یکی این است که نشانه‌های امید را مخدوش کنند، مورد خدشه قرار دهند، که ازجمله همین انتخابات بود.» ایشان با تأکید بر حفظ هوشیاری و بصیرت در بین نخبگان و خواص افزودند: «گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است.»[1]

ـما ساختارشکنیم و ضددین، جنبش سبز یعنی همین!

ایران گلوبال از قول یکی از عناصر ضدانقلاب مقیم خارج نوشت: «در پی مراسم روز قدس، رفسنجانی[2] را می‌بینیم که نماز عید فطر را به رهبر اقتدا کرد اینک نیز بیانیه مجلس خبرگان را در برابر داریم که اعلام نموده، جامه رهبری را فقط زیبنده قامت [آیت‌الله] خامنه‌ای می‌بیند. دیدیم که از دیگ خبرگان نیز آتشی گرم نشد. اکنون آقای موسوی با جنبشی روبه‌رو است که علی‌رغم هدف اوّلیه او مبنی بر حرکت در چارچوب نظام

۱- بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان در پیوست ۴ می‌باشد.
۲- بخشی از زندگینامه علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در پیوست ۵ می‌باشد.

مطالبات ساختارشکنانه دارد و اینک اوست که باید تردید و دودلی را کنار گذارده و موضع صریح خود را در حمایت یا عدم حمایت از همین مطالبات ساختارشکن اعلام کند. شاید بیانیه اخیر خبرگان، به آقای موسوی برای انتخاب یکی از دو گزینه کمک نماید.»[۱] سایت مذکور در ادامه افزود: «چگونه می‌توان فریاد جمهوری ایرانی و نسل آریایی، دین از سیاست جداست را شنید و یکی از خواسته‌های جنبش سبز را حفظ نظام جمهوری اسلامی اعلام کرد. این حرکت از مرزهای قانون اساسی و نظام عبور می‌کند و مطالباتش از جنسی دیگر است. مگر غیر از این است که تمام ظرفیتهای قانون اساسی که مورد نظر آقای موسوی است، مشروط بر اساس اسلام و ضوابط اسلامی است؟... بدنه جنبش سبز یا آقای موسوی را با خود همراه می‌سازد یا از او عبور می‌کند و رهبری شایسته برای خود برمی‌گزینند.»[۲]

ـ خط و نشان سیانیوز برای هاشمی

سایت ضدانقلابی گویا نیوز (وابسته به سازمان سیا) در واکنش به عدم همراهی هاشمی رفسنجانی در ماجراجویی‌های اخیر ضدانقلاب نوشت: «آقای هاشمی! ماجرای روز قدس و نامه آقای موسوی به آیت‌الله منتظری پیام روشنی برای شجاعت مبنی بر این‌که خط ما از خط نظام کاملاً جداست.»[۳] این سایت افزود: «نه آقای هاشمی، نه آقای ناطق نوری، نه آقای روحانی و نه معدودی از وابستگان نحله ایشان، هیچ‌گاه در جرگه اصلاح‌طلبان ـ حداقل آنچه ما و جامعه از رویکرد اصلاحیون می‌شناسیم ـ نبوده‌اند. برگزاری اجلاسیه جدید مجلس خبرگان به ریاست آقای هاشمی به باور بسیاری می‌توانست به عنوان فرصتی سرنوشت‌ساز جهت تغییر مسیر یا صورت‌پذیری تغییرات بنیادین در ساختار نظام تلقی شود و البته نشد و برخی تلاشها هیچ بازتابی در بیانیه پایانی اجلاس نداشت.»[۴]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۴.

۲- همان.

۳- همان.

۴- همان.

جمعه ۳ مهر ۱۳۸۸

ـ غرب در انتخابات ایران دموکراسی را نپذیرفت

دکتر محمود احمدی‌نژاد[۱] (رئیس‌جمهور منتخب مردم) در مصاحبه با شبکه تلویزیونی پی . بی . اس آمریکا در پاسخ به سؤالی درباره انتخابات گفت: «در برخی کشورها، نمایشی از انتخابات برگزار می‌شود، امّا در ایران چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. طی ۳۰ سال ۳۰ انتخابات در ایران برگزار شده است. در سال ۱۳۸۴ هم انتخاباتی برگزار شد که جریان آن با تمام توان حامی رقیب من بودند امّا مردم به من رأی دادند و البته دو کاندیدا در آن زمان هم گفتند که در انتخابات تقلب شده در حالی که خودشان انتخابات را برگزار کرده بودند.»[۲] وی در ادامه به حوادث پس از انتخابات اشاره کرد و افزود: «درگیریهای پس از انتخابات یک طراحی بود و برخیها هم تشویق کردند و سعی نمودند کار غیرقانونی را مثبت جلوه دهند و برخی سیاستمداران انگلیسی و آمریکایی و برخی رسانه‌های غربی سعی نمودند کار غیرقانونی را قانونی جلوه دهند.»[۳]

رئیس‌جمهور همچنین ویژگیهای انتخابات را برشمرد و اظهار داشت: «آیا جایی سراغ داریم که ۸۵ درصد مردم در انتخابات شرکت کنند؟» وی خطاب به غرب گفت: «چرا برخی شعار دموکراسی می‌دهند، امّا وقتی به ایران می‌رسند از اقلیت دفاع می‌کنند! چرا سیاستمداران غربی انگلیسی و آمریکایی از اکثریت حمایت و دفاع نمی‌کنند، مگر

۱- بخشی از زندگینامه محمود احمدی‌نژاد در پیوست ۶ می‌باشد.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۴.
۳- همان.

دموکراسی را نمی‌پذیرند و دموکراسی نمی‌خواهند.»[1]

ـ ولایت و رهبری در رأس امور است

آیت‌الله جوادی آملی (امام جمعه قم) در خطبه‌های نمازجمعه با بیان این‌که ولایت و رهبری در رأس همه امور قرار دارد، اظهار داشت: «اگر دشمن به فکر فتنه، آشوب، اغتشاش و درگیری در داخل کشور است باید بداند که ملت ایران در برابر هیچ فتنه‌ای سر تسلیم فرود نمی‌آورد.»[2] وی افزود: «اسلام بیش از هرچیز به سلامت قلب به معنای قلب و جان تأکید دارد و مسؤولین وزارت بهداشت باید سعی کنند تا در این زمینه سلامت مردم را تأمین کنند. امّا کسانی که در قلب آنها بیماری سیاسی وجود دارد، مرتب دست به گوشی بی بی سی هستند و با بیگانگان ارتباط دارند.»[3]

ـ فهم شجاعانه است که مقابله با دشمن را آسان می‌کند

آیت‌الله جنتی (دبیر شورای نگهبان) در خطبه‌های نمازجمعه تهران با اشاره به دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری با مقام معظّم رهبری تصریح کرد: «شجاعت در عمل و اجرا را خیلیها مطرح کرده بودند، امّا بحث شجاعت در فهم که از سوی رهبری مطرح شد بسیار ارزشمند است، به این معنا که اگر انسان ترسو باشد یک جور می‌فهمد، اگر شجاع باشد یک جور دیگر می‌فهمد و فهم شجاعانه است که مقابله با دشمن را آسان می‌کند.»[4]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۴.
۳- همان.
۴- همان.

-ه• شنبه ۴ مهر ۱۳۸۸ •ه-

ـ آشوبهای بعد از انتخابات فتنه سبز بود

به‌گزارش ایسنا غلامعلی حداد عادل در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاه دفاع ملی با اشاره به این‌که دشمنان در طی ۳۰ سال گذشته توانسته‌اند به درک جایگاه ولایت فقیه در دفاع از انقلاب برسند گفت: «در همین انتخابات اخیر آنچه‌که مشاهده شد حکایت از این مسأله دارد که وجه مشترک فعالیتهای بسیاری از آنهایی که در داخل سردمدار این حرکتها بودند، مشکل‌شان با ولایت فقیه است. البته در این میان طرفهای خارجی نیز فهمیده‌اند که چه کار باید بکنند و سراغ کسانی رفته‌اند که با مسأله ولایت فقیه مشکل دارند. باورم این است که ریشه تمام این حرکتها به درک ناقص و غلط از حقیقت ولایت فقیه بازمی‌گردد و کسانی که به نقش محوری ولایت فقیه توجه کردند در این انتخابات راه خود راگم نکردند.»[1] رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در ادامه افزود: «عده‌ای در جریان انتخابات برای سرپیچی از ولایت فقیه، ادعای تمسک به امام(ره) کردند و دم از امام(ره) زدند، ولی در درک این حقیقت عملاً مشکل داشتند. افرادی هم در روز قدس به دعوت و پشتیبانی آنها در یک دستشان بطری آب و بر لبشان سیگار بود و فریاد می‌زدند «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» و این در حالی است که این افراد نمی‌دانند رزمنده‌ای که در غزه دفاع می‌کند درواقع از همه جهان اسلام ـ که ایران نیز بخشی از آن است ـ دفاع می‌نماید.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۵.
۲- همان.

ـ افشای جزئیات دیدار خاتمی و سوروس توسط کنت تیمرمن

به گزارش ایرنا، تیمرمن مؤسس بنیاد دموکراسی برای ایران در مقاله‌ای که در پایگاه اینترنتی نیوزمکس در ۳ سال پیش منتشر شد با اشاره به موضوع هسته‌ای ایران و بررسی پیشنهادهایی برای چگونگی توقف ایران هسته‌ای از دیدار محرمانه سوروس و خاتمی در یک ضیافت شام خبر داد. تیمرمن در این زمینه نوشت: «همزمان و کمتر از یک مایل دورتر از محل گفتگوی پهلوی با سانتروم و ماریتوز در سنای آمریکا، جرج سوروس و سایر مخالفان دولت بوش در هتل گرد هم آمده بودند تا تعامل دولت با تهران را خواستار شوند. سوروس خطاب به شرکت‌کنندگان در این نشست که به همت «بنیاد آمریکای نوین» برگزار شده بود، درباره یک معامله بزرگ با تهران سخن گفت که به رسمیت شناخته شدن ایران از سوی آمریکا، پایان رویارویی هسته‌ای از طریق مذاکرات و از سرگیری مناسبات عادی میان دو کشور را در بر خواهد داشت. برخی مقامات روز پنجشنبه به نیوزمکس گفتند که سوروس در همین هفته و در یک مراسم خصوصی حرف شام در بوستون درباره این معامله بزرگ با محمد خاتمی رئیس‌جمهور سابق ایران گفتگو کرد. یک ایرانی که در آن مراسم شام حضور داشت، گفت: «خاتمی به ما گفت که آمریکا باید مذاکره با ایران را آغاز کند؛ او افزود که ایران مسلماً خواهان تعلیق غنی‌سازی اورانیوم، امّا نه به عنوان یک پیش شرط برای مذاکرات است.»[۱]

ـ طرح شکایت از برخی مقامات قضایی در موضوع کهریزک

به گزارش حجة‌الاسلام مصطفی پورمحمدی در جمع خبرنگاران در پاسخ به این‌که آیا سازمان بازرسی کل کشور.در قضیه بازداشتگاه کهریزک وارد شد یا خیر؟ گفت: «گزارش تهیه شده، بازداشتگاه تعطیل شده و متهمانش تحت تعقیب هستند و اکنون کاری که در حال پیگیری است دیگر نیازی به بازرسی ما ندارد.»[۲]

۱- همان.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۵.

ـ روند کاری کمیته ویژه مجلس را قبول ندارم

حجةالاسلام قدرت‌الله علیخانی (عضو کمیته ویژه مجلس برای بررسی وضعیت بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات) در پاسخ به این که کمیته ویژه مجلس چه زمانی گزارش خود را به مجلس ارائه خواهد داد، گفت: «روند کاری کمیته را قبول ندارد.»[1] این عضو کمیته ویژه در پاسخ به این سؤال که دلایل شما در مخالفت با روند کار کمیته چیست؟ گفت: «نمی‌خواهم دلایل را ذکر کنم.»[2]

ـ عاملان اختلافات اخیر سوابق فکری منحرف داشته‌اند

آیت‌الله مصباح یزدی (رئیس مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی(ره)) در دیدار جمعی از دانشجویان بسیجی کشور با بررسی اغتشاشات و آشوبهای پس از انتخابات گفت: «متأسفانه شاهد هستیم این اختلافات از سوی کسانی مطرح می‌شود که از ابتدای انقلاب و بلکه سالها پیش از آن برای پیروزی انقلاب اسلامی خدمات ارائه داده‌اند، زندانی شده‌اند و شکنجه‌ها دیده‌اند.»[3] وی با بیان این‌که در آشوبهای پس از انتخابات برخی آگاهانه و هدفمند و برخی دیگر از روی ناآگاهی و تحت تأثیر احساسات شریک شدند، افزود: «هدف مادّی و دنیایی برای برخی ریشه این اختلافات بود. کسانی که خدمات طولانی به انقلاب داشتند و در این اختلاف سهیم شدند یک روزه مشی سیاسی خود را عوض نکرده‌اند و نمی‌توانند این‌گونه باشند، بلکه این افراد سوابق فکری منحرف داشته‌اند که امروز اظهار و بروز پیدا کرده است.»[4]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۵.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۵.
۴- همان.

یکشنبه ۵ مهر ۱۳۸۸

- فراخوان‌های غیرقانونی موسوی و شایعه تقلب عامل فوران نفرت در خیابانها بود

سعید حجاریان (عضو مستعفی حزب مشارکت) در گفتگوی مکتوب با خبرگزاری ایرنا به پرسشهای متنوعی در خصوص علت تحول، عوامل حوادث پس از انتخابات، نوع نگاههای سابق خود به مقوله ولایت و مشروعیت، علت انحرافات فکری خود و جریان متبوعش و ... پرداخت.[1]

- هیچ کس به دلیل انتساب خاص از اجرای عدالت معاف نمی‌شود

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) در جلسه مسؤولان عالی قضایی با اشاره به پرونده‌های مفاسد اقتصادی از قاطعیت این قوّه خبر داد و گفت: «همه باید این مسأله را قبول کنیم که هیچ کس به خاطر انتساب خاص نمی‌تواند مدعی وجود حریم و درنتیجه معاف از بررسی و تحقق عدالت باشد.» و همچنین تصریح کرد: «در رسیدگی به تخلفات و اغتشاشات پس از انتخابات باید بدقت آیین دادرسی رعایت شود که یکی از نکات مهم در این زمینه این است که اقرار شخص نسبت به شخص دیگر دارای حجت شرعی و قانونی نیست.»[2]

۱- متن کامل گفتگوی مکتوب سعید حجاریان با خبرگزاری ایرنا در پیوست شماره ۷ می‌باشد.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۶.

دیدارهای رهبر معظم انقلاب اسلامی با اقشار مختلف
که در آن دیدارها در مورد فتنه و فتنه گران بیاناتی داشته اند



دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان ۸۸/۷/۲



دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور ۸۸/۸/۶



دیدار بسیجیان ۸۸/۹/۴



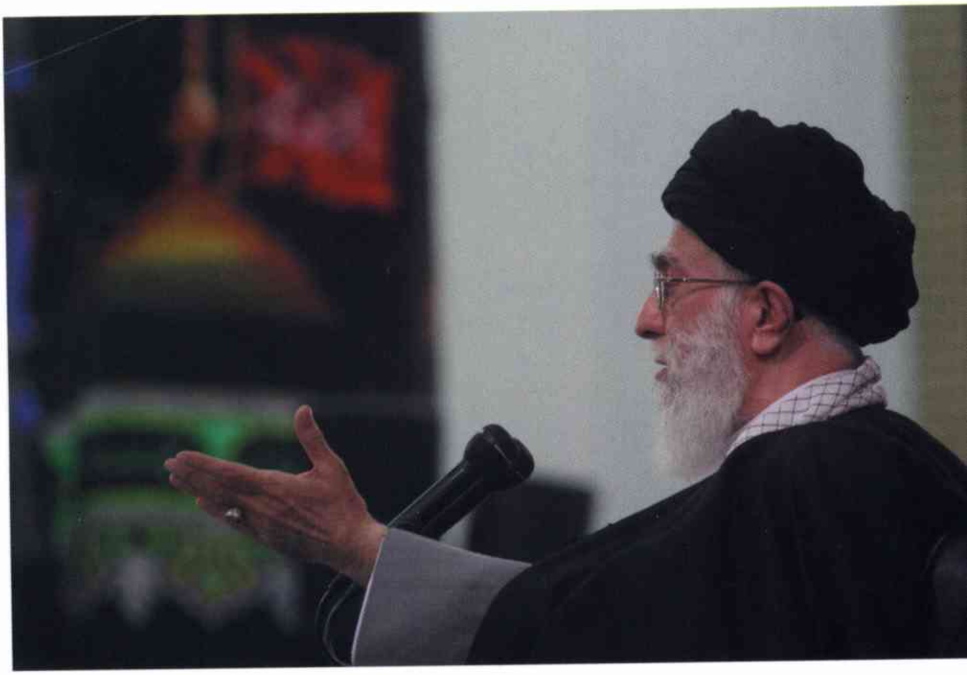
دیدار بسیجیان ۸۸/۹/۴



دیدار طلاب و اساتید حوزه های علمیه ۸۸/۹/۲۲



دیدار طلاب و اساتید حوزه های علمیه ۸۸/۹/۲۲



دیدار با مردم قم ۸۸/۱۰/۱۹



دیدار با مردم قم ۸۸/۱۰/۱۹



دیدار با اساتید دانشگاه تهران ۸۸/۱۱/۱۳



دیدار با اساتید دانشگاه تهران ۸۸/۱۱/۱۳



دیدار با مردم آذربایجان ۸۸/۱۱/۲۸



دیدار با نمایندگان مجلس خبرگان رهبری ۸۸/۱۲/۶



دیدار با مردم در حرم مطهر رضوی ۸۹/۱/۱



دیدار با مردم درمنطقه عملیاتی فتح المبین ۸۹/۱/۱۱



دیدار با مسئولان نظام ۸۹/۱/۱۶



دیدار با پرستاران ۸۹/۲/۱

ـ ادبیات بیانیه‌های موسوی فرقی با ادبیات رجوی ندارد

محمدجواد لاریجانی (دبیرکل ستاد حقوق بشر قوّه قضائیه) در حاشیه بازدید از نمایشگاه نجوم در مجلس شورای اسلامی با بیان این‌که ادبیات بیانیه‌های موسوی هیچ فرقی با ادبیات مسعود رجوی ندارد، گفت: «جناح اصلاح‌طلب با حمایت از میرحسین موسوی او را به حرکت در راه معارض با نظام هدایت کرد. میرحسین موسوی باید فکر کند که براستی چه کرده که منافقان، آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای غربی از او حمایت می‌کنند و برای او کف می‌زنند!»[1]

وی با اشاره به وحدت حول نظام اسلامی به سران فتنه توصیه کرد: «این آقایان باید سر عقل بیایند دست از معارضه با نظام بردارند و قواعد رقابت دموکراتیک را یاد بگیرند.»[2]

ـ امام‌زدایی امکان‌پذیر نیست

به گزارش پارلمان نیوز محسن آرمین (سخنگوی سازمان مجاهدین) آنچه امام‌زدایی جریان مخالف اصلاحات نامید را مورد انتقاد قرار داد. وی با بیان این‌که امروز تقریباً تمامی یاران امام از بیت شریف امام گرفته تا یاران نزدیک و افراد مورد اعتماد امام همگی هدف هتاکی‌ها و حملات این جریان قرار گرفته‌اند، افزود: «از نوه برومند و محترم امام جناب سید حسن آقا خمینی بگیرید تا آقای هاشمی رفسنجانی که نزدیک‌ترین و باسابقه‌ترین یاران امام بودند تا جناب آقای موسوی که نخست‌وزیر امام و مورد لطف و حمایت همیشگی امام بودند تا آقای خاتمی که امام او را فرزند فرهیخته و فاضل خود می‌دانست تا بهزاد نبوی که امام او و یارانش را از نیروهای مخلص و لایقی می‌دانست که عده‌ای مغرض درصدد حذف آنها هستند.»[3]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۶. ۲- همان.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۶.

ـ ارائه طرح حل اختلاف، پیشنهاد اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام است

رئیس تشخیص مصلحت نظام در دیدار با اعضای شورای مرکزی خانه احزاب ایران درباره طرح برخی افراد دلسوز و خیرخواه برای بهبود شرایط کشور گفت: «افرادی دلسوز در مجمع تشخیص مصلحت نظام پیشنهاددهنده این طرح به این‌جانب بودند که مورد موافقت بنده نیز قرار گرفت.»[1] هاشمی رفسنجانی همچنین اضافه کرد: «بزرگترین آرزوی من این است اهدافی که پیشتازان انقلاب در برترین شرایط به دنبال آن بودند پیگیری شود.»[2]

ـ اعضای مجلس خبرگان نمی‌خواهند هاشمی مورد سوءاستفاده قرار گیرد

آیت‌الله حسن ممدوحی (عضو مجلس خبرگان رهبری) انتقاد اعضای این مجلس به هاشمی رفسنجانی را از باب عیبجویی ندانست و تأکید کرد: «خبرگان نمی‌خواهند آقای هاشمی مورد سوءاستفاده دشمنان قرار بگیرد.»[3]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۷. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۶.

دوشنبه ۶ مهر ۱۳۸۸

ـ در انتخابات تمام اشرار عالم در برابر نظام ایستادند

محمدحسین صفار هرندی در جمع نخبگان و هادیان سیاسی استان یزد با اشاره به حوادث پس از انتخابات و صف‌آرایی و هرزه گویی‌های تمام اشرار عالم در قالب رسانه‌های بیگانه و یا زمامدارانشان علیه نظام و انقلاب اسلامی و منتخب مردم گفت: «این اقدام به تبع مسائل انتخابات و گمان آنان مبنی بر ناسالم بودن نتایج انتخابات نبود، بلکه اگر از ماهها قبل نیز دلهای آنان گشوده و ضمیرشان جستجو می‌شد، مشخص می‌شد آنها به این نحوه مدیریت کشور معترض بودند و از آن بیم داشتند. چرا که این مدل خدمت نه تنها در ایران بلکه در جاهای دیگری که به آن تأسی می‌کردند، کسانی راکه در کمین قدرت نشسته بودند، از این جایگاه دور می‌کرد.»[1] وی بحث اصلی این گروهها و شخصیتها را تغییر در قانون اساسی دانست و افزود: «این اقدام (اردوکشی خیابانی) به دنبال تصور نادرست آنها از رهبر معظّم انقلاب و مقایسه این مقطع زمانی با واقعه صدور فرمان مشروطیت، تحت فشار چانه‌زنان شکل گرفت. غافل از این‌که با شخصیتی مواجه‌اند که نگاهش به این جایگاه مسؤولیت از جنس نگاه مولایش حضرت امیرالمؤمنین(ع) است و به اندازه کفشی پاره برای حکومت ارزش قائل نیست مگر این که از طریق آن بتواند حق مظلومی را از ظالمی بگیرد.»[2]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۷.
۲- همان.

ـ اهانت صانعی به مراجع و بزرگان انقلاب

یوسف صانعی در اقدامی ناشایست، ضمن اهانت به حضرات آیات مکارم شیرازی، نوری همدانی از مراجع عظام تقلید و آیت‌الله امامی کاشانی امام جمعه موقت تهران، خواستار مرگ آیت‌الله جنتی دبیر شورای نگهبان شد. در جلسه‌ای که در دفتر صانعی با حضور جمعی از عناصر شاخص اصلاح‌طلب برگزار شد،وی در قسمتی از سخنان خود ضمن افتخار به مخالفت با نظام جمهوری اسلامی گفت: «روزی که جنتی ان‌شاءالله بمیرد سراسر ایران چراغانی می‌شود و مردم شادی می‌کنند.»[۱] وی در ادامه سخنان خود مرجع مردم برای دریافت اخبار را رسانه‌های بیگانه خواند و اظهار داشت: « کسی که به رادیو و تلویزیون ایران توجه کند، هیچ چیزی از مسائل خبر ندارد. رسانه‌های غربی را نگاه کنید، ببینید اینها چه می‌کنند. ببینید آقای سازگارا (ضد انقلاب فراری) چه می‌گوید؟ من ایشان را آدم متدینی می‌دانم!»[۲]

ـ بیانیه شماره ۱۳ میرحسین موسوی

میرحسین موسوی با انتشار سیزدهمین بیانیه خود با بیان این‌که بر اثر سیاست خارجی غلط و ماجراجویانه دولت،کشور در آستانه بحران قرار گرفته، نوشت: «ساده‌انگارانه است که تصور کنیم منطق مبارزه یک امتیاز برای راه سبز ماست.» وی همچنین در ادامه ادعاهای انتخاباتی‌اش مدعی شد: «اقتصاددانان با اتکا به آمارهای رسمی دولت، دهها میلیارد دلار از درآمدهای ارزی کشور در سالهای گذشته را مفقود اعلام می‌کنند.» وی بدون اشاره به روزه‌خواری و شعار «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» هوادارانش آورد: «آنها که از رخدادهای قدس امسال احساس شکست می‌کردند بیشترین بهره را از آن بردند. آنها به واضح‌ترین شکل دریافتند که سه ماه خشونت بی‌سابقه کمترین اثری در حضور مردم به جای نگذاشته بلکه آن را فراگیرتر کرده است.»[۳]

۱- همان. ۲- همان.

۳- بیانیه شماره سیزده موسوی در پیوست شماره ۸ می‌باشد.

ـ خدمت موسوی، خاتمی و کروبی به غرب

عباس سلیمی نمین (رئیس مرکز مطالعات تاریخ معاصر ایران) گفت: «موسوی، خاتمی و کروبی در شرایط کنونی مشغول خدمت به اسرائیل و غرب هستند و باید به آنها توصیه کرد تا دیر نشده است، از این رویه خود دست بردارید.»[1] وی افزود: «در روز قدس که ملت یکپارچه شعار مرگ بر اسرائیل می‌داد، این حضرات به هیچ وجه حاضر نبودند، علیه اسرائیل به عنوان یک جریان نژادپرستی شعار بدهند. این زیبنده افرادی که ادعای پیروی از امام(ره) را دارند، به هیچ وجه نیست.»[2]

ـ مترجم خاتمی ملاقات وی با سوروس را تأیید کرد

به‌گزارش الف، هومن مجد (مترجم هیأت همراه خاتمی در سفر به ایالات متحده) در کتاب اخیر خود به عنوان پارادوکس ایران مدرن سفر سوروس به محل اقامت خاتمی برای دیدار با وی را تأیید کرد. وی در این کتاب در صفحهٔ ۲۰۷ که در سال ۲۰۰۹ منتشر شده آورده است: «خاتمی نمی‌توانست با هیچ فردی از دولت بوش به هر نحوی دیدار کند، امّا ظاهراً مقامات دولتی سابق زیادی بودند که مایل بودند او را ببینند. چهره‌های تأثیرگذار بی‌شماری همچون جرج سوروس و ریچارد بلوم هم بودند که با جت شخصی به بوستون رفتند تا در هتل خاتمی با او به صورت خصوصی ملاقات کنند.»[3]

ـ آقای هاشمی پاسخ شما به مردم چیست؟

مهدی کروبی[4] (کاندیدای شکست‌خورده انتخابات دهم) با نوشتن دومین نامه خود به هاشمی رفسنجانی از مواضع وی در اجلاسیه مجلس خبرگان انتقاد کرد و نوشت: «اجلاس خبرگان برگزار می‌شود و شما نه سخنی در انتقاد از شرایط حاکم بر کشور بر

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۷. ۲- همان.

۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۷.

۴- بخشی از زندگینامه مهدی کروبی در پیوست ۹ می‌باشد.

زبان می‌آورید و نه انتقادی را بنا به وظیفه خود منتقل می‌کنید و از همه عجیب‌تر در اختتامیه مجلسی بدین اهمیت در زمانه‌ای به این حد خطیر غایب می‌شوید. از خود می‌پرسم آیا این همان اکبر هاشمی است با همان روحیه‌ای که قبل از انقلاب در او سراغ داشتیم؟ ...»[۱]

ـ منسوب بودن به امام دلیلی برای انجام کارهای اشتباه نیست

حجةالاسلام یحیی جعفری (امام جمعه کرمان) با بیان این‌که وابسته و منسوب بودن به امام دلیلی بر انجام برخی کارهای اشتباه نیست، گفت: «موسوی و کروبی از بدو انتخابات بسیار بد عمل کردند و آبروی نظام مقدس جمهوری اسلامی را زیر سؤال بردند. آنها با عملکرد ناشایست خود در بعد از انتخابات باعث شدند که بیگانگان پررو شوند و علیه جمهوری اسلامی مطالبی بیان کنند.»[۲]

۱- متن دومین نامه مهدی کروبی به هاشمی رفسنجانی در پیوست ۱۰ می‌باشد.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۷.

سه‌شنبه ۷ مهر ۱۳۸۸

ـ دستگاه قضایی وامدار کسی نیست

به‌گزارش ایسنا عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) با اشاره به حوادث پس از انتخابات گفت: «بعد از انقلاب، جریاناتی چون بنی‌صدر، جنگ و ۱۸ تیر اتفاق افتاد، امّا جریان بعد از انتخابات یک جریان ممتازی بود که عقبه‌های مردمی داشت. انتخاباتی رخ داد و بعد از آن بحرانهایی به وجود آمد که مبارزه با این بحران مشکل‌تر از بحرانهای قبلی بود.»[1] وی با تأکید بر این‌که قوّه قضائیه وامدار کسی نیست اظهار داشت: «اگر این چارچوب اجرا شود، کشور حفظ می‌شود، مردم خوشحال می‌شوند، رهنمودهای مقام معظّم رهبری اجرا و متخلفان سر جای خودشان می‌نشینند.»[2]

ـ تا دیروز شهید جنبش سبز و حالا مزدور است

به‌گزارش گویا نیوز، سراج‌الدّین میردامادی (معاون مدیرکل انتخابات در دولت خاتمی) که اکنون در فرانسه اقامت دارد، بدون اشاره به چند ماه رفتار فریبکارانه و مظلوم‌نمایی میرحسین موسوی، حزب مشارکت و طیفهای همسو به بهانه دختری به نام سعیده پورآقایی و طرح و ادعاهای سخیف و اهانت‌آمیز علیه نظام گفت: «این حیله‌ای کثیف بود. ما در تلاش بودیم تا آنها را بمباران نماییم غافل از این‌که دستگاه برای ما دام پهن کرد و متأسفانه رسانه‌ها اعضای کمیته منصوب از سوی آقایان موسوی و کروبی و

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۸.
۲- همان.

بسیاری از سخنوران و گویندگان و نویسندگان جنبش سبز نیز در این دام افتادند.»[1] وی با توهین به مادر سعیده پورآقایی، وی را مأمور و مزدور جمهوری اسلامی و فرصت‌طلب خواند و اضافه کرد: «از این باب که افراد بدطینت و سودجو در این شرایط بی حساب و کتاب رشد می‌نمایند و سعی می‌نمایند منافع شخصی خودشان را تأمین نمایند، باید بسیار هوشیار بود و ادعاهای افراد را به دقت بررسی و بعد حکم و دستور صادر نمود. کلیه کسانی که در این روزها عازم اروپا شده‌اند و مدعی عضویت در ستادهای آقای موسوی هستند و یا مدعی می‌شوند به هر بهانه‌ای بازداشت شده و تحت شکنجه قرار گرفته‌اند باید در خارج از کشور توسط کمیته متخصص و مورد وثوق و اعتمادی بررسی و تحقیق شوند.»[2]

ـ دیدار اعضای شورای مرکزی فراکسیون خط امام(ره) با میرحسین موسوی

به‌گزارش ایلنا داریوش قنبری (سخنگوی فراکسیون خط امام(ره) مجلس) با اشاره به دیدار عصر روز سه‌شنبه اعضای این فراکسیون گفت: «ایشان (موسوی) در این دیدار تأکید کردند که مقید به فعالیت در چارچوب‌های انقلاب هستند و جنبش سبز را مجموعه‌ای جدا از نظام نمی‌داند.»[3] به گفته وی موسوی با اشاره به برخی انحرافات ایجادشده تأکید کرده است قصد اصلاح این موارد را دارد. قنبری افزود: «آقای موسوی معتقدند که این حرکت (جنبش سبز) در درون نظام شکل گرفته و برخاسته از متن نظام است از این رو می‌تواند تداوم پیدا کند.»[4]

ـ واکنش دفتر آیت‌الله نوری همدانی به ادعای صانعی

یکی از اعضای دفتر آیت‌الله نوری همدانی ادعاهای مطرح شده از قول یوسف‌علی صانعی در مورد آیت‌الله نوری همدانی را بی‌اساس خوانده و ادعای پشیمان شدن ایشان

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۸.
۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۹.
۴- همان.

از تبریکات گفته شده در باب انتخابات را تکذیب کرده است. وی افزود: «قبل از این هم به دفتر گزارش شده بود که شیخ یوسف‌علی صانعی سه بار در مکانهای مختلف به آیت‌الله نوری همدانی اهانت کرده است.»[1]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۸.

چهارشنبه ۸ مهر ۱۳۸۸

ـ حجاریان آزاد شد

سعید حجاریان (عضو مستعفی حزب مشارکت) که از حدود ۳ ماه پیش در بازداشت بود ظهر چهارشنبه با تأمین قرار وثیقه‌ای معادل ۲۰۰ میلیون تومان آزاد شد. آزادی حجاریان تا زمان اعلام حکم قطعی دادگاه متهمان آشوبهای پس از انتخابات خواهد بود.[1]

ـ بازداشت ۱۰ پلیس مرتبط با ماجرای کهریزک

سردار احمدی مقدم (فرمانده ناجا) با بیان این‌که در ارتباط با ماجرای کهریزک ۱۰ نفر از نیروهای پلیس توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح بازداشت شدند، گفت: «باید مراقب باشیم دایره این پرونده گسترش نیابد و عملکرد نامناسب معدودی از نیروهای پلیس به حساب پرسنل خدوم ناجا گذاشته نشود.»[2]

ـ منتظری، صانعی ـ روحانی واقعی!

شماری از عناصر وابسته به گروهکهای منافقین، نهضت آزادی، مشارکت و مجاهدین، تحکیم با ارسال نامه مشترکی از مواضع ضدانقلابی و ضدملی آقایان منتظری و صانعی تشکر کردند. در کنار نامه مذکور که از سوی سایت گروهک نهضت آزادی

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۹.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۹.

منتشر شد، تصاویر مراجع و علمای بزرگ نظیر حضرات آیات مکارم شیرازی، سبحانی، صافی گلپایگانی، مظاهری، جوادی آملی، مؤمن، استادی و... به عنوان چهره‌هایی که از نظام پشتیبانی می‌کنند و مانند برخی عناصر آلت دست گروهکهای نفاق علیه نظام موضع‌گیری نمی‌کنند، قرار داده شده و مورد حمله قرار گرفته است. جریانهای نفاق از طریق باند مهدی هاشمی و برخی عناصر خاکستری تلاش وسیعی را تدارک دیده بودند تا بین علما و مراجع با نظام فاصله بیندازند و در فضای فتنه پس از انتخابات از این طریق به اصل اسلام و انقلاب آسیب بزنند اما به مرور زمان دست آنها رو شد. شایان ذکر است در تظاهرات چند ده نفر از وابستگان به گروهکهای مارکسیستی و ضدانقلابی در دانشگاه تهران شعار «منتظری، صانعی ـ روحانی واقعی» سر داده شد.[۱]

ـ توصیه آیت‌الله مکارم شیرازی

آیت‌الله مکارم شیرازی در درس خارج فقه خود در مسجد اعظم قم با اشاره به برخی اختلافهای سیاسی در داخل کشور گفت: «متأسفانه در کشور خودمان شاهد هستیم که برخی با شایعه‌پراکنی و دروغهای بی‌اساس در سایتهای اینترنتی به اختلافهای سیاسی دامن می‌زنند و هرگز به مبانی اسلامی توجهی نمی‌کنند.»[۲] این مرجع تقلید در ادامه اظهار داشت: «هم‌اینک کشور ما در حال مذاکره با دیگر کشورها است و اگر این اختلافهای داخلی ادامه یابد در عرصه بین‌المللی ضعیف خواهیم شد و کشورهای خارجی برای مذاکره ما را تحت فشار قرار خواهند داد و در برابر تصمیمات ما قانع نخواهند شد.»[۳] آیت‌الله مکارم افزودند: «تا زمانی که اختلافهای سیاسی در داخل کشور وجود دارد کشورهای خارجی از این شرایط به وجود آمده در مذاکرات به نفع خود بهره خواهند گرفت.»[۴]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۹.
۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۹.
۳- همان.
۴-پ همان.

پنجشنبه ۹ مهر ۱۳۸۸

- تحریم بی‌فایده است باید به جنبش سبز کمک کنیم

رضا پهلوی (فرزند شاه مخلوع) در مقاله‌ای در روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف نوشت: «تحریمهای قبلی علیه ایران بی‌فایده بوده است و تنها نتیجه تحریمهای این بوده است که ایران به بمب هسته‌ای نزدیک‌تر می‌شود... اکنون زمان آن است یک چیز جدید را (برای مقابله با ایران) امتحان کنیم و آن تقویت جنبش سبز ایران است.»[1]

- دیدار عبدالله نوری با سعید حجاریان

به گزارش سایت جوان فردا (وابسته به کارگزاران) عبدالله نوری به همراه جمعی از دوستان سعید حجاریان به منزل وی رفت.[2]

- کشف مدارک جدیدی علیه برخی از بازداشت‌شدگان

فرهاد تجری (عضو کمیته ویژه پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات) در پاسخ به سؤالی مبنی بر علت آزاد نشدن برخی متهمان که به نظر می‌رسد پرونده آنها تکمیل شده است، گفت: «مقامات قضایی در مورد برخی از بازداشت‌شدگان که با وجود تکمیل پرونده در شرف آزادی بودند، با مدارک جدیدی علیه آنها مواجه شده‌اند که به همین منظور آزادی به تعویق افتاده است.»[3]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۱.
۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۱۱.
۳- همان.

- دیدار شورای مرکزی حزب مؤتلفه با آیت‌الله مکارم شیرازی

آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار دبیرکل و اعضای شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری گفت: «یک گروه در انتخابات که اکثریت بودند بیش از ۲۴ میلیون رأی آوردند. یک گروه که ۱۳ میلیون رأی آوردند. یک گروه هم گروهی مخرب بودند از خارج دستور می‌گرفتند و آتش‌بیار معرکه بودند و کارهای بدی کردند. ما باید حساب آنها را از هم جدا کنیم. ما می‌گوییم گروهی که از غرب دستور می‌گرفتند شناسایی و مطرود شوند امّا بین دو گروه دیگر التیام ایجاد کنیم. ما نمی‌توانیم بگوییم همه مغرض بودند و همان‌طور که رهبر عزیز انقلاب فرمودند اینها مطابق سلیقه‌شان عمل کردند.»[1]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۱.

جمعه ۱۰ مهر ۱۳۸۸

ـ نامه خانواده زندانیان به رئیس قوّه قضائیه

همسران امین زاده، تاج‌زاده، رمضان‌زاده، سلیمانی، صفایی فراهانی، عرب‌سرخی، میردامادی و بهزاد نبوی در نامه‌ای سرگشاده خطاب به رئیس قوّه قضائیه با بیان این‌که به چه جرمی حدود ۱۰۰ روز عزیزانمان در حبس به سر می‌برند، خواستار رسیدگی به وضع موجود آنان شدند.

ـ موضع خبرگان در حوادث اخیر

حجةالاسلام کاظم صدیقی (امام جمعه موقت تهران) در خطبه‌های نمازجمعه تهران با اشاره به حوادث اخیر کشور گفت: «اعضای خبرگان، قهرمان بودند که در صحبتهای مختلف و بیانیه‌ای که صادر کردند مهر تأیید بر آرمانهای بزرگ ایران و رکن اصیل قانون اساسی یعنی ولایت فقیه زدند.»[۱] وی با اشاره به نقش مهم خبرگان در جامعه اسلامی اظهار داشت: «زمانی که با رحلت امام(ره) دشمنان فکر می‌کردند انقلاب اسلامی نیز از بین خواهد رفت، این خبرگان بودند که با درایت و تیزبینی و البته با عنایت خدا، گنجی را کشف کردند و به کسی رأی دادند که دل در گرو ریاست نداشت و با این کار انقلاب اسلامی را بیمه کردند.»[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۱.
۲- همان.

شنبه ۱۱ مهر ۱۳۸۸

ـ دادستانی به سراغ تمام کسانی که مرتکب جرم شدند خواهد رفت

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) در گفتگو با ایسنا معیار برخورد قوّه قضائیه را در ارتکاب جرم دانست و گفت: «با تمام کسانی که مرتکب جرم شده‌اند، برخورد می‌شود. و هیچ کس در دستگاه قضایی در حاشیه امن قرار نخواهد داشت و دادستانی به سراغ تمام کسانی که مرتکب جرم شدند خواهد رفت.»[۱]

- سران اغتشاشات نمی‌توانند منادی وحدت باشند

محمدجواد لاریجانی (عضو کمیسیون سیاست داخلی و امور شوراهای مجلس) گفت: «کسانی که تا چند وقت پیش کشور را به سوی اغتشاشات سوق دادند و در مسیر براندازی نرم گام برمی‌داشتند نمی‌توانند منادی وحدت باشند.»[۲] وی با بیان این‌که همیشه به وحدت احتیاج داشته افزود: «کسانی که طرح وحدت را مطرح کردند به دنبال وحدت پایدار نیستند زیرا اوّل با این صحبتها می‌خواهند بگویند که کشور بحران‌زده است و مسأله دوم این که می‌خواهند بعضی از عوامل مخل وحدت را تحت این عنوان از جرائم و اتهاماتی که به آنها وارد شده تبرئه کنند.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۲.
۲- همان.
۳- همان.

ـ محاکمه میرحسین موسوی خواست ملت است

ضیاءالدین اعزازی (نماینده مردم بناب در مجلس شورای اسلامی) با اشاره به اتمام ۵ جلسه رسیدگی به متهمان حوادث پس از انتخابات گفت: «میرحسین موسوی با هدایت آشوبهای اخیر لطمات فراوانی را به امنیت و جان و مال مردم وارد کرده است. لطماتی که برای جبران آنها باید سالهای سال تلاش کرد. بر همین اساس می‌طلبد که دستگاه قضایی با خودداری از مماشات و اغماض نسبت به جرم میرحسین موسوی هرچه زودتر او را محاکمه و به سزای اعمالش برساند.»[۱]

ـ نمی‌توان با حامیان رژیم صهیونیستی وحدت کرد

آیت‌الله نوری همدانی در دیدار دبیرکل و اعضای شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به برخی اظهارات در مورد حل مشکلات جامعه و موضوع وحدت تأکید کرد: «باکسانی که تکیه گاه آنها آمریکا و اروپاست نمی‌شود وحدت کرد.»[۲] وی در ادامه افزود: «چه طور می‌شود باکسانی که الان به نفع صهیونیستها و علیه رهبری گام برمی‌دارند، وحدت ایجاد کرد یا باکسانی که اصرار دارند راه سارکوزی و اوباما را بروند چه طور می‌شود وحدت ایجاد کرد. آنها هنوز نغمه مخالفت سرمی‌دهند.»[۳] نوری همدانی با اشاره به راه‌حل‌های مشکلات جامعه اظهار داشت: «وحدت محور می‌خواهد. رهبری جامعه مسلمین نقطه اتکاء وحدت مردم است. اگر اعتراف به اشتباه کردند و از رفتن به مسیر دشمنان اسلام توبه کردند در برابر رهبری سر تعظیم فرود آوردند می‌شود با آنها وحدت کرد.»[۴]

ـ طرح وحدت تنها با محوریت رهبری کارآمد است

حجةالاسلام صدیقی (امام جمعه موقت تهران) در گفتگو با فارس با بیان این‌که

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۱۲.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

وحدت تنها با محوریت رهبری کارآمد میسر است، اظهار داشت: «در جنگ احد کسانی که به دنبال وحدت بودند محور وحدت را حول پیامبر مکرم اسلام تعریف نکردند تا این‌که این نافرمانی دینی منجر به شکست آنها و عبرتی برای آیندگان باشد.»[1]

۱- همان.

یکشنبه ۱۲ مهر ۱۳۸۸

ـ شاخص خط امام افراد نیستند

حسین فدایی (عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس هشتم) با بیان این مطلب که سید حسن خمینی (نوه حضرت امام(ره)) شاخص انطباق یک جریان سیاسی مدعی خط امام با خط امام نیست، گفت: «عملکرد جریانی که با شعار خط امام و ارزشها و انقلاب خود را در داخل مجموعه نظام تعریف می‌کرد، خلاف اعتقادات و مواضعش بود.»[۱] وی افزود: «این که چرا سید حسن خمینی از یک جریان حمایت می‌کند، خود وی باید پاسخ دهد امّا ایشان شاخص نیست، بلکه شاخص سیره و روش امام(ره) و قانون اساسی و دیدگاههای رهبر معظّم انقلاب است که به عنوان مسیری تثبیت شده است.»[۲]

ـ جملات معروف امام(ره) راجع به منتظری درباره احوال امروز شما هم صدق می‌کند

بسیج دانشجویی دانشکده‌های فنی دانشگاه تهران در نامه سرگشاده‌ای خطاب به مهدی کروبی با بیان این‌که یاد امام عزیز و بزرگوار به خیر که در حکمت و بصیرت، حقیقتاً یگانه قرن بود. او در رنج‌نامه خود به شیخ حسینعلی منتظری این‌گونه می‌نویسد: از آن جاکه ساده‌لوح هستید و سریعاً تحریک می‌شوید، در هیچ‌کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد؛ آورد: «متأسفیم از این‌که باید بگوییم این

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۳.
۲- همان.

جملات شایسته شما نیز هست. متأسفیم از این‌که باید بگوییم مواضع شما، متأثر از تحریکات اطرافیان شماست. متأسفیم از این‌که باید بگوییم شایستگی دخالت در هیچ کار سیاسی را ندارید و باز هم متأسفیم که باید از شما بخواهیم از دنیای سیاست کناره گیری کنید؛ شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد.»[۱]

ـ درخواست هاشمی برای رسیدگی به پرونده منسوبین‌اش

به گزارش خبرآنلاین رئیس تشخیص مصلحت نظام از آیت‌الله لاریجانی خواسته است که در مورد شائبه‌ها، شایعات و اتهاماتی که در مورد اعضای خانواده‌اش مطرح است، پیگیری قضایی کند.[۲]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۱۳.
۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۱۳.

دوشنبه ۱۳ مهر ۱۳۸۸

ـ برخی مدعیان خط امام(ره) در انتخابات رفتاری کردند که بازرگان نکرده بود

به گزارش فارس سید مرتضی نبوی (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام) در جلسه هفتگی اصناف و بازار در مسجد امام خمینی(ره) بازار تهران با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن یادآور شد: «بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری تصمیم گرفتند یک انقلاب رنگین که درحقیقت یک کودتای رنگین بود را با شعارها و رنگ‌های مقدس دنبال کنند.»[1] نبوی با اشاره به ادعای میرحسین موسوی مبنی بر قرار گرفتن وی در خط امام راحل خطاب به وی گفت: «آقای موسوی شما چگونه خود را مدعی خط امام می‌دانید در حالی که به آقای منتظری که از سوی امام مطرود شده است متوسل می‌شوید در حالی که امام طبق آموزه‌های حضرت علی(ع) با منتظری به طور جدّی برخورد کرد و حتی زمانی قرار بود علیه وی نامه تندی را منتشر کند که درنهایت برخی از مسؤولان کشور با امام دیدار کرده و از ایشان خواستند این نامه را منتشر نکند که امام در پاسخ به آنها گفته بود شما روزی پشیمان خواهید شد.»[2] وی با اشاره به برخی رفتارهای بازرگان و با بیان این‌که مدعیان امروز خط امام در انتخابات ریاست‌جمهوری رفتاری از خود به نمایش گذاشتند که بازرگان آن را نمی‌کرد، عنوان داشت: «آغوش نظام به روی همه باز است البته برخی‌ها به حدی در مسیر اشتباه قرار گرفته‌اند که بازگشت آنها تقریباً غیرممکن است و اگر این افراد و جریانها به اشتباهات خود اذعان نکنند مردم همان

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۱۴.
۲- همان.

کاری را با آنها خواهند کرد که حضرت علی(ع) با خوارج کرده بودند.»[۱]

ـ پافشاری موسوی و کروبی بر مواضعشان آنها را به بن‌بست خواهد کشانید

لطف‌الله فروزنده (قائم‌مقام جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی) در گفتگو با باشگاه خبرنگاران گفت: «پافشاری موسوی و کروبی بر مواضعشان آنها را به بن‌بست خواهد کشانید.»[۲]

ـ اعتراض به مواضع یک عضو مجلس خبرگان

جامعه روحانیت مبارز شیراز در بیانیه‌ای نسبت به مواضع نماینده استان فارس (علی‌محمد دستغیب) درخصوص انتخابات ریاست‌جمهوری و حوادث پس از آن اعتراض کرد. در این بیانیه آمده است: «نظر به این‌که یکی از نمایندگان استان فارس در مجلس خبرگان رهبری به دنبال مواضع ناصواب خود در مقطع انتخابات و فتنه پس از آن، در اجلاس اخیر مجلس خبرگان رهبری با ایراد سخنانی غیرمنطقی و خلاف موازین قانونی، موجبات تأثر و ناراحتی دلسوزان انقلاب و علاقه‌مندان به نظام مقدس جمهوری اسلامی را فراهم آورده است.»[۳]

ـ درخواست تعیین تکلیف نبوی و الویری

سید کاظم اکرمی در نامه‌ای به آیت‌الله لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) خواستار تعیین تکلیف بهزاد نبوی و مرتضی الویری و سایر زندانیان حوادث اخیر شد.[۴]

ـ واکنش محمدعلی انصاری به اظهارات محمدجواد لاریجانی

محمدعلی انصاری (مدیر مؤسسه نشر و آثار امام خمینی(ره)) در نامه انتقادی به

۱ـ همان.
۲ـ روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۴.
۳ـ همان.
۴ـ روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۱۴.

محمدجواد لاریجانی از وی به خاطر اتخاذ مواضعی تخریب‌گرانه علیه بیت امام(ره) انتقادکرد.[۱] وی در نامه خود آورد: «باید تصدیق کنیم تمامی بسترها و پیشینه‌ها همچنان فعالند و چه بسا فعال‌تر نیز شده‌اند زیرا اگر امام از یک دودمان اصیل و پاک و فرزندان شایسته برخوردار نبود بعد از امام سیل حملات و انتقادات شیب ملایم‌تری پیدا می‌کرد. امّا وجود یک کانون‌گرم و معنوی و همراه با آرمانهای امام و انقلاب در بیت امام همانند جناب آقای حاج سید حسن خمینی که از محبوبیت و مقبولیت خاصی برخوردار است، باعث آشفتگی و عصبانیت بیشتر آنان شده است.»[۲]

ـ حرفهای تازه هاشمی برای اصلاح‌طلبان آزاردهنده است

رادیو زمانه از قول یک عنصر ضدانقلاب فراری که طی سالهای گذشته با نشریات اجاره‌ای ـ زنجیره‌ای همکاری داشت، در واکنش به فاصله‌گرفتن هاشمی رفسنجانی از آشوبگران گفت: «سکوت او یواش یواش دارد آزاردهنده می‌شود.»[۳]

ـ همه مسؤولین مرتبط در زمان حوادث کهریزک بازجویی می‌شوند

پرویز سروری (سخنگوی کمیته ویژه پیگیری حوادث پس از انتخابات در شورای عالی امینت ملی) درباره بازجویی از قضات ارشد در حوادث کهریزک گفت: «طبیعی است که کلیه افرادی که در زمان حادث شدن اتفاقات بازداشتگاه کهریزک مسؤولیت داشته‌اند مورد بازجویی و بازخواست قرار گیرند.»[۴]

ـ دیدار اعضای فراکسیون روحانی مجلس با هاشمی رفسنجانی

رئیس و جمعی از اعضای فراکسیون روحانیون مجلس شورای اسلامی با هاشمی رفسنجانی رئیس تشخیص مصلحت نظام دیدار و گفتگو کردند. هاشمی رفسنجانی در

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۱۴.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۱۴.
۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۱۴.

این دیدار از فعالیت برخی محافل و رسانه‌ها برای ایجاد و تعمیق تفرقه در جامعه و القای اختلاف میان مسؤولان نظام ابراز تأسف کرد و گفت: «برای تحقق وحدت و همبستگی ملی در جامعه، باید ریشه‌ها و عوامل ایجاد و القای اختلاف به طور واقعی شناخته شده و با آن مقابله شود.»[1]

حجةالاسلام حسین ابراهیمی (عضو هیأت رئیسه فراکسیون روحانی مجلس) با اشاره به این دیدار تصریح کرد: «اعضای هیأت رئیسه کمیسیون روحانیون مجلس از غیبتهای او در برخی مناسبتها که رهبر معظّم انقلاب حضور داشته‌اند، گلایه کرد و این رفتار را موجب ایجاد شائبه در ذهن مردم توصیف کردند.»[2] وی افزود: «اعضاء همچنین خواستار تبری جستن آقای هاشمی از برخی جریانات که در مقابل نظام ایستادند و آشوب و تخریب کردند، شدند.»[3] ابراهیمی اضافه کرد: «در جلسه هیأت رئیسه فراکسیون روحانیون مجلس با آقای هاشمی درباره ادعای تقلب در انتخابات بحثی نشد، چرا که مواضع آقای هاشمی در ابتدای جلسه مشخص کرد که ایشان از اساس اعتقادی به آن ندارد.»[4]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۱۵. ۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۵.
۳- همان. ۴- همان.

سه‌شنبه ۱۴ مهر ۱۳۸۸

ـ اوّلین مصاحبه حجاریان پس از آزادی

سعید حجاریان در اوّلین مصاحبه خود پس از آزادی، به تشریح ابعاد جدیدی از چگونگی تدوین سند تأملات راهبردی حزب مشارکت پرداخت و ضمن تأکید بر این که اغلب اعضای حزب از محتوای آن اطلاعی نداشتند و علیرضا علوی‌تبار مسؤول تنظیم آن بود، تأکید کرد: «جزوه تأملات راهبردی با ملغمه‌ای از آرای سروش، بشرویه و منتظری بود.»[1] وی در ادامه این مصاحبه افزود: «فی‌الواقع جزوه پیشنهاد می‌کند که حاکمیت را باید عملاً به دو پاره تقسیم کرد که هر بخش در درون حاکمیت سازمانهای سیاسی خود را دارد، بخشی مردم‌سالار فشار توده‌ای لازم را برای حل و حذف نشدن درون حاکمیت پیدا کرده و نوعی موازنه وحشت بین اجزای حاکمیت به وجود آیند و عجیب آن است که توصیه می‌کنند برای بالا بردن قدرت تثبیت نیروهای مردم‌سالار و توان چانه‌زنی آنها حق دارند از بحرانهایی که کل سیستم را تهدید می‌کند استفاده کنند.»[2]

ـ اعتراف می‌کنیم موسوی بسیار فراتر از انتظار ما بود

سعید مدنی (از فعالان گروهک ملی ـ مذهبی) در سایت راه‌اندازی‌شده از سوی ستاد رسانه‌ای آشوب نوشت: «وقتی خاتمی با کناره گیری از نامزدی ریاست‌جمهوری به منتقدان اطمینان داد که مهندس موسوی گزینه‌ای بسیار مناسب برای انتخابات است،

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۵.   ۲- همان.

بسیاری از جمله نگارنده با ظن و گمان بسیار این ادعای او را پذیرفتند و با نگرانی بر رفتارها و انتخابهای آقای موسوی چشم دوختند. اکنون که چند ماه پرحادثه از آن زمان تاکنون پشت سر گذاشته شده و در این مدت فرصت آن بوده تا دهها انتخاب در رفتار مهندس موسوی ارزیابی شود، باید اعتراف کنیم آنچه موسوی انجام داده بسیار بیشتر از انتظارات بسیاری از فعالان سیاسی، اجتماعی بود به طوری که اکنون بدون هیچ گونه شك و گمانی باید او را یکی از جدی‌ترین، پی‌گیرترین، هشیارترین و خلاق و نوآورترین مردان سیاسی معاصر دانست.»[۱]

ـ موسوی و کروبی عامل اصلی اغتشاشات اخیر هستند

حجةالاسلام علی شاهرخی قبادی (رئیس کمیسیون قضایی مجلس) در گفتگو با ایرنا گفت: «میرحسین موسوی و مهدی کروبی نقش تعیین کننده‌ای در ایجاد آشوبها و اغتشاشات اخیر داشته‌اند و می‌توان گفت عامل اصلی تمام حوادث پس از انتخابات و متضرر شدن ملت ایران از این حوادث میرحسین موسوی و مهدی کروبی هستند.»[۲]

ـ شکی نیست که پس از انتخابات توطئه‌ای علیه نظام شکل گرفت

آیت‌الله محمد یزدی (رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) در دیدار با حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به شرایط پس از انتخابات گفت: «شاید کمتر کسی وجود داشته باشد که تردید داشته باشد در انتخابات اخیر یک توطئه و نقشه‌ای علیه نظام برای براندازی تنظیم شده بود.»[۳] وی همچنین با بیان این‌که تمام هدف مقام معظّم رهبری در دو خطبه‌های نمازجمعه اخیر این بود کسانی که راه راگم کرده‌اند بیدار شوند و توبه کنند، اضافه کرد: « کسانی که این نظام را به خطر انداختند گناه کوچکی انجام ندادند و باید از این گناه توبه کنند.»[۴]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۱۵.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

ـ چهارشنبه ۱۵ مهر ۱۳۸۸ ـ

ـ بصیرت خود را افزایش و عمق ببخشید

مقام معظّم رهبری در دیدار با مردم چالوس و نوشهر که در زیر بارش باران انجام شد با تأکید بر این‌که بایستی بصیرت خود را بالا برد، اظهار داشتند: «بصیرت وقتی بود، غبارآلودگی فتنه نمی‌تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه‌خوانی بلد نباشید، اگر قطب‌نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می‌کنید می‌بینید در محاصره دشمن قرار گرفته‌اید، راه را عوضی آمده‌اید، دشمن بر شما مسلط می‌شود، این قطب‌نما همان بصیرت است.»[1]

ایشان با اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری افزودند: «وقتی که دشمن برای این‌که این انتخابات را، این حضور را، این پیروزی بزرگ سیاسی را خراب بکند، به شایعه‌افکنی، به تهمت‌زنی، به ایجاد اغتشاش در گوشه‌ای از کشور دست می‌زند، می‌بینیم نگران شدند، ملتها نگران می‌شوند. در لبنان، در پاکستان، در افغانستان، در مناطق گوناگون، هرجا شیعه هست، هرجا مسلمان مخلصی هست، می‌بینیم از وضع کشور نگران می‌شوند، این نشان دهنده حضور زنده تفکر جمهوری اسلامی در دنیای اسلام است.»[2] حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه خطاب به عموم مردم بویژه جوانان اظهار داشتند: «هرچه می‌توانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود،

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظّم رهبری. ۲- همان.

تلاش کنید و نگذارید دشمنان از بی‌بصیرتی ما استفاده کنند. دشمن به شکل دوست جلوه می‌کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت.»[۱]

ـ عدم بازگشت مهدی هاشمی به تهران

مهدی هاشمی (فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی) که پیش از چهارمین دادگاه متهمان اغتشاشات اخیر به لندن سفر کرده، هنوز به ایران بازنگشته است. دفتر رئیس هیأت امنای دانشگاه آزاد دلیل سفر مهدی هاشمی به لندن را بازرسی از شعبه این دانشگاه در انگلستان عنوان کرد. سفر مهدی هاشمی تاکنون بیش از ۵۰ روز طول کشیده است.[۲]

ـ مشاور خاتمی از حضور آشوب‌طلبان در خیابانها حمایت کرد

مصطفی درایتی (مشاور محمد خاتمی) در گفتگو با ایرنا گفت: «حضور افراد در خیابانها و شرکت در تظاهرات حق طبیعی آنهاست و معتقدم این روند باید مورد تأیید همه نیز قرار بگیرد. زمانی که حاکمیت به خواسته‌ها تن نمی‌دهد، باید منتظر عواقب آن نیز باشد.»[۳]

۱- همان. ۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۶.
۳- همان.

ـ پنجشنبه ۱۶ مهر ۱۳۸۸ ـ

ـ دیدار خاتمی با سوروس نشان‌دهنده گرفتار شدن وی در دام صهیونیستها

سید محمدجواد ابطحی (نماینده مردم خمینی‌شهر در مجلس شورای اسلامی) در گفتگو با ایرنا با تأکید بر صحت اخبار مربوط به دیدار خاتمی و سوروس تصریح کرد: «سید محمد خاتمی رئیس جمهور سابق کشورمان در دام صهیونیستها افتاده است. خاتمی تا دیر نشده باید مانند اصلاح‌طلب‌ها به این رفتار غلط خود اعتراف کند و خود را از دست صهیونسیتها نجات دهد. خاتمی دیدار خود با سوروس را تکذیب می‌کند در حالی که اظهارنظرهای مترجم و شاهدان چیز دیگری را اثبات می‌کند.»[1]

ـ شگفتی لاریجانی از رفتار سران اصلاحات

دکتر علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) در مراسم افتتاح بنیاد علمی و فرهنگی شهید مطهری قم به آشوبهای پس از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری اشاره کرد و لازمه مقابله با دیکتاتوری ایجاد استقلال سیاسی و محور اساسی استقلال کشور را دفاع و تبعیت از ولایت فقیه و رهبر انقلاب اعلام کرد. وی در بخش دیگری از سخنان خود در خصوص رفتار متفاوت دو کاندیدای شکست خورده انتخابات در روز قدس و از شعارهایی که سبزپوشان در این روز در تهران سر دادند بشدّت انتقاد کرد و آن را باعث خدشه به عزّت اسلام دانست و افزود: «اینها شعاری نبود که از ام‌القرای اسلامی بیرون

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۱۸.

بیاید زیرا این‌گونه شعارها، عزّت اسلام را مخدوش می‌کند. جریان ساختارشکن حتی با بیان شعار نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران سعی در خدشه‌دار کردن ماهیت روز قدس نیز کردند.»[۱] لاریجانی تلویحاً سران اصلاح‌طلب را افراد دردمند انقلاب نامید و دلیل ابراز شگفتی خود را چنین بیان کرد: «من متعجبم که چرا این افراد در مقابل چنین شعارها و رفتارهایی سکوت کردند و با امر به معروف و نهی از منکر جلوی این افراد را نگرفتند.»[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۸.
۲- همان.

جمعه ۱۷ مهر ۱۳۸۸

ـ شعار نه غزه نه لبنان، اسرائیل‌پسند است

به‌گزارش ایسنا آیت‌الله سید احمد خاتمی (امام جمعه موقت تهران) در خطبه‌های نمازجمعه تهران با اشاره به اطلاع‌رسانی در کشور اظهار داشت: «اگر در عرصه اطلاع‌رسانی، رسانه‌ها به بیان مشکلات مردم، آسیبها و رساندن حرف مردم به مسؤولان حرکت کنند، این خدمت بزرگی است ولی نمی‌شود به بهانه اطلاع‌رسانی به هر گناهی دست زد و نظام اسلامی باید در این حوزه برنامه داشته باشد. سایتهای اینترنتی و حتی پیامهای کوتاه می‌توانند زمینه‌ساز گناه باشد و انسان نمی‌تواند هرچه به‌گوشش می‌رسد، بازگو کند.»[1] وی امنیت آبرو را از اصول امنیت در نظام اسلامی خواند و افزود: «در نظام اسلامی آبروی مردم مثل خون آنها ارزش دارد و رسانه‌ها مجاز نیستند با آبروی مردم بازی و هر خبر ثابت نشده‌ای را با عنوانهای مختلف بیان کنند. برخی رسانه‌ها می‌گویند فلان خبر را منتشر می‌کنیم و بعد اگر تکذیبیه آمد آن را تکذیب می‌کنیم. از کجا معلوم شخصی که خبر را خوانده، تکذیبیه را هم بخواند؟ این حق‌الناس است و خدا از آن نمی‌گذرد.»[2] خطیب جمعه تهران با اشاره به راهپیمایی روز قدس تصریح کرد: «یک راهپیمایی بزرگ و میلیونی در تهران و استانها صورت گرفت و جمعیت میلیونی شعار مرگ بر اسرائیل می‌دادند ولی یک جمعیت بسیار اندک شعار اسرائیل‌پسند «نه غزه نه لبنان ...» را سر دادند، ببینید رسانه‌های بیگانه چه کردند. این جمعیت چند هزار نفری را

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۱۸.   ۲- همان.

در بوق کردند، ولی جمعیت میلیونی را نادیده گرفتند.»[1]

ـ مردم فریب پارچه‌های سبز را نخورند

به‌گزارش فارس آیت‌الله زین‌العابدین قربانی (امام جمعه رشت) در خطبه‌های نمازجمعه رشت گفت: «لباس ولایت و رهبری تنها بر قامت آیت‌الله خامنه‌ای برازنده است و مردم باید ولی امر خود را بشناسند و فریب پارچه‌های سبز را نخورند.»[2] وی با اشاره به سفر مقام معظّم رهبری به چالوس و نوشهر افزود: «مردم متدین گیلان و مازندران نشان دادند براستی و به معنای واقعی ولایتمدار هستند. مقام معظّم رهبری را مظهر ولایت ولی عصر(عج) می‌دانند. تا زمانی که رهبر معظّم انقلاب این‌گونه دوستانی دارند دشمنان باید از جنگ نرم ناامید شوند.»[3]

۱- همان ۲- همان.
۳- همان.

شنبه ۱۸ مهر ۱۳۸۸

ـ شکست‌خوردگان در انتخابات نباید به دنبال قانون‌گریزی باشند

دکتر عباسعلی کدخدایی (سخنگوی شورای نگهبان) در نشست خبری با خبرنگاران با غیرقانونی دانستن پیشنهاد تشکیل کمیسیون ملی انتخابات (طرح محسن رضایی) گفت: «شکست‌خوردگان در انتخابات نباید به دنبال قانون‌گریزی باشند.»[1] وی افزود: «اکنون نیز وضعیت انتخابات این گونه است که هیأتهای اجرایی از میان معتمدین محلّی انتخاب می‌شوند و شورای نگهبان زیر نظر سه قوّه نیست و فکر می‌کنم از نظر نهادها مشکلی نداریم.»[2]

ـ قرار نیست بین ظالم و مظلوم جوشکاری کنیم

حجةالاسلام شجونی (عضو جامعه روحانیت مبارز) در واکنش به انتشار برخی شایعات مبنی بر میانجیگری دبیرکل این جامعه میان گروههای سیاسی تأکید کرد: «آیت‌الله مهدوی کنی مانند دیگر اعضای جامعه روحانیت درصدد هستند تا از سقوط کسانی که زمانی یار امام بودند جلوگیری کنند.»[3] وی با رد زمزمه‌های سازش و مصالحه که متضمن تبرئه برخی عناصر سیاسی نقش‌آفرین در فتنه پس از انتخابات است، گفت: «این جا بحث جوشکاری مطرح نیست بلکه بحث جلوگیری از سقوط افراد است.»[4]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۱۹.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

ـ اعتراض شدید تشکلهای دانشجویی دانشگاههای شیراز به مواضع دستغیب

اعضای ١٦ تشکل دانشجویی دانشگاههای شیراز با صدور بیانیه‌ای مشترک نسبت به مواضع علی‌محمد دستغیب (نماینده استان فارس در مجلس خبرگان) بشدّت اعتراض و از آن اعلام برائت کردند.[۱]

ـ علت بی سر و سامانی جبهه اصلاحات

سعدالله نصیری قیداری (عضو فراکسیون اقلیت مجلس شورای اسلامی) با بیان این‌که در اردوگاه اصلاح‌طلبان حتی قبل از انتخابات هم وحدت نظر وجود نداشت و اختلافات درونی لیدرهای اصلاح‌طلب علت بی سر و سامانی جبهه اصلاحات است اظهار داشت: «افراط گرایی به نفع هیچ حزب و گروهی نیست و تنها باعث دامن زدن به اختلافات درونی گروهی می‌گردد.»[۲] وی با اشاره به این‌که اختلافات موجود مانع از حضور اصلاح‌طلبان زیر چتر یک ساختار فکری خواهد شد تأکید کرد: «موضع‌گیریهای تند برخی اصلاح‌طلبان باعث افزایش اختلاف نظرهای داخلی بعد از انتخابات شد.»[۳]

ـ حزب مشارکت قصد تقابل با رهبر معظّم انقلاب را داشت

ولی‌الله رعیت (عضو شواری مرکزی حزب اعتماد ملی) در گفتگو با ایرنا با یادآوری تحصن نمایندگان مجلس ششم و اعضای حزب مشارکت در برابر حکم حکومتی رهبر انقلاب گفت: «در زمان مجلس ششم وقتی که لایحه مطبوعات با حکم حکومتی مقام معظّم رهبری از دستورکار مجلس خارج شد مشارکتی‌ها قصد داشتند که با رهبری عزیز تقابل ایجاد کنند و با ایجاد تحصن این تقابل را به وضوح به نمایش گذاشتند. الان هم معتقدم افراد قلیلی که در خیابانها شعار استقلال آزادی جمهوری ایرانی را سر می‌دهند،

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۹.
۳- همان.

ماهیت و کلیت نظام را قبول ندارند و باید میرحسین موسوی و مهدی کروبی از این افراد خودشان را جدا کنند و در برابر آنها بایستند.»[۱]

ـ حکم اعدام برای چند متهم اغتشاشات پس از انتخابات

بشیری راد (مدیر روابط عمومی دادگستری استان تهران) با بیان این‌که سه نفر از متهمان حوادث پس از انتخابات به اعدام محکوم شدند گفت: (م . ز) و (الف . پ) به اتهام ارتباط با انجمن پادشاهی ایران و (ن . ع) به اتهام ارتباط با منافقین محکوم به اعدام شده‌اند. این احکام قطعی بوده و قابل تجدید نظرخواهی در دیوان عالی کشور است.»[۲]

ـ دیدار میرحسین موسوی و مهدی کروبی

میرحسین موسوی با حضور در منزل مهدی کروبی پیرامون مسائل جاری کشور گفتگو کردند. میرحسین موسوی در این دیدار با ابراز نگرانی از تداوم بازداشت فعالان سیاسی اصلاح‌طلب و توقیف روزنامه‌های این جریان سیاسی! خواستار روشن شدن وضعیت آنها شد و ابراز امیدواری کرد روزنامه اعتماد ملی هرچه سریع‌تر رفع توقیف شده و به فعالیت حرفهای خود ادامه دهد. مهدی کروبی نیز با اشاره به وقایع روز قدس گفت: «حرف ما در مورد روز قدس و مواضع امام در این باره همان است که بود و من هم تأکید کردم شعار برای فلسطین هم فراموش نشود. امّا عموم کسانی که به دعوت ما به این مراسم آمدند شعارهایی که دادند در رابطه با ایران و کشورشان بود و نگران سرنوشت خود بودند. نمی‌توان به مردم گفت نگران سرنوشت خود نباشید.»[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۱۹.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۲۰.

-•◦• یکشنبه ۱۹ مهر ۱۳۸۸ •◦•-

- صرفاً ادعای پیروی از خط امام ملاک نیست

احمد نجابت (عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی) گفت: «این روزها شاهد این هستیم که بی بی سی، صدای آمریکا و دیگر رسانه‌های غربی از موضع اصلاح‌طلبان تندرو حمایت صددرصد می‌کنند و اقدامات آنها را مثبت جلوه می‌دهند پس چگونه می‌توان این افراد را پیرو واقعی خط امام دانست. باید گفت تنها ادعای پیروی از خط امام ملاک نیست بلکه افراد در عمل نیز باید نشان دهند که از پیروان سیره امام هستند.»[1]

- شعارهای جنبش سبز بوی براندازی می‌دهد

اکبر ترکان (وزیر دفاع دولت سازندگی) در گفتگو با ایرنا گفت: «آشوب‌طلبان و اغتشاشگران با اصل نظام مقدس جمهوری اسلامی مخالف هستند و از شعارهای جنبش سبز بوی براندازی استشمام می‌شود.»[2] وی اضافه کرد: «افرادی که در خیابانها به عنوان معترض حضور پیدا می‌کنند، از یک سو با اصل نظام مقدس جمهوری اسلامی مخالف هستند و از این فرصت پیش‌آمده برای رسیدن به خواسته شوم خود استفاده می‌کنند و از سوی دیگر با اصل ولایت فقیه نیز مخالف هستند که باید گفت این موضوع مخالفت با نظام است.»[3]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۲۰.　　۲- همان.

۳- همان.

ـ در فضای تهمت نمی‌توان کسی جز خود را ملامت کرد

دکتر حسن غفوری‌فرد (عضو هیأت رئیسه مجلس هشتم) در گفتگو با ایسنا با اشاره به این‌که تمام کسانی که ولایت فقیه و شخص ولی فقیه یعنی مقام معظّم رهبری را به عنوان مصداقی بی‌بدیل قبول دارند را در دایره وحدت قرار می‌دهم، اظهار داشت: «در این وحدت که من می‌گویم، آقای هاشمی که جزء ذخایر انقلاب هستند حتماً در این دایره می‌گنجد امّا در شرایط کنونی به نظر من، آقای خاتمی، آقای کروبی و آقای موسوی در این محدوده نمی‌گنجند. چون یک مقدار کنشهای بعد از انتخابات نتیجه کارهای آنها بوده است.»[1]

ـ نسبت اغتشاش اهانت به مردم است

به‌گزارش ایلنا سید محمد خاتمی در دیدار با نخبگان و اقشار مختلف مردم استان یزد با انتقاد از برخوردهای صورت گرفته با اصلاح‌طلبان گفت: «اگر جلوی حرف زدن افراد معتقد به نظام جمهوری اسلامی ایران گرفته شود کسانی وارد عمل خواهند شد که با اصل نظام و انقلاب مخالف هستند.»[2]

ـ ادعای تقلب در انتخابات و تعرض جنسی در کهریزک انقلاب را زیر سؤال برد

آیت‌الله نوری همدانی در دیدار مسؤولان رادیو معارف با اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر گفت: «کسانی که نسبت تقلب به انتخابات را دادند درواقع عظمت انقلاب را مخدوش کردند.»[3] وی با اشاره به ادعاهای مطرح شده درخصوص تعرض جنسی در بازداشتگاه کهریزک تصریح کرد: «این حرف بسیار بزرگی بود و سبب شد تا دشمنان از آن در جریان زیر سؤال بردن انقلاب استفاده کرده و تبلیغات کنند.»[4]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۲۰. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۰. ۴- همان.

دوشنبه ۲۰ مهر ۱۳۸۸

ـ در انتخابات اخیر افرادی که دم از انقلاب می‌زدند نمایان شد

حجةالاسلام محمد محمدی گلپایگانی (رئیس دفتر مقام معظّم رهبری) در اوّلین روز از نهمین همایش سراسری روحانیون سازمان عقیدتی سیاسی ارتش تاریخ را در حال تکرار دانست و اظهار داشت: «در حوادث بعد از انتخابات افرادی بودند که ذکر قنوت و سجودشان فضای اطراف را پر کرده بود امّا مانند افراد حاضر در جنگ جمل به رهبر خود پشت کردند.»[۱] وی با بیان این‌که باید بصیرت و آگاهی خود را افزایش دهیم گفت: «افرادی نیز در روز عاشورا امام حسین(ع) را تنها گذاشتند و با سکوت و حرف نزدنشان به امام زمان خود پشت کردند که امروز نیز این موضوع به وقوع پیوسته است.»[۲] وی در ادامه یادآور شد: «بحث انتخابات اخیر این نبود که فلانی رئیس‌جمهور شود یا نشود، بلکه اساس نظام را نشانه گرفته بودند و اگرچه این فتنه خسارتهای فراوانی داشت امّا چهره‌های اصلی عده‌ای را به همگان معرفی کرد و راستگو و دروغگو از هم تفکیک داده شد. در انتخابات اخیر چهره اصلی افرادی که دم از انقلاب و رهبری می‌زدند نمایان شد.»[۳]

ـ مطمئن باشید به اتهامات کروبی رسیدگی می‌شود

حجةالاسلام محسنی اژه‌ای با اشاره به اظهارات و اقدامات مهدی کروبی اظهار

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۱.
۲- همان.
۳- همان.

داشت: «موضوع رسیدگی به اتهامات آقای کروبی برعهده دادگاه ویژه روحانیت است و باید آنها اقدام کنند و مطمئن باشید اقدام می‌شود. اصولاً دستگاه قضایی در مورد فتنه پس از انتخابات برابر قانون عمل خواهد کرد و به موقع با کسانی که در این آشوبها نقش داشتند برخورد خواهد شد.»[1]

ـ قرائت گزارش کمیته ویژه مجلس به تأخیر افتاد

فرهاد تجری (عضو کمیته پیگیری مسائل بازداشت‌شدگان حوادث پس از انتخابات) از قرائت گزارش این کمیته در هفته پس از سرکشی نمایندگان به حوزه‌های انتخابیه خبر داد و گفت: «با توجه به در دستور کار قرارگرفتن لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها و مأموریت تعدادی از اعضای کمیته مقرر شد تا قرائت این گزارش به بعد موکول شود.»[2]

ـ نامه سرگشاده مجمع روحانیون مبارز خطاب به رئیس قوّه قضائیه

مجمع روحانیون مبارز در نامه‌ای سرگشاده به آیت‌الله آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) با اشاره به وظایف دستگاه قضایی از وی خواستند پاسخگوی موضوعاتی از قبیل کهریزک و قانون‌ستیزی و بی‌عدالتی‌های باشد. در نامه مجمع روحانیون آمده است: «نگذارید در بر همان پاشنه‌ای که تاکنون چرخیده است بچرخد. میثاق ملی ایرانیان یعنی قانون اساسی نقشه راه شماست.»[3] در ادامه این نامه تصریح شده است: «نگرانی ما ناشی از هدف اتهام قرارگرفتن یاران امام(ره) و خدشه وارد شدن بر دامان پاک آنان نیست چرا که داوری خداوند متعال که احکم‌الحاکمین است و اعتماد و علقه مردم مسلمانی که در زیر بمباران اهانت و تهمت، روزبه‌روز علاقه و اعتمادشان به این فرهیختگان بیشتر و بیشتر می‌شود، ما را کفایت می‌کند، امّا نگرانی و دغدغه خاطر ما نسبت به کاهش، بلکه ریزش اعتماد عمومی به سیستم قضایی است.»[4]

۱- همان.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۲۱.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۲۱.
۴- همان.

ـ میانجیگری تا زمانی که عوامل اصلی اغتشاشات محاکمه نشوند معنایی ندارند

حجةالاسلام شجونی (عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز) در گفتگو با فارس ضمن ابراز نگرانی از سوءاستفاده‌های مختلف که از اظهارات آیت‌الله مهدوی کنی صورت می‌گیرد گفت: «آیت‌الله مهدوی کنی گفته‌اند که اگر برخی‌ها احساس می‌کنند حقی از آنها ضایع شده اقدام کنند و حق خود را بگیرند، امّا این افراد این‌گونه تصور کرده بودند که گویا آنها نیز حقی دارند. منظور آیت‌الله مهدوی کنی این است کسانی که امنیت مردم را سلب کرده و آبروی نظام اسلامی را در جهان خدشه‌دار کرده‌اند نمی‌توانند حقی داشته باشند و اگر ادعایی دارند براساس ادعای خود توضیح دهند که چه حقی از آنها ضایع شده است.»[۱] وی با بیان این‌که میانجیگری تا زمانی که عوامل اصلی اغتشاشات محاکمه نشوند معنایی نخواهد داشت، تصریح کرد: «حقیقت این است که نمی‌شود با افرادی که با دشمنان انقلاب اسلامی تعامل کرده بودند تا نظام اسلامی را از پای درآورند، وحدتی ایجاد کرد مگر این‌که آنها حقیقتاً توبه کنند.»[۲]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۱.
۲- همان.

سه‌شنبه ۲۱ مهر ۱۳۸۸

- کسانی که امید به سقوط نظام دارند باید محاکمه شوند

آیت‌الله جوادی آملی (امام جمعه قم) در دیدار جمعی از دانشجویان دانشگاههای علوم پزشکی کشور در قم اظهار داشت: «کسانی که امید به سقوط نظام و گرایش به بیگانه دارند، از نظر فقهی مرتکب حرام شده و از نظر حقوقی باید محاکمه شوند.»[۱]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۲۵.

چهارشنبه ۲۲ مهر ۱۳۸۸

- هر طرحی بدون محوریت ولایت فقیه اقدامی برای نجات بحران‌آفرینان است

آیت‌الله سید احمد خاتمی (عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان) در حاشیه بازدید از موزه عبرت در گفتگو با فارس گفت: «براساس تقسیم‌بندی رهبر معظّم انقلاب، نیروهای خودی کسانی هستند که قانون اساسی و ولایت فقیه را قبول دارند. از نیروهای خودی انتظار می‌رود قاطعانه در برابر کسانی که از اساس با نظام جمهوری اسلامی دشمنی می‌کنند و بخشی از آنها بازماندگان سران طاغوت و شکنجه گران رژیم ستمشاهی هستند، بایستند و حفظ نظام اسلامی دغدغه آنها باشد و اختلاف سلایق را در چارچوب قانون و نظام تعریف کنند.»[1] وی در ادامه تأکید کرد: «اگر طرح وحدت ملی در چارچوب قانون اساسی و التزام عملی به ولایت فقیه باشد، طرحی پسندیده و قابل پیشگیری است، امّا هنگامی که برخی افراد و گروهها ساختار را شکستند و اکنون نیز حاضر نیستند به قانون اساسی و ولایت ملتزم باشند، هر طرحی اقدام نجات بحران‌آفرینان و آبرو دادن به ساختارشکنان است.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۵.

۲- همان.

پنجشنبه ۲۳ مهر ۱۳۸۸

ـ دادگاه ویژه روحانیت باید به اتهامات کروبی رسیدگی کند

حجةالاسلام رئیسی (معاون اوّل قوّه قضائیه) در گفتگو با ایرنا گفت: «دستگاه قضایی به طور جدی پیگیر اتهامات مهدی کروبی است. رسیدگی به اتهامات کروبی مربوط به دادگاه ویژه روحانیت است و هیأت سه نفره نیز پیشتر نظر خود را در این خصوص اعلام کرده است.»[1]

ـ توصیف جنبش سبز اموی

مجید محمدی (عضو فراری حلقه کیان) در تعریف و توصیف جنبش سبز نوشت: «آنها اهل ریاضت‌کشی نیستند. می‌خواهند با شورت کوتاه و تاپ بیرون بیایند. می‌خواهند سینه بزنند و شب اگر هوس کردند لیوان شرابی بنوشند. می‌خواهند در بالای کوه زیر چادر هرکه را خواستند در آغوش بگیرند و گرم شوند. می‌خواهند از زندگی لذت ببرند. می‌خواهند دوست پسر یا دوست دخترشان را هرجاکه خواستند ببوسند!»[2]
وی در ادامه با توصیف عناصر میدانی جریان مذکور نوشت: «آنها چگونه می‌توانند ندای الله‌اکبر سر دهند و در عین حال با دوست دخترشان به راهپیمایی بیایند؟ چه طور می‌توان در ملأ عام روزه‌خواری کرد و نصرمن‌الله و فتح قریب سر داد؟ چطور در نمازجمعه به نحو مختلط و باکفش می‌ایستند و در پشت سر هاشمی رفسنجانی نماز می‌خوانند و به جای صلوات سوت وکف می‌زنند»[3]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۵.
۲- همان.
۳- همان.

ـ بحران در رهبری اصلاح‌طلبان

ابراهیم یزدی (رئیس گروهک نهضت آزادی) در مصاحبه با سایت وابسته به جوانان کارگزاران با اشاره به بحران رهبری اصلاح‌طلبان گفت: «ما نیازمند رهبری منسجم هستیم همچنان که فقدان آن باعث شکستهای اصلاح‌طلبان تاکنون شده است.»[1] وی در ادامه افزود: «آقای خاتمی نخواست و یا نتوانست این نقش را برعهده بگیرد. در انتخابات سال ۱۳۸۴ هم چند شرط برای حمایت از آقای معین پیشنهاد دادیم. یکی از آنها تشکیل جبهه فراگیر از اصلاح‌طلبان بود. آقای معین پذیرفتند امّا متأسفانه برخی گروههای اصلاح‌طلب نپذیرفتند و پروژه با وجود آن‌که دو سال روی منشور آن‌کار شد، امّا اجرایی نشد. هنوز هم مسأله سر جای خود باقی است.»[2] وی با بیان این‌که استراتژیها باید براساس نیازها تنظیم شود و چگونگی اعمال آنها برعهده رهبری جنبش است تأکید کرد: «با این وضع نمی‌شود به نظام فشار آورد و مذاکره کرد.»[3]

ـ ایران پس از انتخابات احساس اقتدار بیشتر می‌کند

دکتر محمود احمدی‌نژاد (رئیس‌جمهور منتخب مردم) در همایش روحانیون ارتش جمهوری اسلامی ایران با اشاره به مسائل و حوادث رخ داده در چند ماهه اخیر و ابراز نگرانی برخی افراد از این حوادث گفت: «اوّل الگوی حکومت سالم، مشارکت مردم و الگوی ساماندهی اراده جمعی یک ملت برای اداره یک‌کشور به نمایش درآمد که توسط ملت به جهان عرضه شد و شما در هیچ جای دنیا سراغ ندارید که انتخاباتی با این شکوه و این درجه از آزادی نزدیک به مطلق برگزار شود و ۸۵ درصد مردم آگاهانه و آزادانه حضور پیداکنند... پیروزی دوم، پیروزی خود انقلاب اسلامی ایران بود چرا که سالها دشمنان با جنگ فرهنگی و جنگ نرم تلاش کردند تا به خیال خود بین ملت ایران و آرمانهای انقلاب راهی ایجاد کنند، امّا در این انتخابات یک بار دیگر و در ترازی بالاتر

۱- همان. ۲- همان.
۳- همان.

در زیر سنگین‌ترین جنگ روانی ملت ایران به صحنه آمد و راه و خط امام و ولایت را انتخاب کرد و دشمنان نیز این موضوع را می‌فهمند و لذا از آن عصبانی هستند... پیروزی سوم ملت ایران در انتخابات و حوادث اخیر قدرت مدیریت جمهوری اسلامی ایران بود و دشمنان ما که سی سال تلاش کردند تا قدرت ایران را درهم بشکنند شکست خوردند و ملت ایران به لطف خدا از این آزمایش موفق خارج شد و ملت ایران امروز چند برابر گذشته و پیش از این حوادث احساس اقتدار می‌کند و ایران از سال قبل و حتی چند سال قبل مقتدرتر است که البته حوادثی هم رخ داد که تلخ بود. کاش این حوادث اتفاق نمی‌افتاد، امّا نظام نشان داد که در برابر سنگین‌ترین طراحیهای دشمن با تدبیر و سلابت راه خود را طی می‌کند و ما باید شکرگزار نعمت جمهوری اسلامی و آرمانهای بلند انقلاب باشیم.»[۱]

ـ نباید اعتراضات را براندازی نامید

محسن رضایی (کاندیدای شکست خورده انتخابات دهم) در مصاحبه با روزنامه تهران امروز خواستار پذیرش اعتراضات برخی از مردم در ایران و خودداری از به کار بردن خشونت علیه آنها شد. وی با اشاره به تظاهرات غیرقانونی حامیان موسوی گفت: «نباید فکر کنیم این اعتراضات برای براندازی جمهوری اسلامی است.»[۲]

ـ دیدار خاتمی و موسوی

سید محمد خاتمی و میرحسین موسوی با هم دیدار و گفتگو کردند. دو طرف در این دیدار از تداوم اوضاع کنونی و ادامه بازداشتها و... ابراز نگرانی کرده و گفتند: «این شرایط بیش از پیش از هرچیز دیگر به زیان انقلاب، کشور و مردم تمام خواهد شد.»[۳]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۵.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۲۵.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۲۵.

جمعه ۲۴ مهر ۱۳۸۸

- فتنه‌گران توبه کنند

آیت‌الله جنتی (امام جمعه موقت تهران) در خطبه‌های نمازجمعه تهران با بیان این‌که عده‌ای که مهره‌های دست دیگران هستند مانند روز قدس و بازگشایی مدارس نقشه‌هایی در سر دارند که نقش بر آب می‌شود، گفت: «این مسأله خیلی مهم است و دستگاههای امنیتی و قضایی باید از قبل در این زمینه اقدام کنند.»[1] وی افزود: «عده‌ای در روز ۱۳ آبان می‌خواهند ماهیت صهیونیستی خود را نشان دهند و اگر رو پیدا کنند بدشان نمی‌آید که شعار زنده باد آمریکا و اسرائیل هم بدهند. امّا این مژده را می‌دهم که انقلاب در اعماق جان مردم ریشه دارد، زیرا مسأله ما مسأله عقیده و دین است و مسأله سیاسی نیست.»[2] جنتی در ادامه هشدار داد: «هر اقدامی که بخواهد برخلاف مسیر ولایت باشد محکوم به شکست است و خط امام و ولایت و انقلاب زنده است و ما هم باید به وظیفه‌مان عمل کنیم.»[3]

دبیر شورای نگهبان سپس به حوادث پس از انتخابات اشاره کرد و اظهار داشت: «فتنه‌گران توبه کنند تا رأفت اسلامی شامل حال آنها شود.»[4] وی خطاب به قوّه قضائیه گفت: «اگر دستگاه قضایی در مقابل آنها سست رفتار کند خیانت کرده است و اگر دستگاههای امنیتی هم سستی کنند به ملت و شهدا خیانت کرده‌اند.»[5]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۲۵.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

شنبه ۲۵ مهر ۱۳۸۸

ـ نامه انتقادی کروبی به آیت‌الله نوری همدانی

مهدی کروبی در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله نوری همدانی ضمن وارونه‌نویسی حوادث قبل و بعد از انتخابات و بی‌آن‌که به خیانتهای خود و طیفی از اعضای ستاد انتخاباتی‌اش در زمینه القای تقلب، مقابله آشوب‌طلبانه با رأی مردم، دامن زدن به اغتشاش خیابانی و نهایتاً ادعای تجاوز به بازداشت‌شدگان اشاره کند به تخطئه مواضع انقلابی و هوشیارانه ایشان پرداخت. وی ادعا کرد که مواضع آیت‌الله نوری همدانی «برخلاف سیره سلف صالح از مراجع است» و «این خطر را پیش می‌آورد که با شبهه‌آفرینی نسبت به ساحت مقدس شیعه منجر گشته و مفهوم کمک و تعاون به ارباب قدرت از حضرت‌عالی در برخی اذهان برداشت شود.» کروبی با وجود اذعان به جایگاه علمی آیت‌الله نوری همدانی به عنوان استاد برجسته حوزه و مبارزان و زندان و تبعید ایشان، هجوم ضدانقلاب به اصل نظام و انقلاب را به منازعه سیاسی معترضین دولت تعبیر کرد و از این‌که این مرجع تقلید هوشیار در برابر تحرک ضدانقلاب بی‌طرف نمانده ابراز ناراحتی کرد. وی در نامه خود مدعی شد: «آیت‌الله نوری همدانی یکطرفه به قاضی رفته و این در حالی است که با گذشت ۴ ماه از حوادث پس از انتخابات بسیاری از مسائل روشن شده است.»[1]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۶.

ـ ابزاری به نام نقض حقوق بشر

پیام اخوان (رئیس بهایی گروه موسوم به مرکز اسناد حقوق بشر ایران) در گفتگو با سایت گذار و محمد تهوری (همسر فاطمه حقیقت‌جو) با تأیید دریافت پول از دولت بوش اذعان کرد: «دولت بوش با پررنگ کردن نقض حقوق بشر در ایران می‌کوشید از حقوق بشر به عنوان یک ابزار سیاسی جهت انزوای ایران استفاده کند.»[1] وی از مواضع اخیر دولت آمریکا مبنی بر قطع کمک مالی به مرکز مذکور انتقاد کرد و در عین حال مدعی شد: «مؤسسه ما مؤسسه‌ای مستقل است. ما وابسته به دولت آمریکا نیستیم. در حال حاضر تعدادی از مؤسسات غیردولتی و دولت کانادا از ما حمایت مالی می‌کنند.»[2]

ـ برای اعلام جزئیات طرح آقای هاشمی رفسنجانی عجله نکنید

محمدرضا باهنر در گفتگو با ایلنا با تأیید این‌که از جمله تدوین‌کنندگان متن مورد نظر هاشمی رفسنجانی برای برون‌رفت از وضعیت موجود است، گفت: «برای اعلام جزئیات این طرح عجله نکنید.»[3]

ـ آزادی مازیار بهاری

به گزارش روابط عمومی دادسرای انقلاب تهران مازیار بهاری از متهمان حوادث پس از انتخابات با دستور بازپرس پرونده و تأیید دادستان تهران با تودیع وثیقه به مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان آزاد شد.[4]

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۲۶.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۷.

یکشنبه ۲۶ مهر ۱۳۸۸

ـ موسوی و کروبی بهره‌ای از اسلام‌شناسی نبرده‌اند

جلال‌الدین فارسی (عضو سابق حزب جمهوری اسلامی) در گفتگو با ایرنا گفت: «با توجه به شناختی که از درجات علمی میرحسین موسوی و مهدی کروبی دارم، این دو هیچ بهره‌ای از اسلام‌شناسی نبرده‌اند. معتقدم که میرحسین موسوی و کروبی هیچ شناختی نسبت به اسلام و آموزه‌های دینی ما ندارند.»[۱]

ـ هیچ جریانی نمی‌تواند پایه‌های نظام را بلرزاند

محمد سلامتی (دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) با بیان این‌که نظام جمهوری اسلامی طی ۳۰ سال گذشته به ثبات و اقتدار لازم دست پیدا کرده و هیچ گروه و جریانی نمی‌تواند پایه‌های نظام را بلرزاند، گفت: «سعه صدر تمام جریانهای سیاسی اعم از اصلاح‌طلب و یا اصولگرا در این برهه از زمان می‌تواند آرامش و دوستی را دوباره به جامعه اسلامی بازگراند.»[۲]

ـ پیشنهاد مجمع تشخیص مصلحت برای خروج از مشکلات کنونی به رهبری ارائه شد

به گزارش ایسنا حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری) طی

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۲۷.

۲- همان.

نشست مطبوعاتی از ارائه مطالب و پیشنهاداتی از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام برای خروج از مشکلات فعلی کشور به مقام معظّم رهبری خبر داد. وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر این‌که آیا طرح مجمع مانع از محاکمه عوامل اصلی اغتشاش نخواهد شد؟ گفت: «ما معتقد نیستیم که آقایان موسوی، کروبی و خاتمی فتنه گر هستند.»[1]

ـ مهدی کروبی مدعی شکنجه در کهریزک نیست

حجةالاسلام سید علی میرهادی (رئیس شاخه روحانیون حزب اعتماد ملی) در گفتگو با ایرنا از گفتگویش با مهدی کروبی خبر داد و گفت: «مهدی کروبی خودش در رابطه با انجام شکنجه در کهریزک هیچ ادعایی ندارد و حتی این قضیه را نیز تأیید نمی‌کند، منتهی به من گفت بعضی چنین ادعایی را پیش من مطرح کرده‌اند امّا من در این رابطه هیچ ادعا و نظری نداشته‌ام.»[2]

ـ امیدی به مراجع نیست؟!

سایت جرس که توسط عناصری چون عطاءالله مهاجرانی، محسن کدیور، عبدالعلی بازرگان و . . . اداره می‌شود القائات و فضاسازیهای چندماهه مبنی بر همراهی مراجع با فتنه گران را خیال‌بافی توصیف کرد و نوشت: «آرزوهایی که جای اخبار راگرفته‌اند، خود مقدمات استنتاجهایی می‌شوند با توالی و نتایجی از جنس خیال. از جمله خیالهای شیرین این بود که مراجع به صف ما پیوسته‌اند. نیم‌نگاهی به پایگاههای خبری نزدیک به موج سبز، این خیال را آفتابی می‌کند.»[3] سایت مذکور با استثنا کردن منتظری به عنوان فقیه نزیه به علما و روحانیت و مراجع می‌تازد که چرا انعکاس صدای آنها نشدند.[4]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۲۷. ۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۷.
۳- همان. ۴- همان.

ـ بیانیه حزب مشارکت

حزب مشارکت در پاسخ به کیفرخواست مطرح شده در دادگاهها بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه با بیان این‌که این حزب دارای مرامنامه و اساسنامه مشخص است، آمده است: «جبهه مشارکت ایران اسلامی حزبی فراگیر و دارای مرامنامه و اساسنامه مشخصی است و اعضای آن عموماً چهره‌های شناخته شده‌ای هستند که افتخار فرزندی انقلاب اسلامی و پیروی امام را دارند و بارها در کوران حوادث مختلف ۳۰ ساله پس از انقلاب آزمون خود را پس داده‌اند.»[۱] در این بیانیه آمده است: «تا آن جا که به حزب مشارکت مربوط می‌شود در هیچ دوره‌ای و ازجمله انتخابات اخیر نه هیچ حزب و نه هیچ یک از اعضای حزب خواستار حضور ناظران خارجی نبوده‌اند و اصولاً آن را مفید فایده در جلوگیری از تقلب نمی‌داند. هیچ یک از اعضای کمیته صیانت از آرا هم خواستار این حضور نبوده‌اند. اما این‌که نظارت ناظران خارجی در انتخابات منافاتی با استقلال و حاکمیت ملی داشته باشد، محل مناقشه جدی است.»[۲]

ـ دیدار میرحسین موسوی با خانواده محسن امین‌زاده

به‌گزارش سایت میرحسین موسوی (کلمه) وی با خانواده محسن امین‌زاده از دستگیرشدگان حوادث پس از انتخابات دیدار کرد. موسوی، امین‌زاده را فردی اهل مطالعه و فکر، قوی و پرکار تعریف کرد و بازداشت و نگه داشتن افرادی نظیر او را برای کشور و نظام خسارت بزرگی دانست. موسوی گفت: «تحول مهمّی در کشور اتفاق افتاده و مردم به دنبال حقوقشان هستند. نباید بیخود آنها را متهم و با آنها برخورد کرد. مردم اغتشاشگر نیستند. خواسته‌هایی دارند.»[۳]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۲۷. ۲- همان.
۳- همان.

دوشنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۸

ـ موسوی را برای جبران فضاحت‌هایش یاری کنید

محمدحسین صفار هرندی (وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی) در نشستی با عنوان «سوء تفاهم بزرگ» در تالار شهید چمران دانشکده فنی دانشگاه تهران در پاسخ به عده‌ای از هواداران موسوی که قصد برهم زدن سخنرانی وی را داشتند، گفت: «بنده هم یک دوره‌ای مانند شما همین احساسات را نسبت به آقای موسوی داشتم و حتی آن را بیان می‌کردم و در این انتخابات نیز برخی به دلیل سوابق انقلابی و علاقه به امام به سراغ موسوی رفتند، چون مردم با مفهوم خط امام مشکلی ندارند. کسانی که خط نورانی پیروی از امام خمینی را در کشور بنا کردند، استحقاق تمجید و تشویق را دارند امّا اکنون سؤال من این است که چرا همان افرادی که این راه را بنا نهاده‌اند از خود دفاع نمی‌کنند و جالب این است که اوّلین تجدید نظرها در مورد ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا از سوی امثال عباس عبدی اتفاق افتاد.»[1] وی با تأکید بر این‌که کسی مشکلی با خط امام ندارد اضافه کرد: «امروز مشکل بر سر مصادیق است، همه می‌گویند که خط امام خوب است امّا شما که دم از خط امام می‌زنید چرا در مقابل مهاجرانی که همین چند روز پیش علیه امام موضع‌گیری کرده بود، اعتراضی نمی‌کنید.»[2] صفار هرندی خطاب به هواداران موسوی تصریح کرد: «شما دیگر کار موسوی را سخت نکنید چون اکنون خودش به دنبال فردی می‌گردد که از این بن‌بست خارج شود، پس شما به او کمک کنید تا این

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۸.

۲- همان.

فضاحت را جمع کند. هرچند که برخی از ریش‌سفیدان نیز که برای حل مشکل به میدان آمده‌اند به دنبال نجات موسوی هستند.»[۱]

ـ اوّلین گام تنش‌زدایی تمکین به قانون است

محمد سلامتی (دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) در گفتگو با ایسنا نقطه شروع تنش‌زدایی از فضای سیاسی کشور را تمکین به قانون دانست و گفت: «البته در این میان کسانی هم هستند که نمی‌خواهند این اختلافات و مسائل حل شود و سؤال این‌جاست که چرا در حالی که تنش‌زدایی به نفع منافع ملی ماست، عده‌ای منافع فردی خود را ترجیح می‌دهند؟»[۲]

ـ طرح وحدت ملی فتنه‌ای جدید برای گریز طراحان آشوب است

حجةالاسلام روح‌الله حسینیان (رئیس فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس) طرح وحدت ملی و برون‌رفت از وضعیت فعلی کشور را انحرافی خواند و گفت: «این طرحها فتنه‌ای جدید برای گریز از تخلفاتی است که طراحان آشوبهای پس از انتخابات انجام دادند.»[۳] وی خطاب به محسن رضایی از مدعیان طرح وحدت ملی گفت: «معتقدم که آقای رضایی باید وحدت ملی را از خود شروع کند، چرا که سایت تابناک که منتسب به ایشان است جز پراکندن تخم اختلاف در کشور به دنبال کار دیگری نیست.»[۴]

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۲۸.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۸.
۴- همان.

سه‌شنبه ۲۸ مهر ۱۳۸۸

- محکومیت اهانت کروبی به آیت‌الله نوری همدانی

بسیج دانشجویی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی استان قم با صدور بیانیه‌ای نامه اهانت‌آمیز کروبی به آیت‌الله نوری همدانی را محکوم کرد. در این بیانیه آمده است: «جناب شیخ، شما را چه شده است که امروز با برشمردن سوابقی که خود بر باد داده‌اید در مقابل بزرگانی که خدمت و صداقت بی‌منت ایشان بر همگان آشکار است مواضع علنی گرفته و قصد دارید تا مرجعیت و فقاهت را زیر سؤال برده و لکه‌های ننگینی که پس از انتخابات بر پیشانی خود مهر کرده‌اید، پاک کنید.»[۱]

- آقای اوباما ببخشید که علیه ملت ما جنایت کردید

محسن مخملباف (کارگردان مقیم خارج حامی موسوی) با انتشار نامه‌ای در اینترنت خطاب به اوباما از طرف مردم اعلام کرد که جنایات ۵۶ ساله آمریکا نسبت به ایران را می‌بخشد. وی در نامهٔ خود آورد: «ما ایرانیها نشان داده‌ایم آنچه را که طی ۵۶ سال به سبب کودتای آمریکاییها بر ما گذشت نتوانسته‌ایم به راحتی فراموش کنیم... امّا اکنون پس از تجربه‌ای دردناک و در عین حال آموزنده به این جا رسیده‌ایم که بتوانیم شما را ببخشیم؟! از سویی درک می‌کنیم که حمله به سفارت آمریکا و گروگانگیری کارمندان آن از سوی جوانان انقلابی ما ملت شما را عمیقاً رنجانده و فراموش کردن آن برای شما

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۲۹.

بسیار دشوار است، به سهم خود از شما عذر می‌خواهیم و امیدواریم که ما را ببخشید.»[۱]

ـ شکایت ۱۰۰ نماینده از موسوی

حجةالاسلام حمید رسایی (نماینده مجلس هشتم) پس از اتمام جلسه علنی مجلس به خبرنگاران گفت: «حدود ۱۰۰ نماینده مجلس که اکثر آنان حقوقدانان هستند از موسوی به دلیل اقدامات و بیانیه‌هایش شکایت کرده‌اند.»[۲]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۲۹.
۲- همان.

چهارشنبه ۲۹ مهر ۱۳۸۸

ـ کمیسیون ملی انتخابات بحثی انحرافی است

سید صولت مرتضوی (معاون سیاسی وزارت کشور) درباره بحث کمیسیون ملی انتخابات گفت: «با توجه به وجود ساختارهای مناسب، این موضوع از جمله مباحث انحرافی است که طراحان آن پروژه فرار به جلو را برای خود ترسیم و برنامه‌ریزی کرده‌اند.»[۱] وی با بیان این‌که این طرح ادامه روند بداخلاقی‌های متداول در انتخابات است اضافه کرد: «تدوین قانون جامع انتخابات ریاست‌جمهوری در دست اقدام است و پس از نهایی شدن به مجلس ارائه خواهد شد.»[۲]

ـ قانون و فرمایشات رهبری فصل‌الخطاب است

مصطفی کواکبیان (عضو فراکسیون اقلیت مجلس) با بیان این‌که بعد از انتخابات بنده اوّلین نفری بودم که گفتم باید قانون و فرمایشات رهبری فصل‌الخطاب همه قرار گیرد و باید براساس آن عمل نمایند، افزود: «در حال حاضر باید همه جناحها، فعالان سیاسی و گروهها بگویند که انتخابات تمام شده است، چرا که ما در حال حاضر براساس اتمام انتخابات برای کشور برنامه‌ریزی می‌کنیم.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۷/۳۰.
۲- همان.
۳- همان.

ـ به هیچ چیزی نخواهیم رسید

عطاءالله مهاجرانی (وزیر فرهنگ و ارشاد دولت اصلاحات) در کالج مونتگمری در حومه واشنگتن گفت: «جنبش سبز تنها سه رهبر دارد و به کس دیگری در خارج و داخل نیاز ندارد. ما این ۳ نفر را پذیرفته‌ایم به عنوان رهبران سیاسی جنبش سبز. آقای موسوی، آقای کروبی، آقای خاتمی. این حرکت اگر یک مقدار سامان پیدا نکند، به هیچ چیزی نخواهیم رسید.»[1]

ـ هیچ حکم اعدامی تاکنون برای اغتشاشگران صادر نشده است

سید ابراهیم رئیسی (معاون اوّل قوّه قضائیه) در گفتگو با پانا گفت: «تا به حال هیچ گونه حکم اشد مجازات برای اغتشاشگران در دوره انتخابات صادر نشده است و با توجه به جرائم این افراد پرونده‌ها در دست پیگیری است.»[2] وی با اشاره به تشکیل کمیته ۳ نفره گفت: «این کمیته ۳ نفره برای رسیدگی به پرونده‌های زمان خاص انتخابات و نوع جرائمی که منجر به آشوب در سطح شهر شد، تشکیل شده است و اصلی‌ترین وظیفه آن رسیدگی عادلانه به پرونده‌های مربوط به ایجاد آشوب، اختلال گروهی در جامعه و تولید شایعات برای منحرف کردن ذهن مردم است.»[3]

ـ توصیه به اجتناب از وحدت با اصلاح‌طلبان

جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در نامه‌ای به رئیس تشخیص مصلحت نظام لیستی از موضع‌گیریها و اقدامات دو دهه اخیر وی و خانواده‌اش راکه اشتباه بوده است، ارائه و او را توصیه به بازگشت به مواضع اصولی کرد. در این نامه آمده است: «در دیدارهای مختلف نسبت به رفتار جریانات انحرافی و افراطی دوم خرداد خصوصاً پس از داستان

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۷/۳۰.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۳۰.
۳- همان.

عالیجناب سرخپوش و خاکستری و مسائل مربوط به انتخابات مجلس ششم، مطالبی را از روی خیرخواهی منعکس کردیم ولی متأسفانه هیچ‌گاه شاهد اقدام مثبتی که بیانگر مهار، کنترل یا اصلاح باشد، نبودیم.»[1]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۷/۳۰.

پنجشنبه ۳۰ مهر ۱۳۸۸

ـ تاکتیک جریان پس از انتخابات تغییر یافته است

حجةالاسلام محسنی اژه‌ای (دادستان کل کشور) حوادث پس از انتخابات را یک فتنه و جریان سازمان یافته با برنامه‌ریزی مدون خواند و گفت: «این جریان هنوز خاتمه نیافته و ممکن است راه، روش و تاکتیک آن عوض شده باشد.»[1] وی با اشاره به تلاشها و برنامه‌ریزی دشمنان برای رسوخ و نفوذ در جریانات و مراکز مختلف کشور خاطرنشان کرد: «این افراد از مدتها قبل از انتخابات سراغ حوزه، دانشگاه، مراکز فرهنگی، مجلس، دولت، قوّه قضائیه و . . . رفتند تا بتوانند بخشی از این جریانات را با خود همراه کنند امّا خوشبختانه با هوشیاری این مراکز موفق نشدند به هدف خود برسند . . . متأسفانه برخی افراد بسیار سطحی نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند حوادث پیش‌آمده یک جریان ساده و اتفاقی بوده است.»[2]

ـ خودخواهی چند نفر عامل اتفاقات بعد از انتخابات بود

دکتر کامران باقری لنکرانی (وزیر بهداشت دولت نهم) در جمع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شیراز با بیان این‌که مهمترین عامل اتفاقات پس از انتخابات خودخواهی چند نفر بود که یکی از ناجوانمردانه‌ترین اتفاقات تاریخ را رقم زد، گفت: « کسانی که ساعت ده شب می‌گویند رئیس‌جمهور شده‌اند، در حالی که هنوز انتخابات تمام نشده

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲.
۲- همان.

پاسخگوی این اتفاقات باشند.»[۱]

ـ تندرویها زمینه‌ساز شکست اصلاحات شد

الهه کولایی (عضو شورای مرکزی حزب مشارکت) در گفتگو با فارس گفت: «خاتمی در دوره اصلاحات بارها به طرفداران خود تذکر داده بود که از تندروی پرهیز کرده و جوّزده نشوند امّا ما جوّزده شدیم.»[۲] وی تندرویها را عامل شکست اصلاحات در سال ۱۳۸۴ دانست و افزود: «فقدان برنامه برای تشکیل احزاب مؤثر با تعاریف بین‌المللی نیز باعث شد تا اصلاح‌طلبان مرتکب اشتباهات فراوانی شوند. ما نسبت به هاشمی رفسنجانی نیز زمانی او را عالیجناب سرخپوش نامیدیم و زمانی دیگر از تمام مردم خواستیم تا به او رأی دهند. یک بار می‌گوییم او بدترین آدم است و یک بار دیگر می‌گوییم او بهترین فرد است. این موضوعات به دلیل فقدان برنامه‌ریزی است.»[۳]

ـ طرح کمیسیون ملی انتخابات خام، عجولانه و بی‌فایده است

دکتر غلامحسین الهام (عضو حقوقدان شورای نگهبان) در گفتگو با فارس با اشاره به طرح کمیسیون ملی انتخابات گفت: «این طرح، طرح کارآمدی نیست و در این سیستمی که ما در ایران داریم چنین طرحی جوابگوی نیازها و مشکلات نیست چرا که انتخابات در ایران دارای ۳۰ سال تجربه است و بوسیله مردم در هیأتهای اجرایی برگزار می‌شود. به نظر من برهم زدن تجربه این ۳۰ سال و روند انتخابات با طرحهای غیرکارشناسی و خام، یک کار عجولانه است و هیچ فایده‌ای برای کشور ندارد.»[۴]

ـ ظرفیتش نیست دیگر شعارهای ضدانقلابی سر ندهید!

میرحسین موسوی در جمع گردانندگان روزنامه توقیف شده کلمه سبز با اشاره به این

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲.

که نباید اجازه داده شود اتفاقات ماههای گذشته به بدبینی نسبت به دستاوردهای انقلاب منجر شود، اظهار داشت: «طبیعی است رسانه‌هایی که صدای این قدرت یا آن قدرت هستند بالاخره مجبورند از منافع ملی کشور خود ولو به زبان فارسی دفاع کنند و در این راه بذر بدبینی به‌کل دستاوردهای انقلاب اسلامی در طول سی سال گذشته بپاشند و حتی سعی کنند به سراغ حماسه عظیم و تاریخی دفاع مقدس ملت ما بروند.»[1] این در حالی است که در بسیاری از تجمعات غیرقانونی هواداران موسوی و بویژه در حاشیه روز جهانی قدس شعارهایی علیه نظام و انقلاب و در حمایت از آمریکا و اسرائیل سر داده شد که بلافاصله با استقبال محافل آمریکایی و انگلیسی مواجه شد. موسوی که حاضر نشد صراحتاً آن شعارهای ضدانقلابی را مطرود بداند در ادامه گفت: «به نفع ماست که شعارهایی متناسب با ظرفیت کشور مطرح کنیم و از شعارهای تند و غیرمنطبق با وضعیت کشور بپرهیزیم.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲.

۲- همان.

آبان ماه ۱۳۸۸

جمعه ۱ آبان ۱۳۸۸

ـ فرار کروبی از نمایشگاه مطبوعات

مهدی کروبی (کاندیدای شکست خورده انتخابات دهم) که با هدف تشنج در نمایشگاه مطبوعات حاضر شده بود، به هدف خود رسید و پس از اعتراض تعدادی از مردم با شلیک هوایی محافظش برای متفرق کردن معترضان مجبور به فرار از نمایشگاه شد.[۱]

ـ نامه مهدی هاشمی به روزنامه اعتماد

مهدی هاشمی با ارسال نمابری به روزنامه اعتماد با اشاره به خبرسازیهای برخی از رسانه‌ها عنوان کرد: «گویا فضای تهمت و اتهام که همزمان با مناظره‌های نامزدهای انتخابات دوره دهم ریاست‌جمهوری در رسانه ملی آغاز شده، چنان به کام بعضیها شیرین است که همان شیوه را راه و رسم خویش در زندگی رسانه‌ای و سیاسی قرار داده‌اند. اصرار انتساب سایت آینده به این‌جانب در برخی رسانه‌های همسو و زنجیره‌ای و متأسفانه متعلق به نهادی که براساس و هدف فداکاری تأسیس شد و این‌گونه گناهها آن را از تبار خویش بیگانه کرده، مخصوصاً با ادبیات بسیار زشت و زننده (سایت منتسب به آقازاده آشوبگر) از جمله این تهمتهاست و متأسفانه چنان خود را در امنیت ملی تقنینی، قضایی و اجرایی می‌بینند که نه تنها تکذیبیه‌های متعدد را چاپ نمی‌کنند، بلکه با ادبیات

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲.

خاص خویش برای دروغ و تهمت تحلیلهای سیاسی ارائه می‌دهند. این‌جانب بارها و بارها اعلام کرده‌ام هیچ وقت با هیچ سایت، خبرگزاری و روزنامه‌ای همکاری نداشته‌ام و بیشترین اخباری که از من یا دروغ به نقل از من در این رسانه‌ها منتشر شده، از نوع خبرهایی است که یک جریان خاص برای محکم کردن پایه‌های خویش می‌سازد.»[1]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۲.

ـ شنبه ۲ آبان ۱۳۸۸ ـ

ـ کروبی با ساده‌لوحی قربانی حضور خاتمی و موسوی در نمایشگاه

الیاس نادران (عضو کمیسیون اقتصادی مجلس هشتم) در شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات در واکنش به حضور کروبی و تنش ایجادشده در نمایشگاه گفت: «وقتی کسی خطایی انجام می‌دهد باید هزینه این خطا را بپذیرد و دستگاه قضایی باید بدون در نظر گرفتن جوانب در روند محاکمه اغتشاشگران سرعت ببخشد. مهدی کروبی در عرصه سیاسی و اجتماعی از سادگی زیادی برخوردار است و به همین دلیل وی را برای ارزیابی محیط نمایشگاه برای حضور سران اصلاحات در این محیط انتخاب کردند.»[1] وی حضور سران اصلاحات در محافل عمومی را در راستای ادامه اغتشاشات دانست و تصریح کرد: «سران اصلاحات باید جایگاه خود را در میان مردم در نظر بگیرند و با توجه به پاسخی که دیروز مردم در نمایشگاه به شیخ اصلاحات دادند باید عاقل‌تر از این باشند که بخواهند باز هم در نمایشگاه حضور یابند.»[2]

ـ رفتار موسوی خروج بر امام عادل است

دکتر محمدجواد لاریجانی در نشست سراسری دبیران استانهای حزب مؤتلفه اسلامی با اشاره به رفتار غیرقانونی میرحسین موسوی در مورد نتایج انتخابات گفت: «این‌که میرحسین موسوی برخلاف همه مقررات و قوانین مربوط به انتخابات و برخلاف

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۳.   ۲- همان.

رأی شورای نگهبان و تنفیذ مقام معظّم رهبری خود را پیروز انتخابات اعلام کرد این نوعی خروج بر امام عادل است.»[۱] وی با بیان این‌که برخی فکر می‌کنند صورت مسأله دعوای بین دو نفر است، اگر روبوسی کنند مشکل تمام می‌شود، افزود: «آنچه که رخ داد یک کودتای تمام‌عیار با همکاری دول غربی بود، موسوی چه بداند و چه نداند وارد این بازی ابلهانه شد و غربیها هم از او حمایت کردند.»[۲]

ـ واکنش تابش به اظهارات روح‌الله حسینیان

محمدرضا تابش (دبیرکل فراکسیون خط امام مجلس) در واکنش به اظهارات روح‌الله حسینیان که طرح وحدت ملی را فتنه هاشمی رفسنجانی خوانده بود در گفتگو با ایلنا گفت: «برای رسیدن به وفاق ملی در ابتدا باید تندروها را محدود کرده و جلوی اقدامات تندروانه آنها را بگیریم.»[۳] وی افزود: «ما باید همچنین روزنامه و نشریاتی راکه با پول دولت ارتزاق می‌کنند یا عنوان و سمتهای دولتی بر آنها سایه افکنده است مهار کرده تا از اعمال تندروانه خود دست بردارند.»[۴]

ـ واکنش مجمع روحانیون مبارز به تخریب موسوی خوئینی‌ها

مجمع روحانیون مبارز با صدور بیانه‌ای از آنچه موج تخریب علیه موسوی خوئینی‌ها (دبیرکل مجمع روحانیون مبارز) نامید، انتقاد کرد. در این بیانیه از سکوت قوّه قضائیه در برخورد با اتهام‌زنندگان در مقام مدعی‌العموم گلایه شد.[۵]

۱- همان.

۲- همان.

۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۳.

۴- همان.

۵- همان.

یکشنبه ۳ آبان ۱۳۸۸

ـ براندازی هدف اصلی حمایت از موسوی و کروبی

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار فراری مقیم خارج) در گفتگو با شهرام همایونی (مدیر تلویزیون کانال یک در لندن) گفت: «کاملاً آشکار است که من کلیت نظام جمهوری اسلامی را نفی می‌کنم. امّا در عین حال شاهد جنبشی هستیم که ۳۰ سال گذشته وجود نداشته است. جنبش سبزی که همه نوع افکار و اندیشه‌ای در آن وجود دارد. از کسی که به رژیم سلطنتی اعتقاد دارد تا کسانی که خواهان جمهوری‌اند از مارکسیست و چپی تا خلقی و حتی کسانی که به شکلی به نوعی جمهوری اسلامی اعتقاد دارند، همه در آن هستند. من از جنبشی سخن می‌گویم که روز قدس شعار می‌داد «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» این شعار در مخالفت با اهداف انقلاب اسلامی بسیار بامعناست.»[۱]

ـ با موسوی و کروبی اتمام حجّت کردیم

محمدنبی حبیبی (دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی) با اشاره به دیدار اعضای این حزب با مهدی کروبی و میرحسین موسوی پس از انتخابات گفت: «در این ملاقاتها با این افراد اتمام حجّت کردیم. ما به دنبال وحدت با آنها نیستیم و آنها هم دنبال وحدت با ما نیستند بلکه این ملاقاتها انجام شد تا با آنها اتمام حجت کرده باشیم. انتخابات برای دشمن بهانه‌ای بود تا به اصل ولایت فقیه و مصداق آن که مقام معظّم رهبری باشد ضربه وارد

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۴.

کند و در این انتخابات هر نتیجه‌ای که حاصل می‌شد دشمن این هدف را دنبال می‌کرد.»[1]

ـ علمای قم کروبی را نپذیرفتند

مهدی کروبی طی سفری به قم خواستار ملاقات با علما، مراجع و بزرگان حوزه علمیه قم شد، که با پاسخ منفی این بزرگان روبه‌رو گردید. در این میان وی تنها موفق به دیدار با یوسف صانعی و حسینعلی منتظری شد.[2]

ـ کاش موسوی و کروبی پیروزی احمدی‌نژاد را تبریک می‌گفتند

محمدجواد حق‌شناس (عضو ارشد حزب اعتماد ملی) در گفتگو با ایرنا گفت: «کاش همان‌طور که ناطق نوری در انتخابات سال ۱۳۷٦ پس از پیروزی خاتمی به او تبریک گفت، در انتخابات ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ نیز میرحسین موسوی و مهدی کروبی به احمدی‌نژاد برای پیروزی در انتخابات تبریک می‌گفتند.»[3]

ـ علیرضا بهشتی با اعتراض بازدیدکنندگان نمایشگاه را ترک کرد

علیرضا بهشتی (عضو ارشد ستاد میرحسین موسوی) در حالی که تعدای از افراد در حمایت از وی در شانزدهمین نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات شعار سر می‌دادند با واکنش تعداد دیگری روبه‌رو شد که سرانجام مجبور به ترک نمایشگاه گردید.[4]

ـ هدف مؤتلفه نجات موسوی و کروبی بود نه وحدت با آنها

حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری) در نشست دبیران استانی حزب مؤتلفه گفت: «متأسفانه دو نامزد انتخابات (موسوی و کروبی) موجب تفرقه در جامعه شدند، حتی اگر بگویند این‌چنین غرضی نداشتند. ما باید به این دو نامزد

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۴.
۴- همان.

بگوییم به آغوش رهبری و مردم برگردند.»[1] وی وحدت را تنها در سایه ولایت و قانون اساسی دانست وافزود: «در حال حاضر افراط در بحث وحدت این است که بگوییم این دو نامزد مواضع حقی داشتند و باید با آنها وحدت کرد. ما باید کاری کنیم این افراد به دامن انقلاب و مردم برگردند.»[2]

ـ آزادی متهمان با قرار تأمین

فرهاد تجری (عضو کمیته ویژه مجلس) در گفتگو با ایسنا با بیان این‌که متهمانی که دادگاه آنها برگزار شده با قرار تأمین آزاد می‌شوند، اظهار داشت: «در سیری که به قضات در دادسرا و دادگاه ارائه شده و آنها نیز در پیش گرفته‌اند، قرار شده است افرادی که دادگاه آنها برگزار شده، برای دنباله‌دار نشدن موضوع و جمع‌بندی سریع و صدور حکم توسط دستگاه قضایی با قرار تأمین آزاد شوند.»[3]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۴.
۲- همان.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۴.

دوشنبه ۴ آبان ۱۳۸۸

ـ دستورالعمل‌های ضدانقلاب برای موسوی و کروبی

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار مقیم خارج) در گفتگو با تلویزیون وابسته به گروهک تروریستی پژاک گفت: «با تجربه‌ای که اصلاح‌طلبان نظیر کروبی و موسوی و خاتمی از تظاهرات روز قدس دارند، روز سیزدهم آبان را باید روز دوستی با آمریکا و روز دشمنی با روسیه اعلام کنند.»[1] وی اضافه کرد: «قرار است در این روز شماری از تظاهرکنندگان مقابل سفارت آمریکا شعار دوستی با این کشور را سر دهند و عده‌ای نیز در برابر سفارت روسیه خشم و انزجار خود را اعلام کنند. در خارج از کشور هم شخصیتهایی نظیر محسن مخملباف تلاش کرده‌اند این روز را روز آشتی با آمریکا معرفی کنند.»[2]

ـ کسانی که تحقیقشان تمام شده آزاد می‌شوند

به گزارش ایلنا عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) گفت: «پزشکی قانونی اعلام کرد ادامه حضور بهزاد نبوی در بازداشتگاه امکان‌پذیر نیست و به همین دلیل در بیمارستان نگهداری می‌شود.»[3] وی افزود: « کسانی که تحقیقشان تمام شده است با قرار وثیقه آزاد می‌شوند.»[4]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۵.
۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۵.
۴- همان.

ـ بیانیه حزب مشارکت در حمایت از موسوی خوئینی‌ها

به‌گزارش نوروز جبهه مشارکت با صدور بیانیه‌ای نسبت به آنچه بی‌احترامی نسبت به شخصیتهای تأثیرگذار دانست انتقاد کرد. در این بیانیه آمده است: «امروز کسانی هدف این رفتارها هستند که عموماً از سابقه‌داران اصیل اسلام و انقلاب و چهره‌های مورد علاقه و وثوق حضرت امام(ره) بوده‌اند.»[1] در ادامه بیانیه با اشاره به بازداشت تعدادی از فعالان سیاسی اصلاح‌طلب به حمایت از موسوی خوئینی‌ها پرداخته و دادگاه روزنامه سلام (عامل اصلی حادثه کوی دانشگاه ۷۸) را یادآور و اضافه کرد: «واقعیت آن است که انتقام‌جویی‌های تاریخی اساس بخشی از خشونتها و رفتارهای غیرمتعارفی را که این روزها شاهد آن هستیم ،تشکیل می‌دهد. آیت‌الله موسوی خوئینی‌ها البته شاید خیلی زودتر از دیگران هدف این انتقام‌جویی‌ها قرار گرفت. تشکیل دادگاه روزنامه سلام که شاکیانش افرادی چون احمدی‌نژاد و دانشجو و ترقی بودند، نمونه‌ای از این مسأله است.»[2]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۵. ۲- همان.

سه‌شنبه ۵ آبان ۱۳۸۸

ـ صدور احکام ۲ متهم دیگر آشوبهای پس از انتخابات

فرزام اردلان (وکیل مدافع شهاب طباطبایی و مهدی مرتضی‌پور و دو متهم دیگر) گفت: «حکم ۲ موکل دیگر بنده صادر شده که تنها نسبت به یکی از احکام صادره اعتراض خواهیم کرد. حکم مهدی مرتضی‌پور اخیراً از سوی دادگاه صادر شده که این حکم حبس تعزیری است که بنده به عنوان وکیل مدافع وی نسبت به این حکم اعتراض خواهم کرد.»[1]

ـ اتهام اصلی موسوی، مباشرت در اقدام علیه امنیت کشور است

دکتر غلامحسین الهام (عضو حقوقدان شورای نگهبان) در پاسخ به نحوه پیگیری و رسیدگی به شکایات از میرحسین موسوی که به صورت عمومی و خصوصی علیه وی تنظیم شده اظهار داشت: «اتهام اصلی میرحسین موسوی اقدام علیه امنیت کشور و درنتیجه یک جرم عمومی است که البته علیه تمامیت نظام صورت گرفته است.»[2]

ـ محاکمه مهدی هاشمی کلید وحدت ملی است

حجةالاسلام حمید رسایی (نماینده مجلس هشتم) درباره احتمال بازگشت مهدی هاشمی به تهران گفت: «مهمترین اقدامی که آقای هاشمی رفسنجانی برای کلید خوردن

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۶.

۲- همان.

وحدت ملی واقعی می‌تواند انجام دهد، سپردن بستگانش بویژه مهدی و فائزه هاشمی به دستگاه عدالت است، تا قوّه قضائیه اتهاماتی که به ایشان مربوط است را بررسی کند. وقتی که چند تن از نزدیکان مهدی هاشمی که در اغتشاشات نقش اصلی داشته‌اند بازداشت می‌شوند، بلافاصله وی به لندن می‌رود و ۲ ماه است که هنوز بازنگشته است. خوب طبیعی است با این روند همه شکها به یقین تبدیل شود.»[۱]

ـ عدم آزادی برخی بازداشت‌شدگان به خاطر احتمال ناآرامی مجدد

به گزارش سایت پرچم فرهاد تجری (عضو کمیته ویژه مجلس) با اشاره به اخباری درخصوص آزادی متهمانی که حکمشان صادر شده است، گفت: «این احتمال وجود دارد بعضی از افرادی که در اغتشاشات بعد از انتخابات نقش محوری و مؤثر داشته‌اند، ناآرامی‌های دیگری را در آینده رقم بزنند، لذا با تکمیل تحقیقات هم نمی‌توان امید به آزادی آنها داشت. قطعاً اقدامات پیشگیرانه و تأمینی در این راستا حائز اهمیت است.»[۲]

ـ حقایق دخالت بیگانگان در انتخابات را می‌گویم

دکتر محمود احمدی‌نژاد با بیان این‌که پرونده انتخابات از نظر من بسته شده است گفت: «دخالت بیگانگان مسأله‌ای حتمی است. برخی کشورهای غربی مثل انگلیس و فرانسه از طریق اظهار نظرهای رسمی و افزایش حجم تبلیغات رسانه‌ای سعی کردند کارها را به سمت و سویی که می‌خواهند سوق دهند و اقدامات بی بی سی هم مثال این مسأله می‌تواند باشد. برخی از سفارتخانه‌ها در تهران هم نسبت به استقبال از مجرمان در درگیریها اعلام آمادگی کردند، مثل ایتالیا که این مسأله چیز عجیبی بود. البته تنها این سفارت نبود، دو سفارت دیگر هم بودند که مواضع خودشان را اعلام نکردند. در عین حال کارمندان برخی سفارتخانه‌ها را توقیف کردیم در حالی که قصد تحریک

۱- همان.

۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۶.

تظاهرکنندگان را داشتند و ما توانستیم از روابط آنان با برخی از عناصر هم اطمینان پیدا کنیم.»[۱]

ـ تأسف مجمع روحانیون مبارز از خروج اجباری کروبی و بهشتی از نمایشگاه مطبوعات

مجمع روحانیون مبارز در جلسه‌ای که به ریاست سید محمد خاتمی برگزار شد، ضمن تحلیل اوضاع روز به تجلیل از کروبی و بهشتی پرداخت و از شعارهایی که برعلیه آنان در نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات داده شد، انتقاد کردند. در این جلسه اعضای مجمع تأکید کردند: «عملکرد مجمع روحانیون مبارز همواره مؤید رفتارهای مدنی و قانونی بوده است و همان‌طور که بر آزادیهای اساسی مصرح در قانون اساسی یعنی آزادی بیان، آزادی اجتماعات و آزادی احزاب و تشکلها تأکید شده است، هرگونه رفتار خشونت‌آمیزی را محکوم کرد.»[۲]

ـ دیدار کروبی و میرحسین

مهدی کروبی روز سه‌شنبه به دیدار میرحسین موسوی رفت تا با حضور در دفترکار او به رایزنی درخصوص فضای حاکم بر کشور، عملکرد دستگاههای اجرایی و برخی حوادث کشور بپردازد. در این دیدار کروبی ـ که دریافت چند صد میلیون تومان پول بی‌زبان (تحت عنوان هدیه) از شهرام جزایری را در کارنامه خود ـ دارد به موسوی گفت: «متأسفانه آلودگیهای اقتصادی برخی مسؤولان، یکی از دلایل اصلی درگسترش فساد در جامعه است. من به یاد دارم که زمانی آن قدر سلامت اقتصادی حاکم بود که یک مسؤول دولت هزینه مداوای یک عضو خانواده‌اش را در بیمارستان نداشت و به ما در بیمارستان بنیاد شهید مراجعه می‌کرد امّا امروز شرایط دیگری حاکم است.»[۳] میرحسین

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۶. ۲- همان.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۷.

موسوی نیز که به خاطر عملکردش از سوی محافل سیاسی و رسانه‌های غرب به عنوان فرصتی برای فشار به ایران و ایجاد انفعال در مذاکرات هسته‌ای یاد می‌شود، در این دیدار مدعی شد: «گفتگویی که در زمینه هسته‌ای در ژنو صورت گرفته واقعاً مورد حیرت است. قول و قرارهایی که در ژنو داده شده اگر اجرا شود بر باد دادن همه زحمت هزاران دانشمند در کشور است و اگر اجرا نشود زمینه اجتماعی را برای تحریم گسترده علیه ایران ایجاد خواهد کرد.»[1]

۱- همان.

-•◊ چهارشنبه ۶ آبان ۱۳۸۸ ◊•-

-زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور با تشریح اوضاع کشور به انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری اشاره کردند و اظهار داشتند: «مسأله اصلی در این قضایای اخیر اصل انتخابات بود، زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را می‌بندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، یک شرکت به این عظمت، یک نصاب‌شکنی، یک رکوردشکنی در دنیا در مردم‌سالاری، در دموکراسی‌ای که این قدر ادعایش را می‌کنند انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلّم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل همان فردای انتخابات بگویند، انتخابات دروغ است. این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! یک قدری باید منصف بود توی این قضایا.»[۱]

-شکایت ۱۰۰ نماینده مجلس از میرحسین موسوی

حجةالاسلام محسنی اژه‌ای (دادستان کل کشور) با اعلام این خبر که در تاریخ ۲۹ مهرماه دو تن از نمایندگان متن شکوائیه‌ای با حدود ۱۰۰ امضاء از نمایندگان مجلس که علیه موسوی تنظیم شده بود را به بنده ارائه کردند، اظهار داشت: «در مطلب ارائه شده توسط نمایندگان مجلس برخی اتهامات در خصوص میرحسین موسوی مطرح شده و به

۱- بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با جمعی از نخبگان علمی کشور در پیوست ۱۱ می‌باشد.

عنوان شریک و مباشر، نمایندگان خواستار تحت تعقیب قرارگرفتن وی شده‌اند.»[۱]

ـ با تدبیر حکیمانه مقام معظّم رهبری و هوشیاری مردم شعله‌های آتش فتنه خاموش شد

سردار سرلشکر محمدعلی جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران) در جمع سپاهیان و بسیجیان در ارومیه گفت: «متأسفانه امروز برخی عناصر وابسته و معاند نظام با ایادی استکبار همراه و همگام شده‌اند و به دنبال تخلیه و تغییر تدریجی محتوای اصلی نظام جمهوری اسلامی هستند. متأسفانه این افراد که در مقاطعی همراه انقلاب و نظام بوده‌اند عملاً تلاش دارند شعارهای عدالتخواهی وظلم‌ستیزی نظام جمهوری اسلامی را زیر سؤال ببرند.»[۲] وی در ادامه اضافه کرد: «متأسفانه ابعاد و پیام فتنه‌های اخیر به حدی عمیق و گسترده بود که اگر مقابله نمی‌شد ممکن بود نظام جمهوری اسلامی از محتوای اصلی خود خارج شود. در این برهه از زمان توانستیم با تدبیر حکیمانه مقام معظّم رهبری، آگاهی و هوشیاری مردم و روشنگری، شعله‌های آتش این فتنه را خاموش کنیم.»[۳]

ـ حمایت اتحادیه اروپا از عناصر آشوبگر

اتحادیه اروپا با صدور بیانیه‌ای علناً از برخی عناصر سیاسی و مطبوعاتی دستگیرشده پس از آشوبها مانند محسن میردامادی، بهزاد نبوی، عیسی سحرخیز، کیان تاجبخش، احمد زیدآبادی، محمد قوچانی، شادی صدر و ... حمایت کرد. بیانیه مذکور با جانبداری از سران آشوب، مدعی حمایت از حقوق بشر و ارزشهای دموکراتیک و آزادی اجتماعات شد. این بیانیه همچنین با نگرانی عمیق نسبت به بازداشت فعالان سیاسی و مطبوعاتی مذکور، محاکمه اغتشاشگران را مورد انتقاد قرار داد و خواستار آزادی آنان شد.[۴]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۷.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۷.

◆ پنجشنبه ۷ آبان ۱۳۸۸ ◆

ـ حکم اعدام برای ۳ نفر از متهمان پس از انتخابات صادر شد

سید علیرضا آوایی (رئیس کل دادگستری استان تهران) در گفتگو با فارس گفت: «دادگاه برای یک عضو گروهک منافقین و ۲ عضو دیگر انجمن پادشاهی ایران حکم اعدام صادر کرده است.»[۱] وی افزود: «مقایسه حکم اعدام این ۳ نفر با دیگر متهمان حوادث پس از انتخابات، جفا در حق کسانی است که رابطه خوبی با نظام دارند و هدفشان چیز دیگری بود. ممکن است جوانی به دلیل نگرش خاص خود و در راستای علاقه‌مندی به نظام در تجمعات شرکت کرده باشد، این فرد ضدانقلاب نیست و نمی‌توان وی را در کنار منافقین و ضدانقلاب‌ها قرار داد، چنین اقدامی معقول نیست. ۳ نفر مذکور حتی اگر حوادث پس از انتخابات هم به وجود نمی‌آمد، اقدامات خرابکارانه علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی را انجام می‌دادند.»[۲]

ـ حمایت از اصلاح‌طلبان جایگزین تحریم ایران

سایت صدای آمریکا به نشست خبری فلتمن (معاون وزیر خارجه آمریکا) با شماری از نمایندگان اشاره کرد و نوشت: «فلتمن اطمینان داد سازمانهای مستقر در آمریکا به حمایت از گروههای آزادیخواه در ایران ادامه خواهند داد.»[۳] صدای آمریکا با بیان این‌که فلتمن گفته اوباما و دیگر مقامات دولت او مصرانه از اصلاحات دموکراتیک در

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۹.
۲- همان.
۳- همان.

ایران حمایت می‌کنند، نوشت: «گری اکرمن رئیس دموکرات کمیته مسائل خاورمیانه در مجلس نمایندگان پیشنهاد کرده است همزمان با تلاش برای برقراری گفتگو با ایران بر حمایت از طرفداران اصلاحات و دموکراسی در این کشور تأکید می‌کند. او گفت ما باید اعلام کنیم که از آنها حمایت می‌کنیم و از شجاعت و پافشاری آنان الهام می‌گیریم.»[۱]

ـ وقایع بعد از انتخابات نیاز به روشنگری دارد

محمد دهقان (عضو هیأت رئیسه مجلس هشتم) گفت: «کروبی به دنبال این است که به هر ترتیب توسط دستگاه قضایی کشور دستگیر شود. برخورد قضایی با کروبی در حال حاضر به نفع او تمام می‌شود، چرا که وی تلاش می‌کند با مظلوم‌نمایی امکان شنیدن حقایق اصلی وقایع بعد از انتخابات از بین برود.»[۲] وی همچنین با تأکید بر این‌که وقایع بعد از انتخابات نیاز به روشنگری دارد اضافه کرد: «به عنوان نمونه بسیاری از کسانی که به موسوی رأی دادند بعد از روشن شدن حقایق از رأی خود پشیمان شدند.»[۳]

ـ پشیمانی سران اغتشاشات طرح وحدت ملی را موضوعیت می‌بخشد

سید جلال یحیی‌زاده (عضو کمیسیون فرهنگی مجلس) با اشاره به سخنان اخیر موسوی مبنی بر مخالفت با ساختارشکنی و اقدامات تندروانه گفت: «با پشیمانی موسوی از اقدامات گذشته خود در چندماه اخیر طرح وحدت ملی موضوعیت پیدا می‌کند.»[۴] وی با بیان این‌که پذیرش هر طرحی باید با محوریت ولایت فقیه و قانون اساسی همراه باشد افزود: «اگر طرح وحدت ملی در این راستا و با محوریت باشد قابل مطرح شدن است. اگر هدف از مطرح شدن وحدت ملی لاپوشانی تخلفات صورت گرفته از سوی کروبی و موسوی باشد به هیچ وجه مورد قبول اقشار مختلف مردم قرار نخواهد گرفت.»[۵]

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۹.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

جمعه ۸ آبان ۱۳۸۸

ـ دنیا روی پیشرفتها و عظمت نظام حساب می‌کند

آیت‌الله امامی کاشانی (خطیب نمازجمعه تهران) در خطبه‌های این هفته تهران با رد جّوسازیهای رسانه‌ای علیه نظام گفت: «امروز دنیای سیاست روی پیشرفت و عظمت نظام جمهوری اسلامی ایران حساب می‌کند، برای همین باید به تمدن، کیان و نظام جمهوری اسلامی توجه کنیم و این ارزشها را رشد بدهیم.»[۱] وی در ادامه با اشاره به درس‌آموز بودن تاریخ افزود: «باید حوادث را در تاریخ دید، علل سقوط و رشد جوامع را مطالعه کرد و زمان خود را براساس زمان گذشته استوار کرد.»[۲]

ـ حرکتی که به تضعیف رهبری منجر شود آمریکایی است

حجةالاسلام سعیدی (امام جمعه قم) در خطبه‌های نمازجمعه قم با بیان رشادتهای حضرت امام خمینی(ره) گفت: «امام خمینی در این عصر احیاگر مبارزه با استکبار بودند و بعد از آن نیز رهبر معظّم انقلاب این پرچم را بر دوش دارند که باید از ایشان حمایت کنیم.»[۳] وی به تلاش برای تضعیف جایگاه ولایت فقیه از سوی برخی گروهها اشاره کرد و اضافه کرد: «دلیل این افراد برای چنین اقدامی چیست و با چه انگیزه‌ای به تضعیف ستون نظام یعنی ولایت فقیه پرداختند.»[۴] سعیدی در ادامه با اشاره به دعوت برخی گروهها برای اغتشاش و تجمع گفت: «علّت این مسأله چه چیزی می‌تواند باشد؟ امروزه هر حرکتی که منجر به تضعیف ولایت فقیه شود آن را باید آمریکایی نامید.»[۵]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۹.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

-•◊ شنبه ۹ آبان ۱۳۸۸ ◊•-

- اغتشاشگران بدانند ایجاد ناامنی هزینه سنگینی دارد

حجةالاسلام سید ابراهیم رئیسی (معاون اوّل قوّه قضائیه) در گفتگو با ایرنا با اشاره به این‌که مقام معظّم رهبری بارها در سخنرانیها و اظهارنظرهای خود سعی کردند که ابعاد مختلف فتنه پس از انتخابات را تبیین کنند، تأکید کرد: «رهبر معظّم انقلاب در فرمایشات هفته گذشته در جمع نخبگان، بهترین نگاه را در تبیین ابعاد این فتنه دانستند.»[1] وی در ادامه اضافه کرد: «متأسفانه بعد از انتخابات عده‌ای موضوع بسیار نامناسب، غلط و دروغ تقلب را مطرح کردند و خواستند از این طریق در دل مردم تردید و در اذهان آنها تشویش ایجاد کنند و این حضور را زیر سؤال ببرند. دشمنان فتنه گر ما هم بر این خواسته ناحق سوار شدند و توسط عده‌ای ناامنی‌ها و مسائل مربوط به هتک حرمتها صورت گرفت که زیبنده نظام اسلامی نیست.»[2] رئیسی ضمن بیان این‌که افرادی که ایجاد تردید کردند باید از محضر خدا و مردم در برابر این جرمی که مرتکب شدند عذرخواهی کنند اظهار داشت: «افراد و عناصری از آنها دستگیر شدند و دستگاه قضایی وظیفه دارد نسبت به اغتشاشگران و افرادی که در بین مردم ایجاد ناامنی کردند آنها را تعقیب کند و مورد تحقیق و بازجویی قرار دهد و از طریق قانون آنها را به دادگاه بسپارد تا دادگاه آنها را کیفر کند.»[3]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۱۰. ۲- همان.
۳- همان.

ـ مرتضی الویری آزاد شد

به‌گزارش سایت آینده مرتضی الویری عضو ستاد انتخاباتی مهدی کروبی که در شهریورماه پس از انتشار اخبار و شایعاتی در زمینه کشته شدن ۷۲ تن بازداشت شده بود، آزاد شد.[۱]

ـ نظام را قبول داریم امّا منتقد می‌مانیم

اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران با سید محمد خاتمی دیدار کردند. خاتمی در این دیدار گفت: «اگر در امروز و در شرایط فعلی دچار خطای در تحلیل شویم، در آینده دچار مشکلات جدی خواهیم شد.»[۲] وی با بیان این‌که اگر ما که به اصل نظام اعتقاد داریم، نتوانیم حرف بزنیم، دیگران که اعتقادی ندارند، دست به عمل خواهند زد و نتیجه عمل آنها چیزی نیست که مطلوب ما باشد.»[۳]

ـ بیانیه شماره چهارده برای روز ۱۳ آبان

میرحسین موسوی با صدور بیانیه‌ای به بهانه سالگرد ۱۳ آبان ترجیح داد ماهیت ضد آمریکایی روز ملی مبارزه با استکبار جهانی و محتوای آن در زمینه تسخیر لانه جاسوسی را مسکوت بگذارد ولی در عین حال روز قدس را سبزترین روز سال نامید. وی به روال عملکرد چند ماه اخیر خود از ابراز برائت و انزجار نسبت به سیاستهای ظالمانه و استکباری شیطان بزرگ طفره رفت و بدون اشاره به جاسوسی آنان در سفارت آمریکا با چند سطر به سادگی از آن گذشت.[۴]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۱۰. ۲- همان.

۳- همان.

۴- بیانیه شماره چهارده موسوی در پیوست ۱۲ می‌باشد.

ـ برائت از تسخیر لانه جاسوسی و ژست خط امامی؟!

سایت موج سبز (سایت مدعی حمایت از موسوی و اصلاح‌طلبان) به تخطئه اقدام انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا پرداخت و نوشت: «بخش مهمی از حرکت تسخیر سفارت آمریکا، مبنی بر گفتمان دشمن‌ستیزی انقلابیون بود، گفتمانی که در دهه دوم انقلاب به افراط و تفریطی مثال‌زدنی دچار شد، امّا این حرکت در زمان خود نیز حرکتی رادیکال به شمار می‌رفت. برخی از همان دانشجویان پیشرو هجده سال بعد، همزمان با ریاست‌جمهوری سید محمد خاتمی و با تجدید نظر در سیاست‌ورزی، سردمدار جنبش اصلاح‌طلبی شدند، همان جریانی که از تندرویهای خود در قضیه گروگان‌گیری سفارت درس گرفته بود و با شعار تنش‌زدایی و صلح‌طلبی به میدان آمد. امّا جریان رقیب بر همان سیاست خود اصرار و پافشاری می‌کنند.»[1] سایت یادشده که پس از انتخابات برای سرویس‌دهی در چارچوب پروژه سازمان سیا، راه‌اندازی شد و انباشته از مواضع منافقانه و تحریک‌آمیز در جهت ساختارشکنی و ضدانقلابی‌گری است، مدعی شد: «تسخیر لانه جاسوسی ناشی از جوّ هیجان‌زده جامعه بود امّا برخی عاملان آن یک دهه بعد، از برخی رفتارهای تندروانه خود اعلام برائت کردند.»[2] این سایت همچنین مدعی شد: «سیزده آبان امسال، سبزها که سر جنگ با هیچ ملتی ندارند می‌آیند تا این بار پیام صلح‌طلبی خویش را به گوش تمام مردم دنیا برسانند.»[3]

ـ بیانیه جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم

به گزارش خبرگزاری فارس از قم تعدادی از استادان و محققان حوزه علمیه قم از جمله حجج اسلام سید حسن ربانی، محمدتقی سبحانی، حمید پارسانیا، سید عباس صالحی، حمید شهریاری، علیرضا اعرافی، علیرضا امینی، محمدحسین رحیمیان،

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۰. ۲- همان.
۳- همان.

عبدالرضا ایزدپناه در بیانیه‌ای به تحلیل حوادث پس از انتخابات در کشور پرداختند.[۱]

ـ درخواست بادامچیان از سران اصلاحات

اسدالله بادامچیان (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با ایسنا از موسوی، کروبی و خاتمی خواست با صدور بیانیه‌ای از هواداران خود بخواهند در روز ۱۳ آبان بدون هیچ نماد سبزی و تنها با در دست داشتن پرچم ایران، علیه استکبار جهانی شعار بدهند.»[۲] وی با یادآوری شعار جمهوری ایرانی توسط هواداران موسوی در روز قدس اظهار داشت: «اگر حقیقتاً این آقایان با این‌گونه شعارها مخالفند با صدور بیانیه‌ای عنوان کنند در روز ۱۳ آبان همه با هم بدون هیچ رنگی شعار مرگ بر آمریکا سر دهند.»[۳] بادامچیان اضافه کرد: «روز ۱۳ آبان امسال روز مشخص کردن خط انقلاب و مردم با خط کسانی است که ممکن است حرف امام(ره) را هم بزنند، امّا خطشان از نظام و انقلاب جداست.»[۴]

ـ هدایتگر تمام جریانات سیاسی در زمان غیبت ولایت فقیه است

به‌گزارش ایرنا آیت‌الله سید احمد خاتمی (عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان) در گردهمایی ائمه جماعت مساجد قم گفت: «معتقد نیستم که یک جناح و جریان سیاسی از مسجد باید هدایت شود بلکه ما معتقدیم که در زمان غیبت کبری هدایت‌کننده همه جریانهای سیاسی فقط ولایت فقیه است.»[۵] وی اضافه کرد: «انتقادها و ایراد به کارها آزاد است ولی به شکل قانونی و در چارچوب حفظ ولایت فقیه و بدون این‌که خدشه‌ای به اساس نظام وارد شود.»[۶]

۱- متن بیانیه جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم در پیوست ۱۳ می‌باشد.
۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۱۰.
۳- همان.
۴- همان.
۵- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۰.
۶- همان.

ــ یکشنبه ۱۰ آبان ۱۳۸۸ ــ

ـ عقاید کروبی مخدوش شده است

حجةالاسلام حسین قیومی (عضو شورای مرکزی حزب مردم‌سالاری) در گفتگو با ایرنا گفت: «افرادی مانند کروبی و منتظری سلسله عقایدی دارند که مخدوش شده است. به همین دلیل بحث کروبی و ولایت فقیه مانند بحث منتظری و امام شده است.»[۱] وی با اشاره به سخنان مقام معظّم رهبری در دیدار با نخبگان مبنی بر این‌که افرادی که انتخابات را زیر سؤال بردند مجرم هستند تصریح کرد: «همه این موضوعات به نبودن فضا برای انتقاد باز می‌گردد، به همین دلیل افرادی بحث انتخابات را مخدوش اعلام کردند.»[۲]

ـ اصلاح‌طلبان در حوادث اخیر مقابل نظام ایستادند

محمدجواد لاریجانی (دبیر کمیسیون حقوق بشر قوّه قضائیه) در گفتگو با فارس گفت: «جریانات پس از انتخابات کودتای کامل کلید خورده توسط جناح اصلاح‌طلب بود که ابعاد وسیعی داشت ولی موفق نشد. برخی فکر می‌کنند مسائل پس از انتخابات دعوایی بین احمدی‌نژاد و موسوی بوده و چون پس از انتخابات نیز هواداران موسوی و احمدی‌نژاد با یکدیگر درگیر بوده‌اند و پس از انتخابات هم هواداران آنها در خیابانها با یکدیگر درگیر شدند، بنابراین با سلام و احوالپرسی این دو نفر کار تمام خواهد شد. البته این سلام و احوالپرسی کار خوبی است ولی بنده معتقد نیستم که جریانات پس از

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۱۱.
۲- همان.

انتخابات دعوای طرفداران موسوی و احمدی‌نژاد بوده است.»[۱]

ـ بیانیه‌های تحریک‌آمیز موسوی از مصادیق بارز جرم است

نورالله حیدری (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با باشگاه فارس «توانا» صدور بیانیه‌های پی‌درپی و تحریک‌آمیز موسوی را از مصادیق بارز جرم دانست و گفت: «در دیدار اخیر رهبر انقلاب با نخبگان مسائلی مطرح شد که روشنگری معظّم‌له در مورد برخی مسائل کشور، حجّت را بر همه تمام کرد.»[۲]

ـ صدای شیطان بزرگ پالس سبز را گرفت

بیانیه میرحسین موسوی به مناسبت ۱۳ آبان که با حذف تعمدی نام آمریکا و جنایتها و خیانتهای آن بویژه از طریق لانه جاسوسی همراه بود به دل رسانه‌های رسمی و وزارت خارجه و سازمان جاسوسی آمریکا نشست. صدای آمریکا و رادیو فردا بلافاصله بیانیه موسوی راکه معطوف به تخطئه جبهه خودی و توأم با چراغ سبز به شیطان بزرگ بود، بر صدر اخبار نشاندند.

سایت صدای آمریکا این تیتر را برای بیانیه موسوی برگزید «موسوی: افراط راه را برای تفریط باز می‌کند.» و رادیوفردا (ارگان رسمی سازمان سیا) تیتر زد «موسوی: دولتمردان با گشاده‌دستی از حقوق ملت عقب نشسته‌اند.» صدای آمریکا گفت: «آقای موسوی با اشاره به این‌که افراط، راه تفریط را باز می‌کند، به سیاست خارجی دولت جمهوری اسلامی و جار و جنجال درباره تهیه سوخت هسته‌ای انتقاد می‌کند.»[۳]

ـ بیست‌نفر از متهمان حوادث پس از انتخابات درخواست تجدیدنظر کرده‌اند

به‌گزارش ایسنا سید علیرضا آوایی (رئیس کل دادگستری استان تهران) در حاشیه

۱- همان.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۱.

۳- همان.

مراسم تحلیف هیأت منصفه جدید مطبوعات با بیان این‌که برای ۵۰ نفر از متهمان حوادث پس از انتخابات حکم صادر شده است، افزود: «۲۰ نفر تقاضای تجدید نظر دادند.»[1] وی همچنین علت درخواست استمهال بهزاد نبوی راکسالت و مریضی دانست و گفت: «از غیرعلنی برگزار شدن دادگاه بهزاد نبوی بی‌اطلاع هستم. به ما نگفتند غیرعلنی است و وکیلش و افراد مربوط در این دادگاه شرکت می‌کنند.»[2]

ـ جنبش سبز علوی اعلام موجودیت کرد

در پی سوءاستفاده عناصر فتنه گر از رنگ سبز در انتخابات، تشکل جنبش سبز علوی با هدف بازیابی هویت مقدس این نماد دینی اعلام موجودیت کرد. در بیانیه این تشکل آمده است: «متأسفانه دشمنان در شبیخونی نیرنگ‌آمیز با هتک حرمت این نماد دینی و فرهنگی، به محتوای آن نیز جسارت روا داشته‌اند، برخی نیز با سوءاستفاده از این رنگ و نماد متعلق به سادات و روحانیت به بهانه بازیهای سیاسی، تقدس آن را نشانه گرفته و حرمت آن را با مصادره به مطلوب و انحصاری ساختن آن در فعالیتهای خویش لکه‌دار ساخته‌اند. از این روست که حرکت مکتبی و مردمی جنبش سبز علوی در خیزش عمومی و فراگیر علیه انحصاری ساختن این رنگ بامسمای ناب علوی و حفظ سیادت و قداست رنگ سبز اعلام موجودیت کرده (است.)»[3]

ـ اقلیت مجلس و شعار مرگ بر آمریکا

داریوش قنبری (سخنگوی فراکسیون اقلیت مجلس) در گفتگو با فارس به اشاره به راهپیمایی روز ۱۳ آبان تصریح کرد: «فراکسیون اقلیت مجلس شورای اسلامی همصدا با دیگر احزاب و جریانها مردم را به حضوری گسترده دعوت می‌کند.»[4] وی افزود، «شعار

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۱.
۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۱۱.

ما همان شعار مردم یعنی مرگ بر آمریکا و اسرائیل است.»[1]

ـ دیدار مهدی کروبی با اعضای ادوار تحکیم وحدت

مهدی کروبی در دیدار با اعضای ادوار تحکیم وحدت به فلسفه جمهوری اسلامی پرداخت و گفت: «حقیقت آن است که در کشور ما یک انقلاب بزرگی اتفاق افتاد و نظام جمهوری اسلامی براساس آن بنا شد. این جمهوری اسلامی برای آن محقق شد که هم جمهوریت و هم اسلامیت تحقق یابد امّا امروزه عده‌ای با عملکرد خود می‌خواهند آن را بی‌محتوا کنند.»[2]

ـ پاسخهای صفار هرندی به شعارهای حامیان موسوی

محمدحسین صفار هرندی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت نهم) به مناسبت روز ۱۳ آبان با حضور در دانشگاه خواجه نصیر قصد سخنرانی داشت امّا با شعار «یا حسین میرحسین» حامیان میرحسین موسوی روبه‌رو شد که سعی داشتند اجازه ندهند تا وی سخنرانی کند. صفار هرندی در مقابل این اقدام آنان گفت: «این یا حسینی که شما سر می‌دهید، همانی است که عده‌ای در کربلا سر می‌دادند تا صدای حسین بن علی(ع) به گوش کسی نرسد.» صفار هرندی در واکنش به شعار «نصرمن‌الله و فتح قریب مرگ بر این دولت مردم‌فریب» حامیان موسوی خاطرنشان کرد: «مشخص است که چه کسانی در زمان حکومت خود مردم‌فریبی می‌کردند.» که در این زمان حامیان موسوی به سمت تریبون حمله کردند که دانشجویان حاضر در مراسم با شعار مرگ بر منافق از اغتشاش‌آفرینی آنها در دانشگاه جلوگیری کردند. صفار هرندی در ادامه جلسه خطاب به حامیان موسوی گفت: «شما که دوستان خوبی برای خاتمی نبودید و در دوران دولت اصلاحات از وی عبور کردید و حالا هم به جایی خواهید رسید که از موسوی نیز عبور

۱- همان.

۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۱۱.

خواهید کرد و ما به همین خاطر نگران مخالفتهای شما نیستیم.» حامیان موسوی که کنترل عصبی خود را از دست داده بودند، در این هنگام شروع به فحاشی مستقیم به صفار هرندی کردند که وی در پاسخ اظهار داشت: «باید برای شما درس اخلاق گذاشت. شما باید در کلاس اوّل دبستان بنشینید تا برایتان مشخص شود که عدد ۲۴ بزرگتر است یا عدد ۱۳.»[۱]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۱۱.

دوشنبه ۱۱ آبان ۱۳۸۸

ـ قوّه قضائیه باید محاکمه موسوی را سریعتر آغاز کند

جواد آرین‌منش (نایب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس) در گفتگو با فارس گفت: «در خواست نمایندگان از قوّه قضائیه در جهت تسریع محاکمه میرحسین به دلیل آشوبها و ضربه‌هایی بود که موسوی با اعمال خود به نظام وارد کرد.»[۱]

ـ جنبش سبز علوی درمقابل جنبش سبز اموی خواهد ایستاد

محمدرضا نقدی (رئیس سازمان بسیج مستضعفین) در مراسم یادواره شهید فهمیده هدف از تشکیل جنبش سبز علوی را ایستادگی این جنبش در مقابل جنبش سبز اموی عنوان کرد و گفت: «ما خط ولایت را ادامه خواهیم داد و در همین خط حرکت خواهیم کرد. اگر امروز کسانی بخواهند با تأسی به کاخ سبز معاویه جنبش سبز اموی را در مقابل نظام ما علم کنند، ملت ما ثابت کرده است که در تداوم راه شهیدان، جنبش سبز علوی بزرگ خود را در همه ظالمین عالم می‌شوراند و سرنوشتی را که برای مستضعفین رقم زده شده است را محقق می‌کنند.»[۲]

ـ جریان فتنه مقابل دین مردم ایستاده است

حجةالاسلام روح‌الله حسینیان (رئیس فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس) با اشاره به

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۲.

۲- همان.

اقدامات انحرافی جریان فتنه در برخي از مناسك ملی و مذهبی کشورمان گفت: «مبارزه با آمریکا و استعمارستیزی جزو ذات انقلاب اسلامی و ملّت ایران و جنبش به اصطلاح سبز به دلیل آن که مقابل دین مردم ایستاده، قطعاً نابود خواهد شد.» وی اضافه کرد: «ملت ایران که تحقیر از آمریکا را در رژیم طاغوت کشیده‌اند، او را هنوز دشمن شماره یك خود می‌دانند و همان‌طور که حضرت امام این مردم را در مکتب خود پرورش داد؛ نفرت از آمریکا را در دلهای ملت ایران انداخت.»[1]

ـ دیدار موسوی و همسرش با خانواده عرب‌سرخی

میرحسین موسوی که به همراه زهرا رهنورد به دیدار با خانواده فیض‌الله عرب‌سرخی از متهمان حوادث پس از انتخابات رفته بود با ابراز تأسف از بازداشت چهره‌های سیاسی گفت: «چه آنهایی که فرزند انقلاب بوده و برای این انقلاب زحمت کشیده‌اند و چه جوانهایی که با نیّت پاك وارد جنبش شده‌اند و این جنبش را با پاکی و صداقت خود به پیش بردند، هدفی جز ساختن کشور و اعتلای آن نداشتند.»[2] وی تأکید کرد: «هیچ کدام از این دو گروه به دنبال خرابکاری نبوده و همه دنبال ساختن کشور بودند و من نمی‌دانم چرا کسی این موضوع را نفهمید.»[3]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۱۲.
۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۱۲.
۳- همان.

سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۳۸۸

ـ ملّت ایران ایستاده است

مقام معظّم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار دانش‌آموزان در آستانه روز ۱۳ آبان اظهار داشتند: «جوانان امروز ما از لحاظ انگیزه هیچی کسر ندارند. صرف نظر از یک عده انقلابی فرسوده پشیمان که به دلایل گوناگون، زندگی راحت را، سازش را ترجیح دادند، یا به ساز دشمن رقصیدن را عیب ندانستند.» ایشان با بیان این‌که آن روزی که آمریکا دست از استکبار بردارد یک دولتی مثل بقیه دولتهاست، افزودند: «امّا تا روزی که آمریکاییها هنوز به طمع برگشتن به ایران و تجدید روزگار گذشته و عوض کردن تاریخ و به عقب بردن زمان باشند و بخواهند بر کشور ما مسلط بشوند، با هیچ وسیله‌ای نخواهند توانست ملت ما را به عقب‌نشینی وادار کنند. این را بدانند. و به این غائله‌هایی هم که بعد از انتخابات پیش آمد، دل خوش نکنند. جمهوری اسلامی قوی‌تر از این حرفهاست. عمیق‌تر از این حرفهاست. ریشه‌دارتر از این حرفهاست. جمهوری اسلامی با حوادث بسیار سخت‌تری هم مواجه شده که بر همه اینها فائق آمده، حالا چهار نفر آدمهایی که یا ساده‌لوح ـ حالا هرچه و با هر انگیزه‌ای؛ قضاوت نکنیم ـ هستند، یا با نیت بد و خباثت‌آلود، یا با نیت نه آن‌چنان بد، امّا همراه با ساده‌لوحی و بد فهمیدن قضایا، با جمهوری اسلامی مواجه شده‌اند، اینها نمی‌توانند برای آمریکا در کشور ما فرش قرمز پهن کنند. این را بدانند؛ ملت ایران ایستاده است.»[1]

۱- پایگاه اصلاع‌رسانی مقام معظّم رهبری.

- پشیمانی از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا

روزنامه دیلی تلگراف انگلیسی به درج نامه‌ای از عناصر ضدانقلاب مقیم انگلیس و حامی جنبش سبز پرداخت که در این نامه از دولت آمریکا به خاطر ماجرای اشغال سفارت آن کشور در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ عذرخواهی و ندامت کرده‌اند. دیلی تلگراف نوشت: «سران اپوزیسیون سبز درصددند در اقدامی بی‌سابقه و در آستانه سی‌امین سالگرد اشغال سفارت آمریکا توسط دانشجویان ایرانی، از آمریکا به خاطر رویکرد مذکور عذرخواهی کنند. این کار به احتمال زیاد خشم تندروها و محافظه‌کاران را برخواهد انگیخت.»[1] این روزنامه انگلیسی آن‌گاه به درج مصاحبه با محسن مخملباف ـ که خود را سخنگوی میرحسین موسوی در خارج از کشور معرفی می‌کند ـ پرداخت و از قول وی نوشت: «ما باید خود را از این اقدام افراطی مبرا کنیم. دانشجویان ۳۰ سال پیش از روی تعصب و انقلابی‌گری کاری غیر قابل دفاع انجام دادند و امروز ما به هیچ وجه به آن واقعه افتخار نمی‌کنیم. ما می‌دانیم آن حادثه قلبهای آمریکاییها را جریحه‌دار کرد.»[2]

ـ هشدار اصلاح‌طلبان درخصوص حرکتهای انحرافی

تعدادی از احزاب اصلاح‌طلب در آستانه ۱۳ آبان نسبت به حرکات انحرافی در این روز به هواداران خود هشدار دادند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی با صدور بیانیه‌ای نوشت: «شایعاتی که در روزهای اخیر پراکنده شده، این نگرانی را ایجاد کرده است که کسانی به بهانه مبارزه با این یا آن قدرت خارجی، برخی از سفارتخانه‌های کشورهای دیگر را مورد تعرض قرار دهند و آن را به طرفداران جنبش سبز منسوب کرده، زمینه سوءاستفاده را فراهم سازند. سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران بدین وسیله همه طرفداران جنبش اصلاح‌طلبانه ملت ایران را به این‌گونه توطئه‌ها جلب کرده و از آنان می‌خواهد همگان را از افتادن در دام چنین توطئه‌هایی برحذر دارند.»[3] فراکسیون خط

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۳. ۲- همان.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۱۳.

امام مجلس از دیگر تشکلهای اصلاح‌طلب نیز در بیانیه‌ای ضمن ابراز تأسف از بازداشت دانشجویان پیرو خط امام در سالگرد ۱۳ آبان آورد: «تمسک به اصول بنیادین و سیره امام خمینی و آموزه‌های تاریخی یوم‌الله ۱۳ آبان را چراغی فراروی مردم و مسؤولان برای اعتلای عزت ملی و تقویت وفاق و وحدت مردم می‌داند و متولیان امور را به رعایت درست و بازگشت صادقانه به این اصول و آموزه‌ها توصیه می‌نماید.»[۱] حزب اعتدال و توسعه نیز در بیانیه‌ای به تحرکات مشکوک اعلام خطر کرد و نوشت: «شرکت‌کنندگان در مراسم سیزدهم آبان از شعارهایی متناسب با عظمت این روز استفاده نمایند و در شرایطی که مهندس موسوی بر اصلاح امور کشور در چارچوب قانون اساسی تأکید دارد، شعارهای علاقه‌مندان نیز باید در همین چارچوبها باشد.»[۲]

ـ موسوی بی‌مهری به مردم و نظام را ادامه می‌دهد

حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری) گفت: «موسوی متأسفانه بی‌مهری به مردم و نظام را همچنان ادامه می‌دهد.»[۳] وی با بیان این‌که معترضین به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری از خط امام(ره) و قانون اساسی بیرون رفتند و باید برگردند، خطاب به آنان گفت: «در ۱۳ آبان به درون مردم بیایند و از هرگونه تشنج‌آفرینی دست بردارند تا مردم راهی برای پذیرش آنها داشته باشند. ما هم باید کمک کنیم تا شرایط آرام باشد.»[۴]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۱۳.
۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۱۳.
۴- همان.

چهارشنبه ۱۳ آبان ۱۳۸۸

ـ برخی درباره ۱۳ آبان بیانیه می‌دهند، امّا نامی از آمریکا نمی‌برند

دکتر غلامعلی حداد عادل (رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس) در مراسم روز ۱۳ آبان پس از ذکر مقدماتی درباره اهمیت روز ۱۳ آبان در تاریخ معاصر ایران، با اشاره به این‌که آمریکا هیچ‌گاه به حکومتهای مردم‌سالارانه احترام نگذاشته است، گفت: «امریکا از مردم‌سالاری دینی در کشورها وحشت دارد و این وحشت را در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران دیدیم. وقتی ۴۰ میلیون نفر (۸۵ درصد) در پای صندوقهای رأی حاضر شدند و با نظم و ترتیب و شور و هیجان و آزادی مثال‌زدنی انتخابات را برگزار کردند، زنگ خطری برای آمریکا شد چون این انتخابات الگویی برای نظام مردم‌سالاری دیگر کشورها می‌شد.»[۱] وی با اشاره به حوادث پس از انتخابات دهم اظهار داشت: «آن کسی که در برابر تبلیغات و شبهه‌افکنی‌های شبکه‌های ماهواره‌ای و پایگاههای اینترنتی، مقاومت و از آرای مردم صیانت کرد، رهبری بود. رهبری مانند همیشه و مثل امام(ره) از آرای مردم حمایت کردند و برای تقویت بنیان مردم‌سالاری دینی زیر بار جنجال‌آفرینی‌ها نرفتند. سخن منطقی و صحیح رهبری این بود که اگر دلیلی مبنی بر تقلب در انتخابات دارید از راه قانونی ارائه و اقدام و از طریق شورای نگهبان پیگیری کنید. رهبری در نمازجمعه ۲۹ خرداد نیز اعلام کردند جمهوری اسلامی اهل خیانت به آرای مردم نیست و از سران فتنه خواستند اردوکشی‌های خیابانی را متوقف کنند امّا آنها توجه نکردند و همسویی خود را با بیگانگان ادامه دادند. آنها هم اکنون نیز

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۱۴.

برای ۱۳ آبان اعلامیه می‌دهند امّا از مهمترین واقعه این روز یعنی تسخیر لانه جاسوسی سخنی به زبان نمی‌آورند.»[1]

ـ شعارهای انحرافی و آتش زدن چند سطل زباله

همزمان با حضور بی‌سابقه مردم تهران در راهپیمایی ۱۳ آبان، گروهی از اغتشاشگران با تجمع در مناطقی از شهر تهران و با سردادن شعارهای در حمایت از سیاستهای آمریکا و رژیم صهیونیستی به مردم، اموال عمومی و نیروهای انتظامی حمله‌ور شدند. آشوبگران که با فراخوان برخی گروههای سیاسی و رسانه‌های بیگانه در گروههای ۵۰و ۱۰۰ نفره در میدان هفت تیر، خیابان شهید مفتح، خیابان شهید بهشتی، پل کریمخان و حوالی میدان انقلاب حضور یافته بودند به طرح شعارهای ساختارشکنانه در حمایت از منافع آمریکا و اسرائیل کردند.[2]

ـ حمله اغتشاشگران به یک نماینده مجلس

تعدادی از حامیان موسوی و کروبی در حاشیه تجمعات پراکنده‌ای که به بهانه ۱۳ آبان برگزار شد با سردادن شعارهای «یا حسین میرحسین» با قمه و چاقو به ماشین علیرضا مرندی (نماینده مردم تهران در مجلس شواری اسلامی) حمله‌ور شده و خساراتی را به آن وارد کردند.[3]

ـ دادگاه ابطحی برگزار شد

محاکمه سید محمدعلی ابطحی (رئیس دفتر خاتمی) که در جریان حوادث پس از انتخابات در روز ۲۶ خرداد در منزل دستگیر شده بود، با حضور سیمایی وکیل وی در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد.[4]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۱۶.

پنجشنبه ۱۴ آبان ۱۳۸۸

- جنس فتنه اخیر در تاریخ انقلاب اسلامی بی‌سابقه است

حجة‌الاسلام سید ابراهیم رئیسی (معاون اوّل قوّه قضائیه) در خرم‌آباد با اشاره به حوادث پس از انتخابات گفت: «جنس فتنه پس از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری در تاریخ انقلاب اسلامی بی‌سابقه بوده است.»[1] وی در ادامه بیان داشت: «امروز دارویی که می‌تواند جامعه ما را از آسیب دشمنان مصون نگه دارد اطاعت از ولی فقیه و بصیرت مردم است و دشمنان نیز از بهره‌مندی جامعه ما از این دو ویژگی عصبانی هستند و تلاش می‌کنند حادثه ایستادگی مسلمانان بی‌بصیرت در برابر حضرت علی(ع) و اباعبدالله‌الحسین(ع) را تکرار کنند.»[2]

- موسوی و کروبی پیام ملت را درک کنند

ضیاءالله اعزازی (عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس) در گفتگو با ایرنا با اشاره به راهپیمایی روز ۱۳ آبان گفت: «حضور گسترده ملت ایران در روز ۱۳ آبان پیامهای رسایی داشت و امیدواریم میرحسین موسوی و مهدی کروبی این پیام را درک کرده باشند.»[3]

- اغتشاشگران برای ادامه فتنه در کشور برنامه راهبردی دارند

حجة‌الاسلام علی قبادی شاهرخی (رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس) با بیان

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۶. ۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۱۶.

این‌که گردانندگان و برنامه‌ریزان آشوبها و اغتشاشات پس از انتخابات، برنامه‌های راهبردی برای ادامه جریانهای فتنه و نفاق در کشور دارند، اظهار داشت: «این افراد با داشتن یکسری توهمات، ارتباط با رسانه‌های بیگانه و هدف قرار دادن رهبری و ترویج نافرمانی، برنامه‌ریزی برای ایجاد آشوب و فتنه در جریان انتخابات آینده را نیز در دستور کار خود قرار داده‌اند.»[۱]

ـ اصلاح‌طلبان بهترین اهرم هستند

گلی عامدی (دستیار ویژه رایس در امور دیپلماسی عمومی) درگفتگو با فاکس نیوز تأکید کرد: «آمریکا باید از جریان معترض به دولت ایران حمایت کند.»[۲] وی که خود سالها مدیر پروژه شبکه‌سازی در ایران بود، افزود: «آمریکا می‌تواند به مذاکره با ایران ادامه بدهد امّا اگر بخواهد بهترین اهرم را در این مذاکرات علیه ایران در اختیار داشته باشد باید از اصلاح‌طلبان حمایت کند. حمایت از معترضان اهرمی است که آمریکا می‌تواند در مذاکرات با رژیم ایران از آن بهره بگیرد زیرا آنها بهترین دوستان آمریکا به شمار می‌روند.»[۳]

ـ دیدار خاتمی با الویری

به‌گزارش ایلنا سید محمد خاتمی به دیدار مرتضی الویری رفت و از سابقه مبارزاتی وی قبل از انقلاب تمجید و برای وی آرزوی سلامتی و پیروزی کرد.[۴]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۶.
۳- همان.
۴- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۱۶.

جمعه ۱۵ آبان ۱۳۸۸

ـ دیدار کروبی و خاتمی

سید محمد خاتمی با حضور در منزل مهدی کروبی از اتفاقات پیش‌آمده برای وی در مراسم ۱۳ آبان ابراز تأسف کرد. لازم به ذکر است حسینعلی منتظری، عبدالله نوری نیز طی تماس تلفنی با مهدی کروبی همدردی کردند.[۱]

ـ جلسه محرمانه فتنه

بنا به برخی گزارشهای دریافتی در جلسه‌ای که صبح جمعه تشکیل شد و برخی از سران پشت پرده ناآرامی‌های اخیر در آن شرکت داشته‌اند، بشدّت از شیب تند نمودار ریزش هواداران جنبش سبز ابراز نگرانی شده و حاضران بر لزوم پیدا شدن علل به وجود آورنده این وضعیت تأکید کرده‌اند. یکی از حاضران در این جلسه گفته است: «در کمتر از ۵ ماه تعداد کسانی که به خیابان می‌آیند از چند ده هزار نفر به چند صد نفر رسیده است و اگر چند بار دیگر این موضوع تکرار شود، احتمالاً جز کینه‌ایهای پهلوی‌دوست، کسی برای به خیابان آمدن باقی نمی‌ماند.»[۲] یکی دیگر از حاضران در تحلیل خود بر پرهزینه و بی‌فایده بودن حضورهای خیابانی تأکید کرده و گفته است: «ما از این کارها که اختیارش هم دست خودمان نیست ولی به حساب ما نوشته می‌شود سودی نبرده‌ایم ولی هزینه‌هایی به بزرگی تعطیل شدن دو حزب اصلاح‌طلب داشته است.»[۳]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۱۷.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۶.
۳- همان.

ـ ایران با شیطان مذاکره نخواهد کرد

آیت‌الله سید احمد خاتمی (امام جمعه موقت تهران) با تأکید بر این‌که قصد سازش‌ناپذیری با آمریکا از سر لجاجت، تعصب و احساسات نیست و براساس موضعی کاملاً خردمندانه است، خاطرنشان کرد، «از ۲۸ مرداد ۳۲ تا امروز که نزدیک به شش دهه گذشته است، ملت ما از آمریکا هرچه دیده خیانت و جنایت بوده است. بر سرکار آوردن حکومت سیاه پهلوی، تلاش علیه انقلاب با عنوان سفارت، تحریک قومیتها، ایجاد کودتاها، تحمیل جنگ و کارشکنی در مسیر منافع ملت، بلوکه کردن اموال ایران و... همه و همه بخشی از جنایات دولت آمریکا با مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران است.»[1] وی در ادامه با اشاره به بیانیه رئیس‌جمهور آمریکا به مناسبت سی‌امین سالگرد تسخیر لانه جاسوسی آمریکا گفت: «اوباما دروغ می‌گوید ما در حوادث ایران دخالت نمی‌کنیم. به صراحت در حوادث پس از انتخابات دخیل بودند. رسانه‌های شما تحریک کرده و می‌کنند. در مصوبه هفته گذشته وزارت دفاع بیش از ۵۰ میلیون دلار تصویب کرد که برای خرابکاری و جنگ نرم با ملت ایران هزینه شود.»[2]

۱- همان.
۲- همان.

شنبه ۱۶ آبان ۱۳۸۸

ـ آمریکا از جنبش سبز ایران حمایت کند

رضا پهلوی (فرزند شاه معدوم) در مقاله‌ای که در یکی از روزنامه‌های آمریکا به چاپ رسید به شرح اظهارات خود در حضور بیش از ۴۰ تن از اعضای کنگره آمریکا پرداخت و راهکارهایی را برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران ارائه کرد. وی در مقاله خود نوشت: «در حضور نمایندگان کنگره گفتم اگر آمریکا قصد تعامل با ایران را دارد، بایستی بهترین گزینه را برای تعامل در ایران انتخاب کند که پیشنهاد من بهترین و شایسته‌ترین گزینه جنبش سبز است.»[1] وی در ادامه افزود: «من برای برقراری ثبات درازمدت ۳ راهکار برای مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران به نمایندگان آمریکا ارائه دادم: ۱ ـ حمایت آشکار از جنبش سبز ۲ ـ اعمال تحریمهای هدفمند علیه قدرت رهبری ایران و افراد تصمیم‌گیر نظام ۳ ـ تعهد جدی و تلاش برای افزایش ارتباطات در داخل و خارج ایران.»[2]

ـ درخواست ۴ اتحادیه بزرگ دانشجویی از هاشمی رفسنجانی

۴ اتحادیه بزرگ دانشجویی (بسیج دانشجویی ـ اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان مستقل ـ اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان و دفتر تحکیم وحدت) با صدور نامه‌ای خطاب به هاشمی رفسنجانی ضمن یادآوری اقدامات غیرقانونی برخی اعضای

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۱۷.
۲- همان.

خانواده وی، از هاشمی خواستند تا خودش در معرفی این افراد به دادگاه پیشگام شود. در بخشی از این نامه آمده است: «بی‌گمان خود حضرت‌عالی نیز از فعالیتهای خانواده‌تان علیه نظام جمهوری اسلامی حداقل درباره انتخابات اخیر آگاه هستید. دختر شما فائزه در تجمع غیرقانونی ۲۵ خرداد و همچنین در تجمع آشوبگران در روز قدس و بسیاری از تجمعات به ظاهر اعتراض‌آمیز که عملاً به سر دادن شعار علیه جمهوری اسلامی و دیگر آرمانها تبدیل می‌شد، حضور یافته و نقش مؤثری در تحریک معترضین داشته است. آیا تاکنون فایل صوتی افاضات ایشان علیه رهبری و نظام را شنیده‌اید که چگونه گستاخانه هتک حیثیت می‌کنند؟! همسر گرامی شما در ۲۲ خرداد بعد از رأی دادن چنین فرمودند که «اگر موسوی رأی نیاورد، تقلب شده و مردم به خیابان بریزند». فرزند دیگر شما محسن هاشمی که مدیرعامل مترو می‌باشد، تلاش خود را برای پیروزی یک کاندیدای خاص با استفاده از اموال بیت‌المال انجام داد. پسر کوچک‌تر شما مهدی نیز که یکی از عوامل اصلی اغتشاشات بود، با فعالیتهای رسانه‌ای در تخریب ارکان نظام، دولت، سپاه و بسیج و همچنین تجهیز اوباش برای برهم ریختن اوضاع شهرها، پرداخت مبالغ هنگفت برای ستاد یکی از کاندیداها و برداشت از بیت‌المال با اهداف سیاسی و... پرونده سیاسی را از خود باقی گذاشته است و امّا در آخرین مورد فرزند برومند دیگری از خانواده شما یاسر در ۱۳ آبان با لباس مبدل به تحریک اغتشاشات‌کننده‌ها برای آشوب می‌پرداخت.»[1]

ـ شکاف در جنبش سبز بزرگترین آسیبی است که این جنبش را تهدید می‌کند

علی شکوری‌راد (عضو شوارى مرکزی حزب مشارکت) با بیان این‌که مهمترین خطری که جنبش سبز را تهدید می‌کند، عدم رعایت چارچوبها و اصل حرکت این

۱- همان.

جنبش است، اظهار داشت: «این اختلاف و شکاف زمانی شکل می‌گیرد که هر فرد نظر خود را صحیح دانسته و آن را اجرا کند و به چارچوبها و اصل حرکت توجه نکند.»[۱]

ـ فضای سیاسی و اجتماعی کشور را از اقدامات تفرقه‌آمیز نجات دهیم

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار نمایندگان ادوار غرب کشود با اشاره به این‌که هریک از نمایندگان ادواری حداقل یک دوره در بخش قانونگذاری کشور حضور داشته‌اند و از دلسوزان نظام هستند، استفاده از تجربیات ارزشمند آنان را ضروری دانست و گفت: «ما باید گفتگو را در داخل کشور برای تفاهم در عرصه‌های بین‌المللی دنبال و فضای سیاسی و اجتماعی را آگاهانه به سوی همدلی و همکاری سازنده هدایت کنیم و از اقدامات کینه‌زا و تفرقه‌آمیز نجات دهیم.»[۲]

ـ دیدار موسوی با الویری

میرحسین موسوی شنبه شب به دیدار مرتضی الویری رفت. وی در این دیدار با ابراز تأسف از نحوه برخورد با شهردار سابق تهران، از خدمات الویری در طول دوران قبل و بعد از انقلاب تقدیر کرد.[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۱۷.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۱۸.

یکشنبه ۱۷ آبان ۱۳۸۸

ـ ریزش طرفداران موسوی

محمدنبی حبیبی (دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی) با اشاره به ریزش محسوس حامیان جنبش طرفدار موسوی، اظهار داشت: «مشاهداتی که شخصاً در روز ۱۳ آبان داشته‌ام و گزارشاتی که دیگران ارائه کردند نشان می‌دهد که علی‌رغم تبلیغات گسترده، طرفداران موسوی بشدّت در حال کاهش هستند.»[۱] مجتبی شاکری (عضو شورای مرکزی جمعیت ایثارگران) نیز در همین خصوص گفت: «در راهپیمایی روز ۱۳ آبان به ادعای خود معترضین، تنها توانستند ۵۰۰۰ نفر را جمع کنند و دیدیم که در مقابل، میلیون‌ها نفر در این راهپیمایی شرکت کردند. آنچه در این میان امّا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است شفافیت برملا شدن چهره واقعی و اهداف اصلی فتنه گران در جریان اقدامات اخیر و شعارهایی حامیان آنها در روز ۱۳ آبان بود.»[۲]

ـ موسوی و کروبی علیه اسرائیل و آمریکا موضع نمی‌گیرند چون ریا می‌شود!

سایت موسوم به جرس (وابسته به عطاءالله مهاجرانی و محسن کدیور) که از خارج از کشور مدیریت می‌شود در توجیه این‌که چرا امثال کروبی و موسوی و مدعیان اصلاح‌طلبی همسو با آنان علیه آمریکا و اسرائیل موضع نمی‌گیرند، مدعی شد: «آنها برای این‌که ریا نشود، چنین می‌کنند!»[۳]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۸.
۲- همان.
۳- همان.

- قطعنامه کنگره آمریکا بر حمایت از جنبش سبز

به‌گزارش صدای آمریکا کنگره آمریکا در قطعنامه‌ای حمایت خود را از جنبش سبز اعلام کردند. در این قطعنامه از جنبش سبز ملت ایران حمایت شده است، جنبشی که برای آزادی و اصول اوّلیه دموکراسی پاگرفته است.[۱]

- تأکید رئیس قوّه قضائیه بر تسریع در رسیدگی به پرونده متهمان حوادث پس از انتخابات

آیت‌الله آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) در جلسه مسؤولان عالی قضایی با تأکید بر تسریع در رسیدگی به پرونده متهمان حوادث پس از انتخابات گفت: «فلسفه تشکیل کمیته ۳ نفره، رسیدگی دقیق و تشخیص صحیح و قانونی درخصوص حوادث پس از انتخابات و نحوه برخورد دستگاه قضایی بر دو محور استقلال و قانونمندی، بسیار مهم و همواره مورد تأکید مقام معظّم رهبری است.»[۲]

- نمی‌توان با آمریکا همسو بود و ادعای پیروی از خط امام(ره) داشت

حجةالاسلام سید حمید روحانی (مورخ تاریخ معاصر ایران) شناخت خط امام(ره) را با توجه به توطئه‌های دشمن ضروری دانست و تأکید کرد: «آیا امکان دارد کسی در خط امام(ره) باشد و منافقان و صهیونیستها او را تأیید کنند.»[۳] وی با اشاره به حوادث پس از انتخابات افزود: «اگر این افراد دچار خودبینی و منیت نبودند، به توصیه مقام معظّم رهبری مبنی بر پیگیری قانونی شکایت خود عمل می‌کردند، ولی شاهد بودیم که به حرف رهبر نیز توجه نکردند. افرادی که ادعا می‌کنند پیرو خط امام(ره) هستند، بدانند خط امام(ره) پیروی از ولایت است.»[۴]

۱- همان.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۱۸.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۸.
۴- همان.

دوشنبه ۱۸ آبان ۱۳۸۸

ـ روشن شدن حقانیت انتخابات دلیل کاهش حضور سبزهاست

عبدالحسین ناصری (نماینده مردم گرگان در مجلس هشتم) در گفتگو با ایرنا روشن شدن حقانیت انتخابات را دلیل کاهش حضور نیروهای جنبش به اصطلاح سبز در روز ۱۳ آبان دانست و گفت: «جوانان ما متوجه شدند که دستهایی در خارج از کشور در کار است و می‌خواهند بین مردم تفرقه ایجاد کنند.»[۱]

ـ هاشمی رفسنجانی فرزندان خود را کنترل کند یا نسبت به آنان برائت جوید

محمد افکانه (دبیر اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان مستقل) در گفتگو با ایرنا گفت: «هدف از نامه اخیر تشکلهای دانشجویی به هاشمی رفسنجانی این بود که یا فرزندان خود را کنترل کند و یا اگر به قول خودشان حساب وی از فرزندانش جداست نسبت به آنها اعلام برائت کند.»[۲]

ـ تکذیب انتقال بازداشت‌شدگان ۱۳ آبان از اوین

عباس جعفری (دادستان عمومی و انقلاب تهران) در گفتگو با فارس با اشاره به بازداشت تعدادی در جریان تجمعهای غیرقانونی در روز ۱۳ آبان گفت: «در همان روز اوّل افرادی که پس از دستگیری اعلام ندامت کرده و یا بی‌گناه بودند یا دلیل چندانی بر

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۱۹.

۲- همان.

اتهام آنان وجود نداشت، آزاد شدند.»[1] وی درخصوص انتقال بازداشت‌شدگان ۱۳ آبان به بازداشتگاهی در ورامین تأکید کرد: «در مورد این ادعا اساساً دادستانی تهران هیچ‌گونه دستوری برای انتقال زندانیان به بازداشتگاه صادر نکرده است.»[2]

ـ نامزد یک درصدی مورد تأیید صددرصد آمریکا قرار گرفت

گری سیک (مشاور امنیت ملی آمریکا) در دانشگاه مریلند در سخنانی با موضوع بررسی مسائل ایران با حمایت از کروبی گفت: «مهدی کروبی در حوادث پس از انتخابات ایران، آمادگی بیشتری برای رهبری جنبش اعتراضی از خود نشان داده و اقدامات عملی وی نشانگر این مدعاست.»[3]

ـ اپوزیسیون از سر ناچاری این ۳ نفر را به رسمیت شناخته است

رادیوفردا (ارگان رسمی سازمان سیا) از قول مهدی خلجی (عضو مؤسسه مطالعات خاور نزدیک واشنگتن) اعلام کرد: «بسیاری از کسانی که در جنبش سبز شرکت کردند با آرمانهای آیت‌الله خمینی و قانون اساسی و حکومت اسلامی مشکل دارند و قلب تپنده جمهوری اسلامی یعنی ولایت فقیه را مورد آماج خود قرار داده‌اند.»[4] خلجی در پاسخ به این سؤال رادیوفردا که تحلیلگران می‌گویند موسوی ناچار به پیروی از مخالفان شده گفت: «بله، آقای موسوی رهبر اتفاقی این جنبش است و این مردم [اغتشاشگران وابسته به گروهکها] هستند که آقایان موسوی و خاتمی و کروبی را به دنبال خود می‌کشانند.»[5]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۱۹. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۱۹. ۴- همان.
۵- همان.

سه‌شنبه ۱۹ آبان ۱۳۸۸

ـ مرده باد و زنده باد شایسته فضای سیاسی کشور نیست

حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری) در گفتگو با ایسنا با بیان این‌که یک سیاستمدار واقعی کوشش می‌کند از دغدغه‌های ملی و اولویتهای مطالبات مردم خبردارد شود و در مقام پاسخگویی به آن در حوزه سیاست‌ورزی جدیت کند، تأکید کرد: «سیاستمدار واقعی کسی است که در چارچوب منافع ملی و اصول اخلاقی و قواعد لازم عمل می‌کند.»[1] وی بازخوانی فضای سیاسی کشور پس از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری را یک ضرورت خواند و تأکید کرد: «باید برخی رفتارهای سیاسی را که به خاطر عصبانیت وارد ادبیات رقابتهای سیاسی شده ترک کنیم. با ادب و اخلاق با هم سخن بگوییم و بدانیم سخن گفتن با یکدیگر از طریق مرده باد و زنده باد شایسته فضای سیاسی ما نیست و هیچ مشکلی را حل نمی‌کند.»[2]

ـ درخواست رهبران جنبش سبز بازگشت به قانون اساسی است

هاشم آقاجری (عضو ارشد سازمان مجاهدین که در گذشته تقلید از مراجع را به کار میمون تشبیه کرده بود و اظهارات مسأله‌داری را مطرح نموده بود) در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران حاضر شد و به نقد وضعیت فعلی کشور پرداخت. وی درخصوص جنبش سبز موسوی گفت: «این جنبش مرحله تکاملی انقلاب اسلامی است

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۲۰.   ۲- همان.

و به دنبال استیفای حقوق ملت و اجرای قانون اساسی بدون تبعیض و چشم‌پوشی از بعضی اصول آن است.»[۱] آقاجری با بیان این‌که رهبران جنبش سبز چیزی نمی‌خواهند جز بازگشت به قانون اساسی و استقرار اصول آن، اظهار داشت: «جنبش سبز قوّه قضائیه‌ای می‌خواهد که استقلال خود را حفظ کند.»[۲]

ـ کروبی نباید خود را هزینه کند

کامران احمدیان (عضو شورای مرکزی حزب اعتماد ملی) گفت: «کروبی نباید خود را هزینه فرصت‌طلبانی کند که اعتقادی به جریان اصلاحات ندارند و صرفاً فرصت‌طلبانی هستند که پشت او پنهان شده‌اند.»[۳] وی با اشاره به این‌که کروبی هم می‌تواند اشتباه کند و قابل نقد است، افزود: «از گذشته در سیاست کروبی همیشه پرهیز از افراط و حرکت در چارچوب قانون اساسی و خط امام بوده است بنابراین نباید خود را هزینه نظام و انقلاب کند.»[۴]

ـ آشوبها از طریق سران منافقین هدایت می‌شود

حسین نجابت (عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس هشتم) اظهار داشت: «هدایت آنچه امروز به نام طرفداران موسوی در خیابانها حضور می‌یابد از اختیار موسوی، خاتمی و کروبی خارج شده و سران اصلاحات هدایت آشوب‌طلبان را به معاندین نظام واگذار کرده‌اند.»[۵] وی با اشاره به این‌که آشوبها از طریق سران منافقین و سلطنت‌طلبان با هدایت رسانه‌های غربی اداره می‌شود افزود: «آشوب‌طلبانی که در خیابانها حضور دارند نه تنها به نظام و انقلاب اعتقادی ندارند بلکه سران اصلاحات را به رهبری قبول ندارند.»[۶]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۲۰.
۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۰.
۴- همان.
۵- همان.
۶- همان.

ـ اغتشاشگران با زدن ماسک هم امنیت ندارند

سردار احمدی‌مقدم (فرمانده نیروی انتظامی) در مراسم رونمایی از دستگاه تطبیق چهره گفت: «با راه‌اندازی سیستم تطبیق چهره کسانی که ماسک می‌زنند و اغتشاش می‌کنند دیگر ماسک‌شان امنیت ندارد.»[۱]

ـ آخرین اخبار از وضعیت متهمان اغتشاشات اخیر

جعفری دولت‌آبادی (دادستان عمومی و انقلاب تهران) درخصوص آخرین وضعیت پرونده اغتشاشات اخیر تهران گفت: «محاکمه زیدآبادی تمام شده و باید منتظر اعلام حکم دادگاه باشیم. در مورد عطریانفر نیز بررسیها انجام شده است و باید منتظر تصمیم دادگاه باشیم.»[۲] وی با تکذیب این که دادستانی دستور ممنوع‌الملاقات شدن برخی از متهمان با خانواده‌هایشان را صادر کرده است تصریح کرد: «معتقدیم متهمین باید با خانواده‌هایشان ملاقات کنند چرا که این مسأله جزو حقوق شهروندی آنها است.»[۳]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۲۰.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۰.
۳- همان.

چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۳۸۸

ـ تجمع اعتراض‌آمیز بانوان تهرانی مقابل سفارت انگلیس

جمعی از بانوان تهرانی با تجمع در مقابل سفارت انگلیس در تهران ضمن اعتراض نسبت به دخالتهای انگلیس در حوادث اخیر انتخابات ایران، خواستار استرداد آرش حجازی، قاتل ندا آقاسلطان به کشور شدند. زهرا الهیان (عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس) با حضور در جمع آنان طی سخنانی اظهار داشت: «امروز پس از وقایع انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، انگلستان و کشورهای غربی وارد فاز جدیدی علیه ایران شده‌اند و سعی دارند فضای پیچیده و ملتهبی را در ایران دوباره راه‌اندازی کنند.»[1] وی با اشاره به قتل ندا آقاسلطان اضافه کرد: «قتل ندا آقاسلطان یکی از مصادیق این اعتمادزدایی کشورهای بیگانه است و آقاسلطان در صحنه‌ای به دور از فضای اغتشاشات با سلاحی که در اختیار نیروهای امنیتی و نیروی انتظامی نبود، به قتل رسید و دیدیم که از این حادثه از جهات مختلف فیلمبرداری شد و گلوله شلیک شده به آقاسلطان بسیار ماهرانه به قلب وی شلیک شد که این امر مشخص می‌کند قاتل وی بسیار حرفه‌ای بوده است.»[2]

ـ رادیکال شدن جریان سبز خطاست

ماشاءالله شمس‌الواعظین (عضو هیأت تحریریه روزنامه‌های زنجیره‌ای) با اشاره به برخی شعارهای انحرافی جنبش سبز در روز ۱۳ آبان گفت: «در روز ۱۳ آبان جریان سبز

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۱. ۲- همان.

شعارهایی را مطرح کرد که در روز قدس چنین شعارهایی مطرح نشده بود و این بیم می‌رود که با گذشت زمان این جریان در پی خواسته‌های رادیکالیسم حرکت کند.»[۱]

ـ نباید بیش از این برای مقابله با عوامل اصلی حوادث انتخابات تعلل کرد

حجةالاسلام حمید رسایی (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) با اشاره به راهپیمایی روز قدس و ۱۳ آبان گفت: «این راهپیمایی‌ها نشان داد نباید بیش از این برای مقابله با عامل اصلی اتفاقات پس از انتخابات تعلل کرد.»[۲] وی با اشاره به سخنان حضرت امام(ره) خاطرنشان کرد: «حضرت امام(ره) فرمودند حتی اگر من هم مردم را به تشنج دعوت کردم دستگاه قضایی با من برخورد کند. همچنین رهبر معظّم انقلاب هم تعبیرشان جرم بزرگ است، جرمی که هم خون مردم را ریخت و هم آبرو و اموال مردم را با ضرر و زیان مواجه کرد.»[۳]

ـ دفاع رئیس سازمان صدا و سیما از عملکرد این رسانه در جریان انتخابات و حوادث پس از آن

عزت‌الله ضرغامی (رئیس سازمان صدا و سیما) در نشستی خبری به سؤالات آنان پاسخ گفت. وی در خصوص ممنوع‌التصویر بودن برخی افراد و این‌که میرحسین موسوی و مهدی کروبی می‌توانند در رسانه ملی حضور یابند، گفت: «چیزی به عنوان ممنوع‌التصویر نداریم. برخی‌ها فکر می‌کنند به دلیل حضور فردی، بازیگری یا هنرمندی و به دلیل برخی مشکلات و برخی توصیه‌ها که از سوی نهادهای نظارتی به ما می‌شود باید حتی از پخش برخی برنامه‌ها که قبلاً ضبط شده خودداری کنیم که بنده نه به آن مسائل توجهی دارم و نه در اقدامات تولیدی جدید اعمال می‌کنم. البته بعد از انتخابات و فضای پیش آمده متأسفانه درباره برخی افراد به دلیل صلاحیتهای عمومی که برای ما نیز

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.

کاملاً محرز شد، توصیه‌هایی طبق وظیفه‌ای که دارند از سوی نهادهای مسؤول به ما شد که بنده به خاطر رعایت احتیاط حتی به آن توصیه‌ها عمل نکردم چون ممکن بود در این فضای مسموم به موضع‌گیری سیاسی تعبیر شود که مطلقاً چنین نبود.» وی در ادامه گفت: «امّا درباره حضور آقایان موسوی و کروبی در تلویزیون در شرایط فعلی باید بگویم ماهها قبل از انتخابات امکانات و ظرفیتهای مفصلی را در اختیار هر چهار نامزد قرار دادیم. دو سه روز پس از انتخابات ملاقاتی با مهندس موسوی داشتم. در آن ملاقات به ایشان گفتم شما با استفاده از برنامه‌های تبلیغی مفصل سازمان در آن چند ماه چه جایگاهی در کشور به دست آوردید و این‌که ۱۳ میلیون رأیی که آوردید بسیار بالا و قابل توجه است. پس قدر بدانید و با پذیرش قواعد بازی و دموکراسی در صحنه رقابت سیاسی حضور پیدا کنید و ما نیز این آمادگی را داریم که این همکاری را با شما داشته باشیم.»[۱] ضرغامی با اشاره به دعوتهای مکرر در سالهای گذشته از موسوی اظهار داشت: «قبل از دوران انتخابات و در سالهای گذشته بارها از ایشان دعوت شده بود در میزگردها حضور داشته باشند که هیچ گاه قبول نکرده بودند. آقای دکتر پورحسین مجری مناظره‌های معروف علاقه‌مند بودند در شروع یکی از مناظره‌های مهم این موضوع را جهت مزاح با آقای موسوی مطرح کنند که بالاخره ما شما را به صدا و سیما آوردیم و پاسخ مثبت شنیدیم. همان موقع به آقای پورحسین گفتم هرگز این موضوع را مطرح نکنند چون در آن مناظره حساس می‌توانست به عنوان نکته منفی مطرح شود. در کل با این شخصیت مشکلی نداریم. وظیفه رسانه ملی حفظ مصالح ملی و ایجاد ثبات در جامعه است و تقویت آن از مهمترین مسؤولیتهای صدا و سیما است و نیز اساساً بنای توسعه در همه جای دنیا بر ثبات اجتماعی استوار است. در آن فضای ناپایدار این شخصیتها تقاضا داشتند به طور مستقیم به مردم پیام دهند و به آنها بگویند به خانه‌هایتان نروید، در خیابانها بمانید، این انتخابات باطل است، نتیجه انتخابات دروغ است و تا

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۲۱.

زمانی که ما مسأله را حل نکرده‌ایم هیچ‌کس به منزل نرود. این پیام، سنگین، ضدامنیتی و مخالف با ثبات جامعه بود. طبیعی است رسانه ملی به خاطر مسؤولیتی که دارد نمی‌تواند این پیشنهاد را بپذیرد.»[۱] وی با بیان این‌که چند روز پیش به موسوی پیغام دادیم که در مناظره‌ای با طیفهای دیگر در تلویزیون حضور یابند که نپذیرفتند، افزود: «آقای موسوی فقط بنا داشتند به طور مستقیم بحثهایی را که مستقیماً جامعه را متزلزل می‌کند، مطرح کنند.»[۲]

ـ دیدار اعضای جبهه پیروان خط امام و رهبری با آیت‌الله صافی گلپایگانی

آیت‌الله صافی گلپایگانی در دیدار اعضای جبهه پیروان خط امام و رهبری با تأکید بر این‌که مرجعیت هرگز وارد خطوط سیاسی و جناحی نمی‌شود، گفت: «خط مقام رهبری همسان خط امام(ره) است و باید محکم و استوار در حفظ آن بایستیم و این خط تا قیامت پایدار بماند.»[۳]

۱– همان.
۲– همان.
۳– روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲۳

پنجشنبه ۲۱ آبان ۱۳۸۸

ـ مهدی هاشمی هرچه زودتر به ایران بازگردد

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان عمومی و انقلاب تهران) در گفتگو با ایرنا از ارسال پرونده شاپور کاظمی (برادر همسر میرحسین) به دادگاه انقلاب اسلامی تهران خبر داد و به مهدی هاشمی رفسنجانی توصیه کرد هرچه زودتر به ایران بازگردد تا اگر معتقد است اتهامی به او وارد نیست از خود دفاع کند.[۱]

ـ ادبیات موسوی و کروبی ساختارشکنانه است

کاظم انبارلویی (رئیس مرکز سیاسی حزب مؤتلفه اسلامی) با انتقاد از عملکرد موسوی و کروبی گفت: «با نگاهی به بیانیه‌های کروبی و موسوی می‌توان پی برد که ادبیات به‌کار گرفته شده در این بیانیه‌ها ادبیات ساختارشکنانه است. آنها تسلیم رأی مردم نشدند و هیچ سند و مدرکی را به نهادهای داوری ارائه نکردند که در آن جا پیگیری شود. به جای آن به اغتشاش، محاربه با نظام، تشویش اذهان عمومی و تهمت‌پراکنی به مسؤولان کشور روی آوردند که هنوز این مسائل در داخل و خارج از کشور مطرح است.»[۲]

ـ طرحی که کشور را معطل چند نفر نشان دهد خلاف عقل است

محمدجواد لاریجانی در گفتگو با فارس با انتقاد از طرح وحدت ملی گفت: «اگر

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۳.
۲- هما.

طرحی فرض بر این دارد که ما در بحران قرار داریم و کشور معطل چند نفر است این خلاف عقل است.»[۱] وی افزود: «این‌که حضرات احساس بحران می‌کنند و گمان می‌کنند که مملکت منتظر این است که برخی از افراد راضی شوند یا نه، به نظر من این خلاف واقعیت است چون کشور در حال پیشروی است و همه چیز همانند سابق در حال اجرا است.»[۲]

ـ دیدار اعضای جبهه پیروان با آیت‌الله سبحانی

آیت‌الله جعفر سبحانی در دیدار اعضای جبهه پیروان خط امام و رهبری با اشاره به حوادث پس از انتخابات گفت: «حال که شرایط به این جا رسیده است عقل حکم می‌کند که آنها هم به فرد پیروز در انتخابات تبریک بگویند و تعامل کنند و اگر تعامل نمی‌کنند سکوت کنند.»[۳]

ـ دیدار اعضای جبهه پیروان با آیت‌الله نوری همدانی

آیت‌الله نوری همدانی در دیدار اعضای جبهه پیروان امام و رهبری گفت: «در شناخت حق نباید سراغ اشخاص رفت بلکه اوّل باید حق را شناخت و سپس افراد را با آن سنجید.»[۴]

ـ دیدار اعضای جبهه پیروان با آیت‌الله مکارم شیرازی

آیت‌الله مکارم شیرازی در دیدار با اعضای جبهه پیروان خط امام و رهبری با اشاره به حوادث پس از انتخابات و طرح وحدت خاطرنشان کرد: «وحدت برخلاف آنچه در برخی مطبوعات می‌نویسند این نیست که ما با اغتشاشگران دست بدهیم. زیرا هیچ عاقلی وحدت با مخالفان نظام، رهبری، قانون اساسی و فریب‌خوردگان غربی را نمی‌پذیرد،

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲۳.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۳.

وحدت تنها با کسانی امکان دارد که عقیده‌مند به نظام، استقلال واقعی کشور، عظمت و سربلندی اسلام، قانون اساسی، رهبری و مرجعیت هستند.»[1] این مرجع تقلید اضافه کرد: «نکند روزی پیش آید و بگویند سخن از وحدت واقعی فتنه است زیرا براساس روایات وارده در آخرالزمان معروف و منکر جای هم را تغییر می‌دهند. این که سخن از وحدت را فتنه بدانیم مفهومش این است که ما اختلاف را نعمت می‌دانیم در حالی که هیچ عاقلی این سخن را نمی‌پذیرد.»[2]

ـ مردم در همه حال کلام رهبری را فصل‌الخطاب بدانند

آیت‌الله مصباح یزدی (رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)) در دیدار جمعی از مسؤولان دفتر نظارت بر انتخابات استان تهران با اشاره به تلاشهای حضرت امام(ره) در مبارزه با کج‌اندیشی‌های بعضی از متدینان خاطرنشان کرد: «جوانان وظیفه دارند با پژوهش پیرامون وظایف دولت و ملت تلاش کنند صاحب بینش سیاسی شوند و با واقعیتهای سیاسی آشنایی کامل پیدا کنند تا دچار عوام‌فریبی نشوند.»[3] وی در ادامه با اشاره به این‌که ولایت فقیه یکی از ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی است افزود: «مردم باید حمایت کامل را از این نهاد انجام دهند و در همه حال کلام رهبری را فصل‌الخطاب بدانند.»[4]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲۳.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲۴.
۴- همان.

جمعه ۲۲ آبان ۱۳۸۸

ـ دیدار میرحسین و کروبی

به‌گزارش کلمه میرحسین موسوی به منزل مهدی کروبی رفت تا ضمن احوالپرسی و دلجویی از وی بابت حوادث رخ داده در ۱۳ آبان، درباره رفتارهای انجام شده با مردم (جمع محدودی که شعارهای انحرافی می‌دادند) و بخصوص زنان در این روز نیز با هم گفتگویی داشتند.[۱]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۲۴.

شنبه ۲۳ آبان ۱۳۸۸

ـ رهبر انقلاب از عملکرد سپاه در حوادث پس از انتخابات تقدیر کرد

به‌گزارش فارس سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری (فرمانده‌کل سپاه پاسداران) در مراسم تودیع و معارفه فرمانده سپاه محمّد رسول‌الله در تهران بزرگ با اشاره به حوادث پس از انتخابات ریاست‌جمهوری بیان داشت: «مقام معظّم رهبری از اقدامات بسیج و سپاه در فرونشاندن آتش فتنه تقدیر کرده‌اند.»[1]

ـ جنبش سبز دولت را مجبور به همکاری با غرب کند

فاطمه حقیقت‌جو (نماینده فراری مجلس ششم) طی مقاله‌ای در سایت گذار نوشت: «اگر جنبش سبز عمق بیشتری پیدا کند، دولت ایران مجبور است سطح همکاریهای خود بر سر مسأله هسته‌ای با غرب را توسعه دهد.»[2] وی با بیان این‌که هدف غرب از مذاکرات اخیر برخلاف تاریخچه مذاکرات، تعلیق غنی‌سازی نبود، خواستار همراهی غرب با آشوب‌طلبان شده و در توجیه این توصیه نوشت: «درواقع دولت ایران نمی‌تواند در دو جبهه داخلی و خارجی به صورت همزمان بجنگد.»[3]

ـ انتقاد از عدم حضور هاشمی در نمازجمعه تهران

محمدرضا تابش (دبیرکل فراکسیون خط امام(ره) مجلس) با اشاره به تداوم غیبت

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲۴.
۲- همان.
۳- همان.

هاشمی رفسنجانی در اقامه نمازجمعه تهران گفت: «مشخص نیست مسائلی باعث شده خود ایشان نخواهند نماز اقامه کنند یا ستاد اقامه نمازجمعه تهران چنین اجازه‌ای را به وی نمی‌دهد.»[۱]

ـ پاسخ امیدوار رضایی به ادعاهای حسینیان

امیدوار رضایی (برادر محسن رضایی) در واکنش به سخنان روح‌الله حسینیان که محسن رضایی را بازیچه دست هاشمی رفسنجانی خوانده بود، گفت: «من این نوع ادبیات را از سوی هرکس که باشد، نمی‌پسندم... وضعیت فعلی کشور به گونه‌ای است که باید از حقوق شخصی‌مان بگذریم. کما این‌که محسن رضایی به خاطر منافع کشور نسبت به اتهاماتی که به وی زده می‌شود و نامهربانی‌هایی که در حقش می‌کنند، سکوت کرده است.»[۲]

ـ حمایت برخی از موسوی و کروبی بهانه‌ای برای مخالفت با نظام است

مرتضی سجادیان (عضو حزب کارگزاران سازندگی) با بیان این‌که مواضع افراطی برخی گروههای اصلاح‌طلب لطمه سنگینی به اصلاح‌طلبان زد، اظهار داشت: «باگذشت ۵ ماه از پایان انتخابات ریاست‌جمهوری مطالبات و اهداف کسانی که به اسم حمایت از موسوی و کروبی هنوز به نتیجه انتخابات معترضند و به براندازی می‌اندیشند به نفع اصلاحات نیست.»[۳] وی با یادآوری شعارهای هواداران موسوی در روز قدس و ۱۳ آبان گفت: «جریان هوادار موسوی با توجه به طرح شعارهای انحرافی و ضدنظام، حرکتهای غیرقانونی را پیش گرفتند که منجر به ناامنی در جامعه شده است.»[۴]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۲۴.
۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۴.
۴- همان.

یکشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۸

ـ انقلاب مخملی در مراحل ثبات و ثبوت امکان ندارد

به‌گزارش ایلنا مصطفی کواکبیان (دبیرکل حزب مردم‌سالاری) در دانشگاه گرگان با بیان این‌که وجود انقلاب مخملی نه در مرحله ثبات و نه در مرحله ثبوت در جامعه اسلامی ایران امکان ندارد، گفت: «تحت هیچ شرایطی به وقوع پیوستن انقلاب مخملی در کشور ما وجود نخواهد داشت و منطقی نیست به عده‌ای که انتخابات را زیر سؤال می‌برند، بگوییم دنبال انقلاب مخملی هستند.»[۱]

ـ پرسشهای اساسی از برخی فعالان سیاسی

حجةالاسلام سید حمید روحانی (رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی ایران معاصر) ضمن لزوم شناختن خط امام(ره) خاطرنشان کرد: «کسانی که دنبال منیت‌اند وقتی رأی نمی‌آورند حاضرند شهری به آتش کشیده شود، به ویرانه‌ای تبدیل شود. انتخابات باطل شود. شاید در دوره دیگر با دوز و کلکی به قدرت برسند. اینها طرفدار خط امامند؟ خط امام این است؟ آدمی که یکپارچه شهوت قدرت او را گرفته نمی‌فهمد چه‌کار دارد می‌کند، چه می‌گوید، در خط امام است! آقایی که نامه سرگشاده به مقام معظّم رهبری می‌نویسد، شروع می‌کند از گذشته می‌گوید، بله زمانی من و شما و آقای بهشتی را چنان می‌گفتند،

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۲۵.

چنین می‌گفتند، به عنوان رکن اساسی انقلاب... یعنی چی؟ یعنی ارث و میراث می‌خواهم. یعنی سهم من در این انقلاب چیست؟ این خط امام است؟ با منیت، با هواپرستی، با خودخواهی نمی‌توان پیرو خط امام بود.»[1]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۵.

دوشنبه ۲۵ آبان ۱۳۸۸

ـ دستگاه قضایی به شکایت نمایندگان علیه موسوی پاسخ دهد

حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری) در گفتگو با ایرنا از دستگاه قضایی خواست که به شکایت بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس علیه موسوی پاسخ حقوقی دهد. وی با اشاره به کاهش نیروهای جریان سبز گفت: «ملت، چک سفیدی به هیچ یک از رجل سیاسی نداده است که هر مبلغی خواست برای فروش شرف و عزّت مردم و کشور در آن بنویسد.»[۱] وی با بیان این‌که روزبه‌روز موضوع فتنه پس از انتخابات شفاف‌تر می‌شود، اظهار داشت: «مردم ایران بیدار و هوشیار هستند و خیلی از افرادی که به موسوی رأی دادند در حال حاضر می‌دانند که دعوای انتخاباتی بر سر موسوی و احمدی‌نژاد نبوده و نیست. افرادی که در روز قدس و ۱۳ آبان به ۲ یا ۳ خیابان آمدند، آرمانها و اهداف نظام و امام(ره) را هدف قرار داده‌اند و اصلاً کاری به این حرفها نداشته و ندارند.»[۲]

ـ نبود بصیرت موجب مردودی برخی نخبگان انقلاب شد

سردار علی فضلی (فرمانده سپاه سیدالشهداء(ع) استان تهران) با اشاره به این‌که کسانی که کانون این فتنه بودند روزی جزء نیروهای انقلاب بودند امّا بصیرت در آنان از بین رفته و در زمره نخبگان مردود انقلاب محسوب می‌شوند، گفت: «آنان انقلابیون

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۶.
۲- همان.

فرسوده و بی‌حالی هستند که عافیت‌طلبی و دنیاطلبی، شهره اعمال آنان و حسادت و لجاجت جزئی از رفتار آنان شده است.»[1] وی بی‌بصیرتی را در گرو عمل نکردن به فرمایشات مقام معظّم رهبری دانست و افزود: «این چنین فتنه‌هایی در صدر اسلام هم وجود داشته است و عامل آن تنها بی‌بصیرتی است.»[2]

ـ ورود مراجع به مسأله وحدت ملی امری مبارک است

علی مطهری (عضو کمیسیون فرهنگی مجلس هشتم) در گفتگو با ایسنا ورود مراجع تقلید به مسائل وحدت ملی را امری لازم و مبارک توصیف کرد و گفت: «سخنان مراجع در ملاقات شورای مرکزی جبهه پیروان خط امام و رهبری با آنها راهگشا و کلید حل مشکل است.»[3] وی یادآور شد: «آیت‌الله نوری همدانی نیز اعلام کردند که «من حاضرم برای حل مشکل و ایجاد وحدت ملی به تهران بروم و با دو طرف ماجرا ملاقات کنم.» این نهایت تواضع و خیرخواهی یک مرجع تقلید است که برای اصلاح میان مؤمنین حاضر است فداکاری کند و کاری به افزایش یا کاهش محبوبیت خود و حتی به نتیجه رسیدن یا نرسیدن این میانجیگری ندارد و فقط به فکر عمل به تکلیف است.»[4]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲۶.
۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۲۶.
۴- همان.

سه‌شنبه ۲۶ آبان ۱۳۸۸

ـ صدور احکام ۸۹ متهم حوادث پس از انتخابات

به گزارش واحد مرکزی خبر به نقل از روابط عمومی دادگستری کل تهران در ارتباط با حوادث تأسف‌بار پس از انتخابات شکوهمند و به یاد ماندنی دهمین دوره ریاست‌جمهوری که خود نقطه عطفی در حیات پویای این ملت به شمار می‌رود، پرونده‌هایی تشکیل شد که به منظور جلوگیری از ترویج شایعات بی‌اساس و غیرواقعی از چگونگی صدور و مفاد احکام و آرای قضایی درباره آنها توضیحاتی به این شرح اعلام می‌شود: «الف ـ تعداد قابل توجهی از متهمان که از سوی ضابطان دادگستری بازداشت و به دادسرای عمومی و انقلاب تهران معرفی شده بودند، بلافاصله پس از تشکیل پرونده و ارجاع به شعب دادسرا و انجام تحقیقات لازم با صدور قرار منع تعقیب آزاد شده‌اند. ب ـ اتهامات برخی از متهمان که رسیدگی به آنها در دادسرا، منتهی به صدور قرار نهایی مجرمیت و کیفرخواست شده و به دادگاه ارسال شده است عبارتند از: ۱ ـ اقدام بر ضد امنیت کشور ۲ ـ اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم بر ضد امنیت کشور ۳ ـ تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران ۴ ـ اخلال در نظم عمومی و آسایش و آرامش عمومی ۵ ـ تخریب و تحریق اموال دولتی، عمومی و مردم ٦ ـ شرکت و یا معاونت در ضرب و شتم مردم و مأموران ۷ ـ محاربه و افساد فی‌الارض ج ـ با وصول پرونده اتهامی هریک از متهمان که در دادسرا منتهی به صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست شده بود و ارجاع آن به شعب مختلف دادگاه انقلاب اسلامی تهران، دادگاه رسیدگی کننده با حضور متهمان و وکلای مدافع آنان و نماینده دادستان، مبادرت به تشکیل جلسات رسیدگی کرده، به

اتهامات انتسابی رسیدگی و پس از استماع دفاعیات متهمان و وکلای مدافع آنـان، بـه صدور رأی اقدام کرده است که تا کنون ۸۹ نفر از متهمان محاکمه و برحسب مـورد بـه مجازات اعدام برای ۵ نفر که متهم به وابستگی و عضویت در گروهکهای ضدانقلاب، تروریستی و معاند بوده‌اند و حبس برای ۸۱ نفر از شش ماه تا ۱۵ سال محکوم شده‌اند. ضمناً اجرای حکم مجازات حبس مـقرر بـرای سـه مـحکوم دیگـر تـعلیق شـده است، همچنین سه متهم دیگر نیز از اتهامات انتسابی برائت حاصل کرده‌اند. د ـ احکام صادره در بند (ج) این اطلاعیه غیرقطعی و برابر مقررات قانونی جاری قابل تجدید نظر است که تعدادی از محکومان و یا وکلای آنان به احکام صادره اعتراض و درخواست تجدید نظر کرده و پرونده آنان به مرجع تجدید نظر ارسال شد.[1]

ـ دیدار خاتمی با جمعی از فعالان دانشجویی

سید محمد خاتمی در دیدار جمعی از فعالان دانشجویی با اشاره به حوادث پس از انتخابات گفت: «مردم سالم‌ترین و نجیبانه‌ترین حرکت را از خود نشان دادند کـه نشـانه بلوغ در رشد این ملّت است. صدها هزار نفر از مردم بسیار آرام و بدون ساماندهی آمدند و اعتراض ساده‌ای کردند ولی متأسفانه حوادثی که به دنبال آن پیش آمد منشأ پیدایش یک نوع رگه‌هایی از حرکتهایی که سرانجامش معلوم نیست چگونه می‌شود، شـد. ولی هنوز هم راه برای درمان خدشه‌دار شدن اعتماد بخشهای مهمی از جامعه بسته نیست.»[2]
خاتمی در ادامه افزود: «امروز همان آدمهایی که برای انقلاب زحمت کشیده‌اند، مورد جفا قرار می‌گیرند و با یک جنگ روانی و ایجاد فضای امنیتی به عنوان دشمن و منحرف معرفی می‌شوند و با آنها برخورد می‌شود، البته هر نظامی با کسانی که قـصد بـرانـدازی دارند باید برخورد کند ولی با خود افراد که درون نظام هستند نباید چنین برخوردی کرد. دور افراد خط کشیدن و دایره خودی را محدود کـردن و بـخشهای مـهمی از جـامعه را

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۷.
۲- اعتماد، ۸۸/۸/۲۷

خارج از دایره خودی معرفی کردن، بی‌انصافی است. این رفتارها باعث می‌شود اصل مسأله زیر سؤال برود.»[۱]

ـ پیگیر علّت مرگ پزشک کهریزک هستیم

به‌گزارش تابناک به نقل از خانه ملت در پی مرگ مشکوک پزشک کهریزک مسعود پزشکیان (عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس هشتم) در حاشیه جلسه علنی مجلس گفت: «این پزشک به شکل شیفتی از سوی نیروی انتظامی در بازداشتگاه کهریزک کار می‌کرده است.»[۲] وی با بیان این‌که در پی علت مرگ این پزشک هستیم اضافه کرد: «از پزشکی قانونی خواسته‌ایم علت مرگ این پزشک را اعلام کنند.»[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۷/۲۷.
۳- همان.

-•◆ چهارشنبه ۲۷ آبان ۱۳۸۸ ◆•-

ـ پزشک وظیفه کهریزک ظاهراً خودکشی کرده است

سردار احمدی‌مقدم (فرمانده ناجا) درخصوص کشته شدن پزشک کهریزک گفت: «پوراندرزجانی در کهریزک مستقر نبوده امّا بعد از احضار به دادسرا و پس از نوشتن وصیتنامه، در آسایشگاه اقدام به خودکشی کرده است.»[۱] وی با اشاره به گلایه‌های نوشته شده توسط این پزشک از نحوه دادرسی خود گفت: «وی به عنوان متهم احضار شده بود امّا در دستنوشته‌هایی که از وی به عنوان وصیتنامه به جای مانده از نحوه دادرسی گلایه کرده است.»[۲]

ـ سران اصلاحات ابتدا باید به نقد حامیان خود بپردازند

محمد بوربور (قائم‌مقام جمعیت وفاداران انقلاب اسلامی) گفت: «سران اصلاحات اگر واقعاً قصدشان نقدکردن است باید هرچه سریعتر به نقد اغتشاشگران که منافعشان در منافع ستیزه‌جویان گره خورده بپردازند نه این‌که با نام نقد به تخریب دولت بپردازند.»[۳] وی تصریح کرد: «اگر قصد سران اصلاحات بویژه خاتمی از حمایت اغتشاشگران نقد است ابتدا باید به نقد حامیان خود که با شعار حمایت از اسرائیل و سلطنت‌طلبان قصد براندازی دارند، بپردازند.»[۴] وی با اشاره به سخنرانی خاتمی که براندازان را نقاد خوانده بود، گفت: «نقدی که از نظام صورت می‌گیرد اگر مورد حمایت آمریکا و اسرائیل باشد

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۲۸.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

هدفی غیر از براندازی را دنبال نمی‌کند.»[۱]

ـ موسوی و کروبی مرزی میان خود و معاندین نظام ترسیم نمایند

مرتضی سجادیان (عضو حزب کارگزاران سازندگی) با تأکید بر این‌که برخی از هواداران موسوی و کروبی هیچ دلبستگی به این دو چهره اصلاح‌طلب و انقلابی ندارند گفت: «باید قبول کرد برخی از کسانی که به نام هوادار موسوی و کروبی از این چهره‌های اصلاح‌طلب حمایت می‌کنند، نه تنها به معتقدات این دو چهره هیچ دلبستگی ندارند بلکه با آن خصومت می‌ورزند. این حمایت درواقع بهانه‌ای برای مخالفت با اصل نظام است چرا که شعارهای ضدنظام آنان در چارچوب خاستگاه جناح اصلاح‌طلب نیست. موسوی و کروبی می‌بایست با ترسیم مرزی میان خود و معاندین نظام از سوءاستفاده‌های آنان و لطمه وارد ساختن به اصلاح‌طلبان جلوگیری نمایند.»[۲]

ـ پشت پرده اغتشاشات بعد از انتخابات ایجاد انحراف در راه انقلاب بود

سردار سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران) با اشاره به حوادث انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: «در ۴ یا ۵ ماه گذشته انقلاب و نظام اسلامی با تهدیدات بزرگی روبه‌رو شد که ظاهر قضیه انتخابات ولی در پشت پرده این حوادث و فتنه عظیم انحراف بزرگ در اهداف و راه انقلاب بود که به نام انقلاب و راه امام بود که مدعیان راه امام این اهداف را دنبال می‌کردند.»[۳]

ـ اقشار بسیج می‌توانند حامی یا مخالف یک کاندیدا باشند

به گزارش ایرنا سردار همدانی (جانشین سازمان بسیج مستضعفین) به مناسبت سی‌امین سالگرد تأسیس بسیج مستضعفین گفت: «چون قشرهای مختلف بسیج را

۱- همان. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۲۸.

نمی‌توان در یک جامعه بسته محدود کرد لذا اقشار بسیج می‌توانند در زمان انتخابات از یک کاندیدا حمایت کنند یا مخالف آن باشند.»[۱] وی با اشاره به این‌که تمام احزاب یک خط قرمزی دارند و آن خط قرمز، مرامنامه‌ای است که به وزارت کشور ارائه کرده و مجوز فعالیت دریافت کرده‌اند، افزود: «احزاب و گروهها اگر از این خط قرمز عبور کنند،دیگر صلاحیت ندارند و بسیج که یک حزب بزرگ در گستره تمام مردم ایران است، مرامنامه‌اش اصولگرایی است که براساس اصول انقلاب تعریف شده است، امّا ممکن است در این خانواده بزرگ اشتباهاتی صورت گیرد که باید با آن برخورد شود، همان‌گونه که در حال حاضر قوّه قضائیه با آن برخورد می‌کند.»[۲]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۸/۲۸. ۲- همان.

◆ پنجشنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۸ ◆

- با هرگونه اغتشاش جدید به صورت قاطع برخورد می‌شود

حجةالاسلام محسنی اژه‌ای (دادستان کل کشور) با حضور در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما گفت: «نظام جمهوری اسلامی از این به بعد با هرگونه اقدام که موجب اخلال در نظام شود، بدون هیچ اغماضی برخورد می‌کند و هیچ عذر و بهانه‌ای را نمی‌پذیرد.»[۱] وی با اشاره به چشم‌پوشی دستگاه قضایی از اتهام برخی متهمان حوادث پس از انتخابات گفت: «این در حالی است که مردم، اشد مجازات را برای آنان خواستار بودند.»[۲]

- ردپای آمریکا در تقویت اغتشاشگران اینترنتی علیه ایران

آکادمی بین‌المللی هنرهای دیجیتالی و علوم اعلام کرد که به اعتقاد کارشناسان این آکادمی، انتخابات در ایران یکی از رویدادهای مهم اینترنتی قرن بود، چرا که اغتشاشگران ایران به طور فعالی برای سازماندهی تظاهرات اعتراض‌آمیز خود از شبکه‌های اجتماعی مانند توییتر، فیس‌بوک، بالاترین و ... استفاده کردند. در این گزارش خاطرنشان شده که استفاده از فیس‌بوک و توییتر در این اهداف به حدی مؤثر بود که وزارت امور خارجه آمریکا از کمپانی مذکور درخواست کرد که امور تعمیراتی تعیین شده در آن زمان را به تعویق اندازد چرا که ممکن بود این برنامه‌ها باعث اختلال در برنامه‌های اپوزیسیون و اغتشاشگران ایران شود.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۸/۳۰. ۲- همان.
۳- همان.

ـ نوبت دستگیری سران فتنه هم خواهد رسید

آیت‌الله نمازی (عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) در گفتگو با فارس با اشاره به صدور حکم برای برخی از اغتشاشگران اظهار داشت: «سران اصلی فتنه هنوز دستگیر نشده‌اند ولی اگر خودشان و بعضیها عجله نکنند، نوبت دستگیری آنها هم خواهد رسید.»[۱] وی با تأکید بر این‌که باید اجازه داد تا همه پرده‌ها برای افکار عمومی جامعه کنار رود و مردم همه چهره واقعی این افراد را بشناسند، گفت: «این‌گونه تأملها لازمه نظام است و ماه برای همیشه پشت ابر نخواهد ماند و مردم ایران بسیار بابصیرت‌تر از این‌گونه صحبتها هستند.»[۲]

ـ جنبش سطل‌سوزی شما ۳ نفر را بهانه کرده است

سایت فردانیوز با بیان این‌که موسوی، کروبی و خاتمی تنها بهانه‌ای برای قانون‌شکنانی شده‌اند که به اسم جنبش سبز در خیابان سطل زبانه آتش می‌زنند، افزود: «سبزهای فعلی علیه نظام جمهوری اسلامی برخاسته‌اند و سران آنها باید اثبات کنند به جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد معتقدند و با تمام جان قوانین آن را می‌پذیرند.»[۳] این سایت در ادامه اضافه کرد: «سران این جریان و مشاوران آنان به خوبی می‌دانند که زمان آغاز این جریان، چه کسانی بودند و چه کسانی به چه دلایلی از آن جدا شدند، آنان باید بدانند که به هر حال رأس متمرکز این جنبش هستند و باید بدنه متحرکت خود را ساماندهی کرده و مرزبندیهای خود را مشخص کنند.»[۴]

ـ پیشنهاد گفتگوی صریح و بی‌پرده مقامات

حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) ضمن توصیه به صدا و سیما مبنی بر فراهم کردن فضای نقادانه گفت: «صدا و سیما باید از انحصار دربیاید و فضای نقادانه در

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۳۰.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

جامعه حاکم شود و جنبش سبز هم فعلاً همین اهداف حداقلی را مطالبه می‌کند و اگر حاکمیت اعتراض را به رسمیت بشناسد و... در جهت تلطیف فضای موجود گام برداشته است.»[۱] وی اظهار داشت: «امروز هر اجتماع سیاسی، یک اجتماع برای براندازی تلقی می‌شود که ناشی از توهم توطئه است.»[۲] مرعشی در پیشنهادی گفت: «پیشنهاد مشخص من این است که بزرگان کشور در تماس با مقامات عالی نظام صریح و بی‌پرده صحبت کنند و واقعیات جامعه را به اطلاع مقامات برسانند.»[۳]

ـ با کسی که بیش از ۱۰ بیانیه علیه نظام صادر کرده نمی‌توان سازش کرد

آیت‌الله علم‌الهدی (امام جمعه مشهد) در اجلاس سراسری دبیران استانها و شهرستانهای حزب مؤتلفه اسلامی گفت: «قرآن و عترت باید محور هر اندیشه و فعل سیاسی ما باشد و هر حرکت سیاسی که استنادی به قرآن و حدیث نداشته باشد دارای حجت شرعی نیست.»[۴] وی تصریح کرد: « کسانی که با پیامبر اکرم(ص) بیعت کردند دو دسته هستند، افرادی که از ناکثین هستند و بیعت‌شکنی کردند و کسانی که بر بیعت خود با پیامبر پایدار ماندند.»[۵] وی با اشاره به اتفاقات پس از انتخابات گفت: «در انتخابات مسأله اصلی برای دشمنان انتخاب دولت و رئیس‌جمهوری نبوده بلکه هدف اصلی آنها مقابله با نظام و ولایت فقیه بود.»[۶] آیت‌الله علم‌الهدی تأکید کرد: «با کسی که بیش از ۱۰ بیانیه برعلیه نظام و ولایت فقیه داده نمی‌توان سازش کرد زیرا به درجه ناکثین رسیده و قابل برگشت نیست. برخی که در گذشته در جریان نظام وجود داشتند امروز در بلوک دشمن قرار گرفته‌اند، این افراد به مرحله نکث رسیده‌اند و قابل برگشت نیستند.»[۷]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۸/۳۰.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۳۰.
۵- همان.
۶- همان.
۷- همان.

جمعه ۲۹ آبان ۱۳۸۸

ـ ملت ایران تسلیم زبان تهدید و زور نمی‌شود

حجةالاسلام صدیقی (امام جمعه موقت تهران) با بیان این‌که ملت ایران هرگز با زبان زور عقب‌نشینی نکرده و در مقابل زبان تهدید، تسلیم هیچ ملتی نخواهد شد، تصریح کرد: «صحبت با زبان تهدید با ملتی که در صحنه‌های مختلف آزمایشش را با سربلندی پشت سر گذاشته، جز نکبت و بدبختی آنها و انسجام مردم، حاصل جدیدی نخواهد داشت.»[1]

ـ سادات روز غدیر رنگ سبزشان را پس خواهند گرفت

سید محمدکاظم حجازی (نماینده مردم همدان در مجلس هشتم) در گفتگو با فارس با ابراز تأسف از سوءاستفاده جریانی خاص از رنگ سبز برای ایجاد هرج و مرج و آشوب در جامعه گفت: «امسال عید غدیر شال سبز خود را با خیال راحت بر گردن خواهیم آویخت زیرا مردم ما حتی اجازه بروز تهدید و شبهه را به کسی نخواهند داد و مثل همیشه رنگ سبزشان را پس خواهند گرفت. چرا که این نماد مذهبی با گوشت و پوست مردم ما آمیخته شده است و اجازه نخواهند داد آن بازیچه سیاسی‌کاری‌ها شود.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۸/۳۰.

۲- همان.

شنبه ۳۰ آبان ۱۳۸۸

ـ برخی فرصت بازگشت به آغوش ملت را از دست دادند

به‌گزارش ایسنا حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری) در اجلاس سراسری حزب مؤتلفه اسلامی گفت: «در جناح رقیب افرادی هستند که به نظام، ولایت و انقلاب عمیقاً معتقدند و حساب آنها از انقلابیون پشیمان و فرسوده جداست.»[۱] وی در ادامه با اشاره به رویدادهای تلخ پس از انتخابات اظهار داشت: «دشمن به بهره‌گیری از موضوع رقابت بین نامزدها به بازتولید جریان نفاق دست زد که ما از آن به عنوان نفاق جدید یاد می‌کنیم.»[۲] عسگراولادی با بیان این‌که انتخابات دهم برای همه ما یک آزمایش جدی بود، افزود: «برخی متأسفانه در این امتحان مردود شدند و با خروج از معیارهای اخلاقی و انقلابی به سیم آخر زدند و فتنه‌آفرینی کردند.»[۳] وی همچنین با بیان این مطلب که متأسفانه برخی کارهایی کرده‌اند که فرصت بازگشت را از دست داده‌اند تصریح کرد: «ما با بازخوانی نفاق جدید در کشور باید نظام را از شر آسیب آنها مصون نگه داریم، ما باید همواره به آنها توصیه کنیم زیر چتر قانون اساسی و ولایت فقیه برگردند تا از افتادن در دامن شیطان بزرگ خود را نجات دهند.»[۴]

ـ دغدغه مراجع تقلید نسبت به حرکات ساختارشکن

آیت‌الله کعبی (عضو فقهای شورای نگهبان) با تأکید بر این‌که مراجع تقلید به عنوان

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

مدافع نظام جمهوری اسلامی ایران تقویت نظام را واجب می‌دانند به دغدغه‌های فعلی مراجع تقلید اشاره کرد و افزود: «مراجع عظام تقلید درمقابل نیروها و اشخاصی که در راستای تضعیف نظام و ولایت فقیه گام برمی‌دارند، واکنش نشان داده و مخالفت خود را درقبال این‌گونه اقدامات تند اعلام می‌کنند.»[۱]

ـ غربیها در حمایت از آشوبگران قطعنامه صادر کردند

آمریکا و انگلیس با پادویی کانادا و در حمایت از اغتشاشگران یک قطعنامه ضدایرانی را در کمیته حقوق بشر سازمان ملل به تصویب رساندند. در این قطعنامه که با رأی شکننده ۷۴ رأی مثبت در مقابل ۱۰۷ رأی منفی یا ممتنع از مجموع ۱۹۲ کشور عضو سازمان ملل به تصویب رسید از آشوبگریهای اغتشاشگران پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم حمایت شد.[۲]

ـ نسخه‌پیچی برای جنبش سبز از آن ور آبها

داریوش همایون (وزیر اطلاعات رژیم پهلوی) با تأکید بر لزوم براندازی جمهوری اسلامی از عناصر آشوبگر مدعی جنبش سبز خواست فعلاً معارضه با ولایت فقیه را برای فریب مدافعان نظام مسکوت بگذارند. وی در عین حال با بیان این‌که جنبش سبز مرز ندارد و نباید یک نفر یا یک گروه درباره آن و شعارهایش تصمیم بگیرد به دوم خردادی‌ها و حتی گروههای ملی ـ مذهبی صرفاً به این خاطر که به لفظ مذهب تأکید می‌کنند حمله کرد و گفت: «جهان آنها پایان یافته است.»[۳]

ـ حکم دادگاه بدوی عطریانفر صادر شد

حسین علیزاده طباطبایی (وکیل مدافع محمد عطریانفر) در گفتگو با خبرگزاری

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱.
۳- همان.

فارس با اشاره به اتمام رسیدگی دادگاه، در مورد اتهامات موکل خود گفت: «شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب درخصوص اتهامات موکلم حکم صادر کرده است.»[۱] وی افزود: «طبق قانون ۲۰ روز فرصت داریم که نسبت به حکم صادره اعتراض و درخواست تجدید نظرخواهی ارائه بدهیم که این کار را هم خواهیم کرد.»[۲]

ـ آمریکا لطفاً سپاه را تحریم کند

محسن مخملباف (کارگردان مقیم خارج از کشور و از حامیان موسوی) دولت اوباما را به اقدامی فراتر از تحریم جمهوری اسلامی ایران فراخواند گفت: «دولت اوباما باید بیشتر به مسأله حقوق بشر در ایران بپردازد و تحریمهای جدیدی را تنظیم کند که سپاه پاسداران و شرکتهای خارجی را هدف قرار دهد که فناوری و تجهیزاتی را ارائه می‌کنند که در سرکوب ناراضیان استفاده می‌شود.»[۳]

ـ چهره‌های سیاسی کاری نکنند که آمریکا امیدوار شود

اسدالله بادامچیان (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با ایسنا با اشاره به دیدار اخیر جبهه پیروان خط امام و رهبری با تعدادی از مراجع تقلید گفت: «مراجع هیچ گاه وارد مسائل ریز و درگیریهای جناحی و جریانی نمی‌شوند و همواره سعی دارند جامعه از یک همبستگی، انسجام، آرامش، همکاری و همفکری جمعی بهره‌مند باشد. البته قطعاً از نظر این بزرگواران وحدت بین نیروهایی که در چارچوب نظام هستند، پذیرفتنی است و نه کسانی که از نظام خارج شده‌اند و بتدریج در موقعیتی قرار گرفتند که رفتار و کردارشان مغایر با نظام است.»[۴] وی خاطرنشان کرد: «کسانی که در انتخابات اخیر نامزد بودند و یا حامی کاندیداها، خوب است که به ملت برگردند تا کار به جایی نرسد که برای آمریکا

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۱.
۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱.
۴- همان.

امیدواری ایجاد کنند.»[1]

ـ سبز علوی هویت انقلاب اسلامی است

جواد آرین‌منش (نائب رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس) با اشاره به شکل‌گیری جنبش سبز علوی در کشور گفت: «شکل‌گیری جنبش سبز علوی در کشور مسأله جدیدی نیست زیرا هویت انقلاب اسلامی ایران سبز علوی است. نباید رنگ سبز را متعلق به گروهی خاص دانست چرا که این رنگ در میان ایرانیان و مسلمان مقدس و قابل احترام است. نباید با استفاده ابزاری از رنگ سبز، این نماد مقدس مورد بی‌احترامی قرار گیرد و همان‌طوری که طی قرنهای متمادی مسلمانان این رنگ را نماد اهل بیت می‌دانستند و به آن احترام می‌گذاشتند، باز هم این رنگ مورد احترام مردم قرار خواهد گرفت.»[2]

ـ ناگفته‌های عضو کمیته ۶ نفره مجلس

علیرضا زاکانی (عضو کمیته ٦ نفره مجلس) در نشست فتنه و فرجام که از سوی بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) برگزار شد به دیدارهای کمیته شش نفره با برخی چهره‌های سیاسی اشاره کرد. زاکانی درخصوص دیدار با موسوی و این‌که وی در آن جلسه حتی یک کلمه حرف درست و حسابی نزد، خاطرنشان کرد: «بنده در آن جلسه به موسوی گفتم که ما در زمان تبلیغات انتخابات به بسیاری از استانها سفر کرده و سخنرانی کردیم که تو رأی نیاوری. امّا حالا می‌گویم که ما دشمن تو نیستیم. فقط تو را لایق ریاست‌جمهوری نمی‌دانستیم و اکنون نیز به دنبال حق هستیم و اگر مطلبی مستند داری، ارائه کن که ما به دنبال آن برویم. امّا دریغ از یک خط استدلال و سرخط که ما به دنبال آن برویم.»[3] وی با بیان این‌که در روز بعد از این دیدار به دیدار هاشمی رفتیم اظهار داشت:

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲.

«پس از آن که ابوترابی به هاشمی گفت که دیروز با موسوی صحبت کرده‌ایم، هاشمی اعلام کرد که موسوی همه حرفهایش را به شما نگفته و پنهان‌کاری کرده است. چون فردای انتخابات خاتمی، موسوی و سید حسن خمینی به من زنگ زده و ظهر همان روز به دفترم آمدند. هاشمی در همان جلسه گفت که موسوی جز به ابطال انتخابات قانع نیست و البته موارد دیگری را هم خواهان شده تا دست از اعتراض بردارد. البته هاشمی در همان جلسه گفت که من به آنها اعلام کردم که از مسیر قانون حرکت کنید هرچند که آنها می‌گفتند که شواری نگهبان را قبول نداریم، نکته قابل توجه این است که قانونی که هاشمی به آن اشاره می‌کرد، یک شورای حکمیت غیر از شورای نگهبان بود.»[۱]

علیرضا زاکانی در ادامه گفت: «هاشمی در یکی از این دیدارها گفت که رضایی به من گفته که رأی درست، در این انتخابات ۳۲ میلیون است و ۸ میلیون دیگر ساختگی است، روز بعد که ما نزد رضایی رفتیم ابتدا این موضوع را رد کرد ولی بعد در استدلالهایی که ارائه کرد چنین برداشت کردیم که این موضوع را گفته است. وی این طور استدلال می‌کرد که تا ساعت ۵ بعدازظهر تنها ۱۷ میلیون تعرفه مصرف شده و امکان ندارد که بعد از این ساعت ۲۱ میلیون تعرفه مصرف شده باشد که در این میان به برخی از موارد توجه نکرده بود و تنها نکته امیدوارکننده در صحبتهای رضایی این بود که اعلام کرد من با سایر کاندیداها فرق دارم و اعتراضات خود را از مسیر قانونی دنبال خواهم کرد.»[۲] وی با بیان این‌که امیدوار بودیم که رضایی مطالب خود را از طریق قانون پیگیری کند، اظهار داشت: «قرار بر این بود که اعتراضات رضایی از طریق دانش‌جعفری به ما منتقل شود امّا دانش‌جعفری جواب تلفن همراه خود را نمی‌داد و رضایی نیز در برنامه‌ای که به صدا و سیما رفته بود، تمام اتهامات را دوباره مطرح کرد امّا بعد از بازشماری آرا مشخص شد که رأی آنها کمتر از میزان اوّلیه بود و به همین دلیل رضایی با تنظیم نامه‌ای حق نداشته خود را ببخشید.»[۳] زاکانی همچنین درخصوص دیدار گروه ۶ نفره با کروبی گفت: «کروبی هم

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.

بحث تقلب را مطرح کرد و مدعی شد که در دوره قبل ۳ـ۴ میلیون رأی داشته که در این دوره به ۳۰۰ هزار تنزل یافته است. وی در این خصوص چنین استدلال می‌کرد که در دوره گذشته در فلان صندوق بجنورد ۲۰۰ رأی داشته که این رأی در این دوره نیز تکرار شده امّا در ۷۰۰ صندوق دیگر تنها ۴۰۰ رأی کسب کرده است که ما اعلام کردیم که حاضریم همه ۷۰۰ صندوق را بازشماری کنیم.»[1]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲.

آذر ماه ۱۳۸۸

⁂ یکشنبه ۱ آذر ۱۳۸۸ ⁂

ـ محمدعلی ابطحی با قرار وثیقه آزاد شد

محمدعلی ابطحی (رئیس دفتر خاتمی) با توديع قرار وثیقه ۷۰۰ میلیون تومانی آزاد شد.[۱]

ـ جریان طرفدار موسوی به سمت رادیکال شدن می‌رود

محمدجواد حق‌شناس (مدیرمسؤول روزنامه اعتماد ملی) گفت: «جریان منتسب به موسوی در حال حاضر فاقد یک لیدر و هدایتگر است. اگر همین امر ادامه پیدا کند، این جریان به سمت رادیکال شدن پیش خواهد رفت. جبهه اصلاحات در جریان منتسب به موسوی به دلیل نداشتن یک مدیر دچار سردرگمی شده است که اگر این امر ادامه پیدا کند قطعاً به سمت رادیکالیست شدن پیش خواهد رفت.»[۲]

ـ وحدت ملی کارکرد خود را از دست داده است

محسن رضایی در مراسم افتتاحیه سایت آرمان ایران (سایت خبری و تحلیلی منصورون) با بیان این‌که من بیشتر از یک سال همه انرژی خود را صرف راهبرد وحدت در کشور کردم، اظهار داشت: «امّا الان دیگر به نظرم می‌رسد این موضوع (وحدت) به عنوان یک راهبرد کارکرد خود را از دست داده است، گرچه وحدت باید همیشه در

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲.

۲- همان.

رأس اهداف ما قرار داشته باشد ولی شرایط امروز کشور اقتضا می‌کند به راهبردهای دیگر نیز بیندیشیم.»[۱]

ـ صدای دشمنان از گلوی برخی دوستان شنیده می‌شود

آیت‌الله محمدی ری‌شهری (سرپرست حجاج ایرانی) در همایش روحانیون حج با اظهار گلایه از منتقدان هم‌صدا شدن با رسانه‌های ضدانقلاب و جدا نکردن صف خود از صفوف دشمنان تأکید کرد: «آیا راه تصحیح مشکلات و اصلاح اوضاع، هم‌صدا شدن با کسانی است که خون به دل امام(ره) کردند و امام(ره) از دست آنها از درگاه خداوند تقاضای مرگ کرد؟ آیا اصلاح امور این است که صدای دوستان امام(ره) و سخن آنها در کنار صدای دشمنان امام(ره) و از حلقوم معاندان انقلاب شنیده شود؟ آیا این منتقدان قبول دارند که ممکن است، راه خودشان نیز اشتباه باشد و آنها نیز به خطا رفته‌اند؟ آیا منتقدان بیشتر از مقام معظّم رهبری با کشور و نظام هستند؟ چرا ذهن جوانان و جامعه را از حقیقت منحرف می‌کنید و با دشمن هم‌صدا می‌شوید و بر مشکلات می‌افزایید؟»[۲]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲.

۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲.

دوشنبه ۲ آذر ۱۳۸۸

ـ ملی مذهبی‌ها هم اعتراف به ساختارشکنی جنبش سبز کردند

عزت‌الله سحابی (رئیس گروهک موسوم به ملی ـ مذهبی) در گفتگو با ایلنا با سلب مسؤولیت از موسوی و کروبی و خاتمی به خاطر تحرکات ساختارشکنانه آشوبگران گفت: «در روز قدس هم شاهد بودیم که تا حدی اتفاقاتی خارج از خواست موسوی و خاتمی و کروبی رخ داد.» وی خواست تا زمانی که ساختارشکنی و تحرکات تند باعث مسنجم شدن اصولگرایان می‌شود از این اقدامات خودداری کنند. سحابی در ادامه خواستار حفظ ادعای خط امامی شد و بیان داشت: «رهبران فعلی جنبش سبز از علاقه‌مندان به امام(ره) هستند و بخصوص موسوی بر این امر تأکید زیادی دارد. بنده هم در این سخن با آنها شریک هستم زیرا از مواضع امام انحراف به وجود آمده است.»[1]

ـ دیدار خاتمی و کروبی با ابطحی

سید محمد خاتمی و مهدی کروبی در دیدار جداگانه‌ای از محمدعلی ابطحی که روز یکشنبه با قرار وثیقه آزاد شده بود دلجویی کردند.[2]

ـ نامه مهدی هاشمی به دادستان تهران

مهدی هاشمی در نامه‌ای به جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) اعلام کرد در هر دادگاه صالحی حکم برائت خواهد گرفت. به‌گزارش ایلنا در این نامه آمده است: «اخیراً

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۳.

۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۳.

در بعضی رسانه‌ها جمله‌ای از جناب‌عالی نقل شده که باعث تعجب بسیار است. شما در جواب سؤال یک خبرنگار که درباره این‌جانب سؤالی پرسیده گفته‌اید: در جلسات دادگاه برخی از متهمان، مطالبی را به آقای مهدی هاشمی نسبت داده‌اند. او باید برگردد و از خود دفاع کند. تردیدی نیست که چند نفر از متهمان در دادگاه مطالبی علیه این‌جانب گفته‌اند و رسانه‌ها هم پخش کردند... با استناد به مادّه ۱۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری احضار متهم باید به وسیله احضارنامه کتبی به عمل آید و نه از طریق رسانه‌های عمومی ... لابد بی‌اطلاع نیستید که بعضی از رسانه‌های معلوم‌الحال، این اظهار را دلیل وجود پرونده‌ای در دادگاه علیه این‌جانب گرفته‌اند و حتی به خاطر آن در خارج از کشور هستم. این همه در حالی است که تا این لحظه از سوی مسؤولان قضایی و امنیتی اخطار یا احضاریه‌ای به این‌جانب داده نشد.»[1]

ـ تکذیب نامه مهدی هاشمی

روابط عمومی دادسرای تهران با اعلام این‌که هیچ اطلاعیه یا خبری در مورد مهدی هاشمی از سوی روابط عمومی دادستان تهران به رسانه‌ها ارسال نگردیده است، این خبر را تکذیب و تأکید کرد: «انتشار هر خبری به نقل از روابط عمومی دادسرای تهران باید مستند به نامه رسمی این روابط عمومی باشد.»[2]

ـ مردم را از نظام اسلامی نگیرید

رئیس مجمع تشخیص مسلحت نظام در دیدار دانشجویان دانشگاه تهران و اعضای انجمن اسلامی این دانشگاه اتکا به مردم را اصلی دینی و اسلامی و رمز ماندگاری عنوان کرد و گفت: «حضرت امام(ره) در تمام مراحل انقلاب آگاهی و انتخاب مردم را مهمترین اصل و ملاک حرکت نهضت اسلامی می‌دانستند و انقلاب و سپس نظام

۱- همان. ۲- همان.

جمهوری اسلامی را بر شانه اعتماد و اتکا به مردم به پیش بردند.»[۱] وی افزود: «اگر مردم را از نظام اسلامی بگیریم به آن خدشه وارد خواهد شد.»[۲]

ـ بسیاری از اقدامات با حمایت تلویحی هاشمی رفسنجانی انجام شد

علی‌اصغر زارعی (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با ایسنا با اشاره به ابراز برخی دغدغه‌های مراجع عظام تقلید عنوان کرد: «شخصیتهایی همچون موسوی، کروبی و خاتمی و حتی آقای هاشمی رفسنجانی که از مهمترین مخاطبان مراجع هستند، باید بیش از سایرین در این راستا تلاش کنند و اگر اشتباهاتی مرتکب شده‌اند بپذیرند.»[۳] وی همچنین تأکید کرد: «در حوادث بعد از انتخابات بسیاری از اقدامات با حمایتهای آقای هاشمی رفسنجانی صورت گرفت و سکوت معنادار ایشان کماکان به روشن نشدن برخی مسائل و جریانات پس از انتخابات کمک می‌کند.»[۴]

ـ کلمه تقلب اسم رمز اغتشاشات با هدف براندازی نظام بود

حجةالاسلام رحیمیان (عضو مجمع روحانیون مبارز) با اشاره به حوادث پس از انتخابات بیان داشت: «به یقین می‌گویم که کلمه تقلب اسم رمز اغتشاشات با هدف براندازی نظام بود.»[۵] وی در ادامه با بیان این‌که عضو کمیته ٦ نفره شورای نگهبان بودم اظهار داشت: «آنها از روز اوّل می‌دانستند که رأی نمی‌آورند و از همان ابتدا شائبه تقلب را مطرح کردند تا امنیت نظام را خدشه‌دار کنند. اگر همه شکایاتی که مطرح کردند، مستند و درست بود، باز هم کمتر از یک درصد آرا را تحت تأثیر قرار می‌داد و آنها با همکاری نکردن با نظام مشت خود را باز نکردند، چون می‌دانستند اگر باز شود چیزی در آن نخواهد بود.»[۶]

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۴.
۴- همان.
۵- همان.
۶- همان.

—• سه‌شنبه ۳ آذر ۱۳۸۸ •—

ـ هیچ کس در دستگاه قضایی در حاشیه امن نیست

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان عمومی و انقلاب تهران) در پاسخ به سؤالی درباره نامه مهدی هاشمی گفت: «این حرف کلی دستگاه قضایی است که مردم عدالت را در این می‌بینند که همه در برابر قانون و دستگاه قضایی مساوی باشند و رفتار دستگاه قضایی با آنها برابر و مطابق موازین اسلامی و قانونی باشد. بنابراین فردی که فکر کند چون ممکن است به جایی ارتباط داشته باشد، مصون از تعقیب است درست نیست که وی مصون از تعقیب است، همه افراد در برابر قانون مساوی هستند.»[1] وی افزود: «اگر کسی احضار می‌شود و به وی اعلام می‌شود در مرجع قضایی حاضر شود، این نه به معنای تبرئه اوست و نه به معنای محکومیت وی. بهترین فرض این است که وی در مرجع قضایی حاضر شود و اظهاراتش شنیده شود، دلایل وی بررسی شود تا قاضی تصمیم گرفته و درنهایت ابلاغ شود.»[2]

ـ ارسال شکایت ۱۰۰ نماینده مجلس از موسوی به دادستانی تهران

به گزارش خبرگزاری فارس عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) درخصوص شکایت بیش از ۱۰۰ نماینده مجلس از موسوی گفت: «این نامه از دادستانی کل کشور به دادسرای تهران ارسال شده و در حال تدبیراندیشی است.»[3]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۴.
۲- همان.
۳- همان.

ـ آمریکا در فتنه اخیر ضدانقلاب داخل و خارج را پیوند داد

حجةالاسلام مصلحی (وزیر اطلاعات) در همایش پلیس، امنیت و چشم‌انداز ۱۴۰۴ با اشاره به فتنه پس از انتخابات دهم گفت: «جریان فتنه با تحولات ناشی از پیوند ضدانقلاب داخل و خارج و ارتباط با بیگانگان دست به اقداماتی زده است که بر این مبنا باید معادله امنیتی بازتعریف شود.»[۱] وی به برخی از تلاشها در این عرصه اشاره کرد و افزود: «در تلاش بر تقدس‌زدایی از ارزشها،تلاش برای تغییر در گروههای مرجع فکری و معرفتی اشاره‌هایی از آن را داریم. در فتنه‌های اخیر شاهد هستیم تلاش برای ایجاد تغییر هویتی و تلاش برای تغییر تضادهای اجتماعی ازجمله اقدامات این ناتوی فرهنگی است.»[۲]

ـ نامه محسن هاشمی به علیرضا زاکانی و واکنش به اظهارات وی

در پی اظهارات علیرضا زاکانی در نشست فتنه و فرجام، محسن هاشمی در نامه‌ای خطاب به علیرضا زاکانی سخنان وی را همان اتهامات احمدی‌نژاد در مناظره تلویزیونی دانست و نوشت: «شایان ذکر است که هیچ پرونده‌ای برای این‌جانب در قوّه قضائیه مطرح نبوده و تا به حال هم برای مفاسد اقتصادی به هیچ دادگاه و حتی بازپرسی احضار نشده‌ام، این‌که مهدی هاشمی پرونده‌های جدی از سالهای دهه ۷۰ دارد نیز کاملاً کذب است.»[۳]

ـ با تجمعات غیرقانونی ۱۶ آذر برخورد می‌شود

سردار احمدی‌مقدم (فرمانده ناجا) در رابطه با اقدامات پلیس در روز ۱۶ آذر گفت: «هنوز برنامه خاصی که قرار باشد اتفاق بیفتد اطلاعی نداریم امّا هر تجمعی باید به صورت فراخوان و قانونی اتفاق افتد، اگر غیرقانونی باشد پلیس با آن برخورد قاطع می‌کند.»[۴]

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۴.
۴- همان.

چهارشنبه ۴ آذر ۱۳۸۸

ـ معیار بسیج، بصیرت است

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از بسیجیان کشور به مناسبت سالگرد تأسیس بسیج مستضعفین با برشمردن ویژگیهای بسیج اظهار داشتند: «بسیج نه به پول وابسته است، نه به عنوان و جاه و جلال وابسته است، نه به دستور از بالا وابسته است. معیار بسیج، بصیرت است و ایمان. ایمان از دل او می‌جوشد،او را به کار وادار می‌کند؛ بصیرت هم به او تفهیم می‌کند که چگونه حرکت کند، معیارها را چگونه تشخیص بدهد، راه را چگونه طی کند.» ایشان در ادامه به ابزارهای جنگ نرم اشاره و بیان داشتند: «یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند، یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند. مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلاف کردند.»[1]

ـ بیانیه شماره پانزده میرحسین موسوی

میرحسین موسوی با صدور بیانیه‌ای به بهانه سالگرد تأسیس بسیج ضمن ستایش از گذشته بسیج، تلاش کرد چهره‌ای سیاه، ضدمردمی، جناحی و جیره‌خوار از این نهاد مردمی و انقلابی ترسیم کند. موسوی در ادامه دروغ‌بافی‌هایش که دقیقاً کپی‌برداری از

۱- بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با بسیجیان کشور در پیوست ۱۴ می‌باشد.

عملیات تخریبی و تروریستی محافل آمریکا و انگلیس و ضدانقلابی علیه بسیج است ادعا کرد نیروهای بسیجی در ازای دستگیر کردن مردم پاداش سرانه می‌گیرند!»[۱]

ـ رهبر معظّم انقلاب بار دیگر آغوش خود را برای برخی باز کردند

حجةالاسلام حمید رسایی (نماینده مجلس هشتم) با اشاره به بیانات مقام معظّم رهبری گفت: «برای چندمین بار رهبر معظّم انقلاب آغوش خود را برای برخی سیاسیون باز کردند که باید دید آنها چطور از این فرصت استفاده می‌کنند. رهبر معظّم انقلاب مثل همیشه خطوط مختلف جریان‌شناسی وضعیت موجود را ارائه کردند.»[۲]

ـ مشارکت و سازمان مجاهدین اخطار گرفتند

حمیدرضا فولادگر (عضو کمیسیون مادّه ۱۰ احزاب) در گفتگو با باشگاه خبرنگاران با بیان این مطلب که حزب مشارکت و سازمان مجاهدین به دلیل عملکرد ساختارشکنانه خود از کمیسیون احزاب اخطار گرفتند، گفت: «از دیدگاه کمیسیون مادّه ۱۰ احزاب این دو حزب فاقد معیارهای قانونی برای فعالیت هستند امّا رأی حقوقی در لغو مجوز و یا ادامه فعالیت احزاب را قوّه قضائیه صادر می‌نماید.»[۳] وی با اشاره به حوادث پس از انتخابات افزود: «در رخدادهای بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر این دو حزب محرك اغتشاشات و ناامنی‌ها در جامعه شدند، لذا نه تنها پایگاه مردمی‌شان از میان رفت بلکه با اخطارهایی از سوی نهادهای قانونی در روند فعالیتهایشان مواجه شدند.»[۴]

ـ گلایه کردن از اوضاع جرم نیست

سید محمد خاتمی در دیدار اعضای شورای مرکزی انجمن اسلامی جامعه پزشکی با

۱- بیانیه شماره ۱۵ موسوی در پیوست ۱۵ می‌باشد.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۵.
۳- همان.
۴- همان.

اشاره به تأسیس بسیج گفت: «سپاه پاسدارانی که آن همه افتخارات در کنار ارتش ما آفرید و بسیجی که با دست‌های تهی خودش توانست در مقابل نیروهای عظیم بایستد و نگذارد عزت مملکت از بین برود، حرمتش این است که در کنار مردم باشند.» وی در ادامه بدون اشاره به حمایتهای رهبر معظّم انقلاب از دولت و برنامه‌های آن افزود: «آیا این‌که عده‌ای دلسوز انقلاب و دلبسته به انقلاب و مصلحت مردم و کشور که برای مملکت، مردم، سربلندی در عرصه منطقه و جهانی آرمانها، آرزوها و برنامه‌هایی داشتند و عمل می‌کردند احساس می‌کنند مسیر فعلی منحرف است و باید تغییر پیدا کند، این عین انقلابی بودن، عین پایبندی به معیارهای انقلابی نیست؟ و در مقابل آیا وقتی کسانی از این مسیرها منحرف شده‌اند، این نشانه انحراف از معیارهای انقلابی نیست؟ آیا این مقابله با انقلاب نیست که وقتی کسانی می‌گویند این وضع با همین معیارهای قانون اساسی باید تغییر کند، به براندازی و تخریب نظام متهم شوند و برعکس عملکرد کسانی که معتقدیم نتیجه عملشان که در این روزها و سالها بوده است نتیجه مطلوبی نیست، عین انقلاب تعبیر شود؟»[1]

ـ واکنش زاکانی به نامه محسن هاشمی

به‌گزارش جهان به نقل از روابط عمومی جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی در نامه‌ای خطاب به محسن هاشمی آمده است: «۱ـ در خصوص نام بردن از فرزندان آیت‌الله هاشمی از جمله جناب‌عالی، بنده به هیچ عنوان عبارت کلی فرزندان آیت‌الله هاشمی را به‌کار نبردم و صرفاً لفظ فرزندان آقای هاشمی در سخنان سؤال‌کننده بوده است و در پاسخ به این سؤال بنده بیان داشتم آقای مهدی هاشمی دارای پرونده از دهه ۷۰ می‌باشد ... ۲ـ در ارتباط با آقای هاشمی نیز جناب‌عالی خوب می‌دانید به واسطه رسیدگی به پرونده وی یکی از معاونین وزارت اطلاعات در ابتدای دهه ۷۰ ازکار برکنار

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۵.

گردید و هم‌اینک نیز مسؤولان دستگاه قضایی توصیه به حضور وی جهت پاسخگویی به برخی اتهامات را دارند که البته ایشان با استنکاف از حضور در کشور و مراجعه به قوّه قضائیه زمینه ایجاد شائبه را فراهم نمودند...»[۱]

ـ دفاع علی مطهری از هاشمی رفسنجانی

علی مطهری (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با ایسنا با بیان این‌که حضور بـزرگان برای افراد کم‌ظرفیت مزاحم است، گفت: «تز حذف آقای هاشمی رفسنجانی از انقلاب که توسط برخی حامیان متعصب دولت دنبال می‌شود یک تز اشتباه است و بـاید کـنار گذاشته شود، البته قدرت این کار را هم ندارند، زیرا آقای هاشمی پایگاه مردمی خوبی دارد.»[۲] وی در ادامه افزود: «مبارزه با انحراف انقلاب و حذف منحرفین یک هنر است و تخصص می‌خواهد و کار افرادی مانند امام خمینی و استاد مطهری و رهبر انقلاب است. نه کار چند آدم خام از راه رسیده و بی‌ریشه که معلوم نیست از کجا پیدا شده‌اند.»[۳] وی با بیان این‌که من اوّلین فردی بودم که در سال ۱۳۸۰ در مصاحبه با کیهان اعلام کردم که برای پایان دادن به شایعات فعالیتهای اقتصادی برخی فرزندان هاشمی شفاف شود، امّا آقای احمدی‌نژاد از این مسأله به عنوان یک ابزار برای افزایش رأی خود در انتخابات استفاده کرد و این یک خطا و زمینه‌ساز فتنه بود.»[۴]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۵.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۵.
۳- همان.
۴- همان.

◆ پنجشنبه ۵ آذر ۱۳۸۸ ◆

ـ شاپور کاظمی آزاد شد

شاهپور کاظمی (بردار زهرا رهنورد) با تودیع قرار وثیقه ۵۰ میلیون تومانی به صورت موقت از زندان آزاد شد. رئیس شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب اسلامی تهران پس از انجام محاکمه و صدور حکم، دستور آزادی وی را صادر کرده است.»[۱]

- کروبی از حجت خدا دور شده است

حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری) در دیدار اعضای خانواده شهدای حزب مؤتلفه اسلامی با بیان این‌که اگر از خدا معرفت و حجت او را طلب نکنیم، گم می‌شویم؛ اظهار داشت: «هر فردی که از صدر اسلام تا کنون میان رسالت و ولایت فاصله انداخته، گمراه شده است.»[۲] وی با اشاره به وقایع پس از انتخابات ریاست‌جمهوری تصریح کرد: «پس از انتخابات با آقای کروبی دیدار کردیم و او قول داد در آن زمان با آیت‌الله مهدوی (کنی) تماس بگیرد. امّا فردای آن روز، وی بیانیه‌ای تندتر از قبل صادر کرد و قبلاً نیز گفته‌ام که آقای کروبی گم و از حجت خدا دور شده است.»[۳]

ـ بیانیه‌های موسوی درباره تقلب و ابطال انتخابات را قبول نداریم

مصطفی کواکبیان (دبیرکل حزب مردم‌سالاری) در گفتگو با فارس درخصوص

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۸.
۲- همان.
۳- همان.

بیانیه‌های موسوی از جملاتی مانند «ما تا آخر ایستاده‌ایم» گفت: «اگر بیان این جمله به منزله باطل دانستن انتخابات و تأکید بر بحث تقلب باشد، ما مخالف آن هستیم؛ ضمن این‌که به نظر نمی‌رسد این جمله وی چنین مفهومی داشته باشد.»[1] وی در ادامه افزود: «هرکس که نخواهد در چارچوب نظام، قانون اساسی و مطالبات مردم و آرمانهای انقلاب و خط رهبری عمل کند، شامل افراطیون است و فرقی نمی‌کند که این فرد از سازمان مجاهدین انقلاب باشد یا در حزب مؤتلفه فعالیت کند. به اعتقاد بنده بیانیه‌ها و اظهارات موسوی و کروبی هم در حوادث بعد از انتخابات نقش داشتند امّا این همه واقعیت نیست و برخی مسائل دیگر هم در روند اغتشاشات مؤثر بوده است.»[2]

ـ بهزاد نبوی با وثیقه ۸۰۰ میلیونی به مرخصی رفت

بهزاد نبوی (عضو ارشد سازمان مجاهدین و از متهمان حوادث پس از انتخابات) با سپردن وثیقه ۸۰۰ میلیون تومانی به مرخصی رفت. براساس حکم صادره از دادگاه، وی به ۵ سال حبس تعزیری به دلیل اقدام علیه امنیت ملی و یک سال حبس تعزیری به خاطر فعالیت تبلیغی علیه نظام محکوم شد.[3]

ـ بخشی از خوارج نمازخوان بودند

به‌گزارش آینده کامران دانشجو (وزیر علوم دولت دهم) در مراسم همایش تجلیل از اساتید مشاور برتر دانشگاهها با توصیه به خواندن تاریخ و مطالعه عمیق، از دانشجویان خواست قرآن سر نیزه را از قرآن واقعی تشخیص دهند. وی افزود: «یک ملت دانشگاهی، دانشجو و کارمند، دانشگاه رنگ حضرت علی(ع) را نمی‌خواهند، خوی و سیرت حضرت علی(ع) را می‌خواهد.»[4] وی با اشاره به این‌که آنچه بعد از رحلت پیامبر اکرم(ص) رخ داد چیزی جز فتنه نبود، گفت: «درگیریهای زمان حضرت علی(ع)

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۸.
۴- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۸.

درگیریهای سیاسی است که بعدها بعد نظامی می‌گیرد، دعواها جناحی است.»[۱] وزیر علوم با یادآوری تاریخ انقلاب اسلامی اظهار داشت: «در نظام جمهوری اسلامی مرجعی داشتیم که می‌خواست علیه امام کودتا کند، ما فردی را داشتیم که با امام آمد، رئیس صدا و سیما شد، امّا می‌خواست برعلیه امام کودتا کند. فرمانده نظامی داشتیم که می‌خواست کودتا کند. مگر حاصل عمر امام نبود که به جایی امام را رساند که امام طلب مرگ از خداوند می‌کرد.»[۲]

ـ تجمع در مقابل محل اقامت کروبی در قم

حسین کروبی در گفتگو با رادیو فردا گفت: «دهها بسیجی، ساعت یک بامداد پنجشنبه جلوی محل اقامت مهدی کروبی در قم تجمع کرده و شعار مرگ بر ضد ولایت فقیه سردادند.»[۳] کروبی که در پی درگذشت آیت‌الله قاضی (نماینده امام(ره) در استان لرستان) به قم سفر کرده بود با اعتراض برخی روبه‌رو گردید.

ـ تبعات فتنه انتخابات باقی است

به‌گزارش ایسنا حجة‌الاسلام سعیدی (نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران) در همایش مسؤولان نمایندگی ولی فقیه در رده‌های نزسا با بیان ضرورت جریان‌شناسی فتنه اظهار کرد: «فتنه به معنای کجروی فکری و عملی است و درواقع ریشه کجروی عملی نیز همان کجروی فکری است.»[۴] وی با اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: «اگرچه فتنه انتخابات تا حد قابل توجهی فروکش کرده است امّا عوارض و تبعات آن همچنان باقی است و باید نسبت به ابعاد مختلف این فتنه روشنگری کرد.»[۵]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۸.
۵- همان.

ـ جمعه ۶ آذر ۱۳۸۸ ـ

ـ قربانی کردن جاسوسهای دم‌دستی

سایت آشوب‌طلب موسوم به جنبش سبز با اشاره به تحرکات علنی عناصری نظیر محسن سازگارا، محسن مخملباف، عباس میلانی و ... که اوج آن در عذرخواهی مضحک مخملباف از اوباما به خاطر تسخیر لانه جاسوسی آمریکا نمود پیدا کرد، نوشت: «جریان بیرون نظیر صدای آمریکا و برخی اتاق فکرهای آمریکایی درصدد تأثیرگذاری بر جنبش هستند. تماس با چنین شبکه‌هایی اشخاص یا نیروها را وام‌دار می‌کند. صدای آمریکا تلاش دارد تا امثال نوری‌زاده‌ها، سازگاراها و عباس میلانی‌ها را به عنوان سخنگوی جنبش معرفی کند.»[1]

ـ جامعه امروز باید بابصیرت و آگاه به زمان باشد

آیت‌الله امامی کاشانی (امام جمعه موقت تهران) با انتقاد از برخی تهمتها و شعارها، طلاب و دانشجویان و دانشگاههای کشور را به پرهیز از به کار بردن تهمتها و نیز برخی شعارها و تعبیرهای نادرست توصیه کرد و گفت: «جامعه امروز باید بیدار، بابصیرت و آگاه به زمان باشد.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۹.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۸.

ـ شنبه ۷ آذر ۱۳۸۸ ـ

ـ دیدار موسوی با خانواده تاج‌زاده

میرحسین موسوی و زهرا رهنورد به منزل مصطفی تاج‌زاده عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت رفته و از خانواده وی دلجویی کردند.[۱]

ـ انتقاد کنید، تهمت نزنید

آیت‌الله سید احمد خاتمی در خطبه‌های نماز عید قربان در دانشگاه تهران با اشاره به بیانات مقام معظّم رهبری درخصوص فضای سالم مطبوعاتی نسبت به مسؤولان نظام، انتقاد سازنده را مفید دانست و تأکید کرد: «معنای فرمایش رهبری این است که تخریب و انتقاد سوزنده نباشد نه این‌که باب انتقاد سازنده بسته شود.»[۲] وی با بیان این‌که رهبر انقلاب بر مسأله تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی تأکید دارند افزود: «به هر حال این جنگ نرم آغاز شده و دشمنان ما کم‌کم به توسعه این جنگ ادامه دادند و هم‌اکنون می‌توانم بگویم که ما در حال حاضر در اوج این جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی هستیم.»[۳]

ـ اقامه آخرین نمازجمعه به امامت آیت‌الله جوادی آملی در قم

آیت‌الله جوادی آملی (امام جمعه قم) در خطبه‌های این هفته قم با بیان این‌که بنده از ادامه حضور در نمازجمعه و اقامه نماز معذورم، گفت: «از تمامی نمازگزاران در طول این سالها که نتوانستم به وظیفه خودم عمل کنم عذرخواهی می‌کنم.»[۴]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۹.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۸.
۳- همان.
۴- همان.

یکشنبه ۸ آذر ۱۳۸۸

- مدعیان تخلف در انتخابات دلیلی برای اثبات ادعای خود نداشتند

غلامعلی حداد عادل (رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس) در نطق پیش از دستور خود با اشاره به این‌که مدعیان تقلب، خواهان ابطال فوری انتخابات بودند، افزود: «آنچه مایه تعجب است، این بود که آنها تا وقتی خودشان را پیروز انتخابات می‌دانستند، این امور را سبب ابطال انتخابات نمی‌دانستند امّا وقتی از نتایج آراء باخبر شدند، مدعی تقلب شدند. معترضین با سوءاستفاده از برخی هیجانات و احساسات مردم که ناشی از فضای ملتهب قبل از روزهای انتخابات بود، جمعی از آنان را بدون مجوز قانونی به خیابانها کشاندند و فرصت و زمینه‌ای ایجاد کردند تا جماعتی وابسته به گروهکهای زخم‌خورده از انقلاب و مزدور بیگانه خود را لابه‌لای انبوه مردمی که گمان می‌کردند حقشان ضایع شده پنهان کنند و با تخریب برخی اماکن و مؤسسات و آتش زدن اتوبوسها و تباه کردن اموال عمومی به خیال خود ایران را ناامن و حکومت ایران را بی‌ثبات جلوه دهند. این اردوکشی خیابانی ظالمانه که بر پایه ادعای تقلب در انتخابات شکل گرفته بود، یک هفته ادامه پیدا کرد بی‌آن‌که نیروهای انتظامی یا بسیج مانع شوند یا اقدامی انجام دهند. روز دوشنبه بیست و پنجم خرداد در پایان راهپیمایی معترضان عده‌ای به پایگاه بسیج در حوالی میدان آزادی حمله کردند و درنتیجه چند تن از بسیجیان، مردم و تنی چند از حمله کنندگان کشته شدند. به این ترتیب اوّلین بهانه برافروختن آتش خشم و هیجان مردم و ادامه تظاهرات به دست آمد. آقایانی که مردم را به خیابانها آورده بودند با آن که می‌دانستند بسیجیان در داخل مقر خود از بیرون مورد حمله قرار گرفتند، هیچ اظهار

تأسفی از شهادت آنان نکردند، امّا مهاجمان کشته شده را شهید نامیدند و از طرفداران خود خواستند لباس سیاه بپوشند و شبها به روی بامها الله‌اکبر بگویند.»[۱] وی در ادامه با اشاره به لجاجت سران فتنه گفت: «اکنون جا دارد بعد از گذشت پنج ماه از این حوادث، از دوستان قدیمی و قبلی خودمان سؤال کنیم حاصل کار خود را در این مدت چگونه ارزیابی می‌کنید؟ از این کارشکنی‌ها و بی‌حرمتی‌ها چه سودی عاید شما و عاید کشور و نظام و انقلاب شد؟ آیا شماها که در انقلاب سابقه خدمت داشته‌اید و رهبری در نمازجمعه از خدمات شما به انقلاب و کشور یاد کرد، متأسف نیستید از این که در روز قدس که یادگار بزرگ امام راحل است، عده‌ای به بهانه حمایت از شما تظاهرات کنند و در ماه رمضان بطری آب در دست و سیگار بر لب، شعار نه غزه نه لبنان سردهند و سیزدهم آبان را به‌گمان خود فرصتی برای بیرون ریختن عقده‌ها و کینه‌های خود نسبت به اسلام و انقلاب بدانند؟»[۲]

ـ جریان تأثیرگذاری به دنبال وحدت نیست

عبدالله ناصری (عضو شورای مرکزی سازمان مجاهدین) در گفتگو با مهر در تحلیل وقایع اخیر دلایل ادامه‌دار شدن اختلافات پس از انتخابات گفت: «به نظر من بخشی از نیروهای مؤثر سیاسی به دنبال ایجاد وحدت نیست و تحلیلهای توهم‌آمیزی که از وقایع اخیر، مبتنی بر یکسری اطلاعات غیرواقعی دارد، موجب می‌شود تلاشی هم برای ایجاد وحدت از سوی این گروهها در جامعه انجام نشود.»[۳]

ـ فضای نقادی آزادانه در جامعه فراهم شود

رئیس تشخیص مصلحت نظام در دیدار نخبگان دانشگاه آزاد با بیان این‌که فضای نقادی آزادانه در جامعه فراهم شود خطاب به مخالفان دانشگاه آزاد گفت: «وقفنامه

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۹.
۲- همان.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۹.

محکمی برای دانشگاه آزاد نوشته شده است.» وی در پاسخ به سؤالی درخصوص محدودشدن فضای نقد و پرسش اظهار داشت: «فضای کنونی کشور نیازمند همدلی و همراهی بیشتر و دوری از کینه‌توزی و جدال میان فعالان عرصه سیاسی است. بحث و مناظره در رسانه خطری ندارد و آگاهی‌بخش است و به مردم حق انتخاب می‌دهد، ولی زمانی که در فضای بسته این مسائل به برخوردهای خیابانی و درگیری منتج می‌شود، نتیجه نهایی آن برای هیچ کس مشخص نخواهد بود.»[1]

ـ دیدار کروبی با خانواده زندانیان حوادث پس از انتخابات

مهدی کروبی در دیدار با تعدادی از خانواده‌های (حوادث پس از انتخابات) با اشاره به وضعیت کنونی جامعه گفت: «مسلماً ما از این وضعیت ناگوار و شرایط تلخ، عبور خواهیم کرد و من هرچند قصد ندارم به مسأله انتخابات بپردازم امّا به هرحال انتخابات انجام شد که برخی نسبت به آن معترض بودند و جمعیت انبوهی از مردم به خیابان آمدند. این‌که عده‌ای را پیشاپیش بگیرند و بگویند ما حوادثی را پیش‌بینی می‌کردیم درست نیست.»[2]

ـ معترضان را ضد ولایت نخوانیم

حجةالاسلام سید رضا اکرمی (عضو جامعه روحانیت مبارز) در گفتگو با مهر با بیان این‌که بداخلاقی بعد از انتخابات عمدتاً اتهامات و فرافکنی و برچسب‌های ناچسب به برخی افراد بود تأکید کرد: «اگر برخی افراد انتقاد می‌کنند و اعتراضی دارند نباید به آنها نسبتهای ناروا داد و آنان را منافق و ضد ولایت فقیه خواند.»[3] وی افزود: «اگر انتقادی به رفتار سرمایه‌های انقلاب بخصوص آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که برای ملت چهره‌ای کاملاً شناخته شده است و جزو سرمایه‌های انقلاب محسوب می‌شود، داریم نباید با

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۹. ۲- همان.

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۹.

اتصال آن به اتهامات ناروا این چهره‌ها را مخدوش و ضایع کنیم. شایسته است انتقادات به صورت منصفانه، عالمانه و آگاهانه مطرح شود نه این‌که همراه با اتهامات ناروا باشد. انتقاد سازنده و خوب آن است که با پیشنهادی برای رفع مشکل صورت گیرد.»[۱]

ـ دستگیری ۱۲ بسیجی‌نما

سردار همدانی (فرمانده سپاه محمّد رسول‌الله(ص))که تعداد ۱۲ نفر که با کاور بسیج در قالب بسیجی خود را معرفی کرده بودند، دستگیر، شده‌اند تصریح کرد: «این افراد بازداشت شده هیچ گونه سابقه فعالیت در بسیج را ندارند، امّا خود را به عنوان بسیجی معرفی کرده بودند.»[۲]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۹.

دوشنبه ۹ آذر ۱۳۸۸

ـ مغز متفکر برای جنبش سبز

مجله فارین پالیسی وابسته به مؤسسه واشنگتن پست زهرا رهنورد (همسر میرحسین موسوی) را جزو ۱۰۰ متفکر تأثیرگذار جهان و در رده سوم معرفی کرد. مجله مذکور در معرفی رهنورد، وی را مغز متفکر انقلاب سبز در ایران که نقش برجسته‌ای در هدایت مبارزات انتخاباتی موسوی داشته است نامید.»[1]

- دیدار اصلاح‌طلبان با بهزاد نبوی

به دنبال آزادی موقت بهزاد نبوی از زندان، میرحسین موسوی، سید محمد خاتمی، کرباسچی، عبدالله نوری در کنار جمعی از اعضای حزب مشارکت، مجمع روحانیون مبارز ،نهضت آزادی، جنبش مسلمان مبارز، گروهک ملی ـ مذهبی و... به ملاقات وی رفتند. نبوی در این ملاقاتها به شیوه همیشگی مظلوم‌نمایی گفت: «من بگویم در زندان کجا بودم؟ بگویم در زندان رژیم ستمشاهی بودم؟ چه بگویم؟ آن آقایان شده‌اند مدافع نظام و انقلاب و امام و من و امثال من شده‌ایم ضدنظام؟»[2]

ـ اتهام علیه نظام پس از آزادی از زندان

مازیار بهاری (خبرنگار هفته‌نامه آمریکایی نیوزویک) یک ماه پس از آزادی و

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۰.　　۲- همان.

خروج ناگهانی از کشور در مصاحبه با شبکه سی ان ان اتهامات گسترده‌ای را علیه جمهوری اسلامی مطرح کرد. به گزارش آینده این خبرنگار که پس از ارائه نامه همسر باردار او از بیمارستانی در لندن، و نیز برخی اقدامات اعتراضی مدافعانش در خارج از کشور آزاد و حتی قادر به خروج از کشور شد، در مصاحبه با فرید زکریا (مجری مشهور سی ان ان) مدعی لگد زدن، مشت زدن و شلاق زدن خود با کمربند در زندان شده و ادعا کرد که بازجویش هرروز به او می‌گفته که اعدام خواهد شد.[۱]

ـ می‌خواهند آتش خاموش را شعله‌ور کنند

به گزارش ایلنا محمدرضا باهنر (دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین) گفت: «اکنون مسأله وحدت وکنارگذاشتن پرخاشگری و دعواهای جزئی و غیرضروری که از اطراف مطرح می‌شود مد نظر است زیرا برخی تلاش می‌کنند آتش در حال خاموش شدن را شعله‌ورتر کرده و بی‌اعتمادی بین مسؤولان ایجاد کنند.»[۲]

ـ اگر کسی دست به اغتشاش بزند نظام با او برخورد می‌کند

احمد ناطق نوری (عضو هیأت رئیسه مجلس هشتم) با بیان این‌که اگر کسی دست به اغتشاش بزند و بخواهد پایه‌های نظام را سست کند نظام و عامه مردم با این افراد برخورد می‌کنند، اظهار داشت: «همگان باید براساس صحبتهای رهبری عمل کنند و از ایشان تبعیت داشته باشند، این وظیفه شرعی همه ماست.»[۳]

ـ راهکار یک اصلاح‌طلب مقیم آمریکا برای مقابله با نظام

اکبر گنجی (از مسافرین کنفرانس برلین) طی سخنانی در سالن شهرداری منطقه شارلوتنبرگ برلین با ادعای این‌که مجموعه نیروهای سرکوبگر در ایران سپاه، بسیج،

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۱۰. ۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱۰.

نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات هستند، گفت: «صحبت از سرنگونی، قرار دادن این مجموعه‌ها بر سر دوراهی مرگ و زندگی است. مقابله با این نیروها نیز نیازمند گروههای چریکی مسلحانه است.»[۱] وی با رد مردم‌سالاری دینی تصریح کرد: «ما به یک نظام سکولار برای دستیابی به دموکراسی نیاز داریم. بدون نافرمانی مدنی و نقض قوانین ناعادلانه نمی‌توان به جایی رسید.»[۲]

ـ من فرد سیاسی از جنس باهنر و لاریجانی نیستم

محمدباقر قالیباف (شهردار تهران) در نشست ماهانه جامعه اسلامی مهندسین گفت: «من فردی سیاسی از جنس باهنر و لاریجانی نیستم، اصلاً این نوع سیاسی بودن را قبول ندارم. من تفکر هرکه با ماست از ماست را قبول ندارم.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱۰.
۲- همان.
۳- همان.

سه‌شنبه ۱۰ آذر ۱۳۸۸

ـ قرص در سالاد، علت مرگ پزشک بازداشتگاه کهریزک

به‌گزارش ایسنا عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) درباره وضعیت پرونده مرگ پزشک کهریزک گفت: «پزشکی قانونی در مورد مرگ پزشک کهریزک اظهارنظر کرده که مسمومیت دارویی علت مرگ وی بوده است و قرصهایی که در سالاد کنار این پزشک کشف شده با آنچه که پزشکی قانونی نظر داده مطابقت دارد. تا این لحظه نشان می‌دهد که مرگ ناشی از مسمومیت دارویی بوده امّا این‌که این اقدام ناشی از قتل یا خودکشی است، تحقیقاتش ادامه دارد.»[1] وی در ادامه افزود: «کارگر رستورانی که غذا را برای پزشک کهریزک آورده بود، شناسایی شده و بازپرسی از وی صورت گرفته است.»[2]

ـ دستگیری ۸۰ تن از عاملان حمله به کوی دانشگاه

حجةالاسلام کلانتری (مسؤول نهاد نمایندگی مقام معظّم رهبری در دانشگاه تهران) در رابطه با اقدامات صورت گرفته درخصوص حادثه کوی دانشگاه و نتایج به دست آمده گفت: «گزارش جامعی از اتفاقاتی که در کوی دانشگاه افتاده است در دو جلسه به همراه اسناد و تصاویر خرابیهایی که اتفاق افتاده است و اظهارات شاهدان عینی آماده و به مراجع ذی‌صلاح ازجمله شورای عالی امنیت ملی و دفتر مقام معظّم رهبری ارایه

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۱۱.　　۲- همان.

کرده‌ایم که شاید این گزارش کاملترین گزارش در مورد حادثه کوی دانشگاه باشد.»[۱] وی با بیان این‌که تا به حال ۸۰ نفر بازجویی شده‌اند و تعدادی از افراد که در نگاه اوّلیه مجرم شناخته شده دستگیر شدند، افزود: «رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح در بررسی پرونده کوی بسیار جدی هستند و امیدواریم جمع افرادی که در جریان کوی واقعاً مقصر و مجرم هستند به سزای اعمال خود برسند.»[۲]

ـ غرب باید برای حمایت از اصلاح‌طلبان دست به‌کار شود

مجله آمریکایی فارین پالیسی طی گزارشی با اشاره به شروع جنگ نرم در ایران و شباهت آن با انقلاب نارنجی اوکران به ارایه برخی راهکارها پرداخت که دولت آمریکا می‌تواند در کمک به موفقیت انقلاب سبز در ایران به‌کار گیرد.[۳]

ـ اغتشاشات پس از انتخابات از پیش طراحی شده بود

علیرضا زاکانی (دبیرکل جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی) در جمع اعضای این جمعیت در ارومیه اغتشاشات پس از انتخابات را سناریوی از پیش طراحی شده دانست و گفت: «شرایط فعلی، شرایط پیچیده‌ای است که از آغاز انقلاب اسلامی تاکنون چنین شرایطی پیش نیامده و رهبر انقلاب آن را یک فتنه یاد کرده‌اند.»[۴] وی تأکید کرد: «در انتخابات اقدامات رخ داده از قبل برنامه‌ریزی شده بود و یک‌به‌یک اجرا می‌شد و این در حالی بود که شب قبل از انتخابات پیامهای تبریک برای موسوی ارسال می‌شد و او شب قبل از انتخابات خود را به عنوان رئیس‌جمهور معرفی کرد امّا پس از مشخص شدن بخشی از نتایج موضوع تقلب مطرح شد. آنها می‌دانستند موفق نمی‌شوند لذا ناکامی خود را بهانه کردند تا مردم را به خیابان بیاورند.»[۵]

۱ـ همان.
۲ـ همان.
۳ـ روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۱.
۴ـ همان.
۵ـ همان.

ـ بیانیه شورای هماهنگی جبهه اصلاحات در مورد ۱۶ آذر

به‌گزارش ایلنا شورای هماهنگی جبهه اصلاحات به مناسبت بزرگداشت ۱۶ آذر بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «ما معتقدیم مطالبات و انتظارات جامعه دانشجویی اگر به نحوی درست و منطقی پاسخ داده نشود، پیامدی جز انباشت این مطالبات و بروز آن از مجاری پرخسارت متصور نیست. مردم از دست‌اندرکاران قضایی و سیاسی انتظار دارند هرچه زودتر شاهد تشکیل دادگاههای علنی و رسیدگی به جرائم و جنایات عاملین و آمرین فجایعی چون حمله به‌کوی دانشگاه تهران و بعضی دیگر از محیطهای دانشگاهی و دانشجویی باشند.»[۱]

ـ انتقاد از عدم محاکمه مهدی هاشمی

حجةالاسلام حیدر مصلحی (وزیر اطلاعات) با اشاره به لزوم بازگرداندن مهدی هاشمی به‌کشور برای پیگیری سرنخ‌های آشوبهای پس از انتخابات گفت: «قوّه قضائیه با توجه به مدارک و مستندات کاملی که در اختیار دارد باید وی را احضار کندکه متأسفانه با اهمال‌کاری هنوز این اتفاق صورت نگرفته است.»[۲]

ـ تماس تلفنی منتظری و صانعی با نبوی

حسینعلی منتظری و یوسف صانعی طی تماسهای تلفنی با بهزاد نبوی و آزادی موقت وی را از زندان تبریک گفتند.[۳]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۱۱.
۲- همان.
۳- همان.

‍چهارشنبه ۱۱ آذر ۱۳۸۸

- به تصویر کشیدن صحنه قتل ندا در مقابل سفارت انگلیس

تعدادی از دانشجویان رشته تئاتر دانشگاههای تهران با برگزاری نمایشی، در جریان تجمع دانشجویان در مقابل سفارت انگلیس در تهران، صحنه واقعی قتل ندا آقاسلطان را به تصویر کشیدند. در این تجمع دانشجویان خواستار تحویل آرش حجازی قاتل ندا آقاسلطان به ایران جهت محاکمه وی در دادگاه صالحه شدند.»[۱]

- تحقیقات متهمان پرونده مهدی هاشمی تکمیل شد

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) در گفتگو با ایرنا اعلام کرد: «تحقیقات درخصوص چند نفر از متهمان مرتبط با پرونده مهدی هاشمی پایان یافت.»[۲]

- احکام دادگاه بدوی شاپور کاظمی و سعید لیلاز صادر شد

سید محمود علیزاده طباطبایی (وکیل مدافع شاپور کاظمی) درگفتگو با فارس با اشاره به اتمام رسیدگیها در خصوص اتهامات موکل خود گفت: «دادگاه بدوی درخصوص اتهامات کاظمی حکم تحمل یک سال حبس تعزیری را صادر کرده است.»[۳] وی تصریح کرد: «حضور در تجمعات غیرقانونی از جمله اتهامات موکلم است.»[۴] علیزاده طباطبایی که وکیل مدافع سعید لیلاز نیز می‌باشد درباره پرونده وی گفت: «دادگاه بدوی

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۲.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

درخصوص اتهامات لیلاز حکم تحمل ۹ سال حبس تعزیری را صادر کرده است.»[۱]

ـ کسی که قانون اساسی را قبول ندارد، جایگاه سیاسی ندارد

به‌گزارش ایلنا عباس کدخدایی (سخنگوی شواری نگهبان) در جمع اعضای هیأت علمی و انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر با بیان این‌که کسی می‌تواند داوطلب اجرای قانون اساسی باشد که اصول آن را قبول داشته باشد و اگر کسی اصول قانون اساسی را قبول نداشته باشد، نمی‌تواند یک مقام و جایگاه سیاسی را اشغال کند، افزود، «البته کسانی که در خارج از حاکمیت هستند می‌توانند بگویند ما اقلیت هستیم و به رغم اعتراض به قانون اساسی، تابع آن هستیم. این ملاکی است که در دنیا پذیرفته شده و به آن عمل می‌شود.»[۲]

ـ انتخابات تمام شد، اهداف کلی نظام را مد نظر قرار دهیم

آیت‌الله مکارم شیرازی در درس خارج از فقه خود با بیان پیامهای مهم قطعنامه شورای حکام برعلیه جمهوری اسلامی و دشمنی آمریکا اظهار داشت: «انتخابات تمام شد. امروز همه باید در سایه نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی دست به دست هم دهند. در این ۳۰ سال دشمنان خیلی کارها خواستند علیه نظام ما انجام بدهند که موفق نشدند، در شرایط کنونی نیز باید اهداف شخصی راکنار گذاشته و اهداف کلی نظام را مد نظر قرار دهیم.»[۳]

ـ اگر بی‌قانونی وسط میدان آمد کارها مختل می‌شود

مقام معظّم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اشاره به اهمیت فرهنگ قانونمداری درکشور بیان داشتند: «اگر رعایت قانون شد، کارها روان می‌شود.

۱- همان. ۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۱۲.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۲.

اگر بی‌قانونی آمد وسط میدان ـ که هرکسی هم برای بی‌قانونی خودش بالاخره یک توجیهی دارد و یکی می‌گوید آقا این قانون حق من را ضایع کرد، این قانون نمی‌دانم چنین بود، این قانون چنان بود؛ اما این توجیه‌ها قابل قبول نیست ـ کارها مختل می‌شود.»[۱]

۱– پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظّم رهبری.

پنجشنبه ۱۲ آذر ۱۳۸۸

ـ اختلافات جدی است، وحدت ضروری است

رئیس تشخیص مصلحت نظام در جمع روحانیون در مشهد گفت: «ما شرایط مشکلی در ایران داریم و مسائل خارجی نیز وضعیت را بغرنج‌تر کرده است. به نظر می‌رسد اجماعی علیه ایران شکل گرفته است.»[۱] هاشمی افزود: «همه قدرتهای بزرگ در شورای امنیت دست به دست هم دادند تا حق طبیعی کشور ما را که می‌خواهیم از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای استفاده کنیم از ما سلب کنند.»[۲] وی بار دیگر بر ضرورت وحدت اشاره و تصریح کرد: «ما همان‌گونه که با اتحاد برابر رژیم شاه غلبه کردیم و در زمان دفاع مقدس هم در برابر دشمنان ایستادیم و پیروز شدیم و حتی در سازمان ملل غرامت ۱۰۰ میلیارد دلاری برای ما در نظر گرفتند، امروز هم باید اتحاد و همدلی وضعیت کنونی را سامان داد.»[۳] وی با اشاره به نقش رهبری اظهار داشت: «بنده فکر می‌کنم غیر از رهبری انقلاب، دیگران نمی‌توانند وحدت را ایجاد کنند و همه باید به رهبری کمک کنیم تا فضای همدلی به وجود بیاید تا رضایت مردم فراهم شود.»[۴]

ـ نباید اختلاف فکری را خیانت نامید

علی لاریجانی در مراسم دومین سالگرد آیت‌الله طاهری با بیان این‌که پیروی از ولایت فقیه و رهبری امام، مخاطرات را پس از انقلاب از سر راه کشور برداشت افزود:

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۱۴.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

«افرادی همچون آیت‌الله هاشمی، مقام معظّم رهبری و مهدوی کنی تفکرهای امام را تحلیل می‌کردند و به امت پیوند می‌دادند. این افراد استوانه‌هایی بودند که می‌توان آنها را حلقه‌ای میان رهبری، امام خمینی و مردم دانست.»[۱] وی با بیان این‌که اگر کسی بخواهد نگاه انقلابی به وضع فعلی داشته باشد، باید به وحدت کمک کند و کسانی که به هر دلیل کوچکی ادبیات تحقیرآمیزی نسبت به دیگران به‌کار می‌برند، کار خائنانه‌ای می‌کنند تصریح کرد: «ممکن است برخی افراد اشتباهاتی از نظر سیاسی داشته باشد امّا خائن نیستند. نباید به مجرد اختلاف فکری فردی با فرد دیگر، وی را خائن نامید.»[۲]

ـ سید حسن خمینی به دیدار ابطحی رفت

سید حسن خمینی روز پنجشنبه با حضور در منزل محمدعلی ابطحی آزادی وی را تبریک گفت. سید سراج‌الدین موسوی از دیگر اعضای بیت امام خمینی(ره) نیز در این دیدار، سید حسن خمینی را همراهی می‌کرد.[۳]

۱- همان. ۲- همان.
۳- همان.

جمعه ۱۳ آذر ۱۳۸۸

ـ توصیه آیت‌الله جنتی به دانشجویان

آیت‌الله جنتی (امام جمعه موقت تهران) در خطبه‌های نمازجمعه تهران با تبریک روز دانشجو گفت: «خاطره این روز را نباید فراموش کرد چرا که از افتخارات دانشجویان و دانشگاهیان‌مان است که برای مبارزه با آمریکا به صحنه آمده‌اند و نیروهای آمریکایی آنها را شهید کرده‌اند و این مبدأ تاریخی شد برای روز دانشجو و این خط همیشه باید حفظ شود چرا که مبنای جنبش دانشجویی حرکت ضد دیکتاتوری و ضد آمریکایی است.»[۱] وی در ادامه تصریح کرد: «در ١٦ آذر باید کاری کرد که شهیدان می‌خواهند و مبادا کاری کنید که آمریکا راضی شود، چرا که خلاف خط و جهت شهیدان است. چون آنها می‌خواستند با آمریکا مبارزه کنند و این جهت باید حفظ شود و نباید فراموش گردد.»[۲]

ـ نامه دانشجویان برای استرداد قاتل ندا

جمعی از دانشجویان بسیجی در نامه‌ای به نخست‌وزیر انگلیس از دولت انگلیس خواستار استرداد قاتل ندا آقاسلطان به مقامات قضایی ایران شدند. در این نامه خطاب به نخست‌وزیر انگلیس آمده است: «شواهد موجود تردیدی باقی نمی‌گذارد که قاتل ندا آقاسلطان (آرش حجازی) با کسی که از صحنه قتل وی فیلمبرداری کرده است کاملاً

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۶. ۲- همان.

هماهنگ بوده است. وی بعد از مشارکت در این قتل بلافاصله به انگلیس گریخته تا سرنخ اصلی را برای یافتن قاتل یا قاتلان ندا آقاسلطان راکور کند. دانشجویان در نامه خود به نخست‌وزیر انگلیس ضمن درخواست استرداد وی برای محاکمه در دستگاه قضایی ایران، پیشنهاد دومی را نیز مطرح کرده‌اندکه بازجویی از آرش حجازی در یک دادگاه علنی بیرون ازکشور انگلیس و با حضور یکی از بازپرسان ایرانی انجام شود.[۱]

ـ مشروعیت ولایت فقیه از غدیرخم است

آیت‌الله محمد یزدی (رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) در دیدار اعضای کنگره جلوه ایثار استان قم منصب ولایت فقیه را یک حق الهی دانست و گفت: «مردم تنها می‌توانند با همراهی و پشتیبانی از شخص منصوب شده به این مقام، وی را در پیشبرد مقاصد و اهدافش یاری رسانند.»[۲] وی اظهار داشت: «منصب ولایت فقیه مشروعیت خود را از واقعه غدیرخم می‌گیرد.»[۳]

۱- همان. ۲- همان.
۳- همان.

-•◇ شنبه ۱۴ آذر ۱۳۸۸ ◇•-

ـ دست به‌کار شدن مانکن‌ها و هنرپیشه‌های هالیوود

افسانه‌پردازی درباره ندا آقاسلطان زن ۲۶ ساله ایرانی که در جریان آشوبهای پس از انتخابات در تهران به ضرب گلوله کشته شد، همچنان در دستورکار رسانه‌ها و تریبونهای غربی قرار دارد. پس از شبکه پی بی اس، فرونتلاین یکی از بزرگترین شبکه‌های رادیو تلویزیونی در ایالات متحده آمریکا که مستند مرگ در تهران را در مورد نحوه مرگ ندا آقاسلطان و تبدیل شدن وی به نماد مقاومت سبزها و اتفاقات قبل و بعد از انتخابات در ایران است، به نمایش درآورد، اینک نوبت به هالیوود رسید تا به ساخت فیلمی درباره ندا اقدام کند. عوامل ساخت این فیلم تاکنون تماسهای تلفنی متعددی با افراد مرتبط خانواده آقاسلطان برقرار کرده و اسناد و مدارک و تصاویر مربوط به این پروژه فیلمسازی را نیز دریافت کرده‌اند.[1]

ـ اگر دادگاهی مهدی را احضار کند، حضور می‌یابد

رئیس تشخیص مصلحت نظام در دیدار با جمعی از دانشجویان دانشگاه فردوسی، رضوی و آزاد اسلامی مشهد با تأکید بر این‌که من اکنون ساکت نیستم، ابراز داشت: «شرایط کشور به گونه‌ای است که تحمل اظهارنظرها و انتقادات سازنده را ندارند و برخی عکس‌العمل‌ها نیز در برابر اظهارنظرها مفسده‌برانگیز است.»[2] وی افزود: «من مواضعم

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱۶.

۲- همان.

راصریحاً در نمازجمعه تیرماه اعلام کرده‌ام و راهکارهایم همان پیشنهادهای ارائه شده است.»[۱] هاشمی رفسنجانی در پاسخ به سؤالی درخصوص عدم بازگشت مهدی هاشمی به‌کشور عنوان داشت: «مهدی خیالش از پرونده‌ها و تهمتها راحت است و هم‌اکنون برای رسیدگی به وضع دانشگاههای آزاد اسلامی خارج ازکشور در حال گذراندن رساله دکترای خود در خارج ازکشور است و در انتخابات نیز صرفاً تجربیاتش پیرامون صیانت از آرا را مطرح کرده است و دخالتی درکار ستادها یا تظاهرات نداشته و اگر دادگاهی او را احضار کند، حضور می‌یابد.»[۲] وی درخصوص علت عدم بازگشت مهدی هاشمی از لندن گفت: «مهدی دائماً می‌خواهد بیاید ولی من به او می‌گویم نیاید و کارهایش را انجام دهد.»[۳]

ـ اعتراف به دلایل انتخاب رهنورد

در پی انتخاب زهرا رهنورد (همسر میرحسین موسوی) به عنوان یکی از متفکران سال ۲۰۰۹ از سوی مجله آمریکایی فارین پالیسی که با اعتراض گسترده مجامع علمی و آکادمیک در آمریکا روبه‌رو شده بود، سرانجام سوزان گلاسر (دبیر اجرایی این مجله) در مصاحبه با رادیوفردا و در پاسخ به این پرسش که زهرا رهنورد چه ویژگی علمی دارد که به عنوان یکی از متفکران سال ۲۰۰۹ انتخاب شده است؟ گفت: «ما نام خانم زهرا رهنورد را به این دلیل در فهرست متفکران ۲۰۰۹ قرار دادیم که این انتخاب باعث بحث و گفتگو شود.»[۴]

ـ توصیه ویژه آیت‌الله جوادی آملی به دانشجویان

آیت‌الله جوادی آملی در دیدار تعدادی از دانشجویان دانشگاههای علامه طباطبایی و شهید عباسپور و جمعی از طلاب مشهد در پاسخ به سؤال دانشجویی درباره حوادث

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۶.

پس از انتخابات اظهار داشت: «شما بایستی در این خصوص به سخنان مقام معظّم رهبری توجه کنید و گوشتان به حرفهای ایشان باشد و ببینید که ایشان چه می‌گوید.»[۱]

ـ احکام قطعی تعدادی از بازداشت‌شدگان حوادث اخیر صادر شد

سید علیرضا آوایی (رئیس کل دادگستری استان تهران) در گفتگو با ایسنا با اشاره به صدور احکام قطعی تعدادی از متهمان بازداشت شده در حوادث پس از انتخابات گفت: «برای تعدادی از متهمان در دادگاه تجدید نظر رأی قطعی صادر شده است و تعدادی از پرونده‌ها نیز تحت بررسی است.»[۲] وی اضافه کرد: «برخی از احکام صادره از دادگاه بدوی تأیید و بخشی از آرا تبدیل به برائت شده، در بخشی از این احکام تخفیف داده و بعضی به جریمه تبدیل شده است.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱۶.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۱۶.
۳- همان.

⁂ یکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۸۸ ⁂

ـ بصیرت را رها نکنید

مقام معظّم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیرخم با اشاره به تمرکز دشمن بر وجود اختلافات در کشور اظهار داشتند: «امروز تبلیغات استکبار جهانی از جمله چیزهایی که بر آن تمرکز می‌کند، همین وجود اختلافات در داخل کشور است. یک عده‌ای پیش خدا باید جواب بدهند. پیش خدا جواب بدهند که کاری بکنند که دشمن از او برداشت تفرق بکند در داخل کشور و جری شود. مسأله این است که دشمن را بشناسیم. ترفند دشمن را بفهمیم؛ بدانیم که چه داریم می‌گوییم و دشمن چگونه ممکن است از هر کلمه ما استفاده بکند و جری بشود، روحیه پیدا کند و راهها را برای دخالت خود، نفوذ خود، باز کند، اینها چیزهایی است که باید توجه داشت.»[1] ایشان با بیان دشمنیهای استکبار علیه ملّت ایران به جوانان توصیه کردند: «جوانان عزیز! کار را رها نکنید، بصیرت را رها نکنید. امیرالمؤمنین الگوست؛ الگوی شما جوانهاست. علم امیرالمؤمنین، تقوای امیرالمؤمنین، پا کدامنی امیرالمؤمنین، الگوست. اینها را رها نکنید. جهاد در راه خدا را، تلاش در راه خدا را ـ که میدانی، جهاد متناسب خودش را دارد ـ رها نکنید. بدانید که فردای این کشور از امروز این کشور به مراتب ان‌شاءالله بهتر خواهد بود. و این فردا متعلق به شماست. و روح امیرالمؤمنین(ع) و دعای حضرت بقیةالله

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظّم رهبری.

(ارواحنافداه) پشتیبان شما خواهد بود.»[1]

ـ بیانیه شانزدهم موسوی

میرحسین موسوی بیانیه‌ای را به بهانه عید سعید غدیرخم و ۱٦ آذر صادر کرد.[2]

۱- همان.
۲- بیانیه شانزدهم موسوی در پیوست شماره ۱۶ می‌باشد.

دوشنبه ۱۶ آذر ۱۳۸۸

- پاسخ پشیمان کننده دانشجویان به فتنه‌گران روز دانشجو

علی‌رغم تلاش آشوب‌طلبان با همراهی رسانه‌های ضدانقلاب برای به تشنج کشاندن مراسم ۱۶ آذر در دانشگاهها بویژه دانشگاه تهران، دانشجویان بسیجی دانشگاههای تهران با حضور خود مجال چندانی را به جریان فتنه ندادند. هزاران دانشجو در دانشگاه تهران با در دست داشتن پرچمهای سبزی که بر آن عبارت «جانم فدای رهبر» حک شده بود، تجمع بزرگ خود را از مقابل دانشکده فنی این دانشگاه آغاز کرده و به سمت مسجد دانشگاه به حرکت در آمدند. دانشجویان بسیجی ضمن بیعت با آرمانهای حضرت امام(ره) و مقام معظّم رهبری بعد از نماز ظهر و عصر به سمت در اصلی دانشگاه تهران حرکت کرده و پس از آن به سمت سردر اصلی دانشکده فنی به حرکت خود ادامه دادند. در مقابل دانشکده فنی حدود ۳۰۰ نفر از طرفداران موسوی با سردادن شعارهای اهانت‌آمیزی علیه دانشجویان قصد تنش و درگیری داشتند که با هوشیاری دانشجویان و شعارهای انقلابی خنثی شد.[1]

- فضای تخریب نباید وجود داشته باشد

حجةالاسلام نواب (عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز) با اظهار تأسف از این‌که به صورت گزینشی به سخنان مقام معظّم رهبری توجه می‌شود گفت: «اگر به

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱۷.

حرفهای ایشان به طور کامل توجه کنیم و آنها را فصل‌الخطاب قرار دهیم مشکلاتی که اکنون شاهد آن هستیم به وجود نمی‌آمد.»[۱] وی در ادامه تصریح کرد: «مقام معظّم رهبری پس از حوادث اخیر یک مسأله را به طور مستقیم پیگیری می‌کردند و آن بازگرداندن وحدت به جامعه بود. این مطلبی است که در رأس اهداف ایشان قرار دارد؛ البته برگرداندن وحدت به جامعه دارای لوازمی است از جمله این‌که فضای تخریب، تهمت، بی‌اخلاقی و بی‌ادبی وجود نداشته باشد.»[۲]

ـ دستگیری در حال فرار با لباس زنانه

مجید توکلی (از اعضای طیف افراطی علامه تحکیم وحدت) که در تشنج آفرینی، در مراسم روز ۱٦ آذر در دانشگاه امیرکبیر نقش داشت، در حالی که با لباس زنانه قصد فرار از دانشگاه را داشت، از سوی مأمورین انتظامی دستگیر شد.[۳]

ـ بیانیه خانواده شهیدان باکری و همت به مناسبت ۱۶ آذر

خانواده شهیدان باکری و ابراهیم همت در بیانیه‌ای ۱٦ آذر را روز حماسه بزرگ ملت ایران دانست و با بیان این‌که بدخواهان جمهوریت نظام و سپس اسلامیت آن را نشانه رفته‌اند، تأکید کردند: «بدخواهان غدیر پس از رحلت امام نیز دوباره همان ودیعه‌ها (انقلاب و مردم) را دگربار نشانه رفتند با این تفاوت که فراموش کرده بودند امام برای حفظ انقلاب و دستاوردهایش به ملت هشدار داده بودند و فرمودند: «عزیزان من چه در میان شما باشم یا نباشم نگذارید انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان بیفتد و ملت ایران هم که صاحب غیرت غدیرند هرگز نخواهند گذاشت.»[۴]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۱۷.

ـ درخواست ۲۱ چهره اقتصادی از رئیس قوّه قضائیه

تعداد ۲۱ چهره اقتصادی کشور در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله صادق آملی لاریجانی درخواست کردند به وضعیت محسن صفایی فراهانی هرچه زودتر رسیدگی شود. در میان امضاءکنندگان این نامه نامهایی چون بیژن نامدار زنگنه، سید صفدر حسینی، اسحاق جهانگیری، عباس آخوندی، محمد ستاری‌فر و ... دیده می‌شود.[۱]

ـ من، خاتمی و موسوی کماکان پایبند به خط امام هستیم

به گزارش بیان نیوز مهدی کروبی با بیان این‌که بنده، آقای خاتمی و مهندس میرحسین موسوی کماکان پایبند به خط روشن و نورانی امام خمینی هستیم و این آقایان هستند که مشکلات‌شان را با امام فراموش کرده‌اند، افزود: «راه حل فشار بر مردم و نخبگان، لجاجت و خشونت نیست. راه حل انعطاف‌پذیری، سعه صدر و بازگشت به روح قانون اساسی است.»[۲]

ـ برخی با ادعای پیروی از امام در مقابل شعارهای ضدانقلابی سکوت می‌کنند

محمدحسین صفار هرندی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت نهم) در دانشگاه علوم پزشکی قم با اشاره به شرایط کشور گفت: «عده‌ای امروز نیز دنبال تغییر شعائر هستند و در حالی که ادعای پیروی از خط امام را دارند در آن جایی که برخی شعارهای انقلاب را زیر سؤال می‌برند سکوت کردند.»[۳]

۱- روزنامه اعتماد: ۱۳۸۸/۹/۱۷. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۸.

سه‌شنبه ۱۷ آذر ۱۳۸۸

ـ قانون‌شکنان دیگر مهلتی نخواهند داشت

حجةالاسلام غلامحسین محسنی اژه‌ای (دادستان کل کشور) در اوّلین نشست مطبوعاتی خود با حضور خبرنگاران گفت: «نباید جایگاهها مانع از رسیدگی به اتهامات افراد شود و تفاوتی نمی‌کند که کسی که اتهام متوجه اوست، پسر آقای هاشمی رفسنجانی است یا خیر. اگر ثابت شد اتهامی متوجه وی است، او باید مجازات شود و حتی مجازاتش باید شدیدتر از مردم عادی باشد. امّا اگر اتهامی محرز نیست و متوجه وی نیست، آن را نیز سریعتر اعلام کنند. چرا باید سالها در افواه مردم این مطرح باشد که اتهاماتی متوجه مهدی هاشمی رفسنجانی، فرزند رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام است و کسی به آن رسیدگی نمی‌کند.»[1] وی در ادامه با بیان این‌که اکنون چهره دشمن و قانون‌شکنان برای ما روشن شده است، هشدار داد: «از امروز به بعد اگر کسی خلاف امنیت مردم و جامعه برخورد کند، هیچ اغماضی صورت نخواهد گرفت و بشدّت با او برخورد می‌شود.»[2] اژه‌ای در پاسخ به سؤالی در مورد ادعای کروبی گفت: «کروبی اعلام کرده بود که موضوع سعیده پورآقایی ساختگی است. بله بنده هم تأکید می‌کنم که موضوع تجاوز و قتل سعیده پورآقایی ساختگی است. امّا آقای کروبی باید بگویند که چه کسی این موضوع را ساخته و علم کرد، چه کسی به منزل این شخص رفته و در ختم وی هم شرکت کرد و درنهایت چه کسی موضوع را تأیید کرد.»[3]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱۸.
۲- همان.
۳- همان.

ـ ۱۷ آذر باشکوه‌تر از ۱۶ آذر

ساعت ۱۲/۵ تعدادی از حامیان موسوی در دانشگاه تهران با استفاده از خلأ حضور دانشجوان انقلابی به دلیل حضور در نماز ظهر و عصر، در مقابل دانشکده فنی شعارهای «یا حسین میرحسین»، «بسیجی حیاکن دانشگاه رو رهاکن» و... سردادند. امّا دانشجویان انقلابی پس از اتمام نماز جماعت ظهر و عصر در ساعت ۱۲:۲۰ توانستند حامیان موسوی را به کنار زده و با نصب پرچم جمهوری اسلامی ایران و عکس‌های امام خمینی(ره) و مقام معظّم رهبری و شعارهای «موسوی، اسرائیل پیوندتان مبارک» «الله اکبر» «مرگ بر مزدور ماهواره‌ای» «مرگ بر دیکتاتور مخملی» و... این مکان را از آن خود کنند. حامیان موسوی در این میان شعارهای را علیه بسیج سر دادند که با شعارهای «اگر بسیجی نبود، ناموست این‌جا نبود» دانشجویان روبه‌رو شدند.[1]

ـ اهانت به عکس حضرت امام خمینی(ره)

در حاشیه مراسم روز دانشجو به تصویر حضرت امام خمینی(ره) توسط عده‌ای از حامیان جنبش سبز اهانت شد.[2]

ـ دستگیری ۲۰۴ نفر در تجمعات ۱۶ آذر

سردار رجب‌زاده (فرمانده انتظامی تهران بزرگ) در گفتگو با ایسنا با بیان دستگیری ۲۰۴ نفر در جریان تجمعات روز ۱٦ آذر گفت: «مأموران پلیس در این روز ۱٦۵ مرد و ۳۹ زن را دستگیر کردند که افراد دستگیرشده به مراجع قضایی معرفی و وضعیت آنها در دست بررسی قرار دارد.»[3]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۸.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۱.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۱۸.

ـ حمایت آمریکا از آشوبهای ۱۶ آذر

ایان کلی (سخنگوی وزارت خارجه آمریکا) ساعاتی پس از معرکه گیری عناصر ورشکسته در دانشگاه از آنها حمایت کرد و با دلداری دادن به آنها گفت: «آنها بدانند صدایشان شنیده می‌شود و اقدامات سرکوبگرانه دولت ایران علیه مردمی که برای حقوق دموکراتیک تلاش می‌کنند از دید آمریکا پنهان نیست.»[1] وی همچنین قانون‌شکنی، فحاشی، تخریب مراکز اداری، ضرب و شتم دانشجویان انقلابی و . . . را اعتراض مسالمت‌آمیز توصیف کرد و مدعی شد: «برخورد با این حرکتها بی‌اعتنایی به حقوقی است که در قانون اساسی ایران گنجانده شده است.»[2] دیوید میلیبند (وزیر خارجه انگلیس) نیز با حمایت از اغتشاشگری در دانشگاه گفت: «ما نگران برخوردها هستیم و از مقامهای ایرانی انتظار داریم آزادیهای شهروندان را رعایت کنند نه این که آن را سرکوب کنند.»[3]

ـ دیدار خانواده‌های زندانیان با سید محمد خاتمی

به‌گزارش ایلنا سید محمد خاتمی در دیدار جمعی از خانواده‌های زندانیان با اشاره به حوادث و اتفاقاتی که در جریان قبل و بعد از انتخابات در کشور رخ داد، گفت: «بنده از این حوادث برای جمهوری اسلامی و نظام ناراحتم. به خاطر ستمی که می‌شود، از جمله دوستانی که الان در بند گرفتار هستند تا آن جا که آنها را می‌شناسم؛ جفاست که متهم به ضدیت با انقلاب، اسلام و مصالح کشور شوند، درحالی‌که آنها حاضر بوده و هستند جانشان را فدای ارزشهایی بکنند که در انقلاب ما تجلی پیدا کرد. ممکن است آنها دیدگاههایی داشته باشند که با برخی از دیدگاههای دیگر هماهنگ نباشد، امّا در مقام عمل و ارزشهای اصولی، بنده مطمئنم و هیچ تردیدی ندارم اکثر آنها سرمایه‌هایی هستند که هزینه‌هایی که برای انقلاب پرداخته‌اند از بسیاری کارشناسان پرونده‌هایشان بیشتر

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۸.
۲- همان.
۳- همان.

است و امروز هم به جرم ضدیت با امام، انقلاب متهم می‌شوند.»[۱]

ـ اطلاعیه موسوی عامل اصلی بروز اغتشاش در روز دانشجو بود

مرتضی تمدن (استاندار و رئیس شورای تأمین استان تهران) با بیان این‌که اطلاعیه میرحسین موسوی عامل اصلی بروز اغتشاش و بی‌نظمی روز دانشجو بود، گفت: «مردم در محافل مختلف از ما می‌پرسند دلیل ادامه این رفتار و اصرار بر بی‌قانونی از سوی آقای موسوی چیست و وی از جان ما چه می‌خواهد؟»[۲] وی در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: «متأسفانه جریان فتنه‌ای که پس از انتخابات سعی کرده از روزهای مهم و انقلابی به نفع اهداف دشمن‌پسند بهره‌برداری کند، خواست، ١٦ آذر را نیز به نفع جریان دشمنان انقلاب مصادره نماید امّا هوشیاری دانشجویان متعهد و انقلابی باعث ناکامی فتنه‌انگیزان شد. جریانی به بهانه حمایت از موسوی خود را پشت سر او پنهان کرده و موسوی هم با سکوت عمدی در برابر انحرافات و صدور اطلاعیه‌های سؤال‌برانگیز و تحریک‌کننده به کمک جریان فتنه آمده است.»[۳]

ـ اغتشاش در ایران همسو با منافع اسرائیل است

بنیامین نتانیاهو (نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی) طی سخنانی در پارلمان این رژیم، ایران را بزرگترین مشکل برای موجودیت اسرائیل دانست و ضمن حمایت از اغتشاشگران حوادث پس از انتخابات ریاست‌جمهوری گفت: «حوادث اخیر در ایران و مخالفت برخی گروهها با حکومت و نظام جمهوری اسلامی در جهت منافع اسرائیل است.»[۴]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۱۸.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱۸.
۳- همان.
۴- همان.

ـ گرم شدن تنور آشوبگران با حضور فائزه هاشمی

حضور فائزه هاشمی رفسنجانی در میان شماری از قانون‌شکنان در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد، به کانون توجه رسانه‌های بیگانه و برخی از سایتهای خبری تبدیل شد. در همین خصوص بی بی سی در سایت خود فائزه هاشمی را در میان دانشجویان معترض در واحد تحقیقات دانشگاه آزاد در پونک مورد توجه قرار داد.[۱]

۱- همان.

-•◊ چهارشنبه ۱۸ آذر ۱۳۸۸ ◊•-

- موسوی هرروز تودل‌بروتر از دیروز!

حسین باقرزاده (عضو گروهک منافقین) با اشاره به نگرانیهای قبلی محافل ضد انقلاب درباره احتمال دلبستگی میرحسین موسوی به نظام جمهوری اسلامی، صلاحیت نامبرده را برای همراهی با اپوزیسیون ضد انقلاب تأیید کرد. وی با اشاره به مضمون بیانیه موسوی به بهانه ۱۶ آذر نوشت: «از آغاز جنبش سبز مسأله رهبری آن به عنوان یکی از معضلات مطرح بوده است. برخی از مواضع اعلام شده آقای موسوی برای بسیاری از کسانی که خواهان تحول بنیادین در نظام حاکم هستند قابل قبول نبود. او به جای پذیرش تنوع نیروهای شرکت کننده در جنبش، به حمایت از گرایشهای خاص می‌پرداخت. برخی مواضع آقای موسوی پذیرفتنی نبود. جمله معروف ایشان که جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد، به وضوح به معنای نفی نیروهای عظیمی در جنبش بود که به نفی جمهوری اسلامی دل بسته بودند.»[1] وی در تحلیل خود در سایت ضدانقلابی ایران امروز نوشت: «در هر صورت، پس از اظهارات اوّلیه آقای موسوی که از سوی بسیاری مورد نقد قرار گرفت، خوشبختانه ایشان در موضع‌گیریهای اخیر خود به صورت واقع‌گرایانه‌ای نه فقط حضور نحله‌ها و گرایشهای دیگر در درون جنبش سبز را پذیرفته بلکه آنها را محترم شمرده است. از جمله آقای موسوی در بیانیه اخیر خود به مناسبت ۱۶ آذر مسائلی را مطرح می‌کند که در پیامها و نوشته‌های پیشین ایشان دیده

۱-روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۱۹.

نمی‌شد و حاکی از آن است که ایشان ملزومات رهبری جنبش را تا حد زیادی پذیرفته است.»[۱]

ـ نگرانی برای جمهوریت نظام در پناه بانیان ۵۷ سال دیکتاتوری پهلوی

سایت جرس (وابسته به عطاءالله مهاجرانی، محسن کدیور و...) به بهانه اظهارات هاشمی رفسنجانی نوشت: «هاشمی بی‌پرده توپ را در زمین نظام می‌اندازد. او همچنین می‌گوید اگر ما را می‌خواهند، حکومت می‌کنیم و اگر نمی‌خواهند، می‌رویم. این استعاره نشان از تهدید جدی است که موضوعیت و مشروعیت نظام را نشانه رفته است. نظام با اندکی تدبیر و دوراندیشی و کشاندن انتخابات به دور دوم می‌توانست بحران را حل کند امّا اکنون دیگر به تعبیر موسوی، مسأله انتخابات نیست. سخنان اخیر هاشمی یک هشدار جدی است. آگاهان سیاسی بر این باورند که حکومت پول و نیرو دارد و می‌تواند در خیابان آدم جمع کند ولی گروه مقابل یک عده استاد، دانشجو، کارگر، مدیر، صنعتگر هستند. این اظهارات نشان از آگاهی وی از حرکت گسترده و فراگیر مردم است... او می‌گوید جامعه‌ای را که ۴ میلیون دانشجو دارد نمی‌شود فریب داد. هاشمی بی‌پرده قدرت مردم را به رخ حاکمان می‌کشد.»[۲]

اظهار نگرانی سایت وابسته به مهاجرانی درباره مشروعیت نظام و تلاش برای خرج کردن رئیس تشخیص مصلحت نظام به نفع فتنه سبز در حالی است که وی در آن زمان که هاشمی مورد ترور شخصیت افراطیون دوم خرداد قرار داشت از وی حمایت نکرد و ثابت کرد که نه اعتقادی به هاشمی دارد و نه باوری به جمهوریت و رأی مردم و اخلاق و انصاف. گفتنی است اظهارات اخیر هاشمی رفسنجانی در مشهد که در آستانه التهابات روز دانشجو صورت گرفته با شگفتی و تأثر در میان طیفهای وفادار انقلاب مواجه شد بویژه آن که این اظهارات خواسته یا ناخواسته پازل تحریکات آشوب‌طلبان بیگانه را کامل کرد.

۱- همان.
۲- همان.

ـ نامه شدیداللحن کروبی به خاتمی

به‌گزارش جوان آنلاین مهدی کروبی در نامه‌ای ضمن انتقاد شدید از خاتمی درخصوص هزینه نکردن خود در حوادث اخیر، وی را عنصری بی‌تأثیر در اصلاحات و بویژه‌گروه سبز عنوان‌کرد. کروبی در این نامه خود را لیدر و رهبر جریان پس از انتخابات دانست و خطاب به خاتمی نوشت: «من رهبر این جریان هستم و بابت آن هم هزینه داده‌ام. شما هم در این جریان نه سهمی داشته و نه تأثیرگذار بوده‌اید.»[1]

ـ اسطوره زنان در نگاه جاسوس موساد

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار و جاسوس موساد) گفت: «نقش فائزه هاشمی در گروه سبز قابل ستایش است. زیرا وی امروز اسطوره زنان ایران شده است. وی که در کانال وابسته به گروهک تروریستی تجزیه‌طلب پژاک سخن می‌گفت، افزود: «حضور فائزه هاشمی به عنوان کادر رهبریت مخالفان از ابتدای اعتراضات مردمی علیه اعتراضات مردمی علیه انتخاب محمود احمدی‌نژاد بخصوص در واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد در روز ۱٦ آذر علی‌رغم آن همه تهدید و فشار قابل تقدیر است.»[2]

ـ آزادی ۸۶ نفر از بازداشت‌شدگان ۱۶ آذر

به‌گزارش مهر دادستان تهران آزادی ۸٦ نفر از دستگیرشدگان تجمعات ۱٦ آذر در تهران را تأیید کرد.[3]

ـ پخش تصاویر اهانت به حضرت امام خمینی(ره) از صدا و سیما

در پی هتاکی اغتشاشگران سبز به عکس حضرت امام خمینی(ره) به بهانه روز

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۱۹. ۲- همان.

۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۱۹.

دانشجو، رسانه ملی در اقدامی روشنگرانه به پخش تصاویر این اهانت پرداخت و با واکنشهای مختلف در سطح جامعه روبه‌رو شد.

ـ محتشمی‌پور صلاحیت ریاست دبیرخانه حمایت از فلسطین را ندارد

مهدی کوچک‌زاده (نماینده اصولگرای مجلس هشتم) در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی طی تذکری خطاب به علی لاریجانی (رئیس مجلس هشتم) صلاحیت علی‌اکبر محتشمی‌پور به عنوان ریاست دبیرخانه حمایت از مردم فلسطین را زیر سؤال برد. وی با تأکید بر این‌که محتشمی‌پور به دلیل زیر سؤال بردن انتخابات، دیگر نمی‌تواند رئیس دبیرخانه حمایت از مردم فلسطین باشد، گفت: «از آن جا که جرمی بالاتر از زیر سؤال بردن انتخابات نیست، چنین کسی نمی‌تواند رئیس دبیرخانه حمایت از مردم فلسطین باشد.»[1] علی لاریجانی نیز در پاسخ به وی بدون آن که نام محتشمی‌پور را بیان کند، گفت: «این فرد از مجلس هفتم این سمت را بر عهده داشته و در آن هنگان نیز برای انتصاب وی با مقام معظّم رهبری مشورت شده است امّا، ما هم به خاطر دغدغه شما دوباره مشورت می‌کنیم تا نظر شما دنبال شود.»[2]

ـ آشوبگران از خارج مدیریت می‌شوند

حجةالاسلام حیدر مصلحی (وزیر اطلاعات) چهارشنبه در نشست تحلیل و بررسی وضعیت امنیت کشور که در مدرسه فیضیه قم برگزار شد با اشاره به حوادث پس از انتخابات خاطرنشان کرد، «فتنه اخیر همچون کوه بزرگ یخی و شناور در آبهای اقیانوس است که بخش عمده‌ای از آن در زیر آب و تنها بخش کوچکی در ظاهر نمایان است ولی متأسفانه هنوز عده‌ای باور ندارند که این حوادث، فتنه‌ای از سوی دشمنان اسلام و انقلاب بود.»[3] وی با بیان این‌که لطمات جدی در فتنه‌ها عمدتاً از سوی خواص جامعه و

۱- همان. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۱.

گوشه ای از تحرک آشوب طلبان در روز ۱۶ آذر (روز دانشجو) ۸۸









گوشه ای از تجمع دانشجویان معتقد به انقلاب در روز ۱۷ آذر ۸۸







آقازاده‌ها به نظام اسلامی وارد آمده است، اظهار داشت: «فتنه اخیر بی‌تردید نتیجه جنگ نرم دشمنان است ولی عده‌ای همچنان تصور می‌کنند که این یک دعوای انتخاباتی ساده است. متأسفانه کسانی که انتظار می‌رود سینه‌چاک ولایت بوده و در صحنه‌های حساس انقلاب حاضر باشند، امروز شاهد هستیم میان مخالفان و نظام اسلامی واسطه‌گری می‌کنند و البته این از ویژگیهای جنگ نرم دشمنان است. در جنگ نرم دشمنان، بسیاری از خواص چون شاخص و معیاری در دست ندارند دچار شک و تردیدهای بسیار می‌شوند. در جنگ نرم تمامیت نظام از درون به چالش و تهدید کشیده می‌شود و امروز می‌بینیم افرادی تأثیرگذار که باید از نظام و ولایت دفاع کنند در مقابل رهبری ایستاده‌اند.»[۱] وی در ادامه با اشاره به رفت و آمدهایی تیم سران فتنه به خارج از کشور گفت: «پس از انتخابات با فضایی که به جود آمده رفت و آمدهایی سنگین و قابل توجهی توسط تیم سران فتنه به خارج از کشور می‌شود که این بسیار سؤال‌برانگیز است که ارتباط امروز این آقایان با کشوری مانند انگلیس که بارها باعث لطمه به کشور ما شده است، چه معنایی دارد؟»[۲] مصلحی با بیان این‌که تلاشهایی برای براندازی نظام شکل گرفته بود، افزود: «در دفتر یکی از آقازاده‌ها که از همراهان یکی از سران فتنه است جزوه‌ای پیدا کردیم که در آن به صراحت طرح براندازی نظام دنبال می‌شد و بیانیه‌هایی که امروز از سوی آنها صدر می‌شود دقیقاً براساس همین جزوه است.»[۳] وی با دروغ خواندن ادعای برخی سران فتنه مبنی بر همسویی با اندیشه‌های حضرت امام(ره) اضافه کرد: «چگونه کسی که ادعای همسویی با امام را دارد و با شعار عدالت‌خواهی امام(ره) به میدان آمده، به خود اجازه می‌دهد که اغتشاشاتی را ایجاد کند که در بخش عمده‌ای از آن خود وی محور آن بوده و این اغتشاشات را منافقین، رئیس رژیم اسرائیل و بسیاری از سلطنت‌طلبان حمایت می‌کنند.»[۴]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

پنجشنبه ۱۹ آذر ۱۳۸۸

- بی بی سی هم خط امامی شد

سایت اینترنتی بی بی سی که به همراه شبکه ماهواره‌ای آن از چندین روز پیش از ۱٦ آذر با انتشار اخبار، گزارش و مطالب مغرضانه و جهت‌دار سعی در تغییر ماهیت روز دانشجو داشت و دانشجویان را به اغتشاش و آشوب دعوت می‌کرد، به اقدام روشنگرانه صدا و سیما در افشای ماهیت مدعیان خط امام(ره) حمله کرد. این سایت با انتشار عکس امام(ره) مطلبی را ذیل عنوان «انتقاد از پخش فیلم تلویزیونی اهانت به عکس آیت‌الله خمینی» منتشر کرد و از صدا و سیما به خاطر پخش تصاویر اهانت حامیان موسوی به امام خمینی(ره) انتقاد کرد.[1]

- نامه اعتراضی کروبی به رئیس سازمان صدا و سیما

مهدی کروبی (کاندیدای شکست خورده انتخابات دهم) در نامه‌ای به عزت‌الله ضرغامی از پخش فیلم اهانت به عکس حضرت امام خمینی(ره) در برنامه ۲۰:۳۰ انتقاد کرد. در نامه کروبی خطاب به ضرغامی آمده است: «برای اوّلین بار تصاویری از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد که حاکی از پاره شدن پوسترهای امام خمینی رهبری انقلاب اسلامی ایران که مورد احترام مردم است، بود.»[2] وی با مونتاژ دانستن این فیلم افزود: «درکنار این تصاویر، متأسفانه تصاویر مونتاژ شده‌ای از دانشجویان معترض

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۱.

۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۲۱.

نشان داده شد که این‌گونه استنباط می‌شد عکسهای بنیانگذار انقلاب توسط این دانشجویان پاره و مورد تعرض قرار گرفته است.»[۱] کروبی بدون محکوم کردن اقدام انجام شده توسط حامیان جنبش سبز، مدعی شد که این سازمان تبر به درخت انقلاب می‌زند. وی نوشت: «از شخص جنابعالی درایت بیشتری انتظار می‌رود. آیا می‌دانید به دست خود تبر به تنه چه درختی می‌زنید؟»[۲]

ـ دیدار صانعی و محتشمی‌پور

یوسف‌علی صانعی در دیدار علی‌اکبر محتشمی‌پور (رئیس کمیته صیانت از آراء موسوی) با اشاره به پخش فیلم اهانت هواداران جنبش موسوم به سبز به حضرت امام خمینی(ره) مدعی شد: «انسانهای ظالم عکس امام را آتش می‌زنند و بعد می‌گویند کار دانشجویان بوده است، در حالی که دانشجویان فدایی امام هستند و همه چیزشان را از امام دارند... امروز فضا به گونه‌ای است که یاران امام نمی‌توانند راجع به مسأله فلسطین حرف بزنند و اگر هم سخنی بگویند سخن آنان را قبول نمی‌کنند.»[۳]

ـ ابراز تأسف مؤسسه نشر آثار حضرت امام(ره) از پخش تصاویر ۱۶ آذر

حمید انصاری (قائم‌مقام مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی(ره)) در نامه‌ای خطاب به رئیس صدا و سیما مدعی شد: «بنا به گزارشها علی‌رغم آن که در این روز بعضاً شعارهای ساختارشکنانه دیگری باکمال تأسف مطرح شده امّا هتک حرمتی نسبت به امام خمینی(ره) گزارش نشده است و بر فرض که آنچه در تصاویر تنظیم شده و نامرتبط نشان داده شد، در گوشه‌ای از تجمعات آن روز توسط فردی مجهول و مغرض انجام یافته باشد، توسعه آن به گونه‌ای که گویی جوّ غالب بود دروغ بیّن و مسلم می‌باشد.»[۴] وی نیز بدون محکوم کردن اقدام آشوب‌طلبان، صدا و سیما را متهم نمود و

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۱.
۴- همان.

نوشت: «حرمت‌شکنی بی‌سابقه صدا و سیما باعث تأسف، تعجب و اعتراض جدی دوستداران امام راحل است.»[۱]

ـ اهانت به عکس امام خمینی(ره) یک اقدام ضد انقلابی است

میرحسین موسوی در پاسخ به این سؤال روزنامه جمهوری اسلامی که موضع شما درباره پاره شدن عکس امام و نشان دادن صحنه اهانت به عکس امام از سیمای جمهوری اسلامی و تلویزیونهای بیگانه چیست؟ گفت: «حضرت امام خمینی، احیاگر دین در قرن حاضر و بیدارگر بزرگ ملتها برای مبارزه با مستکبران است. ایشان به گردن همه ملتها بویژه ملتهای مسلمان و مردم ایران حق بزرگی دارند و قطعاً هیچ انسان منصف و مؤمنی به خود اجازه نمی‌دهد چنین اهانتی به عکس ایشان بکند. کسانی که به این جانب محبتی دارند هرگز کوچکترین اهانت به حضرت امام خمینی(ره) را جایز نمی‌دانند و حفظ حرمت امام را واجب می‌دانند. اطمینان دارم که دانشجویان هرگز دست به چنین ساختارشکنی‌هایی نمی‌زنند. زیرا همه می‌دانیم که دانشجویان به امام عشق می‌ورزند و حاضرند برای آرمانهای امام جان‌فشانی کنند.»[۲] وی افزود: «اطلاعات دقیقی درباره این‌که اصولاً چنین کاری صورت گرفته باشد ندارم کمااین‌که درباره عاملان این اقدام ساختارشکنانه نیز اطلاعات روشنی نداریم ولی به هر حال اگر چنین کاری صورت گرفته باشد، این یک اقدام مشکوک است و پخش آن صحنه ضد انقلابی از سیمای جمهوری اسلامی نیز اقدام نادرستی بود. از رسانه‌های بیگانه که همواره در حال دشمنی با نظام جمهوری اسلامی هستند انتظاری جز این نیست که با سوءاستفاده از این قبیل حوادث مرتکب چنین اقدامی بشوند، اما چنین اقدامی توسط رسانه ملی که موجودیت خود را به برکت انقلاب عظیمی که به رهبری امام خمینی(ره) پیروز شد مرهون است به هیچ وجه قابل قبول نیست.»[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۲۱.
۳- همان.

- نیروی انتظامی برای برخورد با اغتشاشگران تعارف ندارد

سردار احمدی‌مقدم (فرمانده نیروی انتظامی) در مراسم آغازین مرحله علنی رزمایش امنیت و آرامش در مشهد گفت: «نیروی انتظامی دیگر با هیچ شخصی در جریان نفاق بعد از انتخابات مدارا نمی‌کند و در راستای وظایف خود به طور قاطع با قانون‌شکنان برخورد می‌کند.»[۱] وی افزود: «از این به بعد نیروی انتظامی در راستای وظایف خطیر خود در برخورد با جریان نفاق با احدی تعارف ندارد.»[۲]

- بیانیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در محکومیت هتک حرمت امام(ره)

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور اطلاعیه‌ای هتک حرمت به ساحت امام خمینی(ره) را محکوم کرده و خواستار برخورد قاطع با عاملان و مسببان این جرم عظیم شد. در این اطلاعیه آمده است: «آنچه در این ایام جای تأمل دارد این است که علی‌رغم تذکرات خیرخواهانه و رهنمودهای معظّم‌له عده‌ای اصرار بر تکرار اشتباهات و خطاهای خود دارند و این لجاجتها موجب سوءاستفاده بیشتر و قرارگرفتن آنها در دایره طراحیهای جدید دشمنان اسلام و انقلاب گردیده است.»[۳]

- مخالفان راه به جایی نمی‌برند، انقلاب در جان مردم ریشه دارد

آیت‌الله نوری همدانی در همایش ائمه جماعات خطاب به آشوبگران و مخالفان انقلاب تأکید کرد: «کسانی که نقش مخالفین را ایفا می‌کنند، بدانند راه به جایی نمی‌برند چون انقلاب اسلامی در جان مردم ریشه دارد.»[۴] این مرجع تقلید در ادامه با بیان این‌که ما باید نسبت به زمانه خود آشنایی کامل داشته باشیم، گفت: «در زمان ما اتفاق بزرگی افتاد و بعد از این‌که نظام شیعه و نظام ولایی سالها کوبیده شدند، خداوند لطف بزرگی کرد. کار

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۱.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

امام(ره) کار بسیار بزرگی بود که توانست یک رژیم ۲۵۰۰ ساله را سرنگون کند و به جای آن نظام قدرتمندی بسازد.»[۱]

ـ واکنش مدیر روابط عمومی صدا و سیما به انتقادها علیه صدا و سیما

مدیرکل روابط عمومی صدا و سیما در واکنش به اظهارات برخی افراد مبنی بر پخش فیلم اهانت به عکس حضرت امام خمینی(ره) گفت: «تصاویر حرمت‌شکنی مذکور در سازمان موجود است و بسیار متأسفیم کسانی که داعیه پیروی از خط امام(ره) دارند، چشم و گوش خود را بر حقایق بسته‌اند. این افراد ببینند آیا مصاحبه‌ها، نامه‌ها و بیانیه‌هایی که صادر می‌کنند و با روح تعالیم حضرت امام راحل(ره) منافات دارد، باعث نفرقه است یا انتشار تصاویر واقعی اغتشاشگران که مورد دید و قضاوت مردم است؟ چرا باید کسانی که افشای نیات پلید اغتشاشگران در برهم زدن وحدت ملی و زیر پا نهادن ارزشهای دینی و انقلابی نگران شوند.»[۲]

۱- همان.

۲- همان.

جمعه ۲۰ آذر ۱۳۸۸

ـ دانشگاهها روند ضد استکباری خود را نشان دادند

حجةالاسلام صدیقی (خطیب نماز جمعه تهران) با انتقاد از برخی فریب‌خوردگان در توهین به مقدسات در جریان ۱۶ آذر گفت: «با همهٔ امیدی که دشمنان به این روز بسته بودند و افراد غافل و ناآگاهی که متأسفانه در یک مسیر لجاجت قرار گرفته‌اند و متوجه نیستند عاقبت کارشان چه می‌شود، اما دیدیم که دانشگاههای ما چگونه روند ضدا استکباری خود را نشان دادند.»[۱] وی با بیان این‌که «انسان از بعضی حرکتهایی که در این روز انجام شد دلش می‌سوزد» خاطرنشان کرد: «برخی جوانان ما امروز فریب می‌خورند وگرفتار احساسات می‌شوند ولی به ما برمی‌گردند، چرا که اینها بچه‌های ما هستند و دچار احساسات آنی شده‌اند.»[۲]

ـ راهپیمایی مردم و محکوم کردن اهانت به حضرت امام(ره)

مردم اغلب شهرها پس از برپایی راهپیمایی خودجوش ضمن تجدید میثاق با آرمانهای حضرت امام(ره) و تجدید بیعت با مقام معظّم رهبری، هتک حرمت به ساحت حضرت امام خمینی(ره) را در حاشیه روز ۱۶ آذر توسط حامیان جنبش سبز، محکوم کردند.[۳]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۱.
۲- همان.
۳- همان.

ـ آن آقایی که ادعای دوستی با رهبری را دارد امروز تدارکاتچی دشمن شده است

آیت‌الله علم‌الهدی (امام جمعه مشهد) جمعه شب در جمع مداحان هیأتهای مذهبی در مهدیه تهران با انتقاد از بی‌تقوایی برخی رسانه‌ها در تحریف سخنانش پیرامون هاشمی رفسنجانی گفت: «بنده چندی قبل در یک سخنرانی، با اشاره به وابستگی برخی چهره‌های به نظام، از این که این چهره‌های امروز تدارکاتچی دشمن شده‌اند گله کردم که نکاتی از سخنانم تحریف شد. این رسانه‌ها فقط سخنان من که در مورد وابستگی این آقا به نظام را بیان کرده‌ام منتشر کرده‌اند. بنده همچنان هم معتقدم که آن آقایی که مخاطب صحبت من بود، وابسته به نظام بوده امّا امروز با سخنان خود تدارکاتچی دشمن هستند.»[۱]

وی خطاب به سران فتنه گفت: «انتخاباتی برگزار شد، انواع و اقسام حیله‌ها و منکرات را به کار گرفتید ولی باز هم مردم شما را در آن انتخابات شناختند، خدعه شما را شناختند و شما را انتخاب نکردند. تقصیر مقام معظّم رهبری چه بود، حال باید جمع شوید، لشکرکشی کنید؟ از این خیابان به آن خیابان و از این دانشگاه به آن دانشگاه؟ توهین به رهبری و به حضرت امام بکنید؟»[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۲.
۲- همان.

شنبه ۲۱ آذر ۱۳۸۸

- خامنه‌ای کوثر است، دشمن او ابتر است

آیت‌الله نوری همدانی همزمان با تجمع اعتراض‌آمیز اساتید، فضلا و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور، در جمع دیدارکنندگان‌شان شعارهایی را به حمایت از رهبر معظّم انقلاب اسلامی سر داد و گفت: «امام ما کوثر است، دشمن او ابتر است.»[۱] این مرجع تقلید بعد از سر دادن این شعار همه حضار را به تکرار آن دعوت کرد و ادامه داد: «خامنه‌ای کوثر است، دشمن او ابتر است.»[۲]

- واکنش امام جمعه موقت تهران به مؤسسه حفظ و نشر آثار حضرت امام(ره)

آیت‌الله سید احمد خاتمی (امام جمعه موقت تهران) در آغاز درس خارج فقه خود در مدرسه فیضیه با بیان این‌که در زمان انتخابات بیانیه‌های متعددی صادر شد که روحانیت آسیب دیده است، گفت: «متأسفانه در حوادث اخیر دیدیم که شخص مقام معظّم رهبری مورد هجمه قرار گرفت ولی هیچ محکومیتی و بیانیه‌ای مشاهده نکردیم. آنها که یقه می‌دراندند به این که به یک روحانی توهین شده است، این جا این همه اهانت را می‌شنوند و می‌بینند، امّا فریاد برنمی‌آورند این اسمش غربت است.»[۳] وی با بیان این‌که غربت در اوج، گزنده‌ترین غربتهاست، بیان داشت: «ما در زمان حضرت امام شاهد بودیم وقتی ایشان به موضوعی اشاره می‌کردند، حوزه به پا می‌خاست امّا متأسفانه

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۲.
۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

در حوادث پس از انتخابات، رهبری با صراحت مطالب را بیان می‌کند امّا متأسفانه کک بعضیها هم نمی‌گزد.»[1] خاتمی با محکوم کردن اهانت به حضرت امام(ره) خاطرنشان کرد: «متأسفانه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام که باید مدافع حرمت امام باشد بیانیه داده‌اند که اصلاً اهانتی به امام نشده است.»[2] وی با انتقاد از عکس‌العمل این مؤسسه در قبال اهانت صورت گرفته به بنیانگذار کبیر انقلاب بیان داشت: «در متن این بیانیه آمده است هیچ یک از رسانه‌های خارجی چنین مطلبی را انعکاس نداده‌اند و این اشتباه تنها مخصوص صدا و سیمای جمهوری اسلامی است. بنده از این مؤسسه تعجب می‌کنم که چه طور این جور خلاف می‌نویسند. هفت شبکه خارجی از جمله العربیه مکرراً این قضیه را پخش کرد، شما چطور می‌گویید فقط صدا و سیما پخش کرده است. حال که همه شبکه‌های خارجی اهانت صورت گرفته به حضرت امام را پخش کرد شما چطور می‌گویید فقط صدا و سیما پخش کرده است. حال که شبکه‌های خارجی اهانت صورت گرفته به حضرت امام را پخش کرده‌اند و باید این مؤسسه در خط مقدم دفاع از امام باشد متأسفانه به جای این که هتاکان را محکوم کنند صدا و سیما را محکوم کرده‌اند که این موضوع عجیب است.»[3]

ـ پاسخ صدا و سیما به نامه انصاری

علي دارابی (قائم‌مقام سازمان صدا و سیما) در پاسخ به نامه انصاری (قائم‌مقام مؤسسه نشر آثار حضرت امام(ره)) ضمن ابراز تأسف از انکار اهانت عناصر فتنه به ساحت حضرت امام خمینی(ره) از سوی این مؤسسه آورد: «جناب‌عالی در نامه خود که قبل از وصول در پایگاههای اطلاع‌رسانی بازتاب یافته بود، آن قدر از هتک حرمت و اسائه ادب به ساحت مقدس حضرت امام خمینی(ره) برآشفته شدید که اصل موضوع را دروغ بیّن و مسلم انگاشتید. استدلال شما هم عدم گزارش شبکه‌های ماهواره‌ای و

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.

دیگران از پاره شدن تصویر امام(ره) بوده است. تردیدی نیست که برای همه عاشقان و دوستداران انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره) بروز چنین واقعه‌ای یک عزا و سوگ بزرگ است و باید نه تنها ملت ایران بلکه امت اسلام و بالاتر جهان بشریت در این حادثه به سوگ بنشینند. امّا آگاه باشید که متأسفانه این حادثه واقعی است و با کمال تأسف بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی بیگانه تصویر و گزارشهای مشروح‌تری را در این خصوص با آب و تاب پخش کرده‌اند.»[1] در ادامه این جوابیه آمده است: «اگر آن موقع که برخی مدعیان اصلاح‌طلبی که امروز هم‌صدا با ضد انقلابیون فراری و خوانندگان دوران ستمشاهی علیه نظام اسلامی و ارزشهای آن متحد شده‌اند و از سپردن افکار و اندیشه‌های امام خمینی(ره) به موزه‌ها سخن می‌گفتند، شما و دوستان مؤسسه موضع‌گیری به موقع می‌کردید، اگر در روز جهانی قدس ... شعارهای انحرافی «نه غزه، نه لبنان» را سر دادند، موضع‌گیری می‌کردید، اگر در روز ۱۳ آبان روز مبارزه با استکبار جهانی ... در ارتباط با شعارهای انحرافی از قبیل مرگ بر روسیه و ... موضع می‌گرفتید، اگر مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) در برابر شعار اغتشاشگران و عوامل فتنه که خواهان جمهوری ایرانی بودند موضع‌گیری می‌کرد و جمهوری اسلامی راکه امام خمینی(ره) فرمود: «نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم» حمایت و پشتیبانی می‌کردید و صراحتاً برائت خود را از شعارهای ساختارشکنانه اعلام می‌نمودید، اگر شما در برابر فتنه گران که نظام اسلامی راکه امام خمینی(ره) حفظ آن را از اوجب واجبات برشمردند موضع می‌گرفتید، اگر شما در برابر اهانتهای مکرر اغتشاشگران به اصل ولایت فقیه که امام خمینی(ره) آن را مترقی‌ترین اصل قانون اساسی برشمردند و فرمودند مخالف دیکتاتوری است و پشتیبانی از آن ضامن سلامت و آسیب‌ناپذیری نظام است، موضع‌گیری می‌کردید، و دهها اگر دیگر، امروز شاید شاهد این روزها و چنین صحنه‌هایی نبودیم.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۲.
۲- همان.

ـ بدون اغماض با اهانت‌کنندگان به ساحت امام(ره) برخورد می‌کنیم

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) با اشاره به هتک حرمت امام(ره) در دانشگاه تهران تصریح کرد: «با اهانت‌کنندگان به ساحت امام خمینی(ره) بدون اغماض برخورد می‌کنیم.»[1]

ـ بیانیه گروهک کومله در حمایت از سکولاریسم شدن اصلاح‌طلبی

سایت گویانیوز (متعلق به سازمان سیا) با انتشار بیانیه گروهک کومله نوشت: «اتفاقات ۱۶ و ۱۷ آذر نمایش رشد و توان دموکراسی‌خواهی علیه دیکتاتوری دینی بود. شعارهای مطرح شده در این نمایشات اعتراضی بیانگر عبور جنبش از حلقه اصلاح‌طلبی اسلامی و قانون اساسی و سرآغاز رشد سکولاریسم بود. ما در طول این ۳ دهه خود را متحد جنبشهای دموکراتیک دانسته و اکنون نیز برای تقویت پیوند با این جنبش ضروری است که همه تلاش خود را به‌کار بندیم.»[2]

ـ تجمع حامیان موسوی با عکسهای منتظری

تعداد نزدیک به ۲۰۰ نفر از حامیان میرحسین موسوی در دانشگاه تهران تجمع کردند و به سر دادن شعارهایی علیه نظام پرداختند. این افراد با در دست داشتن تصاویری از حسینعلی منتظری که امام راحل او را از قائم مقامی خود عزل کرده بود، شعار «آزادی، آزادی» سر دادند. این در حالی است که سایت نزدیک به موسوی اعلام کرده بود که تجمع حامیان موسوی در دانشگاه تهران در اعتراض به هتک حرمت به امام راحل انجام خواهد شد. با این حال تجمع کنندگان نه تنها در محکوم کردن بی حرمتی به ساحت رهبر کبیر انقلاب شعاری ندادند، بلکه حتی هیچ تصویری از امام خمینی(ره) در دست نداشتند و حاضر نشدند از امام راحل نامی بیاورند.[3]

۱- همان. ۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

ـ واکنش مراجع تقلید به هتک حرمت امام(ره)

آیت‌الله مکارم شیرازی در آغاز درس خارج خود در مسجد اعظم قم با تأکید بر این‌که تمام وفاداران به انقلاب باید هتک حرمت به ساحت مقدس امام خمینی(ره) را محکوم کنند، گفت: «هتک حرمت نسبت به ساحت مقدس امام(ره) اهانت به تمام ارزشهای انقلاب و اهانت به تمام ملت ایران است.»[1] این مرجع تقلید در ادامه افزود: «اجازه ندهیم سدها یکی پس از دیگری شکسته شود و قداستها از بین برود و نسبت به انقلاب و نظام سستی و وهنی حاصل شود.»[2]

آیت‌الله نوری همدانی نیز در دیدار جمعی از پرسنل نیروی انتظامی با تأکید بر این‌که هرکسی علیه امام و انقلاب گامی برمی‌دارد محکوم به فنا و نابودی است، گفت: «به کسانی که علیه امام و انقلاب گام برمی‌دارند نصیحت می‌کنیم به راه راست برگردند وگرنه طرفداران انقلاب هرکسی را که در مقابل امام و انقلاب اسلامی ایران بایستد نابود می‌کنند.»[3]

ـ اعتراض علیه سران فتنه در سراسر کشور

شهرهای تهران، قم، اصفهان، شیراز، شهرکرد و دیگر شهرهای کشور شاهد برپایی تجمعات اعتراضی طلاب و دانشجویان بود. روحانیون و فضلای حوزه علمیه قم با تعطیلی دروس حوزوی خود با حضور در مدرسه فیضیه ضمن محکوم کردن اهانت به ساحت مقدس حضرت امام خمینی(ره) خواستار محاکمه سران فتنه شدند.[4]

ـ اهانت به امام(ره) عبور از خط قرمز است

محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام) در دیدار با جمعی از دانشجویان دانشگاه تهران با بیان این‌که اهانت به امام راحل عبور از خط قرمز نظام است

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

که باید با آن برخورد کرد، گفت: «عقلا، علما و نخبگان کشور باید موج افراط گرایی را در کشور مدیریت کنند، در غیر این صورت هرج و مرج کشور را فرا خواهد گرفت.»[1]

ـ برگزاری دادگاه صفایی فراهانی

جلسه رسیدگی به اتهامات محسن صفایی فراهانی (عضو ارشد جبهه مشارکت) در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی برگزار و آخرین دفاع نیز از وی اخذ شد. هوشنگ پوربابایی (وکیل مدافع) بیان داشت: «در ابتدای جلسه، بعد از قرائت کیفرخواست از سوی نماینده دادستان، اتهامات اقدام علیه امنیت ملی، توهین به مسؤولان نظام حین انجام وظیفه، تبلیغ علیه نظام و نشر اکاذیب به قصد تشویشی اذهان عمومی از سوی قاضی صلواتی به موکلم تفهیم شد و سپس بنده و موکلم به دفاع در برابر کیفرخواست پرداختیم.»[2]

ـ دیدار کروبی با خانواده سعید لیلاز

مهدی کروبی در دیدار با خانواده سعید لیلاز (از متهمان حوادث پس از انتخابات) با ابراز تأسف از بازداشت افراد انقلابی گفت: «در حال حاضر در دورن خانواده ما یعنی خانواده انقلاب، کار به جایی رسیده که افرادی که در مناصب مختلف نظام، کار و خدمت می‌کنند متأسفانه یا در بندند یا منزوی شده یا مورد تهمت و افترا و فحاشی قرار گرفته‌اند و این اتفاق بی‌سابقه‌ای است که در هیچ کجای دنیا وجود نداشته است.»[3]

ـ لباس زنانه بپوشید و از خودتان عکس بگیرید

آشفتگی ناشی از بازداشت مجید توکلی با لباس زنانه، طیف غیرقانونی علامه تحکیم وحدت و دوستان وی را بر آن داشت تا برای حمایت از این حامی موسوی به رفتارهای

۱- همان.

۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

۳- همان.

عجیبی دست بزنند. در همین راستا خبرنامه امیرکبیر از اجرای طرحی موسوم به مردان باحجاب برای آزادی توکلی خبر داده است. این سایت نوشت: «در واکنش به بازداشت توکلی شماری از حامیان جریان سبز با چاپ عکس خود با روسری و چادر خواستار آزادی این دانشجوی افراطی شده‌اند.»[1]

ـ بزرگترین جهاد، نشان دادن بی‌اعتقادی فتنه‌گران به امام(ره) بود

حجة‌الاسلام روح‌الله حسینیان (رئیس مرکز اسناد انقلاب اسلامی) با اشاره به پخش تصاویر اهانت به تصویر امام راحل در سیما گفت: «آقای ضرغامی با نشان دادن این صحنه بزرگترین جهاد را کرد.»[2] وی با بیان این‌که برخی می‌خواستند این واقعه توهین‌آمیز را انکار کنند، افزود: «این افراد با شعار امام به جنگ راه امام آمده‌اند چنانچه با قرآن بر نیزه‌ها به جنگ قرآن ناطق رفتند. زیر پا گذاشتن راه امام که همان مبارزه با استکبار و استبداد است چه توجیهی دارد؟ شعارهای ضد فلسطینی و هواداری از آمریکا را چگونه انکار می‌کنند؟ تظاهر به روزه‌خواری در ماه رمضان را که یک عمل عمدی بود چگونه تفسیر می‌کنند؟»[3]

ـ تحریف وصیتنامه مرحوم حاج سید احمد خمینی

در پی انتشار بخشهایی از وصیتنامه مرحوم حجة‌الاسلام حاج سید احمد خمینی مبنی بر لزوم باقی ماندن خانواده گرامی‌اش در خط رهبری، تعدادی از سایتهای طرفدار گروه سبز با دروغ خواندن وجود چنین فرازی در وصیتنامه یادگار امام(ره) متنی تحریف شده را به عنوان وصیتنامه مرحوم سید احمد خمینی در فضای مجازی منتشر کردند. خبرگزاری فارس با انتشار متن کامل این وصیتنامه به نقل از شماره ۱۰ فصلنامه حضور مورخه بهار ۱۳۷۴ بخش تحریف شده آن را که شامل بخشی از بند دهم وصیتنامه است

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۲.
۳- همان.

به شرح زیر آورده است: «۱۰ـ... به حسن و بردرانش این توصیه را می‌نمایم که همیشه سعی کنند در خط رهبری حرکت کنند و از آن منحرف نشوند که خیر دنیا و آخرت در آن است و بدانند که ایشان موفقیت اسلام و نظام و کشور را می‌خواهند، هرگز گرفتار تحلیلهای گوناگون نشوند که دشمن در کمین است.»[1]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۲.

یکشنبه ۲۲ آذر ۱۳۸۸

- چرا برخی متنبه نمی‌شوند؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از طلاب و روحانیون کشور با بیان حوادث پس از انتخابات و قانون‌شکنی‌ها اظهار داشتند: «شما ملاحظه کنید یک عده‌ای قانون‌شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آن‌جایی که می‌توانستند تشویق کردند - حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که می‌خواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند - زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرأت به آنها دادند، کاری کردند که دشمنان امام - آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند - جرأت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه، به عکس امام اهانت بکنند. کاری کردند که دشمن مأیوس و نومید، جان بگیرد، تشویق بشود بیاید در مقابل چشم انبوه دانشجویانی که مطمئناً اینها علاقه‌مند به امامند، علاقه‌مند به انقلابند، عاشق کار برای کشور و میهنشان و جمهوری اسلامی هستند، یک چنین اهانتی، یک چنین کار بزرگی انجام بدهند.» ایشان همچنین با اشاره به شعار «استقلال آزادی جمهوری ایرانی» توسط جریان فرقه سبز خطاب به سران فتنه فرمودند: «آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، به مجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهت‌گیریی علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه می‌شود. چرا متنبه نمی‌شوند؟ وقتی شنیدند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی - استقلال آزادی جمهوری اسلامی - اسلامش حذف می‌شود، باید به خود بیایند، باید بفهمند که دارند راه را غلط

می‌روند، اشتباه می‌کنند، باید تبری کنند.»[۱]

ـ حوادث اخیر قلب هر انسان آزاده را جریحه‌دار می‌کند

حجةالاسلام علی‌اکبر محتشمی‌پور (عضو ارشد مجمع روحانیون مبارز) با اشاره به هتک حرمت به حضرت امام(ره) گفت: «این روزها حوادثی رخ داده که قلب هر انسان آزاده و معتقد به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و علاقه‌مند به سرنوشت ایران عزیز را جریحه‌دار کرده است که یکی از حلقه‌های آن اقدام پاره کردن تمثال مبارک رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی(ره) است که پس از ۳۰ سال به صورت غیر منتظره در برابر دیدگان مردم در سیمای جمهوری اسلامی به نمایش گذاشته شد. این اقدام زشت با هر انگیزه و از سوی هر شخص و جریانی صورت گرفته باشد، یک جرم بزرگ و خیانت نابخشودنی از سوی یاران و شاگردان امام و ملت قدرشناس ایران اسلامی تلقی می‌شود، چرا که مردم تمام عزت و شرف و تمام ارزشهای اسلامی و انسانی خود را حاصل نهضت و قیام آن رهبر فرزانه در تاریخ ایران اسلامی می‌دانند.»[۲]

ـ مردم ما در هر جایگاهی به امام(ره) عشق می‌ورزند

حجةالاسلام موسوی لاری (عضو ارشد مجمع روحانیون مبارز) با انتقاد از هتک حرمت به تصویر حضرت امام(ره) بیان داشت: «اهانت به تصویر امام خمینی(ره) مسأله‌ای است که به هیچ وجه در جامعه ایران و در هیچ یک از طبقات و گروههای مختلف واقعیت ندارد و هیچ یک از اقشار ما حتی در ذهن خود تلقی توهین به ساحت مقدس امام راحل را تحمل نمی‌کنند.»[۳] وی با بیان این‌که مردم ما در هر صنف و جایگاهی به امام(ره) عشق می‌ورزند، افزود: «این رفتارهای توهین‌آمیز از سوی برخی دشمنان انجام می‌شود و صدا و سیما باید در این موضوع توضیح دهد چرا تصاویری از

۱- بیانات مقام معظّم رهبری در جمع طلاب و روحانیون کشور در پیوست شماره ۱۷ می‌باشد.

۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۳.

۳- همان.

اقدامی را که منتسب به هیچ یک از اقشار و گروههای ایرانی نیست در توهین به بنیانگذار انقلاب نشان داده‌اند.»[۱] وی در ادامه با متهم کردن صدا و سیما گفت: «نشان دادن این تصاویر از رسانه ملی و نسبت دادن آن به گروهی از افراد با هدف بهره‌برداری جناحی از این موضوع، در شأن ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران نیست و این موضوع با واقعیت منطقی موجود در جامعه و علاقه ملت به امام راحل منطبق نیست.»[۲]

ـ برگزاری دادگاه تاج‌زاده

امیر حسین آبادی (موکل مصطفی تاج‌زاده) در گفتگو با ایسنا با بیان این‌که جلسه رسیدگی به اتهامات مصطفی تاج‌زاده در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد، افزود: «در ابتدای جلسه کیفرخواست صادره از سوی دادسرای عمومی و انقلاب تهران قرائت شد.»[۳] وی یادآور شد: «موکلم بنا به دلایلی به دفاع از خود نپرداخت و رئیس دادگاه نیز وقت رسیدگی به پرونده را تجدید کرد.»[۴]

ـ هتاکان به حضرت امام(ره) محاکمه و مجازات می‌شوند

آیت‌الله آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) در جلسه مسؤولان عالی قضایی با بیان این‌که با هتاکان به حضرت امام(ره) برخورد خواهد شد به سخنان مقام معظّم رهبری راجع به انحرافات رسانه‌ای و نقش مخرب برخی از رسانه‌ها اشاره کرد و گفت: «توهین به هرکسی و به هرفردی جرم است و منحصر به مسؤولان عالی هم نمی‌شود و قانون در هر مورد مجازات خاص خود را تعیین کرده و باید با افراد خاطی با قاطعیت برخورد شود.»[۵]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۳.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۳.

ـ بیانیه ۲۳۲ نماینده در محکومیت فتنه سیاه

۲۳۲ نماینده مجلس شورای اسلامی در بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن اهانت به ساحت حضرت امام خمینی(ره) توسط حامیان فرقه سبز، از نقش روشنگرانه صدا و سیما در نشان دادن ماهیت فتنه تشکر کردند.[۱]

ـ چرا دوستان دیروز انقلاب هوشیار نمی‌شوند؟

دکتر علی لاریجانی (رئیس مجلس هشتم) در جلسه علنی مجلس شورای اسلامی با انتقاد از رفتار مدعیان خط امام اظهار داشت: «چرا دوستان دیروز انقلاب هوشیار نمی‌شوند؟»[۲] وی خطاب به سران فتنه گفت: «وقتی فضای سیاسی جامعه را غبارآلود کردید و در شعارها و پیامهای خود معیارها و حدود قانون اساسی را محترم نشمردید و به راحتی از راهنماییهای دلسوزانه رهبر فرزانه انقلاب عبور نمودید مجال برای عده‌ای فراهم می‌کنید که ریشه‌ها و هویتها را به مسخره بگیرند.»[۳]

ـ محکومیت اهانت به حضرت امام خمینی(ره) از سوی نهادها و تشکلها

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی، جهاد دانشگاهی، بسیج جامعه پزشکی تهران بزرگ، بسیج دانشجویی، جامعه روحانیت مبارز، مجمع روحانیون مبارز، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دانشگاههای سراسر کشور و ... با صدور بیانیه‌های جداگانه هتک حرمت به ساحت مقدس حضرت امام خمینی(ره) را محکوم کردند.[۴]

ـ مقصران اصلی هتاکی نسبت به امام(ره) سران فتنه هستند

سید شهاب‌الدین صدر (نماینده مجلس هشتم) در گفتگو با ایرنا گفت: «سران فتنه که

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۳.

با صدور بیانیه‌های ضد نظام، طرفداران خود را به اغتشاش دعوت می‌کنند در جرم محرز حریم‌شکنی و هتاکی نسبت به حضرت امام خمینی(ره) در روز دانشجو مقصران اصلی هستند.»[۱]

- برخی مدعیان پیروی از خط امام(ره) با رفتارشان دشمن را شاد می‌کنند

دکتر کامران باقری لنکرانی (وزیر بهداشت دولت نهم) در تجمع دانشگاهیان شیراز گفت: «امروز عده‌ای از خط امام خمینی(ره) دم می‌زنند ولی باگفتار و رفتارشان دشمن را شاد و با آرمانهایی که امام راحل(ره) برای نظام اسلامی ترسیم کردند، مخالفت می‌کنند.»[۲]

- پوشش زنانه که برای مرد عیب نیست

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار فراری مقیم خارج از کشور) در حمایت از مجید توکلی که در دانشگاه امیرکبیر با لباس زنانه در حال فرار دستگیر شده بود، گفت: «این عکس با فتوشاپ مونتاژ شده بود و اگر هم واقعی باشد، اشکالی ندارد. رژیم همین ترفند را در مورد ابوالحسن بنی‌صدر هم به‌کار برد و در عکسی، وی را با لباس زنانه هنگام فرار از کشور نشان داد، در حالی که بنی‌صدر فقط سبیل خود را زده بود.»[۳]

- مردم به قانون اساسی و امام(ره) احترام می‌گذارند

سید محمد خاتمی در جمع شورای احزاب اصلاح‌طلب فارس ضمن محکوم کردن هتک حرمت به عکس حضرت امام(ره) گفت: «مردم و دانشجویان ما امام و نظام را قبول دارند. در چارچوب قانون اساسی می‌خواهند عمل کنند و ما هم جز این حرفی نداریم. معتقدیم اگر انحرافی وجود دارد که دارد بر اساس همین معیارها باید اصلاح شود.»[۴] وی

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۳.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۳.

اظهار داشت: «آیا اگر ما بگوییم روش مدیریتی که در کشور ماست با مصالح کشور، با ثروتمند شدن کشور سازگار نیست، با عدالتی که همواره شعار آن را داده‌ایم سازگار نیست، با حیثیت و حرمتی که ما باید در منطقه داشته باشیم سازگار نیست، آیا بیان کردن این سخنان و دعوت به رعایت قانون اساسی و توجه به خواستهای مردم معنایش براندازی و لطمه زدن به نظام است؟»[1]

ـ تجمع چند نفره هتاکان در دانشگاه تهران

حامیان میرحسین موسوی ظهر با تجمع در مقابل دانشگاه فنی دانشگاه تهران پس از سردادن شعارهایی علیه نهادهای انقلابی و قانونی کشور و همچنین شعار علیه افشاگری صدا و سیما درباره هتک حرمت به تصویر حضرت امام(ره) با دیدن خبرنگار واحد مرکزی خبر به سمت وی هجوم برده و قصد ضرب و شتم وی را داشتند، امّا مسؤولان حراست دانشگاه با قرارگرفتن در مقابل حامیان موسوی از ادامه حمله آنها به سمت این خبرنگار جلوگیری کردند.[2]

ـ شترسواری دولا دولا نمی‌شود

اخبار روز (وابسته به گروهک فدائیان خلق» در واکنش به سیاستهای دوپهلوی سران فتنه نوشت: «شترسواری دولا دولا نمی‌شود. جنبش سبز به دنبال خواسته‌ها و اهدافی است که هیچ قرابتی با میراث آیت‌الله خمینی ندارد و به بیان صریح‌تر، به مقابله با همین میراث برخاسته است. جنبش باید از این میراث [...] به طور کامل عبور نماید.»[3] سایت ایران‌گلوبال نیز در این باره نوشت: «این اقدامات جزیی از مبارزه است. بخشی از افراد دخیل در جنبش سبز از یک موضع تدافعی شرم‌آور ـ با ظاهر تهاجمی ـ با پاره کردن و آتش زدن [و...] عکس خمینی را توطئه حکومت دانستند و بر رفع و رجوع قضیه همت

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۳.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۳.

گماشتند و متأسفانه بخشی دیگر هم که آرزوی چنان حرمت‌شکنی را داشتند با آنها همصدا شدند. این جنبش در تضاد با ولایت فقیه و راهبرد عقیدتی امامت شیعی است. شعار علیه ولایت فقیه و پاره کردن عکسهای [امام] خمینی و [آیت‌الله] خامنه‌ای، خواسته اصلی جنبش را بیان می‌کند و به موسوی و کروبی و چهره‌های مطرح جنبش پیام می‌دهد که بس کنید دولا دولا راه رفتن و امام راحل، امام راحل گفتن را.»[۱] این وبلاگ از قول یکی از عناصر ضد انقلاب نوشت: «فکر می‌کنم همه می‌دانیم که بیش از ۹۰ درصد سبزها نه تنها اعتقادی به آیت‌الله خمینی ندارند بلکه اعتقادی به نظام و قانون اساسی ندارند و من مطمئنم خود آقایان موسوی و کروبی هم برخلاف گفته‌هایشان، اعتقادی به ولایت ندارند.»[۲]

ـ دستورالعمل برای حمایت نیروهای غیردینی از سران منافقین

سایت جرس (وابسته به مهاجرانی، کدیور، بازرگان و...) با درج تحلیلی در انتقاد از موسوی و کروبی و خاتمی نوشت: «سران جنبش به جلب نیروهای طرفدار نظام اولویت می‌دهند که سیاستی بسیار معقول است امّا آنها باید بدانند نیروهای غیردینی همین حالا بزرگترین عامل قدرتشان هستند.»[۳] محمد برقعی (از عناصر وابسته به گروهک موسوم به ملی ـ مذهبی) در ادامه این تحلیل با بیان این‌که گفته آقای موسوی مبنی بر این‌که جمهوری اسلامی، نه یک کلمه بیشتر نه یک کلمه کمتر، عکس‌العملی و از سر هراس از سرزنش‌ها و حملات بود، نوشت: «امّا بخش عمده از مسؤولیت بر دوش نیروهای سکولار است زیرا آنها در مقابل شعار انحرافی جمهوری ایرانی که در حقیقت یعنی مرگ بر جمهوری اسلامی و یا نه غزه نه لبنان آن هم در روز قدس نایستادند و در عمل بار مقابله با این شعارهای ساختارشکن راکه جنبش را در درون کشور سخت ضربه‌پذیر می‌کرد بر دوش رهبران جنبش گذاشتند. این نیروها باید رهبری سنتی جنبش را که

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.

جمعیت را دنبال خود می‌کشد، در عمل کمک کنند.»[۱]

ـ امکان مصالحه با نظام را مسدود کرده‌ای!

ماشاءالله شمس‌الواعظین (سردبیر چند روزنامه زنجیره‌ای توقیف شده) در گفتگو با شبکه آمریکایی ـ افغانی آریا گفت: «بیش از ۵ ماه از عمر جریان سبز می‌گذرد و موسوی باید با کوله‌باری از مطالبات هواداران بستر مناسبی برای چانه زدن با حکومت فراهم می‌کرد امّا با عملکرد خود عملاً امکان مصالحه با نظام را مسدود کرده است.»[۲] جریان سبز نقاط آسیب‌پذیر فراوانی دارد از جمله این‌که ادبیات و گفتارهای موسوی پایین‌تر از ظرفیتهای این جریان است، به همین دلیل رهبران اپوزیسیون و نخبگان خارج از کشور تمایل دارند تا رهبری این جریان را از دست موسوی خارج کرده و خود آن را به دست بگیرند.»[۳]

ـ اطلاعیه هاشمی رفسنجانی علیه هتک حرمت امام و رهبری

به‌گزارش ایلنا رئیس مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام با صدور اطلاعیه‌ای اهانت به تمثال مبارک حضرت امام خمینی(ره) و رهبر معظّم انقلاب را محکوم کرد. در این اطلاعیه آمده است: «اهانت به تصویر مبارک امام راحل بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و رهبر معظّم انقلاب از سوی هرکس و با هر هدفی که انجام یافته عملی ناروا و زیان‌بخش و سزاوار تقبیح است. هوشیاری و نشان دادن حساسیت از سوی اقشار ملت و بخصوص سلسله جلیله روحانیت درسی تاریخی به نمایش گذاشت که امید می‌رود از این پس کسی جرأت این‌گونه هتاکیها را به خود راه ندهد. این‌جانب به نمایندگی از سوی اعضای محترم مجلس خبرگان رهبری و مجمع تشخیص مصلحت نظام از هوشیاری مردم عزیزمان تشکر می‌کنم و امیدوارم بروز این احساسات پاک درس

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان.

عبرتی به بدخواهان باشد.»[۱]

ـ دشمنان با توهین به مقدسات قصد انتقام از نظام را دارند

محمود احمدی‌نژاد در جلسه یکشنبه هیأت دولت با اشاره به توهین به ساحت مقدس حضرت امام(ره) گفت: «توهین‌کنندگان به امام خمینی(ره) در بین ملت جایگاهی ندارند ولی می‌خواهند با سوءاستفاده از فضای ملکوتی و انسانی ایران اسلامی عقده‌های استکبار و رژیم صهیونیستی نسبت به ملت ایران را بازگشایی کنند.»[۲] وی با تأکید بر این‌که امیدواریم این افراد نصایح مشفقانه بزرگان را بپذیرند و از ملت عذرخواهی کنند و به دامن ملت برگردند، اظهار داشت: «مردم از دست کسانی که این اقدامات را طراحی می‌کنند خشمگین هستند و امیدواریم کسانی که از روی احساسات و خیالات و دنیاطلبی بسیار سطح پایین به این جا رسیده‌اند، بیدار شوند.»[۳] احمدی‌نژاد با بیان این‌که امام متعلق به همه بشریت است، خاطرنشان کرد: «اگر کسی چند ماه پیش می‌گفت این افراد با رمز عظمت ملت ایران مخالف و ایادی بیگانه هستند، برخی باور نمی‌کردند امّا امروز این امر برای همه روشن شده است. ای کاش نبودیم ببینیم عده‌ای گستاخانه به امام خمینی(ره) تعرض کرده‌اند.»[۴]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۳.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۴.
۳- همان.
۴- همان.

دوشنبه ۲۳ آذر ۱۳۸۸

- بازاریان، کارمندان، کارگران و ورزشکاران هم به پا خاستند

بازاریان اصناف تهران، کارمندان و کارگران و ورزشکاران نیز در پی اهانت به ساحت مقدس حضرت امام خمینی(ره) با برگزاری تجمع اعتراض‌آمیز خواستار برخورد با عاملان این اقدام شدند.[۱] مجتبی ذوالنور (جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه) در اجتماع مردم در میدان فلسطین تهران گفت: «حضرت امام گفتند ملاک حال فعلی افراد است، بسیاری از کسانی که در زمان حیات امام زیر پرده نفاق نمی‌توانستند علیه خط امام حرکت کنند امروز در برابر تفکر، اندیشه و آرمان امام ایستاده‌اند.»[۲] وی خطاب به سران فتنه گفت: «شما در زیر پرده نفاق و ادعای نسبت با خط امام، ولایت فقیه را در زبان و بیان خود زیر سؤال بردید، با روز قدس آن معامله را کردید و بستری را فراهم کردید که پسوند اسلامی از جمهوری حذف شود.»[۳]

- حتی اگر فیلم اهانت‌کنندگان باشد، سران فتنه نمی‌پذیرند!

مرتضی تمدن (استاندار تهران) در جمع رابطین حوزه‌های حزب مؤتلفه اسلامی ضمن محکوم کردن هتک حرمت نسبت به تمثال حضرت امام خمینی(ره) تصریح کرد: «حتی اگر فیلم چهره به چهره از اهانت‌کنندگان وجود داشته باشد و به سران فتنه نشان دهیم، آنها باز حاضر نخواهند بود بپذیرند و به اشتباهات خود اقرار کنند.»[۴]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۴.
۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۴.
۳- همان.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۴.

ـ دستگیری تعدادی از اهانت‌کنندگان به ساحت حضرت امام(ره)

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) در حاشیه مراسم تودیع و معارفه سرپرست قدیم و جدید دادسرای ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی از دستگیری تعدادی از اهانت‌کنندگان به ساحت مقدس حضرت امام(ره) خبر داد و گفت: «ضابطان در حال تکمیل پرونده این متهمان برای ارسال آنها به دادگاه هستند.»[1]

ـ جوشش اخیر نشانگر علاقه مردم نسبت به امام(ره) است

آیت‌الله محسنی گرگانی (رئیس دیوان عالی کشور) در گفتگو با ایسنا با شیطانی توصیف کردن اقدام توهین به ساحت مقدس حضرت امام(ره) گفت: «این حرکتی که از طرف اندیشه شیطانی و دشمنان ما نسبت به عکس امام(ره) شد با قصد توهین صورت گرفت امّا آنچه نتیجه داد به نفع انقلاب، نظام و امام(ره) بود.»[2] وی با بیان این‌که جوشش اخیر مردم در قدردانی از خدمات و زحمات امام(ره) نشانگر علاقه مردم به امام و انقلاب است افزود: «آنها قصد داشتند نظام و امام(ره) را تحقیر کنند امّا ملاحظه کردیم که مردم چه موجی از مَحبّتها و علاقه‌ها را به امام(ره) نشان دادند. حوزه‌های علمیه کل کشور تعطیل شد، علما و طلاب همگی اجتماع و قیام کردند و با سخنرانیها و راهپیماییهای خود نشان دادند که امام(ره) قلب جامعه اسلامی ماست.»[3]

ـ راهکارهای رضایی درباره وحدت ملی

محسن رضایی در بیانیه‌ای راهکارهایی را درباره وحدت ملی مطرح کرد. وی در بیانیه خود پیشنهاد داد اکبر هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر ناطق نوری، محمدرضا مهدوی کنی، سید محمد خاتمی و مهدی کروبی به همراه سران سه قوّه به صورت دسته جمعی در نمازجمعه شرکت و با نمایش وحدت در کشور با آرمانهای امام و رهبری بیعت کنند.

۱- همان.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۲۴.
۳- همان.

رضایی در بیانیه خود آورد: «دشمنان ملت ایران ممکن است فکر کنند که در اثر تفرقه‌ها و اختلافات داخلی موجود ملت ایران ضعیف شده است و بخواهند که فشارهای جدید را به ایران وارد کنند. اخباری که از اردوگاه آنان می‌رسد حکایت از چنین خیال خامی دارد، هر چند ملت ایران از تحریم جدید و حمله اسرائیل باکی ندارد ولی بهتر است دشمنان برای خود و ما دردسری درست نکنند. هم‌اکنون که ندای پرهیز از تفرقه و حفظ آرامش و امنیت از سوی رهبر انقلاب اسلامی برای بار دیگر بلند شده است، باید با لبیک گفتن به ایشان قدرت ملت خود را به رخ آنها بکشیم و ثابت کنیم ما یکپارچه و منسجم هستیم. عقلا و نخبگان نباید فرصتها را از دست بدهند، از سکوت و تماشاچی بودن بیرون بیایند.»[1]

ـ پاسخ دفتر هاشمی رفسنجانی به اظهارات روحانی

در پی اظهارات سید حمید روحانی در ارتباط با تاریخ انقلاب و هاشمی رفسنجانی دفتر رئیس تشخیص مصلحت نظام در جوابیه‌ای آورد: «هتک حرمت و درآمیختن جملات سخیف با نقد تاریخی، هر چند طی سالهای گذشته توسط برخی از مورخان معاند، مرسوم شده، امّا گام نهادن اشخاصی که مختصری محضر امام راحل را درک نموده و با سلوک متقیانه آن عبد صالح کمی آشنا هستند، در این مسیر، باعث تعمیق تردید در صداقت تاریخی می‌شود که برای آیندگان از حوادث پیش و پس از انقلاب اسلامی به رشته تحریر درآمده و یا می‌آید.»[2]

ـ علامه فضل‌الله و شیخ قبلان نیز اهانت به امام(ره) را محکوم کردند

شیخ عبدالامید قبلان (نایب رئیس مجلس اعلای شیعیان لبنان) در دیدار با غلامعلی حداد عادل در بیروت ضمن محکوم کردن اهانت به ساحت امام خمینی(ره) گفت: «در

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۴.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۲۴.

هیچ کجای جهان اسلام و جهان تشیع اسائه ادب به حضرت امام خمینی(ره) قابل تحمل نیست.»[۱] همچنین علامه فضل‌الله نیز در دیدار با حداد عادل اظهار داشت: «امروز همه جهان تلاش می‌کند با تضعیف ایران، اسلام و تشیع را تضعیف نماید و همه ما موظفیم در هر حوزه‌ای که می‌توانیم در این جهاد علمی و عملی بیشترین تلاش را بنماییم.»[۲]

ـ بیانیه حزب مشارکت با تأخیر

حزب مشارکت با یک هفته تأخیر در واکنش به هتک حرمت به ساحت امام(ره) بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: «ما بار دیگر بر هویت خط امامی خود تأکید کرده و اعلام می‌داریم که افتخار ما وفاداری به اندیشه و آرمانهای والای امام و انقلاب اسلامی و مقابله با انحرافاتی است که طی سالیان اخیر در این باره ایجاد شده است. امام بر میزان بودن رأی ملت در اداره امور کشور و تحقق جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد تأکید فراوان داشت و ما نیز امروز خواسته‌ای جز این نداریم.»[۳]

ـ ارائه طرح تحقیق و تفحص از مؤسسه نشر آثار امام (ره) به مجلس

حجةالاسلام حمید رسایی (عضو کمیسیون فرهنگی مجلس) در گفتگو با فارس با ابراز تأسف شدید از موضع‌گیریهای برخی از نزدیکان امام در جریان فتنه اخیر، خاطرنشان کرد: «به نظر می‌رسد بعضی از اعضای بیت امام خمینی، متأسفانه هم اکنون در دام فتنه گرفتار شده و با این جریان همراهی می‌کنند، اگرچه برخی دیگر از اعضای بیت امام و از نزدیکان ایشان همچون دختران ایشان از عملکرد موسوی در نزدیکی به نهضت آزادی که دشمنی آشکاری با اندیشه‌های امام دارند، قبل از انتخابات انتقاد کردند.»[۴] وی با اشاره به عملکرد نامناسب مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام در حفظ و صیانت از اندیشه‌های امام(ره) با وجود داشت بودجه ۱۰ میلیاد تومانی در هر سال، از ارائه و

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۴.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۵.
۴- ایران، ۸۸/۹/۲۴

پیگیری طرح تحقیق و تفحص برخی نمایندگان مردم در مجلس از این مؤسسه در آینده نزدیک خبر داد.[۱]

ـ هاشمی تمام زحمات رهبر انقلاب برای حفظ خود را خراب کرد

آیت‌الله محمد یزدی (رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) در دیدار با جمعی از مبلغان اعزامی از سوی اداره کل اوقاف با تأکید بر این‌که مقام معظّم رهبری هرگز دنبال ریاست‌طلبی و دنیاخواهی نبوده‌اند، گفت: «همه کسانی که به انقلاب و نظام علاقه‌مندند، باید حمایت از انقلاب و ولایت فقیه را سرمشق خود قرار دهند.»[۲] وی افزود: «من واقعاً غصه می‌خورم که این شخصی که لباس روحانی به تن دارد و در گذشته خدماتی نیز به انقلاب داشته است به صورت طنز در بین مردم مطرح شده و تا این حد تنزل پیدا کرده و به نام شیخ اصلاحات نیز از وی تعبیر می‌شود.»[۳] یزدی همچنین با یادآوری این‌که رهبر انقلاب برای نگهداری آیت‌الله هاشمی بسیار سرمایه گذاری کرده است، گفت: «دیدید که تمام زحماتی که رهبری کشیده بودند، ایشان در آخرین خطبه‌های نمازجمعه خود خراب کرد.»[۴] وی با بیان این‌که فرزند از اسلام عزیزتر نیست، افزود: «ما در این نظام روحانی مانند آیت‌الله گیلانی داشته‌ایم که وقتی فرزند وی جزو منافقین بود، خود حکم اعدام وی را امضا کرد. آیت‌الله خزعلی نیز وقتی که دید فرزندش با دشمنان خارجی مصاحبه کرده از وی تبری جست.»[۵]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

سه‌شنبه ۲۴ آذر ۱۳۸۸

- مرتضوی در مورد بازداشتگاه کهریزک به مجلس توضیح داد

فرهاد تجری (عضو کمیته ویژه مجلس) در پاسخ به خبرنگار ایسنا در مورد حضور مرتضوی معاون دادستان کل کشور در جلسه کمیته ویژه اظهار داشت: «ایشان برای ملاقات با برخی دوستان به مجلس آمده بودند که همزمان با جلسه کمیته ویژه شد و لذا در جلسه حضور یافتند و درخصوص حوادث پس از انتخابات و کهریزک توضیحاتی را ارائه دادند.»[1] وی درخصوص این‌که آیا ایشان در بحث کهریزک دخالت داشته‌اند یا خیر؟ جواب داد: «برای این‌که ببینیم آیا ایشان در این قضیه دخیل بوده‌اند یا خیر باید مستند به نظر مقامات قضایی باشد و در این مورد ما نمی‌توانیم قضاوت کنیم.»[2]

- بیانیه حزب تمدن اسلامی در محکومیت اهانت به ساحت امام راحل(ره)

حزب تمدن اسلامی با انتشار بیانیه‌ای اهانت به ساحت امام راحل(ره) را محکوم کرد. در بیانیه حزب تمدن اسلامی با اشاره به موج محکومیت اقدام موهن هتک حرمت امام راحل آمده است: «حساسیت و برآشفتن علما، دانشجویان، دانشگاهیان و دلسوزان نظام در برابر هتک حرمت امام به هر میزان و هر شکلی که باشد حساسیتی مثبت و حاکی از عشق به نظام و پشتیبانی از ولایت فقیه است.»[3]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۲۵.　　۲- همان.
۳- همان.

ـ اهانت به ساحت امام(ره) هدف راهبردی جریان فتنه را آشکار کرد

سردار ذوالقدر (معاون ستاد کل نیروهای مسلح) در دانشگاه یزد و یادواره شهید حسن باقری با اشاره به اهانت به ساحت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد: «این‌که در سی سالگی انقلاب در دانشگاه که محیط دانایی و روشنگری است و در ۱۶ آذر که روز بیداری دانشجویان و سرآغاز جنبش دانشجویی علیه دخالتهای خارجی است، به امام خمینی(ره) آن هم تحت لوای حمایت از کسانی که داعیه‌دار پیروی از خط امام هستند اهانت می‌شود، نشان دهنده هدف راهبردی جریان فتنه و برملا کننده نیتهای شیطانی آنهاست.»[۱]

ـ شرط تاج‌زاده برای دفاع در دادگاه

مصطفی تاج‌زاده (عضو مشارکت و سازمان مجاهدین) در دیدار هفتگی با خانواده خود گفت: «من عمر و زندگی خود را وقف پیروزی و استقرار جمهوری اسلامی ایران و خدمتگزاری به نظام کردم. حال اگر در این دادگاه شرکت کردم فقط به خاطر احترام به قانون بود.»[۲] وی در ادامه افزود: «من ۱۰ سال پیش از آقای جنتی دبیر شورای نگهبان شکایت کردم، امّا به شکایت من رسیدگی نشد. در حالی که اگر آن زمان به شکایت من رسیدگی می‌شد مشکلات اخیر که در انتخابات ریاست‌جمهوری به وقوع پیوست تکرار نمی‌شد.»[۳]

ـ مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) سیاسی عمل کرد

دکتر علیرضا مرندی (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) با بیان این‌که سید حسن خمینی می‌توانست بیانیه‌ای در محکومیت هتک حرمت به ساحت امام(ره) صادر کند گفت: «مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام(ره) به جای محکوم کردن این اقدام، صدا و سیما را

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۵. ۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۵.
۳- همان.

برای پخش هتک حرمت به امام خمینی محکوم کرد. در حالی که این اقدام صدا و سیما کاری خوب بود که نشان داد چه مسائلی اخیراً در کشور در حال رخ دادن است.»[۱]

ـ اهانت به ساحت امام از مدتها قبل برنامه‌ریزی شده بود

علیرضا زاکانی (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) در گفتگو با ایرنا گفت: «اهانت به ساحت امام راحل(ره) از مدتها قبل در خارج از کشور برنامه‌ریزی شده بود.»[۲] وی اضافه کرد: «اهانت به ساحت امام راحل آخرین حربه‌هایی است که این افراد دنبال می‌کنند، چون این افراد در مقام فکر و نظر به بن‌بست رسیده‌اند و در مقام تبلیغ و ایجاد جریانی برای افکار عمومی راه به جایی نبردند، امروز به جایی رسیده‌اند که فکر می‌کنند که توهین کردن می‌تواند دل آنان را آرام کند.»[۳]

ـ حرکت موسوی و کروبی بسترساز اهانت به ساحت امام راحل شد

حجةالاسلام احمد سالک (سخنگوی جامعه روحانیت مبارز) در گفتگو با ایرنا تأکید کرد، «حرکت موسوی و کروبی بسترساز اهانت به ساحت امام راحل شد.»[۴] وی ضمن محکوم کردن این اقدام گفت: «مبنای تقدس در نظام اسلامی بر اساس مبانی دینی که عبارت از قرآن و ائمه اطهار است می‌باشد و کسانی که در خط طولی نبوت و امامت هستند، از یک قداست بالایی برخوردارند.»[۵]

ـ قوّه قضاییه با مسببان توهین به ساحت امام(ره) برخورد کنند

آیت‌الله مؤمن (عضو مجلس خبرگان رهبری) با بیان این‌که کسانی که به ساحت مقدس امام توهین کردند بدترین کار ممکن را انجام دادند، گفت: «قوّه قضائیه باید با مسببان هتک حرمت به ساحت مقدس بنیانگذار جمهوری اسلامی برخورد کند.»[۶]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۵.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.
۶- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۵.

چهارشنبه ۲۵ آذر ۱۳۸۸

ـ سران فتنه به اندازه کافی در قوّه قضائیه پرونده دارند

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) در همایش دادستانهای عمومی و انقلاب سراسر کشور با اشاره به حوادث پس از انتخابات تأکید کرد: «در فتنه اخیر کسانی که به نظام ظلم کرده و ضربات جبران‌ناپذیری را به نظام وارد کردند البته نظام ما دارای ریشه و قدرتی است که از این ضربات لطمه حیاتی نمی‌بیند امّا بالاخره آنها تأثیر گذاشتند. کشورهای غربی این اقدامات را بهانه‌ای برای تجاوز به حقوق این کشور برای این‌که امیال خود را نسبت به نظام اسلامی ابراز و اعمال کنند، قرار دادند. این مظالمی که به نظام رفته آیا بر عهده دستگاه قضایی نیست که برخورد کند، کسانی که دختر فراری را شهید اعلام کردند، کسانی که برای وی مجلس ترحیم به پا کرده و دیگران را به شرکت در این مراسم دعوت می‌کردند. همین سران فتنه این اقدامات را انجام دادند.»[۱] وی خطاب به دادستانهای کل کشور گفت: «به دادستانها می‌گویم که مسائل بسیار پیچیده هستند البته درست است که اگر ۱۶ آذر نشد ۱۷ آذر و اگر ۱۷ آذر نشد، ۱۸ آذر؛ این چه نحوه برخورد با نظام است.»[۲] آملی لاریجانی افزود: «کاری که شما می‌کنید کار منافقان اوّل انقلاب است. بنده کاری به مقاصد اشخاص فعلاً ندارم ولی همین کار را در اوایل انقلاب منافقان انجام می‌دادند و دانشجویان را به خیابانها می‌ریختند. البته قشر دانشگاهی ما امروز آگاه بوده و دل آنها برای نظام و انقلاب می‌سوزد.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۶.
۲- همان.
۳- همان.

ـ رفت و آمد مکرر سران فتنه به انگلیس

حجةالاسلام حیدر مصلحی (وزیر اطلاعات) در همایش واکاوی ریشه‌های فتنه پس از انتخابات با اشاره به اسناد موجود، از رفت و آمد مکرر سران فتنه به انگلیس و برگزاری جلسات در این کشور خبر داد. وی افزود: «این رفت و آمدها ادامه دارد و در مورد حرکت اخیر آنها در اهانت به عکس امام(ره) و اهانتهای دیگر و حرکتهایی که در مشهد صورت گرفت، می‌بینیم یک هفته قبل در انگلیس جلسه داشتند و در آن جا مباحثی مطرح می‌شود و بعد این مسائل شکل می‌گیرد.»[۱] وی در ادامه با تأکید بر این‌که این رفت و آمدها به انگلیس جای سؤال دارد، گفت: «فکر هم می‌کنند کسی متوجه نمی‌شود امّا اگر به مباحث مطرح شده در این رفت و آمدها هم توجه نکنیم، خود این رفت و آمدها سؤال ایجاد می‌کند.»[۲] مصلحی همچنین اظهار داشت: «باکمال تأسف مشاهده می‌کنیم به خاطر این که یک آقا بحران دارد، همه مجموعه را واسطه می‌کند که بگویند کشور بحران دارد و نامه‌نگاری و سخنرانی می‌کند تا القاء کند که بحران وجود دارد.»[۳]

ـ آقای یزدی عجولانه اظهار نظر می‌کند

رئیس تشخیص مصلحت نظام در دیدار جمعی از روحانیون و وعاظ در آستانه محرم با انتقاد از برخی افراد و احزاب و گروههای سیاسی گفت: «اگر برخی فکر کنند با ارعاب و فضاسازی می‌توانند مسائل را حل کنند در اشتباهند و اگر هم به صورت ظاهری آن را حل کنند پس از گذشت زمان کوتاهی آن موضوع وسیع‌تر از گذشته مطرح خواهد شد.»[۴] هاشمی رفسنجانی در جواب جمعی از حضار که اجازه جواب به اظهارات آقایان یزدی و حسینیان و حمید روحانی را خواستند، گفت: «سالها است جواب من به آقای یزدی درخواست شفا برای ایشان است و ارسال سلام. متأسفانه ایشان بر اثر مشکلات جسمی گاهی دچار عصبانیت می‌شود و عجولانه اعلام نظر می‌کند. افرادی هم هستند که شهرت

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۶.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۶.

خویش را از راه اهانت به دیگران می‌خواهند، که جواب این‌گونه افراد هم سکوت است و دعا برای هدایت‌شان.»[۱]

ـ نامه مهدی کروبی به محمد یزدی

مهدی کروبی در نامه‌ای به محمد یزدی (رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) از وی خواست به خاطر کهولت سن استعفا دهد. کروبی در نامه خود نوشت: «تذکری که برادرانه به شما که هم‌لباس بنده‌اید! شما در بخشی از سخنان‌تان از بهشت و جهنم سخن رانده‌اید و گفته بودید از مرکب شیطان پیاده شوید! به برخی مگر شما نعوذ بالله نماینده خدا و معیار سنجش سره از ناسره‌اید؟»[۲]

ـ انتشار متن کامل سخنرانی رئیس تشخیص مصلحت نظام در مشهد

به دنبال واکنشهای مختلف به سخنان رئیس تشخیص مصلحت نظام در مشهد، دفتر هاشمی رفسنجانی توضیحاتی را به خبرگزاریها ارسال[۳] و روزنامه جمهوری اسلامی اقدام به انتشار متن کامل این سخنرانی نمود. امّا در عین حال جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و جامعه اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد با صدور اطلاعیه‌ای، با اشاره به توضیح دفتر رئیس تشخیص مصلحت نظام آن را دستکاری شده و نا ارتباط با قسمتهای اصلی سخنان هاشمی که مورد انتظار فراوان قرار گرفته، دانستند.[۴]

ـ هاشمی با سخنان خود در مشهد بنزین روی آتش ریخت

مرتضی تمدن (استاندار تهران) در همایش ائمه جمعه استان تهران با اشاره به بیانات مقام معظّم رهبری مبنی بر این‌که سیاست ما دفعی نیست و جذب حداکثری است،

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۶. ۲- همان.

۳- توضیح دفتر هاشمی رفسنجانی پیرامون سخنرانی مشهد در پیوست ۱۸ می‌باشد.

۴- اطلاعیه ۲ تشکل دانشجویی مشهد درخصوص تحریف سخنان هاشمی توسط دفترشان در پیوست ۱۹ می‌باشد.

خاطرنشان کرد: «عده‌ای اصرار دارند خود را از صحنه انقلاب حذف کنند.»[۱] وی درباره سیاست نظام در برخورد با جریان فتنه اظهار داشت: «روش مسؤولین نظام این است که حداکثر مدارا را داشته باشند تا امروز هم همین کار را کرده‌اند. اینها خیلی خوشحال می‌شوند که با آنان برخورد شود دستگیر شوند، امّا مسؤولین نظام داغ این آرزوی قهرمان جعلی را به دل آنان می‌گذارند.»[۲] تمدن در ادامه به سخنان هاشمی در مشهد اشاره کرد و گفت: «هاشمی با اظهارات خود در مشهد از همه خواست در ۱۶ آذر به صحنه بیایند که این سخنان همچون بنزین روی آتش ریختن است.»[۳]

-گزارش مفصل بی بی سی از توهین کروبی به آیت‌الله یزدی

سایت بی بی سی در گزارش مفصلی توهینهای مهدی کروبی به آیت‌الله یزدی را پوشش داد. بی بی سی گزارش داد که کروبی در نامه خود با اشاره به بیماری و کهولت سن یزدی، خواستار استعفای وی از مسؤولیتهای حکومتی شده است.[۴]

-قرار نبود از خمینی دفاع کنید!

گویانیوز (ارگان رسمی سازمان سیا) برای دومین بار متوالی از قول یکی از عناصر ضد انقلاب خطاب به سران فتنه و نیروهای میدانی منافق نوشت: «هوشیار باشید [امام] خمینی در دست گرفتن و ابراز هواداری به راه و رسم او، افتادن در دام جمهوری اسلامی است.»[۵] گویانیوز با اشاره به این‌که شعار جامعه سکولار هم که از سوی اصلاح‌طلبان سر داده شده بود، با شعار مدینةالنبی خنثی شد، نوشت: «یک نگاه ساده به صدا و سیما و تیترها و گزارشها و مقالات روزنامه کیهان معلوم می‌کند که چه دامی گسترده شده است. نه تنها جریان اصلاحات بلکه نیروهای ملی مذهبی هم سالهاست که در این انفعال قرار

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۳۶.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۶.

گرفته‌اند.»[۱] این سایت اضافه کرد: «نیروهای محرک سیاسی و سران جنبش سبز با هواداری از آیت‌الله خمینی و هواخواهی از راه و رسم او به واکنش وادار می‌شوند و با فراخوانی جنبش برای این هواداری و برافراشته کردن نام و یاد و عکس او، محتوای حرکت از نقد [بخوانید ویران کردن] گذشته و نواندیشی باز می‌دارند و این یعنی که راه شکست از هم‌اکنون طراحی و به اجرا گذاشته شده است. اکنون شاید در این مرحله نیاز به نقد آقای خمینی و راه و رسم او نباشد و می‌توان حساسیت آقایان موسوی و کروبی را به عنوان رهبران نمادین جنبش درک کرد، امّا باید به آنها خاطرنشان کرد که پاره کردن عکس آقای خمینی هیچ جای عکس‌العمل از طریق یاد او کردن و در فضایل او سخن گفتن نداشت.»[۲]

ـ قرار بود حجاب را براندازیم یا این‌که مردها هم محجبه شوند؟!

سایت سکولاریسم نو در مقاله‌ای به قلم «مهرنوش . م» با ابراز خشم از واکنشهای مردم به اهانت‌کنندگان به ساحت امام راحل(ره) نوشت: «پاره کردن عکس [آیت‌الله] خمینی تازه اوّلین گام علیه مقدسات جمهوری اسلامی بود و بعد از آن باید سراغ حجاب رفت.»[۳] وی سپس با ماجرای روسری سر کردن برخی از حامیان فتنه در خارج از کشور به عنوان حمایت از مجید توکلی (اغتشاشگری که در لباس زنانه در دانشگاه امیرکبیر دستگیر شد) اشاره کرد و نوشت: «مسخره است. قرار است با حجاب مبارزه شود. آن وقت این دلقکهای سبزپوش، روسری‌پوش شده‌اند! اگر دیروز، یا روسری یا توسری بود، امروز صدای آمریکاها، بی بی سی‌ها، سبزها، دوم خردادی‌ها، همان را تحمیل می‌کنند. حالا صدای آمریکا و بی بی سی و سبزها جنبش مردان محجبه راه انداخته‌اند.»[۴]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

ـ محکومیت هتک حرمت به امام(ره) از سوی سازمان مجاهدین

محمد سلامتی (دبیرکل سازمان مجاهدین) در گفتگو با ایسنا گفت: «هتک حرمت حضرت امام(ره) از سوی هرکسی یا هر جریانی که صورت گرفته کاری غیراخلاقی و ضد انسانی است و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران ضمن تقبیح این عمل آن را محکوم می‌کند.»[1] وی در ادامه افزود: «در عین حال انعکاس این عمل زشت در رسانه‌ها بخصوص رسانه ملی کار درستی نبود، همچنین انتساب این عمل به برخی چهره‌ها و جناحی که خط امامی بودن‌شان محرز است، توسط برخی از عناصر و جریانات دیگر که قدرتی در دست دارند، امری فرصت‌طلبانه و برای تقویت تضاد در جامعه تلقی می‌شود.»[2]

ـ نامه اقلیت به لاریجانی برای بررسی گزارش صدا و سیما

فراکسیون اقلیت مجلس در نامه‌ای به علی لاریجانی (رئیس مجلس شورای اسلامی) پیشنهاد داد که با بررسی گزارش صدا و سیما از ماجرای هتک حرمت به امام(ره) در حاشیه راهپیماییهای روز ۱۶ آذر در جلسه غیرعلنی مجلس اسباب فاش شدن هویت مقصران اصلی مناقشات اخیر را فراهم آورد.[3]

ـ بمب‌گذاران در خانه خدا به تصویر امام هم اهانت می‌کنند

محمدحسین صفار هرندی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت نهم) در اجتماع مردم ارومیه گفت: «کسانی که در ابتدای انقلاب به جمهوری اسلامی «نه» گفتند امروز و بعد از گذشت ۳۰ سال قصد دارند انتقام آن شکست را بگیرد. فتنه گران ریاکارانه تصویر امام خمینی(ره) را بلند کرده‌اند، امّا قصد دارند تیشه به ریشه انقلاب و امام بزنند.»[4] وی با اشاره به تقدس‌زدایی استکبار جهانی در جهان اسلام اظهار داشت: «استکبار جهانی که

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۶.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۶.

تقدس‌زدایی در جهان اسلام را با کاریکاتورها و نمایش فیلمهای موهن آغاز کرده برای جریحه‌دار کردن قلوب مسلمانان ایادی داخلی خود را نیز پای کار فراخوانده است. مردم نباید از سخنان، کردار و تقدس‌زدایی ایادی داخلی دشمن تعجب کنند چرا که آنها اعتقاد دارند پیامبر اسلام(ص) و امامان معصوم(ع) هم مقدس نیستند. آیا کسانی که در خانه خدا بمب‌گذاری می‌کنند به تصویر امام خمینی(ره) اهانت نخواهند کرد؟ این اشخاص ماجرای کربلا و شهادت امام حسین(ع) و یارانش توسط لشکر یزید را با عنوان خون در برابر خون تحلیل می‌کنند و نباید از اهانت آنان به تصویر امام خمینی(ره) تعجب کنیم.»[۱]

ـ سکوت در برابر سران فتنه دیگر جایز نیست

آیت‌الله جنتی (دبیر شورای نگهبان) در جمع مسؤولان دفاتر نظارت و بازرسی انتخابات استانها ضمن ابراز تأسف از هتک حرمت امام(ره) و برخی از شعارهای آشوبگران و فتنه گران گفت: «آنها با هتک حرمت به عکس امام(ره) نشان دادند هدفشان امام خمینی(ره) و اساس اسلام است و از آن‌جایی که حضرت امام(ره) احیاگر اسلام بود با ایشان دشمنی می‌کنند.»[۲] وی سکوت در برابر سران فتنه را جایز ندانست و افزود: «اکنون که آنها با صراحت برای مبارزه با اسلام و حضرت امام(ره) به میدان آمده‌اند، دیگر نمی‌توان موضع‌گیریهای آنها را حمل بر صحت کرد.»[۳]

ـ در مسائل اختلافی کنونی باید طوری عمل شود که نظام آسیب نبیند

آیت‌الله موسوی اردبیلی در دیدار شورای مرکزی انجمن اسلامی معلمان ایران با بیان این‌که در مسائل اختلافی کنونی باید طوری عمل شود که نظام آسیب نبیند، اظهار داشت: «آنچه باید به آن توجه داشت این نکته است که این اختلافات در داخل خانواده انقلاب

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.

است و هیچ یک از اطراف قضیه راضی به صدمه دیدن این انقلاب و یا خدای نا کرده نابودی آن نیست، باید دقت شود که اصلاح امور به نحوی صورت پذیرد که هم رضایت مردم جلب شود هم نظام اسلامی و انقلاب دچار خطر و آسیب نگردد.»[۱]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۲۶.

پنجشنبه ۲۶ آذر ۱۳۸۸

ـ قبل از پاره کردن عکس امام، افکار ایشان مورد هجمه قرار گرفت

دکتر حسن رحیم‌پور ازغدی (عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی) در گردهمایی روحانیون وزارت دفاع گفت: «پروژه پیچیده‌ای که امروز علیه روحانیت فعال شده در گذشته نیز برای برهم زدن نیروها و ارزشهای انقلابی به‌کار رفته است تا دشمن بتواند ضربه به ساختار انقلاب بزند.»[۱] وی با اشاره به اسناد لانه جاسوسی افزود: «همه اتفاقات حال حاضر جامعه مانند پاره‌کردن عکس امام خمینی(ره) را می‌توان از روی این اسناد پیش‌بینی و حتی مهار کرد.»[۲] ازغدی تصریح کرد: «این پروژه در زمان حیات امام(ره) نیز کاملاً اجرا شد زیرا آمریکاییها در ۳۰ سال گذشته طرح جامعی را علیه امام(ره) پیش گرفتند و روحانیونی در حد مرجع تقلید مانند شریعتمداری را علیه امام(ره) فعال کردند.»[۳]

ـ کنترل سبزها از دست موسوی و کروبی خارج شده است

ابراهیم یزدی (رئیس گروهک نهضت آزادی) در گفتگو با رادیو زمانه گفت: «جنبش سبز از کنترل رهبران آن خارج شده و آنها دیگر نمی‌توانند این جریان را کنترل کنند.»[۴] عباس میلانی (از عناصر چپ‌نما و ضد انقلاب مقیم آمریکا) در مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی دی سایت گفت، «موسوی و کروبی فقط ظاهراً رهبر هستند و هدایت

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۸.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

جنبش توسط اینترنت انجام می‌شود.»[۱]

ـ علت مرگ پزشک کهریزک مسمومیت دارویی است

مسعود پزشکیان (عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس) در گفتگو با ایلنا با اشاره به پاسخ شفاهی پزشکی قانونی به شهاب‌الدین صدر (رئیس کمیسیون بهداشت) در مورد مرگ پزشک کهریزک اظهار داشت: «به ایشان به عنوان رئیس سابق سازمان پزشکی قانونی گفته شده است که علت مرگ مسمومیت دارویی بوده است.»[۲] وی در ادامه خاطر نشان کرد: «درخواست کرده این که پاسخ کتبی به مجلس ارائه شود. این پاسخ کتبی شامل دو بخش جواب کالبدشکافی و جواب سم‌شناسی است.»[۳]

ـ توصیه نوری‌زاده به هاشمی

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار و مفسر برنامه‌های سیاسی صدای آمریکا) در برنامه زنده صدای آمریکا (VOA) گفت: «من اعتقاد دارم آقای هاشمی رفسنجانی هنوز این قدرت را دارد که بیاید یک ذره از شهامت آقای منتظری و یا آقای کروبی را خرج کند و بیاید حرفها را آن طوری که باید بزند. به هرحال در خلق این نظام وی نقش داشته و این بلا را ایشان به جان ملت ایران انداخته و خودش هم یک جوری باید خاتمه‌اش بدهد.»[۴]

ـ موسوی وارد بسیاری از خطوط قرمز شده است

محمدنبی حبیبی (دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی) در حاشیه اوّلین کنگره جبهه متحد جوانان اسلامی گفت: «موسوی وارد بسیاری از خطوط قرمز نظام شده است. ما دیگر لفظ جنبش سبز را برای حامیان موسوی استفاده نمی‌کنیم و حامیان وی را تنها با فتنه سبز نام خواهیم برد.»[۵]

۱- همان.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۲۸.
۳- همان.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۸.
۵- همان.

ـ اسرائیل روی اغتشاشات ایران بشدّت حساب کرده بود

عاموس یادلین (رئیس سازمان اطلاعات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی) با اذعان به این‌که اسرائیل روی اغتشاشات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران بشدّت حساب کرده بود، گفت: «یکی از نتایج اغتشاشات پس از انتخابات ریاست‌جمهوری از بین رفتن پاکی انقلاب و الگو بودن نظام جمهوری اسلامی ایران است.»[۱] وی در ادامه با اشاره به این‌که خبرهای بد نشان می‌دهد نظام ایران تا این لحظه موفق شده است جنبش ناآرامی‌ها را متوقف کند، افزود: «اسرائیل دیگر مانند گذشته روی اعتراضات، زیاد حساب نمی‌کند. اعتراضات فاقد یک رهبری سنتی است که بتواند نظام را نابود کند.»[۲]

ـ ارسال پرونده تعدادی از هتاکان به دادگاه

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) با بیان این‌که تحقیقات در مورد افراد و جریانی که در تجمعات ضد انقلابی ۱۶ آذر و پس از آن، به آرمانهای انقلاب اسلامی و امام راحل(ره) اهانت کردند، بسرعت ادامه دارد، اظهار داشت: «بزودی پرونده تعدادی از هتاکان به دادگاه ارسال می‌شود.»[۳] وی در گفتگو با ایرنا با توجه به درخواستهای عمومی گفت: «بی‌تردید با کسانی که برخلاف آرمانهای حضرت امام(ره) حرکت می‌کنند، برخورد قاطع و بدون اغماضی صورت خواهد گرفت.»[۴] دادستان تهران در عین حال افزود: «از کسانی که مدعی پیروی از راه امام هستند، مؤکداً می‌خواهم تا فرصت از دست نرفته است، صف خود را از ضد انقلاب و دشمنان انقلاب جدا کنند و به دامن ملت بازگردند.»[۵]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۸.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

جمعه ۲۷ آذر ۱۳۸۸

- ایستادن در برابر نظام توهین به امام، راه باطل است

آیت‌الله امامی کاشانی (امام جمعه موقت تهران) در خطبه‌های نمازجمعه تهران خطاب به تمام علاقه‌مندان به کشور، انقلاب و امام(ره) گفت: «روی سخن من با تمام کسانی است که در مشاجرات قرار گرفته‌اند، می‌گویم کسانی که مشاجرات را شروع کرده‌اند و به مناسبتهای مختلف راهپیمایی می‌کنند به دنبال چه چیز هستند؟ چرا که علی(ع) می‌فرماید: نگاه کنید به کجا می‌رسید و اگر در اتفاقی موضوع خوبی پیدا شد دنبالش روید و اگر نشد از آن جدا شوید. پس وقتی شما گفتید، بودید، نوشتید، تشویق و پایداری کردید، ظرف دشمنان را برای فعالیت آماده کردید.»[1] وی با اشاره به اهانت به ساحت مقدس حضرت امام خمینی(ره) شعارهای انحرافی مطرح شده را به نفع دشمن دانست و اظهار داشت: «به صاحب این روز که امام حسین(ع) است این شعارها باطل است؛ چون هر آنچه از آنها صادر می‌شود باطل است، پس باید کنار رفت تا دشمن تنها بماند و نتواند راه به جایی ببرد.»[2]

- نمی‌توانیم در توهین به امام و رهبری تماشاچی باشیم

آیت‌الله ابراهیم امینی (امام جمعه قم) در خطبه‌های نمازجمعه قم، توهین به امام خمینی(ره) را توهین به همه مقدسات، مرجعیت، رهبری، ولایت فقیه و همه کسانی که

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۸.
۲- همان.

برای پیروزی انقلاب اسلامی زحمت کشیدند دانست و اظهار داشت: «دشمنان این مسأله را دریافته و سعی دارند که از هر راهی به شخصیتهای برجسته انقلاب ضربه بزنند و در این میان برخی از افراد در داخل کشور نیز از روی جهل و نادانی تابع دشمنان هستند که چنین اتفاقاتی برای کشور بسیار خطرناک است.»[۱] وی در ادامه اضافه کرد: «نباید در داخل کشور برخی افراد به امام، ولایت فقیه و دیگر شخصیتهای نظام توهین کنند و ما در برابر این توهینها فقط تماشاچی باشیم.»[۲]

-راهپیمایی سراسری محکومیت اهانت به امام راحل(ره)

مردم سراسر کشور پس از اقامه نمازجمعه با برپایی تظاهرات اعتراض‌آمیز ضمن محکومیت هتک حرمت به ساحت حضرت امام(ره) خواستار اشدّ مجازات برای سران فتنه و عاملین این اقدام زشت شدند. حجةالاسلام رحیمیان (نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید و امداد ایثارگران) در اجتماع مردم تهران گفت: «همه دشمنان و دوستان باید بدانند همان‌طور که در سال ۱۳۵٦ یک توهین به امام باعث تسریع در سقوط رژیم ستمشاهی و شکست همه پشتیبانان او و از این سو باعث پیروزی انقلاب شد، امروز هم این توهین به امام، یقیناً بار دیگر خط امام را در دنیا زنده و ثانیاً چشم فتنه و فتنه‌گران را کور کرده و خواهد کرد.»[۳] وی با بیان یادآوری تاریخ انقلاب افزود: «باید یادمان باشد در زمان امام(ره) و هم در زمان حاضر و هم در هر تاریخی، یک عده اشرار و نابخرد در جوامع وجود داشته و دارند، امّا عوامل و عناصری که زمینه این فتنه را فراهم کرده‌اند و آنهایی که دامن زدند به تشویش و زمینه را برای حضور معدودی شرور فراهم کرده‌اند، گناهشان از پاره کردن عکس امام بالاتر است.»[۴]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

ـ گفتگوی کروبی با بی بی سی

مهدی کروبی (کاندیدای شکست خورده انتخابات دهم) در گفتگو با بی بی سی با تکرار مضحک ادعاهای قبلی، به پشتوانه حمایت دولتهای استکباری اظهار داشت: «دولت احمدی‌نژاد ۴ سال کامل دوام نخواهد آورد.» وی در این گفتگو مدعی شد: «از این نمی‌ترسد که به خاطر تکرار برخی ادعاها مورد پیگیرد قرار گیرد و زندانی شود.[1]

ـ بازی انگلیس با آرتیست مثلاً بسیجی

شبکه تلویزیونی دولتی انگلیس در ادامه سرویس‌دهی به سازمان جاسوسی این کشور علیه جمهوری اسلامی، به اقدام رسوای دیگری روی آورد و صرفاً با نمایش دست و پای یک آرتیست که ادعا می‌شد یک بسیجی فرارکرده از ایران است به تکرار اتهامات چند ماه اخیر علیه جمهوری اسلامی پرداخت. کانال چهار انگلیس در این اقدام تکراری مصاحبه‌ای را با فردی پخش کرد که صرفاً پاها و دست وی نشان داده شد. مجری این شبکه مدعی شد: «این فرد یک بسیجی است که به تازگی از ایران فرار کرده و نامش محفوظ است. او از تقلب و جنایت در ایران می‌گوید.» بازیگر شبکه تلویزیونی انگلیس با تظاهر به گریه مدعی شد: «در انتخابات تقلب شده و تجاوزهایی صورت گرفته و من از کارهایی که به عنوان بسیجی انجام داده‌ام پشیمانم. من، هم دنیایم را از دست دادم و هم دینم.» سناریونویسان اطلاعاتی شبکه ۴ انگلیس در این نمایش مضحک به بازیگر خود نام سید هم داده و برای وی این دیالوگ را هم نوشته بودند «ما نمی‌دانستیم چنین آلوده شده‌ایم. فکر می‌کردیم داریم در راه دایی و عموی شهیدمان گام می‌زنیم. آرزو داشتیم شهید بشویم امّا حالا نه آبرو داریم و نه می‌توانیم سرمان را بلند کنیم. هرچه جنایت هست کرده‌ایم.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۹.
۲- همان.

شنبه ۲۸ آذر ۱۳۸۸

ـ آخرین نتایج رسیدگی به پرونده کهریزک

سازمان قضایی نیروهای مسلح اطلاعیه‌ای را درخصوص پرونده کهریزک و رسیدگی به آن صادر کرد. در این اطلاعیه آمده است: «پس از ارجاع پرونده به شعبه اوّل بازپرسی دادسرای نظامی تهران و با همکاری ضابطین قضایی بررسیهای جامعی در این ارتباط آغاز و بخشهای مختلف بازداشتگاه کهریزک مورد بازدید و بازرسی دادستان نظامی تهران و قاضی پرونده قرار می‌گیرد. در ادامه با اخذ لیست کامل اسامی متهمان اعزامی به بازداشتگاه کهریزک در جریان حوادث بعد از انتخابات، تمامی آنان شناسایی و ۹۸ نفر شکایت خود را به دادسرای نظامی تهران اعلام می‌کنند که مصدومان به پزشکی قانونی معرفی می‌شوند. در روند رسیدگی به پرونده، با تدبیر دبیرخانه شورای عالی امنیت ملّی و پرداخت خسارت و دلجویی از شاکیان در نهایت تعدد ۵۱ نفر از آنان رضایت خود را اعلام می‌کنند.»[1] در این اطلاعیه آمده است: «به دلیل جان باختن ۳ نفر از بازداشت‌شدگان به نامهای مرحوم محسن روح‌الامینی، مرحوم امیر جوادی‌فر و مرحوم محمد کامرانی و شکایت اولیای دم، تحقیقات جامعی در این خصوص از متهمان، شهود و مطلعین صورت گرفت و از پزشکی قانونی خواسته شد که با توجه به معاینه اجساد ضمن اخذ نظر هیأت تخصصی پزشکی قانونی نظر خود را درباره علت فوت آنان اعلام کند. پزشکی قانونی در نظریه خود ضمن رد فوت نامبردگان به لحاظ ابتلا به بیماری

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۹.

منثریت، با تأیید وجود آثار متعدد ضرب و جرح بر روی اجساد، علت درگذشت متوفیان را مجموع صدمات وارده اعلام می‌کند.»[۱] اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح افزود: «بر اساس شواهد و مدارک موجود و نظریات پزشکی قانونی، دادسرای نظامی تهران جان باختن مرحوم محسن روح‌الامینی، مرحوم امیر جوادی‌فر و مرحوم محمد کامرانی را به استناد بند ب مادّه ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی از مصادیق قتل عمد تشخیص داده و در همین ارتباط از دادگاه نظامی برای ۳ نفر از متهمان شاغل در بازداشتگاه کهریزک به اتهام مشارکت در ایراد ضرب و جرح منجر به قتل عمد سه نفر، درخواست مجازات کرده است.»[۲]

ـ درخواست جوامع اسلامی دانشگاههای اصفهان برای احضار مهدی هاشمی

جوامع اسلامی دانشگاههای اصفهان با صدور بیانیه‌ای خطاب به قوّه قضائیه خواستار احضار و بازگشت مهدی هاشمی شدند. این تشکلهای دانشجویی با اشاره به سخنان هاشمی رفسنجانی در جمع دانشجویان دانشگاههای مشهد که گفته بود مهدی خیالش از پرونده‌ها و تهمتها راحت است، تصریح کردند: «این صحبتها دقیقاً چند روز پس از گلایه وزیر اطلاعات از کوتاهی قوّه قضائیه در احضار و محاکمه مهدی هاشمی توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام بیان و در حالی بیان می‌شود که گویا مهدی هاشمی از اتهامات مبرا است و هیچ نقشی در حوادث اخیر نداشته است و فقط تجربیاتش را بیان کرده است.»[۳]

ـ راهی جز بازگشت به تعادل وجود ندارد

حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) در گفتگو با ایسنا با بیان این‌که

۱- همان. ۲- همان.
۳- همان.

گروههای تندرو در بخشهای مختلف اجازه نمی‌دهند فضا از حالت رادیکال خارج شود، اظهار داشت: «این گروهها معتقد به حل و فصل مشکلات نیستند و فکر می‌کنند باید یکطرفه عمل شود. آنها نیروهای متعادل را حذف یا حاشیه‌نشین می‌کنند تا بتوانند قدرت را در دست بگیرند.»[۱] وی با بیان این‌که هیچ راهی جز بازگشت به تعادل، همراهی و پذیرش حق وجود ندارد، گفت: «به محض آن که افقی پیدا می‌شود تا فضا به آرامش برگردد و گفتگوها آغاز شود، بسرعت گروههای تندرو با به آب دادن دسته‌گل جدیدی، فضا را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.»[۲]

ـ نباید قدرت به دست کسانی بیفتد که با ولایت فقیه مشکل دارند

آیت‌الله مهدوی کنی در دیدار مسؤولان فرهنگی وزارت علوم با اشاره به حوادث پس از انتخابات و تأکید بر علاقه و محبوبیت حضرت امام گفت: «نباید در جامعه قدرت به دست کسانی بیفتد که با ولایت فقیه مشکل دارند.»[۳]

ـ تحریف و توهین آینده

سایت آینده (متعلق به مهدی هاشمی) در گزارشی موهن به تخطئه حرکت عظیم و خودجوش ملت در محکوم کردن اهانت به حضرت امام(ره) پرداخت. در گزارش مذکور از خشم انقلابی مردم علیه فتنه گران به اردوکشی خیابانی با صحنه گردانی صدا و سیما تعبیر شده است. این گزارش در ادامه مدعی شد: « کارمندان دولت، فرهنگیان و دانش‌آموزان را به این راهپیمایی آورده بودند.» ادعایی که ضد انقلاب ۳۰ سال است درباره راهپیماییها و آیینهای عبادی ـ سیاسی مردم ایران مطرح کرده و تنها باعث مضحکه خودشان شده است.[۴]

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۹.
۴- همان.

ـ عملکرد صدا و سیما به هیچ وجه با اندیشه‌های امام همسو نیست

عماد افروغ (رئیس سابق کمیسیون فرهنگی مجلس) با انتقاد از صدا و سیما گفت: «صدا و سیما دستخوش دیدگاههای خاص و جناحی قرارگرفته است و در سیر این روند روزبه‌روز از جایگاه اصلی خود فاصله گرفته تا جایی که ابزار استیلای یک جناح خاص شده و در این خصوص و با توجه به تلقی خاص از مخاطبان خود به صورتی بسیار شفاف و آشکار عمل کرده و با مخاطبان به مثابه خمیری برخورد می‌کند که استعداد هرگونه شکل‌پذیری را دارد.»[۱] وی در گفتگو با ایلنا بیان داشت: «به اعتقاد من صدا و سیما نه تنها به رسالت ملی خود پایبند نبوده است بلکه این روزها آشکارا عامل تحریک سیاسی، نمایشهای کاذب و انشعاب و اختلاف بین طبقات مختلف جامعه برای سست کردن حمایتهای مردمی از جمهوری اسلامی و ارکان رکین آن شده است و عملکرد آن به هیچ وجه با اندیشه‌های متعالی بنیانگذار انقلاب اسلامی همسو نیست.»[۲]

ـ در زمان انتخابات و پس از آن به هاشمی ظلم شد

علی مطهری (نماینده مجلس هشتم) با بیان این‌که افرادی به دنبال اجرای تز هاشمی از انقلاب هستند، گفت: «این پروژه با همراهی و همکاری برخی عناصر ذی‌نفوذ واجد حسن نیت و فاقد بصیرت مواجه شده است.»[۳] وی در ادامه با بیان این‌که در این انتخابات به هاشمی ظلم شد چرا که به وی حق دفاع داده نشد، افزود: «هاشمی هنوز در نظام در کانون قدرت است.»[۴]

ـ دیدار محمد خاتمی با استادان دانشگاه همدان

سید محمد خاتمی در دیدار استادان دانشگاه همدان با بیان این‌که وحدت این نیست که حوزه به جای دانشگاه بیاید و دانشگاه بشود، تأکید کرد: «آن اندیشه‌هایی که معتقد

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۹/۲۹.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

هستند ۹۰ درصد دانشجویان ما منحرفند، نمی‌توانند وحدت را در دانشگاه و حوزه تحقق بخشند یا آن تفکری که بکلی از اسلام و انقلاب بیگانه است از او این انتظار نیست که بخواهد نزدیک حوزه بشود و با حوزه وحدت پیدا کند.»[۱]

ـ اذعان مدیر شبکه ماهواره‌ای هما به دروغگویی حامیان موسوی

داریوش سجادی (مدیر شبکه ماهواره‌ای هما) در مصاحبه‌ای با سایت ضد انقلابی گویا نیوز با بیان این‌که من با اتکای بر ادله و تحلیل معتقدم جنبش سبز تحقیقاً به انتها رسیده و تاریخ انقضای آن را هم در راهپیمایی روز قدس می‌دانم، گفت: «آن چیزی که در حال حاضر به نام جنبش سبز در ایران موجوده، اسمی از جنبش است و ماهیتی متفاوت با آنی دارد که بود. من اعتقاد دارم جنبش، اوّل از همه چوب دروغ را می‌خورد.»[۲]

ـ کسانی که با رأی کم قصد تحمیل خود بر مردم را دارند دیکتاتور هستند

محمدحسین صفار هرندی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت نهم) در جمع دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا همدان با اشاره به حوادث پس از انتخابات گفت: «دیکتاتوری از این نقطه شروع می‌شود که کسی رأی نیاورده امّا بگوید من رئیس‌جمهور هستم چرا که استبداد انگی نیست که بگوییم به قیافه یک نفر می‌خورد بلکه هرکس بخواهد خواسته‌های خود را تحمیل کند، مستبد است.»[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۲۹.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۲۹.

ـ یکشنبه ۲۹ آذر ۱۳۸۸ ـ

ـ شعار جمهوری ایرانی ما را به استقلال نمی‌رساند

آیت‌الله جوادی آملی (استاد حوزه علمیه قم) در دیدار مسؤولان انتظامی استان قم با انتقاد از شعارهای انحرافی هواداران موسوی گفت: «عده‌ای شعار می‌دادند یا شعار می‌دهند استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی؛ جمهوری ایرانی یعنی چه؟ اگر قرار بود جمهوری ایرانی این مملکت را به استقلال برساند زمان مصدق رسانده بود. تنها چیزی که ایران را سربلند و پیروز کرد اسلام و حسین بن علی است، قباله این مملکت حسین علی(ع) است.»[1]

ـ حضور خواص در حوادث پس از انتخابات شکننده بود

حجةالاسلام سید حمید روحانی (رئیس بنیاد تاریخ‌پژوهی ایران معاصر) با بیان این‌که آنچه در روزهای اخیر رخ داد، مسأله جدیدی نبود، اظهار داشت: «ما اگر به مسائل ۳۰ سال گذشته نگاهی بیندازیم، می‌بینیم که از این‌گونه حوادث، جریانهاو حوادث فراوان داشتیم امّا در سایه اقتدار، هوشیاری، آمادگی و آزاداندیشی ملت این توطئه‌ها خنثی شد.»[2] وی حضور خواص در حوادث اخیر را، از جمله تفاوتهای حوادث بعد از انتخابات با جریانهای گذشته دانست و گفت: «حضور خواص در حوادث بعد از انتخابات برای ما شکننده بود؛ جرقه زمانی زده شد که هاشمی رفسنجانی نامه کذایی و

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۳۰. ۲- همان.

سرگشاده را به مقام معظّم رهبری نوشت و در حقیقت با این نامه اعلام جنگ کرد.»[۱]

ـ به دنبال احقاق حقتان باشید!

یوسف صانعی در جمع تعدادی از دانشجویان پژوهشکده امام خمینی(ره) از اهانت صورت گرفته به ساحت مقدس حضرت امام ابراز تأسف کرد، امّا در عین حال به حمایت از متهمان اصلی هتک حرمت امام پرداخت. او در حمایت از اعتراضات گروه سبز گفت: «اعتراضات موجود به منظور براندازی نظام نیست و برای اصلاح امور و اجرای صحیح قانون است.»[۲] وی مدعی شد: «اقدامات معترضان برای دفاع از دین و اعتقادشان صورت می‌گیرد.»[۳] صانعی در ادامه به ایام محرم اشاره کرد و همزمان با آن که دانشجویان را به عزاداری فراخواند به آنان توصیه کرد که به دنبال احقاق حقتان باشید.[۴]

ـ محمد نوری‌زاد بازداشت شد

محمد نوری‌زاد به اتهام توهین به مسؤولین و تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی بازداشت شد. روابط عمومی دادسرای عمومی و انقلاب تهران در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «متعاقب اعلام جرم مدعی‌العموم علیه نوری‌زاد، نامبرده احضار و پس از تفهیم اتهام از سوی دادیار شعبه رسیدگی کننده برای وی قرار وثیقه صادر شد که متهم به دلیل عجز از تودیع وثیقه به زندان معرفی گردید.[۵]

ـ اطلاعیه سازمان قضایی تقریباً منطبق با گزارش کمیته ویژه مجلس است

فرهاد تجری (عضو کمیته ویژه مجلس) در گفتگو با خبرگزاری مهر با اشاره به اطلاعیه سازمان قضایی نیروهای مسلح درباره بازداشتگاه کهریزک گفت: « گزارش اخیر

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۳۰.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

سازمان قضایی نیروهای مسلح درباره بازداشتگاه کهریزک، گزارشی جامع، کامل و منطبق با واقعیات و همچنین تقریباً منطبق با یافته‌های کمیته ویژه مجلس بود.»[۱]

ـ اهانت به امام خمینی(ره) مجازات دارد

سید علیرضا آوایی (رئیس کل دادگستری استان تهران) در حاشیه اجلاس حقوق زن به ایرنا گفت: «پرونده اهانت به رهبر فقید انقلاب در اختیار دادسرای عمومی قرار گرفته است که بزودی به آن رسیدگی خواهد شد.»[۲] وی با اشاره به این‌که اهانت به هر فرد با توجه به ارزشهای انسانی و اسلامی امری غیراخلاقی است، گفت: «علاوه بر این، بر اساس قانون مجازات اسلامی اهانت به امام راحل مجازات دارد.»[۳]

ـ اکثریت مردم از نحوه اداره جامعه راضی نیستند

به گزارش بنیاد باران سید محمد خاتمی با اشاره به جلسات تبیین اصلاحات در سال گذشته گفت: «دوستان جزوه تبیین اصلاحات و توضیحات ما در آن چهار جلسه را بخوانند. مرزهای ما با آنهایی که ضد دینند، با متحجران، حتی با کسانی که می‌گویند دین نباید در حیات سیاسی دخالت کند، در دفاع از انسان، کرامت انسان و حقوق انسان و اخلاق و عدالت مشخص است.»[۴] وی در ادامه تصریح کرد: «ما اسلام واقعی را در بینش و روش امام می‌بینیم که جمهوری اسلامی را مطرح می‌کند یعنی دموکراسی را پذیرفته است امّا به نقصهایی که دموکراسی دارد و جامعه‌شناسان و فیلسوفان غرب هم آنها را مطرح کرده‌اند یعنی فقدان عنصر معنوی و الهی در درون جوامع، توجه کرده و جمهوری اسلامی یعنی آن ارزشها هم به دموکراسی اضافه شود.»[۵] خاتمی افزود: «وقتی با اهانت به عکس حضرت امام جان مردم ما آتش می‌گیرد، به دلیل این است که امام

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۹/۳۰.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۹/۳۰.
۵- همان.

واقعاً نماینده تفکر اسلامی است که انسانهای این مرز و بوم به آن دلبسته‌اند، برای این است که امام خمینی(ره) مظهر آزادگی و آزادی ملت ایران است. کدام کلام بالاتر از این برای مردم‌سالاری است که میزان رأی مردم است؟ امام خمینی(ره) که شوخی نکرده‌اند! میزان رأی مردم است یعنی چه؟ اگر کسانی در جامعه بیایند بگویند ما روشهایی که داریم حداقلش این است که این میزان رأی مردم است این خط و راه امام است و باید مورد احترام قرار بگیرد نه این‌که با همه تهمتها، فشارها، زجرها و کوبیدن‌ها او را بخواهند از نظام جدا کنند.»[1] وی با اشاره به حوادث بعد از انتخابات اظهار داشت: «در این حوادث مسائل تلخ فراوانی پیش آمد که من فقط مسأله‌ای کوچک را مطرح می‌کنم. جامعه راضی نیستند و نارضایتی در متن جامعه وجود دارد.»[2]

ـ یکی از سران فتنه به ژاک شیراک گفته بود مشکل ما ولایت فقیه است

آیت‌الله سید احمد خاتمی (امام جمعه موقت تهران) در همایش سراسری شوراهای امر به معروف و نهی از منکر دستگاههای اجرایی کشور تخریب نظام اسلامی را بدترین منکرات دانست و اظهار داشت: «وقتی می‌گوییم نظام اسلامی، یعنی قانون اساسی و ولایت فقیه که در قلّه قرار دارد. بعد از انتخابات این اصل مورد هدف قرار گرفته است.»[3] وی با اشاره به برخی شعارها از جمله استقلال آزادی جمهوری ایرانی که در جمع فتنه گران اخیر مطرح شد، گفت: «فتنه گران نگویید کی بود، کی بود ما نبودیم، شما بودید. شما این بستر را فراهم کردید و زمینه را فراهم کردید که یک عده این قدر پررو شدند که چنین شعارهایی را می‌دهند. وقتی می‌گویند جمهوری ایرانی یعنی مرگ بر اسلام. خجالت نمی‌کشید که زیر پرچم امام(ره) و نام امام(ره) پناه گرفته‌اید و در پناه شما عده‌ای چنین شعارهایی را می‌دهند و آرمانهای امام(ره) را زیر سؤال می‌برند.»[4]

خاتمی در ادامه با بیان این‌که یکی از سران فتنه به ژاک شیراک رئیس‌جمهور سابق

۱- همان.
۲- همان.
۳- کیهان، ۸۸/۹/۳۰
۴- همان.

فرانسه گفته بود؛ مشکل ما رهبر و ولایت فقیه است وگرنه ما اهل تغییر هستیم.»[1] وی افزود: «کسانی که در برابر نهی صریح آقا (مقام معظّم رهبری) که می‌گوید اردوکشی خیابانی نکنید، می‌آیند و دوباره این کار را انجام می‌دهند. شورای هماهنگی می‌آید و اعلام می‌کند که یک راهپیمایی سراسری در محکومیت اهانت به امام(ره) در روز جمعه با حضور اقشار مختلف مردم برگزار می‌شود ولی این آقایان می‌آیند و مصاحبه می‌کنند که ما در این راهپیمایی شرکت نمی‌کنیم. این یعنی این که خط ما از خط مردم جداست و ما کاری به کار مردم نداریم، چون می‌دانند که در این راهپیمایی، مردم با امام دیروز و امروز بیعت می‌کنند.»[2]

ـ درگذشت حسینعلی منتظری

حسینعلی منتظری[3] (قائم‌مقام مخلوع رهبری) در سن ۸۷ سالگی در قم درگذشت.

ـ پیام موسوی به مناسبت درگذشت منتظری

میرحسین موسوی در پیام تسلیت خود به مناسبت درگذشت منتظری بدون هیچ‌گونه اشاره‌ای به مقاطع تاریک از زندگی منتظری و ایستادن او در مقابل امام، تأکید کرد: «وجود کسانی چون آیت‌الله‌العظمی منتظری برای نسل جوان این کشور مدرکی بود که آنان را به برخوردی عمیق‌تر با نیازهایشان برای بهره‌مندی از پشتوانه‌های روحانیت آگاه متقاعد می‌کرد.»[4]

ـ حمایت بی قید و شرط از منتظری سند انحراف فتنه‌گران از خط امام

جبهه مشارکت با صدور بیانیه‌ای به تمجید از منتظری پرداخت و نوشت: «او بحق

۱- همان.
۲- همان.
۳- بخشی از زندگینامه حسینعلی منتظری در پیوست ۲۰ می‌باشد.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲.

اسوه یک عالم دینی و مجتهدی زمان‌شناس و ستم‌ستیز در همه عمر بود و جز به مدار حق و عدل زندگی نکرد و عطای دفاع از حقوق انسان را به لقای قدرت بخشید.»[۱] در ادامه این بیانیه آمده است: «تا آخرین لحظه حیات از نورافشانی برای جلوگیری از آفتها و انحرافات و کجیها و بی‌عدالتی‌های درخت جمهوری اسلامی ایران که با مجاهدت و خون دل پرورده بود، خودداری نکرد.»[۲] همچنین سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی هم در اطلاعیه‌ای عنوان کرد: «حق‌گرایی و صراحت و شجاعت او نشانی از زلال حق‌گرایی و صراحت و شجاعت علوی داشت. چه تأسف‌بار است از دست دادن عالمی چون او در زمانه‌ای که بیش از هر زمان دیگری به وجودش نیازمند بودیم.»[۳] نهضت آزادی نیز این‌گونه به دفاع از کسی که خون به دل امام کرد پرداخت و در پیامی تصریح کرد: «آیت‌الله منتظری هیچ‌گاه حق را فدای مصلحت نکرد و در برابر وسوسه قدرت زانو نزد. این فقیه عالیقدر کلمه حق را حتی هنگامی که به ضرر ایشان بود با صدای رسا فریاد زد و در راه آرمانهای والای انقلاب مردم ایران از زندان و شکنجه و تبعید و حصر هراسی به دل راه نداد.»[۴]

ـ پیام مقام معظّم رهبری به مناسب درگذشت منتظری

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی به مناسبت درگذشت قائم‌مقام مخلوع رهبری بیان فرمودند: «اطلاع یافتیم که فقیه بزرگوار آیت‌الله آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری(ره) دار فانی را وداع گفته و به سرای باقی شتافته‌اند. ایشان فقیهی متبحر و استادی برجسته بودند و شاگردان زیادی از ایشان بهره بردند. دوران طولانی از زندگی آن مرحوم در خدمت نهضت امام راحل عظیم‌الشأن گذشت و ایشان مجاهدات زیادی انجام داده و سختیهای زیادی در این راه تحمل کردند. در اواخر دوران حیات مبارک امام راحل، امتحانی دشوار و خطیر، پیش آمد که از خداوند متعال می‌خواهم آن را با

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

پوشش مغفرت و رحمت خویش بپوشاند و ابتلائات دنیوی را کفاره آن قرار دهد. این‌جانب درگذشت ایشان را به همه بازماندگان و بویژه همسر مکرمه و فرزندان محترم آن مرحوم تسلیت می‌گویم و رحمت و مغفرت الهی را برای وی مسألت می‌کنم.»[1]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۹/۳۰.

دوشنبه ۳۰ آذر ۱۳۸۸

- تشییع منتظری و شعارهای انحرافی

در حالی که برخی افراد سیاسی از جمله موسوی بجنوردی، طاهری اصفهانی، موسوی لاری، عبدالله نوری، کروبی، میرحسین موسوی و برخی اعضاء خانواده هاشمی و... در مراسم تشییع حسینعلی منتظری شرکت داشتند، عده‌ای که معلوم بود دنبال جنازه و تشییع نیستند و فقط برای اهداف سیاسی خاص جمع شده‌اند، با سر دادن شعارهایی که ربطی به مراسم تشییع نداشت، شعارهای سیاسی می‌دادند: «عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز ملت سبز ایران صاحب عزاست امروز»... همچنین دخترکان بزک کرده که به زور چادر روی سرشان نگه‌داشته بودند، لای جمعیت مردها تنیده بودند ونیش‌شان در مراسم عزا تا بنا گوش باز بود. آقای صانعی از خانه‌اش که در همسایگی منزل مرحوم منتظری است، بیرون آمد، عده‌ای دورش جمع شده بودند و شعار می‌دادند: «روحانی واقعی، منتظری، صانعی»...[1]

- ایشان حق بزرگی به گردن بسیاری از اصلاح‌طلبان داشت

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار فراری مقیم آمریکا و مفسر سیاسی صدای آمریکا) درگفتگو با تلویزیون ضد انقلابی روزهه لات با تحرف تاریخ به دفاع از معاویه و یزید و تخطئه امام حسین(ع) پرداخت. وی مدعی شد: «مسیر حرکت امام حسین به سمت ایران

۱- هفته‌نامه پنجره، ۱۳۸۸/۱۰/۳.

بود نه کوفه. واقعیتی که رژیم به مردم نمی‌گویند این است که امام حسن خواست با معاویه صلح کند چون می‌خواست ریاست اخروی متعلق به اهل بیت باشد و ریاست دنیوی منحصر به بنی امیه گردد. امّا امام حسین این مسأله را نپذیرفت و از مدینه حرکت کرد.»[۱] وی همچنین مدعی شد: «عاشورا توسط رژیم رنگ و بوی سیاسی گرفته است. ماه محرم برای جریان سبز مهم است و این به دلیل قداست آن نیست بلکه موج سبز باید تمام حرفهایی راکه از ۱۴۰۰ سال قبل گفته شده نقد کند.»[۲] نوری‌زاده همچنین در مصاحبه با صدای آمریکا به مناسبت درگذشت حسینعلی منتظری با تمجید از وی گفت: «ایشان حق بزرگی به گردن بسیاری از اصلاح‌طلبان داشت به اصلاح‌طلبانی که در اواخر عمر آقای خمینی سکوت کردند یا علیه آیت‌الله منتظری موضع گرفتند. اگر دهها اعلامیه هم در تجلیل از آقای منتظری بدهند باز هم کم است چون یادمان نمی‌رود که چگونه راجع به ایشان صحبت می‌کردند.»[۳]

ـ آیت‌الله منتظری مورد تقدیر ماست

سایت بی بی سی انگلیسی به بهانه درگذشت منتظری، مدعی ربوده شدن انقلاب شد و ضمن تجلیل از وی به حضرت امام خمینی(ره) حمله کرد. بی بی سی در مقاله‌ای به قلم علی‌اصغر رمضانپور (از مدیران متواری وزارت ارشاد دولت خاتمی) نوشت: «حضور کم‌سابقه چهره‌های ملی ـ مذهبی در خانه آقای منتظری نشانی از تداوم باور ربوده شدن انقلاب دارد.»[۴] این رسانه انگلیسی با مرد اخلاق خواندن منتظری و با انتقام‌جویی از حضرت امام(ره) ـ که ریشه استعمار و استبداد را در ایران سوزاند ـ مدعی شد: «زبان اخلاق برای آیت‌الله خمینی، پس از انقلاب جای خود را به زبان قدرت داد.»[۵]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

دی ماه ۱۳۸۸

سه‌شنبه ۱ دی ۱۳۸۸

ـ قدر نعمت عظیم رهبری را بدانید

آیت‌الله حسن‌زاده آملی در جلسه سخنرانی خود با بیان این‌که رهبر عظیم‌الشأن‌تان را دوست بدارید، اظهار داشت: «قدر این نعمت عظمی راکه خدا به شما عطا فرمود، قدر این رهبر ولی و... را بدانید. حواستان جمع باشد، مبادا این وحدت را، مبادا این جمعیت را، مبادا این کشور علوی را، مبادا این نعمت را ولایت را، از دست شما بگیرند.»[1]

ـ سکوت در مقابل اهانت به نظام خلاف شرع است

آیت‌الله نوری همدانی در دیدار جمعی از اعضای نیروی دریایی سپاه پاسداران با اشاره به هنجارشکنی و شعارهای انحرافی در مراسم تشییع منتظری گفت: «سکوت در برابر شعارهای روز دوشنبه جایز نیست، چون ارزشها درهم شکسته و خون شهدا پایمال شد.» وی خواستار عکس‌العمل مناسب مردم در برابر جریانات اخیر شد و افزود: «نباید نظاره‌گر ماجرا بود، چون سکوت و بی‌تفاوتی در این زمینه خلاف شرع است.»[2]

ـ حمایت صهیونیستی از منتظری!

شائول بخاش (مفسر رادیو اسرائیل) در گفتگو با مجله تایم حسینعلی منتظری را به خاطر حضور در صحنه انقلاب و مبارزه برای سرنگونی رژیم سلطنتی پهلوی مورد

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲.

۲- همان.

حمله قرار داد. وی گفت: «منتظری مانند یک رادیکال عمل کرده و از معماران اصلی حکومت اسلامی بود. او در دهه ۱۹۸۰ میلادی حامی نهضتهای آزادیبخش اسلامی در جهان بود، گروهی که خود را متعهد به صدور انقلاب می‌دانستند. فرزند وی محمد، در لبنان به همراه فلسطینیها دوره می‌دید.»[1] این عنصر صهیونیست پس از تخطئه سوابق انقلابی منتظری به ستایش از دوره فاصله گرفتن وی از نظام و انقلاب پرداخت و افزود: «منتظری مخالف حکم خمینی علیه سلمان رشدی بود. او بعدها در زندگی‌اش به مدافع حقوق شهروندی تبدیل شد. او صریح‌اللهجه بود و متعصبان با او مخالفت می‌کردند.»[2]

ـ دستگاه قضایی نباید در محاکمه سران فرقه فتنه تعلل کنند

انجمن فارغ‌التحصیلان مؤسسه آموزشی امام خمینی(ره) با صدور بیانیه‌ای با اشاره به هتک حرمت به تمثال امام راحل، مهمترین رسالت امروز همه اقشار و آحاد ملت را صف‌آرایی در برابر هر جریان گنداب فاسد دانست. در این بیانیه آمده است: «صد البته وظیفه خطیر دستگاه قضایی کشور ایجاب می‌کند هرگز در برابر این همه جنایت و جسارت، کوتاه نیایند و هرچه زودتر با جلب و دستگیری سران فرقه فتنه گر به صورت آشکار آنان را محاکمه کنند تا سیه‌روی شود آن که در او غش باشد.»[3]

ـ بودجه مؤسسه نشر آثار امام(ره) در مسیر خود هزینه نمی‌شود

فاطمه آلیا (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) در گفتگو با فارس درخصوص وظیفه مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام(ره) در حفظ و صیانت از ارزشها و آرمانهای جمهوری اسلامی اظهار داشت: «بعد از رحلت حضرت امام(ره) مجموعه‌ای برای نشر، دفاع و در جهت تقویت و گسترش اندیشه‌های امام(ره) به وجود آمد.»[4] وی افزود، گزارشهایی که به مجلس داده شده نشان از این دارد که بودجه این مجموعه در

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲.
۴- همان.

مسیر خود هزینه نمی‌شود. اگر چنانچه این مطلب ثابت شود باید این هزینه به جایگاه اصلی خود برگردد. زیرا این بودجه در صورت اشاعه، افکار و اندیشه و راه امام راحل است.»[۱]

۱– همان.

چهارشنبه ۲ دی ۱۳۸۸

ـ برگزاری دادگاه تبعه فرانسه

وکیل مدافع کلوینتد ریس تبعه کشور فرانسه که در جریان حوادث پس از انتخابات در ایران دستگیر شده بود، در تشریح جزئیات برگزاری دادگاه رسیدگی به اتهامات موکل فرانسوی خود گفت: «دادگاه رسیدگی به اتهامات ریس در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی صلواتی برگزار شد.»[۱] محمدعلی مهدوی ثابت با بیان این‌که دادگاه رسیدگی به اتهامات موکلم یک جلسه دیگر نیز خواهد داشت، افزود: «بخش آخر ارائه دفاعیات درخصوص اتهامات مطروحه درباره این تبعه فرانسوی به جلسه آتی دادگاه موکول شد.»[۲]

ـ موسوی از ریاست فرهنگستان هنر عزل شد

حجةالاسلام محمدیان (عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی) در گفتگو با فارس از جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی خبر داد و گفت: «اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی میرحسین موسوی را از ریاست فرهنگستان هنر برکنار و علی معلم دامغانی را جایگزین وی کردند.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۳.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۳.

ـ حمایت ملی مذهبی‌ها از قائم‌مقام مخلوع

عبدالعلی بازرگان (از سران گروهک نهضت آزادی) ضمن تجلیلهای بلندبالا از منتظری، در توضیح دلیل این ستایشها در سایت ملی ـ مذهبی نوشت: «منتظری در برابر کسی ایستاد که حاصل عمر او [امام خمینی] حساب شد و کمتر از حضرت امام درباره ایشان نگفته بود... در خانه آیت‌الله منتظری همواره به روی مخالفان باز بود. ما نیز در نهضت آزادی بیانیه‌های خود را از جمله علیه ولایت فقیه و ادامه جنگ را برای ایشان می‌بردیم... در سال ۶۷ پس از عملیات مرصاد، تعدادی از زندانیان که بیشتر آنها از مجاهدین (گروهک منافقین) بودند به اعدام محکوم شدند. فقط آیت‌الله منتظری از حقوق این نیروها که از جمله فرزند او [در ماجرای تروریستی هفتم تیر] کشته بودند، دفاع کرد.»[۱]

ـ نظام برای برخورد با سران فتنه به اندازه کافی سند دارد

حجةالاسلام مجتبی ذوالنور (جانشین نماینده ولی فقیه در سپاه) در جمع بسیجیان استان بوشهر در پاسخ به سؤالی مبنی بر این‌که چرا به کسانی که بعد از انتخابات اعتراضاتی داشتند حقی قائل نشدند، اظهار داشت: «ادعا این بود که در انتخابات عوام‌فریبی شده و کسانی که نمی‌خواستند مدار قانونی را طی کنند و وقتی تمام قانون را زیر پا بگذارند و قصد فریب نظام را داشته باشند، معنی ندارد که به آنان فرصتی داده شود.»[۲]

ـ گام مهم ایشان حمایت از بهائیان بود

دیان علایی (نماینده جامعه بهائیان در خارج از ایران) به رادیو فردا گفت: «فتوای آیت‌الله منتظری درباره این‌که بهائیان هم مثل هر ایرانی دیگری حق شهروندی دارند،

۱- همان.
۲- همان.

واقعاً قدم خیلی مهمی در تاریخ بود.»[۱] عماد باقی نیز به دویچه وله آلمان گفت: «وجه ممیز آیت‌الله منتظری از اغلب علما و مراجع، توجه ایشان به مسائل حقوق شهروندی و حقوق بشری است و انسان را ملاک حقوق در نظر می‌گیرد.»[۲]

ـ هیچ منکری بالاتر از ارتباط با دشمنان ملت نیست

مردم شهیدپرور قم در اعتراض به هتک حرمت برخی افراد معلوم‌الحال در روز تشییع جنازه حسینعلی منتظری، بار دیگر اقدام به برپایی راهپیمایی کردند. راهپیمایی کنندگان در پایان راهپیمایی خود مقابل منزل آیت‌الله نوری همدانی تجمع نمودند. آیت‌الله نوری همدانی در جمع راهپیمایی کنندگان قم با بیان این‌که در هفته امر به معروف و نهی از منکر قرار داریم خاطرنشان کرد، «چه منکری بالاتر از سلطه استکبار بر کشورهای اسلامی. چه منکری بالاتر از این‌که عده‌ای از داخل کشور به دشمنان اسلام چراغ سبز نشان دهند و چه منکری بالاتر از این‌که عده‌ای با دشمنان اسلام یعنی اوباماها، سارکوزی‌ها و مرکل‌ها ارتباط داشته باشند.»[۳] وی در ادامه گفت: «کسانی که فکر کرده‌اند با این حرکتها می‌توانند ریشه ولایت فقیه را سست کنند، سخت در اشتباه‌اند. امروز که بیش از ۲۰ سال از ارتحال امام خمینی(ره) می‌گذرد، آیت‌الله خامنه‌ای توانسته‌اند این نظام را بخوبی اداره کنند و باعث شده‌اند این نظام رشد و پیشرفت بسیاری داشته باشد.»[۴] این مرجع تقلید با بیان این‌که نظام جمهوری اسلامی همیشه پویا و قدرتمند باقی خواهد ماند افزود: «این نظام حلقه اتصال عاشورا به ظهور حضرت مهدی(عج) است و ما به کسانی که به خیال خودشان فکر کنند، می‌توانند ضربه‌ای به این نظام وارد کنند نصیحت می‌کنیم تا دیر نشده به آغوش ملت بازگردند، شما راه به جایی نخواهید برد و این جنبشها برای شما کاری نخواهد کرد.»[۵]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۳.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

پنجشنبه ۳ دی ۱۳۸۸

-رویه نیروی انتظامی در برخورد با اغتشاشات دادن تذکر و مدارا است

به‌گزارش ایرنا سرتیپ اسماعیل احمدی‌مقدم (فرمانده نیروی انتظامی) در جمع خبرگان‌گفت: «مادامی که رفتار معترضان توأم با بی‌قانونی و تخریب و اغتشاش نشود، ما به دادن تذکر و مداراکردن بسنده می‌کنیم. و چنانچه حرکتها به سمت و سوی تخریب و اغتشاش پیش برود. با این حرکتها قاطعانه برخورد خواهیم کرد.»[1] وی اظهار داشت، «هدف اصلی ما در جریانات و اغتشاشهای اخیر، دستگیری لیدرهای اغتشاشات است و در همین راستا فعالیتهای بسیار خوبی در زمینه سازماندهی، مستندسازی و شناسایی این افراد صورت گرفته است.»[2]

-شاهد از تل‌آویو رسید!

سایت وزارت خارجه رژیم صهیونیستی در راستای حمایت از فتنه سبز نوشت: «محرم سبز امسال با شعار هیهات من الذله!» این رژیم که به مدت ۲۲ روز از زمین و دریا و آسمان، به بمباران وحشیانه نوار غزه و قتل عام بیش از ۱۴۰۰ زن و کودک پرداخت، در آستانه تاسوعا و عاشورای حسینی، به صف دعوت به تشنج در مراسم عزاداری پرداخت و مدعی شد: «سبزهای مخالف جمهوری اسلامی تدارک گسترده‌ای علیه رژیم با شعار هیهات من الذله تدارک دیده‌اند. آنها می‌گویند پیام امام حسین از فاجعه کربلا آن بود که

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۷.

۲- همان.

حتی با به خطر انداختن جان نباید تسلیم ظلم شد.»[۱]

ـ باید قدر نعمت ولایت فقیه را در کشور بدانیم

علی لاریجانی (رئیس مجلس هشتم) در گفتگو با باشگاه خبرنگاران با بیان این‌که باید قدر نعمت ولایت فقیه را در کشور دانست، گفت: «اگر در طول تاریخ انقلاب نیز توجه کنیم همیشه این سنگر ولایت فقیه بود که کشور را از نابسامانی‌ها، تجزیه‌طلبی‌ها، درگیریها و مسائل مختلف یا امتحان بزرگ جنگ، موفق بیرون آورد.»[۲] وی اضافه کرد: «یکی از راههای فهم درست شرایط غبارآلود، ولایت فقیه است و این راهی است که در طول تاریخ باعث عظمت برای اسلام بوده است.»[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۷.
۳- همان.

جمعه ۴ دی ۱۳۸۸

ـ کسانی که امام را قبول دارند، علیه دشمنان مردم بیانیه بدهند

آیت‌الله سید احمد خاتمی (امام جمعه موقت تهران) در خطبه‌های نمازجمعه تهران تأکید کرد: «کسانی که امام(ره) را قبول دارند و شاید یادشان رفته در برابر بیگانگان موضع بگیرند، باید علیه اوباما و دشمنان این مردم بیانیه دهند و اگر واقعاً حمایت آنها را نمی‌خواهند باید محکومشان کنند و اگر چنین نکنند به تعبیر مقام معظّم رهبری عیبی در کارشان وجود دارد.»[1] وی با اشاره به درگذشت قائم‌مقام مخلوع رهبری اظهار داشت: «ما در این باره پیام حکیمانه و جامع مقام معظّم رهبری را شنیدیم و ایشان نهایت بزرگواری را در این عرصه داشتند و به تولیت محترم آستان حضرت معصومه(س) فرمودند که هرجا بازماندگان ایشان دلشان می‌خواهد ایشان را دفن کنید. حال بزرگواری و کرامت بالاتر از این می‌شود؟ این در حالی است که متأسفانه شاهد بودیم در همین مراسم عده‌ای ساختارشکن که آب به آسیاب دشمن می‌ریزند ساختارشکنی کردند و شعارهای آمریکا و اسرائیل‌پسند سر دادند. این ناجوانمردی را چگونه تفسیر می‌کنید؟»[2]

ـ راهپیمایی مردم قم در حمایت از رهبری

روز جمعه گروهی از مردم قم در اعتراض به اقدامات ساختارشکنان در حاشیه مراسم تشییع جنازه حسینعلی منتظری، راهپیمایی کردند.[3]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۷. ۲- همان.
۳- همان.

شنبه ۵ دی ۱۳۸۸

ـ ولایتمداری بزرگترین درس مکتب عاشوراست

حجةالاسلام سید محمدحسن ابوترابی (نایب رئیس مجلس هشتم) در اجتماع عزاداران تاسوعای حسینی در قزوین با بیان این‌که دفاع از دین، لحظه و زمان، جمل و نهروان، صفین و عاشورا نمی‌شناسد، اظهار داشت: «دفاع از دین همه حیات و عمر حضرت ابوالفضل‌العباس(ع) است.»[۱] وی تأکید کرد: «امروز مردم حول محور امامت و ولی فقیه عابد، صالح، اسلام‌شناس و خداترس و تسلیم در برابر خدا جمع شده‌اند و این نور ولایت که دیروز در چهره ملکوتی امام خمینی و امروز در چهره خلف صالحش رهبر معظّم انقلاب آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای تجلی یافته است.»[۲]

ـ تلاش برای خودنمایی فتنه‌گران

در حالی که عاشقان اباعبدالله‌الحسین(ع) مشغول سوگواری و عزاداری بودند، گروهی از اغتشاشگران متشکل از ۱۵۰ نفر که قصد داشتند از میدان امام حسین(ع) به طرف میدان انقلاب با ظاهری متفاوت و نامتعارف از سایر عزاداران حرکت کرده و در عزاداری مردم اختلال ایجاد کنند، توسط نیروی انتظامی متفرق شدند.[۳]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۷.
۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۷.

ـ اخلال در سخنرانی خاتمی

شنبه شب پس از ورود محمد خاتمی به حسینیه جماران، هتک حرمت در شب عاشورا توسط فتنه گران اوج گرفت. در این میان، مشاجره‌های لفظی میان هتک حرمت کنندگان شب عاشورا و عده‌ای دیگر به این رفتار معترض بودند، بالاگرفت و در ادامه منجر به زد و خوردهایی شد. در ادامه برنامه در حالی که خاتمی سخنرانی خود را آغاز کرده بود، درگیری میان افراد در محوطه بیرونی حسینیه جماران آغاز شد و سپس نیروی انتظامی با ورود به محل تلاش کرد کنترل اوضاع را به دست بگیرد. در داخل حسینیه جماران و اواسط سخنرانی خاتمی نیز در حالی که چندین بار هتک حرمت شب عاشورا توسط فتنه گران با اقدام به کف زدن تکرار شد، درگیریها بالاگرفت و تعدادی از حاضران با سردادن شعارهایی مانند «منافق حیاکن جماران را رهاکن» خواستار خروج این افراد از حسینیه شدند. خاتمی با مشاهده این وضع سخنرانی خود را قطع کرد و توسط محافظانش بلافاصله به بیرون منتقل شد.[1]

۱- همان.

◆ یکشنبه ۶ دی ۱۳۸۸ ◆

- آشوبگران جریان فتنه حرمت عاشورا را شکستند

فتنه گران بدون توجه به حرمت روز عاشورا از ساعت ۹/۳۰ صبح با حضور در چندین نقطه خیابانهای انقلاب، ولی عصر و بلوار کشاورز اقدام به اغتشاشگری کردند. اهانت به مقدسات، حمله به چند روحانی و زنان محجبه و تخریب اموال عمومی از جمله اقدامات این گروه آشوب‌طلب بود. در این اغتشاشات به چند خودروی نیروی انتظامی و وسایل نقلیه عمومی و خصوصی و چند بانک خساراتی وارد شد و تعدادی موتورسیکلت و سطل زباله در خیابان انقلاب در میان سوت و کف به آتش کشیده شد. در حوالی بعدازظهر، پس از دخالت نیروی انتظامی، دستگیریهایی در برخی نقاط خیابانهای انقلاب، ولی عصر و بلوار کشاورز رخ داد. عده‌ای از حامیان فرقه سبز، با حضور در میدان جمهوری اسلامی و مشاهده برگزاری نماز ظهر عاشورا در هیأت رهپویان آل طاها، به عزاران حسینی حاضر این هیأت هجوم آورده و به سمت آنان سنگ‌پرانی کردند.[۱]

- عزاداران حسینی در تهران به آشوبگران امان ندادند

عزاداران حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) به محض آن که دریافتند که اغتشاشگران در برخی خیابانهای تهران مشغول حرمت‌شکنی هستند، مجالس عزاداری خود را نیمه‌تمام رها کرده و با حضور در خیابانها ظرف چند دقیقه بساط فتنه را درهم پیچیدند.[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۷.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۷.

ـ حمایت صریح غرب از هتاکان روز عاشورا در تهران

تنها ساعتی پس از اغتشاشات تهران، سه کشور غربی آمریکا، ایتالیا و فرانسه با صدور بیانیه‌هایی که از محتوای آنان مشخص است از قبل آماده بوده‌اند، به اعلام حمایت از اغتشاشگران روز عاشورا در تهران پرداختند که این امر در کنار خط خبری رسانه‌های آنان ریشه‌های وابستگی فتنه‌های اخیر به بیگانگان را بیش از پیش آشکار کرد.[1]

ـ ترور مشکوک خواهرزاده میرحسین موسوی

سید علی موسوی حبیبی (خواهرزاده میرحسین موسوی) در حوالی پل کالج به طرز مشکوکی بر اثر شلیک گلوله کشته شد.[2]

ـ سران فتنه در حرمت‌شکنی روز عاشورا دخیل هستند

علیرضا زاکانی (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) در گفتگو با فارس درخصوص حرمت‌شکنی عده‌ای از حامیان موسوی از روز عاشورا و اقدامات ساختارشکنانه و آتش زدن برخی اماکن عمومی اظهار داشت: «اینها مسیر رو به سقوط خود را روزبه‌روز بیشتر رونق می‌دهند و با داشته‌های این ملت و سرمایه‌های عظیم این کشور و فراتر از آن با سرمایه‌های عظیم عالم تشیع و اسلام برخورد ابزاری می‌کنند و برای رسیدن به اهداف دون و پست خود به این روزها تمسک پیدا می‌کنند.»[3] وی افزود: «در این مسیر کسانی که شروع این حرکت را با دستان خود و گمانه‌زنی نادرست رقم زدند و با بیانیه‌های متعدد و سخنرانیها بر آتش این فتنه افروختند، همانها مقدمات این امر را فراهم آوردند و اگر برائت نجویند و با دستان خود از این اقدامات حامیانشان ممانعت نکنند در این فتنه‌ها دخیل هستند.»[4]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۸.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۷.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۷.
۴- همان.

دوشنبه ۷ دی ۱۳۸۸

- واکنش قاطع مراجع تقلید و علما به هتک حرمت عاشورا

به دنبال اهانت همراه با سوت و کف تعدادی از حامیان موسوی و فرقه سبز، به مقدسات در روز عاشورا، مراجع عظام تقلید و علمای دینی این اقدام را محکوم کردند. آیت‌الله نوری همدانی با صدور بیانیه‌ای حرمت‌شکنی عده‌ای در روز عاشورای حسینی را محکوم و تأکید کرد: «ملت انقلابی ایران، چهره فتنه گران و فتنه‌سازان را نمایان‌تر خواهد ساخت و آنان را به جزای اعمال خود خواهند رساند.»[1]

آیت‌الله سبحانی نیز در پیامی تصریح کرد: «فریب‌خوردگان در عواقب اعمال خود بیندیشند و به آغوش ملت مسلمان بازگردند. ما هرگز فکر نمی‌کردیم که در چنین روز مقدسی که حتی پیروان ادیان دیگر نیز نسبت به آن روز احترام قائل هستند و در برخی از کشورهای غیراسلامی عاشورای حسینی تعطیل رسمی است، چنین رویداد دور از اخلاق انسانی رخ دهد و قداست آن روز شکسته شود.»[2]

آیت‌الله مکارم شیرازی با صدور بیانیه‌ای ضمن محکوم کردن این اقدام اعلام کرد: «هدف مغرضان فقط ویران کردن کشور و تجزیه آن و سپردن به دست بیگانگان است که قطعاً با هوشیاری وفاداران به اسلام و نظام هرگز به اهداف شوم خود نخواهند رسید.»[3]

آیت‌الله جوادی آملی نیز با اشاره به اغتشاشات روز عاشورا گفت: «اهانت به مقدسات بخصوص در روز عاشورا برای همیشه محکوم است و اهانت کنندگان به

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۹.
۲- همان.
۳- همان.

مقدسات برابر قانون باید مورد مؤاخذه قرار بگیرند.»[1]

ـ بیانیه سپاه پاسداران در محکومیت هتک حرمت عاشورا

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای با محکومیت شدید حرمت‌شکنی عاشورای حسینی، اهانت و جسارت بزرگ فتنه گران و آشوب‌طلبان در روز عاشورا را نشان بن‌بست آشکار استکبار جهانی و ضد انقلاب داخلی و خارجی در دستیابی به هدف غایی فتنه‌آفرینی‌های اخیر دانست. در این بیانیه آمده است: «خط جدید فتنه و آشوب به پایان خود نزدیک شده است و طراحان و برنامه‌ریزان آن دیر یا زود بایستی هزینه جسارت و گستاخی خود به مقدسات ملت ایران را بپردازند.»[2]

ـ برخورد قاطع با عوامل هتک حرمت روز عاشورا چشم فتنه راکور می‌کند

شورای نگهبان قانون اساسی با صدور اطلاعیه‌ای اقدام گروهی فتنه گر در هتک حرمت عاشورا را محکوم و تنها راه کور کردن چشم فتنه را شناسایی عوامل و مسببان این وقایع و برخورد قاطع و قانونی با آنان دانست. در اطلاعیه شواری نگهبان آمده است: «متأسفانه در روز عاشورای درحالی‌که ملت مسلمان ایران، در صفوفی یکپارچه در مجالس عزاداری و روضه‌خوانی، به سوگ شهادت حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) و یاران باوفایش نشسته و به تکریم نهضت عاشورا می‌پرداختند، گروهی دین‌ستیز و فتنه‌انگیز، با کف و سوت و هلهله، حرمت این روز الهی را شکستند و به طور سازمان یافته و هماهنگ، دست به آشوبهایی زدند تا قلب استکبار جهانی و رسانه‌های وابسته به صهیونیسم بین‌الملل را شاد کنند.»[3]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۸.
۳- همان.

ـ سکوت خواص به فتنه‌گران جرأت جسارت به مقدسات داد

مهرداد بذرپاش (رئیس سازمان ملی جوانان) در گفتگو با فارس درباره حوادث روز عاشورا در تهران گفت: «خواصی که ٦ ماه است سکوت اختیار کرده‌اند باید چشمان بصیرت خود را باز کنند و ببینند که ادعای دروغ و تقلب در انتخابات به چه پلیدیهایی منتهی شده است.»[1]

ـ اطلاعیه فرماندهی انتظامی تهران بزرگ درخصوص وقایع عاشورا

فرماندهی انتظامی تهران بزرگ طی اطلاعیه‌ای با اشاره به برگزاری باشکوه مراسم عاشورای حسینی و تشکر از حمایت مردم شریف و عزادار از کارکنان نیروی انتظامی به تشریح فتنه، فتنه‌گران در این روز پرداخت. در این اطلاعیه با بیان این‌که در این اغتشاشات ۵ نفر به طرز مشکوکی جان باختند و تعدادی نیز مجروح شدند، آمده است: «متأسفانه معدودی از فتنه‌گران با برنامه‌ریزی قبلی و بر اساس هدایت و فراخوان رسانه‌های بیگانه و با حضور در برخی خیابانها و مسیرهای عزاداران حسینی با طرح شعارهای انحرافی اقدام به اخلال در نظم عمومی کرده که بلافاصله فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ با حضور در صحنه و از طریق گفتگو، تلاش به برقراری نظم و آرامش و حفظ حرمت این روز عزیز و تسهیل عزاداری مردم کرد که با هجوم و پرتاب اشیاء از سوی فتنه‌گران وی و تعدادی از مأموران نیروی انتظامی مجروح و مصدوم شدند.»[2]

ـ حمایت آمریکا از جنبش سبز ایران نباید آشکارا باشد

نشریه فارین پالیسی (مجله مشهور آمریکایی) در گزارشی با اشاره به حمایتهای غرب از اغتشاشات در ایران نوشت: «ما در آمریکا و غرب از تحرکات داخلی ایران

۱- همان. ۲- همان.

گوشه ای از تعرض فتنه گران در روز عاشورا (۶ دی ۸۸)








ولی لمن والاکم









اطلاع دقیقی نداریم تا بتوانیم از روی آگاهی در امور این کشور مداخله کنیم و تلاش برای تقویت و حمایت آشکارا از جنبش سبز نیز به نظر می‌رسد بیش از آن که کمک کننده باشد، به آنها آسیب برساند. بنابراین موضع‌گیری رسمی آمریکا باید از هرگونه اشاره به این امر که ما در حال حمایت از سبزها هستیم و یا به طور فعالانه با ارسال کمک مادّی از آنها پشتیبانی می‌کنیم، به دور باشد.»[۱]

ـ بازداشت برخی اطرافیان موسوی

به دنبال اغتشاش‌آفرینی طرفداران فرقه سبز در روز عاشورا، فروزنده مسؤول دفتر، محمد باقریان مشاور ارشد و قربان بهزادیان‌نژاد رئیس ستاد انتخاباتی میرحسین موسوی بازداشت شدند. همچنین افرادی چون مرتضی حاجی، حسن رسولی رئیس و قائم‌مقام بنیاد باران، عمادالدین باقی مشاور کروبی و ابراهیم یزدی دبیر نهضت آزادی دستگیر شدند.[۲]

ـ بیانیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با صدور بیانیه‌ای حرمت‌شکنی، کف و سوت زدن و شعارهای ساختارشکنانه در عاشورای حسینی را محکوم کرد. در این بیانیه آمده است: «امروز پاسخگویی به ندای هل من ناصر حسینی در استمرار آرمان امام راحل و شهدای والامرتبه اسلامی و حفظ و حمایت از نظام مقدس جمهوری اسلامی و ولایت فقیه و بصیرت در برابر فتنه گران و اطاعت از ولی فقیه واجب‌الاطاعه و رهبر حکیم و فرزانه حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای که حجت شرعی و قانونی برای همه است، تجلی پیدا می‌کند.»[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۸.
۳- همان.

ـ نامه سرگشاده حمید روحانی به هاشمی رفسنجانی

حجةالاسلام سید حمید روحانی طی نامه‌ای سرگشاده در پاسخ به نامه دفتر رئیس تشخیص مصلحت نظام درباره افشاگریهای اخیر خود نوشت: «این نخستین بار نیست که جناب‌عالی برای به زیر سؤال بردن کسانی که به نقد از کار و کردار شما برخاسته‌اند، به اتهام‌زنی روی می‌آورید و تلاش می‌کنید که زبانها را ببندید و قلمها را بشکنید.»[۱] وی با اشاره به نامه سرگشاده هاشمی به رهبر انقلاب تصریح کرد: «آن نامه اگر از سوی تکنوکراتها و لیبرالهای معاند و مغرض (که امروز به دروغ سنگ آقای هاشمی را به سینه می‌زنند) و اپوزیسیون نظام منتشر می‌شد، هضم آن برای دوستان و دوستداران انقلاب آسان بود، امّا بالا زدن آستین همت توسط بعضی برای برآورده کردن آرزوی محال دور کردن مردم از ولایت و اعلان جنگ نیمه‌رسمی به مقام معظّم رهبری، از سوی کسانی که داعیه ارادت به شخصیت حقوقی و حقیقی ولایت دارند، از تناقضهای عجیب و غریب روزگار است.»[۲]

ـ وضعیت بغرنج سران فتنه پس از حرمت‌شکنی روز عاشورا

زود دویچه سایتونگ (روزنامه آلمانی) در گزارشی ضمن برشمردن برخی شعارهای ضد انقلابی و ضد اسلامی آشوبگران در روز عاشورا و اشاره به ادعای موسوی و کروبی در زمینه قانون‌گرایی و پایبندی به انقلاب نوشت: «وضعیت اخیر، کروبی و موسوی را با بن‌بست مواجه کرده است. اگر آنها بر چارچوبهای قانونی تأکید کنند، مخالفان را که خواستار براندازی جمهوری اسلامی هستند از دست خواهند داد، امّا در صورتی که موسوی و کروبی هم شعار تغییر رژیم سر دهند با حکومت مواجه و به احتمال زیاد محاکمه خواهند شد.»[۳]

۱- همان. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۸.

ـ بیانیه کروبی و حمایت از اوباش

مهدی کروبی (کاندیدای شکست‌خورده انتخابات دهم) با صدور بیانیه‌ای به جای تخطئه آشوبگرانی که حرمت عاشورا و عزاداری ملی برای سالار شهیدان را شکستند، به حمایت از اوباش پرداخت. بیانیه کروبی طبق معمول مورد حمایت رسانه‌های استکباری نظیر بی بی سی، رادیو فردا، گویانیوز و ... قرار گرفت.[۱]

ـ حمایت بی‌پرده آمریکا و رژیم صهیونیستی از فتنه‌گران

باراک اوباما (رئیس‌جمهور آمریکا) که برای گذراندن تعطیلات در جزایر هاوایی به سر می‌برد روز دوشنبه در بیانیه‌ای تصریح کرد که آمریکا به حمایت از اغتشاشگران متعهد است. اوباما در این بیانیه با دخالت در امور داخلی ایران خواستار آزادی آن دسته از آشوب‌طلبانی شد که در حوادث اخیر بازداشت شده‌اند. رئیس‌جمهور آمریکا همچنین در بیانیه خود متعهد شد تا در حوادث استثنایی و فوق‌العاده از اغتشاشگران حمایت کند و اعلام کرد که تاریخ طرف افرادی خواهد بود که به اصطلاح خواهان عدالت هستند.[۲]

ـ دستگیری چند نفوذی نهضت آزادی در رسانه‌ها

شماری از رابطین روزنامه‌ها و سایت‌های داخلی با رسانه‌های ضد انقلاب خارجی که عموماً نفوذی گروهک نفاق محسوب می‌شوند به خاطر تحریک و زمینه‌چینی هتاکی و اغتشاش در روز عاشورا بازداشت شدند. پارلمان نیوز (سایت اقلیت مجلس) خبر داد: «کیوان مهرگان و رضا تاجیک بازداشت شده‌اند.»[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۹.
۳- همان.

ـ حوادث روز عاشورا نشان داد بحث انتخابات یک بهانه بود

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) در حاشیه مراسم تودیع و معارفه سرپرست دادسرای فرودگاههای تهران در جمع خبرنگاران در مورد تعداد کشته‌شدگان در حادثه عاشورا اظهار داشت: «۷ نفر در تهران کشته شدند و یک مورد اعلام شده با گلوله بوده که نیروی انتظامی رسماً اعلام کرده هیچ گلوله‌ای شلیک نکرده است، لذا موضوع شلیک گلوله در دست تحقیق است. بقیه کشته شدگان بر اثر برخورد جسم سخت و آسیب مشابه کشته شده‌اند و دو مورد هم بر اثر اصابت گلوله ساچمه‌ای بوده که اساساً در اختیار نیروی انتظامی نیست.»[۱] وی در ادامه افزود: «متأسفانه در روز عاشورا شاهد اقدامات ساختارشکنانه در تهران بودیم. وقتی مردم مشغول عزداری بودند، عده‌ای مجرم و ضد انقلاب به دور از چشم مردم فکر کردند که با تخریب اموال عمومی و شکستن حرمتها می‌توانند به انقلاب ضربه بزنند، امّا بی‌حرمتی و ساختارشکنی به انقلاب و ارزشهای انقلاب اسلامی نشان داد که بحث انتخابات بهانه‌ای بیش نبود و ماهیت کسانی که در قالب انتخابات اعتراض کرده بودند، مشخص شد، امّا انقلاب از این‌گونه حرکتها هیچ آسیبی نخواهد دید.»[۲]

۱- همان. ۲- همان.

سه‌شنبه ۸ دی ۱۳۸۸

ـ تجلیل آیت‌الله نوری همدانی از صلابت و مدیریت رهبر انقلاب

آیت‌الله نوری همدانی در دیدار جمعی از کارکنان و فرماندهان نیروی انتظامی، زندگی توأم با عزّت را اصل اساسی اسلام دانست و گفت: «بعد از امام دشمنان چنگ و دندان تیز کرده بودند و در رأس همه استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا می‌خواستند انقلاب را تضعیف کنند. با جنگهای سخت و نرم آن را براندازند، امّا کسی که توانست ۲۰ سال با قدرت این انقلاب را نگه دارد، آیت‌الله خامنه‌ای بود.»[۱] این مرجع تقلید با اشاره به وقایع عاشورا در تهران اظهار داشت: «کسانی که روز عاشورا به مردم عزادار حمله کردند، چه هدفی دارند؟ اینها با عاشورا که درس آزادگی و مبارزه با ظالم می‌دهد مخالفند و با کار خود استکبار را خوشحال کردند.»[۲]

ـ ایفای نقش برخی چهره‌های سیاسی به عنوان پل آمریکا و انگلیس

حجةالاسلام صدیقی (امام جمعه موقت تهران) با انتقاد شدید از سکوت معنادار برخی چهره‌های سیاسی افزود: «متأسفانه برخی از افراد پل آمریکا و انگلیس شده‌اند. وقتی قداست نمازجمعه شکسته شد و آقایان سکوت کردند، قداست روز قدس و ماه رمضان شکست و باز هم سکوت کردند. به امام راحل(ره) اهانت شد، سکوت کردند، نتیجه‌اش همین شد که حریم روز عاشورا را نیز مورد تعرض قرار دادند. البته این اقدامات

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۹.

۲- همان.

باعث رسوایی بیشتر جریان نفاق شد.»[۱]

ـ خروش ملت علیه حرمت‌شکنان عاشورا

مردم استانهای خراسان رضوی، اصفهان، فارس، آذربایجان شرقی، خراسان شمالی، همدان، خوزستان، کرمانشاه، ایلام، چهارمحال و بختیاری، سیستان و بلوچستان، مرکزی، سمنان، گلستان، گیلان، لرستان و مازندران و ... با حضور حماسی خود از اهانت کنندگان به باورهای اسلامی ابراز انزجار کردند. راهپیمایان با سردادن شعارهای مرگ بر منافق، مرگ بر آمریکا، مرگ بر انگلیس، حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست، خشم و انزجار خود را از هتاکان به حریم اباعبدالله‌الحسین(ع) در روز عاشورا اعلام و از اصل ولایت فقیه حمایت کردند.[۲]

ـ حوادث روز عاشورا نمایشنامه‌ای صهیونیستی ـ آمریکایی بود

دکتر محمود احمدی‌نژاد در مراسم معارفه رئیس فرهنگستان علوم پزشکی با ابراز تأسف عمیق از حوادث روز عاشورا خاطرنشان کرد: «ملت ایران از این بازیها زیاد دیده است، نمایشنامه‌ای که صهیونیستها و آمریکاییها آن را سفارش دهند و بلیتش را پیش‌خرید کنند فقط خودشان تماشاچی آن هستند.»[۳] وی بار دیگر بدخواهان ملت ایران را به تأمل درباره رفتارشان در قبال ملت ایران فراخواند و در عین حال تصریح کرد: «آنها خواهند دید که ملت ایران با حضور در صحنه بار دیگر آنان را شرمنده می‌کند، عقب می‌زنند و در تاریخ رسوایشان می‌کند.»[۴]

ـ راهپیمایی نمایندگان مجلس در محکومیت فتنه‌گران

۲۲۲ نماینده مجلس شورای اسلامی که تمامی نمایندگان حاضر در جلسه علنی را

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۹.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۹.
۴- همان.

تشکیل می‌دادند با امضای بیانیه‌ای خواستار اشدّ مجازات برای هتاکان به عاشورای حسینی شدند. حجةالاسلام روح‌الله حسینیان طی سخنانی در مجلس با اشاره به حوادث پیش‌آمده گفت: «آیا وقت آن نرسیده که تسامح را کنار گذاشته و از این مزدوران وابسته به دشمن با اسم و نام اعلام برائت کنیم؟»[۱] حسینیان در پایان از نمایندگان خواست تا دقایقی در راهپیمایی خارج از صحن مجلس در محکومیت این اقدام پلید شرکت کنند و نمایندگان نیز با برپایی راهپیمایی تا مزار شهدای گمنام مجلس خشم و انزجار خود را از فتنه‌گران به نمایش گذاشتند.[۲]

ـ آقایان به جای صدور بیانیه مسیر خود را روشن کنند

علی لاریجانی (رئیس مجلس هشتم) طی سخنانی در صحن علنی مجلس از سران جریان چپ خواست به جای صدور بیانیه مسیر خود را روشن کنند. وی اظهار کرد: «ما حساب جریانهای سیاسی داخل انقلاب نظیر جریانهای موسوم به چپ در نظام را از افراد ضد انقلاب جدا می‌نماییم، چه آنان که عموماً حسن سابقه در دیانت از انقلاب و تعلق خاطر به انقلاب و آرمانهای امام خمینی(ره) داشتند امّا انتظار هم داشتیم برخی از آقایان که در حوادث انتخابات اعتراضاتی داشتند به هوش بیایند، با این همه اماره و بینه مسیر خود را به طور روشن از این جریان زشت‌کار جدا کنند نه این‌که مجدداً بیانیه صادر و در آن فضا را غبارآلوده‌تر کنند.»[۳]

ـ ملت فهیم ایران بازی‌خوردگان استکبار را سر جای خود می‌نشانند

هیأت دولت جمهوری اسلامی ایران سه‌شنبه با انتشار اطلاعیه‌ای با عرض تسلیت به محضر بقیةالله‌الاعظم و نایب بر حقش حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اعلام کرد که همراه با اقشار مختلف مردم انزجار خود را از ساختارشکنان بی‌هویت که به ایمان و مقدسات

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.

مردم اهانت کردند، اعلام می‌دارد.[1]

ـ اطلاعیه فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ درباره وقایع روز عاشورا

مرکز اطلاع‌رسانی فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ در اطلاعیه خود پیرامون حوادث روز عاشورا آورد: «در روز عاشورای حسینی فتنه گران با سوءاستفاده از خویشتن‌داری مأموران خدوم نیروی انتظامی و با برنامه‌ریزی قبلی و هدایت و فراخوان بیگانگان، اقدام به تحرکات ضد انقلابی، تخریب اموال دولتی، عمومی و شخصی، ضرب و شتم عزاداران حسینی و حمله به مأموران انتظامی نمودند که با بررسیهای صورت گرفته وضعیت جان‌باختگان این حوادث جهت آگاهی افکار عمومی به شرح زیر اعلام می‌گردد: ۱ـ آقای سید علی موسوی حبیبی بدون این‌که در صحنه اغتشاشات حضور داشته باشد در یکی از خیابانها فرعی تهران (خیابان شادمان) در حدود ساعت ۱۲ الی ۱۳ روز ششم دی در حین حرکت به دست سرنشینان یک دستگاه خودرو با سلاح گرم هدف ترور قرار گرفته که به علت تأخیر در انتقال به بیمارستان دچار خونریزی شدید شد و فوت کرد. تحقیقات گسترده برای شناسایی عنصر یا عناصر تروریست ادامه دارد. ۲ـ دو نفر با هویت معلوم در روز یادشده در تقاطع خیابانهای انقلاب و حافظ در جریان حمله و تهاجم با اشیای سخت به مأموران نیروی انتظامی زخمی شدند و پس از انتقال به بیمارستان جان باختند. ۳ـ یک نفر با هویت معلوم به علت سقوط از پل و دو نفر یکی با هویت معلوم و دیگری با هویت نامعلوم بر اثر برخورد خودرویی با آنان در تجمع اغتشاشگران جان باختند. تحقیقات در این باره ادامه دارد. ۴ ـ یک نفر با هویت نامعلوم در جریان اغتشاشات با ضربات کارد کشته شده است.»[2]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۹.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۹.

ـ تجمع دانشجویان دانشگاه تهران در مقابل قوّه قضائیه

دانشجویان دانشگاه تهران در اعتراض به حرمت‌شکنی حامیان جنبش سبز در روز عاشورا، در مقابل قوّه قضائیه تجمع کرده و به مسؤولان این قوّه برای برخورد با سران فتنه طبق قانون مجازات اسلامی یک هفته مهلت دادند.[۱]

ـ کاسه صبر مردم لبریز شده است

به گزارش خبرگزاری فارس آیت‌الله محسن مجتهد شبستری (امام جمعه تبریز) ظهر سه‌شنبه در جمع راهپیمایان تبریزی اظهار داشت: «یک عده قلیل که با حرکتهای بی‌شرمانه خود این بار در روز عاشورا یزید بودن خود را عیان و اثبات کردند، باید از کار خود شرم کنند.»[۲] امام جمعه تبریز در ادامه جریان کشته‌سازی در اغتشاشات اخیر را از دیگر حربه‌های تبلیغاتی رسانه‌های بیگانه خواند و افزود: «در روز عاشورا دلایل قتل برخی از کشته‌شدگان کاملاً مشخص شده است چرا که دست داشتن منافقان در این قتلها آشکار است.»[۳] وی با بیان این‌که کاسه صبر این مردم لبریز شده است، گفت: «۲۰۰ نفری که در تهران به خود اجازه دادند و پرچم امام حسین(ع) را آتش زدند، با وقاحت تمام قداست‌شکنی کردند و در روز عاشورا سوت و کف به راه انداختند، بدانند که امت اسلامی با این حرکتهای مغرضانه دست از ولایت و امامت برنخواهند داشت.»[۴]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۰.
۳- همان.
۴- همان.

چهارشنبه ۹ دی ۱۳۸۸

ـ بترسید از روزی که اقیانوس عظیم ملّت به خروش آید

دکتر محمود احمدی‌نژاد در پایان نشست هیأت دولت در جمع خبرنگاران گفت: «سران آمریکا و برخی کشورهای اروپایی یک بار دیگر، هم در طراحیهای خود و هم در موضع و رفتارشان دچار اشتباه شده‌اند.»[۱] وی با اشاره به سخنان مداخله‌جویانه غربیها بر ضد ایران تصریح کرد: «آنها ملت ایران و انقلاب اسلامی را نمی‌شناسند و برخی حوادث که اتفاق می‌افتد برای ما روشن است که سفارش آنهاست و این حوادث هیچ ارزشی برای ملت ایران ندارد.»[۲] رئیس‌جمهور اضافه کرد: «از ابتدا هم معلوم بود که آنها ملت ایران، استقلال، عزّت و ایمان و آرمان ملت ایران را هدف قرار داده‌اند و خودشان هم این موضوع را اعلام کرده‌اند که به دنبال زدن اساس ملت ایران هستند.»[۳] احمدی‌نژاد افزود: «ایران یکپارچه اقیانوس عظیمی از ملت باهوش، خروشان، مؤمن، متعهد و هوشمند است و بترسند از روزی که این اقیانوس عظیم به خروش بیاید و بعد آن برای آنها دیگر راه برگشتی باقی نمی‌ماند و پشیمانی هم سودی نخواهد داشت.»[۴]

ـ محاکمه سران فتنه مطالبه‌ای عمومی است

آیت‌الله محمدعلی تسخیری (دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی) با بیان این‌که اعتراضات و فعالیتهای سران فتنه از ابتدا انحرافی و در خط شیطان بود اظهار

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۰.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

داشت: «البته مشخص بود که این خط انحرافی نمی‌تواند قانون اساسی و ولایت فقیه را قبول کند، بنابراین شروع به مخالفت با ولایت فقیه و عوامل نظام کرد و روزبه‌روز گامهای بلندتر شیطانی خود را برداشت تا به هتک حرمت به امام خمینی(ره) و اباعبدالله‌الحسین(ع) در روز عاشورا رسید.»[۱] آیت‌الله سید احمد خاتمی (عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان) نیز ضمن محکوم کردن اهانت به روز عاشورا بیان کرد: «آشوبگران در روزی که همه ملت ایران مشغول عزاداری حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) بودند، زیر پرچم سران فتنه به صحنه آمدند و دیگر جایی برای انکار این مطلب نیست.»[۲] اسدالله بادامچیان (قائم‌مقام حزب مؤتلفه اسلامی) نیز تحرکات فرقه سبز در روز عاشورا را شبیه رفتار لشکریان عمر سعد دانست و گفت: «این افراد با آتش زدن و تخریب اموال عمومی و سردادن شعارهای ضد نظام و سنگ‌اندازی، شبیه لشکریان عمر سعد عمل کردند که به پیکر اباعبدالله‌الحسین(ع) سنگ زدند و خیمه‌ها را آتش زدند.»[۳] محمود احمدی بیغش (عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس) نیز ضمن محکوم کردن فتنه آشوبگران در روز عاشورا بیان داشت: «امروز در رأس فتنه، آمریکا و اسرائیل است و آنان سران این فتنه را در دست دارند و به هرسو که بخواهند هدایت می‌کنند. موسوی، کروبی و خاتمی با دست آنان به این سو و آن سو هدایت می‌شوند.»[۴]

ـ برخی از سران غائله روز عاشورا شناسایی و دستگیر شده‌اند

حجةالاسلام مصلحی (وزیر اطلاعات) در حاشیه جلسه هیأت دولت در جمع خبرنگاران با اشاره به غائله روز عاشورا گفت: «به طور قطع اغتشاشات صورت گرفته در روز عاشورا از سوی ضد انقلاب بوده است و اینها از فرصت زمانی که مردم مشغول عزاداری سالار شهیدان بودند سوءاستفاده و چهره خود را برملا کردند و افرادِ قابل

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

توجهی دستگیر شدند که مجموعه‌هایی از مارکسیستها، منافقان و دیگر گروهها حضور داشتند.»[۱]

ـ بیانیه مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره حوادث روز عاشورا

مجمع تشخیص مصلحت نظام با صدور بیانیه‌ای حوادث روز عاشورا را محکوم کرد. در این بیانیه آمده است: «حوادث تأسف‌بار روز عاشورا در خیابانهای تهران این نگرانی را در میان دلسوزان واقعی نظام و قاطبه مردم عمیق‌تر کرده است که معاندین با دلایل غیرمنطقی هدف وسیله را توجیه می‌نماید حاضرند برای مطامع زودگذر دنیوی خویش، علاوه بر استفاده ابزاری از نظام اسلامی و کلیت آن، عاشورا و فرهنگ عدالت‌خواهی و شهادت‌طلبی سرور شهیدان را نیز مخدوش نمایند. این گروه امروز نیز حقانیت اسلام و انقلاب و نظام ولایی و رهبری را برنمی‌تابند و اقداماتی کرده‌اند که دشمنان قسم خورده ما را شاد و وفاداران به نظام را خشمگین کردند.»[۲]

ـ ماهیت مخالفان آشکار شد

حجةالاسلام ناطق نوری (رئیس دفتر بازرسی مقام معظّم رهبری) جسارت به ساحت مقدس امام حسین(ع) را محکوم کرد و گفت: «این امر از این حکایت می‌کند که اقلیتی کوچک و فریب خورده با استفاده از این فرصت خواسته یا ناخواسته در پی پیاده‌سازی اهدافی بودند که در سی سال گذشته دشمنان این کشور آنها را دنبال می‌کردند. مردم باید آگاه باشند و اوّلاً حساب این اقلیت را از کسانی که ممکن است حرف و نقد هم داشته باشند ولی پایبند به قانون اساسی، و ولی فقیه هستند جدا کنند و ثانیاً منتقدان و معترضان که پایبند به این اصول هستند هم باید هوشیار باشند و حساب خود را از این اقلیت فریب خورده جدا کنند.»[۳]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۰. ۲- همان.

۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۰.

ـ شعار نه غزه نه لبنان شعاری انحرافی و کار افراد نفوذی است

حجةالاسلام علی‌اکبر محتشمی‌پور با بیان این‌که کسانی که به عمد شعار نه غزه نه لبنان را می‌دهند خائن هستند، گفت: «ما باید طرفدار مظلوم باشیم و جان خود را فدای آرمانهای بلند اسلام بکنیم.» وی این‌گونه شعارهای انحرافی در داخل کشور را موجب انزوای جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌الملل و جهان اسلام دانست و آن را رد کرد.[۱]

ـ اهانت‌کنندگان به مقدسات توبه کنند

آیت‌الله جنتی (دبیر شورای نگهبان) با بی‌سابقه دانستن اهانت به مقدسات در ایران گفت: «فریب خوردگان باید فکر کنند و ببینند که چگونه با جان، آبرو و آینده خود بازی می‌کنند. این ننگی است که برای همیشه بر دامان آنها می‌ماند و باید توبه کنند که البته اگر توبه کنند هم خدا توبه‌شان را قبول می‌کند هم نظام. امیدوارم این افراد زمانی توبه نکنند که کار از کار گذشته باشد.»[۲]

ـ طرفداران موسوی در عمل اعتقادی به قانون ندارند

حجةالاسلام احمد سالک (سخنگوی جامعه روحانیت مبارز) با بیان این که مواضع اصلاح‌طلبان خلاف ادعاهای گذشته‌شان مبنی بر پایبندی به نظام و قانون را به اثبات رسانده است، گفت: «حمله سران اصلاح‌طلب به ارکان اصلی نظام از شورای نگهبان و وزارت کشور گرفته تا قوّه قضائیه همچنین تلاش این گروه در خودمحوری گوشه‌هایی از فعالیت این جریان در به اثبات رساندن عدم پایبندی اصلاح‌طلبان به نظام و قانون است.»[۳] وی سکوت سران اصلاح‌طلب در مقابل قانون‌شکنی و مواجهه با هتک حرمت نسبت به امام(ره) و ساحت مقدس امام حسین(ع) را حاکی از عدم اعتقاد به قانون دانست

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۰.
۳- همان.

و گفت: «مردم ما با اعتقاد قلبی به اسلام و تبعیت از ولایت فقیه عملاً پایبندی خود به نظام و قانون را نشان دادند، لذا در حال حاضر مردم تنها در انتظار مجازات سران فتنه و اغتشاشگران هستند.»[1]

ـ خشم و انزجار ملت ایران از حرمت‌شکنان فتنه‌گر

مردم سراسر کشور در اعتراض به هتک حرمت روز عاشورا با برگزاری راهپیمایی، ضمن برائت از اغتشاشگران، انزجار خود را از این اعمال اعلام کردند و خواستار مجازات مسببان این حرمت‌شکنی و سران فتنه شدند.[2]

ـ راهپیمایی عظیم عاشورائیان و خلق حماسه تاریخی ۹ دی

مردم مسلمان و انقلابی تهران با حضور چند میلیونی و کم‌سابقه در میدان انقلاب و خیابانهای اطراف حماسه‌ای تاریخی را خلق کرده و خشم و انزجار خود را از حرمت‌شکنان عاشورای حسینی و سران جریان فتنه اعلام کردند. قشرهای مختلف مردم با شرکت در این راهپیمایی عظیم شعارهای «ما پیروان مکتب حیدریم، حامی دین پشت سر رهبریم، آبروی یزیدیان می‌بریم» و «منافقین خوار و ذلیل و پستند، طایفه بنی امیه هستند، حرمت عاشورا را شکستند»، «ما اهل کوفه نیستیم، علی تنها بماند» «مرگ بر ضد ولایت فقیه» «خامنه‌ای رهبر است، دشمن او ابتر است» «حسین حسین شعار ماست، شهادت افتخار ماست» و... با آرمانهای حضرت امام(ره) و مقام معظّم رهبری بیعت کردند.

در این مراسم سعید حدادیان (مداح اهل بیت(ع)) ضمن محکومیت اهانت به مقداست توسط فرقه سبز با خواندن ابیاتی با عنوان «در ظهر عزا، حرمت ارباب شکستند، علمدار کجایی، علمدار کجایی» و «این فتنه گران راه عزادار تو بستند، علمدار کجایی،

۱- همان.
۲- همان.

علمدار کجایی» به مرثیه‌سرایی پرداخت. آیت‌الله علم‌الهدی (امام جمعه مشهد) نیز در تجمع بزرگ و پرشور مردم با اشاره به حوادث تلخ روز عاشورا اظهار داشت: «این اجتماع عظیم در تهران ثابت کننده بنیان مرصوص، جریان حاکمیت ولایت و حاکمیت الله بر جامعه ایران است.»[۱] وی افزود: «امروز در برابر همه کوششها و تلاشهای شیطانی، جریانهای ناپاک چه در داخل و چه در خارج از کشور، آخرین سخن و کلام از منطق شما مردم دقیق باید اعلام شود.» علم‌الهدی در ادامه با بیان این‌که امام زمان(عج) در توضیح اسحاق بن یعقوب، ولی فقیه را حجت خودشان معرفی می‌کنند، بیان داشت: «اگر کسی امروز ولایت فقیه را پذیرا نباشد، ولایت امام زمان را پذیرا نیست. رد حجّت امام زمان، رد خود امام زمان است. اصل ولایت فقیه همان اصل امامت است و مخالفت با اصل امامت است. در مصداق ولایت فقیه، ۲۰ سال پیش ۸۰ مجتهد عادل در خبرگان در کشور، مقام معظّم رهبری را به عنوان مصداق کامل عیار ولایت فقیه پس از امام راحل انتخاب کردند و در آخرین اجلاس خبرگان نیز که چند ماه پیش برگزار شد همه خبرگان مجتهد عادل نماینده این مردم، صد درصد به ایشان رأی دادند.» وی خطاب به سران فتنه گفت: «ما به سران فتنه اعلام می‌کنیم و می‌گوییم کاری راکه شما شروع کردید از بغی شروع کرده و به محاربه رساندید.» امام جمعه مشهد اضافه کرد: «شما مطالبه ناحق کردید و بر طبل مخالفت با جمهوری اسلامی کوبیدید. جریانهای الحادی، کفر، مارکسیستی و منافقین ناپاک در این بستر آمدند و این حرکت را شروع کردند و در عاشورا بغی شما به محاربه انجامید.»[۲]

ـ سران فتنه از ضد انقلاب برائت نجویید، برای همیشه طرد می‌شوند

راهپیمایان در تجمع بزرگ عاشوراییان در قطعنامه پایانی خود، اغتشاشگران روز عاشورا مصداق بارز مفسد ضد انقلاب، مفسد فی‌الارض و محارب با خدا اعلام کردند

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۰. ۲- همان.

و خواستار شناسایی و محاکمه عاملان و مسببان این حرمت‌شکنی و اشد مجازات برای آنان از سوی نهادهای مسؤول شدند.[۱]

ـ اگر عده‌ای سست عنصری نشان نمی‌دادند، وضع کشور بهتر بود

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا با اشاره به انحراف و زاویه پیدا کردن برخی افراد در داخل کشور تصریح کردند: «اگر این مسأله اتفاق نمی‌افتاد و عده‌ای وسط راه، سست عنصری نشان نمی‌دادند، امروز وضع کشور در زمینه‌های مادّی و معنوی خیلی بهتر بود، امّا همان‌گونه که بارها تأکید شد و واقعیتهای جامعه نیز نشان می‌دهد هر مقدار ریزش بود دو برابر آن رویش وجود دارد.»[۲] مقام معظّم رهبری در ادامه به اظهارات برخی سیاستمداران دنیا درخصوص اغتشاشات روز عاشورا در تهران اشاره کردند و این‌گونه اظهارات را ناشی از خباثتها و خود مهره شدن در جهت تغییر حقایق و واقعیتها و تأثیرپذیری از رسانه‌های صهیونیستی و بیگانه دنیا بیان کردند.[۳]

۱- متن قطعنامه پایانی راهپیمایی عاشوراییان در پیوست ۲۱ می‌باشد.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۰.
۳- همان.

یوم الله ۹ دی ۸۸ خروش خود جوش مردم علیه اهانت به مقدسات توسط فتنه گران






سبزینه پوش تند خوی
کز عشق نشنیدست بوی
اغتشاش
بصیرت اجازه نمی دهد


لعن علی عدوک یا حسین
خاتمی و کروبی و میرحسین


هیهات من الذله


در کنج دلم عکس امام است نهان
اگر قلب مرا پاره کنید
مرگ بر
آمریکا
مرگ بر


عزاداران مسجد امام حسن عسکری
لبیک یا خامنه ای
لبیک یا حسین است


لبیک یا خامنه ای

ـ پنجشنبه ۱۰ دی ۱۳۸۸ ـ

ـ بیانیه هفده موسوی

میرحسین موسوی پس از اجتماع عظیم عاشوراییان در سراسر کشور با صدور بیانیه‌ای عملکرد هتک حرمت‌کنندگان روز عاشورا و شعارهای ساختارشکنانه آنها را و حضور این هتاکان ـ که به دعوت رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی انجام شده بود ـ را حرکتی خودجوش خواند و آنها را «خداجو» نامید![1]

ـ واکنش آیت‌الله خاتمی به بیانیه موسوی

آیت‌الله سید احمد خاتمی (عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان رهبری) با اشاره به بیانیه میرحسین موسوی اظهار داشت: «آقای موسوی در این بیانیه اشتباهات و خطاها و گفتار نادرست گذشته خود را تکرار کرد.»[2] وی با اشاره به این‌که موسوی گفته است «نه من و نه دوستانم بیانیه ندادیم که مردم روز عاشورا بیایند» آن را عجیب دانست و افزود: «این‌گونه سخن گفتن یعنی اینها آگاهی مردم را به هیچ گرفته‌اند؛ لازم نیست بیانیه بدهید؛ چرا که شما بسترسازی کرده‌اید و شانزده بیانیه ساختارشکنانه شما بستر این اهانتها را ساخت و قانون‌شکنیهای مکرر شما و تقابل مکررتان در برابر ولایت فقیه این بسترها را ساخته است.»[3] این عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با بیان این‌که در زیارت امام حسین(ع) می‌خوانیم؛ خدا لعنت کند آنها که بستر قتل تو را فراهم کرده‌اند؛ گفت:

۱- بیانیه شماره هفدهم موسوی در پیوست شماره ۲۲ می‌باشد.

۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۲. ۳- همان.

«بسترسازان جنایت، شریک عاملان جنایتند و باز هم به صراحت و شفاف می‌گویم، اهانت به آرمانهای امام(ره) اهانت به تصویر امام(ره) و اهانت به عاشورا و عزاداران حسینی زیر پرچم شما و به اصطلاح جنبش سبزتان صورت گرفت و این جای انکار ندارد، شما هرگز نمی‌توانید خود را از مسؤولیت در حوادث عاشورا کنار بگذارید.»[1]

ـ اطلاعیه وزارت اطلاعات درباره حوادث اخیر

وزارت اطلاعات با صدور اطلاعیه‌ای درباره حوادث اخیر هشدار داد: «فریب‌خوردگان بیش از این بازیچه دست بیگانگان نشده و در فرصت محدود باقیمانده راه خود را از آنها جدا کنند و در غیر این صورت بدون هیچ‌گونه مماشاتی، برخورد قانونی با آنان صورت خواهد گرفت.»[2]

ـ تجدید بیعت کفن‌پوشان ورامین با رهبر معظّم انقلاب

جمع زیادی از قشرهای مختلف مردم شهرهای ورامین، قرچک و پیشوا، کفن‌پوش در محکومیت اهانت به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء(ع) در مقابل بیت رهبری تجمع کردند.[3]

ـ منافقین حمایت از اغتشاشگران را تأیید کردند

مریم رجوی (سرکرده گروهک منافقین) در گفتگو با خبرگزاری آسوشیتدپرس به همکاری و هماهنگی این گروهک با عناصری که در آشوبهای و فتنه گریهای روز عاشورای تهران دست داشته‌اند، اشاره کرد و گفت: «ما از مخالفان نظام خواسته‌ایم برای براندازی نظام ایران این‌گونه آشوبها را راه بیندازند.»[4]

۱- همان.
۲- اطلاعیه وزارت اطلاعات در پیوست شماره ۲۳ می‌باشد.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۲.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۲.

ـ اغتشاشگران را شناسایی کنید

پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا با انتشار تصاویر شماری از عوامل اغتشاشگر در روز عاشورا در تهران در اطلاعیه‌ای از شهروندان خواست هرگونه اطلاعات و مستندات مربوط به این وقایع را به ناجا گزارش نمایند.[۱]

ـ بیانیه قوّه قضائیه درخصوص هتک حرمت عاشورا

قوّه قضائیه با صدور بیانیه‌ای هتک حرمت به عاشورای حسینی را محکوم کرد و به خواص اخطار نمود هرچه سریعتر صف خود را از معاندان و دشمنان نظام جدا نمایند. در این بیانیه آمده است: «حمایت استکبار جهانی از این آشوبگران نشانگر عمق کینه و دشمنی مخالفین امت امام و نمونه‌های آشکاری از برگشودن کینه‌جویی‌ها و عقده‌های حقارت ناشی از شکستهای پی‌درپی آنان از ملت غیور ایران اسلامی در طول سالیان پس از پیروزی انقلاب دارد.»[۲]

ـ نامه سرگشاده محسن رضایی به رهبر معظّم انقلاب

محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام) با صدور نامه‌ای خطاب به مقام معظّم رهبری ضمن تشکر از حماسه بزرگ ملت در ۹ دی ماه، آن را سرآغازی نو برای پایان دادن به نگرانیها و حوادث بعد از انتخابات دانست. وی در نامهٔ خود آورد: «حضور باشکوه و میلیونی و یکپارچه ملت ایران در روز چهارشنبه (۹ دی) در خیابانهای تهران و شهرستانهای سراسر کشور شرمندگی ناشی از اهانت به مراسم عاشورا را جبران کرد.»[۳] وی در ادامه بدون کمترین اشاره به این‌که اهانت‌کنندگان به ساحت مقدس حضرت سیدالشهداء(ع) چه کسانی بوده و در حمایت از چه کسی به صحنه آمدند، نوشت: «این‌جانب به عنوان سرباز رهبری و ملت ایران ضمن تشکر از مردم و تبریک به

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۲. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۳.

جناب‌عالی، تقاضا می‌کنم که تمام فعالان سیاسی و بزرگان انقلاب به پیروی از ملت ایران به صورت دسته‌جمعی در سپاسگزاری از حرکت مردم به یک حرکت نمادین دست بزنند.» رضایی همچنین با بیان این که صحنه تظاهرات دیروز مصداق بارز پیام وحی - واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرقوا - بود، افزود: «عقب‌نشینی آقای میرحسین موسوی از انکار دولت آقای احمدی‌نژاد و پیشنهاد سازنده ایشان به این‌که مجلس و قوّه قضائیه به وظایف قانونی خود در قبال پاسخگو کردن دولت عمل کنند، هر چند دیرهنگام بود ولی می‌تواند سرآغاز یک حرکت وحدت‌بخش در جبهه معترضین با دیگران باشد.»[۱]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۳.

جمعه ۱۱ دی ۱۳۸۸

ـ مردم ما مردم قانون‌مداری هستند

آیت‌الله احمد جنتی (دبیرکل شورای نگهبان) در خطبه‌های نمازجمعه تهران با اشاره به وقایع روز عاشورا گفت: «مردم ما مردم نجیب و قانون‌مداری هستند که اگر این‌طور نبود حرمت‌شکنان الآن زنده نبودند، مردم به دلیل این‌که نمی‌خواهند تخطی از قانون و خواسته‌های مقام معظّم رهبری کنند، آرام نشسته‌اند.»[1]

ـ نامه بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی خطاب به موسوی

بسیج دانشجویی دانشگاه شهید بهشتی با نامه‌ای سرگشاده خطاب به میرحسین موسوی نوشت: «خداجو خواندن عده‌ای هتاک به اصول اسلامی و انقلابی نه تنها ذره‌ای از زشتی اعمال آنان نمی‌کاهد، بلکه سرپوش نهادن بر اعمال وقیحانه آنان توسط حضرت‌عالی تلقی می‌شود. آتش زدن بیرق و پرچم اباعبدالله‌الحسین(ع) آیا نشانه عزاداری است؟ خودجوش خواندن حرکتی که از مدتها قبل با تبلیغات رسانه‌های ضدانقلاب و افراد سرسپرده به آنان همراه بود از سوی جناب‌عالی این سؤال را همراه دارد که آیا مرزبندی روشنی از سوی شما با جریان معاند اسلام و انقلاب وجود دارد؟»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۲.
۲- همان.

شنبه ۱۲ دی ۱۳۸۸

ـ واکنش آیت‌الله جوادی آملی به هتاکان روز عاشورا

آیت‌الله جوادی آملی در درس اخلاق خود با اشاره به هتاکی روز عاشورا، اظهار داشت: «هتاکان در روز حزن اهل بیت(ع)، فرحت به آل زیاد و آل مروان را تکرار کردند. این حادثه تلخ ذائقه تمام شیعیان، بلکه مسلمانان، بلکه آزادگان جهان را آزرده کرد.»[1] وی در ادامه افزود: «از ذات اقدس الهی، مسألت می‌کنیم که این هتاکان را به سزای اعمالشان برساند و صف عده‌ای که واقعاً معترض هستند، ولی از اینها جدا هستند. بر اساس آیه شریفه «وامتازوا الیوم ایها المجرمون» جدا شود.»[2]

ـ امیدوارم هتاکان از حضور معنادار مردم درس عبرت بگیرند

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در آغاز این مجمع با قدردانی از حضور گسترده مردم سراسر کشور در راهپیمایی حمایت از ولایت و رهبری گفت: «حضور گسترده مردم در راهپیمایی، خنثی‌کننده توطئه معاندین علیه اصل نظام و ولایت فقیه است و امیدوارم هتاکان از این حضور معنادار مردم درس عبرت بگیرند.»[3]

ـ صانعی فاقد ملاکهای لازم برای مرجعیت است

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پاسخ به سؤال جمعی از استادان و فضلای

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۳. ۲- همان.

۳- همان.

حوزه‌های علمیه درباره مرجعیت آقای حاج شیخ یوسف صانعی نظر خود را اعلام کرد.

این جامعه که متشکل از جمعی از مراجع تقلید، اساتید و مجتهدین برجسته و سرشناس حوزه علمیه است، در پاسخ خود آورده است: «با توجه به پرسشهای مکرر مؤمنان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم بر اساس تحقیقات به عمل آمده در یک سال گذشته و پس از جلسات متعدد به این نتیجه رسیده است که ایشان فاقد ملاکهای لازم برای تصدی مرجعیت می‌باشد.»[1]

ـ انتقاد از نامه محسن رضایی

پنج تشکل دانشجویی (اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان، بسیج دانشجویی، دفتر تحکیم وحدت، جنبش عدالت‌خواه دانشجویی و اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان مستقل) در بیانیه‌ای از نامه رضایی در حمایت از میرحسین موسوی انتقاد کردند. در این بیانیه آمده است: «آقای رضایی در حالی نسخه وحدت با سران فتنه را می‌پیچد که این آقایان و اعوان و انصارشان مدتهاست که از سوی ملت طرد شده‌اند.»[2]
در بخشی دیگر از بیانیه این پنج تشکل دانشجویی آمده است: «با انتشار پشت سر هم و در یک روز بیانیه هفدهم موسوی و نامه آقای رضایی از یک سو و گذری کوتاه به سالهای جنگ و حضور سؤال‌برانگیز آقایان هاشمی، موسوی و رضایی ـ مثلث ما نمی‌توانیم ـ در پرونده ناراحت‌کننده خوراندن جام زهر به امام راحل(ره) سؤالات و ابهامات جدّی و جدیدی به عرصه می‌آید.»[3]

ـ مردم فریب بیانیه‌های حرمت‌شکنان را نمی‌خورند

آیت‌الله نوری همدانی (از مراجع تقلید قم) در دیدار جمعی از طلاب و استادان همدان با اشاره به تأکیدات امام خمینی(ره) بر اصل ولایت فقیه اظهار داشت: «امام راه

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۳.
۳- همان.

مقابله با آسیبها و آفتهایی که از سوی دشمنان متوجه انقلاب اسلامی و ولایت فقیه بود را برای مردم بیان کردند.»[۱] وی در ادامه با اشاره به بیانیه موسوی گفت: «مردم نباید در برابر این قبیل بیانیه‌ها دچار تردید شوند، چرا که این افراد در چند موضوع ـ شعار استقلال آزادی جمهوری ایرانی و نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران و . . . ـ مواضع خود را مشخص نکردند.»[۲] این مرجع تقلید افزود: «با توجه به حمایتهای دول غربی و آمریکا ـ سران فتنه ـ اعلام نکردند که از حمایتهای آنها بیزار هستند و پشتیبانی و حمایت آنها را نمی‌خواهند. مردم فریب این بیانیه‌ها را نخواهند خورد چرا که مردم با بصیرت هستند و تا آخرین قطره خون پشتیبان ولایت فقیه بوده و زمینه‌ساز ظهور امام زمان(عج) خواهند بود.»[۳]

ـ گناه بانیان فتنه عاشورا قابل تطهیر نیست

آیت‌الله مهدوی کنی (دبیرکل جامعه روحانیت مبارز) با بیان این که آنهایی که با حرمت‌شکنی در روز عاشورا به ساحت امام حسین(ع) و عزادارانش توهین نمودند، قطعاً مسلمان و شیعه نبودند و گناه بانیان این فجایع تطهیر نخواهد شد، افزود: «آثار اقدامات و تصمیمات آقایانی که مبدأ فتنه بودند و همچنین صدور بیانیه‌های تنش‌زایشان به حرمت‌شکنی در روز عاشورا ختم شد که در این میان عدم برائت‌شان از گروههای ساختارشکن هم راه را برای ضدانقلابیون و دشمنان نظام باز نمود.»[۴] وی با تأکید بر این‌که برخی از سیاسیون در ارزیابی اتفاقات اخیر مواضعی دوپهلو اتحاذ می‌کنند، گفت: «کسی که نتواند مریدان خود را هدایت کند، صلاحیت حضور در هیچ عرصه‌ای را ندارد چرا که تنها باعث تضعیف نظام و خوشحال کردن دشمنان انقلاب و نظام خواهد شد.»[۵]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۳.
۵- همان.

ـ جامعه قرآنی کشور خواستار برخورد قاطع با فتنه‌انگیزان شد

جامعه قرآنی کشور با صدور بیانیه‌ای ضمن تجدید پیمان با ولی امر مسلمین، هتک حرمت مقدسات جامعه اسلامی را محکوم و تأکید کرد: «از حافظان قانون می‌خواهیم که به وظیفه خود در قبال قانون‌شکنان با قاطعیت عمل کنند و بساط فتنه را از جامعه برچینند.»[1]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۳.

ـ یکشنبه ۱۳ دی ۱۳۸۸ ـ

ـ وحدت با حرمت‌شکنان عاشورا توقعی بیجاست

دکتر علی‌اکبر ولایتی (مشاور مقام معظّم رهبری) در گفتگو با فارس با اشاره به نامه محسن رضایی به مقام معظّم رهبری، گفت: «اصل اتحاد ملت ایران ضروری است و اتحاد خود را نیز ثابت کرده‌اند و اساساً اگر اتحاد نبود چنین انقلابی را به ثمر نمی‌رساندند و ۳۰ سال پای آن نمی‌ایستادند و در جنگ تحمیلی نیز با مقاومت پیروز نمی‌شدند. در حال حاضر نیز با وجود همه دشمنیهایی که علیه ایران می‌شود. عملاً نیروهای اطلاعاتی غربی و ناتو دور تا دور کشور ما حضور دارند و با وجود این فشارها اگر وحدت ملی پشت سر مقام معظّم رهبری نبود امکان این که مردم و نظام بتوانند در برابر فشار فزاینده نظامی، سیاسی، تبلیغاتی رسانه‌های غربی دوام بیاورند نبود.» وی افزود: «توقع برقراری وحدت با کسانی که در روز عاشورا هتک حرمت کردند یک توقع بیجا است زیرا فقط وحدت در چارچوب نظام معنا دارد.»[۱]

ـ رضایی در نامه خود مواضع افراطی موسوی را دنبال می‌کند

علی‌اصغر زارعی (نماینده مردم تهران) در گفتگو با فارس با تأکید بر این که رضایی با نامه‌نگاری خود مواضع افراطی موسوی را دنبال می‌کند، گفت: «ایجاد وحدت با افرادی که به ساحت امام خمینی و عاشورا هتاکی کرده‌اند، امکان‌پذیر نیست.»[۲] وی با بیان این‌که

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۴.   ۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۴.

دلیل قانع‌کننده‌ای برای نامه رضایی ارائه نشده است اظهار داشت: «این نامه به نوعی صحه گذاشتن بر مواضع موسوی است و ما فکر می‌کنیم که این اقدام مناسب نیست و همه چیز باید مطابق قانون و ضوابط پیگیری شود.»[۱]

ـ پیام شما را شنیدم، با سران فتنه برخورد می‌کنم

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) در جلسه مسؤولان قضایی با اشاره به راهپیمایی عظیم مردم انقلابی در ۹ دی گفت: «پیام شما را شنیدم، به ملت شریف ایران اطمینان می‌دهم دستگاه قضایی بدون هیچ‌گونه کوتاهی، با قاطعیت و سرعت پیگیر قضایای اخیر خواهد بود.»[۲]

ـ دستگیری تعدادی از اتباع بیگانه در حوادث روز عاشورا

حجةالاسلام حیدر مصلحی (وزیر اطلاعات) پس از جلسه یکشنبه شب هیأت دولت به سازماندهی اغتشاشگران در روز عاشورا اشاره کرد و گفت: «مواردی از دستگیرشدگان اتباع بیگانه داشته‌ایم که تنها دو روز مانده به عاشورا به همین منظور وارد ایران شده‌اند و دوربینها و وسایلی که در اختیارشان بوده کشف شده است.»[۳] وی با بیان این‌که افراد دستگیرشده در این روز ترکیبی از عوامل مؤثر در فتنه پس از انتخابات، عناصر ضدانقلاب، سلطنت‌طلبها و منافقین بودند، گفت: «البته وقتی می‌گوییم منافقین و عناصر ضدانقلاب و سلطنت‌طلبها در این قضیه نقش داشته‌اند بدین معنا نیست که اینها در قدرتند، بلکه این جریان از بستری که فتنه برایش فراهم کرده استفاده و بهره‌برداری کرده است.»[۴]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۴.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۵.
۴- همان.

- پاسخ آیت‌الله علم‌الهدیٰ به میرحسین موسوی

آیت‌الله علم‌الهدی (امام جمعه مشهد مقدس) در جوابیه‌ای به بیانیه هفدهم میرحسین موسوی که اغتشاشگران را مردم خداجو دانسته بود نوشت: «عمر سعد هم سپاه خود را مردم خداجو نامید.»[۱]

- بعضی خواص تحت تأثیر اطرافیان هستند و صلاحیت اظهار نظر ندارند

آیت‌الله مصباح یزدی در دیدار تعدادی از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت با اشاره به این‌که ولی فقیه با توجه به بصیرت و آگاهی خود افقی را مشاهده می‌کند که برای دیگران میسر نیست، گفت: «رهبری از خواص، بیان حقایقی را که می‌دانند مطالبه می‌کنند، امّا خودشان به خاطر حفظ مصلحت نظام نمی‌توانند همه حقایقی را که می‌دانند، بیان کنند و این وظیفه خواص بابصیرت است که زمینه را برای شناساندن این عده به مردم آماده کنند.»[۲] وی در ادامه تأکید کرد: «برخی از خواص صلاحیت اظهار نظر در مسائل روز را ندارند و تحت تأثیر اطرافیان قرار می‌گیرند.»[۳]

۱- متن نامه آیت‌الله علم‌الهدی در پاسخ به بیانیه موسوی در پیوست ۲۴ می‌باشد.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۴.
۳- همان.

دوشنبه ۱۴ دی ۱۳۸۸

- پروژه عبور از موسوی رسماً کلید خورد

عبدالکریم سروش، عبدالعلی بازرگان، محسن کدیور، اکبر گنجی و عطاءالله مهاجرانی (۵ خارج‌نشین حامی موسوی) با انتشار بیانیه‌ای رسماً طرح عبور از موسوی را کلید زدند. این افراد خارج‌نشین در اوّلین بند مطالبات خود برخلاف میرحسین موسوی که دولت احمدی‌نژاد را به رسمیت شناخته است، خواستار استعفای محمود احمدی‌نژاد، برگزاری انتخابات مجدد و لغو نظارت استصوابی شده‌اند. آنها همچنین خواستار انحلال شورای انقلاب فرهنگی و استقلال دانشگاهها شده‌اند که در بیانیه موسوی هیچ اشاره‌ای به آنها نشده است. این افراد به دلیل آن‌که مطالبات متفاوتشان عبور از موسوی تلقی نشود در قالبی تشریفاتی خاطرنشان کرده‌اند، پیشنهادهای آقای موسوی جنبه حداقلی دارد و آنها ضمن حمایت کامل از رهبران جنبش اعتراض‌آمیز مردم در داخل روایت خود را از خواسته‌های بهینه این جنبش اعلام می‌کنند.[1]

- واکنش مجمع روحانیون مبارز به رد صلاحیت مرجعیت برای صانعی

مجمع روحانیون مبارز در واکنش به پاسخ جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به چند سؤال درخصوص مرجعیت آقای صانعی و اعلام این‌که آقای صانعی صلاحیت مرجعیت را ندارد، بیانیه‌ای را صادر کرد. در این بیانیه با استناد به فرمایش

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۵.

پیامبر اکرم(ص) مبنی بر این‌که فقها امنای پیامبرانند، آمده است: «عدالت و اخلاص آیت‌الله صانعی مورد تأیید عالمان برجسته حوزه‌ها و خیل عظیمی از مقلدان بوده و هست و هیچ جای تردید در مرجعیت ایشان نیست و این مرجعیت با بیانیه یک گروه مورد پذیرش مقلدان قرار نگرفته که با بیانیه گروهی دیگر از اعتبار بیفتد.»[۱]

ـ انتظار ما از آقای رضایی جبران فوری اشتباهات اخیر است

سرتیپ پاسدار میرفیصل باقرزاده (رئیس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس) در جمع خبرنگاران با اشاره به نامه محسن رضایی در حمایت از موسوی گفت: «اشخاص حرمتشان تا آن‌جایی است که در مسیر ولایت باشند و اگر خدای نا کرده در میانه راه بخواهند تغییر و در دام فتنه گران گرفتار شوند، بدون هیچ ملاحظه‌ای طرد خواهند شد و این‌جا همان نقطه‌ای است که به آن محل فراق و جدایی گفته می‌شود... امیدواریم که آقای محسن رضایی هرچه زودتر درصدد برطرف کردن اشتباهات گذشته بویژه قضیه اخیر برآید تا ما بتوانیم باز ایشان را در جمع خودمان ببینیم و این مسیر را با هم ادامه بدهیم.»[۲]

ـ رضایی قصد تبرئه سران فتنه را دارد

حجةالاسلام جعفر شجویی (عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز) در گفتگو با فارس ضمن انتقاد از نامه رضایی اظهار داشت: «به نظر می‌رسد محسن رضایی در بخشی از آن نامه وجود ندارد چرا که قسمتی از این نامه از زبان موسوی نوشته شده است.»[۳] وی تلاش برای تبرئه موسوی توسط رضایی را در نامه وی مشهود دانست و گفت: «رضایی قصد دارد با غبارآلود کردن فضا، موسوی را از پای میز محاکمه فراری دهد و سران فتنه را تبرئه کند.»[۴] الیاس نادران (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) نیز

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۵.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

نامه رضایی را نوعی انحرافی‌تر از بیانیه موسوی دانست و گفت: «رضایی هنوز ابعاد فتنه را درک نکرده است. این نامه به نوعی توپ را از زمین فتنه گران به زمین رهبری انداختن بود.»[1]

ـ دشمنان خارجی بدانند فعالیت برای براندازی نظام فایده‌ای ندارد

آیت‌الله مکارم شیرازی (از مراجع تقلید) در دیدار با جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی سراسر کشور با اشاره به راهپیمایی عاشوراییان در ۹ دی اظهار داشت: «این راهپیمایی بسیار باشکوه، پرشور، عظیم و پرجوش و پرخروش سه پیام داشت. یکی از پیامها این بود که مردم همیشه در صحنه هستند و این‌که برخی از آینده نگرانی داشتند، دیگر نگران نباشند زیرا پایه‌های نظام، قانون اساسی و ولایت در این کشور بسیار مستحکم است و جای هیچ نگرانی وجود ندارد.»[2] وی پیام دیگر این راهپیمایی را خطاب به فریب‌خوردگان دانست و گفت: « کسانی که فریب خورده‌اند باید به آغوش ملت برگردند و اگر مشکلی دارند بیایند مشکلشان را مسالمت‌آمیز حل کنند.»[3] این مرجع تقلید در ادامه پیام اصلی حضور مردم در راهپیمایی ۹ دی را خطاب به دشمنان ایران دانست و گفت: «دشمنان خارجی بدانند فعالیت برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران فایده‌ای ندارد، خودتان را برای براندازی این نظام خسته نکنید، به جای مصرف پولهای هنگفت برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران، آنها را به کارتن‌خوابهای آمریکا و لندن بدهید تا سرپناهی برای آنها درست کنید.»[4]

ـ مردم در جریان فتنه باید به رهبر انقلاب مراجعه کنند

آیت‌الله نوری همدانی (از مراجع تقلید) در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی انتظامی با اشاره به فتنه اخیر، فتنه را آمیزه‌ای از حق و باطل داشت و گفت: «مردم باید

١- همان.
٢- همان.
٣- همان.
۴- همان.

ضمن شناخت دقیق فتنه، در این‌گونه جریانات به رهبر انقلاب مراجعه کنند و هرچه او گفت براساس آن عمل کنند.»[۱]

ـ دفاع هاشمی از یوسف‌علی صانعی

هاشمی رفسنجانی (رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام) در دیدار با جمعی از دانشجویان دانشگاه آزاد با اشاره به عزل صانعی از مرجعیت گفت: «مرجعیت همواره به عنوان شخصیتهای بانفوذ و تأثیرگذار در عرصه دینی و سیاسی مردم حضور ارزشمند و غیرقابل انکار داشته‌اند ولی همیشه استقلال خود را حفظ کرده و غیروابسته به دولتها و با اتکا به مردم حضور داشته‌اند. در مطالعه زندگی مراجع در طول تاریخ هیچ مرجعی توسط جایی نصب یا عزل نشده بلکه مردم با تشخیص خود و پرداخت وجوهات، فرد مناسب به عنوان مجتهد را انتخاب کرده‌اند.»[۲]

۱- همان.

۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۷.

سه‌شنبه ۱۵ دی ۱۳۸۸

ـ نقش انگلیس در تحریک آشوبگران بیش از بقیه بود

رامین مهمان‌پرست (سخنگوی وزارت امور خارجه) در جمع خبرنگاران با بیان این‌که نقش دولت و رسانه‌های انگلیسی در تحریک آشوبگران روز عاشورا بیشتر از بقیه بود و با آن برخورد شد، گفت: «بحث کاهش روابط انگلیس در دستور کار وزارت خارجه نیست امّا همه رویکردها، اظهارات و رفتارهای کشورهای خارجی با دقت و حساسیت زیر نظر خواهد بود و متناسب با این رفتارها تصمیم‌گیری می‌شود.»[1]

ـ تجربیات خود را در اختیار حامیان موسوی قرار می‌دهیم

گروهک تروریستی ریگی با صدور اطلاعیه‌ای ضمن حمایت از آشوبگران عاشورای تهران، اعلام آمادگی کرد تا آموزشهای لازم را برای اغتشاش‌آفرینی مجدد در اختیار متقاضیان سبز قرار دهد. گروهک ریگی در ادامه آورده است: «جنبش مقاومت از احساسات پاک جوانان ایرانی تشکر و قدردانی کرده و اعلام می‌دارد که آماده همکاری کامل با همه مبارزان ایرانی در هر نقطه‌ای از ایران است.» این گروهک در ادامه به هواداران میرحسین موسوی توصیه می‌کند که در شرایط فعلی بالاجبار باید متوسل به مبارزه مسلحانه شوید.[2]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۶.   ۲- همان.

ـ اطلاعیه دفتر محسن رضایی

دفتر محسن رضای در اطلاعیه درباره برداشتهای انجام شده از نامه اخیر وی توضیحاتی ارائه کرد. به‌گزارش ایسنا در این اطلاعیه آمده است: «مطالعه دقیق واژه‌ها و عبارات محتوای نامه بسیاری از ابهامات و انتقادات غیرمرتبط با نامه را برطرف می‌کند. برداشتهای خاص، گزینشی و غیرواقعی مثل تطهیر برخی از فتنه‌گران، عدم رسیدگی به جرائم آنان، تعیین تکلیف برای مقام معظّم رهبری، به هیچ وجه با نامه آقای رضایی همخوانی ندارد.»[1] این اطلاعیه می‌افزاید: «نامه در شرایط یک پیروزی از زبان یکی از پیروان رهبر که از صحنه آن فتح آمده بود و تقاضای فتح بالاتری را از رهبری خواسته، نوشته شده است. جداکردن صف معترضین از اغتشاشگران و پیوستن آنها به سایر اقشار جامعه و نظام، فتح دوم است. با این کار سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی تحقق می‌یابد. اگر ایشان از عقب‌نشینی یکی از نامزدهای انتخابات دهم از مباحث انتخاباتی برای جذب معترضین استفاده کرده است، این نهایت درایت ایشان را می‌رساند نه آن‌که خواسته باشد در رابطه با آن فرد برای نظام تعیین تکلیف کند. نظام وظیفه خود را می‌داند که چه بکند.»[2]

ـ مردم خداجویی که موسوی می‌گوید در جبههٔ اصلاحات جایی ندارند

موسوی لاری (وزیر کشور دولت اصلاحات) در گفتگو با مهر با بیان این‌که هتاکان به تصویر امام(ره) و حرمت‌شکنان عاشورا ارتباطی با دو جناح ندارند، گفت: «این رفتارهای زشت و ناپسند را به هیچ عنوان قبول ندارم و محکوم می‌کنم.» وی در ادامه با بیان این‌که دفاع از ولایت فقیه، آرمان اصلی امام خمینی است و سران جبهه اصلاحات به تبعیت از ولایت فقیه وفادارند، اظهار داشت: «سید محمد خاتمی‌ای که من می‌شناسم، در هر صحبتش هم حمایت خود را از اصل ولایت فقیه، تبعیت از ولایت فقیه، بازگشت

۱- همان.

۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۶.

به قانون اساسی و از همه مهمتر بازگشت به راه امام راحل که یکی از آنها دفاع از ولایت فقیه است، اعلام و بر این موارد تأکید می‌کند. حال چگونه چنین فردی می‌تواند مخالف ولایت فقیه و نظام جمهوری اسلامی باشد؟»[۱]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۶.

◆ چهارشنبه ۱۶ دی ۱۳۸۸ ◆

ـ دستگیری تعدادی از آشوبگران مجازی در پروژه فتنه عمیق

تعدادی از مدیران اصلی فتنه عمیق در فضای سایبری دستگیر شدند. این افراد از سوی تیم رصد سایبری سپاه شناسایی و دستگیر شدند. راه‌اندازی و مدیریت سایتهای ضد امنیت کشور، ترویج و اشاعه اخبار دروغ و اکاذیب، تحریک احساسات کاربران با نشر اکاذیب و اخبار دروغین مبنی بر کشته شدن مردم، اهانت به رئیس‌جمهور و بسیج از طریق قرار دادن اخبار و مطالب توهین‌آمیز، بخشی از جرایم این مدیران است.[۱]

ـ حرمت‌شکنان جریان فتنه سبز بی‌هویتند

جرج جرداق (نویسنده مشهور لبنانی) با اشاره به حرمت‌شکنی جریان فتنه سبز در روز عاشورا، ضمن محکوم کردن این اقدام گفت: «توهین به مقدسات فقط از سوی افراد بی‌ارزش، بی‌هویت و سست‌بنیان صورت می‌گیرد.»[۲]

ـ اعتراض جمعی از اساتید حوزه علمیه قم به هاشمی رفسنجانی

جمعی از اساتید حوزه علمیه قم با صدور بیانیه‌ای در اعتراض به دفاع رئیس تشخیص مصلحت نظام از یوسف صانعی، اظهارات هاشمی رفسنجانی در باب مرجعیت را خلاف واقع و نشانه بی‌اطلاعی او دانستند. در این بیانیه با اعلام این که آنچه در آقای

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۷.
۲- همان.

صانعی مشاهده می‌شود نه استقلال که مخالفت و دشمنی افراطی با دولت، بلکه با نظام اسلامی است، آمده است که این موضوع را بارها اظهار کرده است تا آن‌جا که به رئیس‌جمهور فعلی فحش ناموسی داده که مجازات قانونی آن ۸۰ ضربه شلاق است. به گفته اساتید حوزه علمیه قم، شخصی که آقای هاشمی او را به استقلال از دولت اسلامی می‌ستاید، در همگامی کامل با بیگانگان در آشوبهای پس از انتخابات بوده و مدافعان پر و پا قرص مرجعیت او رسانه‌های تبلیغاتی غرب هستند. آنان علت تصمیم جامعه مدرسین را فتواهای مخالف قرآن و سنّت آقای صانعی دانسته‌اند که مدام در حال افزایش است.[۱]

ـ صانعی زمانی مخالفت با رهبری را خلاف شرع می‌دانست

حجةالاسلام علی زادسر جیرفتی (امام جمعه موقت اسدآباد) در گفتگو با فارس گفت: «صانعی زمانی مخالفت با آیت‌الله خامنه‌ای را خلاف شرع می‌دانست، ولی امروز به دلیل برخورداری از حمایت برخی طرفداران سیاستهای انگلیس در مقابل رهبری می‌ایستد.»[۲] وی با اشاره به رد صلاحیت مرجعیت صانعی از سوی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم افزود: «داشتن طمع برای رسیدن به قدرت می‌تواند کسی مانند صانعی را به این روز بکشاند همان‌طور که این حس نیز شریعتمداری را در اوایل انقلاب به این سرنوشت دچار کرد.»[۳]

ـ طومار مردم الیگودرز علیه کروبی به طول سالهای عمر وی

مردم الیگودرز ـ زادگاه کروبی ـ با امضای طوماری ۷۲ متری ـ به عدد سن وی ـ خواستار محاکمه سران فتنه شدند. آنان در این طومار ضمن درخواست از قوّه قضائیه برای محاکمه سران فتنه، آمادگی خود را برای هرگونه جانفشانی در راه حفظ مقدسات و

۱- همان. ۲- همان.
۳- همان.

اهداف والای انقلاب اسلامی و تبعیت از رهبر معظّم انقلاب اعلام نمودند.[۱]

ـ واکنش به سخنان هاشمی رفسنجانی

حجةالاسلام حمید رسایی (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) در نطق پیش از دستور خود در مجلس با اشاره به سخنان هاشمی رفسنجانی در دفاع از صانعی گفت: «آقای هاشمی شما برخلاف امروز، در سال ۱۳٦۰ خود رسماً یک مرجع تقلید را عزل کردید و گفتید: شریعتمداری به دلیل ضعف در درک نقشه‌های دشمن برای براندازی جمهوری اسلامی صلاحیت مرجعیت را ندارد. آقای هاشمی شما که امروز و پس از کودتای مخملی عده‌ای هنوز هم حاضر به دست برداشتن از حمایت آنها نیستند، آن روز خطاب به سران فتنه گفتید: چطور می‌شود که این افراد خطر ریختن خون مردم را برای مردم و حکومت و جامعه اسلامی ببیند و فکری برای جلوگیری از آن نکنند. یک مرجع نمی‌تواند تا این حد، بی‌درک، بی‌تقوا باشد... امروز نیز جامعه مدرسین حوزه علمیه قم برای بار دوم با همان ویژگی که شما برشمرده‌اید، به عدم صلاحیت فردی که با تیتر روزنامه‌های زنجیره‌ای و خبرسازی بی بی سی و رسانه‌های آمریکا و اسرائیل به عنوان مرجع تراشیده شد، رأی داد امّا شما می‌گویید که در تاریخ تشیع هرگز مرجعی عزل یا نصب نشده است؟ آیا سالهای دهه شصت که شما عزل یک مرجع همسو با ضدانقلاب را اعلام کردید و تیتر روزنامه جمهوری اسلامی شد، جزو تاریخ شیعه نیست؟»[۲]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۷.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۷.

-•◊ پنجشنبه ۱۷ دی ۱۳۸۸ ◊•-

ـ ارسال پرونده ۵ عضو گروهک منافقین بـه اتـهام سـازماندهی آشـوبهای عاشورا

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) در گفتگو با ایرنا با بیان این‌که پرونده ۵ نفر از بازداشت‌شدگان حوادث روز عاشورا به اتهام محاربه به دادگاه انقلاب اسلامی تهران ارسال شده است، گفت: «ایـن ۵ نـفر از اعـضای گـروهک تـروریستی مـنافقین هستند.»[1] وی همچنین در ادامه درباره اتهام تعدادی از بهاییان که دستگیر شـده بـودند افزود: «این افراد به دلیل آن‌که هم در سازماندهی آشوبهای روز عاشورا نقش داشتند و هم به دلیل ایفای نقش مؤثر در ارسال تصاویر این آشوبها به خارج از کشور، دستگیر شده‌اند. این افراد به دلیل بهایی بودن دستگیر نشده‌اند بلکه در بازرسی از منزل برخی از این متهمان بهایی، اسلحه و تعدادی گلوله جنگی کشف شده است.»[2]

تجمع مردم قم در حمایت از مرجعیت

اقشار مختلف مردم قم پیش از ظهر روز پنجشنبه به یاد ۱۹ دی ۱۳۵۶ و قیام مردم قم در مقابل بیت آیت‌الله نوری همدانی اجتماع کردند.[3]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۱۹.
۲- همان.
۳- همان.

ـ خشم انقلابی مردم قزوین، کروبی را فراری داد

مهدی کروبی (کاندیدای شکست‌خورده انتخابات دهم) که پنجشنبه شب برای سخنرانی در منزل ناصر قوامی نماینده مجلس ششم به قزوین رفته بود، با اعتراض شدید مردم مواجه شد و مجبور به فرار گردید.[۱]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۱۹.

شنبه ۱۹ دی ۱۳۸۸

- مسؤولان دیدند که ملت چه می‌خواهد، به وظیفه خود عمل کنند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار هزاران نفر از مردم قم به مناسب ۱۹ دی ۱۳۵٦ حضور عظیم و تعیین‌کننده ملت مؤمن، بابصیرت و باغیرت ایران را در راهپیمایی سراسری ۹ دی ماه، تجلی قدرت خدا و حرکتی ماندگار در تاریخ انقلاب خواندند و تأکید کردند: «سلطه‌گران و جریانهای ضد دینی که امروز در شرایط غبارآلود فتنه در مقابل نظام و انقلاب شعار می‌دهند همان کسانی هستند که سالها زیر پرچم مبارزه با امام و انقلاب صف‌آرایی کرده بودند و مردم نیز با درک همین شاخص و حقیقت، حضور تعیین‌کننده خود را در حفظ نظام و انقلاب، بار دیگر ثابت کردند.»[1]

- هرکس نتواند با سرعت انقلاب حرکت کند، زیر چرخهای انقلاب له می‌شود

محمد خوش‌چهره (نماینده مردم تهران در مجلس هفتم) و محمد کلهر (مشاور رسانه‌ای رئیس‌جمهور) با حضور در برنامه تلویزیونی رو به فردا به مناظره با یکدیگر پرداختند. کلهر در بخشی از سخنان خود گفت: «آنچه در ۹ دی اتفاق افتاد و نقطه عطف بود و یکی از یوم‌الله‌های این انقلاب خواهد شد، این است که مردم آمدند تا رکن اساسی این نظام راکه ولایت فقیه است، با هم نگه دارند. ما الآن یک ۱۴ میلیون و یک ۲۵ میلیون نداریم و الآن همان ۴۰ میلیون اوّل را داریم و یک گروه بسیار کوچک که می‌خواهند

۱- بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با مردم قم در پیوست ۲۵ می‌باشد.

وانمود کنند، هنوز انشقاق هست... این انقلاب با سرعت بی‌نظیر در حال حرکت رو به جلو است و هرکسی نتواند با این سرعت حرکت کند، زیر چرخهای این انقلاب له می‌شود.»[۱]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۲۱.

ـ یکشنبه ۲۰ دی ۱۳۸۸ ـ

ـ قرائت گزارش کمیته ویژه حوادث پس از انتخابات

کمیته ویژه مجلس شورای اسلامی در گزارشی که در صحن علنی مجلس قرائت شد قانون‌شکنی بعضی از کاندیداها و القای دروغ بزرگ تقلب در انتخابات ریاست‌جمهوری را زمینه‌ساز فاجعه کهریزک دانست. در ادامه این گزارش با اشاره به بررسیها از بازداشتگاه کهریزک و کشته شدن سه تن در آن، ادعای آزار جنسی بازداشت‌شدگان تکذیب گردید. در این گزارش آمده است: «پس از طرح نامه آقای کروبی و انعکاس رسانه‌ای آن هیأت با وی ملاقات کرده و خواستار ارائه اسناد و مدارک و شواهد شد.»[1] در ادامه گزارش با اشاره به ملاقاتهای هیأت ویژه با کروبی و این‌که آیا کروبی وقوع آزار جنسی را قطعی می‌دانست؟ آمده است: «وی با برآشفتگی منکر قطعیت شد و قائل بود که به این دلیل نامه‌ای به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال نموده تا بررسی نمایند و در صورت وقوع با این مسأله برخورد جدّی شود و در صورت عدم وقوع رفع شبهه شود.»[2] در ادامه گزارش آمده است: «آقای کروبی از ارائه هرگونه سند و مدرکی به کمیته استنکاف ورزید و اعلام برائت کرد، در صورت تعیین هیأتی از جانب شخص رئیس قوّه قضائیه حاضر است اسناد و مدارک خود را ارایه نماید. این خواسته آقای کروبی از طریق کمیته با ریاست مجلس شورای اسلامی جناب آقای دکتر لاریجانی در میان گذاشته شد و نهایتاً ریاست قوّه قضائیه با تعیین سه نفر نماینده از

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۱. ۲- همان.

طرف خود، آنان را مسؤول بررسی همه‌جانبه موضوع نمود که گزارش کار این کمیته به اطلاع همگان رسید.»[1]

ـ بیانیه نمایندگان مجلس در حمایت از سخنان رهبر انقلاب

تعداد ۲۳۹ نماینده مجلس شورای اسلامی با امضای بیانیه‌ای با اعلام حمایت کامل خود از فرمایشات رهبر معظّم انقلاب در جمع مردم قم از مسؤولان قضایی خواستند تا با اجرای دقیق قانون به وظیفه خود نسبت به هتاکان به ارزشهای ملی و انقلابی عمل کند.[2]

ـ تشکیل اتاق فکر سبز در خارج از کشور

عطاءالله مهاجرانی (وزیر فراری دولت اصلاحات) در گفتگویی از تشکیل اتاق فکر سبزها در خارج از کشور با حضور خود، محسن کدیور، عبدالله بازرگان، اکبر گنجی و عبدالکریم سروش خبر داد.[3]

موسوی مثل بنی‌صدر خود را لو داد

حجةالاسلام محمدحسن رحیمیان (عضو سابق شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز) در نشست شماری از اساتید و متفکران لبنانی با بیان این که ۱۳ میلیون رأی‌دهنده به میرحسین موسوی به کسی رأی دادند که در ابتدا خود را طرفدار قانون اساسی نشان می‌داد امّا عده‌ای پس از انتخابات و با حمایت از همین نامزد، اصل نظام را هدف قرار دادند، گفت: «آنها مردم نبودند بلکه اغتشاشگران وابسته به منافقین، بهاییها، و خانواده‌های معدومین بودند و شعارهای القاءشده رسانه‌های غربی و صهیونیستی را سرمی‌دادند. گناه کسانی که زمینه اغتشاشات را ایجاد کردند از عاملان آن بیشتر بود.»[4]

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۲۱.
۳- همان.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۱.

ـ طرح موضوع آشتی ملی، قرار گرفتن در دام معارضه با نظام است

مرتضی نبوی (عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام) در گفتگو با ایرنا تأکید کرد: «افرادی که طرح آشتی ملی را عنوان می‌کنند دانسته یا ندانسته در دام معارضه با نظام قرار گرفته‌اند.»[۱] وی همچنین در مورد شباهت بیانیه موسوی و خطبه نماز جمعه هاشمی رفسنجانی اظهار داشت: «بندهایی از بیانیه اخیر موسوی نیز شبیه پیشنهادهای هاشمی در خطبه‌های نمازجمعه‌اش است که در این خصوص می‌توان گفت آزادی زندانیان سیاسی که باید روال قانونی خود را طی کند و اجازه برپایی تظاهرات نیز باید در چارچوب قانون باشد. مطمئناً هیچ نظامی قبول نمی‌کند که گروهی قانون را مستمسک براندازی نظام قرار دهد.»[۲] وی با بیان این‌که اگر موسوی باهوش و از عقل سیاسی برخوردار بود، نتیجه انتخابات را می‌پذیرفت، گفت: «موسوی می‌توانست با این کار ۱۳ میلیون رأیش را به عنوان سرمایه حفظ کند و در انتخاباتهای بعدی از آن استفاده کند.»[۳]

ـ فتنه‌گران در میان ملت منفور و مطرود شده‌اند

آیت‌الله نوری همدانی در دیدار جمعی از فرماندهان نیروی زمینی سپاه پاسداران با اشاره به اتفاقات اخیر در کشور اظهار داشت: «بحمدالله امروز مردم ایران بیدار شده‌اند و با بصیرت و تبعیت از مقام معظّم رهبری در مقابل حرمت‌شکنان ایران به طور یکپارچه به‌پا خاسته‌اند و نشان دادند که همچنان حامی انقلاب و رهبری هستند.»[۴] وی افزود: «ما دشمنان فراوانی داریم و اینها به چند فتنه گر که دست به اغتشاش و آشوب زده‌اند دلخوش کرده‌اند. اینها بیخود دلخوش کرده‌اند و فکر کردند چند نفری که دست به فتنه زده‌اند می‌توانند کار را به نفعشان پیش ببرند. فتنه گران به مرور زمان ریزش کرده‌اند و در میان مردم منفور و مطرود شدند.»[۵]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

دوشنبه ۲۱ دی ۱۳۸۸

ـ حمایت سناتورهای آمریکایی از اهانت‌کنندگان به عاشورای حسینی

جان مک‌کین و جو لیبرمن (دو سناتور آمریکایی) در گفتگو با شبکه خبری سی . ان . ان با حمایت از ناآرامیهای اخیر در تهران مدعی شدند: «اعتراضهای مخالفان در ایران نشان‌دهنده آغازی برای پایان دولت کنونی ایران است.»[۱]

ـ حمایت از حرمت‌شکنان با عنوان مردم نجیب!

مهدی کروبی در تلاش برای خروج از انزوا و بن‌بست، بیانیه‌ای صادر کرد و ضمن حمایت از حرمت‌شکنان روز عاشورا ـ که از آنها به عنوان مردم نجیب یاد می‌کرد ـ مدعی ارائه راهکار برای خروج از بحران شد. وی نوشت: «ما معتقد به اصل ولایت فقیه و جمهوری اسلامی متکی بر آرای ۹۸ درصدی هستیم نه جمهوری اسلامی‌ای که ارزشی برای رأی مردم قائل نیست.»[۲] وی در این بیانیه خواستار مناظره در تلویزیون شد تا روشن شود حق با چه کسی بوده است.

ـ حوادث بعد از انتخابات کاملاً از جنس حوادث ۱۸ تیر ۱۳۷۸ است

سرلشکر پاسدار رحیم صفوی (مشاور و دستیار عالی فرمانده کل قوا) با تشریح نقش مستقیم برخی از مسؤولان دولت خاتمی در حادثه کوی دانشگاه تهران در سال ۱۳۷۸،

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۲.   ۲- همان.

حوادث بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ را از جنس حادثه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ دانست و گفت: «با بررسی حوادث آن زمان این نکته آشکار می‌شود که در جریان ۱۸ تیر ۱۳۷۸ برخی از عناصر دولت و مجلس از حرکات ضدانقلاب حمایت می‌کردند و در فتنه اخیر که پس از انتخابات رخ داد، برخی از همان عناصر که در آن زمان در وزارت کشور یا مجلس یا برخی از احزاب سیاسی بودند، نقش داشتند، با این تفاوت که ۱۸ تیرماه محدوده‌اش در تهران بود، ولی فتنه اخیر مقداری گسترده‌تر است.»[۱]

ـ اعلام برائت خاتمی از شعار سبز

سید محمد خاتمی در دیدار با شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس نسبت به شعارهای انحرافی سرداده‌شده توسط برخی از حامیان موسوی در اغتشاشات واکنش نشان داد. وی با انحرافی خواندن شعاری غیر از استقلال آزادی جمهوری اسلامی گفت: «موضع ما مشخص بوده و هست. اسلام، انقلاب و جمهوری اسلامی.»[۲]

ـ تأکید هاشمی رفسنجانی بر سخنان رهبر انقلاب

هاشمی رفسنجانی (رئیس تشخیص مصلحت نظام) در دیدار با اعضای شورای مرکزی مجمع نمایندگان ادوار مجلس شورای اسلامی با اشاره به سخنان اخیر مقام معظّم رهبری تأکید کرد: «اگر محورهای اساسی بیانات ایشان رعایت شود، جایی برای اختلاف باقی نمی‌ماند.»[۳] وی با اشاره به سخنان مقام معظّم رهبری، اجماع بر محور قانون و دوری از اقدامات خودسرانه را از جمله محورهای اساسی در این بیانات عنوان کرد و افزود: «اگر این دو رعایت شود، جامعه به حالت تعادل نزدیک خواهد شد و جایی برای اختلاف باقی نمی‌ماند.»[۴]

۱- همان.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۲۲.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۳.
۴- همان.

سه‌شنبه ۲۲ دی ۱۳۸۸

ـ همکاری وسیع مردم با وزارت اطلاعات

حجةالاسلام حیدر مصلحی (وزیر اطلاعات) در گفتگو با باشگاه خبرنگاران به همکاری خودجوش مردم در شناسایی عوامل اغتشاش روز عاشورا اشاره کرد و گفت: «در این غائله مردم به صورت خودجوش از عناصر ضدانقلاب فیلم و عکس گرفته و با دادن اطلاعاتی بموقع در شناسایی افراد خودفروخته به ما کمک کردند.»[۱]

ـ فتنه‌ها در آینده پیچیده‌تر خواهد شد

سردار محمدعلی جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران) در همایش بسیجیان استان چهارمحال و بختیاری، مراقبت از انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی را وظیفه بسیار خطیر پاسداران و بسیجیان دانست و افزود: «امروز متأسفانه تعدادی در داخل کشورمان که ادعای انقلابی‌گری و حمایت از راه امام(ره) را هم دارند و خودشان را در درون نظام می‌دانند، ولیّ فقیه را تضعیف می‌کنند تا به اهداف مادّی و دنیایی خود برسند.»[۲] وی اضافه کرد: «درست است که دشمنان انقلاب اسلامی از حمله نظامی علیه ایران می‌ترسند امّا در آینده خطرات و توطئه‌ها و فتنه‌های بدخواهان انقلاب اسلامی پیچیده‌تر خواهد شد.»[۳]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۳.   ۲- همان.
۳- همان.

ـ ترور استاد فیزیک دانشگاه تهران

دکتر مسعود علی‌محمّدی (استاد فیزیک دانشگاه تهران) در برابر منزلش ترور شد. وی با شروع جنگ تحمیلی و دوران دفاع مقدس تا سال ۱۳۸۲ با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری داشت. گروهک تروریستی انجمن پادشاهی ایران در بیانیه‌ای مسؤولیت این ترور را برعهده گرفت.[۱]

ـ بیانیه خانواده شهید علی‌محمّدی

خانواده شهید دکتر علی‌محمّدی در بیانیه‌ای اعلام کردند: «دشمنان کشور تلاش می‌کنند با تحریف حقایق و با فتنه گری، خون این عزیز سفرکرده را پایمال کنند امّا ملت ایران، دانشجویان، اساتید و جامعهٔ علمی کشور هوشیارتر از آن هستند که فریب تبلیغات شوم آنان را بخورند.»[۲]

ـ مناظره کواکبیان و شریعتمداری

مصطفی کواکبیان (دبیرکل حزب مردم‌سالاری) و حسین شریعتمداری (مدیرمسؤول روزنامه کیهان) با حضور در برنامه تلویزیونی رو به فردا به مناظره با یکدیگر پرداختند. کواکبیان در بخشی از سخنانش گفت: «آقای شریعتمداری قبل از این‌که انتخابات تمام شود گفت قرار است در ایران انقلاب مخملی بشود و این را خودشان با مقالاتی که چاپ می‌کردند می‌دانند. گفتند مردم مواظب باشید. شما مگر علم غیب داشتید؟»[۳] حسین شریعتمداری نیز در بخشی از اظهاراتش تأکید کرد: «روزی که آقای خاتمی کاندیدا شد بنده یک یادداشت نوشتم که خاتمی نمی‌ماند، می‌رود و موسوی جایش معرفی می‌شود. فضا طوری بود که همه گروهها و دوم خردادی‌ها به‌به و چه‌چه می‌گفتند و استقبال می‌کردند. من یک یادداشت داشتم که آقای خاتمی کاندیدای اصلی نیست و کاندیدای

۱- همان. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۴.

اصلی آقای موسوی است. موقعی که مدیریت فتنه فرمولی را اعلام کرد شما بروید نظرهای رابرت لین را ببینید، ملاقات همین آقایان خاتمی با جرج سوروس صهیونیست را ببینید. شما موقعی که آمدید کمیته صیانت از آرا را تشکیل دادید، ما گفتیم اینها از پیروزی در انتخابات ناامیدند و قصدشان این است که اعلام کنند در انتخابات تقلب صورت گرفته است. چند روز بعدش نوشتیم که این جریان نیاز به نماد رنگین دارد که هنوز آقای موسوی شال سبز را مطرح نکرده بود. اینها عین مطالبی است که فرمول آن موجود است. اینها به نظر من قابل انکار نیست. من با صراحت عرض می‌کنم ماجرا این است که عده‌ای راه افتادند و یک فرمول بیرونی را دنبال کردند که آقای کواکبیان می‌ترسند بگویند سناریوی طراحی‌شده از طرف رسانه‌های آمریکایی است.»[1]

۱- همان.

پنجشنبه ۲۴ دی ۱۳۸۸

- جرم کسانی که برای اغتشاشات فراخوان می‌دهند از قانون‌شکنان سنگین‌تر است

سردار احمدی‌مقدم (فرمانده ناجا) در حاشیه همایش رؤسای پلیس مبارزه با مواد مخدر کشور اظهار داشت: «کسانی که اغتشاشات را سازماندهی می‌کنند و فراخوان می‌دهند، جرمشان از افراد قانون‌شکن سنگین‌تر است.»[۱]

- پیشنهاد حکمیت به معنای عدم درک درست از ولایت است

حجةالاسلام مرتضی آقاتهرانی (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) در گفتگو با ایرنا گفت: «کسانی که بی‌خردانه بستر اغتشاشات را فراهم کردند باید پاسخگوی عوارض نامطلوب بی‌حرمتی‌ها به مقدسات، ملّت و نظام باشند.»[۲] وی با بیان این‌که پیشنهاد حکمیت به معنای عدم درک درست از ولایت است، افزود: «بنده تصور می‌کردم این آقایان فصل‌الخطاب نظام را ولایت می‌دانند ولی در عمل این را ثابت نکردند.»[۳]

- مناظره زاکانی و اطاعت

علیرضا زاکانی (نماینده مردم تهران) و جواد اطاعت (عضو بنیاد باران و عضو سابق

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۶.
۲- همان.
۳- همان.

شورای مرکزی حزب اعتماد ملی) در برنامه تلویزیونی رو به فردا، به مناظره پرداختند. در ابتدای این برنامه جواد اطاعت با بیان این‌که به میرحسین موسوی رأی داده و به رأی خود افتخار می‌کند، خود را ارادتمند کروبی نامید و گفت: «بنده مخالف وضع موجود هستم و انتقاد جدی به این وضع دارم و به سیاستهای داخلی و خارجی دولت نیز انتقادات جدی وارد می‌دانم.»[۱] وی با بیان این‌که در بیشتر برنامه‌های صدا و سیما مسائل به استکبار جهانی، آمریکا و صهیونیست وصل می‌شود، تصریح کرد: «با این کار این ذهنیت در افراد ایجاد می‌شود که در همه کارها دست استکبار جهانی است، پس ملت ایران در این بین کجا قرار دارد و فهم و درک مردم کجا است؟»[۲] علیرضا زاکانی نیز در ادامه مناظره اظهار داشت: «تمام حرف ما با امثال جناب‌عالی و دیگران این است که چرا زمینه‌ساز مسایلی شدید که منجر به آشوب شود و چرا در حقیقت مسیری را اختیار کردید که قانون را بشکنید و نه در مقام شعار بلکه در مقام عمل مسیری را اختیار کردید که در این بستر ضدانقلاب بتواند رشد پیدا کند.»[۳]

ـ انکار وجود امام زمان(عج) توسط اکبر گنجی

اکبر گنجی (از لندن‌نشینان اتاق فکر جنبش سبز) در گفتگو با تلویزیون بی بی سی فارسی اندیشه مهدویت را برگرفته از مسیحیت خواند و گفت: «هیچ دلیلی مبنی بر وجود امام زمان(عج) وجود ندارد»[۴] وی همچنین در بخش دیگری از این مصاحبه اظهار داشت: «ائمه شیعه نه معصوم و نه واسطه فیضند، بلکه فقط آدمهایی عالم و دانشمند بوده‌اند.»[۵]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۲۷.
۵- همان.

شنبه ۲۶ دی ۱۳۸۸

ـ دیدار فراکسیون اقلیت مجلس با رئیس قوّه قضائیه

آیت‌الله صادق آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) در دیدار فراکسیون اقلیت مجلس با تحلیل برخی حوادث بعد از انتخابات و تقبیح برخی ساختارشکنان که احساسات و عواطف عمومی و مؤمنان را جریحه‌دار کردند، گفت: «متأسفانه بسیاری از حوادث و رویدادهای بعد از انتخابات ناشی از بی‌تدبیری و سکوت برخی خواص و شیطنت اطرافیان بود و چنانچه در هر مورد موضع‌گیری عاقلانه و با تدبیری صورت می‌گرفت، شاید بسیاری از این حوادث که موجب خشنودی دشمنان زخم‌خورده نظام اسلامی شد، اتفاق نمی‌افتاد.»[۱] وی همچنین تصریح کرد: «ادعای تقلب در انتخابات دروغ بزرگی بود که منشأ خسارات بسیاری شد و متأسفانه نحوه پیگیری این ادعا از طرف مدعیان، خود بزرگترین قانون‌شکنی بود.»[۲]

اصلاح‌طلبان حاضر به مناظره نمی‌شوند

علی‌اصغر پورمحمدی (مدیر شبکه سوم سیما) با اشاره به امتناع بخشی از اصلاح‌طلبان از حضور در برنامه رو به فردا گفت: «برخی از چهره‌های سیاسی بویژه از جناح اصلاح طلب، دعوت ما را برای حضور در برنامه رد کرده‌اند.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۲۷.
۲- همان.
۳- همان.

ـ اغتشاشات بعد از انتخابات در افزایش جرائم مؤثر بوده است

سرهنگ محمدرضا مقیمی (معاون مبارزه با سرقت پلیس آگاهی) در گفتگو با فارس اظهار داشت: «اغتشاشات بعد از انتخابات در افزایش جرائم مؤثر بوده و فرصت‌طلبان و مجرمان را جسورتر کرده است.»[۱]

ـ حکم متهمان پرونده هتاکان به آرمانهای انقلاب اسلامی

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دادسرای عمومی و انقلاب تهران، حکم ۶ نفر از متهمان هتاکی به آرمانهای انقلاب اسلامی صادر شد.[۲]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۲۷. ۲- همان.

یکشنبه ۲۷ دی ۱۳۸۸

ـ نامه اهانت‌آمیز مطهری

علی مطهری (نماینده مجلس هشتم) در نامه‌ای سرگشاده به رئیس دفتر رئیس‌جمهور، از احمدی‌نژاد به عنوان زمینه‌ساز اهانتهای افراد ضدانقلاب به مقام معظّم رهبری یاد کرد و خواست تا رئیس‌جمهور به خاطر صحبتهایی در مناظره با میرحسین موسوی از مردم عذرخواهی کند و اگر تن به این اقدام ندهد، احمدی‌نژاد باید محاکمه شود.»[۱]

ـ درخواست برکناری محتشمی‌پور

اسماعیل کوثری (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) گفت: «بیش از ۱۴۰ نفر از نمایندگان مجلس اواخر آذر در نامه‌ای به علی لاریجانی خواستار برکناری علی‌اکبر محتشمی‌پور از مسؤولیت دبیرکلی کنفرانس بین‌المللی حمایت از مردم فلسطین شده‌اند.»[۲] وی دلایل این درخواست را عملکرد محتشمی‌پور در انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، بویژه تشکیل کیمته صیانت از آرا که مهمترین عامل برای ایجاد توهم و بهانه دادن به دست دشمنان نظام بود و همچنین مواضع کمیته دانشجویی دبیرخانه دفاع از مردم فلسطین که در تقابل با مواضع مجلس در حمایت از مردم فلسطین است، بیان کرد.[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۲۹.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۰/۲۸.
۳- همان.

دوشنبه ۲۸ دی ۱۳۸۸

ـ تلاش دشمن برای تضعیف رهبری است

آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی (عضو مجلس خبرگان رهبری) در دیدار مدیران استان بوشهر اظهار داشت: «همه توطئه‌هایی که در این چند سال اخیر صورت گرفته برای تضعیف ولایت فقیه بوده است، زیرا وجود رهبری تنها مانع نفوذ استعمار در کشور است و دشمن توانسته کسانی را فریب دهد که تعمق فکری نداشته و در خط ولایت نبودند. باید خدا را شکر کنیم کسی را به ما مرحمت کرده که در طول زندگانی‌اش و در مدت ۳۰ سال حکومت یک ذره نقطه ضعف نشان نداده است و الّا دشمن از کوه کاهی می‌ساخت و این به برکت مقام ولایت است که مورد عنایت و توجه بقیة‌الله(عج) است.»[۱] وی تأکید کرد: «همهٔ هم و غم و تلاش دشمن برای این است که مقام ولیّ فقیه حذف و یا حداقل تضعیف و محدود شود و مقام ولایت را در حد مقامی مثل ریاست‌جمهوری پایین بیاورند و چیزهایی که برای رئیس‌جمهور می‌گویند، بتوانند برای رهبری هم بگویند تا قداست مقام ولایت را از بین برده و علاقه قلبی و دینی مردم را نسبت به رهبری بکاهند.»[۲]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۰/۳۰.   ۲- همان.

ـــ سه‌شنبه ۲۹ دی ۱۳۸۸ ـــ

ـ دوپهلو حرف زدن، کمک کردن به غبارآلودگی فضاست

مقام معظّم رهبری در دیدار اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با بیان این‌که دشمنان ملّت از شفاف بودن فضا ناراحتند و فضای شفاف را برنمی‌تابند اظهار داشتند: «دشمن فضای غبارآلود را می‌خواهد. در فضای غبارآلود است که می‌توانند خودشان نزدیک شوند و به حرکت ملت ایران ضربه بزنند. فضای غبارآلود، همان فتنه است. فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند. در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهرهٔ خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند.»

ایشان افزودند: «وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبانشان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی می‌کنند، با عملشان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال می‌برند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دوپهلو حرف زدن، کمک کردن به غبارآلودگی فضاست.»[1]

۱- متن بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلام در پیوست ۲۶ می‌باشد.

بهمن ماه ۱۳۸۸

شنبه ۳ بهمن ۱۳۸۸

ـ به جای تحریم ایران باید از جنبش سبز بیشتر حمایت کنیم

به گزارش فارس به نقل از روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال، هیلاری کلینتون (وزیر خارجه آمریکا) با شجاع نامیدن برخی عناصر ضدانقلاب و اغتشاشگر مدعی شد: «به رغم اقدامات شدید دولت ایران در ایجاد رعب و تهدید، روزنامه‌نگاران شجاع در ایران به استفاده از فناوری (اینترنت) ادامه می‌دهند تا به جهانیان و هموطنان خود در خارج از کشور نشان دهند که در داخل ایران چه اتفاقی در حال رخ دادن است.»[1] وی در ادامه تأکید کرد: «باید از طریق اینترنت و فضای مجازی حمایتهای بیشتری از انقلاب سبز (آشوبگری) در ایران به عمل آوریم.»[2]

ـ مشکلات فعلی کشور با تدبیر رهبری و کمک افراد معتدل دو جناح قابل حل است

هاشمی رفسنجانی (رئیس تشخیص مصلحت نظام) در دیدار اعضای شورای مرکزی حزب اعتدال و توسعه گفت: «در شرایط امروز برای برون‌رفت از وضعیت فعلی راه‌حلهایی را که با توجه به تجربیاتم به ذهنم می‌رسید در خطبه نمازجمعه مطرح کرده‌ام و هنوز نیز در کلیات به آن معتقدم هرچند که ممکن است نواقص و زوایدی داشته باشد.»[3] وی در ادامه با اشاره به شناخت خود از رهبری تصریح کرد: «اقدامات خلاف

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۴.   ۲- همان.

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۱/۴.

قانون و تندرویها از سوی هر جناحی هیچ‌گاه مورد تأیید ایشان نبوده و نخواهد بود. در شرایط فعلی، این‌جانب ایشان را فرد اصلح برای حل مشکلات فعلی جمهوری اسلامی می‌دانم و مطمئن هستم باکمک افراد معتدل از هر دو جناح موجود کشور با تدبیر رهبری مسائل موجود قابل حل و فصل است.»[۱]

۱- همان.

ـ•◆ دوشنبه ۵ بهمن ۱۳۸۸ ◆•ـ

ـ رئیس‌جمهور منتخب ملت ایران را به رسمیت می‌شناسم

مهدی کروبی (کاندیدای شکست‌خورده انتخابات دهم) در گفتگو با فارس و در پاسخ به این سؤال که آیا شما رئیس‌جمهور قانونی و منتخب ملت ایران را به رسمیت می‌شناسید؟ بیان داشت: «بنده اشکالات خود را همچنان وارد می‌دانم، امّا در خصوص سؤال شما باید بگویم، بله رئیس‌جمهور را نیز به رسمیت می‌شناسم.»[۱]

ـ انتقاد رئیس جامعه مدرسین از مواضع هاشمی رفسنجانی

آیت‌الله محمد یزدی (رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) در دیدار با مسؤولان ارشد سازمان صدا و سیما با اشاره به سخنرانی هاشمی رفسنجانی در جمع اعضای حزب اعتدال و توسعه، گفت: «به نظر من سخنان هاشمی با آن نوع بیان به جای این‌که احترام به رهبری باشد، نوعی توهین و جسارت به آیت‌الله خامنه‌ای بود.»[۲] وی افزود: «هاشمی با موضع‌گیریهایش که از سه‌پهلو هم گذشته است، هر روز از نظام دورتر می‌شود.»[۳]

ـ نخستین گردهمایی اصلاح‌طلبان پس از انتخابات

نخستین گردهمایی اصلاح‌طلبان پس از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم (کنگره حزب مردم‌سالاری) با حضور مهدی کروبی، مجید انصاری، هادی غفاری، هادی خامنه‌ای و ... برگزار شد.[۴]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۶.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۶.

سه‌شنبه ۶ بهمن ۱۳۸۸

ـ بوی توطئه می‌آید

رئیس تشخیص مصلحت نظام در واکنش به انتقادهای محمد یزدی از وی، گفت: «با صحبتهای دیروز ایشان و اطلاعات رسیده، این بار بوی توطئه به مشام می‌رسد و درباره مسائل ایشان در زمان امام راحل و در جلسه انتخاب رهبری بعد از ارتحال امام و در قوّه قضائیه به صورت کتبی مطالبی را گوشزد خواهم کرد.»[۱] هاشمی رفسنجانی افزود: «در مورد سخنان اخیر آقای یزدی همان‌گونه که قبلاً هم گفتم جوابم تاکنون به سخنان توأم با عصبانیت و غرض‌آلود ایشان سلام بوده است ولی با صحبتهای دیروز ایشان بوی توطئه به مشام می‌رسد.»[۲]

ـ موسوی هم مثل کروبی فکر می‌کند

حسین کروبی (فرزند مهدی کروبی) در گفتگو با تلویزیون بی بی سی فارسی در خصوص اظهاراتش مبنی بر به رسمیت شناختن رئیس‌جمهور گفت: «ظهر دوشنبه که با حاج آقا (کروبی) صحبت کردم ایشان گفتند من هنوز روی حرفهای خودم محکم ایستاده‌ام و معتقد هستم اشکالات جدی به انتخابات وارد است و در انتخابات تقلبهای زیادی شده است، ولی چون رهبری تنفیذ کردند به خاطر همین من ایشان (احمدی‌نژاد) را رئیس دولت می‌شناسم.»[۳] وی گفت: «صحبتهای اخیر پدرم همان صحبتهای موسوی

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۱/۷. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۷.

است که در بیانیه هفدهم خود به آن اشاره کرده بود.»[1]

ـ فتنه ٨٨ باعث بیدارتر شدن مردم شد

مقام معظّم رهبری در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ٦ بهمن با اشاره به خطاهای معارضین جمهوری اسلامی و این‌که تا هروقتی این خطاها وجود داشته باشد، کارهایی که بکنند ممکن است به مردم آزار و اذیتی وارکند ـ امّا بیشتر به ضرر خودشان است، اظهار داشتند: «یکی این است که معارضین جمهوری اسلامی غالباً خود را از مردم بالاتر دانسته‌اند. خطای دوم این است که به دشمنان این مردم امید بستند، دل بستند. این دو تا اشتباه بزرگ است. وقتی از مردم خودشان را بالاتر دانستند، لازمه‌اش این می‌شود که اگر مردم در یک حرکت قانونی یک اقدامی کردند، یک چیزی را خواستند، یک چیزی را نخواستند، انتخابی کردند، عملی انجام دادند، اینها بگویند نه، مردم عوام بودند، این عوامگرایی است، این پوپولیزم است، ما این را قبول نداریم. خود را از مردم بالاتر دانستن، این‌جا ظاهر می‌شود. ادعا ملاک نیست که بگویند ما مردمی هستیم، در عمل باید مردمی بود. این اشکال اوّل. اشکال دوم این است که به دشمنان این مردم ـ که دشمنی آنها ثابت است، واضح است ـ دل می‌بندند. کی با این مردم در طول این سی سال دشمن بوده است؟ در درجهٔ اوّل، آمریکا و صهیونیسم. از اینها دشمن‌تر ما سراغ داریم برای جمهوری اسلامی؟ از روز اوّل، دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی و صهیونیستهای دنیا در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایستادند. امروز هم حقاً و انصافاً دشمن‌ترین دشمنان، اینها هستند. بنده که نگاه می‌کنم، می‌بینم بعضی از دولتهای غربی گاهی یک حرفهای بی‌ربطِ بی‌معنایی می‌زنند، اما محرک، صهیونیستهایند. عامل، همان طبقهٔ مسلطی هستند که بر حکومت آمریکا و دولت آمریکا و انتخابات آمریکا هم مسلطند. اینهایند که دارند صحنه گردانی می‌کنند. خوب، پس اینها شدند دشمن‌ترین دشمنان

١- همان.

ملت ایران. حالا اگر آن کسی که در مقابل مردم می‌ایستد، به اینها دل بست، این آن خطای دوم است که اتفاق می‌افتد. دل بستن به دشمن؟! وقتی می‌بینیم که این دشمن وارد میدان شده است، بایستی بفهمیم، بشناسیم. اگر خطایی، اشتباهی کرده باشیم، باید اشتباه را برطرف کنیم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین ضمن اشاره به چهل و پنج میلیون دلار مصوب شده آمریکا برای شکست دادن جمهوری اسلامی، آن را درماندگی دشمن دانستند و افزودند: «پول را خرج می‌کنند و بعد هم برایشان حسرت می‌شود، چون بی‌فایده است. من نمی‌دانم چقدر نشستند طراحی کردند، کار کردند تا بتوانند در تهران به یک بهانه‌ای آشوب راه بیندازند، خدا می‌داند که از چه مدت قبل اینها نشستند طراحی کردند، خوب، چه شد؟ غیر از این شد که مردم از آنچه که بودند، بیدارتر شدند؟ اگر کسی خیال می‌کرد که لازم نیست دیگر بیاید توی میدان، از نظام جمهوری اسلامی دفاع کند، با این حوادث، همه احساس کردند که باید همیشه برای دفاع از جمهوری اسلامی حاضر باشند.»[1]

۱- بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن در پیوست ۲۷ می‌باشد.

چهارشنبه ۷ بهمن ۱۳۸۸

ـ شناسایی شبکه‌های اغتشاش ظهر عاشورا

معاون وزیر اطلاعات در جمع خبرنگاران، بخشی از طراحیهای پشت پرده سازمان‌دهندگان اغتشاشات ظهر عاشورا را تشریح کرد. وی با اشاره به زمینه‌سازیهای انجام‌شده برای حرمت‌شکنی روز عاشورای حسینی گفت: «یک سازماندهی خاصی برای ایجاد فتنه روز عاشورا وجود داشت که با اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های جریان فتنه در تشییع جنازه مرحوم منتظری در قم شروع و در سایتها منعکس شد. همچنین آقای میرحسین موسوی در صفحهٔ فیس‌بوک خود اطلاعیه فراخوان می‌دهد و از مردم دعوت می‌کند و اگر این صفحه فیس‌بوک مربوط به آقای موسوی نبوده باید تا حالا از آن تبری می‌جست. همه کسانی که در این صفحه بودند، این اطلاعیه را دیدند و به آن عمل کردند و عده‌ای از آشوبگران بنا به دعوت آقای میرحسین موسوی به صحنه ظهر عاشورا آمدند.»[1] وی افزود: «آقای سازگارا و نوری‌زاده هم در شبکه‌های بی بی سی و صدای آمریکا مخاطبان خود را دعوت به حضور در صحنه اغتشاشات ظهر عاشورا کردند. چریکهای فدایی اقلیت و اکثریت و جریان بهائیت نیز برای اغتشاشات ظهر عاشورا، فراخوان داده بودند و تعداد زیادی از دستگیرشدگان از همین گروهها هستند.»[2] معاون وزیر اطلاعات همچنین با اشاره به استفاده جریان فتنه از فضای مجازی گفت: «در این فضا، افرادی در پشت صحنه مثل حسین بشیریه به عنوان فکرساز و آقای نصر به عنوان

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۸. ۲- همان.

مشاور اوباما رئیس‌جمهور آمریکا حضور دارند».[۱] وی خاطرنشان کرد، «مهم‌ترین تیم فکری جریان فتنه خارج از کشور، تیم جرس است و آقایان کدیور، گنجی، مهاجرانی و مخملباف و خانم حقیقت‌جو در آن حضور دارند که بازوی عملیاتی میانجی بین غرب و گروههای فتنه داخل کشور هستند.»[۲]

ـ طرح تشکیل کمیته صیانت از آرا از هاشمی بود

دکتر غلامحسین الهام (عضو حقوقدان شورای نگهبان) با اشاره به حمایت حزب کارگزاران از خاتمی در دوم خرداد گفت: «هاشمی رفسنجانی آن موقع هم اعلام کرد که از تقلب در انتخابات نگران است و به جامعه القا کرد که اگر شخص دیگری رأی بیاورد در انتخابات تقلب شده است.»[۳] وی با اشاره به طرح تشکیل کمیته صیانت از آرا از سوی هاشمی تصریح کرد: «این کمیته برای تشکیل قدرت موازی در کشور و فشار بر نظام اسلامی تشکیل شده بود و از همان ابتدا اندیشه اغتشاش و اعتراض به نتیجه انتخابات در ذهن آنها شکل گرفته بود. پس از مناظره‌های انتخاباتی و پس از آنکه شکست در انتخابات برای جریان اصلاح‌طلب مسجل شده بود، خاندان هاشمی تهدید و فتنه علیه نظام را کلید زدند. فائزه هاشمی بصراحت اعلام کرده بود که رهبر معظّم انقلاب در زمان پدرش هیچ‌گاه رهبری نکرده و تنها در زمان احمدی‌نژاد است که ایشان رهبر نظام اسلامی است و البته حضور او در جمع اغتشاشگران عاشورا ماهیّت و هدف غایی‌اش را بخوبی نشان می‌دهد.»[۴]

زندانیان را آزاد کنید

به گزارش ایسنا داریوش قنبری (سخنگوی فراکسیون خط امام مجلس) با اشاره به ایام دهه فجر خواستار بسترسازی برای گفتگو و تعامل شد. وی گفت: «این ایام، ایام

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۸.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

مناسبی است که مسؤولان و کسانی که درون جبهه نظام و انقلاب هستند، باید لزوم وحدت را به یاد بیاورند. آسیبهای وحدت را بشناسند و در جهت برطرف کردن این آسیبها اقدامات جدی انجام دهند.»[۱] قنبری در ادامه با بیان این‌که بازداشت‌شدگان را آزاد کنند و مطبوعاتی که به شکل سلیقه‌ای بسته شدند بازگشایی شوند، افزود: «این زمان، زمان مناسبی است که دو طرف حسن نیت نشان بدهند، اختلاف را کنار بگذارند تا به راهکارهایی برای پایان دادن به اوضاع کنونی برسند.»[۲]

ـ ۲۲ بهمن باید بدون تفرقه و با وحدت کامل برگزار شود

رئیس تشخیص مصلحت نظام در دیدار اعضای خانه کشاورز ضمن گرامی‌داشت حماسه فجرآفرینان، خواستار برگزاری جشنهای پیروزی انقلاب اسلامی و روز ملی ۲۲ بهمن، بدون تفرقه و با وحدت کامل با حضور همه اقشار جامعه شد.[۳]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۱/۸. ۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۱/۸.

پنجشنبه ۸ بهمن ۱۳۸۸

ـ اعدام دو نفر از محکومان اغتشاشات اخیر

حکم دو نفر از متهمان اغتشاشات اخیر به نامهای محمدرضا علی زمانی و آرش رحمانی‌پور که به تأیید دادگاه تجدید نظر رسیده بود، سحرگاه روز پنجشنبه اجرا شد و محکومان به دار مجازات آویخته شدند.[۱]

ـ کروبی را با چنین افتضاحاتی نمی‌شود تحمل کرد!

یوسف صانعی در جلسه‌ای با اعضای ارشد دفتر خود، ضمن انتقاد شدید از مواضع جدید کروبی در به رسمیت شناختن دولت با الفاظی رکیک به وی حمله کرد. وی با اشاره به وجود حلقه نفوذی در اطراف کروبی، از وی خواست تا به جای واژه رسمیت داشتن دولت کنونی از کلمه دولت مستقر استفاده کند. صانعی با بیان این‌که پس از شنیدن موضع اخیر کروبی در به رسمیت شناختن دولت تا صبح خوابم نبرد، خطاب به اعضای دفترش گفت: «کروبی اخیراً در نامه‌ای از من خواسته تا در مسائل سیاسی وارد نشوم و به مسائل دینی بپردازم امّا دیگر نمی‌شود او را با چنین افتضاحاتی تحمل کرد و باید او را متقاعد کنیم تا سخنانش را تکذیب کند.[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۰.

۲- همان.

ـ خواص مردود شده باید هزینه اقدامات خود را بپردازند

حجةالاسلام حمید رسایی (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) در برنامه دیروز امروز فردا از شبکه سوم سیما ضمن تأکید بر ناکافی بودن عقب‌نشینی سران فتنه از مواضع باطل خود تصریح کرد: «خواص مردودشده باید تبعات اقدامات خود را پذیرفته و در صدد جبران آن برآیند.»[۱]

ـ از آشوبگران در ایران و همجنس‌بازان در آمریکا حمایت می‌کنیم!

باراک اوباما (رئیس‌جمهور آمریکا) در نطق سالانه خود خطاب به کنگره و مردم آمریکا، ضمن حمایت از زنان آشوب‌طلب در ایران خواستار تلاش برای ورود همجنس‌بازان آمریکایی به ارتش این کشور شد. وی در این باره مدعی شد: «ما از حقوق انسانی زنانی که در خیابانهای ایران راهپیمایی می‌کنند حمایت می‌کنیم.»[۲]

ـ ولایت فقیه را قبول دارم و با شعارهای ساختارشکن مخالفم

به‌گزارش فارس مهدی کروبی در گفتگو با روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز گفت: «من ولیّ فقیه، جمهوری اسلامی و قانون اساسی را قبول دارم، امّا با شعارهای ساختارشکن و سکولار که صد درصد اشتباه است، مخالفم.»[۳] وی مدعی شد: «با در نظر گرفتن مشکلات سیاسی و اقتصادی بعلاوه سیاست خارجه بحث‌برانگیز ایران، من به شخصه بر این باورم که آقای احمدی‌نژاد نخواهد توانست دوره چهارساله دوم ریاست‌جمهوری خود را به اتمام رساند.»[۴]

ـ کشف انبار سلاح و مهمات در مسجد الهادی تهران!

با اعلام خبری مبنی بر احتکار برخی اقلام قماش از جمله برنج و ... در مسجد

۱- کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۰.
۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۱/۱۰.
۴- همان.

الهادی(ع)، در تحقیق و تفحص تیم بازرسی وزارت بازرگانی مشخص شد، برنج کشف‌شده مربوط به آقای هادی غفاری امام جماعت مسجد مذکور (حامی کروبی) است. مأمورین در حین بازرسی در مسجد مذکور، به یک باب انبار مشکوک شده که پس از اصرار و پیگیریهای به عمل آمده و باز نمودن قفل ورودی، تعداد ۵۷ قبضه سلاح کمری، ۹۸ قبضه کلاشینکف و مقدار زیادی فشنگ در آن‌جا کشف شد.[۱]

ـ پایان نزاع لفظی یزدی و هاشمی با میانجیگری سید احمد خاتمی

آیت‌الله سید احمد خاتمی (عضو هیأت رئیسه مجلس خبرگان رهبری) در گفتگو با خبرگزاریها گفت: «این‌جانب به عنوان طلبه‌ای که صلاح جامعه را در وحدت و همدلی می‌بیند، بعد از سخنان آیت‌الله یزدی و واکنش آقای هاشمی، تلفنی از دو بزرگوار خواستم به این نزاع پایان بدهند و تأکید بر آن شد که ادامه این نزاع به مصلحت انقلاب و نظام و روحانیت و مجلس خبرگان رهبری نیست و هر دو بزرگوار نیز پذیرفتند این نزاع ادامه داده نشود.»[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۲. ۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۰.

◆ شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۸۸ ◆

ـ راهپیمایی ۲۲ بهمن را به مانور وحدت ملی تبدیل کنیم

رئیس تشخیص مصلحت نظام در جلسه این مجمع، انسجام داخلی و پرهیز از تفرقه در داخل کشور را برای خنثی‌سازی فشارهای خارجی و صیانت از نظام مقدس جمهوری اسلامی بسیار حیاتی و خطیر دانست و گفت: «دلسوزان و عاشقان نظام از همه گروهها و طرفها باید تلاش کنند راهپیمایی امسال روز عید ملی ۲۲ بهمن با آرامش و عظمت خاص خود برگزار شود چون هرگونه تعارض و خشونت در جهت خواست دشمنان خواهد بود.»[۱] وی از همه آحاد مردم، طرفها و قشرها در سراسر کشور خواست که این روز را به مانور وحدت ملی برای حفظ نظام و حمایت از جمهوری اسلامی علی‌رغم برخی اختلاف سلیقه‌ها تبدیل کنند. هاشمی رفسنجانی در ادامه اظهار داشت: «۲۲ بهمن نقطه مشترک حفظ و تقویت وحدت و نماد وفاداری مردم به نظام اسلامی است که امیدواریم با شکوه خاص خود برگزار شود.»[۲]

ـ برگزاری دومین جلسه دادگاه متهمان آشوبهای روز عاشورا

دومین جلسه دادگاه متهمان آشوبهای روز عاشورای تهران به ریاست قاضی صلواتی در شعبه ۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران برگزار شد. در ابتدای این جلسه نماینده مدعی‌العموم به قرائت مقدمه کیفرخواست پرداخت. در این کیفرخواست آمده است:

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۱/۱۱.　　۲- همان.

«علاوه بر گروهکهای ضدانقلاب، منافقین دستگیرشده در روز عاشورا نیز اعتراف کرده‌اند که برای ایجاد ناامنی، آشوب و اغتشاش، تجمعات و تظاهرات غیرقانونی به بهانه انتخابات دهم ریاست‌جمهوری و حوادث بعد از آن، به‌کرات در مقر این گروهک ملحد و محارب در عراق و سایر کشورهای اروپایی، آموزش ترور و آشوب دیده‌اند.»[۱]

ـ دیدار موسوی و کروبی

میرحسین موسوی صبح شنبه به منزل مهدی کروبی رفت تا دو طرف درباره مسائل روز کشور به بحث بنشینند. این دو کاندیدای ناکام انتخابات دهم با تأکید بر این‌که تداوم وضع موجود منجر به ضربه به اصل انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران می‌شود اعلام کردند تنها راه خروج از بحران و بازگشت آرامش به کشور، آزادی زندانیان سیاسی، رفع توقیف مطبوعات، رفع پلمپ احزاب و برگزاری انتخابات آزاد است.[۲]

ـ تربیت‌شدگان اصلاحات، قرآن و امام زمان را زیر سؤال می‌برند

حجةالاسلام جعفر شجونی (رئیس جامعه وعاظ) با حضور در برنامه زنده تلویزیونی دیروز، امروز، فردا با اشاره به عدم حضور برخی از افراد اصلاح‌طلب در مناظرات تلویزیونی تصریح کرد: «دلیل این‌که برخی از آقایان نمی‌توانند در برنامه‌های تلویزیونی حاضر شوند این است که رویشان نمی‌شود و حرفی برای گفتن ندارند. برخی از آقایان جنایتکار را «پررو» کرده‌اند و کسانی راکه از امام(ره) و انقلاب فرار کرده بودند و پشت درب اتاق صدام پست می‌دادند به کشور بازگرداندند و باعث شدند که اتفاقات روز عاشورا در تهران به وقوع بپیوندد.»[۳] وی افزود: «اصلاح‌طلبان در دوره اصلاحات کسانی را تربیت کرده‌اند که امروز در تلویزیون بی بی سی با آشکار کردن هویت واقعی خود، قرآن و امام زمان(عج) را زیر سؤال می‌برند.»[۴]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۱.
۲- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۱/۱۱.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۲.
۴- همان.

ـ•◇ یکشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۸۸ ◇•ـ

ـ در برخورد با محاربین کوتاه نخواهیم آمد

آیت‌الله آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) در جلسه مسؤولان عالی قضایی با اشاره به اجرای برخی احکام صادره در مورد تعدادی از اعضای گروهکهای محارب گفت: «افرادی که احکام آنان بموقع اجرا شد، کسانی بودند که سلاح به دست گرفته و وابسته به گروهکهای محارب و تروریست بودند و یا با مواد منفجره دستگیر شده بودند و در تمام موارد رسیدگی قانون آیین دادرسی کیفری در مورد آنان دقیقاً اجرا و رعایت شد.»[1] وی همچنین خطاب به کسانی که با ایجاد توهّم مسامحه در برخورد با متهمان توقع تسریع در رسیدگی برخلاف قوانین را از دستگاه قضایی دارند، تأکید کرد: «برخی افراد علی‌رغم تذکرات قبلی، توقع بیشتر از اجرای قانون را از دستگاه قضایی دارند که این توقعات سیاسی برخلاف شرع و قانون است.»[2]

ـ اعلام اسامی اصلاح‌طلبان غایب در مناظره‌ها

وحید یامین‌پور (مجری برنامه تلویزیونی رو به فردا) با اشاره به برخی جوّسازیهای مطبوعات و رسانه‌های اصلاح‌طلب گفت: «علی‌رغم میل باطنی خود که بنای اعلام اسامی افرادی را که حاضر به مناظره تلویزیونی نشدند، نداشتم؛ مجبور هستم جهت شفاف‌سازی، تعدادی از این اسامی را نام ببرم.»[3] وی در برنامه دیروز امروز فردا گفت:

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۲.   ۲- همان.
۳- همان.

«شخصاً سه مرتبه از حجةالاسلام والمسلمین انصاری برای مناظره دعوت کردم که جواب رد دادند. از آقای تابش رئیس فراکسیون اصلاح‌طلبان مجلس هم دعوت کردیم که از حضور امتناع ورزیدند. احمد مسجدجامعی، وزیر ارشاد دولت اصلاحات و عضو اصلاح‌طلب شورای شهر تهران نیز برای حضور در مناظره دعوت ما را قبول نکرد.»[۱] وی افزود: «سید محمود دعایی و مسیح مهاجری مسؤولین روزنامه‌های اطلاعات و جمهوری اسلامی و همچنین کاتوزیان نماینده اصلاح‌طلب نیز از حضور در مناظره‌ها امتناع کردند.»[۲]

ـ تنها راه آمریکا برای پیروزی در برابر ایران حمایت از سبزهاست

روزنامه آمریکایی واشنگتن پست در گزارشی با اشاره به راهبردهای ناموفق رئیس‌جمهور آمریکا تأکید کرد اوباما در صورتی که می‌خواهد در برابر ایران پیروز شود باید از در حمایت از سبزها وارد شود.[۳]

ـ ۷۰ درصد اغتشاشگران روز عاشورا با همکاری مردم شناسایی شدند

سردار احمدی‌مقدم (فرمانده ناجا) در همایش تخصصی معاونان و رؤسای پلیس کشور ضمن بیان این‌که با همکاری مردم و تلاش دستگاههای اطلاعاتی و امنیتی ۷۰ درصد اغتشاشگران روز عاشورا ـ که تصویرشان منتشر شده بود ـ شناسایی شدند، افزود: «فتنه‌های اخیر برای مردم به لحاظ ابهام‌آفرینی پیچیده‌تر از فتنه‌های انقلاب بود که این فتنه‌ها شفاف‌تر بودند».[۴] وی تصریح کرد: «حوادث اخیر علی‌رغم ریزشهایی که به همراه داشت امّا موجب رویشهای فراوانی شد و بلوغ مردم را به همراه داشت.»[۵]

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۲.
۴- همان.
۵- همان.

- سران فتنه به دنبال حفظ حیات سیاسی خود هستند

سرلشکر سید حسن فیروزآبادی (رئیس ستاد کل نیروهای مسلح) با اشاره به اصرار سران داخلی و خارجی فتنه بر تداوم راهبرد پیچیده توطئه تصریح کرد: «سران داخلی فتنه به دنبال حفظ حیات سیاسی خود هستند.»[1]

- بیانیه ۲۱۸ نماینده مجلس

۲۱۸ نماینده مجلس شورای اسلامی با انتشار بیانیه‌ای از خواص جامعه خواستند تا با اطاعت از رهبر معظّم انقلاب دست از سخنان موهن و دوپهلو بردارند![2]

۱- همان.

۲- همان.

سه‌شنبه ۱۳ بهمن ۱۳۸۸

ـ مصاحبه موسوی با سایت کلمه

میرحسین موسوی در مصاحبه تندی که با سایت کلمه داشت بر توهمات سابق خود پای فشرده و توهینهای آشکاری را به نظام اسلامی وارد ساخت. وی تصریح کرد: «به نظر من تلاش برای سوق دادن مردم به سوی شعارهای محدود و از پیش تعیین‌شده در راهپیمایی ۲۲ بهمن اهانت به مردم است.»[۱] وی با ابراز نارضایتی از اقدام قوّه قضائیه نسبت به اعدام دو تن از تروریستهای حوادث اخیر، آنها را جوان کم سن و سال خواند و مدعی شد که شایعات جدی در مورد نحوه اعتراف‌گیری از آنها وجود دارد. موسوی در بخشی دیگر از این مصاحبه با تمجید از طراحان و صحنه گردانان آشوبها و اغتشاشگران حوادث پس از انتخابات مدعی شد: «امروز زندانها را پاک‌ترین فرزندان ملت پر کرده‌اند. از دانشجویان و اساتید و دیگر اقشار آنها به جای آن‌که دنبال جاسوسان واقعی باشند، انسانهای شریف و مؤمن را به جاسوسی متهم می‌کنند.»[۲]

۲۲ بهمن امسال حرکتی وحدت‌بخش و مأیوس‌کننده بیگانگان خواهد بود

دکتر لاریجانی (ئیس مجلس هشتم) در آغاز جلسه علنی ضمن دعوت از مردم و جریانات سیاسی به حضور در راهپیمایی ۲۲ بهمن گفت: «این روز نه میدان مانورهای سیاسی و نه عرصه‌ای است که بیگانگان بر امواج آن عمارت عنکبوتی بسازند.»[۳]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۴.　　۲- همان.

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۱/۱۴.

ـ ارجاع پرونده فرزندان هاشمی به دادسرای تهران

به‌گزارش فارس، حجةالاسلام رئیسی (معاون اوّل قوّه قضائیه) گفت: «اداره دستگاه قضایی امروز بر این امر استوار شده است که به هیچ عنوان رسیدگی به اتهامات کسانی که منتسب به خواص هستند، کنار نخواهد گذاشت و پرونده فرزندان هاشمی نیز به دادسرای تهران ارجاع شده و در موعد مقرر در جریان قرار خواهد گرفت.»[۱]

ـ غفلتها گاهی مثل خیانتها خیلی ضربه می‌زند

رهبر معظّم انقلاب در دیدار صدها نفر از اساتید دانشگاه تهران به غفلت برخی خواص اشاره کرده و نتایج برخی غفلتها را خیانت‌بار خواندند و افزودند: «در همین قضایای بعد از انتخابات واقعاً غفلت بزرگی کردند. حالا من که می‌گویم غفلت، چون بنای من بر خوش‌بینی است ـ خود من هم آدم بدبینی نیستم، آدم خوش‌بینی‌ام، نسبت به اشخاص هم خوش‌بینم ـ بلافاصله روز بعد از انتخابات، کارهای بدی را انجام دادند؛ حالا دارند نتایجش را می‌بینند. به عنوان اعتراض به انتخابات، مردم را به خیابانها دعوت کردند؛ چرا؟ این چه منطقی است؟ چرا مردم را به خیابان دعوت می‌کنند؟ مگر مسأله انتخابات ـ مسأله به این اهمیت، به این ظرافت ـ قابل حل توی خیابان است؟ نیروی فشار درست کردن؛ اینها غفلتهای بزرگی است. وقتی این‌جوری می‌شود، مأمنی درست می‌کنند برای دشمن. مأمنی درست می‌کنند برای آن کسی که می‌خواهد ایجاد آشوب و اغتشاش کند، اینها غفلتهاست. یعنی در سیاست، غفلتها گاهی مثل خیانتها خیلی ضربه می‌زند.»[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۴.

۲- بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران در پیوست ۲۸ می‌باشد.

ـ•• چهارشنبه ۱۴ بهمن ۱۳۸۸ ••ـ

ـ اعتراف متهمان حوادث روز عاشورا به ارتباط با دیپلماتهای خارجی

چهارمین جلسه رسیدگی به متهمان حوادث روز عاشورا در شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران و با رسیدگی به اتهامات پنج نفر برگزار شد. این متهمان در اعترافات خود شرکت در اغتشاشات و انجام اقدامات ساختارشکنانه را تحت تأثیر رسانه‌های بیگانه و القائات میرحسین موسوی عنوان کردند و در عین حال دو نفر از آنها ضمن اعتراف، اشاره به دخالت برخی دیپلماتهای آلمانی در آشوبهای پس از انتخابات کردند.[۱]

ـ مخالفان در ایران به نیابت از ما با جمهوری اسلامی می‌جنگند!

شیمون پرز (رئیس رژیم صهیونیستی) در دانشگاه هرتسلیا با تکرار حمایتهای سابق از آشوبگران گفت: «نبرد علیه جمهوری اسلامی از بیرون مرزهای آن آغاز نمی‌شود بلکه از درون مرزهای ایران شروع می‌شود.»[۲] وی افزود: «ما باید از مخالفانی که با رژیم مبارزه می‌کنند دلجویی و آنها را دلگرم سازیم. ما باید در تحریمهای اقتصادی برای فشار بر جمهوری اسلامی همنوا شویم.»[۳]

ـ مسمومیت دارویی دلیل مرگ پزشک کهریزک

حسن عابدی (رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور) در گفتگو با ایلنا در خصوص

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۵.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۵.
۳- همان.

مرگ دکتر رامین پوراندرزجانی پزشک وظیفه کهریزک گفت: «مسمومیت دارویی علت مرگ پزشک کهریزک می‌باشد.»[1]

ـ معرفی یکی از فرماندهان آشوب توسط سایت صهیونیستی

سایت صهیونیستی تابلت در مقاله‌ای تحت عنوان «برخلاف انقلابیون» به معرفی محسن سازگارا از فرماندهان آشوبهای پس از انتخابات پرداخت. به ادعای این سایت، سازگارا علی‌رغم ظاهر پروفسورمآبانه‌اش، یکی از چهره‌های تأثیرگذار در سیاست خارجی سازمانهای جاسوسی آمریکا علیه ایران و در سازماندهی و هدایت آشوبهای خیابانی در بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری در تهران نقش داشته است.[2]

١- روزنامه اعتماد، ١٣٨٨/١١/١٥.

٢- روزنامه ایران، ١٣٨٨/١١/١٥.

شنبه ۱۷ بهمن ۱۳۸۸

ـ نامه علی مطهری به میرحسین موسوی

علی مطهری (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) طی نامه‌ای سرگشاده خطاب به میرحسین موسوی ضمن بیان برخی اشتباهات فاحش وی در ماههای گذشته، موسوی را پیرو امیرالمؤمنین(ع) دانست و نوشت: «فرضاً در ماجرای اخیر حق به جانب شما باشد. باید مانند امیرالمؤمنین به خاطر حفظ اسلام و وحدت اسلامی از حق خود بگذرید... از جناب‌عالی با سابقه خوب در انقلاب اسلامی این انتظار دور از ذهن نیست.»[۱] وی در قسمت دیگری از نامه خود با اشاره به بیانیه هفده موسوی آورد: «در بیانیه شما نکات مثبت و گامهایی به سوی اتحاد و رفع بحران دیده می‌شود مانند؛ محکوم کردن رسانه‌های بیگانه، تبرّی از شعارهای ضداسلام و جداکردن راه خود از راه خارج‌نشینان، از همه مهمتر تأکید بر التزام به قانون اساسی، گرچه یکی از اصول قانون اساسی اصل ولایت فقیه است و مطابق آن باید در معضلات اجتماعی و سیاسی نظر رهبری را فصل‌الخطاب بدانیم هرچند قانع نشده باشیم و در بیانیه شما به این اصل توجه لازم مبذول نشده است. از سوی دیگر بخشی از این بیانیه نشان می‌دهد که جناب‌عالی میلی به پایان یافتن این بحران ندارید و مایلید این شعله هرچند کم‌سوتر همچنان افروخته باشد، البته به زعم خود برای دفاع از حقوق مردم. درحالی‌که با فراهم شدن زمینه مناسب برای قانون‌گریزی و بسته شدن دست مصلحان قانونی، حقوق مردم به شکل دیگری پایمال

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۱/۱۸.

می‌شود و با بهره گیری دشمنان خارجی از این بحران، اقتدار نظام اسلامی و منافع ملی نیز آسیب می‌بینند.»[۱]

ـ میرحسین و جوزف بایدن به یک نقطه مشترک رسیده‌اند

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار فراری مقیم آمریکا) در گفتگو با صدای آمریکا با اشاره به مصاحبه اخیر موسوی به بهانه سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی گفت: «اظهارات اخیر موسوی، دور شدن از نظام اسلامی را نمایان می‌کند. او رژیم را متهم به دیکتاتوری و استبداد مذهبی می‌کند. از سوی دیگر جو بایدن هم صریحاً گفته که جمهوری اسلامی مشروعیت ندارد.»[۲] این مهره سیا اضافه کرد: «موسوی به تعدد و تکثر آرا در جنبش سبز اشاره کرده و بنابراین اصراری ندارد که همه باید در چارچوب قانون اساسی و جمهوری اسلامی باشند. جمله موسوی مهم است که می‌گوید قانون اساسی وحی منزل نیست و می‌توان در آن دخل و تصرف کرد.»[۳] نوری‌زاده تصریح کرد: «آقای میرحسین موسوی و جوزف بایدن معاون رئیس‌جمهور آمریکا به یک نقطه مشترك رسیده‌اند.»[۴]

ـ جزئیات شکایت مجدد نمایندگان از موسوی

حجةالاسلام محمدتقی رهبری (رئیس فراکسیون روحانیون مجلس شورای اسلامی) در گفتگو با شبکه ایران با اشاره به جزئیات دومین شکایت‌نامه نمایندگان از میرحسین موسوی که اخیراً به دادستانی کشور ارسال شده است، گفت: «بیش از ۱۵۰ نماینده این دو شکایت‌نامه از موسوی را امضاء کرده‌اند.»[۵] وی افزود: «تمام نمایندگان به غیر از عده‌ای که تعداد آنان هم اندك است خواستار برخورد قضایی با موسوی هستند.»[۶]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۸.
۳- همان.
۴- همان.
۵- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۸.
۶- همان.

ـ قوّه قضائیه باید با متخلفین بدون اغماض برخورد کند

حبیب‌الله عسگراولادی (دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری) با بیان این‌که مقامات امنیتی و قضایی باید با کسانی که از معارضه با دولت پای در محاربه به نظام نهادند، بدون اغماض برخورد کنند، گفت: «دشمن از جهل و غفلت خودیها بیشترین بهره را برد و تخم یأس و بدبینی و خصومت را بین نخبگان پاشید و به وحدت ملی آسیب زد امّا هوشمندی مردم و بیداری رهبر انقلاب اسلامی توطئه‌ها را خنثی کرد و سران فتنه تنها ماندند.»[۱]

ـ جزئیات پروژه کشته‌سازی قبل از انتخابات

سردار جباری (فرمانده سپاه علی‌بن ابیطالب(ع) در استان قم) در نشست سیاسی بصیرت با اشاره به جریان کشته‌سازی منافقان برای بدنام‌کردن نظام جمهوری اسلامی ایران گفت: «پیش از انتخابات دهم و زمانی که خاتمی به شهر اهواز سفر کرده بود، منافقان درصدد ترور وی و اسطوره‌سازی و مظلوم‌نمایی فتنه سبز برآمدند. آنها در هواپیمای اهواز ـ تهران که خاتمی و هیأت همراه او در آن جای داشتند، بمب‌گذاری کردند و قرار بود که نیم ساعت پس از پرواز آن بمب در هوا منفجر شده و این‌گونه دشمنان به اهداف شوم خود دست یابند. امّا خاتمی که حدود نیم ساعت زودتر به فرودگاه رسیده بود از سوی سرگروه تیم مطلع شد که هواپیمایی زودتر از موعد مقرر قصد پرواز به سمت تهران را داشته و اتفاقاً در جلوی هواپیما نیز جای خالی وجود دارد، از این رو تصمیم به پرواز با آن هواپیما گرفت.»[۲]

۱- همان.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.

یکشنبه ۱۸ بهمن ۱۳۸۸

- به خاطر رهبری در برابر هاشمی سکوت می‌کنیم

آیت‌الله حائری شیرازی (عضو مجلس خبرگان رهبری) با بیان این‌که الآن باید در جامعه همدلی باشد تا دشمن بیش از پیش در خصوص آسیب رساندن به کشورمان مأیوس شود، اظهار داشت: «هر فردی که ناهماهنگ با رهبری تلقی شود از تحمل مردم خارج است.»[1] وی در گفتگو با شبکه ایران در پاسخ به این سؤال که به نظر شما آیا آقای هاشمی رفسنجانی در امتحان اخیر توانست خود را در خط ولایت حفظ کند؟ بیان داشت: «این‌که ما می‌گوییم باید به امام جماعت اقتدا کرد، برای همه ملت است یعنی اگر رهبری می‌فرمایند علیه رئیس تشخیص مصلحت نظام حرفی نزنید ما باید اطاعت کنیم.»[2] وی همچنین با اشاره به بیانات رهبر انقلاب در خصوص حمایت از رئیس‌جمهور و دولت افزود: «زمانی که حضرت آقا می‌فرمایند نظرات فلان شخص نسبت به فلانی به نظر من نزدیک‌تر است، یعنی این‌که مردم باید از رئیس‌جمهور حمایت کنند و همین کار را هم می‌کنند.»[3]

- طراحی فتنه پس از انتخابات در خارج از کشور قطعی است

حجة‌الاسلام حیدر مصلحی (وزیر اطلاعات) در گردهمایی مشترک امنیت‌آفرینان فجر گفت: «استراتژی، تاکتیک و روش و ابزاری که فتنه گران به کار گرفته‌اند از بیرون

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.
۲- همان.
۳- همان.

کشور طراحی شده است.»[1] وی اعلام کرد: «طبق اسناد به دست آمده از فتنه گران مشخص شد که حرکت آنان از ۲۰ سال قبل آغاز شده است. اسنادی که منتسب به سران فتنه و تشکلات و احزاب مرتبط با آنهاست این موضوع را روشن می‌کند.»[2]

ـ عناصر تشکیلاتی شبکه‌های ماهواره‌ای ضدانقلاب و صهیونیستی دستگیر شدند

با تلاش و پیگیری سربازان گمنام امام زمان(عج) تعدادی از مرتجعین و عناصر تشکیلانی شبکه‌های ماهواره‌ای ضدانقلاب و رسانه‌های صهیونیستی و عناصر وابسته به جریان فتنه بازداشت شدند.[3]

ـ تقدیر ۱۸۰ نماینده از رسانه ملی

تعداد ۱۸۰ نماینده مجلس هشتم در بیانیه‌ای از برنامه‌های دهه فجر صدا و سیما خصوصاً برنامه شاخص که پیرامون شخصیت امام خمینی(ره) است، قدردانی کردند.[4]

ـ نامه انتقادی سید حسن خمینی به عزت‌الله ضرغامی

حجةالاسلام سید حسن خمینی (نوه حضرت امام(ره)) در نامه سرگشاده‌ای به ضرغامی رئیس سازمان صدا و سیما نسبت به پخش مستندی با عنوان شاخص انتقاد کرد و نوشت: «چنان‌که از منابع موثق شنیده‌ام برنامه‌ای تحت عنوان شاخص در تلویزیون پخش می‌شود و به گونه‌ای غیرصادقانه و تحریف‌آمیز، شخصیت جامع عارف کامل و مهربان و رهبری مقتدر امام خمینی(ره) را مخدوش نموده است. جامعه جوان امروز ما به وسیله آنچه در این برنامه پخش می‌شود، شخصیت واقعی امام را نمی‌شناسد و تنها با شخصیت دست‌ساخته صدا و سیما آشنا می‌شود که متأسفانه فرسنگها با حقیقت امام که

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

به فرموده رهبری انقلاب همه هویت جمهوری اسلامی است، فاصله دارد.»[۱]

ـ حالا چه وقت پخش سخنان امام از صدا و سیماست؟!

حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) در گفتگو با ایلنا با حمله به صدا و سیما گفت: «صدا و سیما به جای حل و فصل اختلافات سیاسی جناحهای داخلی، از اعتبار امام خمینی و رهبری که همه سرمایه نظام و کشور است، برای ضربه زدن به یک جریان سیاسی هزینه می‌کند.»[۲] وی افزود: «استفاده نابجا و نامناسب از سخنان امام در دهه فجر، ظلم به امام و انقلاب و مردم است.»[۳]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹.
۳- همان.

◆ دوشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۸۸ ◆

ـ ایرانیان در ۲۲ بهمن با وحدت کلمه و اتحاد، مستکبرین را مبهوت می‌کنند

مقام معظّم رهبری و فرماندهی معظّم کل قوا در دیدار جمع زیادی از فرماندهان، افسران، خلبانان و کارکنان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی، به مناسبت سالروز بیعت تاریخی نیروی هوایی با حضرت امام(ره) در ۱۹ بهمن سال ۱۳۵۷، با تأکید بر این‌که راز ماندگاری انقلاب اسلامی، اتکا به خداوند متعال و ایمان مردم است، خاطر نشان کردند: «به همین دلیل است که هرگاه توده عظیم مردم در سراسر کشور، برای انقلاب احساس خطر و دشمنی جدی می‌کنند، بدون فراخوان به خیابانها می‌آیند و این همان اتفاقی است که در روز ۹ دی افتاد.»[1] ایشان با اشاره به تلاش همیشگی بدخواهان و معاندان انقلاب اسلامی برای کوچک‌نمایی حضورهای میلیونی مردم افزودند: «راهپیمایی و حادثه روز ۹ دی آن قدر عظمت داشت که دشمنان این بار نتوانستند عظمت آن را پنهان کنند و مجبور به تأیید آن شدند.»[2] رهبر معظّم انقلاب حضور در صحنه مردم، به هنگام احساس خطر برای نظام اسلامی را یک حرکت ایمانی و قلبی و متأثر از انگیزه الهی دانستند و تأکید کردند: «حضور عظیم و میلیونی مردم همچون راهپیمایی ۹ دی فقط با اراده و دست قدرت الهی امکان‌پذیر است زیرا دلها به دست خداوند است و از آن‌جا که نظام اسلامی، حرکتی الهی است، خداوند از آن، این‌گونه دفاع می‌کند.»[3] معظّم‌له حفظ وحدت آحاد مردم را خاری در چشم دشمنان و

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۲۰.
۲- همان.
۳- همان.

اصلی‌ترین نیاز کنونی برشمردند و تأکید کردند: «مهمترین هدف از حوادث دوران فتنه بعد از انتخابات، ایجاد شکاف بین آحاد مردم بود که این هدف به دست نیامد و **اکنون کاملاً مشخص شده است، کسانی که در مقابل عظمت ملت ایران در انتخابات ایستادند، از ملت نیستند، بلکه افراد ضدانقلاب صریح و یا افرادی هستند که بر اثر جهالت و لجاجت خود همان کار ضدانقلاب را انجام می‌دادند و ربطی به توده مردم ندارند.**» حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه با اشاره به تلاش دشمنان، برای برهم زدن این وحدت کلمه و اتفاق نظر ملت، خاطرنشان کردند: «به حول و قوّه الهی، ملت ایران در روز ۲۲ بهمن با وحدت کلمه و اتحاد خود همه مستکبرین از جمله آمریکا، انگلیس و صهیونیستها را همانند گذشته مبهوت خواهند کرد.»[۱]

ـ ای کاش ۸ ماه جفا به میراث امام را هم محکوم می‌کردید

سید عزت‌الله ضرغامی (رئیس سازمان صدا و سیما) در نامه سرگشاده‌ای خطاب به حجةالاسلام سید حسن خمینی با اشاره به این‌که مستند شاخص یکی از صدها ویژه‌برنامه رسانه ملی است که با بهره گیری از رهنمود اخیر رهبر انقلاب که مفسر واقعی فرمایشات و سیره امام خمینی(ره) هستند، تولید شده است، نوشت: «سازندگان این مستند با ذکر تاریخ سخنرانی؛ شأن نزول آن و تبیین شرایط ویژه جامعه در آن مقطع زمانی، نهایت امانتداری را به خرج داده‌اند.»[۲] ضرغامی در پاسخ به سید حسن خمینی تصریح کرد: «همان‌گونه که اشاره کرده‌اید، خودتان این برنامه را ندیده و به منبع موثق اکتفا نموده‌اید! توقع زیادی نیست که از شما بخواهم یا شخصاً قسمتهایی از این مستند را ببینید و یا سرزده به میان مردم و اجتماعات آنان، خصوصاً پابرهنگان جنوب شهر که امام(ره) تا آخرین لحظه یک موی آنان را به کاخ‌نشینان نداد، بروید و با آنان در مورد این برنامه و دیگر برنامه‌های مربوط به امام در رسانه ملی صحبت کنید.»[۳] وی افزود:

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۰.
۳- همان.

«سخن این است همان‌گونه که به حکم وظیفه فرزندی امام، اعتراض جدی به اقدامات صدا و سیما دارید؛ ای کاش همین‌گونه هم نسبت به حوادث ۸ ماه گذشته و جفایی که دشمنان انقلاب و اسلام به اساس نظام جمهوری اسلامی و میراث گرانبهای امام کردند و بغض و کینه سالیان خود را در کوچه و خیابان فریاد زدند، بیانیه می‌دادید و آن اقدامات شرم‌آور را نیز محکوم می‌کردید.»[۱]

ـ سران فتنه در هر کشوری بودند حداقل به ۱۵ سال زندان محکوم می‌شدند

حجةالاسلام جعفر شجونی (عضو شورای مرکزی جامعه روحانیت مبارز) با بیان این‌که سران فتنه در هر کشوری که بودند، حداقل به ۱۵ سال زندان محکوم می‌شدند، افزود: «امروز وظیفه ما این است که با انسانهای منحرفی که می‌خواهند ما را به سمت غرب هدایت کنند، مبارزه کنیم، این انسانها هرکسی می‌خواهند باشند.»[۲]

ـ اجازه بدهید مردم همه حرفها را بشنوند

میرحسین موسوی در جمع تعدادی از دانشجویان گفت: «آنچه بعد از انتخابات دهم ریاست‌جمهوری در کشور اتفاق افتاد و حرکت عظیمی را باعث شد و اندیشه‌های تازه‌ای در آن زاده شد، از این نظر اهمیت دارد که ممکن است به ما کمک کند تا مجدداً بتوانیم باز تفسیر نو و زنده‌ای را از قانون اساسی ارائه کنیم، تفسیری که بتواند مشکلات کشور را حل کند.»[۳] وی اظهار داشت: «آن نگاهی می‌تواند سرنوشت‌ساز باشد و کشور را به آرامش برساند که ریشه در دین ما داشته باشد و اجازه دهیم مردم تمام حرفها را بشنوند و بهترین آن را انتخاب کنند و ما یقین داریم مردم درست انتخاب خواهند کرد.»[۴]

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۱/۲۰.
۴- همان.

ـ انتقاد خاتمی از صدا و سیما

سید محمد خاتمی با انتقاد از صدا و سیما گفت: «انتخاب گزینشی فرازهایی از صحبتهای امام که در شرایطی خاص و در مواردی خاص بیان شده و بهره‌برداری مغرضانه از آن در شرایط فعلی سبب می‌شود چهره‌ای مخدوش از انقلاب، امام و نظام را القا کند و این امر جفا به امام و جفا به جامعه است.»[1] وی در ادامه افزود: «ما در حرکت اصلاح‌طلبی خود نه به بیگانه چشم دوخته‌ایم و نه اصولاً معتقدیم بیگانگان خیرخواه ما هستند. اختلافی اگر هست یک اختلاف داخلی است و اگر در مواردی بیگانگان هم از موقعیت سوءاستفاده کنند بیجا می‌کنند و اصولاً آنان را دلسوز ایران و مردم نمی‌دانیم.»[2]

ـ مصاحبه کروبی با اشپیگل

مهدی کروبی (کاندیدای ناکام انتخابات) در مصاحبه با مجله صهیونیستی اشپیگل درباره دعوت از ضدانقلاب برای اخلال در راهپیمایی ملی ۲۲ بهمن گفت: «ما به شرکت در راهپیمایی رسمی سالگرد انقلاب فرامی‌خوانیم امّا دیگر تصمیم نمی‌گیریم که راهپیمایان چه رویکردی داشته باشند و چه بکنند.»[3] وی درباره فحاشی آشوبگران علیه برخی شخصیتهای نظام هم از خود سلب مسؤولیت کرد و گفت: «در هنگام تظاهرات گسترده مردمی با عقاید مختلف گرد هم می‌آیند، برخی درست و برخی انحرافی و غلط، بعضی مثل خود من دولت را به رسمیت نمی‌شناسیم، امّا ما در مورد شعارهای ضدنظام و شعارهایی که بهانه‌ای برای حمله به دست حکومت بدهد، احتیاط می‌کنیم!»[4]

ـ بنی‌صدر هم برای حامیان موسوی نسخه پیچید

ابوالحسن بنی‌صدر (رئیس‌جمهور فراری) از حامیان فرقه سبز خواست در ۲۲ بهمن به خیابانها آمده و شعارهایی نظیر استقلال آزادی جمهوری ایرانی سردهند. وی که پس

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۰.
۴- همان.

از انتخابات ریاست‌جمهوری دهم چندین بار از فرقه موسوم به سبز و رهبران آن حمایت کرد، به بهانه راهپیمایی ۲۲ بهمن شعار «حاکمیت مردم آری! ولایت فقیه نه» را به اخلالگران روز ۲۲ بهمن پیشنهاد کرد و در جملاتی احساسی خطاب به اعضای فرقه سبز گفت: «در روز ۲۲ بهمن بیرون بیایید و نیرنگهای دشمن را نقش بر آب کنید و جهان را از اراده و عزم خویش آگاه کنید!»[۱]

ـ اسب تروای مهاجرانی برای اخلال در ۲۲ بهمن

سایت جرس (متعلق به عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد دولت اصلاحات) طی فراخوانی تحت عنوان اسب تروا خطاب به هواداران فرقه سبز، از آنها خواست که به صورت ناشناس و بدون استفاده از نمادهای سبز وارد میدان آزادی شوند و سپس با عیان کردن نمادهای سبز خود و سوت زدن هنگام سخنرانی رئیس‌جمهور اعتراض خود را اعلام کنند.[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۲۰.
۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۲۵.

⟡ سه‌شنبه ۲۰ بهمن ۱۳۸۸ ⟡

- توهّم پیروزی در انتخابات چگونه دیکته شد

محمدرضا تاجیک (رئیس مرکز بررسیهای استراتژیک ریاست‌جمهوری در دولت اصلاحات و مشاور خاتمی و موسوی) با حضور در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما به نقد و ارزیابی حوادث پس از انتخابات و جریان اصلاحات پرداخت. وی با بیان این‌که بعضی از نظرسازیها و نظرسنجیهای بی‌بنیان، توهّم پیروزی را تقویت می‌کند گفت: «توهّم پیروزی یک همزاد به نام توهّم تقلب دارد، یعنی وقتی شرایط جامعه به گونه‌ای تحلیل می‌شود که جز پیروزی از آن حاصل نمی‌شود و بشدّت معتقد می‌شوند که پیروزی از آن توانست، خودآگاه یا ناخودآگاه بر این تصور می‌شوند که هیچ عاملی نمی‌تواند سدّ این پیروزی باشد جز یک واقعه یا حادثه بزرگ که این واقعه بزرگ در فرآیند انتخابات یک تقلب وسیع و بسیار گسترده است.»[1] تاجیک با بیان این‌که عبور از ولایت فقیه، قانون دخالت خارجیها محصول توهّم پیروزی بود، افزود: «تمام تلاش قدرتهای خارجی و اپوزیسیون برانداز خارجی در حوادث پس از انتخابات بر این اساس صورت گرفت تا حریم حرمتهای جامعه را بشکنند و خطوط قرمز جامعه را یکی پس از دیگری بیرنگ کنند.»[2] وی در این باره سفید کردن خط قرمزها را از تلاشهای استکبار در حوادث پس از انتخابات دانست و گفت: «به نظر من ادامه جریان پس از انتخابات، توجیه دینی، شرعی، قانونی، عقلی، مدنی و مردمی نداشت.»[3] مشاور خاتمی و موسوی

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۲۷.
۲- همان.
۳- همان.

با اشاره به این‌که برخی از اصلاح‌طلبان بر اساس ایدئولوژی‌زدایی دچار آفت شدند، خاطرنشان کرد: «متأسفانه چهل تکه، پیوندی و غرس شده است و هویت هلوانجیری دارد، یک هویت ترکیبی دارد و یک کشکول است که همه چیز می‌توان در آن پیدا کرد و درون آن از واژگان سنّتی تا واژگان دینی، غربی و سوسیالیستی و... را می‌توان پیدا کرد.»[1]

۱- همان.

پنجشنبه ۲۲ بهمن ۱۳۸۸

- برگزاری راهپیمایی شکوهمند ۲۲ بهمن

راهپیمایی مردم ایران در سراسر کشور به مناسبت سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی برگزار شد. جمعیت حاضر در خیابانهای سراسر کشور بخصوص پایتخت به حدی بود که شبکهٔ ای. بی. سی آمریکا نیز نتوانست در این باره سکوت کند و با اشاره به این‌که تعدادکمی از مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران نیز به خیابانها آمده بودند، تأکید کرد که این افراد قبل از آن‌که بخواهند دست به اقدامی آشوبگرانه بزنند، توسط مردم پراکنده شده و در میان سیل عظیم جمعیت حاضر در صحنه انقلاب اسلامی ایران محو شدند.[۱]

- هر ۲۲ بهمن یک پیروزی بزرگ و فتح قله‌ای جدید است

دکتر محمود احمدی‌نژاد (رئیس جمهوری اسلامی ایران) در سخنانی در راهپیمایی عظیم مردم تهران در میدان آزادی، گفت: «۲۲ بهمن عید بزرگ ملت ایران و همه ملتهای آزاده جهان است. بی‌تردید فجر ۵۷ آغاز جدیدی نه تنها برای ملت ایران بلکه برای همه آزادگان و ملتهای عدالتخواه دنیا است.»[۲] وی با ارائه گزارشی از پیشرفتها و دستاوردهای انقلاب اسلامی در زمینه‌های بین‌المللی و علمی و هسته‌ای افزود: «در طول ۳۱ سال

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۲۵.   ۲- همان.

هرساله شاهد یک حادثه بزرگ و یک‌گام رو به جلو بوده‌ایم. هر ۲۲ بهمن با مأموریت و دستاوردهای ویژهٔ خود همراه بوده است.»[۱]

ـ سران فتنه پا به فرار گذاشتند

حضور حماسی مردم تهران در راهپیمایی ۲۲ بهمن ۱۳۸۸ سران فتنه بویژه موسوی، کروبی و خاتمی را فراری داد. میرحسین موسوی ساعت ۱۱ صبح به قصد شرکت در راهپیمایی از خیابان رودکی عازم راهپیمایی بود که پس از مشاهده حضور میلیونی مردم به سمت یکی از کوچه‌های این خیابان به نام بن‌بست مصطفی رفت و در منزلی پنهان شد. وی تا ساعت دو و نیم بعدازظهر آن روز در آن‌جا حضور داشت تا این‌که تیم حفاظتی وی پس از مشاهده خلوتی خیابانها و عدم حضور مردم، او را تحت مراقبت شدید با پوششهای پارچه‌ای از کوچه خارج کرده و سوار بر خودرو بسرعت منطقه را ترک کردند. مهدی کروبی نیز که سعی داشت با ورود خود به میدان صادقیه، حضور بیش از ۵ میلیونی مردم تهران را تحت‌الشعاع قرار دهد با شعار «مرگ بر منافق» و «مرگ بر ضد ولایت فقیه» از صحنه گریخت. سید محمد خاتمی هم در تقاطع زنجان ـ آزادی درصدد ورود به جمع میلیونی مردم داشت که در مواجهه با آنان ناچار فرار را بر قرار ترجیح داد و با اتومبیلش از صحنه گریخت.[۲]

ـ پیام تبریک رهبر معظّم انقلاب به دنبال حماسه‌آفرینی ایرانیان

حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در پیامی از حضور دهها میلیونی ملت شگفتی‌آفرین ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمن تشکر و قدردانی کرده و بیان داشتند: «آیا ۳۱ سال آزمون و خطای چند دولت متکبّر و زورگو کافی نیست که آنان را از خواب غفلت بیدار کند و بیهودگی تلاش برای سیطره بر ایران اسلامی را به آنان تفهیم نماید؟ آیا

۱- همان.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۷.

راهپیمایی ۲۲ بهمن ۸۸ جواب دندان شکن دیگری به فتنه گران و استکبار جهانی








بر همگان مبارک




ایام الله دهه فجر مبارک باد


زنده نگه داشتن یاد شهدای انقلاب باعث تداوم حرکت انقلاب است.


۲۲ بهمن
روز عاشورا
۱۶ آذر
۱۳ آبان
روز قدس
۹ دی
Beeeeeeep
نام بیمار : نفاق سبز
نام همراه : آمریکا ، انگلیس ، اسرائیل ، بی بی سی ، صدای آمریکا
نوع پذیرش : اورژانسی
تشخیص نهایی : سکته قلبی
Design by : moraham@yahoo.de

حضور دهها میلیون انسان بصیر و پرانگیزه در جشن ۳۱ سالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب‌خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از مردم می‌زنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمّدی(ص) و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟ دوستان و دشمنان ملت ایران بدانند که این ملت، راه خود را شناخته و تصمیم خود را گرفته است و برای رسیدن به قله پیشرفت و سعادت، با تکیه به خدا و اعتماد به قدرتی که خداوند به او بخشیده است، هر مانعی را از سر راه خود برخواهد داشت.»[1]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۱/۲۵.

یکشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۸۸

ـ آزادی اکثر بازداشت‌شدگان ۲۲ بهمن

عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان تهران) با تکذیب بازداشت علی کروبی فرزند مهدی کروبی در حاشیه راهپیمایی ۲۲ بهمن گفت: «هیچ دستوری برای بازداشت علی کروبی صادر نشده بود و اگر ایشان ادعا دارد که بازداشت شده باید دلایل و محل نگهداری خود را اعلام کند.»[۱] وی افزود: «با توجه به پیروزی شکوهمندی که مردم در راهپیمایی روز ۲۲ بهمن به دست آوردند، اکثر افرادی که در آن روز توسط نیروی انتظامی بازداشت شده بودند، آزاد شدند.»[۲]

ـ جنبش سبز، هم بی‌رهبر است و هم بی‌عقل!

عباس عبدی (عضو حزب مشارکت) درباره ریزش گسترده عقبه اجتماعی جریان فتنه و نمود بارز آن در راهپیمایی ۲۲ بهمن به دویچه وله گفت: «جریان سبز بیش از آن‌که مبتنی بر برنامه و عقلانیت مشخصی باشد مبتنی بر موج احساسات است، همه کسانی که در اوضاع دقت می‌کردند متوجه بودند که چنین شیوه‌هایی لزوماً منجر به نتیجه مطلوبی نخواهد شد، امّا به دلایلی یا نمی‌توانستند بگویند یا فکر کردند شاید اگر نگویند، بهتر باشد. فضای استبدادی عملاً در جنبش باز تولید شد. اگر کسی بخواهد کوچکترین چیزی بگوید حتماً به صد اتهام منتسب و محکوم می‌شود. یک مطلب را اعلام می‌کنند و وقتی

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۱/۲۷.
۲- همان.

به آن نمی‌رسند، سطح مطالبه‌شان را بالا می‌برند. شعارهای ابتدای حرکت با انتهای آن هیچ تناسبی با هم ندارند. من این را به هیچ وجه قابل دفاع نمی‌دانم.»[۱]

ـ پرونده سران فتنه با درخواست نمایندگان در دستورکار قوّه قضائیه قرار گرفت

محمد کرمی‌راد (عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم) در گفتگو با فارس با بیان این‌که با پیگیری انجام‌شده توسط نمایندگان برای محاکمه سران فتنه پرونده آنان در دستورکار قوّه قضائیه قرار گرفته، است گفت: «متأسفانه برخی آقازاده‌ها نیز در بسیاری از فتنه‌ها نقش داشته و با موضع‌گیریهای تند خود برخی خواص را دچار مشکل کرده‌اند.»[۲]

ـ آزادی امین‌زاده با وثیقه ۷۰۰ میلیون تومانی

عباس شیری (وکیل مدافع محسن امین‌زاده معاون وزیر خارجه دولت اصلاحات) در گفتگو با ایسنا از آزادی موکلش پس از تودیع وثیقه ۷۰۰ میلیون تومانی خبر داد و گفت: «شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ریاست قاضی صلواتی که موکلم را به شش سال حبس تعزیری محکوم کرده بود، پس از تودیع وثیقه تعیین‌شده، به آزادی موکل از زندان اوین نظر دارد.»[۳]

ـ بین من و رهبری القای اختلاف نکنید

به‌گزارش ایلنا رئیس تشخیص مصلحت نظام در مورد دلایل تلاش برای القای اختلاف بین خود و مقام رهبری اظهار داشت: «اوّلاً این را باید از این افراد پرسید که چرا سعی می‌کنند چنین اختلافی در جامعه القا شود. انتظار طبیعی این است که این حرفها در محافل خارج از کشور مطرح شود و دوستان و دلسوزان در داخل کشور با ارائه ادله

۱- همان. ۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۱/۲۷.

فراوان در رد آن بکوشند، امّا الآن می‌بینیم برعکس شده است. عده‌ای در داخل به اختلافاتی که هیچ وقت نبوده و نیست، دامن می‌زنند و خارجیها هم که دنبال خوراک تبلیغاتی می‌گردند، لقمه‌های چرب و نرمی پیدا می‌کنند. ثانیاً، هم من و هم شخص آیت‌الله خامنه‌ای در طول بیش از ۵۰ سال آشنایی و همکاری، مخصوصاً در طول ۳۰ سال پس از پیروزی و بویژه طی یکی دو سال اخیر بارها و بارها از استحکام روابط خویش در جلسات خصوصی و حتی در سخنرانیها و مصاحبه‌های عمومی سخن گفته‌ایم. ثالثاً، هر دوی ما انقلاب اسلامی را بیشتر از جان خویش دوست می‌داریم و آن سفارش امام(ره) را در گوش جان خویش طنین‌انداز می‌بینیم. رابعاً چرا باید با هم اختلاف داشته باشیم؟»[1] هاشمی افزود: «من فکر می‌کنم القاءکنندگان اختلاف، اگر هم سوء نیتی نداشته باشند، دچار اشتباه شده‌اند، یا شاید ادبیات صریح و غیرمتملقانه مرا نمی‌پسندند. درباره نامه‌ای که در آستانه انتخابات خدمت ایشان فرستادم، خود آیت‌الله خامنه‌ای به من گفتند: «درباره محتوای سراسر نامه ملاحظه‌ای ندارم و فقط زمان انتشار آن را اگر بعد از انتخابات بود، مناسب می‌دانستم ولی می‌بینید که دوستان و دشمنان چه تحلیلهایی نوشته‌اند.»[2]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۱/۲۷. ۲- همان.

چهارشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۸۸

- بعد از حوادث پس از انتخابات مردم به چشم خودشان دیدند که دشمن در کمین است

مقام معظّم رهبری در دیدار جمعی از مردم آذربایجان با بیان این‌که بیست و دوم بهمن امسال معجزه عظیم الهی خود را نشان داد، اظهار داشتند: «این حضور عظیم مردمی چشمها را خیره کرد، دشنان و مخالفان - چه مخالفان معاند، چه مخالفان غافل - جور دیگری فکر کرده بودند، نقشه دیگری طراحی کرده بودند، خیالات دیگری در سر داشتند از مدتها پیش تلاش کردند، کاری کنند که حادثه ۲۲ بهمن را - که یکی از مظاهر حضور مردمی این انقلاب است - خراب کنند؛ چه در تهران و چه در شهرهای دیگر کاری کنند که به درگیری بین مردم بینجامد؛ این را پیش‌بینی کرده بودند، در حرفهایشان گفتند که روز ۲۲ بهمن جنگ داخلی در ایران شروع خواهد شد! ببینید چه کار کرده بودند که انتظار داشتند در ایران جنگ داخلی بشود. بعضی این‌جور می‌گفتند. بعضی هم امیدوار بودند که بتوانند چهرهٔ مخالفی علیه نظام جمهوری اسلامی در ۲۲ بهمن نشان بدهند. این‌جور وانمود کنند که مردم از انقلاب بریده‌اند. از نظام جمهوری اسلامی بریده‌اند. در مقابل آن قرار گرفته‌اند. این‌جوری فکر کرده بودند. این‌جوری حساب کرده بودند. ملت ایران با آگاهی خود، با بصیرت خود، با همّت خود، با دست قدرت الهی که دلهای آنها را بیدار کرد، به دهان همهٔ این مخالفان مشت کوبیدند و حجّت را بر همه تمام کردند.» ایشان در ادامه به حوادث پس از انتخابات پرداخته و افزودند: **«حوادث بعد از انتخابات را که عده‌ای از روی نادانی و محاسبه غلط ایجاد کردند دشمن**

بهانه کرد، شاید بتواند جمهوری اسلامی را تضعیف کند. امّا به عکس شد. همین حوادث موجب قدرت جمهوری اسلامی شد. اگر تا قبل از این حوادث کسی می‌خواست با استدلال به مردم اثبات کند که دشمن در کمین است بعد از این حوادث مردم به چشم خودشان دیدند که دشمن در کمین است.»[۱]

۱- بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با مردم آذربایجان در پیوست ۲۹ می‌باشد.

پنجشنبه ۲۹ بهمن ۱۳۸۸

ـ ما بی‌شماریم، شعار مشترک تمام انقلابهای مخملی

حسین کچوئیان (عضو شورای انقلاب فرهنگی) در نشست انقلاب و توهّم انقلاب با بیان این‌که شعار ما بی‌شماریم، شعار مشترک تمام انقلابهای مخملی است، گفت: «انقلابات مخملی، توهّم انقلاب هستند برای این‌که خودشان نمی‌توانند ظرفیتهایی را بسیج کنند بنابراین بسترهایی را به وجود می‌آورند. مثلاً انتخابات را مبنا قرار داده، چون هیچ امکان بسیج دیگری وجود ندارد، بنابراین با استفاده از ظرفیت انقلاب موجود ریشه بر انحطاط دولت می‌زنند تا با حرکتی اجتماعی به اهداف خود دست یابند.»[1]

ـ در جنبش سبز افرادی از انجمن حجتیه وجود دارند

عبدالکریم سروش (عضو اتاق فکر ۵ نفره موسوی در خارج از کشور) از حضور افرادی از انجمن حجتیه در جمع طرفداران موسوی خبر داد. وی در گفتگوی تفصیلی با یکی از سایتهای فارسی‌زبانان خارج از کشور، ضمن تبیین ساختار طیفی جنبش به اصطلاح سبز غیردینداران، چپها و سکولارهای فلسفی و حتی افرادی از انجمن حجتیه وجود دارند و این را نه می‌توان انکار کرد نه می‌توان مخفی داشت.»[2]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۲/۱.

۲- همان.

- با اطرافیان میرحسین موسوی در تماس هستم

رضا پهلوی (فرزند شاه مخلوع) در مصاحبه با هفته‌نامه فرانسوی پاری ماچ، در پاسخ به این سؤال که آیا موسوی می‌تواند رهبر اپوزیسیون باشد و آیا شما با او در تماس هستید گفت: «به طور مستقیم با میرحسین موسوی در تماس نیستم، امّا با اطرافیان او در تماس هستم.»[۱] وی افزود: «میرحسین موسوی بشدّت جسور ظاهر شد و می‌تواند انتقال رژیم را مدیریت کند.»[۲]

- برخی بزرگان از حق می‌گذرند امّا از فرزند خود نمی‌گذرند

به‌گزارش ایلنا غلامحسین محسنی اژه‌ای (دادستان کل کشور) با بیان این‌که در بعد از انقلاب و حتی در حال حاضر برخی از بزرگان گرفتار زن و بچه خود هستند، گفت: «آنها از حق می‌گذرند امّا به خاطر تعلق خاطری که به فرزند خود دارند از او نمی‌گذرند.»[۳] وی خاطرنشان کرد: «گاهی اوقات این تعلق خاطر به جایی می‌رسد که دهها بار پیش آن فرد رفته و گفته می‌شود فرزند تو خراب شده و دچار فساد مالی است یا خود برخورد کن یا اجازه بده دیگران برخورد کنند، امّا این تعلق خاطر انسان را به گونه‌ای کر و کور می‌کند که حتی فرد به خود اجازه نمی‌دهد قبول کند که این مسائل صحت دارد.»[۴]

۱- همان.
۲- همان.
۳- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۲/۱.
۴- همان.

اسفند ماه ۱۳۸۸

شنبه ۱ اسفند ۱۳۸۸

- بررسی سیاستهای کلی انتخابات در مجمع تشخیص مصلحت نظام

به گزارش خبرگزاری مهر مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه خود بررسی و تدوین سیاستهای کلی در خصوص انتخابات را دستور کار خود قرار داد.[۱] (مجمع تشخیص این اقدام را به بهانه نامه چند سال پیش پورمحمدی وزیر وقت کشور به رهبر انقلاب انجام داد!).

- انتقاد از طرح کمیسیون ملی انتخابات در مجمع تشخیص

الیاس نادران (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) با انتقاد از اقدام مجمع تشخیص مصلحت در خصوص کمیسیون ملی انتخابات گفت: «این‌که مجمع تشخیص پس از چند سال از نامه مذکور الآن به دنبال احیاء آن است محل شبهه است. زیرا به نظر می‌رسد در شرایطی که جریان فتنه در ۲۲ بهمن پاسخ محکمی از ملّت دریافت کرد، الآن روی آوردن به ابزارهای حقوقی برای ادامه آن جریان است و مجمع به این ترتیب خود را در مظان اتهام قرار می‌دهد.»[۲] وی با اشاره به ادعای کسانی که معتقدند قانون انتخابات فعلی معضلاتی دارد، گفت: «اگر واقعاً معضلی در این خصوص وجود دارد باید آن را ریشه‌یابی کرد که این معضل چگونه به وجود آمده است. فراموش نکنیم بر اساس همین قانون که آقایان به آن اشکال وارد می‌کنند، آقایان هاشمی، خاتمی و احمدی‌نژاد

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۲/۲.　　۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۲.

رئیس‌جمهور شدند. چطور یکدفعه این مسأله به معضل تبدیل شد؟»[۱] همچنین حمید رسایی، مهدی کوچک‌زاده، سید حسین تقوی و محمدکریم عابدی از نمایندگان مجلس هشتم به این طرح انتقادات جدّی وارد کردند. رسایی در این باره گفت: «مشورت مجمع در خصوص حذف شورای نگهبان قطعاً با توجه به عدم سازگاری با چارچوبهای اعتقادی و عملی رهبر انقلاب نسبت به شورای نگهبان بایکوت خواهد شد.»[۲] کوچک‌زاده نیز پیشنهاد این طرح و کاهش دامنه اختیارات شورای نگهبان را خوشحال‌کننده برای سکولارها دانست.[۳] همچنین تقوی طرح موسوم به کمیسیون ملی انتخابات را روی دیگر همان طرح کمیته صیانت از آراء بیان کرد و عابدی نیز هر طرح که منجر به تضعیف شورای نگهبان شود به صلاح نظام جمهوری اسلامی ایران ندانست.[۴]

ـ دفاع رضایی از طرح انتخاباتی مجمع تشخیص مصلحت

محسن رضایی (دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام) در واکنش به انتقادات مطرح‌شده در خصوص طرح کمیسیون ملی انتخابات با اشاره به این‌که تمام تصمیمات مجمع تشخیص تنها با نظر مقام معظّم رهبری به تصویب نهایی می‌رسد و سندیت پیدا می‌کند، اظهار داشت: «سیاستهای کلان در چارچوب قانون اساسی است و به طور مثال نمی‌توان نظارت شورای نگهبان را حذف کرد زیرا این مسأله در قانون اساسی وجود دارد.»[۵]

ـ ادلهٔ کافی برای دستگیری سران فتنه وجود دارد

مرتضی بختیاری (وزیر دادگستری) با اشاره به درخواست مردم مناطق مختلف کشور برای دستگیری سران فتنه و آماده بودن زمینه این کار گفت: «برداشت من این است که اگر

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.
۵- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۲/۲.

قرار باشد رأس هرم فتنه دستگیر شود، شاید هیچ اتفاقی نیفتد. امّا باید مقداری تأمل شود تا افشاگریها انجام گیرد و خطوط شفاف شود، چرا که هرچه از عمر این فتنه می‌گذرد، حضور مردم در صحنه برای مقابله با فتنه گران قوی‌تر می‌شود.»[۱]

ـ اهانت نظریه‌پرداز دولت اصلاحات به امام راحل(ره)

عبدالکریم سروش (نظریه‌پرداز دوران اصلاحات) در گفتگو با روزنامه آلمانی دی سایل در اهانتی آشکار به حضرت امام(ره) مدعی شد: «در انقلاب بهمن، ما به جای دیکتاتوری پادشاهی، یک دیکتاتوری مذهبی به پا کردیم.»[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۲/۲.
۲- همان.

سه‌شنبه ۴ اسفند ۱۳۸۸

ـ تقدیر از مدیریت حکیمانه رهبر انقلاب در حوادث اخیر در هفتمین اجلاس خبرگان

هفتمین اجلاس رسمی چهارمین دوره مجلس خبرگان رهبری در محل سابق مجلس شورای اسلامی برگزار شد. در این اجلاس رئیس مجلس خبرگان در سخنانی با بیان این‌که علی‌رغم تبلیغات دشمنان، مردم با حضور خود در روز ۲۲ بهمن نشان دادند که هنوز قدر انقلاب را می‌دانند، اظهار داشت: «در شرایطی که تهاجم علیه انقلاب و اصل ولایت فقیه در سطح بالایی قرار داشت و آمریکا هم حضور کم‌سابقه‌ای در منطقه برای اعمال فشار به ایران داشت و حرفهایی که تا به امروز ما از دشمنان خود نشنیده بودیم بیان می‌شد که ایران به سمت دیکتاتوری نظامی می‌رود، اگر این حضور گسترده مردمی در همه کشور نبود، ممکن بود که سخنان بیهوده دشمنان را برخی باور کنند.»[۱] هاشمی مرزبندی میان وفاداران به انقلاب و نظام و ساختارشکنان را واقعی دانست و گفت: «امروز کسی غیر از رهبری نمی‌تواند محور حرکت همدلی و همراهی باشد. اگرچه همه در این زمینه مؤثر هستند، امّا اگر ایشان راه را بر عهده بگیرند که گرفته‌اند و دیگران نیز همراهی کنند، می‌توان زودتر به اهداف مورد نظر رسید.»[۲]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۵.
۲- همان.

چهارشنبه ۵ اسفند ۱۳۸۸

ـ بیانیه پایانی مجلس خبرگان

هفتمین اجلاس مجلس خبرگان رهبری در دوره چهارم با صدور بیانیه‌ای به‌کار خود پایان داد. در این بیانیه هفت موردی ضمن تأکید بر ایجاد همدلی، آرامش و وحدت حول محور رهبری آمده است: «حوادث بعد از انتخابات اخیر، گرچه خسارتهای مادّی و معنوی جبران‌ناپذیری را در سطح ملی و بین‌المللی، به دنبال داشت؛ اما در مقابل، برکاتی نیز در پی داشت که موجب شناسایی ناخالصیها و تفکیک نیروهای حق و باطل گردید و صحنه‌ای عملی برای امتحان مردم و نخبگان بود. نتیجه این امتحان بزرگ و تاریخی، قبولی مردم و نمایش بصیرت آنان و متأسفانه واماندگی بخش محدودی از خواص از دستیابی به بصیرت، متناسب با شرایط پرتغییر و سخت زمان بود. این دوره پرمحنت، با رهبری شایسته و هدایت هوشمندانه و داهیانه رهبر معظّم انقلاب و حضور باصلابت و همه‌جانبه مردم، پایان پذیرفت و برگ زرین دیگری را به موفقیتهای انقلاب اسلامی در گذر از بحران افزود.»[1] در ادامه این بیانیه آمده است: «صبر انقلابی مردم شریف ایران و نظام جمهوری اسلامی که نشانگر ظرفیت بالا و توان مدیریت بحران است پس از دادن فرصتهای متعدد به سران فتنه، برای توبه و بازگشت به دامن انقلاب و آرمانهای امام خمینی(ره) در ۹ دی به پایان رسید و با زدن مهر مردودی بر کارنامه آنان، برای همیشه، آنان را از ذهنیت سیاسی خود حذف نمودند.»[2]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۲/۶.　　۲- همان.

ـ اعلام نظارت مستمر بر بازداشتگاهها

سردار احمدی‌مقدم (فرمانده ناجا) با اشاره به حوادث کهریزک گفت: «امروز اگر یک حادثه در تحت نظرگاههای مرزی هم اتفاق بیفتد، جهانی خواهد شد، به طوری که گاهی اوقات موضوعی را به یک مأمور می‌سپاریم و اگر آن فرد مسامحه کند، ناجا بدهکار خواهد شد. پس باید برای صیانت از سازمان خود مراقبتهای لازم را انجام داده و تلاش کنیم.»[1]

۱- روزنامه اعتماد، ۱۳۸۸/۱۲/۶.

⁂ پنجشنبه ۶ اسفند ۱۳۸۸ ⁂

ـ هیچ‌کس نمی‌خواهد کسی را از کشتی نجات بیرون بیندازد

مقام معظّم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری با بیان این‌که نقش مردم و حضور مردم در انتخابات خیلی چیز بااهمیتی است اظهار داشتند: «در نظام جمهوری اسلامی انتخابات یک امر واقعی است. یک چیز شکلی و صوری نیست. این‌جور نیست که بخواهیم از دیگران تقلید کنیم؛ که چون دیگران به نام دموکراسی انتخابات دارند، ما هم انتخابات داشته باشیم. نه، انتخابات یک امر واقعی است برای دخالت دادن نظر مردم و رضای عامه. همانی که در فرمان معروف امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر هست که: رضای عامه را بر سُخط خاصه ترجیح بده و نترس از سُخط خاصه به خاطر رضای عامه. باید نگاه کنیم و ببینیم که مردم چه می‌گویند و چه می‌خواهند. حضور این مردم برکاتی دارد. یکی از برکاتش همین است که وقتی دشمنان نگاه می‌کنند و می‌بینند که مردم پشت سر نظام هستند، احساس می‌کنند که نمی‌شود با این نظام معارضه کرد، چون با یک ملت نمی‌شود معارضه کرد.» ایشان در ادامه به دشمنیهای دشمنان از اوّل انقلاب و عمیق‌تر و پیچیده‌تر شدن آن و حوادث پس از انتخابات پرداخته و بیان داشتند: «در این فتنه‌های بعد از انتخابات، آن چیزی که اساس قضیه است، این است که رأی مردم و حضور مردم از نظر یک عده‌ای نفی شد، مورد خدشه قرارگرفت، نظام تکذیب شد، مورد تهمت قرارگرفت. گناه بزرگی که انجام دادند، این بود. اینها بایست تسلیم می‌شدند. بالاخره وقتی انتخابات با همین معیارهایی که در اسلام وجود دارد ـ که حالا بعضی از معیارها و شاخصهایی که برای انتخابات در نظر ما معتبر است، که نظر اسلام است، من عرض

می‌کنم ـ اتفاق افتاد، بایستی در مقابل قانون، در مقابل داوری قانون تسلیم شد؛ همچنان که باید در مقابل آن داوری که قانون او را معیّن می‌کند، تسلیم شد. اگر قانون در مسألهٔ مهمی مثل مسألهٔ انتخابات یک داوری را مشخص کرده است، یا یک شیوهٔ داوری را مشخص کرده است، باید تسلیم این بشوند، ولو برخلاف میلمان باشد، این می‌شود انتخابات سالم.»

رهبر معظّم انقلاب با بیان این‌که آن کسانی که نقشه کلی متبلور در قانون اساسی و حکمیت قانون و داوری قانون را قبول دارند، جزو مجموعه نظام اسلامی هستند تصریح کردند: «آن کسانی که اینها را رد می‌کنند، کسانی‌اند که خودشان به دست خودشان صلاحیت حضور در نظام اسلامی را دارند از دست می‌دهند و صلاحیت ندارند کسانی که حاضر نیستند قانون را تحمل کنند. کسانی که حاضر نیستند اکثریت را قبول کنند. کسانی که آن را انتخابات عظیم ۴۰ میلیونی مایه افتخار را زیر سؤال می‌برند. یک نقطه قوّت را برای نظام می‌خواهند تبدیل کنند به یک نقطه ضعف. اینها درواقع دارند خودشان، خودشان را از این کشتی نجات ـ که نظام اسلامی است ـ بیرون می‌اندازند، و الّا هیچ‌کس نمی‌خواهند کسی را از کشتی نجات بیرون بیندازد.»[1]

۱- بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان در پیوست ۳۰ می‌باشد.

شنبه ۸ اسفند ۱۳۸۸

ـ توهین کروبی به حضرت امام(ره)

مهدی کروبی (کاندیدای نا کام انتخابات دهم) در گفتگو با روزنامه ایتالیایی گوریه دلاسرا در پاسخ به این‌که آیا همچنان امام خمینی یک مدل رفتاری و عملی برای شماست، گفت: «من به امام علاقه داشتم و دارم و ایشان را الگوی خود می‌دانم. ایشان دارای تقوا و بصیرت و دوراندیشی بودند. این علاقه من پس از رحلت ایشان حتی افزایش یافت.»[۱] وی در عین حال گفت: «امام در بدترین شرایط (دهه اوّل انقلاب) رهبری کرد. آن زمان شرایط کشور در جنگ بود و سران بزرگ و کوچک کشور ترور و شهید می‌شدند، لذا با توجه به شرایط آن زمان ممکن است تصمیم‌گیریهای خاص نیز صورت گرفته باشد. امّا زمانی که من می‌گویم الگو، نمی‌خواهم بگویم الگویی بی‌عیب و نقص بوده است. بلکه رفتارها و تصمیمات را باید در همان زمان خودش مورد بررسی قرار داد.»[۲]

ـ جدیدترین ادعاهای میرحسین موسوی

میرحسین موسوی پس از یک سکوت نسبتاً طولانی در مصاحبه مکتوب با سایت خود، راهپیمایی ۲۲ بهمن را مهندسی‌شده خواند. موسوی در این گفتگو اظهار داشت: «امسال مراسم ۲۲ بهمن تحت تأثیر انتخابات و اتفاقات بعد از آن بود و دولت با هزینه

۱- روزنامه کیهان، ۸۸/۱۲/۹
۲- همان.

گزاف و بسیج اتوبوسها و قطارها از سراسر کشور و شکلهای خاص اداری سعی کرد اثرات حضور جنبش سبز را در آن خنثی کند. در هیچ سالی این همه نیروهای انتظامی و نظامی و امنیتی به خیابانها آورده نمی‌شد.»[۱] وی پس از توهین به شعور مردم و تقلا برای کوچک‌نمایی تودهنی بزرگ ملت ایران به مستکبران عالم و عوامل آنها، در موضعی موازی با رسانه‌های بیگانه چون صدای آمریکا و بی بی سی و رادیو فردا افزود: «ما اعتقاد داریم اگر دعوت جنبش سبز و تشکلهای اصلاح‌طلب و مراجع عظام و دیگر شخصیتها نمی‌بود، امسال ما یک راهپیمایی بی‌رمقی داشتیم که اکثریت آن را نیروهای نظامی و انتظامی که از سراسر کشور جمع شده بودند، تشکیل می‌داد.»[۲]

ـ دعوت برای چهارشنبه‌سوری!

سایت جرس (وابسته به مهاجرانی و کدیور) در تحلیل خود نوشت: «رهبران اصلی جنبش مهندس موسوی و شیخ اصلاحات، با توجه به سوابق بالای مدیریتی‌شان در گذشته نظام و فضای فرهنگی متفاوت و غیرمذهبی چهارشنبه‌سوری، معذوریتهای زیادی برای دعوت مردم در چنین روزی خواهند داشت. می توانیم از بانوی جنبش سبز خانم دکتر رهنورد که محبوبیت فوق‌العاده‌ای میان دختران و پسران دارد، دعوت کنیم برای برگزاری بهتر این روز ملی اطلاعیه دهند و یادبود شهدای جنبش را به نحو مقتضی در برنامه‌های چهارشنبه‌سوری سبز بگذارند.»[۳]

۱- همان. ۲- همان.
۳- همان.

دوشنبه ۱۰ اسفند ۱۳۸۸

ـ خواست آقای هاشمی خواست سبزهاست

فائزه هاشمی (دختر هاشمی رفسنجانی) در مصاحبه با فرشته قاضی (خبرنگار متواری روزنامه اعتماد که اکنون در آمریکا اقامت دارد و برای صدای آمریکا و سایت روزنت کار می‌کند) در خصوص پدرش به سایت ضدانقلابی روزنت گفت: «اتهام سازش به آقای هاشمی نمی‌تواند واقعیت داشته باشد. ایشان بر سر حقوق مردم سازش نمی‌کند. امّا باید توجه کرد که هرکس ویژگی، تفکر و روش خودش را دارد و باید از هرکس مطابق شخصیت و جایگاهش انتظار داشت. خوب است صبر کنیم که باز هم ایشان با درایت خود عمل کند. ایشان آینده‌نگر است و مصلحت و شرایط جامعه را می‌بیند. من نمی‌خواهم دفاع کنم، امّا با توجه به نزدیکی و گفتگوهایی که با ایشان دارم نسبت به این موضوع متقاعد شده‌ام.»[۱] وی با بیان این‌که خواست آقای هاشمی خواست سبزهاست گفت: «من نمی‌توانم بگویم ایشان عضوی از جنبش سبز است. باید از خود ایشان پرسید، اما خواسته‌هایی که اعلام کرده‌اند، همان خواسته‌های جنبش است.»[۲] فائزه هاشمی در ادامه با اشاره به دستگیری وی و برخی اقوام هاشمی در حوادث پس از انتخابات در پاسخ به این پرسش که آیا آزادی سریع شما و همچنین بستگانتان به دلیل نسبت شما با آقای هاشمی رفسنجانی بود، گفت: «بله، این احتمال وجود دارد که به خاطر نسبتی که با ایشان دارم کاری نداشته‌اند.»[۳]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۱۱.
۲- همان.
۳- همان.

ـ ارتباط مالی و سیاسی حزب مشارکت و سازمان مجاهدین با سفارتخانه‌های بیگانه

حجةالاسلام سبحانی‌نیا (نائب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس) درگفتگو با فارس با اشاره به بررسی و اقدامات براندازانه حزب مشارکت و سازمان مجاهدین درکمیسیون امنیت املی مجلس گفت: «کمیسیون اخیراً در رابطه با سازمان مجاهدین و حزب مشارکت اطلاعیه‌ای داد مبنی بر این‌که ارتباط این احزاب با سفارتخانه‌ها به طور جدی مطرح بوده و عناصری از این احزاب به ارتباط خود با سفارتخانه کشورهای غربی اعتراف کردند.»[1] وی با بیان این‌که بحث دریافت کمک مالی از بیگانگان می‌تواند یکی از جرمها باشد، یادآور شد: «ایراد تهمت، شایعه‌پراکنی، نقض آزادی، وحدت ملی و اعمالی در راستای تجزیه کشور از جمله مواردی است که در قانون احزاب آمده است و متأسفانه این احزاب آن را مرتکب شده‌اند.»[2]

۱- همان.
۲- همان.

سه‌شنبه ۱۱ اسفند ۱۳۸۸

ـ تشکیل پرونده برای مهدی و فائزه هاشمی

مرتضی بختیاری (وزیر دادگستری) در نشست هفتگی جامعه وعاظ کشور به ابعاد مختلف فتنه پس از انتخابات اشاره کرد و گفت: «پرونده برای مهدی و فائزه هاشمی تشکیل شده است.»[۱]

ـ یازده سال خیال و بالأخره توهّم!

اسامی شماری از آثار موسوی در فرهنگستان هنر طی مدیریت ۱۱ ساله وی بر این فرهنگستان منتشر شد. آنچه میان این اسامی مشترک است و به وفور جلب توجه می‌کند واژه «خیال» است. بنا بر اسناد موجود از آثار منتشرشده در این فرهنگستان می‌توان به اسامی «فصلنامه خیال»، ویژه‌نامه‌های نقش خیال، طرح خیال، نوای خیال، سایه خیال، تصویر خیال، تندیس خیال، معراج خیال، اقلیم خیال، جوانه خیال، آوای خیال، صور خیال، فصلنامه خیال شرقی، ماهنامه آیینه خیال و... اشاره کرد. همچنین «عکس رویان، خیال عارفان»، «فراسوی ایمان، هنر مدرن و تخیل مذهبی»، «صور خیال در شعر سبک اصفهانی»:، «مقالات اوّلین هم‌اندیشی تخیل هنری»، «خیال ایرانی»، «بهزاد در خاطر و خیال من»، «متافیزیک خیال در گلشن راز شبستری»، «خلیل و خیال، یادنامه استاد خلیل درودچی»، «دیالکتیک برون و درون و پدیدارشناسی خیال»، نیز عنوان برخی از کتب

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۱۲.

منتشرشده توسط فرهنگستان هنر در دوره مذکور است.[۱]

هرچند در عالم هنر، استفاده از خیال و تخیل جایگاه مهمی دارد و تخیل نقش تأثیرگذاری در هنرمند ایفا می‌کند، امّا باید دید عنصر خیال و تخیل در عالم سیاست چه جایگاهی دارد؟ که شخص موسوی در ادامه خیالپردازیهای هنری خود در حوادث انتخابات دهم آن را به نحو کاملی به نمایش گذاشت!

۱- همان.

ـ سه‌شنبه ۱۸ اسفند ۱۳۸۸ ـ

ـ پیامکهای منافقین برای چهارشنبه‌سوری

گروهک تروریستی منافقین در جدیدترین پیام برای مرتبطین خود در داخل کشور، آمادگی کامل برای ایجاد ناآرامی و اغتشاش به بهانه چهارشنبه آخر سال را خواستار شده در این بیانیه از مرتبطین داخلی و برخی از شهروندان درخواست «تبدیل مراسمهای چهارشنبه آخر سال به قیام آتشین علیه نظام» شده است.[1]

ـ نامه یکی از اعضای حزب جمهوری اسلامی به نوه امام(ره)

حجةالاسلام سید علی بزرگواری (عضو سابق حزب جمهوری اسلامی) در نامه‌ای به سید حسن خمینی به وی توصیه کرد تا راهی که سید حسین خمینی طی کرده را نرود. وی با انتقاد از تناقضات موضع‌گیریهای سید حسن خمینی در ماههای اخیر، خصوصاً اعتراضش به برنامه مستند شاخص از نوه حضرت امام(ره) پرسیده است: «چرا وقتی که اصل ولایت فقیه که میراث گرانبهای امام است مورد هتك حرمت قرار گرفت، سکوت اختیار کرده و هیچ عکس‌العملی نشان ندادید.»[2] وی افزود: «عزیزم، ما دوست داریم که حضرت‌عالی به عنوان سلاله امام و یادگار آن پیر سفرکرده در هندسه الهی نظام بمانید و شما را درکنار سران فتنه مانند موسوی، کروبی و خاتمی نبینیم.»[3]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۲/۱۹.
۲- همان.
۳- همان.

ـ برگزاری نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده متهمان بازداشتگاه کهریزک

نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده متهمان بازداشتگاه کهریزک به ریاست قاضی محمد مصدق در محل سازمان قضایی نیروهای مسلح برگزار شد. در ابتدای این جلسه که با حضور اولیای دم و سایر شکات و وکلای آنان و تمامی متهمان برگزار شد، حجةالاسلام مصدق رئیس دادگاه گفت: «اجرای عدالت و قانون تنها ملاک عمل دادگاه خواهد بود و نگاه دادگاه بر اساس قانون، نسبت به طرفین یکسان بوده و بر اساس دلایل، شواهد و قرائن موجود به موضوع رسیدگی و تصمیم لازم را اتخاذ می‌کند.[۱]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۱۹.

پنجشنبه ۲۰ اسفند ۱۳۸۸

ـ حمایت بیوه شاه از موسوی و کروبی و انورسادات

فرح پهلوی (بیوه شاه مخلوع) در گفتگو با شبکه سعودی العربیه اظهار داشت: «حوادث ایران تأثیر مهمی بر اوضاع منطقه می‌گذارد. من بیست سال از عمرم را به نوشتن کتاب خاطراتم گذرانده‌ام. در شرایط فعلی محال است که به ایران برگردم، چون ممکن است بتوانم وارد ایران شوم اما امکان خارج شدن به من نخواهند داد.»[1] وی همچنین با اشاره به آشوبهای خیابانی پس از انتخابات دهم گفت: «آقایان موسوی و کروبی بسیار شجاعند. باید از مخالفان پشتیبانی کرد. آنها ازجان‌گذشتگی زیادی از خود نشان دادند و من از طریق اینترنت از آنها پشتیبانی می‌کنم.»[2]

ـ سیاست آمریکا بر حمایت از مخالفان ایران متمرکز شده است

روزنامه آمریکایی لس آنجلس تایمز درگزارشی با اشاره به تلاشهای مقاومت آمریکایی برای فشار بر ایران از طریق تحریمهای جدید اعلام کرد که این اقدام با هدف حمایت از جریان مخالف در ایران صورت می‌گیرد.[3]

ـ برگزاری دومین جلسه دادگاه متهمان کهریزک

دویمن جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده متهمان بازداشتگاه کهریزک به ریاست

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۲۲. ۲- همان.
۳- همان.

قاضی مصدق و با حضور اولیای دم و سایر شکات و وکلای آنان و دوازده متهم پرونده برگزار شد. در این جلسه چند تن از شکات و سه تن از وکلای آنان و پدر مرحوم روح‌الامینی به طرح شکایت خود پرداختند.[۱]

ـ عده‌ای می‌خواهند دفع حداکثری کنند

به‌گزارش ایسنا حجةالاسلام حسن روحانی (رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام) در مراسم اوّلین سالگرد درگذشت همسر امام راحل(ره) در حرم آن حضرت با بیان این‌که نباید اجازه دهیم هر گروهی در برابر گروه دیگر بایستد و یک گروه به دنبال حذف گروه دیگر باشد، تأکید کرد: «خط امام(ره) و راه امام این است و اینها یادگار امام(ره) است و ما باید آن را حفظ کنیم.»[۲] وی با بیان این‌که افرادی که نزد امام بودند، باید در جامعه ما همیشه عزیز باشند، افزود: «نباید بگذاریم خدای نکرده عزیزان امام(ره) در این جامعه منزوی شوند.»[۳] روحانی با اشاره به سخنان رهبر انقلاب اظهار داشت: «مقام معظّم رهبری بارها بر جذب حداکثری و دفع حداقلی تأکید کرده‌اند، ولی گویی عده‌ای می‌خواهند دفع حداکثری کنند و حتی جذب حداقلی هم نکنند و یک نفر را هم جلب نکنند و همه را طرد کنند.»[۴]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۲/۲۲.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

شنبه ۲۲ اسفند ۱۳۸۸

- موسوی و کروبی از ابتدا با ولایت فقیه مشکل داشتند

دکتر علیرضا مرندی (وزیر بهداشت دولت میرحسین موسوی) در گفتگو با ایران، درباره رابطه خود با میرحسین و نظری که نسبت به او داشته است، گفت: «من یک زمانی شناخت درستی از افراد نداشتم. خیال می‌کردم افراد مذهبی و انقلابی هستند. فکر می‌کردم آدمهای خوبی هستند. همان زمان هم برخی افراد می‌گفتند که این آقایان با قانون اساسی و ولایت فقیه مشکل دارند ولی من قبول نمی‌کردم. امّا حوادث اخیر نشان داد که حق با آن افراد بوده است. مشخص شد که این آقایان به طور کامل با کل نظام مشکل دارند.»[1] وی به میزان پایبندی این افراد به اصل ولایت فقیه هم اشاره کرد و گفت: «دائماً می‌گویند که ما ولایت فقیه را قبول داریم. این‌که درست نیست. باید رسماً و صریحاً اعلام کنند که ما حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را ولیّ فقیه می‌دانیم. اصلاً این چه منطق خنده‌داری است که می‌گویند ما ولایت فقیه را قبول داریم، ولی ولیّ فقیه را قبول نداریم، ولی ولیّ فقیه را باید خودمان انتخاب کنیم؟! مگر ولایت فقیه دست آقایان است که هرکس را دوست داشتند قبول کنند و هرکس را نخواستند، قبول نکنند. البته مشکل این افراد این نیست. مسأله این‌جاست که این افراد نه تنها آیت‌الله خامنه‌ای را قبول ندارند، بلکه خود اصل ولایت فقیه را هم قبول ندارند.»[2]

دکتر مرندی همچنین درباره دوگانگی و تغییر رفتار سران اصلاحات نسبت به مواضع

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۲۳. ۲- همان.

قبلی‌شان گفت: «خود من شخصاً شاهد بودم که این آقایان سر ماجرای عزل آقای منتظری، عکسهای ایشان را پایین می‌آوردند و کلی علیه او برنامه ایجاد می‌کردند. حالا منتظری شده است مرجع عالی‌قدر آنان! حالا منتظری شده است مطلوب همین افراد و آقایان در مراسم ختمش شرکت می‌کنند و اشک هم می‌ریزند.»[۱] وی با اشاره به سخنان پیاپی مقام معظّم رهبری در ماههای اخیر و تلاش برای بیداری سران فتنه از خواب غفلت اضافه کرد: «رهبری تمام تلاششان را کردند تا این افراد را از دروازه کشور وارد کنند. ولی این آقایان اصرار دارند که از چارچوب نظام خارج شوند. من نمی‌دانم اسم این را چه بگذارم. خودکشی سیاسی؟ عناد؟ دیوانگی؟ من واقعاً معنای این رفتارها را نمی‌فهمم.»[۲]
وی در ادامه به ذکر خاطره‌ای از هفته بعد از انتخابات پرداخت و گفت: «یکی از همین آقایان (موسوی) قبل از انتخابات یک مصاحبه با تایمز انجام داده بود و مسائل ناروایی را نسبت به ولایت فقیه مطرح کرده بود. من و همسرم که این مطلب را در اینترنت خواندیم، برای ایشان نامه فرستادیم و انتقاد کردیم. چند روز بعد از اعلام نتایج، همین آقا به من زنگ زد و گفت تو واقعاً من را ضد ولایت فقیه می‌دانی؟ من جواب دادم که اگر واقعاً اعتقادی به این مصاحبه نداری، آن را تکذیب کن. بگو اینها آمریکایی هستند و دروغ نوشته‌اند. ولی اگر تکذیب نکنی، حرف شما محسوب می‌شود و مشخص می‌کند که شما با ولایت فقیه مشکل داری. همان موقع به او گفتم که فقط یک ساعت با خدای خودت خلوت کن. به هر نتیجه‌ای رسیدی بیا به مردم اعلام کن. او به من گفت که اگر به این نتیجه رسیدم که اشتباه کرده‌ام، اعلام می‌کنم. حالا یا ایشان با خدای خودش خلوت نکرده که واویلا؛ یا این کار را انجام داده ولی تحت تأثیر خانواده و اطرافیان است و از ترس این‌که طرد شود، به اشتباهش اعتراف نمی‌کند.»[۳]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.

ـ شیرین عبادی دست به دامن فرانسه شد

شیرین عبادی (عضو اصلی کانون فمینیستهای ایران) به دیدار وزیر خارجه فرانسه رفت و برای ادامه فعالیتهایش علیه ایران، از وی و سایر کشورهای اروپایی برای همراهی با مخالفان نظام ایران، درخواست کمک کرد!

ـ سخنرانی مهاجرانی برای بنیاد صهیونیستی

یک سایت ضدانقلاب نوشت: «چند ماه پیش یک بنیاد صهیونیستی اجلاسی برگزار کرد که سخنران اصلی آن عطاءالله مهاجرانی وزیر ارشاد دولت اصلاحات بود و به غیر از مقامات آمریکایی، معاون وزیر خارجه اسرائیل هم در این اجلاس حضور داشته است.»[۱] این سایت در ادامه افزود: «مهتر از همه اینها آن بود که یکی از مهمترین رسانه‌های آمریکایی (CBS) نوشت: مهاجرانی آمده بود این‌جا تا پول جمع کند، پول برای کجا؟ نمی‌دانیم.»[۲]

ـ شورای نگهبان از اصلاح قانون انتخابات استقبال می‌کند

دکتر کدخدایی (سخنگوی شورای نگهبان) در خصوص اصلاحات قانون انتخابات توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «در مجمع تشخیص مصلحت نظام صرفاً بررسی سیاستهای کلی انتخابات صورت می‌گیرد که مانند موارد دیگر به مقام معظّم رهبری پیشنهاد می‌شود، پس از موافقت ایشان می‌تواند ضمانت اجرایی داشته باشد.»[۳] وی با بیان این‌که شورای نگهبان از این طرح استقبال می‌کند، افزود: «بحثهایی هم که این روزها مطرح شد خوشبختانه مقام معظّم رهبری به آن اشاره کردند که قطعاً همه نهادهای ما در چارچوب قانون اساسی حرکت خواهند کرد. اظهاراتی که دبیر مجمع تشخیص

۱- همان. ۲- همان.

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۲/۲۳.

مصلحت نظام در این باره مطرح کرد حاکی از حرکت آنها در چارچوب قانون اساسی است.»[1]

ـ دستگیری ۳۰ عضو شبکه جاسوسی سایبری سیا

دادستانی تهران با صدور بیانیه‌ای به تشریح عملیات پیچیده اطلاعاتی برای شناسایی یک شبکه جاسوسی آمریکا در ایران پرداخت. در این بیانیه آمده که ۳۰ نفر از عناصر مرتبط شناسایی و دستگیر شده‌اند: «در سال ۲۰۰۶ میلادی در اجرای طرح بی‌ثبات‌سازی ایران که توسط سازمان سیا تهیه و با اختصاص بودجه ۴۰۰ میلیون دلاری توسط کنگره آمریکا با دستور بوش ابلاغ و عملیاتی شد، راه‌اندازی نوع جدیدی از جنگ اطلاعاتی موسوم به جنگ سایبری در دستورکار دولت آمریکا قرار گرفت که با استفاده از عوامل گروهکهای ضدانقلاب از جمله منافقین، سلطنت‌طلبان و برخی گروهکهای دیگر، مورد توجه آمریکاییها قرار گرفت.»[2] در ادامه این بیانیه با اشاره به تأسیس شبکه موسوم به «ایران پراکسی» آمده است: «از دیگر اقدامات آمریکا در زمینه راه‌اندازی شبکه پوششی برای منافقین موسوم به «فعالان حقوق بشر» می‌باشد. این شبکه ابتدا در سال ۱۳۸۴ توسط دو عنصر این گروهک به نامهای صادق نقاش‌کار و بهروز جاوید تهرانی (از عناصر دستگیرشده در ماجرای ۱۸ تیر ۱۳۷۸) تأسیس گردید و مدیریت آن به اعضای ناشناخته این گروهک به نامهای کیوان رفیعی، جمال حسینی، احمد باطبی سپرده شد.»[3] در این بیانیه اهم اقدامات این شبکه این‌گونه توصیف شده است: «۱ـ ایجاد شبکه جمع‌آوری اطلاعات جاسوسی، بویژه شناسایی دانشمندان هسته‌ای کشور ۲ـ شناسایی، جذب و سازماندهی ایرانیان خارج از کشور ۳ـ تهیه گزارش به منظور جریان‌سازی و جنگ روانی علیه نظام جمهوری اسلامی و مقدسات دینی و ارسال آن به رسانه‌های خارجی، سازمانها و نهادهای حقوق بشر ۴ـ برگزاری تجمعات

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۲۳.
۳- همان.

غیرقانونی و تشویق به حضور در اغتشاشات پس از انتخابات ۵ـ انتشار اخبار خلاف واقع از جمله کشته شدن هفتاد و دو نفر در حوادث پس از انتخابات، دستگیری و کشته شدن سعیده پورآقایی تحت عنوان فرزند شهید ٦ـ حمایت خبری و رسانه‌ای از گروهک تروریسی ریگی و انجمن پادشاهی ۷ـ انتقال غیرقانونی متهمین و افراد مسأله‌دار به خارج از کشور از طریق گروهکهای ضدانقلاب ۸ـ انجام اقدامات ایذایی و هکری و نفوذ به سرورهای دولتی در جهت دسترسی غیرمجاز به اطلاعات محرمانه کشور ۹ـ برنامه‌ریزی برای اختلال در سیستم مدیریت شهری و شبکه خدمات‌رسانی از جمله سامانه سوخت‌رسانی به منظور ایجاد نارضایتی عمومی ۱۰ـ ایجاد پوششهای امنیتی برای ورود به فاز اقدام مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی.»[۱]

ـ طمع سایت صهیونیستی به غفلت برخی افراد بیت امام

سایت صهیونیستی بالاترین با اسم بردن از زهرا اشراقی (همسر محمدرضا خاتمی) و یکی دو نفر دیگر نوشت: «مدتی است این افراد از جنبش سبز حمایت می‌کنند. دیدارهای آنان با سران سبز و زندانیان آزادشده حاکی از همبستگی است. امّا جناب آقای حسن خمینی، یاسر خمینی و خانم زهرا اشراقی! تا دیر نشده؛ آغازگر حرکت باشید. شاید دیکتاتوری در ایران پایان بپذیرد. از بزرگ خاندانتان شروع کنید و با نقد افکار [امام] خمینی، این تابوی دیرینه را بشکنید. اشتباهات سیاست داخلی، خارجی، اعدام دگراندیشان... جناب سید حسن خمینی، نقد پدربزرگ و پدرتان احمد خمینی آسان نیست. اکنون بهترین زمان است. زمان را از دست ندهید و نامتان را جاودانه کنید.»[۲]

ـ نظام جمهوری اسلامی با وجود ولیّ فقیه در برابر انواع جنگ نرم و سخت بیمه است

حجةالاسلام محسنی اژه‌ای (دادستان کل کشور) در مراسم معارفه دادستان جدید

۱ـ همان.

۲ـ همان.

قزوین با اشاره به جلسات مقام معظّم رهبری با افراد و جریانهای مختلف، جهت مسائل بعد از انتخابات اظهار داشت: «حقیقتاً انسان در برابر برخی هتاکیهایی که عده‌ای افراد در برابر ایشان داشتند شرمنده می‌شد، امّا مقام معظّم رهبری چون کوهی استوار و با سینه‌ای فراخ و بدون کوچکترین ناراحتی جواب هتاکان را می‌داد.»[1] وی همچنین با بیان این‌که حوادث بعد از انتخابات به روشنی نشان داد که نظام با وجود ولیّ فقیه بعد از ۳۱ سال در برابر انواع جنگ نرم و سخت بیمه است، افزود: «خدا را باید شکرگزار بود که نعمت بزرگ ولیّ فقیه و رهبری که کشور را در برابر امواج و طوفانهای سهمگین هدایت کرد را به ما عطا فرمود.»[2]

ـ ایران می‌تواند با ارائه حکم قضایی به اینترپل مهدی هاشمی را به کشور بازگرداند

حجةالاسلام روح‌الله حسینیان (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) در گفتگو با فارس با اشاره به اقدام قوّه قضائیه برای ایجاد پرونده قضایی برای فائزه و مهدی هاشمی رفسنجانی گفت: «اگر واقعاً رسیدگی به پرونده فائزه و مهدی هاشمی رفسنجانی در قوّه قضائیه جمهوری اسلامی ایران آغاز شود، ما این مسأله را نشانه راهبردی عادلانه می‌دانیم تا ان‌شاءالله آغازی برای پاسخگو بودن دیگر سران فتنه در محکمه قضایی برای جرایمی که مرتکب شدند، باشد.»[3] حسینیان با اشاره به سفر طولانی‌مدت مهدی هاشمی به لندن که قبلاً گفته می‌شد برای سرکشی به شعبه‌های دانشگاه آزاد به انگلستان رفته است، امّا بعداً پدرش در مشهد اعلام کرد که وی برای ادامه تحصیل و گرفتن مدرک دکترا به لندن سفر کرده است، عنوان کرد: «قوّه قضائیه کشور ما نباید منتظر برگشت مهدی هاشمی رفسنجانی از لندن باشد چرا که ایران عضو اینترپل ـ پلیس بین‌الملل ـ است و می‌توانیم به وسیله پلیس بین‌الملل حکم قضایی صادر و آن را به پلیس بین‌الملل واگذار کنیم تا وی را دستگیر کرده و به جمهوری اسلامی ایران تحویل دهند.»[4]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۸/۱۲/۲۳. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۲۳. ۴- همان.

دوشنبه ۲۴ اسفند ۱۳۸۸

ـ ناگفته‌هایی از تحرکات جریان فتنه

یک مقام مسؤول در وزارت اطلاعات با بیان این‌که جریان فتنه رنگ عوض کرده، به تلاش این جریان برای به تصویب رساندن طرح کمیسیون انتخابات اشاره کرده و با فتنه خواندن این طرح گفت: «بر اساس اطلاعات موثق، در اتاق فکر جریان فتنه برنامه وسیعی برای بهره‌برداری از طرح و تصویب طرح کمیسیون ملی انتخابات تدارک شده که قرار است به منظور همراه نمودن اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام با تک‌تک آنها مذاکره شود.»[1] وی با اشاره به جلسه‌ای که محمدرضا خاتمی در آن حضور داشته گفت: «در جلسه‌ای وقتی بحث می‌شود که در مقابل اظهارات سخیف ایشان مثل دکتر گنجی موضعگیری شود، رضا خاتمی صریحاً می‌گوید نباید موضعگیری نمود چون جنبش گرفتار ریزش بیشتری می‌شود، ضمن آن‌که حمایتهای بیرونی را از دست خواهیم داد.»[2] وی به اظهارات مجید انصاری که گفته بود «طرح کمیسیون ملی انتخابات باید با بسترسازی دنبال شود» اشاره کرد و افزود: «در یکی از جلساتی که چند روز قبل آقایان داشته‌اند صریحاً گفته‌اند اگر طرح در مجمع رأی بیاورد در هر صورت ما برنده‌ایم.»[3] وی همچنین گفت: «در انتخابات نهم ریاست‌جمهوری فرزند یکی از کاندیداها به رسانه‌های خارجی مبالغی پول داده تا تبلیغ کنند که اگر پدرش رأی بیاورد اختیارات رهبری را کاهش خواهد داد، همین فرد برای هزینه انتخابات، از پیمانکارانی که با یک شرکت

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۲/۲۵.
۲- همان.
۳- همان.

وابسته به شرکت ملی نفت قرارداد داشتند چندین میلیون دلار اخذ نموده است. این فرد با سندسازی، بیش از پنج میلیارد تومان از بودجه هما شرکت را در انتخابات هزینه کرد که اسناد و مدارک معتبر در این رابطه وجود دارد، در این میان نکته قابل توجه آنکه پدر این فرد از کل ماوقع اطلاع کافی دارد.»[۱]

۱- همان.

سه‌شنبه ۲۵ اسفند ۱۳۸۸

ـ در سلامت انتخابات همین بس که رفیق شهرام جزایری رأی نیاورد

مهدی کروبی در دیدار اعضای شاخه جوانان دانشجویان حزب اعتماد ملی مدعی شد: «ما برای تغییر اوضاع در کشور وارد انتخابات شدیم و چون متأسفانه از مسیر خود منحرف شده تلاش می‌کنیم تا جمهوریت به معنای واقعی خود یعنی متکی بر آرای مردم و اسلامیت به صورت درست اجرا شود. متأسفانه جمهوریت دچار استبدادزدگی و انتخابات بی‌خاصیت شده است.»[1] وی در اثبات ادعای خود گفت: «آقایان می‌گویند ۸۵ درصد مردم بر سر صندوقهای رأی رفتند و رئیس‌جمهورشان با رأی بسیار بالایی رقبای خود را شکست داد. در صورتی که سه رئیس‌جمهور قبلی هرکدام دو دوره رئیس‌جمهور این کشور بودند. دو تن از بزرگان در انتخابات دور دومشان با آراء کمتر و فاحش و قابل تأملی نسبت به دور اوّل پیروز شدند و تنها نفر سوم توانست با آراء نسبتاً بیشتری یعنی ۱ میلیون و نیم رأی بیشتر نسبت به دور اوّل در انتخابات پیروز شود، در عین حال که شرکت‌کننده کمتر بود. حال چگونه باید باور کرد که دولت فعلی با این همه تورم و اعتراضات و بیکاری و روابط بین‌الملل ضعیف این بار از طرفی ۷ میلیون و از طرف دیگر ۱۷ میلیون رأی بیشتر کسب کند! مگر در دوره اوّل چه معجزه و شق‌القمری کرده که مردم بخواهند دوباره ریاست ایشان بر قوّه مجریه تکرار شود؟»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۲۶.

۲- همان.

ـ حمایت بیگانگان، اتهامی است که حکومت به ما می‌زند

در حالی که سازمانهای رسمی جاسوسی غرب یکی پس از دیگری مقدار کمکهای مالی خود به سران فرقه سبز را اعلام می‌کنند، میرحسین موسوی مدعی شد که این حمایتها ربطی به وی ندارد. وی در دیدار با برخی اعضای حزب مشارکت حمایت بیگانگان از خود و حامیانش را یک اتهام عنوان کرد که از طرف حکومت به آنها وارد شده است. میرحسین با دفاع از این حزب که سالها پیش تا مرز خروج از حاکمیت، ترویج لزوم تغییر قانون اساسی، مخالفت با اصول خط امام و همراهی با مطامع بیگانگان در کشور پیش رفت، اظهار داشت: «مخالفان با اتهامات و برچسب زدن‌ها تلاش کردند سران و متفکران جنبش و از جمله اعضای مشارکت را به جاهایی بچسبانند که مردم نمی‌پسندند. البته حزب مشارکت در معرض بیشترین فشارها بوده و نسبتهای نادرست و ناروا به آن داده شده است. ما نباید در مقابل این تهمتها و بی‌اخلاقیها حالت انفعالی بگیریم. بنده این را مطرح کردم که گروهی می‌گفتند مشروطه باعث خوشحالی انگلیس بوده و از قول مرحوم آخوند خراسانی گفتم که هرکاری ما بکنیم ممکن است روسها یا انگلیسیها اظهار خوشحالی بکنند و اگر این‌طور باشد پس ما نباید کاری بکنیم؟ نه ما نباید بر اساس خوشحالی و بدحالی بقیه، کارها و برنامه‌های خود را تنظیم کنیم.»[۱] موسوی با بیان این‌که سال آینده سال صبر و استقامت است و زندان دیگر خاصیت و اثر خود را در مقابله با جنبش از دست داده اظهار داشت: «اگر روزنامه‌ها را نبسته بودند، اگر محدودیت ایجاد نکرده بودند و فضا را کمی باز گذاشته بودند، مردم خیابانها را خالی می‌کردند.»[۲]

ـ منافقین خوراک خبری سایتهای اصلاح‌طلب را فراهم می‌کردند

اسناد جدیدی از ارتباط ۲ سایت دانشجویی با منافقین به دست آمد. این اسناد که به حوادث پس از انتخابات مربوط می‌شود، در میان اطلاعات از شبکه جاسوسی سایبری

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۸/۱۲/۲۶. ۲- همان.

آمریکا به دست آمده است. در این میان سایتهای ادوارد نیوز و خبرنامه امیرکبیر ایمیلهایی از منافقین در خصوص اغتشاشات دریافت می‌کردند و آنها را بدون هیچ دخل و تصرفی بر روی سایت خود قرار می‌دادند.[۱]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۸/۱۲/۲۶.

فروردین ماه ۱۳۸۹

یکشنبه ۱ فروردین ۱۳۸۹

مقام معظّم رهبری در جمع پرشور مردم مشهد در حرم رضوی سال ۱۳۸۸ را سال پیروزی ملت ایران توصیف کردند و با اشاره به انتخابات ریاست‌جمهوری اظهار داشتند: «این ملت پای حرف خود ایستاده است. این یک حرکت عظیم بود از ملتمان. ملت توانستند در تاریخ کشور این را ثبت کنند که بعد از گذشت سی سال از استقرار نظام اسلامی ـ که نظامی بر پایهٔ اسلامیت و جمهوریت است و اینها از هم تفکیک‌ناپذیرند؛ آنهایی که این دو را از هم تفکیک می‌کنند، جمهوری اسلامی را نشناختند ـ آن‌چنان پایبند به مبانی این نظام هستند که در یک انتخاباتی با این شور و شوق، با این عظمت شرکت می‌کنند. خوب، این یک حرکت عظیم مردمی بود. در قبال این حرکت دشمنان ملت ایران نقشه‌هایی داشتند. این نقشه‌ها را شروع کردند به عمل کردن. اگر حضور شما مردم در انتخابات ۲۲ خرداد سال ۱۳۸۸ یک حضور ضعیفی بود و به جای ۴۰ میلیون مثلاً ۳۰ میلیون شرکت کرده بودید به احتمال زیاد دشمنان شما موفق می‌شدند، نقشه‌هایی از پیش طراحی‌شده بود. من کسی را متهم نمی‌کنم، امّا هندسه کار دشمن را می‌شناسم؛ می‌بینم آن را تشخیص می‌دهم. نمی‌توانم آن را انکار کنم. هندسه کار دشمن یک هندسه مشخصی بود. نظیر این کار را در جاهای دیگر هم کردند. وقتی قدرتهای مستکبر بین‌المللی از یک نظامی ناراضی و ناخشنود باشند، یکی از راههایی که یافتند و عمل کردند، این است که منتظر یک فرصت انتخابات بشوند. بعد در آن فرصت انتخابات اگر کسانی که مورد رضای آنها نیستند، بر سر کار آمدند و آنهایی که آنها می‌خواهند بر سر کار نیامدند، آن وقت با یک حرکت نمایشی مردمی، اوضاع را برگردانند. با شعارهایی،

گروهی از مردم را توی صحنه بکشانند، با فشار بر صحنه خیابانها آن چیزی را که با قانون به دست آمده است، با خشونت دگرگون کنند، این یک نقشه شناخته شده است. اگر ملاحظه می‌کنید که حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمد در ذهن مردم، در ذهن تحلیل‌گران مستقل و صادق و تیزبین منتصب به عوامل خارجی و بیرونی می‌شوند ناشی از این است. اگر کسی هیچ خبری هم از پشت پرده نداشته باشد اطلاعاتی که افراد صاحب اطلاع به دست می‌آوردند، اگر این اطلاع هم در دست نباشد، انسان شکل کار را که نگاه می‌کند می‌فهمد که این کار، کار دشمنان ملت است. کار بیگانگان است.» ایشان با بیان این‌که انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، آزمون مهمی بود تصریح کردند: «[این انتخابات] هم عبرتهای زیادی داشت و هم درسهای زیادی داشت. و در این آزمون ملت ایران پیروز شد.»[1]

۱- بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در حرم مطهر رضوی در پیوست ۳۱ می‌باشد.

سه‌شنبه ۱۰ فروردین ۱۳۸۹

- دستبند سبز بر دستان رضا پهلوی

رضا پهلوی (فرزند شاه مخلوع) در نشستی با جمعی از طرفداران موسوی در شهر بن آلمان، ضمن حمایت از آنها، دستبند سبزی را به دستان خود بست. یک سایت ضدانقلابی به پسر ارشد مخلوع لقب «شاهزاده سبز» داده است و وی در گفتگو با این رسانه ضدانقلاب، جریان سبز را فرصتی برای براندازی نظام ایران توصیف کرد.[۱]

- برملا شدن رابطه اسرائیل با حامیان موسوی به آنها لطمه می‌زند

منشه امیر (سردبیر رادیو رژیم صهیونیستی) با بیان این‌که برملا شدن رابطه بین اسرائیل و سبزها به این جنبش لطمه می‌زند، گفت: «در شرایط کنونی، سخن از اسرائیل و ارتباط سبزها با اسرائیل زیانبار است.»[۲] وی همچنین اغتشاشگران را سربازانی فداکار نامید و افزود: «رزمندگان راه آزادی باید به راه خود و مبارزه خویش ادامه دهند.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۱/۱۱.
۲- همان.
۳- همان.

‍چهارشنبه ۱۱ فروردین ۱۳۸۹

ـ ایستادگی ملت دشمنان را به شکست می‌کشاند

مقام معظّم رهبری در بازدید منطقه عملیاتی فتح‌المبین در اجتماع پرشور مردم، خطاب به جوانها فرمودند: «عزم راسخ شما، هوشمندی و بصیرت شما، ایستادگی و قاطعیت و شجاعت شما می‌تواند همه دشمنان را هرچند بظاهر بزرگ و نیرومند باشد، به شکست بکشاند.» ایشان با بیان این‌که امروز ما از روزهای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بمراتب جلوتریم، افزودند: «امروز ما تواناتریم. ملت ایران این توانایی را به برکت ایستادگیها به دست آورده. امروز هم توطئه زیاد است. لکن ملت ایران با ایستادگی خود به توطئه دشمن پوزخند می‌زند و راه خود را با استواری طی می‌کند.»[1]

۱- بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در منطقه عملیاتی فتح‌المبین در پیوست ۳۲ می‌باشد.

شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۸۹

ـ افشای ابعاد تازه‌ای از همکاری موساد و سازمان جاسوسی انگلیس در ترور آقاسلطان

با سفر نامزد خانم ندا آقاسلطان به فلسطین اشغالی و ملاقات وی با شیمون پرز رئیس رژیم صهیونیستی، ابعاد تازه‌ای از همکاری سازمان جاسوسی انگلیس و سرویس صهیونیستی موساد در ترور ندا آقاسلطان فاش شد.

کاسپین ماکان به همراه آرش حجازی شاهد اتفاقی! صحنه ترور خانم ندا آقاسلطان در اوج حوادث خیابانی پس از انتخابات، نقش گسترده‌ای در جریان‌سازی رسانه‌ای بی بی سی و سایر رسانه‌های ضدانقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کرد. او و آرش حجازی به واسطه مدیریت انگلیسی ـ صهیونیستی از ایران گریختند و طی ۸ ماه گذشته در سناریوهای تبلیغاتی، مشارکتی فعال داشتند، امّا در این میان سفر ماکان به تل‌آویو و ملاقات با شیمون پرز، ابعاد تازه‌ای از زد و بند اطلاعاتی انگلیس و اسرائیل را فاش ساخت و به رسوایی بزرگ برای سازمان فتنه و رسانه‌های آن در داخل و خارج که مکرراً روی اظهارات ماکان به عنوان نامزد مصیبت‌دیده ندا آقاسلطان مانور می‌دادند، تبدیل شد. همزمان با بی بی سی و سایت روزنت تلاش کردند طی مصاحبه‌هایی با ماکان از ابعاد رسوایی تازه کم کنند. کاسپین ماکان که به عنوان فروشنده عکسهای خصوصی آقاسلطان به بی بی سی هم معرفی می‌شود، در مصاحبه با بی بی سی از سفر به فلسطین اشغالی دفاع کرد و مدعی شد: «این سفر را به قصد انسان‌دوستانه انجام داده‌ام. من می‌خواستم تصویری را که جمهوری اسلامی از یک دشمن فرضی به نام اسرائیل در

ذهن مردم ایران ساخته، بشکنم.»[1] وی درباره ملاقات با شیمون پرز (جلاد بزرگ اسرائیلیها و عامل اصلی نسل‌کشی غزه) گفت: «آقای پرز تندیس صلح و آزادی را از طرف دولت اسرائیل به شجاعت ندا، خانواده ندا و مردم ایران هدیه کرد. با این پیام که ما خواهان صلح هستیم و نه جنگ. من تنها این زمان بود که از جانب خودم، خانواده ندا و مردم ایران از تندیس تشکر کردم.»[2]

ـ اکثریت قاطع معترضان، وفادار به نظام هستند

همزمان با سال جدید و در آستانه سالروز استقرار نظام جمهوری اسلامی، هاشمی رفسنجانی رئیس تشخیص مصلحت نظام در پاسخ به چند سؤال پایگاه اطلاع‌رسانی خود نکاتی را درباره ۱۲ فروردین و برخی موضوعات دیگر اشاره کرد.

وی در پاسخ به این‌که تحلیل حضرت‌عالی راجع به شبیه‌سازی اتفاقات سال ۱۳۸۸ با سال ۱۳۵۸ چیست؟ بیان کرد: «فکر نمی‌کنم این تشبیه درست باشد. آنهایی که الآن به عنوان معترض یا منتقد در خیابانها آمدند و صحبت کردند اکثریت قاطع‌شان وفادار به نظام هستند. یعنی جمهوری اسلامی و قانون اساسی را با همه موازین آن قبول دارند. بله، گروههایی هم در میان اینها شعارهای دیگری می‌دهند و خواسته دیگری دارند.»[3]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱/۱۴. ۲- همان.
۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۱/۱۴.

یکشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۹

ـ سبزها حمایت مردمی ندارند

ابوالحسن بنی‌صدر (رئیس‌جمهور مخلوع و فراری اسبق ایران) در گفتگو با سایت بلومبرگ با اعتراف به شکست اقلیت سبز در ایران گفت: «توده مردم در شهرها، از مخالفان حمایت نکردند و به آنها نپیوستند. تظاهرات پس از انتخابات، بیشتر در پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ صورت گرفت در حالی که بخشهای وسیعی از کشور آرام ماند.»[۱]

ـ بیات زنجانی، زندانیان انتخاباتی را به معصومین تشبیه کرد!

پس از آنکه میرحسین موسوی هتاکان روز عاشورا را مردم خداجو دانست، بیات زنجانی هم در اظهاراتی عجیب، بازداشت‌شدگان آشوبهای اخیر را به امام موسی کاظم(ع) و یوسف پیامبر(ص) تشبیه کرد. این حامی موسوی که در جریان اغتشاشات اخیر بارها به حمایت از سران فتنه و فرقه سبز پرداخته است، در دیدار با جمعی از خانواده‌های زندانیان آشوبهای پس از انتخابات، اظهار داشت: «این زندانیان جزو پاک‌ترین و خالص‌ترین افراد جامعه‌اند و چوب صداقت و دلسوزی خود را می‌خورند.»[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۱/۱۶.   ۲- همان.

ـ احترام ویژه روزنامه‌نگار فراری برای موسوی و کروبی و ...

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار فراری مقیم لندن) در گفتگو با تلویزیون گروهک تروریستی و تجزیه‌طلب پژاک با ستایش چند باره از موسوی و کروبی گفت: «علاوه بر موسوی و کروبی، زهرا رهنورد نیز به عنوان بانویی که در کنار یک مرد سیاسی باعث پیشرفت جنبش شده برای این‌جانب قابل احترام است.»[1] وی تصریح کرد: «چون فاطمه حقیقت‌جو در آمریکاست، دلیل نمی‌شود که کمتر از محسن میردامادی در ایران ارزش دارد، همه با هم برابر هستیم، امّا افرادی مانند من که در خارج از کشور هستند، کمتر هزینه داده‌اند.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱/۱۶.
۲- همان.

دوشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۸۹

ـ قدرت اجتماعی داریم ولی حیف که رأی نمی‌آوریم

علی شکوری‌راد (عضو شورای مرکزی جبهه مشارکت) بدون اشاره به ریزش شدید هواداران طیف اصلاحات در جریان حوادث سال ۱۳۸۸ و اعتراضات گسترده مردمی به این جریان، مدعی شد: «گفتمان غالب در جامعه، گفتمان اصلاح‌طلبی است»[۱] وی افزود: «اصلاح‌طلبان هم‌اکنون فرصت زیادی را برای حضور در حاکمیت ندارند.»[۲] وی بدون اشاره به ایستادگی خود و دیگر اصلاح‌طلبان افراطی در برابر رأی مردم و قانون در سخنانی مبهم عنوان کرد: «چشم‌انداز پیش روی اصلاح‌طلبان این است که مطالبات مردمی، به کرسی خواهد نشست.»[۳]

ـ مأموریت جدید برای مرعشی!

حسین مرعشی (سخنگوی حزب کارگزاران) که در ۲۸ اسفند ۱۳۸۸ به یک سال حبس تعزیری محکوم شده و روانه زندان شده بود، پس از دو هفته مرخصی نوروزی به زندان بازگشت. وی پیش از مراجعت به زندان، در وبلاگ خود یادداشتی نوشت و مدعی شد این دوران هم مأموریتی برای وی در جمهوری اسلامی است. برادر خانم هاشمی رفسنجانی نوشت: «من در گذشته و در دورانی نسبتاً طولانی این توفیق را داشته‌ام که در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، طراحی و اجرای طرحهای

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۱/۱۷.
۲- همان.
۳- همان.

توسعه اقتصادی و قانونگذاری تجربه‌های فراوانی بیاموزم، ولی هیچ‌گاه از کارکرد نهادهای امنیتی و قضایی اطلاعی نداشته و در این عرصه فاقد هرگونه تجربه‌ای هستم، لذا دوران محکومیت را یک مأموریت و فرصت برای شناخت کم و کیف کارکرد نهادهای امنیتی و قضایی دانسته و ان‌شاءالله تلاش خواهم کرد درسهایی بیاموزم.»[۱]

ـ بازداشت افرادی چون مرعشی نشانگر تحول قوّه قضائیه است

حمیدرضا ترقی (عضو شورای مرکزی حزب مؤتلفه اسلامی) با اشاره به بازداشت برخی از سران فتنه و افراد وابسته به برخی از شخصیتهای نظام گفت: «بازداشت افرادی چون مرعشی و لاهوتی (فرزند فائزه هاشمی) نشانگر تحول در قوّه قضائیه است.»[۲]

ـ هماهنگی در حرکت لازم است

مقام معظّم رهبری در دیدار جمعی از مسؤولان نظام جمهوری اسلامی آنان را به یکپارچگی در حرکت توصیه کردند و اظهار داشتند: «یکی از چیزهایی که خیلی مهم است، یکپارچگی در حرکت است؛ ولو یکپارچگی در فکر و نظر و سلیقه نباشد، که نه ممکن است، نه آن قدر هم مطلوب است. اختلاف سلائق و اختلاف نظرات به مباحثه می‌انجامد و مباحثه به کشف عرصه‌های جدید منتهی می‌شود. بنابراین ما هیچ توصیه نمی‌کنیم که حتماً همه در همه مسائل یکسان فکر کنند، نه اصلاً ممکن هم نیست و امکان ندارد. امّا با وجود آن اختلافاتی که وجود دارد، هماهنگی در حرکت لازم است.»[۳]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱/۱۷.　　۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۱/۱۷.

۳- بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با جمعی از مسؤولان نظام در پیوست ۳۳ می‌باشد.

ـ سه‌شنبه ۱۷ فروردین ۱۳۸۹ ـ

ـ ملاقات با سران فتنه اقلیت مجلس را دوپاره کرد

جمعی از اعضای فراکسیون اقلیت مجلس با هدف جلوگیر ی از بن‌بست و ورشکستگی اصلاحات به طور جداگانه به ملاقات خاتمی، کروبی و موسوی رفتند. این ملاقاتها هر چند به بهانه دیدار نوروزی انجام گرفت، امّا انتشار تصاویر این ملاقاتها نشان‌دهنده عدم حضور برخی اعضای فراکسیون ۵۰ نفره اقلیت مجلس بود.

خاتمی در این دیدار خواستار فعال شدن مجلس در جهت خواسته‌ها (از جمله آزادی زندانیان و آزادی انتخابات) شد. کروبی نیز در دیدار خود با اقلیت مجلس ضمن انتقاد از رواج تهمت و دروغ مدعی شد: «علاوه بر آن‌که عزای امام راحل و انقلاب را گرفته‌ام، امروز عزای اسلام و امیرالمؤمنین را با این رفتارها گرفته‌ام.»[1] موسوی نیز در دیدار با فراکسیون اقلیت مجلس گفت: «اگر در انتخابات و حوادث پس از آن به عقل جمعی رجوع می‌شد شاهد اتفاقات تلخ نبودیم.»[2]

ـ این بی‌مایه‌ها ۱۷۰ تا بیانیه هم بدهند کاری از پیش نمی‌برند

سایت ضدانقلابی گویانیوز از قول جمشید اسدی (عنصر سلطنت‌طلب) گفت: «حکومت در شرایط حاضر تن به سازش و مذاکره نمی‌دهد. پس این خیال خام را که به مخالفان امتیاز بدهد باید از سر بیرون کرد. البته آقای موسوی می‌توانند از بیانیه شماره ۱۷ تا شماره ۱۷۰ ادامه دهند، امّا چیزی تغییر نخواهد کرد.»[3]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱/۱۸. ۲- همان.
۳- همان.

چهارشنبه ۱۶ فروردین ۱۳۸۹

ـ اعتراض به دیدار چند نماینده با سران فتنه

به دنبال دیدار نوروزی برخی از اعضای فراکسیون اقلیت مجلس با سران فتنه، مردم حوزه‌های انتخابیه این نمایندگان ضمن اعتراض به این اقدام، از عمل نمایندگان مذکور اعلام برائت نمودند.[۱]

ـ استقبال خاتمی از طرح کمیسیون ملی انتخابات

سید محمد خاتمی در دیداری ضمن دفاع از طرح موسوم به کمیسیون ملی انتخابات که توسط برخی چهره‌های نزدیک به هاشمی رفسنجانی در مجمع تشخیص مصلحت پیگیری می‌شود، اظهار داشت: «اگر این طرح به سرانجام برسد، می‌توان به آینده انتخابات امیدوار بود.»[۲] وی همچنین بدون اشاره به اقدامات غیرقانونی و ساختارشکنانه جریان اصلاحات در حوادث پس از انتخابات مدعی شد: «نگرانی اصلاح‌طلبان در شرایط کنونی، اصل نظام و انقلاب اسلامی و ایران است.»[۳]

ـ بی بی سی تابلوی آشتی ملی را بالا برد

شبکه دولتی بی بی سی انگلیس پس از چند ماه هدایت ناکام آشوبها و تخریبهای خیابانی در ایران و آگاهی از بن‌بست کامل جریان براندازی خشن، پرچم آشتی ملی را

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۱/۱۹.
۲- همان.
۳- همان.

بالا برد. این تلویزیون در گفتگو با رامین جهانبگلو (از عناصر کودتای مخملین) بحث آشتی ملی را پیش کشید و فرهنگ عدم خشونت را در آثار سعدی و زرتشت و اخلاق ناصری دانست.[۱]

ـ محکومیت الویری به یک سال حبس

دکتر عباس شیری (وکیل مدافع مرتضی الویری مشاور کروبی) در گفتگو با ایسنا گفت: «دادگاه تجدید نظر موکلم را به تحمل یک سال حبس محکوم کرد که حبس یادشده به مدت چهار سال تعلیق شده است.[۲]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱/۱۹. ۲- همان.

شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۸۹

ـ دستگیری هتاکان به مزار آیت‌الله خاتمی و صدوقی

نیروهای امنیتی استان یزد موفق شدند عوامل هتک حرمت مزار شهید آیت‌الله صدوقی و مرحوم آیت‌الله خاتمی را دستگیر کنند. طبق گفته منابع خبری، دو نفر از این افراد از اتباع کشورهای افغانستان و پاکستان و دو نفر دیگر هم از افراد سابقه‌دار استان کرمان هستند. این افراد اعتراف کرده‌اند که در مقابل دریافت پول این کار را انجام داده‌اند و برنامه‌های هتاکی خود را از تهران به وسیله ایمیل دریافت می‌کردند.[۱]

ـ رأی اصلاح‌طلبان باکیفیت‌تر از اصولگرایان است

عباس عبدی در گفتگو با یک سایت آلمانی با دفاع از تقسیم‌بندی شهروند درجه یک و درجه دو مدعی شد که هرچند اصلاح‌طلبان رأی کمتری در انتخابات آورده‌اند، امّا رأی آنها با کیفیت‌تر است. وی جامعه آمریکا را برتر از جامعه ایران دانست و در دفاع از آن عنوان کرد که در آمریکا تقسیم‌بندی شهروندان به درجه یک و درجه دو وجود دارد و شهروندان درجه یک نتیجه انتخابات را رقم خواهند زد.[۲]

ـ تنفس مصنوعی به سران فتنه

شماری از اعضای سازمان مجاهدین با میرحسین موسوی ملاقات کردند. این گروه

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۱/۲۲.   ۲- همان.

که در میان آنها چند تن از نمایندگان مجلس ششم هم وجود داشتند، از موسوی خواسته‌اند با اظهار نظرها و صدور بیانیه‌گاه به گاه چنین القاکند که فتنه پس از انتخابات نمرده است. برخی از حاضران در این ملاقات، برای تشجیع موسوی و در مخالفت با عقب‌نشینی وی گفتند: باور نمی‌کردیم شما به این نحو در مقابل نظام به میدان بیایید و مقاومت کنید. رفتار شما شجاعانه و تحسین‌برانگیز است.[1]

ـ آقای موسوی بیخودی خودت را ضایع نکن

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار فراری) در گفتگو با صدای آمریکا گفت: «آقای موسوی از وفاداری به میراث آیت‌الله خمینی و انقلاب سخن می‌گوید. این برای مخالفان معنایی ندارد. دوران آقای خمینی برای اپوزیسیون دوران درخشانی نیست که آرزوی بازگشت به آن دوره را بکنند.»[2] وی افزود: «به نظر من آقای موسوی و مشاورانش اگر برای این مسأله بخواهند سرمایه گذاری کنند، اشتباه زیادی می‌کنند، چون به هر حال عملکرد حاکمیت، امروز به مراتب به عملکرد آقای خمینی نزدیک‌تر است تا آنچه راکه آقای موسوی و دوستانش علاقه‌مندند در ایران برقرار شود. بنابراین باید گفت آقای موسوی شاید به خاطر خلع سلاح مخالفانش و دستگاه حاکمیت ناچار شده به آقای خمینی متوسل بشود امّا این نوعی شمشیر دو لبه است و می‌تواند طرفداران موسوی را آزرده کند.»[3]

ـ تصویب تجمیع انتخابات ریاست‌جمهوری با شوراها در مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه خود موضوع سیاستهای کلی انتخابات راکه کلیات آن در جلسه قبل به تصویب رسیده بود، پیگیری کرد و پس از بحث و بررسی

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱۲/۲۲.
۲- همان.
۳- همان.

اعضاء، مادّه یک این سیاستها به شرح زیر تصویب شد. «تنظیم تاریخ و همزمانی برگزاری انتخابات حدود دو سال باشد. انتخابات ریاست‌جمهوری با انتخابات شوراهای اسلامی، همچنین انتخابات مجلس شورای اسلامی با انتخابات مجلس خبرگان رهبری به صورت همزمان برگزار می‌گردند.»[۱]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۱/۲۲.

دوشنبه ۲۳ فروردین ۱۳۸۹

ـ تأیید دیدار هاشمی رفسنجانی با بهزاد نبوی

محمد هاشمی (رئیس دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام) با تأیید دیدار هاشمی رفسنجانی با بهزاد نبوی که در ایام نوروز در مرخصی بود، گفت: «آقای هاشمی در ایام نوروز، در کیش بودند و در جریان این سفر با افراد بسیاری دیدار داشتند و آقای نبوی هم جزو این افراد بود.»[1] وی توضیح بیشتری درباره جزئیات این دیدار نداد. محمد هاشمی در عین حال دیدار آقای هاشمی با رئیس قوّه قضائیه راکه برخی سایتها منتشر شده بود، قویاً تکذیب کرد.[2]

ـ تقدیر هاشمی رفسنجانی از عملکرد مؤسسه نشر آثار امام(ره)

در حالی که بسیاری از کارشناسان سیاسی و همچنین نمایندگان مجلس به رویکرد مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی(ره) در حراست از اندیشه‌های امام راحل اعتراض و حتی آن را جناحی توصیف کردند، هاشمی رفسنجانی از عملکرد کنونی مسؤولان این مؤسسه تقدیر کرد. رئیس تشخیص مصلحت نظام در دیدار با مسؤولان و مدیران دفتر آثار امام(ره) در قم حفظ آثار امام را ذخیره ارزشمندی برای نسلهای آینده دانست و گفت: «ما اگر بتوانیم میراث امام خمینی، بخصوص ولایت فقیه را درست و صحیح به دنیا معرفی کنیم و عملمان نیز متضاد با افکار امام نباشد، حق آن امام عزیز را تا حدودی به‌جا

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱/۲۴.

۲- همان.

آورده‌ایم.»[۱] هاشمی رفسنجانی در ادامه با تقدیر و تشکر از مسؤولان مؤسسه نشر، بخصوص مرحوم حاج سید احمد آقا و حجةالاسلام سید حسن خمینی افزود: اگر همت این بزرگواران در جمع‌آوری و حفظ و نشر صحیح آثار امام(ره) نبود، قطعاً اندیشه‌ها و آثار امام مورد طمع مغرضین قرار می‌گرفت.»[۲]

ـ محسن صفایی فراهانی به ۵ سال حبس محکوم شد

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دادسرای عمومی و انقلاب تهران، شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران، حسن صفایی فراهانی (عضو مشارکت) را به پنج سال حبس تعزیری محکوم کرد.[۳]

ـ به ستونهای نظام نگویید سران فتنه!

سیروس سازدار (یکی از نمایندگان اقلیت مجلس هشتم) در دفاع از دیدار فراکسیون اقلیت با خاتمی و موسوی و کروبی گفت: «افرادی که فراکسیون اقلیت مجلس به دیدار نوروزی آنها رفته، از ستونهای نظام و انقلاب بوده و هستند.»[۴] وی بدون اشاره به ایستادگی سران اصلاحات در برابر قانون و رأی مردم و حمایت آنان از هتاکان به امام راحل و روز عاشورا، گفت: «فراکسیون اقلیت مجلس با آقایان هاشمی رفسنجانی، میرحسین موسوی، خاتمی و کروبی که از حلقه یاران امام بودند، دیدار کرده است.»[۵]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۱/۲۴. ۲- همان.
۳- همان. ۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۱/۲۴.
۵- همان.

پنجشنبه ۲۶ فروردین ۱۳۸۹

ـ صدور حکم جلب مهدی هاشمی

در پایان جلسه مشترک رئیس قوّه قضائیه و اعضای کمیسیون قضایی مجلس شورای اسلامی، خبر صدور حکم جلب مهدی هاشمی رفسنجانی و قطعی شدن دستیگری وی مورد تأیید قرار گرفت. در این جلسه تصریح شد که در صورت ورود مهدی هاشمی به کشور، وی بر اساس این حکم دستگیر خواهد شد.[1]

ـ سران فتنه درصدد تضعیف رهبری و ولایت فقیه بودند

به گزارش فارس آیت‌الله احمد جنتی (دبیر شورای نگهبان) با اشاره به جلسات سران فتنه قبل از انتخابات و این‌که بیان می‌شد در صورت پیروزی در انتخابات قدرت رهبری و ولایت فقیه باید تضعیف شود، اظهار داشت: «آنها درصدد بودند پس از پیروزی ولایت فقیه را تضعیف کنند و مطرح می‌کردند در صورت شکست با جنجال‌آفرینی و ادعای تقلب فضا را تغییر داده و انتخابات را زیر سؤال ببرند.»[2]

ـ توزیع محموله جدید کمکهای آمریکا بین اپوزیسیون

یک مؤسسه آمریکایی با مجوز دولت این کشور، طراحی و ساخت نرم‌افزار فیلتر شکن ویژه اپوزیسیون ایران را آغاز کرده است. تلویزیون دولتی انگلیس اعلام کرد که

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۱/۲۸.

۲- همان.

این اقدام برای دسترسی آسان اپوزیسیون به سایتهای مخالف جمهوری اسلامی صورت گرفته است. به گفته بی بی سی فارسی، این نرم‌افزار به منظور دسترسی کاربران ایرانی به سایتهای مخالف جمهوری اسلامی ایران ساخته شده و در اختیار این افراد گذاشته شده است.[۱]

ـ اغتشاشات بعد از انتخابات مجرمان را جری کرد

سردار احمدی‌مقدم (فرمانده نیروی انتظامی) با بیان این‌که اغتشاشات بعد از انتخابات باعث جری شدن برخی مجرمان از جمله جرائم خشن و سرقتهای به عنف شد، گفت: «این سرقتها امنیت اجتماعی مردم را به مخاطره می‌اندازد.»[۲]

۱- همان.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱/۲۸.

دوشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۸۹

ـ نشست رضا پهلوی با فتنه‌گران داخلی و خارجی

رضا پهلوی (فرزند شاه مخلوع) طی یک سخنرانی در دانشگاه جرج واشنگتن آمریکا، ضمن حمایت مجدد از ایجاد حکومت غیردینی و سکولار توسط برخی جریانات سیاسی در داخل ایران، خواهان دور شدن مردم ایران از حکومت جمهوری اسلامی و فاصله بین آحاد مردم و دولت شد. وی با اشاره به ارتباطات براندازانه خود با محافل داخلی و خارجی گفته است که نشستهای متعددی را با مخالفان رژیم خصوصاً فتنه‌گران داخل و خارج ایران داشته است.[1]

ـ روایت سرخوردگی ضدانقلاب در آشوب مخملی

سایت ایران‌گلوبال (از حامین حمله اسرائیل به ایران) طی تحلیلی با عنوان «چرا وظیفه خود می‌دانم از میرحسین حمایت کنم» نوشت: «آیا او ایده‌آل ماست و فراتر از او نمی‌شناسیم؟ آیا نقد او را کنار گذاشته‌ایم؟ آیا ما سبزاللهی هستیم؟ پاسخ این سؤالات نه است. آرمان ما در نهایت برپایی نظام سکولار است. پس چرا از موسوی حمایت می‌کنیم؟ او عملاً تنها گزینه واقع‌بینانه است، اگرچه ایده‌آل نباشد.»[2] این سایت ضدانقلابی، محافل ضدانقلاب را از جستجوی نقاط ابهام‌آمیز در کارنامه گذشته موسوی بر حذر داشت و نوشت: «اپوزیسیون هنوز در فاز زیرساخت‌سازی تئوریک

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۱/۳۱.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱/۳۱.

به‌سر می‌برد و موسوی قصد گستردن شبکه را دارد. در مقطع کنونی باید به بنیانهای اعتقادی مردم احترام بگذاریم. موسوی را بی‌اعتبار نکنیم بلکه عملکردش را محتاطانه نقد کنیم، امّا ما نباید اصلاح‌طلبان را در داخل کشور تنها بگذاریم. باید اصلاح‌طلبان را به رادیکال‌تر شدن تشویق کرد.»[۱]

ـ محکومیت تاج‌زاده، سلیمانی و میردامادی به ۶ سال حبس

رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران رأی خود را در خصوص مصطفی تاج‌زاده، داود سلیمانی، محسن میردامادی به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی و فعالیت تبلیغی علیه نظام صادر کرد. آنان به استناد مواد ۶۱۰ و ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی مجموعاً به ٦ سال حبس تعزیری و ۱۰ سال محرومیت از فعالیت در احزاب و مطبوعات محکوم کردند.[۲]

ـ اعتراف آمریکا به سازماندهی فتنه ۸۸

باراک اوباما (رئیس‌جمهور آمریکا) در گزارش خود که برای رؤسای کنگره و مجلس سنای آمریکا ارسال شد، محور اصلی عملیات رسانه‌ای کاخ سفید علیه ایران را، شورای پخش مدیران (BBC) و شبکه خبر فارسی صدای آمریکا(PNN) و رادیو فردا متعلق به رادیو آزاد اروپا و رادیو آزادی دانست و منبع اصلی تأمین محتوای برنامه‌های ضد ایرانی رسانه‌های دولتی آمریکا این‌گونه بیان شد: «۱ـ تصاویر ویدئویی تهیه‌شده توسط شهروندان روزنامه‌نگار ایران ۲ـ تلفن بینندگان از داخل کشور و تشریح آنچه دیده بودند ۳ـ گزارشهایی از واکنشهای ایرانیان خارج از کشور و همچنین واکنشهای رسمی کشورهای مختلف از جمله آمریکا.»[۳]

در ادامه این گزارش به شبکه سایبری اشاره شده و افزود: «اداره شورای مدیران

۱- همان.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۱/۳۱.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۱/۳۱.

پخش، به منظور پشتیبانی از برنامه‌ها، فرکانسهای ماهواره‌ای جدیدی را پیش‌بینی نمود تا از قبل بر انسداد فرکانسهای امواج پخش اخبار توسط دولت ایران پیش‌دستی نماید. همچنین یک سیر اینترنتی حفاظت‌شده و منحصر به فرد برای ایرانیها تعبیه گردد تا تصاویر ویدئویی خود را به شبکه خبر فارسی صدای آمریکا ارسال نمایند. خدمات وب سایت توییتر نیز به صفحات وب سایت فیس‌بوک و وبلاگها افزوده شد.»[۱] بر اساس گزارش اوباما، جوانان هدف اصلی پروژه جنگ نرم آمریکا علیه ایران هستند که سعی می‌شود مستقیم و غیرمستقیم بر ذهن و رفتار آنها تأثیرگذاری شود. این گزارش در این مورد به طور اختصاصی به برنامه‌های رادیوفردا، شبکه خبر فارسی صدای آمریکا، پرداخته و در پایان درباره منابع مالی این پروژه آمریکایی تصریح می‌کند: «ما از منابع صندوق پشتیبانی اقتصادی (ESF) و صندوق دموکراسی حقوق بشر (HRDF) استفاده می‌کنیم تا به مردم ایران ابزار لازم برای دستیابی به حقوق اوّلیه و تعیین حق سرنوشت خویش را ارائه کنیم.»[۲]

۱- همان. ۲- همان.

اردیبهشت ماه ۱۳۸۹

چهارشنبه ۱ اردیبهشت ۱۳۸۹

ـ صبر همه سرآمد، لطفاً تشریف بیاورید!

مهدی هاشمی (از متهمان حوادث پس از انتخابات که به خارج از کشور گریخته است) در نامه‌ای که در سایت دی پرس و سپس اغلب شبکه‌ها و سایتها منتشر گردید، در واکنش به خبر جلب خود توسط قوّه قضائیه مدعی شد حاضر به رسیدگی به اتهامات در دادگاه صالحه است. وی در نامهٔ خود آورده است: «انتظار بحق این‌جانب از دستگاه قضایی این است که اجازه ندهد غوغاسالاریها، اعتبار قضاوت را مخدوش کند و نیز به فکر روزی هم باشند که صبر این‌جانب به‌سر آید و مطالبی را که از عقبه این سناریوسازیها می‌دانم و مایل نیستم برملا شود، برملا گردد. این‌جانب برای چندمین بار اعلام می‌نمایم که حاضر به رسیدگی به اتهامات در دادگاه صالحه هستم و انتظار دارم به شکایات من از جمله از کسانی که در این مدت از همه ابزار برای ترور شخصیت من و خانواده‌ام استفاده کرده‌اند، رسیدگی شود.»[1]

ـ وزارت اطلاعات حکم جلب مهدی هاشمی را در اختیار دارد

حجةالاسلام مصلحی (وزیر اطلاعات) در حاشیه جلسه هیأت دولت در جمع خبرنگاران، با بیان این‌که حکم جلب مهدی هاشمی در اختیار وزارت اطلاعات قرار گرفته است، اظهار داشت: «هر موقع که زمان آن برسد این حکم را به اجرا خواهیم گذاشت.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲.
۲- همان.

ـ دلیل اصلی ریزشها در انقلاب، انحراف از مسیر واقعی نظام است

محمدحسین صفار هرندی (وزیر فرهنگ و ارشاد دولت نهم) در جمع کارکنان سپاه ناحیه بوشهر با بیان این‌که ریزشهای انقلاب به صورت تدریجی شکل گرفته و در هر برهه‌ای از زمان نمود عینی پیدا کرده است، افزود: «از دلایل اصلی ریزشها در انقلاب در طول ۳۰ سال از عمر پربرکت نظام اسلامی، انحراف از مسیر واقعی نظام و همراهی نکردن با ولایت و مردم است.»[۱]

ـ بر حفظ وحدت ملی در برنامه‌های سالگرد ارتحال امام تأکید داریم

به‌گزارش ایسنا محمدعلی انصاری (دبیر ستاد سالگرد ارتحال امام(ره)) در نخستین نشست هماهنگی ستاد سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) با اشاره به این‌که تمام تلاش مسؤولان ستاد سالگرد ارتحال امام بر باشکوه برگزار شدن این مراسم است، بیان داشت: «حجةالاسلام حاج سید حسن خمینی یادگار گرامی امام خمینی (ره) و مسؤولان برگزاری مراسم سالگرد ارتحال، تأکید دارند که برنامه‌های سالگرد حتماً حول محور امام و وحدت برنامه‌ریزی شود.»[۲]

ـ دیدار پرستاران نمونه کشور با رهبر معظّم انقلاب

مقام معظّم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در دیدار گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور با اشاره به نقش حضرت زینب کبری(س) در روشنگری حادثه کربلا و خطبه فراموش‌نشدنی ایشان در بازار کوفه اظهار داشتند: «در یک چنین شرایط بُحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع می‌کند، همان لحنی را به‌کار می‌برد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به‌کار می‌برد همان جور حرف می‌زند، با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و

۱- همان.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۲/۲.

معنا: «یا اهل الکوفه یا اهل الغدر و الختل» ای خدعه گرها، ای کسانی که تظاهر کردید؛ شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت هستید، اما در امتحان این‌جور کم آوردید. در فتنه این‌جور کوری نشان دادید. شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید، ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید، در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهدهٔ مقابله با فتنه بربیایید، نتوانستید خودتان را نجات دهید.»[۱]

۱- بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با پرستاران نمونه کشور در پیوست ۳۴ می‌باشد.

پنجشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۸۹

- دستگاه قضایی تکلیف اتهامات فرزندان هاشمی را مشخص کند

محمدرضا باهنر (نایب‌رئیس مجلس هشتم) در ششمین نشست ماهانه جمعیت رهپویان انقلاب اسلامی درباره رسیدگی به پرونده اتهامی مهدی هاشمی رفسنجانی گفت: «معتقدیم که قوّه قضائیه باید یک بار برای همیشه به اتهامات فرزندان آقای هاشمی رسیدگی کند و نباید وابستگیها مانع از رسیدگی عادلانه به پرونده متهمان شود.»[۱]

- مشارکت و مجاهدین به‌جای غوغاسالاری و جار و جنجال از قانون تبعیت کنند

تعدادی از اعضای کمیسیون مادّه ۱۰ احزاب، اظهارات سران احزاب مشارکت و سازمان مجاهدین علیه تصمیم این کمیسیون را غوغاسالاری و جار و جنجال سیاسی دانستند و مسؤولان این دو حزب توقیف‌شده را به تبعیت از قانون فراخواندند.[۲]

- فراخوان منافقین برای حمایت از فتنه‌گران

گروهک تروریستی منافقین ضمن حمایت از میرحسین موسوی با صدور فراخوان در سایت مجازی خود به مناسبت روز کارگر و معلم از این اقشار خواست با انجام حرکتهای اعتراض‌آمیز ضمن زنده نگه داشتن فتنه سبز با اعلام حمایت از موسوی،

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۲/۴.　　۲- همان.

جهت نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران حضور فعال داشته باشند.[۱]

ـ ائتلاف موسوی با لیبرالها و ضد خط امامی‌ها!

بنا بر گزارش سایت جرس و سپس کلمه در ملاقات با موسوی، اعضای گروهکهایی نظیر نهضت آزادی، ملی ـ مذهبی و جنبش مسلمانان مبارز (از جمله عزت‌الله سحابی، محمد بسته‌نگار، محمدحسین رفیعی و حبیب پیمان) حضور داشته‌اند. موسوی در این ملاقات خواستار تمرکز روی مردمی که در منطقه خاکستری زیست می‌کنند، شد و سپس به سران گروهکها گفت: «همه باید دور هم و در کنار و همدل یکدیگر باشیم و روی حداقلها توافق کنیم.»[۲] وی همچنین با ادعای این‌که «ما مبلغ قرائت رحمانی از این هستیم» و «خشونت و سرکوب در پوشش حکومت دینی ممکن است بخش قابل توجهی از جوانان ما را از هر دینی گریزان سازد»، گفت: «باید انعطاف داشته باشیم و روی یک شکل و شمایل از جنبش تصلب پیدا نکنیم.»[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۴.
۳- همان.

یکشنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

ـ اصرار میرحسین بر کتمان برخورد قاطع امام با گروهک ضدانقلاب

میرحسین موسوی در ادامه روند فریبکارانه و بلافاصله پس از ملاقات با سران گروهکهای لیبرال و ضد خط امامی‌ها، دیدار دیگری ترتیب داد و مدعی شد، رویه حضرت امام نیز همین بود که گروههای چپ و راست و غیرمذهبی خدمت امام می‌رسیدند! سایت کلمه اسامی دیدارکنندگان را منتشر نکرد و صرفاً آنها را جمعی از ایثارگران انقلاب معرفی کرد. بر اساس این گزارش موسوی طی اظهاراتی که بیشتر به حدیث نفس می‌ماند، گفت: «ما متأسفانه با گذشت زمان ارتباط خودمان را با این مردم از دست دادیم و فکر کردیم که بیشتر از آنها می‌دانیم و می‌توانیم به آنها هرچه خواستیم بگوییم و مردم هم باید اطاعت کنند. از عقل جمعی استفاده نکردیم. موقعیتها و مقامها و ساخت قدرتی که بر پایه منافع و فساد در بعضیها شکل گرفت، موجب شد رجوع‌مان به توده و اکثریت مردم کاهش پیدا کند و کم‌کم آن را از دست دادیم و فقط پوسته اسلامی را نگه داشتیم.»[1] موسوی در ادامه در مغالطه‌ای دیگر به ملاقات حضرت امام با سران گروههای گوناگون در اوایل انقلاب اشاره کرد و گفت: «رعایت حقوق واساسی و عدالت و آزادی محقق نمی‌شود مگر آن‌که همه ملت را دور هم جمع کنیم. هرکس که قوانین را رعایت می‌کند محترم است. روزهای اوّل پیروزی انقلاب، گروههای چپ و راست، حتی غیرمذهبی‌ها، خدمت امام می‌رسیدند و دائم با ایشان ملاقات می‌کردند

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۶.

برای این‌که تصور این بود که نظامی داریم که تمام اقشار را می‌تواند دربر بگیرد. این هیچ نوع منافاتی با جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی و حکومت دینی نداشت. هم‌اکنون هم تصور و ایده‌ای که جنبش سبز باید ارائه دهد این است که بتواند بیشترین نیروی ممکن را دور خودش جمع کند.»[۱]

ـ اگر قرائت تو احکام قرآن را تعطیل می‌کند، ما هستیم

ارگان رسانه‌ای گروهک فدائیان خلق که به تازگی از توقیف پروانه فعالیت حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انتقاد کرده بود، با اشاره به سخنان موسوی در دیدار ملی ـ مذهبی‌ها نوشت: «آقای موسوی می‌گوید ما مبلغ قرائت رحمانی از دین هستیم، امّا بدرستی روشن نیست که قرائت رحمانی از آیینی که کیفردهی جزو اصول آن است، امکان‌پذیر است یا نه و آیا می‌توان احکام قرآنی درباره کیفر، مشرک و منافق را معوق گذارد و یا در توحید و نبوت شک، امامت را نفی کرد؟»[۲]

ـ در انگلیس چه می‌گذرد؟!

محمد کرمی‌راد (عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس هشتم) با بیان این‌که ۵۰۰ نفر از فرزندان مقامات دولتی سابق، در انگلیس به‌سر می‌برند و همچنین حدود هزار نفر از مقامات سابق مقیم خارج از کشور هستند، افزود: «۵ نفر از فرزندان یکی از مقامات بیش از ۲۰ بار در طول یک سال به خارج از کشور تردد دارند. نزدیک ۱۵۰۰ نفر از افرادی که در دولتهای گذشته مسؤولیت داشته‌اند، امروز مقیم خارج کشور هستند و ۵۰۰ نفر از فرزندان این قبیل مقامات به اسم تحصیل در انگلیس به‌سر می‌برند.»[۳]

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۶.
۳- همان.

چهارشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۸۹

ـ کارگران در جمهوری اسلامی تا امروز امتحان بسیار خوبی پس داده‌اند

مقام معظّم رهبری در دیدار با کارگران نمونه کشور ضمن اشاره به این‌که کارگران در جمهوری اسلامی از اوّل انقلاب تا امروز یک امتحان بسیار خوبی پس داده است بیان داشتند: «سی سال است که آنها (دشمنان) تلاش می‌کنند از این اهرم (قشر کارگری) علیه نظام جمهوری اسلامی استفاده کنند و سی سال است که کارگران کشور ما توی دهن آنها می‌زنند.» ایشان در ادامه با اشاره به تلاشهای دشمن افزودند: «لذاست که حرکت مجموعه کشور، در جهت تولید، با محوریت کارگر و تولیدکنندگان کار ـ اعم از کارگر و کارفرما ـ پیش خواهد رفت و نمی‌توانند اخلالی به وجود بیاورند... منتها بایستی همه دقّت لازم را در این‌جا بکنند.»[1]

۱- بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با کارگران نمونه کشور در پیوست ۳۵ می‌باشد.

شنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۹

ـ گاف سیا در حمایت از آقای تقلب

سازمان سیا در عملی ناشیانه، میرحسین موسوی را از جایگاه صد و نودم یک نظرسنجی به رتبه اوّل ارتقاء داد. در حالی که در آخرین نتیجه نظرسنجی مجله تایم درباره ۲۰۰ چهره مشهور دنیا در سال ۲۰۱۰، موسوی در جایگاه صد و نودم قرار داشت. این مجله در مدت چند ساعت ناگهان او را به عنوان مؤثرترین چهره دنیا معرفی کرد.[۱]

ـ وطن‌فروشی فرصت‌طلبان سبز

سایت روزآنلاین در مقاله‌ای نوشته س. قاسمی‌نژاد با عنوان «ساعت اتمی و ساعت دموکراسی» تحریمهای آمریکا علیه جمهوری اسلامی را برای فتنه سبز یک فرصت خواند و نوشت: «در چنین فضایی به‌جای آن‌که دون کیشوت‌وار به مقابله با تحریمها بپردازیم بهتر است از فرصتهایی که تحریمها پیش پای جنبش سبز می‌نهد استفاده کنیم تا با پیروزی جنبش، سیاستهای کنونی تغییر کند.»[۲]

ـ تخریب شخصیتها برخلاف مصلحت اسلام است

آیت‌الله واعظ طبسی (نماینده ولیّ فقیه در استان خراسان رضوی) در مجمع نمایندگان این استان، با بیان این‌که شخصیتهای نظام، سرمایه‌ای برای جامعه اسلامی

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۱۲.　　۲- همان.

هستند، گفت: «گاهی متأسفانه در قضاوتهای‌مان تندروی می‌کنیم، در حالی که اگر مصلحت اسلام را بر هر چیز مقدم بداریم، زود قضاوت نمی‌کنیم و دست به تخریب شخصیتها نمی‌زنیم.»[1] وی اظهار داشت: «برای این‌که شخصیتها به هم نزدیک شوند و همه بتوانند برای اسلام و مصلحت نظام سخن بگویند، باید در قضاوتهای‌مان تجدید نظر کنیم. نه نقایص و عیوب را نادیده بگیریم و نه آن‌چنان آنها را بزرگ کنیم که گویی حادثه غیرقابل جبرانی اتفاق افتاده است.»[2]

ـ فتنه‌گران با شکایتهای متعدد از نیروهای انقلاب، سعی در انحراف افکار عمومی را دارند

محمد فکانه (دبیر اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان مستقل) با اشاره به دادگاه شکایت شیرین عبادی از حسین شریعتمداری (مدیر مسؤول روزنامه کیهان) گفت: «این موضوع این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که اگر هدف قوّه قضائیه سرعت بخشیدن به امر رسیدگی به پرونده‌های اساسی است، چرا شکایت حدود ۲۰۰ نماینده مجلس و فریاد ۴۰ میلیونی مردم در ۹ دی و ۵۰ میلیونی مردم در ۲۲ بهمن روی زمین مانده و ترازوی عدالت قوّه قضائیه گریبانگیر دلسوزان نظام شده است.»[3]

ـ قانون اساسی خودمان را تبلیغ کنید

شیخ یوسف صانعی در دیدار با جمعی از اعضای انجمن اسلامی یکی از دانشگاهها گفت: «شما تا می‌توانید اسلام و انقلاب مد نظر خودتان که همان اسلام واقعی است را تبلیغ کنید، نه آن قانون اساسی که آقایان ترویج می‌کنند.»[4]

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۲/۱۲.
۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۱۲.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۲/۱۲.

یکشنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۹

- رهبر انقلاب در دوران فتنه، دموکراسی و تمامیت ارضی کشور را حفظ کردند

محمدجواد لاریجانی (مشاور امور بین‌الملل رئیس قوّه قضائیه) در جلسه پرسش و پاسخ در دانشگاه خلیج فارس بوشهر با بیان این‌که در فتنه پس از انتخابات، رهبر معظّم انقلاب با تدبیری که انجام داد نه تنها ماهیت نظام اسلامی و دموکراسی را در کشور حفظ کردند بلکه از تمامیت ارضی کشور نیز محافظت کردند، افزود: «حقی که رهبری در این مورد بر ملت دارد حق بزرگی است و تمام کسانی که به نظام اسلامی علاقه دارند باید خدا را به خاطر تدبیر رهبری شکر کنند.»[۱]

- برای امر به معروف اغتشاش کردیم!

علی‌اکبر محتشمی‌پور (رئیس کمیته صیانت از آرا موسوی) که اخیراً از سمت دبیرکلی کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه برکنار شد، گفته است عملکرد او و همفکرانش در سال گذشته تلاش برای اصلاح امور و امر به معروف و نهی از منکر بوده و این تلاشها ادامه خواهند داشت. وی در اظهار نظری مدعی شد آیت‌الله مصباح یزدی اعتقادی به رهبری ندارد و جریان فکری وابسته به ایشان به فکر ریشه کن کردن طرفداران واقعی امام و انقلاب است.[۲]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۲/۱۴.

۲- همان.

ـ دلسوزی فرانسه برای مشاور کروبی

وزارت امور خارجه فرانسه که به پای ثابت حمایت از عناصر ضدانقلاب و مخالف نظام تبدیل شده و این کشور را به پناهگاه برخی مجرمان و محکومان فراری تبدیل کرده، در اطلاعیه‌ای ضمن مداخله در امور داخلی ایران، خواستار آزادی عباس عبدی مشاور کروبی شد. وزارت امور خارجه فرانسه برای توجیه این دخالت خلاف قانون خود، مدعی شد کروبی بیمار است و برای دسترسی به معالجات و بیمارستان باید آزاد شود.[۱]

ـ کودتای مخملی آمریکا چرا شکست خورد؟ موسوی توضیح می‌دهد!

اکبر اعلمی (عضو فراکسیون اصلاحات در مجلس ششم) اظهارات ۲۸ سال پیش میرحسین موسوی درباره کودتای آمریکایی قطب‌زاده علیه حضرت امام و نقش خیانت‌آمیز سید کاظم شریعتمداری در آن ماجرا را در سایت خود منتشر کرد.

«میرحسین موسوی در پاسخ به این سؤال که نظر شما در مورد توطئه‌ای که توسط بیگانگان و به دست قطب‌زاده طرح‌ریزی شده بود چیست؟ می‌گوید: برنامه قطب‌زاده و همدستان توطئه گرش بسیار برنامه کودکانه‌ای بود. اگر از جنبه‌های ساده‌لوحانه این طرح خائنانه بگذریم، آنچه برای من تعجب‌آور است، این است که چگونه قطب‌زاده اطمینان داشت که در صورت موفقیت در اجرای اهداف پست خود می‌تواند بر مردم حاکم شود. ملت ما چهره امثال او را شناخته و جریانات وابسته به اغیار غیراسلامی را بخوبی شناخته است... ملت ما در این جریان با چند روحانی‌نمای منحرف روبه‌رو می‌باشد نه به نهاد روحانیت. نهاد روحانیت نمی‌تواند در راستای سیاستهای آمریکا حرکت کند و امیدی برای افراد شناخته‌شده و جریانات ورشکسته چه قبل و چه بعد از انقلاب باشد، اما سید کاظم شریعتمداری و امثالهم می‌توانند. من نوار صحبتهای این فرد را شنیدم و برای مردمی که روزی مقلد ایشان بودند ناراحت شدم. چرا که من صدها نفر از اطرافیان خود

۱- همان.

را می‌شناختم که با عشق و علاقه از ایشان تقلید می‌کردند. چون او را مرجع می‌پنداشتند. انسان به مرجع خود علاقه قلبی هم پیدا می‌کند. خاطرم هست بعد از فوت آیت‌الله بروجردی به خانه همشهریها که می‌رفتم، یک طرف عکس این شخص و طرف دیگر عکس امام بود. ولی وقتی کسی در هر مقامی به اعتماد و احساس مذهبی مردم پاسخ درست نمی‌دهد، جای آن محبت را بی‌توجهی تنها نمی‌گیرد، بلکه نفرت سر برمی‌آورد. مردم تحمل نمی‌کنند اسلام و عقاید آنها به شوخی گرفته شود. آنها دوست ندارند که اسلام پناهی، نردبام ترقی کسی قرار گیرد.»[1]

ـ شهید جنبش سبز مخالف حجاب اسلامی بود

مادر ندا آقاسلطان (یکی از جانباختگان حوادث پس از انتخابات) در مصاحبه با سایت ضد انقلابی روزآنلاین به ویژگیهایی از ندا پرداخت. ندا آقاسلطان که از سوی جنبش سبز «شهید» لقب گرفته بود از سوی مادرش چنین توصیف شد: «ندا دنبال آزادی بود. او به عنوان زن، دنبال آزادیهای اجتماعی و زندگی انسانی بود. همیشه می‌گفت: زن و مرد هیچ تفاوتی با هم ندارند، برابر هستند امّا چرا در ایران حقوق زن و مرد یکی نیست؟ چه فرقی بین زن و مرد است؟ چرا چون زن هستیم باید حجاب اجباری داشته باشیم و در قانون حق من ضایع شود. ندا دانشجوی دانشکده الهیات و معارف واحد تهران شمال بود. در این دانشگاه، چادر اجباری بود و ندا نمی‌توانست بپذیرد و مدام می‌گفت در محیطی که همه زن هستند چرا باید چادر سر کنم. او سه ترم بیشتر نخواند و انصراف داد. می‌گفت چرا وقتی بیرون می‌روم باید نگران باشم که به نوع پوشش من گیر ندهند و چرا مهمانی که می‌روم باید استرس داشته باشم که یکباره نریزند و نگیرند و....»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۱۴.
۲- همان.

چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۹

ـ برخی همراهان امام در فتنه اخیر بدتر از منافقن عمل کردند

آیت‌الله آملی لاریجانی (رئیس‌قوّه قضائیه) در جریان سفر به همدان در دیدار با علما و روحانیون این استان اظهار داشت: «در جریان فتنه اخیر دیدیم که گاهی وضعیتی پیش می‌آید که حتی افراد متدین دچار سردرگمی می‌شوند. بنابراین، این نکته باید به طور جدی دنبال شود که روحانیون در علوم سیاسی بصیرت پیدا کنند. چرا که بخواهیم یا نخواهیم روحانیون وارد سیاست شده‌اند و اگر برای ایفای نقش اصلی آمادگی نداشته باشند ضرر عجیبی به انقلاب اسلامی خواهد خورد.»[۱] وی با بیان این‌که در فتنه اخیر برخی از افرادی که در کنار امام(ره) و به همراه امام بودند به جریانی تبدیل شدند که متأسفانه بدتر از منافقان عمل کردند، گفت: «هنوز بصیرت لازم است تا با تأمل در منشأ کار آنها و همچنین تأمل در اهداف انقلاب اسلامی از این مشکل عبور کنیم.»[۲]

ـ سفر حامی اصلاح‌طلبان به خارج از کشور

مجتبی واحدی (سردبیر روزنامه آفتاب یزد و مشاور موسوی خوئینی‌ها در پروژه انتشار نامه جعلی منسوب به سعید امامی بر علیه طرح اصلاح قانون مطبوعات در ۱٦ تیر ۱۳۷۸) پس از خروج از کشور در خدمت رادیو فردا قرار گرفت.[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۲/۱۶. ۲- همان.
۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۱۶.

ـ تحلیلی در مورد انتخاب موسوی توسط تایم

سایت ضدانقلابی رادیو زمانه با درج تحلیلی در خصوص انتخاب موسوی توسط مجله تایم نوشت: «حرکتی که در یک ماه گذشته برای بردن تصویر میرحسین موسوی روی صفحه نخست مجله تایم از سوی برخی از فعالان سیاسی در محیط مجازی و بخصوص در فیس‌بوک انجام شد، از آخرین طرح شکست‌خورده آنها موسوم به اسب تروا چیزی کم نداشت. این طرح نه عاقلانه بود، نه دموکراتیک، نه به صرفه و نه قابل اطمینان. بدتر از همه آن‌که هیچ فضیلتی را نیز با خود دربر نداشت. همه چیز از یک اشتباه ساده و پیش‌فرضی نادرست شروع شد. چند نفر از فعالان جنبش سبز پنداشتند که از میان فهرست صد نفری سالانه، هرکس اوّل شود تصویرش به همان شیوه روی جلد مجله تایم نقش خواهد بست. این پیش‌فرض نادرست بود. آنها در تمام این مدّت هیچ‌گاه از خود نپرسیدند چگونه و با چه معیاری می‌توان لیدی گاگا را از حیث تأثیرگذاری بر زندگی مردم دنیا با میرحسین موسوی مقایسه کرد یا مثلاً شاهرخ خان با فیلمهای هندی‌ای که بازی می‌کند و فعالیتهایش در ورزش کریکت، چگونه می‌تواند از حیث تأثیرگذاری با یک برنده جایزه نوبل، همچون شیرین عبادی پهلو به پهلو مورد ارزیابی قرار بگیرد؟»[۱]

ـ ما سه نفر هیچ‌گاه با یکدیگر اختلاف نداریم

به گزارش سایت فرارو (نزدیک به اصلاح‌طلبان) سید محمد خاتمی رئیس دولت اصلاحات در دیدار شماری از اعضای دفتر تحکیم با بیان این‌که اختلاف سلیقه و نظر امری طبیعی است، از تلاش برای دروغ‌پردازی و تفرقه‌افکنی انتقاد کرد و گفت: «نه دعوتی از آقای موسوی و آقای کروبی بوده است، نه رد دعوتی و نه اختلافی. ما سه نفر هیچ‌گاه بر سر حقوق مردم با یکدیگر اختلافی نداریم و نخواهیم داشت.»[۲] وی افزود: «حرف من و آقای موسوی و کروبی، همه این است که باید انتخابات آزادی برگزار شود

۱- همان.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۱۸.

که نظارت در آن در جهت حفظ حقوق مردم باشد. گذشته‌ها گذشته و باید برای آینده فکری کرد.»[1] این اظهارات غیرعلنی خاتمی در حالی است که وی در مجامع عمومی‌تر تلاش می‌کند میان خود با کروبی و موسوی فاصله بگذارد و هزینه تندرویهای آنها را که منجر به بدگمانی جدی مردم و نظام علیه جریان مدعی اصلاح‌طلبی و نفی خشونت شد، به جان نخرد. خاتمی مدتهاست با مکاتبات و تماسهای بی‌سر و صدا درصدد جلب اعتماد مسؤولان نظام و بازگرداندن حیثیت و امکان فعالیت سیاسی به افراطیون مدعی اصلاحات است.[2]

۱- همان. ۲- همان.

یکشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹

ـ دادگاه شکایت موسوی از روزنامه جوان

علی‌اکبر کسائیان (دبیر هیأت منصفه مطبوعات) در گفتگو با فارس از برگزاری دادگاه شکایت میرحسین موسوی از مدیرمسؤول روزنامه جوان و خرداد گفت: «میرحسین موسوی از روزنامه جوان به دلیل مصاحبه با دکتر اسرافیلیان درباره دیدگاههای شهید آیت نسبت به وی که با عنوان «شهید آیت قبل از همه موسوی را می‌شناخت» و انتشار خبری در خصوص منابع مالی ستاد میرحسین موسوی، شکایت کرده بود که هیأت منصفه مطبوعات سید نظام‌الدین موسوی (مدیرمسؤول روزنامه جوان) را درباره اتهامات وارده مجرم نشناخت.»[1] وی با اشاره به دفاعیات مدیرمسؤول روزنامه جوان افزود: «سید نظام‌الدین موسوی گفت: زمانی که میرحسین موسوی به عنوان گزینه وزیر امور خارجه به مجلس معرفی شد، شهید حسن آیت، نطق مفصلی را در اعتراض به این موضوع ایراد کرد. آیت به صراحت تأکید داشت که میرحسین موسوی به ملی‌گراها گرایش دارد و تعلق خاطری به انقلاب و امام خمینی ندارد. حرف ما این بود که شهید آیت قبل از همه میرحسین موسوی را شناخت و شهید آیت پیش‌بینی کرد که میرحسین موسوی روزی در برابر انقلاب اسلامی خواهد ایستاد! آیا اقدامات موسوی پس از انتخابات در جریان فتنه اخیر، جز ایستادن در برابر نظام چیز دیگری بود؟! آیا موسوی در برابر نظام و قانون اساسی نایستاد؟! همان‌طور که پیش‌بینی شهید آیت در مورد بنی‌صدر

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۲/۲۰.

کاملاً به وقوع پیوست، پیش‌بینی این شهید در مورد میرحسین موسوی نیز اتفاق افتاد و همه درستی این پیش‌بینی شهید آیت را دیدند.»[۱]

ـ دیدار موسوی و همسرش از خانواده پناهی

میرحسین موسوی و همسر وی به دیدار خانواده جعفر پناهی (کارگردان نشان‌شدهٔ ناتوی فرهنگی و از شایعه‌سازان فتنه) رفتند. این همان خانه‌ای است که پناهی با سفارش خارجی، در زیرزمین آن، لوکیشن شکنجه و تجاوز را برای فیلم‌برداری آماده کرده و ۱۸ نفر مشغول صحنه‌سازی بودند.[۲]

ـ موسوی دیگر اعتقادی به آرمانهای خمینی ندارد

علیرضا نوری‌زاده (روزنامه‌نگار سلطنت‌طلب مقیم خارج از کشور) طی سخنانی در شبکه تلویزیونی وابسته به گروهک تروریستی پژاک گفت: «آقای موسوی که ۸ سال نخست وزیر بود، اکنون دیگر اعتقادی به آرمانهای امام خمینی ندارد و از این رو باید حمایت شود.»[۳] وی افزود: «دوستان من در بسیاری از جلسات خود مطرح می‌کنند که موسوی هشت سال نخست وزیر بوده، از این رو نباید حمایت کرد، امّا من بر این باور هستم که باید همه‌جانبه از وی حمایت کرد. او اگر افکار سال ۱۳۵۹ را داشت، جنبش سبز هرگز به دنبال وی حرکت نمی‌کرد، امّا موسوی امروز درباره افکار گذشته خود تجدید نظر کرده است و فهمیده راهی که در گذشته می‌رفته است، یعنی تبعیت از خط خمینی نادرست بوده است، او اوّل انقلاب جوان بود و چشم جهان‌بینی نداشت، اما امروز صحبت از عدالت و دموکراسی می‌کند.»[۴]

۱- همان.

۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲۰.

۳- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲۰.

۴- همان.

ـ یازده سال حبس برای دستیار مهدی هاشمی

حمزه کرمی از نزدیکان و دستیار مهدی هاشمی در مدیریت یکی از سایتهای تدارک فتنه و آشوب به ۱۱ سال حبس محکوم شد.[۱]

ـ شیخ اصلاحات چرا دستپاچه شد؟!

مهدی کروبی (کاندیدای شکست‌خورده انتخابات دهم) در نامه‌ای به دادستان تهران ضمن تکرار ادعاهای بی‌اساس قبلی خود درباره تجاوز به زندانیان، هرگونه اعتراف احتمالی سردبیر بازداشت‌شده سایت سحام نیوز درباره تهیه فیلمهای ساختگی و داستان‌سرایی جعلی را پیشاپیش تکذیب کرد! و خطاب به دادستان تهران نوشت: «برای اطلاع شما و دیگران اعلام می‌کنم که مسؤولیت تمام اسناد و مدارک و فیلمهایی که من از تجاوزها و شکنجه‌ها ارائه کرده‌ام تنها با خودم است و نه آقای داوری و نه هیچ کس دیگری دخیل در این ماجرا نبوده است که اکنون ضرورتی برای اعتراف‌گیری از آنها وجود داشته باشد و بدین ترتیب اعتراف‌گیران زحمت خود می‌برند و بر خستگی خود می‌افزایند.»[۲]

۱- همان. ۲- همان.

◆ شنبه ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۹ ◆

- حمایت از تروریستها، تازه‌ترین جرم سران فتنه

به گزارش فارس، عباس جعفری دولت‌آبادی (دادستان عمومی و انقلاب تهران) با اشاره به اعدام ۵ نفر از اعضای ضدانقلاب که در مأموریتهای تروریستی پژاک نقش مستقیم داشتند، این افراد به طور مستقیم با گروهکهای محارب علیه جمهوری اسلامی همکاری داشته‌اند. از آنها مواد منفجره کشف شده، در عملیات انفجاری شرکت داشته‌اند و شبهه و تردیدی در رابطه با مجرمیت و محارب بودن آنها وجود ندارد و احکام دادگاه بدرستی صادر شده است.»[۱] وی در ادامه با بیان این‌که اعدام این ۵ نفر هیچ ربطی به اغتشاشات اخیر نداشت، به بیانیه یکی از کاندیداهای شکست‌خورده در انتخابات که اعدامها را محکوم کرده است پرداخت و گفت: «در این مورد شما را به دو آموزه قرآنی توجه می‌دهم. اوّلین آموزه این است؛ کسی که چیزی را نمی‌داند نباید در مورد آن سخن بگوید و دوم این‌که کتمان حقایق نکند. قوم یهود متهم به کتمان حق علی‌رغم علم به آن بود. کتمان حقایق از بدترین صفاتی است که قرآن کریم در مورد مخالفان پیامبران ذکر کرده است.»[۲] وی افزود: «حمایت از کسانی که مرتکب عملیات تروریستی شده‌اند و تعدادی از مردم را شهید کرده‌اند، از آنها اسلحه کشف شده و علیه نظام اسلامی قیام کرده‌اند، چه معنایی دارد؟ کسانی که مدعی پیروی از خط امام(ره) هستند، چگونه می‌توانند آموزه‌های ایشان را که ایستادگی در برابر گروهکهای معاند

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲۶.
۲- همان.

بود، فراموش کنند.»[1] دادستان تهران تصریح کرد: «این اقدامات فرار به جلو است تا بگویند همه احکامی که صادر می‌شود بی‌اعتبار است. وی در بیانیه‌اش اشاره کرده که خدمتگزارانی را در بند کشیده‌ایم. کسانی که در حوادث پس از انتخابات دستگیر شده‌اند، کسانی هستند که علیه امنیت کشور اقدام کرده‌اند و طبق قانون مجازات اسلامی هرگونه اقدام علیه امنیت کشور مجازات دارد.»[2]

ـ تقدیر کومله از موسوی و کروبی

عبدالله مهتدی (سرکرده گروهک ورشکسته و جنایتکار کومله) در گفتگو با شبکه سعودی العربیه و دویچه وله از مواضع موسوی و کروبی در حمایت از تروریستهای اعدام‌شده قدردانی کرد و گفت: «احزاب و سازمانهای مخالف باید به هم نزدیک شوند و اگر این طور نبود آن تظاهراتها که در روز عاشورا به اوج خود رسید، نمی‌توانست اتفاق بیفتد.»[3]

ـ آمریکا بار دیگر حمایت خود را از سران فتنه ثابت کرد

آمریکا با اعطای جایزه خوش‌خدمتی به اکبر گنجی (یکی از سران فتنه در خارج از کشور) بار دیگر حمایت خود را از فتنه گران نشان داد. گنجی پس از دریافت جایزه ۵۰۰ هزار دلاری از مؤسسه کاتو گفت: «اعطای این جایزه نشان می‌دهد ما همچنان تحت حمایت آمریکا هستیم و حمایتهای آمریکا از ما تنها مالی نیست و ما به صورت همه‌جانبه از سوی آنها حمایت می‌شویم.»[4]

ـ مجمع روحانیون مبارز بالأخره مشکوک شد!

مجید انصاری (دبیر اجرایی مجمع روحانیون مبارز) در گفتگو با ایسنا خواستار

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲۶.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۲/۲۶.

تعامل دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا شد و گفت: «من در مقطع کنونی نزدیک شدن نیروهای متعادل به جریان را ضروری‌تر از گذشته می‌دانم چرا که احساس می‌شود یک جریان بشدّت افراطی و تخریبی برای کنار زدن همه تجربیات گذشته اعم از اصولگرا و اصلاح‌طلب که هماهنگ با تفکرات آنها نیستند، تلاش می‌کنند. اصولگرایان باید بیش از اصلاح‌طلبان از هویت و حیثیت خود در برابر این جریان از دید من، مشکوک و خطرناک دفاع کنند.»[1] وی در عین حال گفت: «البته ممکن است درون جبهه اصلاحات نیز افراطی‌گری و یا افراطیون باشند، چنانچه در گذشته نیز بوده‌اند.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲۶. ۲- همان.

یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۹

ـ تقدیر دفتر تحکیم وحدت از آیت‌الله نوری همدانی

دفتر تحکیم وحدت با اهدای لوح تقدیری به پاس روشنگری در فتنه ۸۸ و دفاع از جایگاه ولایت فقیه و مقام معظّم رهبری از آیت‌الله نوری همدانی تقدیر کرد.[۱]

ـ هر اقدامی در جهت تقویت تروریسم جرم است

حجة‌الاسلام محمدابراهیم نکونام (نائب رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس) در واکنش به حمایت از جریان فتنه از تروریستهای معدوم در گفتگو با فارس اظهار داشت: «طراحان و گردانندگان آشوبهای بعد از انتخابات عقل سیاسی خود را از دست داده‌اند و حتی صرفه و صلاح خود را درک نمی‌کنند. کسی که صرفه و صلاح سیاسی خود را درک نمی‌کند، مرتکب اشتباه و عمل باطل می‌شود و باید برای چنین فردی قیم سیاسی گرفت تا صرفه و صلاح رفتاری را به او بیاموزد.»[۲] وی افزود: «دفاع از افرادی که به جرم ترور اعدام می‌شوند، چنانچه منجر به تقویت تروریسم شود جرم است.»[۳]

ـ حمله به ولایت فقیه باعث ریزش نیرو شده است

عطاءالله مهاجرانی (وزیر ارشاد دولت اصلاحات) در سایت جرس نوشت: «آبان سال گذشته در کالج مریلند گفتم که ما بار جنبش سبز و مطالبات را آن قدر سنگین نکنیم

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲۸. ۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۲/۲۸.
۳- همان.

که دستیابی به هدف، ممکن و میسر نباشد یا بسیار در دوردست قرار بگیرد. اگر مطالبات در این مرحله به حذف ولایت فقیه و تغییر نظام و حذف اسلام از حاکمیت ارتقاء پیدا کند، جنبش عملاً جبهه مخالف خود را تقویت کرده و از سوی دیگر موجب ریزش بخشهایی از طرفداران خود شده است.»[۱] وی با تأیید حضور عناصر برانداز و سرنگونی‌طلب در جنبش سبز و توضیح ندادن این‌که چرا آنها در این ائتلاف حضور دارند، نوشت: «این گروهها سی سال است که می‌خواهند رژیم (جمهوری اسلامی) را تغییر دهند. من چنین رویکردی را با توجه به مجموعه شرایط در ایران ممکن نمی‌دانم. آنها تنها سرکوب جنبش را تشدید می‌کند و از سوی دیگر با یورش به باورهای دینی مردم، توده‌های مؤمن و مذهبی را نسبت به جنبش مسأله‌دار می‌کنند.»[۲]

ـ توصیه سحابی به خارج‌نشین‌ها

عزت‌الله سحابی (رئیس گروهک ملی ـ مذهبی) در نامه‌ای به گروهکهای مقیم خارج از کشور خواستار توقف روند رادیکالیزه کردن جریان مواجهه با جمهوری اسلامی شد. وی در نامه خود نسبت به شبیه‌سازی آشوبهای سال گذشته با شرایط سال ۱۳۵۷ هشدار داد و نوشت: «انقلاب در ایران، شدنی نیست. امّا باعث می‌شود مراجع، روحانیون و چهره‌های اصولگرای منتقد دولت به ناچار به سمت جریان حاکم رانده شوند و در سوی دیگر به انسجام جنبش سبز آسیب می‌زند.»[۳]

ـ سخنگوی سازمان مجاهدین بازداشت شد

محسن آرمین (سخنگوی سازمان مجاهدین) پس از ماهها تلاش، موفق به بازداشت شد! آرمین از تابستان سال گذشته مورد بدگمانی شدید برخی اعضاء و هواداران سازمان قرار داشت. دستگیری اغلب اعضای مؤثر سازمان در جریان اغتشاشات سال گذشته

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲۸. ۲- همان.
۳- همان.

باعث شده بود. آرمین در محافل گوناگون با این علامت سؤال توأم با شک و بدگمانی مواجه شود که چرا او در میان عناصر تندرو سازمان از بازداشت استثنا می‌شود!![1]

ـ نامه ۱۷۵ نماینده مجلس به رئیس قوّه قضائیه

تعداد ۱۷۵ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به رئیس قوّه قضائیه با اظهار شگفتی از محاکمه مدیران رسانه‌های انقلابی (روزنامه‌های کیهان، جوان، ایران، وطن امروز، خبرگزاریهای فارس، ایرنا و برخی از سایتهای دیگر) تأکید کردند برخورد با این رسانه‌ها باعث تنفس مصنوعی جریان فتنه می‌شود. در این نامه آمده است: «در حالی که بیش از یک میلیون تن از مردم، هزاران تن از استادان حوزهٔ علمیه و دانشگاه، جمع کثیری از حقوقدانان و وکلا و بیش از ۱۴۰ تن از نمایندگان ملت، از سال گذشته با ارائه شکوائیه‌های مستند و حقوقی درخواست محاکمه سران فتنه و کودتا را کرده‌اند و رسیدگی به این درخواستهای قانونی بنا به مصالحی و به منظور آگاهی بیشتر مردم از عمق وابستگی و انحراف سران کودتا، امروز و فردا می‌شود، تسریع در رسیدگی به شکایات سران فتنه و کشاندن حامیان ولایت و مسؤولان روزنامه‌های انقلابی به دادگاه جای تأسف است.»[2]

۱- همان.

۲- همان.

سه‌شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۹

- تردید ندارم جرم سران فتنه بسیار بزرگ است

آیت‌الله آملی لاریجانی (رئیس قوّه قضائیه) در همایش گردهمایی معاونین و مدیران کل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، ضمن گلایه از نامه ۱۷۵ نماینده مجلس به قوّه قضائیه گفت: «قوّه قضائیه در برخورد با فتنه گران به هیچ وجه امروز و فردا نکرده است. ما هم در شناخت فتنه و هم سران آن و هم جرم آنها با صراحت اعلام نظر کرده و هیچ تردیدی هم به خود راه ندادیم امّا باید بدانند که قوّه قضائیه همواره در راستای سیاستهای کلان نظام جمهوری اسلامی قدم برمی‌دارد.»[1]

وی با بیان این‌که تردید ندارم جرم سران فتنه بسیار بزرگ است تأکید کرد: «اگر فتنه گران می‌خواهند با اعمال خود ما را علیه مجلس و دولت تحریک کنند در اشتباه محض به‌سر می‌برند و در صورت لزوم تمام‌قد از دولت و مجلس حمایت می‌کنیم.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲۹.   ۲- همان.

جمعه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۸۹

ـ عکس یادگاری سران فتنه

عروسی پسر دبیرکل حزب مشارکت بهانه‌ای برای گرد هم آمدن برخی سران و دست‌اندرکاران فتنه شد. در مراسم عروسی پسر میردامای افرادی چون موسوی، کروبی، خاتمی، موسوی خوئینی‌ها، بهزاد نبوی، رضا خاتمی، مصطفی تاج‌زاده، محسن صفایی فراهانی، شکوری‌راد، نعیمی‌پور، جلایی‌پور، شیرزاد و امین‌زاده حضور داشتند. بنا به تصاویر منتشرشده از سوی جرس، متأسفانه آقایان سید حسن و سید یاسر خمینی هم با سران فتنه دور هم و پشت یک میز نشستند.[1]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۲.

خرداد ماه ۱۳۸۹

یکشنبه ۲ خرداد ۱۳۸۹

ـ قدردانی مجلس از رسانه‌های فعال در مقابله با جریان فتنه

۱۷۵ نماینده امضاءکننده بیانیه تقدیر از رسانه‌های فعال در مقابله با جریان فتنه، به میزبانی فراکسیون انقلاب اسلامی مجلس، از نمایندگان این رسانه‌ها در خانه ملت تقدیر و تجلیل به عمل آوردند.[۱]

ـ ما نه ویلا داریم، نه رستوران، نه اسب!

فائزه هاشمی (دختر هاشمی رفسنجانی) در اظهاراتی همه آنچه به خانواده آقای هاشمی نسبت می‌دهند و نمی‌دهند را تکذیب کرد و گفت: «داراییهای عجیب و غریبی که به خانواده هاشمی نسبت می‌دهند، دروغ است.»[۲] وی به نمونه‌هایی اشاره کرد و بی‌آن‌که توضیح دهد چه کسانی می‌گویند خانواده هاشمی چنین داراییهایی دارد، گفت: «ویلای آن چنانی در کلاردشت، کاخ در لندن، آزادراه در کانادا، رستوران بوف، ساختمان عظیم در شهرک غرب، اسبهای بسیار و خیلی چیزهای دیگر که همگی اینها دروغ است، این شایعات به نظر من توسط خود اینها ساخته و پخش شد.»[۳]

ـ انتشار بخشهایی از وصیت‌نامه حاج سید احمد آقا خمینی

در واکنش به ارتباط سید حسن و سید یاسر خمینی با سران فتنه به بهانه عروسی پسر

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۳.
۲- همان.
۳- همان.

دبیرکل حزب مشارکت، سایت جهان نیوز بخشهایی از وصیتنامه پدرانه و هشدارآمیز مرحوم حاج سید احمد آقا خمینی را خطاب به سید حسن منتشر کرد: «به حسن و برادرانش این توصیه را می‌نمایم که همیشه سعی کنند در خط رهبری حرکت کنند و از آن منحرف نشوند که خیر دنیا و آخرت در آن است و بدانند که ایشان موفقیت اسلام و نظام و کشور را می‌خواهند. هرگز گرفتار تحلیلهای گوناگون نشوند که دشمن در کمین است . . . امروز باید در کنار نظاممان پشت سر رهبری قرار بگیریم. رهبر ما شاگرد امام است. هیچ‌کس حق شکستن حریم رهبری را ندارد. حرمت رهبری نظام اسلامی، از اصول خدشه‌ناپذیر انقلاب اسلامی ماست. همه باید به دستورات رهبری عمل کنند.»[1]

ـ بیانیه تهران بدتر از قراردادهای ترکنمچای و گلستان است!

میرحسین موسوی و زهرا رهنورد در دیداری که به بهانه سالگرد فتح خرمشهر انجام گرفت ادعا کردند: «بیانیه تهران ـ که با حضور سران برزیل و ترکیه امضاء شده و ایران تمایل خود را برای مبادله ۱۲۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده با ۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم ۲۰ درصدی در ترکیه اعلام کرده است ـ بدتر از قراردادهای ترکمنچای و گلستان است.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۳.
۲- همان.

ـ دوشنبه ۳ خرداد ۱۳۸۹ ـ

ـ دشمنان امروز همان دشمنان دیروزند

مقام معظّم رهبری در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه امام حسین(ع) در سالروز آزادسازی خرمشهر با بیان این‌که کسانی که آن روز در مقابل ملت ایران و رزمندگان ملت قرار داشتند، عیناً همان کسانی‌اند که امروز در مقابل ملت ایران قرار دارند، اظهار داشتند: «اینها را باید بشناسیم. آن روز هم آمریکا بود، ناتو بود، همین انگلیس و فرانسه و آلمان بودند. سلاح شیمیایی به صدام می‌دادند، سلاح نظامی می‌دادند، هواپیما می‌دادند، نقشه جنگی می‌دادند، اطلاعات به روز صحنه نبرد را به او می‌دادند، پشت سر او ایستاده بودند، شاید بتوانند نظام جمهوری اسلامی را، نظام رفیع توحید و معنویت را، پرچم برافراشته توحید و انسانیت را، صلای آزادگی و استقلال ملتها را شکست بدهند. پشت سر صدام اینها بودند، امروز هم همینهایند.»[۱] ایشان افزودند: «اگر دشمنان معنویت و ارزشهای اسلامی و دشمنان ایران اسلامی عزیز، آن روز امیدی داشتند، امروز امیدی ندارند، با نومیدی دارند تلاش می‌کنند. آنها راه را نمی‌شناسند، ملت ایران را نمی‌شناسند، محاسبات امروز را با محاسبات سی سال قبل و چهل سال قبل و پنجاه سال قبل و دوران سلطه بی‌رقیب ابرقدرتها مقایسه می‌کنند. این مقایسه غلط است. دنیا عوض شده است. ملتها بیدار شده‌اند، لذا امروز شما ملت ایران و شما جوانانی که زبدگان و برجستگان جوانان این ملت هستید ـ جوانهای عزیز سپاه پاسداران ـ امیدآفرین دلهای ملتها هستید.»[۲]

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظّم رهبری. ۲- همان.

چهارشنبه ۵ خرداد ۱۳۸۹

ـ کنترل فتنه سال گذشته کمتر از فتح خرمشهر نبود

سردار محمدعلی جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران) با اشاره به ویژگیهای عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر، به فتنه سال ۸۸ اشاره کرد و گفت: «مدیریت و کنترل فتنه سال گذشته و حماسه‌آفرینی مردم ولایتمدار ایران اسلامی، در ۹ دی و ۲۲ بهمن دست‌کمی از فتح خرمشهر نداشت.»[۱]

ـ اعتراف حقیقت‌جو به ائتلاف با منافقین

فاطمه حقیقت‌جو (نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم و فراری به خارج از کشور) که اواخر سال گذشته در جمع عده‌ای از ضدانقلابیون فراری در شهر بوستون آمریکا، حضور داشت و اخبار و تصاویر آن اخیراً در سایتها و خبرگزاریهای خارجی منتشر شده است، گفت: «همه ما با دیدگاههای مختلف، با نظرهای مختلف دور هم جمع شدیم، یکی ممکن است سلطنت‌طلب باشد، یکی دیگر ممکن است عضو سازمان مجاهدین [منافقین] باشد. همه ما یک هدف مشترک داریم.»[۲] این اظهارات حقیقت‌جو با کف و سوت منافقین مواجه می‌شود و وی ادامه می‌دهد: «ما باید از جهان بخواهیم که ایران را به رسمیت نشناسند، این اهمیت خیلی زیادی دارد.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۶.
۲- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۶.
۳- همان.

ـ از رحلت امام به بعد تقلبها در انتخابات آغاز شد!

مهدی کروبی (کاندیدای ناکام انتخابات دهم) در گفتگو با مسیح علی‌نژاد خبرنگار فراری روزنامه اعتماد ملی که اینک با باند مهاجرانی (جرس) همکاری می‌کند، درباره این تعبیر که آیا انقلاب فرزندانش را خورده، مدعی شد: «پس از رحلت امام خمینی ما پیش‌بینی می‌کردیم که بتدریج از طرف برخی افراد منزوی شویم. امّا این شرایط را پیش‌بینی نمی‌کردیم. البته این شرایط نه تنها برای ما بلکه برای بسیاری از مردم کشور نیز سخت می‌گذرد. علی‌رغم این‌که آمادگی این را داشتیم و داریم امّا شاهدیم که این شرایط برای اکثر قریب به اتفاق نسل اوّل انقلاب رخ داده است.»[1] وی همچنین دولتهای خاتمی و هاشمی را متهم به مشارکت در تقلب کرد و مدعی شد: «از رحلت امام به بعد تقلبها در انتخابات آغاز شد.»[2]

ـ حکم ارتداد سروش پابرجاست

اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در بیانیه‌ای ضمن هشدار نسبت به توطئه جدید دشمنان نظام علیه حوزه‌های علمیه، سروش را مرتد اعلام کردند. در این بیانیه آمده است: «سروش با تخطئه مبانی نظام اسلامی و ولایت فقیه، ارتداد خود را بر همگان ثابت کرد و با همراهی اپوزیسیون خارج‌نشین در جهت سازماندهی فتنه ۸۸ همدستی خود با سازمان اطلاعاتی سیا و موساد را به اثبات رساند، بنابراین اظهارات اخیرش مبنی بر ضرورت مهاجرت مراجع قم به نجف در راستای اهداف شوم دشمنان نظام و به خاطر ترس از نقش تأثیرگذار مراجع قم و نجف در جهان تشیع می‌باشد.»[3]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۶.
۲- همان.
۳- همان.

چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۹

ـ اشتباهات امام را می‌گویم امّا هنوز مصلحت نمی‌دانم!

رسانه‌های ضدانقلاب ضمن انتشار مصاحبه میرحسین موسوی با سایت کلمه که تحت عنوان «گفتگوی صریح کلمه با میرحسین موسوی» پیرامون ابعاد شخصیتی امام خمینی منتشر شده بود، بویژه آن بخش از سخنان وی راکه امام را قابل نقد و در عین حال در شرایط فعلی به دور از مصلحت می‌دانست، برجسته کردند.

موسوی در مصاحبه با سایت خود ابتدا کوشید دوران پس از رحلت حضرت امام را در تقابل با زمان حضور آن حضرت قلمداد کند و به همین دلیل هم ژست طرفداری و دلبستگی به امام گرفت. امّا در پایان مصاحبه به این سؤال که آیا معتقد نیستید که به دوران امام هم نقد وارد است؟ پاسخ داد. وی گفت: «یکی از اجزاء اعتقادات ما این است که تعداد معصومین ۱۴ نفر است و بقیه بندگان خدا جایزالخطا هستند و همیشه در معرض لغزش. مگر آن‌که خدا آنها را حفظ کند. در مورد دوران مورد بحث هم همین‌طور است. ولی چه ضرورتی دارد که وقتی در تیغه قیچی یعنی متحجران داخلی و دشمنان بی‌نقاب خارجی آن دوران و تصویر حضرت امام را هدف قرار داده‌اند، من هم زبان به نقد بگشایم. مسلماً به دلیل فضای زهرآگین موجود، کلام گفته نشده از دهان ربوده خواهد شد و درست شبیه چارچوب توطئه‌ای که به عنوان پاره کردن تصویر حضرت امام پیاده شد مورد سوءاستفاده داخلی و خارجی قرار خواهد گرفت. امروز دشمنان جنبش سبز دنبال طعمه و بهانه هستند تا پیوندی که همه ما را به هم وصل می‌کند از بین ببرند. در کشور ما میلیونها نفر به امام علاقه دارند که من هم یکی از آنها هستم. به رسمیت شناخته

شدن این علاقه و معنای رهایی‌بخش آن در شرایط کنونی سرمایه بزرگی است که ما حق نداریم در این زمینه اشتباه کنیم.»[۱]

ـ ریشه همه ریزشهای انقلاب، دوری از ولایت فقیه بوده است

صادق محصولی (وزیر رفاه و تأمین اجتماعی دولت دهم) در گفتگو با ایرنا با اشاره به ریزشها و رویشهای انقلاب اسلامی ایران در ۳۰ سال گذشته، گفت: «ریشه همه ریزشها و رویشهای انقلاب اسلامی دوری یا نزدیکی به ولایت فقیه بوده و می‌توان با قاطعیت گفت، در این مدت ثابت شده که جدایی از ولایت فقیه آفت خواص است.»[۲]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۱۳. ۲- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۱۳.

جمعه ۱۴ خرداد ۱۳۸۹

ـ حال فعلی ملاک قضاوت است

مقام معظّم رهبری در خطبهٔ اوّل نمازجمعه تهران که در سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) در حرم مطهر بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران برگزار شد، امام و خط امام را بهترین شاخص معرفی و انکار مواضع امام توسط مدعیان خط امام را تأسف‌آور بیان کرده و فرمودند: «این کج‌اندیشی است که ما مواضع امام را انکار کنیم. این کج‌اندیشی را هم متأسفانه بعضاً کسانی انجام می‌دهند که یک وقتی خودشان جزو مروّجان افکار امام بودند یا جزو پیروان امام بودند. حالا به هر دلیلی راهها کج می‌شوند، هدفها گم می‌شود، یک عده‌ای برمی‌گردند. بعد از آن‌که سالهای متمادی برای امام و برای این هدفها حرف زدند و حرکت کردند، در مقابل این اهداف و این مبانی می‌ایستند و آن حرفها را می‌زنند!» ایشان افزودند: «یک نکته اساسی دیگر در مورد خط امام و راه امام این است که **امام بارها فرمود قضاوت در مورد اشخاص باید بامعیار حال کنونی اشخاص باشد. گذشته اشخاص، مورد توجه نیست.** گذشته مال آن وقتی است که حال فعلی معلوم نباشد. انسان به آن گذشته تمسک کند و بگوید: خوب، قبلاً این‌جوری بوده، حالا هم لابد همان‌جور است. اگر حال فعلی اشخاص در نقطه مقابل آن گذشته بود، آن گذشته دیگر کارایی ندارد.»[1]

۱- بیانات مقام معظّم رهبری در پیوست ۳۶ می‌باشد.

- هرکس در هر مقامی از خط امام و نظام فاصله بگیرد بی‌درنگ طرد خواهد شد

دکتر محمود احمدی‌نژاد (رئیس‌جمهور منتخب مردم) در سخنانی پیش از خطبه‌های نمازجمعه به برخی ویژگیهای حضرت امام خمینی(ره) اشاره کرد و بیان داشت: «او [امام] به مردم و تشخیص مردم احترام می‌گذاشت و این حقیقت را در تار و پود نظام اسلامی جاری ساخت.»[۱] وی با اشاره به حماسه ۴۰ میلیونی مردم در انتخابات سال گذشته افزود: «در طول ۳۰ سال گذشته برخی خودخواهان بوده‌اند که خود را برتر و مالک کشور می‌دانستند و اگر رأی ملت به آنان بود، آن را محترم می‌دانستند امّا اگر کس دیگری رأی مردم را به دست می‌آورد آن رأی احترام نداشت و باید لگدمال می‌شد و برخی از اینان کسانی بوده‌اند که خود با همین سیستم و روش بارها بر مناصب حکومتی تکیه داشتند. امام بزرگوار از آرای مردم و نتایج آن باقدرت صیانت می‌کردند، همان‌طور که رهبر عزیزمان هوشمندانه از آرای مردم در انتخابات اخیر صیانت کردند و در برابر قدرتهای فاسد از آن دفاع نمودند.»[۲] رئیس‌جمهور در ادامه، مقابله با اشرافیت دولتی را از دیگر ویژگیهای امام برشمرد و گفت: «امام با اشرافیت دولتی بریده از مردم و با خصلتهای سرمایه‌داری و زندگی شاهی و در برابر نشانه‌های بروز آن مقابله کردند و عده‌ای که با پول بیت‌المال زندگی اداری و شخصی خود را اشرافی می‌سازند، در مقابل مشی حضرت امام(ره) هستند و کارشان محکوم است.»[۳] وی با بیان این‌که امام(ره)، انقلاب و نظام را متعلق به توده‌های مردم می‌دانست و برای کسانی امتیاز و ویژگیهای خاصی قائل نبود، خاطرنشان کرد: «احدی حق ندارد خود را میراث‌دار انحصاری امام(ره) و خط امام(ره) بداند و این از عجایب روزگار ماست که عده‌ای در صف دشمنان قسم‌خورده امام(ره) مانند: سلطنت‌طلبها، منافقین، رسانه‌های استکباری و سران استکبار ایستاده‌اند و با اصول و ارزشهای امام(ره) مقابله می‌کنند و در عین حال ادعای

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۱۶. ۲- همان.
۳- همان.

مالکیت انحصاری خط امام(ره) دارند و انتظار دارند که مردم نیز این ادعا را بپذیرند.»[۱]

- سخنرانی ناتمام سید حسن خمینی

حجةالاسلام سید حسن خمینی (فرزند مرحوم حاج سید احمد آقا خمینی) در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام(ره) پس از رئیس‌جمهور، در جایگاه سخنرانی قرار گرفت، امّا با وجود تلاشهای مکرر و دعوت چند باره مردم به ذکر صلوات و قرائت فاتحه امکان صحبت نیافت و نهایتاً مجبور شد جایگاه سخنرانی را ترک کند. نوه امام راحل خاطرنشان کرد: «خداوند امام را در شرایطی به جامعه ارزانی داشت که جامعه مشمول ویژگیهای متفاوتی بود. سالها و دهه‌های پایانی قرن گذشته ویژگیهایی داشت که امام(ره) در آن ویژگیها رشد و نمو یافت و در آن فضا توانست به موقعیت ممتاز برسد.»[۲] در میان سخنرانی حجةالاسلام سید حسن خمینی شعارهای «مرگ بر منافق»، «مرگ بر ضد ولایت فقیه»، «ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند» و ... سر داده شد که وی چند بار درخواست کرد که به وی اجازه داده شود سخنرانی‌اش را ادامه دهد و گفت: «اگر دوستان بنای شعار دارند بهتر است اجازه دهند من قدری صحبت کنم و وقتی رهبری در جایگاه قرار گرفتند، طبیعتاً نسبت به این بزرگوار ابراز احساسات می‌کنیم.»[۳] وی در واکنش به برخی شعارها نیز گفت: «آقایان هنوز ۲۰ سال از رحلت امام(ره) نگذشته است.»[۴] وی افزود: «امیدوارم عزاداری‌تان مقبول باشد، قطعاً در این صحن کسانی هستند که از گروه اندکی که شلوغ می‌کنند بیزارند و مردم از علاقه‌مندان و دلبستگان به امام(ره) هستند. شأن سالگرد مراسم امام(ره) چنین نیست که برخی چنین انجام می‌دهند. من از همه معذرت می‌خواهم و از خدا می‌خواهم ما را با امامان محشور کند.»[۵]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۱۶.
۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۳/۱۶.
۳- همان.
۴- همان.
۵- همان.

- موسوی، کروبی و خاتمی با ادعای طرفداری امام، خود را محاکمه می‌کنند

اکبر گنجی (از مسافران کنفرانس برلین و فراری مقیم خارج از کشور) در واکنش به تظاهر سران فتنه نسبت به طرفداری از امام خمینی عنوان کرد. وی با اشاره به این‌که درک می‌کند چرا امثال موسوی و کروبی از امام دفاع می‌کنند: نوشت: «این انتظار که مهندس موسوی و کروبی از آیت‌الله خمینی انتقاد کنند از نظر سیاسی نادرست و ضد جمهوری اسلامی معرفی می‌شوند. بنابراین باید اجازه داد آنها همان‌گونه که درست می‌دانند مبارزه کنند.»[1] وی در عین حال تظاهر به دفاع از امام را برای سران فتنه دارای اشکال اساسی دانسته و در سایت روز نت نوشت: «دفاع از آیت‌الله خمینی و خود را پیرو او معرفی کردن از نظر تاکتیکی و استراتژیک نادرست است. به محض آن‌که ادعای پیروی از امام راحل طرح گردد، ساز و برگهای ایدئولوژیک نظام این مدعا را مطرح خواهند ساخت که آیت‌الله خمینی گفته است «پشتیبان ولایت فقیه باشید تا مملکت شما آسیب نبیند.» یا به حمایت آیت‌الله خمینی از آیت‌الله خامنه‌ای برای رهبری سخن خواهند گفت. هاشمی رفسنجانی می‌گوید: در آن جلسه میرحسین موسوی هم حضور داشته است. هاشمی می‌گوید در زمانی که بحث عزل آیت‌الله منتظری جدی بود، به امام گفتیم: بعد از شما چه اتفاقی می‌افتد؟ ما که رهبری نداریم. خلاء پیش می‌آید که ایشان گفتند آقای خامنه‌ای هست. این تعبیر را در جمع ما ۵ نفر (موسوی اردبیلی، سید علی خامنه‌ای، هاشمی رفسنجانی، میرحسین موسوی، احمد خمینی) گفته بودند.»[2] اکبر گنجی همچنین یادآور شد در برابر ادعای وفاداری به خط امام گفته خواهد شد، امام فتوا صادر کرد که برای حفظ نظام، می‌توان احکام اوّلیه اسلام را تعطیل کرد چه رسد به بقیه مسائل. وی خطاب به کروبی و موسوی اضافه کرد: «وقتی با سران نهضت آزادی ملاقات می‌کنید، می‌گویند امام بدترین تعابیر را درباره آنها به کار برد و نوشت: «نهضت به اصطلاح آزادی طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکا است و در این باره از هیچ کوششی

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۱۶. ۲- همان.

فروگذار نکرده... .»[۱]

گنجی همچنین با اشاره به نامه‌نگاری سران فتنه به منتظری نوشت: «وقتی به آیت‌الله منتظری نامه می‌نویسد و به تشییع جنازه او می‌روید، نامه برکناری او توسط آیت‌الله خمینی را علم می‌کنند که جایگاه آیت‌الله منتظری را قعر جهنم دانسته و نوشته بود «از آن‌جا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرالها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید... .»[۲]

۱- همان.
۲- همان.

‑‑ یکشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۸۹ ‑‑

ـ تدابیر رهبر انقلاب در دوران فتنه، نظام را حفظ کرد

آیت‌الله مهدوی کنی (دبیرکل جامعه روحانیت مبارز) در گفتگو با خبرگزاری فارس، حوادث پس از انتخابات را از مصادیق فتنه توصیف کرد و افزود: «برخی آقایان گرفتار این فتنه شدند و گروهی را نیز آلوده کردند و معنای فتنه نیز همین است که گاهی سران فتنه خود غافل از آن هستند.»[1] وی افزود: «بنده همان روزهای اوّل تأکید داشتم راه‌حل رفع فتنه، یافتن یک نقطه اتکا است که این نقطه در همه مکتبها و حکومتها وجود دارد و به آن اعتماد می‌کنند. چرا که مصلحت هر کشور و نظامی اقتضا می‌کند در هنگام آشوب به سمت آن فصل‌الخطاب بروند. اگرچه نظر آن فصل‌الخطاب مطابق میل ما نباشد.»[2] عضو مجلس خبرگان رهبری با فصل‌الخطاب دانستن نظرات رهبری در اداره جامعه اسلامی تأکید کرد: «در این حوادث اخیر برخی آقایان نظرات رهبری را قبول نکردند که با این عمل هم به خود و هم به انقلاب ضربه زدند. اگر آنان نظرات رهبری را قبول می‌کردند، ما این مشکلات بعدی را نداشتیم.»[3] وی تدابیر رهبری در مهار فتنه پس از انتخابات را باعث حفظ نظام دانست و افزود: «به نظر من اگر مواضع ایشان در این دوران فتنه نبود، نمی‌توانستیم این انقلاب را حفظ کنیم.»[4]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۱۷.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

ـ بیانات رهبری منشور صراط مستقیم انقلاب است

دکتر علی لاریجانی (رئیس مجلس هشتم) در جلسه علنی مجلس با اشاره به سخنان مقام معظّم رهبری در سالگرد حضرت امام(ره) گفت: «بیانات رهبر معظّم انقلاب منشوری عمیق از صراط مستقیم انقلاب بود که برای همه علاقه‌مندان انقلاب که دل در گرو خط امام راحل دارند راهی روشن است.»[۱]

ـ بیانیه قدردانی نمایندگان مردم از بیانات رهبر معظّم انقلاب

تعداد ۲۴۷ نفر از نمایندگان مجلس طی بیانیه‌ای از بیانات مقام معظّم رهبری در مراسم ۱۴ خرداد حمایت و قدردانی کردند.[۲]

ـ حضور سید حسن در کنار سران فتنه علّت اعتراضات مردم

حجةالاسلام احمد سالک (عضو جامعه روحانیت مبارز) در گفتگو با شبکه ایران با اشاره به شعارهای مردم و ناتمام ماندن سخنان سید حسن خمینی در مراسم سالگرد حضرت امام(ره) گفت: «متأسفانه شاهد حضور سید حسن خمینی در جلسات میهمانی سران فتنه و همراهی با آنان بوده‌ایم که همین مسأله موجب اعتراض یکپارچه مردم نسبت به وی در مراسم سالروز رحلت حضرت امام شد.»[۳]

ـ ملاک از نظر امام(ره) حال فعلی افراد است

حجةالاسلام روح‌الله حسینیان (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) با بیان این‌که امام ملاک را مشخص کردند که میزان، حال فعلی افراد است، اظهار داشت: «اگر کسی در گذشته نیز خوب عمل کرده باشد امروز با پشت کردن به انقلاب اسلامی، موجب از بین بردن اعمال خود می‌شود.»[۴] وی با اشاره به مؤلفه‌ها و شاخصهای خط امام که رهبر

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۳/۱۷. ۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۱۷. ۴- همان.

انقلاب آن را تبیین کردند و نیز واکنش مردم به رفتار و رویه سید حسن خمینی در مراسم ۱۴ خرداد، با تأکید بر اینکه باید بصیرت مردم را جدی گرفت، بیان کرد: «مردم خط حقیقی امام را بر نزدیکان ایشان ترجیح می‌دهند.»[1] وی با تأکید بر اینکه اینگونه خبطها اوّلین بار نیست که از سوی نزدیکان و خانواده امام سر می‌زند، گفت: «اینگونه وقایع در دوران گذشته نیز صورت پذیرفته تا جایی که در مقطعی حسین خمینی با حمایت از بنی‌صدر در مقابل انقلابیون ایستاد، و در مقابل امام او را بازداشت خانگی کرد و سرانجام آن را از خود راند.»[2] حسینیان با اشاره به تذکرات گذشته به سید حسن خمینی درباره رفتارش افزود: «به او نیز پیشتر گفته بودم که به خط امام بازگردد و از نسبت خود به امام سوءاستفاده نکند، امّا به این مطلب توجهی نشد و وقتی که مردم می‌بینند سید حسن که نوه امام است با سران فتنه دور یک میز جمع می‌شوند به او واکنش نشان می‌دهند.»[3]

ـ درخواست ٥٠ نماینده برای اخراج علی مطهری از فراکسیون اصولگرایان

سخنان و مواضع علی مطهری (نماینده مردم تهران در مجلس هشتم) با واکنش جدّی دیگر نمایندگان و بخصوص فراکسیون اصولگرایان مجلس روبه‌رو شد. محمود احمدی بیغش (عضو فراکسیون اصولگرایان) در گفتگو با ایرنا با بیان اینکه نمایندگان عضو فراکسیون اصولگرایان خواهان بیرون رفتن علی مطهری از این فراکسیون هستند، اظهار داشت: «علی مطهری زمان بسیاری است که از خط اصولگرایی خارج شده است و از همین رو او دیگر صلاحیت ماندن در فراکسیون اصولگرایان را ندارد.»[4] همچنین محمد کوثری (نایب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس) با اشاره به اینکه علی مطهری درخصوص مناظره‌های تلویزیونی در ذهن خودش موضوعی را پرورش داده و مدام آن را تکرار می‌کند، اظهار داشت: «به هیچ وجه مشخص نیست که علی مطهری بر چه اساس

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۱۷.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

و مبنایی این صحبتها را مطرح می‌کند.»[۱] محمدجواد ابطحی (عضو کمیسیون فرهنگی مجلس) نیز با بیان این‌که علی مطهری نام پدر بزرگوارش را یدک می‌کشد تأکید کرد: «اگر پدر عالی‌مقام علی مطهری در قید حیات بود مواضع وی را رد می‌کرد.»[۲]

حجة اسلام علی بزرگواری (نماینده مردم کهگیلویه و بهمئی در مجلس هشتم) نیز در این باره تصریح کرد: «متأسفانه علی مطهری از عناوینی مانند فرزند شهید مطهری بودن سوءاستفاده کرده است. وی باید بداند که انقلاب متعلق به فرزند و نوه و فامیلهای شخصیتهای بزرگ انقلاب نیست بلکه همان‌گونه که امام راحل فرمودند، متعلق به توده مردم است.»[۳]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.

دوشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۸۹

ـ سیصد نفر در میز انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در سازمان سیا کار می‌کردند

جواد منصوری (محقق و پژوهشگر مسائل تاریخ انقلاب) در گفتگو با فارس گفت: «دولتهای غربی در طول ۳۰ سال گذشته برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای مقابله با نظام اسلامی طرح‌ریزی کرده‌اند که به طور مشخص در سال ۱۳٦۴ به گفته معاون سازمان سیا در جلسه‌ای که با کارشناسان MI6 انگلیس ترتیب داده شده بود، برای از بین بردن هویت انقلاب اسلامی، برنامه‌های بلندمدت را طراحی و تصمیم به اجرای آن گرفته شده بود.»[1] وی با تأکید بر این امر که در مقابله با جنگ نرم ما ۲۰ سال عقب هستیم عنوان کرد: «غربیان بر ضد ایران ۲۰ سال کار خودشان را در کشور ما انجام دادند که از نمودهای آن در جامعه می‌توان به رواج فمینیسم، آزادی بی‌حساب و رفتارهای مبتذل و به دنبال آن افزایش اراذل و اوباش و مغازه‌هایی که نمایندگی شرکتهای لباسهای مبتذل هستند اشاره کرد. ریشه این قضایا برمی‌گردد به سابقه فعالیت بیش از ۲۰ سال غربیان، بویژه دو سال قبل از انتخابات، زمانی که فقط ۳۰۰ نفر در میز انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در CIA کار می‌کردند تا انقلاب رنگین نیرومندی را علیه نظام ایجاد کنند.»[2]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۱۸.

۲- همان.

ـ وقتی نفاق جدید یاد قرآن و امام زمان(عج) می‌افتد!

سازمان مجاهدین و مجمع روحانیون مبارز در بیانیه‌های متحدالشکلی ضمن استفاده از آیه استرجاع، مدعی اهانت به سید حسن خمینی شدند. سازمان مجاهدین در بیانیه خود ضمن به‌کار بردن آیه استرجاع نوشت: «سازمان این فاجعه مؤلمه و این هتک حرمت ساحت مقدس بنیانگذار جمهوری اسلامی را به آستان مقدس ولی عصر(عج) و بیوت شریف مرجعیت و روحانیت تسلیت عرض می‌کند.» مجمع روحانیون هم با لحنی مشابه، ماجرای اعتراض مردم به سوءاستفاده فتنه‌گران از نوه امام را به ساحت بقیةالله‌الاعظم(عج) تسلیت گفت![1]

ـ واقعه سالگرد ارتحال امام نتیجه عملکرد یک ساله سید حسن خمینی بود

به‌گزارش خبرگزاری فارس نصرت‌الله لطفی (رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی قم) با اشاره به رخداد سالگرد ارتحال امام(ره) اظهار داشت: «آنچه از سوی توده مردم اتفاق افتاد، درواقع خروجی عملکرد یک سال گذشته نوه امام خمینی بود.»[2] وی با تأکید بر هوشیاری و بصیرت مردم متدین ایران گفت: «بر شاخصی مانند نوه امام خمینی زیبنده نیست که از فتنه‌انگیزان استقبال کند.»[3]

ـ موسوی با گرایش براندازانه به سمت هلاکت می‌رود

سردار سرلشکر سید حسن فیروزآبادی (رئیس ستادکل نیروهای مسلح) در جمع مسؤولان ستاد عملیات روانی ستادکل نیروهای مسلح گفت: «موسوی که در زندان فضای مجازی ترتیب داده شده از سوی آمریکا، و انگلیس، رژیم صهیونیستی و ضدانقلاب اسیر شده است با گرایش براندازانه، نمکدان نظام را شکسته و به سمت هلاکت می‌رود.»[4]

۱- همان.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۱۸.

ـ مردم برای حفاظت از انقلاب و نظام با هیچ‌کس تعارف ندارند

حجةالاسلام سید محمدرضا میرتاج‌الدینی (معاون پارلمانی رئیس‌جمهور) در گفتگو با برنا گفت: «مردم روز جمعه نشان دادند که با هیچ‌کس تعارف ندارند و هر فرد با هر سابقه‌ای در مقابل ولایت و انقلاب بایستد طردش می‌کنند.»[۱] وی با اشاره به اعلام برائت مردم در روز ۱۴ خرداد از سران فتنه افزود: «رهبر معظّم انقلاب روز جمعه فرمودند شاخص برای ما امام خمینی(ره) است، بر همین اساس یکی از شاخصهایی که امام(ره) برای ما گفته است، این‌که میزان، حال فعلی افراد است. حال با هر سابقه درخشانی که باشد، لذا اگر حال فعلی‌اش در مسیر انقلاب نباشد ملت او را کنار خواهد زد.»[۲]

ـ واکنش علی مطهری به اعتراضها علیه وی

علی مطهری (فرزند شهید مرتضی مطهری و نماینده مجلس هشتم) به اعتراضهای شکل‌گرفته علیه خود پاسخ داد. وی در یادداشتی که به تابناک ارسال داشت، آورد: «این گروه که درصدد مصادره انقلاب برای خود و حذف فرزندان راستین انقلاب اسلامی است و میانگین سنی آنها هم از ۳۰ سال تجاوز نمی‌کند، باید آرزوی قطع پیوند میان شهید آیت‌الله مطهری با رهبر انقلاب را به‌گور ببرد.»[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۱۸. ۲- همان.

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹/۳/۱۸.

ـ سه‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۸۹ ـ

ـ حضور ۴۰ میلیونی سال گذشته خیلی ارزش دارد

مقام معظّم رهبری در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی با تجلیل از حضور مردم در سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) بیان داشتند: «خوشبختانه مردم کشور برخلاف انتظاری که مخالفین نظام و دشمنان نظام داشتند، حقاً و انصافاً خوب حالتی از خودشان نشان دادند. مردم نشان دادند به امام علاقه‌مندند. طبق همین آمارهایی که همیشه و در همه سالها به ما می‌دهند، امسال آمار حضور مردم از سال قبل و سال قبل‌تر بیشتر است. خوب این معنایش چیست؟... اینها خیلی مهم است. باگذشت بیست و یک سال از رحلت امام، مردم این جور به امام دلبسته‌اند. خوب، امام مظهر انقلاب است. مظهر دین است. مظهر آن آرمانهایی است که او به آنها دعوت می‌کرد و اوّل بار چشم ما را به روی این آرمانها بازکرد و ما را به سمت این آرمانها هدایت کرد. کسی که منادی توانایی این ملت برای پیمودن مدارج اعتلا و کمال بود. وقتی مردم به انسانی با این خصوصیات احترام می‌گذارند، معنایش این است که به این آرمانها احترام می‌گذارند. این آرمانها هم همان چیزهایی است که سعادت یک ملت را تأمین می‌کند. ملتی که بانشاط باشد. ملتی که باایمان باشد. ملتی که اسلام را از بن دندان قبول داشته باشد، ملتی که خود را باور داشته باشد، به خدای خود اعتماد داشته باشد، هیچ مانعی نمی‌تواند از پیمودن راه کمال در برابر او جلوگیری کند. خوب، اینها خیلی اهمیت دارد. شما نماینده یک‌چنین ملّتی هستید. این در عرصه حضور عاطفی و عقلانی و احساساتی و پیوند معنوی با امام، آن هم حضور در انتخابات ۴۰ میلیونی سال گذشته، اینها خیلی ارزش دراد، اینها خیلی معنا دارد.»[۱]

۱- پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظّم رهبری.

چهارشنبه ۱۹ خرداد ۱۳۸۹

ـ فتنه ۸ ماههٔ سال قبل خطرناک‌تر از ۸ سال جنگ تحمیلی بود

سردار سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران) با اشاره به اتفاقات سال گذشته گفت: «هر چند فتنه سال گذشته حدود ۸ ماه بیشتر طول نکشید، امّا بسیار خطرناکتر از جنگ تحمیلی بود.»[۱] وی افزود: «بحمدالله با لطف خداوند و هدایت پیامبرگونه رهبر معظّم انقلاب و هوشیاری مردم، از این حادثه سخت عبور کردیم و دشمنان متوجه شدند که با این روشها نمی‌شود انقلاب را منحرف کرد.»[۲]

ـ دستور از لندن رسید!

کمیته به اصطلاح اجرایی و مقاومت مدنی ایران که زیر نظر افرادی مانند مهاجرانی، کدیور، گنجی، سروش و ... هدایت و از سوی محسن سازگاران در فضای مجازی و ماهواره‌ای آموزش داده می‌شود، به مناسبت اوّلین سالگرد انتخابات ریاست‌جمهوری دهم و حوادث پس از آن، اطلاعیه‌های حاوی دستورالعمل در راستای ۲۲ خرداد صادر کرده است. در این اطلاعیه که در اصل دستورالعمل اتاق فکر لندن‌نشین برای عناصر داخلی جریان فتنه می‌باشد برخی از آموزه‌های جین شارب ـ که که همان روشهای انقلاب مخملین است ـ به این افراد دیکته شده است.[۳]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۲۰.
۲- همان.
۳- همان.

ـ اصرای به دشمنی با آمریکا ندارم!

مهدی کروبی (نامزد ناکام انتخابات ریاست‌جمهوری دهم) در گفتگو با سایت ضدانقلابی روزنت گفت: قانون اساسی حتماً ایراداتی دارد و من بارها گفته‌ام یک کتاب است که ایراد ندارد و آن قرآن است و آن هم ما مسلمانها می‌گوییم، شاید غیرمسلمان به همین قرآن ما هم ایراد بگیرد.»[۱] وی با اذعان به این‌که حضور آشوب‌طلبان کمتر شده و فتنه گران به نتیجه‌ای دست نیافته‌اند اظهار داشت: «نباید در هر جنبشی به دنبال موفقیت آنی و لحظه‌ای بود، چه بسا که بادآورده را باد می‌برد.»[۲] کروبی که علی‌الدوام به خاطر حماقتها و خیانتهایش مورد حمایت مقامات آمریکایی قرار دارد، در ادامه گفت: «معتقدم علی‌رغم تمام وقایعی که میان ایران و آمریکا رخ داده، باید رابطه برقرار شود.»[۳] این در حالی است که وی همزمان در گفتگو با سایت العربیه تصریح کرد: «من طرفدار رابطه با آمریکا نیستم اما اصراری هم به دشمنی با آن ندارم. واقعیت این است که ما از تحریک و دشمنی آمریکا سودی نمی‌بریم امّا همزمان عقیده داریم آمریکا در منطقه خلیج فارس به دنبال گسترش سلطه خود است.»[۴]

ـ تاکنون هیچ‌یک از احزاب اصلاح‌طلب درخواست مجوز راهپیمایی نکرده است

محمود عباس‌زاده مشکینی (مدیرکل سیاسی وزارت کشور) در جمع خبرنگاران با بیان این‌که تاکنون نماینده هیچ حزبی به طور حضوری برای درخواست مجوز راهپیمایی به وزارت کشور مراجعه نکرده است، درخصوص نحوه صدور مجوز راهپیمایی مجوز راهپیمایی اظهار داشت: «اوّلاً طبق اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل اجتماعات و راهپیماییها بدون حمل سلاح به شرط آن‌که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است و طبق تبصره ۲ مادّهٔ ٦ قانون فعالیت احزاب و جمعیتها مصوب سال ۱۳٦۰، مرجع تشخیص

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۲۰.
۲- همان.
۳- همان.
۴- همان.

این‌که یک راهپیمایی مخل مبانی اسلام است یا نه، از اختیارات کمیسیون مادّهٔ ۱۰ احزاب است که اعضای آن نمایندگان سه قوّه کشور هستند. ثانیاً براساس مادّهٔ ۳۰، ۳۱ و ۳۲ تصویب‌نامه شماره ۳۰۵۳۰ مورخه ۱۳٦۱/۴/۹ هیأت وزیران که با امضای نخست‌وزیر، ـ میرحسین موسوی ـ برای اجرا به وزارت کشور ابلاغ شده است، گروه متقاضی راهپیمایی باید یک هفته قبل از انجام راهپیمایی کتباً و حضوراً توسط نماینده رسمی و معرفی شده گروه، در خواست خود را به وزارت کشور تسلیم کند.»[۱] دبیر کمیسیون مادّه ۱۰ قانون فعالیت احزاب افزود: «طبق مادّه ۳۱ همان قانون نماینده رسمی گروه موظف است تعهدی مبنی بر عدم حمل سلاح و عدم اخلال نسبت به مبانی اسلام و امنیت به وزارت کشور تسلیم کند.»[۲] وی در خصوص برخی شایعات در زمینه راهپیمایی در روزهای آینده گفت: «اوّلاً نماینده رسمی هیچ حزبی حضوراً برای طرح درخواست و ارائه مدارک قانونی به منظور تکمیل درخواست برای طرح در کمیسیون مادّه ۱۰ احزاب به وزارت کشور مراجعه نکرده است؛ ثانیاً تنها نشانه‌ای که ما یافته‌ایم این است چند روز پیش یادداشتی غیررسمی مبنی بر درخواست مجوز راهپیمایی به دبیرخانه وزارت کشور ارسال شده است که عنوان چند حزب از جمله دو حزب توقیف‌شده، ذیل این یادداشت درج شده که حتی یکی نیز فاقد امضاء است که البته تکلیف حزب توقیف‌شده مشخص است.»[۳]

ـ جلسه سران فتنه و پیشدستی برای جلوگیری از رسوایی جدید

به گزارش شبکه ایران، سران فتنه در جدیدترین نشست خود تصمیم گرفتند که با توجه به عدم استقبال هوادارانشان و قطعیت یافتن پاسخ منفی طیفهای مرتبط با ایشان به فراخوان حضور در مراسم ۲۲ خرداد، خود رأساً نسبت به لغو این راهپیمایی اقدام کنند. این تصمیم در جلسه‌ای با حضور مهدی کروبی، موسوی، حسین کروبی و شکوری‌راد اتخاذ شده است.»[۴]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۲۰.
۲- همان.
۳- همان.
۴- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۲۰.

پنجشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۹

ـ ناکامی برای سران فتنه

میرحسین موسوی و مهدی کروبی با صدور بیانیه‌ای، از درخواستی که برای راهپیمایی در روز ۲۲ خرداد مطرح کرده بودند، عقب‌نشینی کردند و ناخواسته بر موضوع فقدان جایگاه اجتماعی سران فتنه و ترس از آبروریزی در ۲۲ خرداد مهر تأیید زدند. آنان که در محافل بیگانه به رهبران مخالف جمهوری اسلامی مشهورند، در این بیانیه از درخواستی که اردیبهشت ماه برای راهپیمایی در روز ۲۲ خرداد مطرح کرده بودند، صرف نظر کردند.[1]

ـ حمایت اوباما و کلینتون از اغتشاشگران در آستانه ۲۲ خرداد!

به گزارش خبرگزاری فرانسه، باراک اوباما (رئیس‌جمهور آمریکا) در بیانیه‌ای خطاب به نشستی که در آمریکا به مناسبت آنچه که در سالروز اعتراضات در ایران نام نهاده بودند، با استفاده ابزاری از واژه‌هایی نظیر آزادی و دموکراسی ابراز امیدواری کرد روزی را ببیند که مردم ایران بدون آن‌که مجازات شوند دیدگاههای خود را بیان کنند و آزادانه سخن بگویند. اوباما در این بیانیه با یادآوری اغتشاشات سال گذشته در کشورمان و اظهار تأسف از این‌که این اغتشاشات به نتیجه نرسیده است، مدعی شد که آمریکا در کنار کسانی که به دنبال آزادی هستند، ایستاه است. وی ضمن درخواست از اغتشاشگران

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۲۲.

برای تکرار آشوبهای سال گذشته، به ماجرای ندا آقاسلطان اشاره کرد و تأکید کرد: «براساس تصاویری که خودم با موبایل دیدم و در سراسر جهان دیده شد، وی پس از آن‌که هدف گلوله قرار گرفت، روی زمین جان داد.[۱] همچنین هیلاری کلینتون (وزیر خارجه آمریکا) در ادامه جنگ روانی علیه ملت ایران در آستانه سالگرد انتخابات ریاست‌جمهوری از عدم برگزاری راهپیمایی در چنین روزی در تهران ابراز تأسف کرد.[۲]

ـ خطبه‌های روشنگرانه رهبر معظّم انقلاب تمام ابهامات را برطرف کرد

حجةالاسلام سید هاشم حسینی بوشهری (نایب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) با بیان این‌که پیروی از امام راحل(ره) فقط در شعار کافی نیست و اگر کسی در مواضع خود با منویات امام و رهبری در تضاد باشد، مردم نمی‌توانند او را در جمع خود بپذیرند گفت: «خطبه‌های روشنگرانه رهبر معظّم انقلاب تمام ابهامات را برطرف کرد.»[۳]

ـ هیچ مجوزی برای تجمع ۲۲ خرداد صادر نشده است

مرتضی تمدن (استاندار تهران) با اشاره به جنگ روانی و درخواست سران فتنه برای راهپیمایی گفت: «هیچ مجوزی برای تجمع در روز ۲۲ خرداد صادر نشده است. در همین راستا نامه‌ای فاقد شماره برای استانداری ارسال کردند و هیچ‌گونه پیگیری نکردند.»[۴]

ـ دلداری بی بی سی به فتنه‌گران

پس از آن‌که موسوی و کروبی از درخواست برای راهپیمایی در روز ۲۲ خرداد صرف نظر کردند، حامیان باقی‌مانده آنها دچار یأس و سردرگمی شدند و همین مسأله مسبب شد تا تلویزیون دولتی انگلیس (BBC) برای کمک به این افراد و زنده نگه داشتن

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۲۲.
۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۲۲.
۴- همان.

امید آنها برای احیای آشوبهای خیابانی، دست به تهیه و انتشار برنامه و مطالب گونا گونی بزنند. در همین راستا، سایت اینترنتی بی بی سی در گفتگو با تعدادی از افراد ضدانقلاب در خارج از کشور نظیر شیرین عبادی و عباس میلانی مدعی شده که لغو درخواست میرحسین و کروبی نشانه قوّت آنهاست.»[1]

۱- همان.

شنبه ۲۲ خرداد ۱۳۸۹

ـ ۲۲ سفارت اروپایی فتنه ۸۸ را مدیریت می‌کردند

مایکل پوستل (سفیر سابق اتریش در تهران) در نشستی در مرکز بین‌المللی وودرو ویلسون به نقش اتحادیه اروپا که ۲۲ سفارتخانه در تهران دارد پرداخته و اظهار داشت: «اتحادیه اروپا در هفته‌های پس از انتخابات از نزدیک مسائل را تعقیب کرده و از ایران می‌خواست که دست از آنچه وی حمله به تظاهرات مسالمت‌آمیز می‌خواند بردارد و حق گردهمایی و اجتماعات را به رسمیت بشناسد.»[1] وی تصریح کرد: «ما از طریق توییتر و سفارتخانه‌هایی که دیپلماتهای خود را به سطح شهر اعزام می‌کردند اطلاعات زیادی کسب می‌کردیم.»[2]

ـ بیانیه عقب‌نشینی خیابانی، اعتراف به ۸ ماه بی‌عقلی و حماقت

برخی سایتهای کانونی فتنه نظیر کلمه، جرس، امروز، نوروز، رادیوفردا، بی بی سی و . . . تلاش کردند که با تولید مطالب توجیهی ادعای موسوی و کروبی در بیانیه خود مبنی بر لغو راهپیمایی را جا بیندازند. این تقلای مشترک رسانه‌ای پس از آن اوج گرفت که احساس شد، اقدام سران فتنه، به سردرگمی و ناامیدی و احساس شکست گسترده در میان بقایای فتنه دامن زده است.[3]

۱- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۳/۲۳.
۲- همان.
۳- همان.

ـ سعه صدر رهبری موجب روشن شدن زوایای فتنه شد

حجةالاسلام روح‌الله حسینیان (نماینده مجلس هشتم) با اشاره به مدیریت رهبری در بحرانهای گذشته گفت: «یکی از شرایط رهبری سعه صدر است که خداوند به رهبر معظّم انقلاب عنایت کرده است.»[۱] وی افزود: «رهبری در عین کنترل فتنه اجازه دادند تا فتنه خود را نشان دهد تا زوایای پنهان آن برای مردم روشن شود.»[۲]

ـ بازپخش تصاویر اغتشاش سال گذشته برای نمایش حیات فتنه

به دنبال عدم استقبال مردم از طرح فراخوان ضدانقلاب برای ۲۲ خرداد و ایجاد اغتشاش، شبکه‌های ضدانقلاب همچون بی بی سی، صدای آمریکا و العربیه ناگزیر به اقداماتی همچون بازپخش تصاویر حوادث سال گذشته شدند. این در حالی بود که خبرگزاریهای مختلف خارجی، اوضاع تهران را عادی گزارش می‌کردند.[۳]

ـ سناتور جنگ‌طلب، کلکسیون رسوایی اصلاح‌طلبان را کامل کرد!

جان مک‌کین (سناتور جمهوری‌خواه آمریکا) طی سخنانی در مراسم بنیاد ملی دموکراسی گفت: «ما نمی‌توانیم رفتار ایران با مخالفان را تحمل کنیم. ما باید از آنها (اغتشاشگران) حمایت کنیم. البته دولت آمریکا هرگز نباید تا زمانی که درخواست حمایت مطرح نشده، حمایت خود را در اختیار مخالفان جمهوری اسلامی قرار دهد، امّا وقتی مخالفان شعارهای خود را به زبان انگلیسی می‌نویسند و می‌پرسند که اوباما با اونها یا با ما، این نشانه خوبی است که ما هم بیشتر می‌توانیم از آنها حمایت کنیم. ما باید اهداف آنها را اهداف خود بدانیم.»[۴]

۱- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۲۳.
۲- همان.
۳- روزنامه ایران، ۱۳۸۹/۳/۲۴.
۴- روزنامه کیهان، ۱۳۸۹/۲/۲۳.

پیوستها

پیوست ۱

بخشی از زندگینامه سید محمد خاتمی

سید محمد خاتمی فرزند آیت‌الله سید روح‌الله خاتمی در سال ۱۳۲۲ در اردکان یزد متولد شد. پدرش آیت‌الله خاتمی از روحانیون برجسته‌ای بود که یکی از یاران حضرت امام خمینی(ره) محسوب می‌شد. محمد خاتمی نیز از دوران نوجوانی به دروس حوزوی روی آورد و پس از آن تحصیلات خود را در رشته فلسفه غرب در دانشگاه اصفهان ادامه داد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و نهادهای آن، سید محمد خاتمی در انتخابات مجلس شورای اسلامی شرکت و به عنوان نماینده مردم اردکان و میبد انتخاب گردید. وی در سال ۱۳۶۰ از سوی حضرت امام(ره) به سرپرستی مؤسسه مطبوعاتی کیهان منصوب شد و سال بعد از آن در کابینه میرحسین موسوی به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گمارده شد.

سید محمد خاتمی از جمله افرادی بود که پس از اختلافات به وجود آمده در جامعه روحانیت مبارز، به همراه مهدی کروبی، موسوی خوئینی‌ها و . . . از این جامعه جدا و مجمع روحانیون مبارز را تشکیل داد و بدین ترتیب فعالیت حزبی خود را در قالب مجمع روحانیون مبارز دنبال نمود.

پس از ارتحال حضرت امام(ره) و انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از سوی مجلس خبرگان رهبری، حجةالاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس جمهور شد. هاشمی رفسنجانی در دولت اوّلش، نیمی از بخش سیاسی ـ فرهنگی کابینه را به جناح راست (جامعه روحانیت مبارز و تشکلهای همسو) و نیمی را به جناح چپ (مجمع روحانیون مبارز و تشکلهای همسو) واگذار کرد. محمد خاتمی نیز از جمله نفراتی بود که از جناح چپ عهده‌دار پست وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شد.

با روی کار آمدن خاتمی در مسند وزارت ارشاد، سیاستی مبتنی بر فضای فرهنگی باز که برگرفته از دیدگاههای لیبرالیستی بود رشد کرد. بدین ترتیب در عرصه‌های مختلف افرادی با گرایشات سکولار و لیبرال شروع به فعالیت کردند. به طور مثال در بخش مطبوعات و نشریات وزارت ارشاد که محسن امین‌زاده مسؤول آن بود، تعداد نشریات رسمی کشور در حالی که تا سال ۱۳۶۶ سرجمع از ۵۰ تا ۶۰ عنوان تجاوز نمی‌کرد، از ابتدای سال ۶۸ تا تیرماه سال ۷۱ به ۳۴۵ عنوان نشریه، افزایش یافت. این افزایش در شرایطی بود که افراد متقاضی صدور پروانه نشریه، علی‌رغم برخورداری از

حداقل صلاحیتهای دینی و انقلابی، به راحتی مجوز انتشار می‌گرفتند. آنها افکار خود را که عموماً سکولار و لیبرال بود و ابتذال را ترویج می‌کرد از این طریق مطرح می‌نمودند و در این دوران ضربات سختی بر پیکرده فرهنگی و دینی جامعه وارد شد.

مقام معظّم رهبری با هوشیاری تمام، مسؤولان کشور بویژه مسؤولان فرهنگی را به توجه در زمینه مسائل فرهنگی فراخواندند و از جنگ نرم دشمن به تهاجم فرهنگی، غارت فرهنگی یاد کردند. امّا وزیر ارشاد وقت، چندان اعتقادی بدان نداشت و آزادی مطبوعات و آزادی بیان که درواقع حضور عناصر مسأله‌دار در عرصه فرهنگی کشور بود، را پیگری می‌کرد. انتقادهایی که از عملکرد فرهنگی کشور، توسط دلسوزان نظام اسلامی شد، منجر به استعفای سید محمد خاتمی گردید. خاتمی بعد از استعفا از وزارت ارشاد، درخواست مجوز نشریه‌ای به نام آیین را کرد تا از آن به عنوان تریبونی برای بیان افکار خود و همفکرانش استفاده کند. در آن زمان برخی از افراد حلقه کیان چون هادی خانیکی، سعید حجاریان، مصطفی تاجزاده، محسن امین‌زاده، عباس عبدی، محسن کدیور و سروش و . . . همراه با محمد خاتمی، گروه کوچک‌تر آیین را شکل دادند. هرچند این نشریه تا سال ۱۳۸۲ منتشر نشد ـ اوّلین شماره این نشریه در سال ۱۳۸۲ توسط محمدرضا خاتمی انتشار یافت ـ امّا جلسات دائمی آنان به صورت هفتگی برگزار شد. هدف اوّلیه آنها بر اساس ایده شخص خاتمی و برخی دوستان او، این بود که نشریه‌ای به راه اندازند تا مفاهیمی تازه و جدید و آنچه برای تحول اجتماعی ضروری می‌دانستند، ارائه کنند. آنان مباحث علمی را بازیچه منافع و مطامع سیاسی خود ساختند و در زیر پرده روشنفکری و تجدد اصلاح دینی در پی براندازی اساس جمهوری اسلامی برآمدند.

سید محمد خاتمی در آغاز دهه ۷۰ به عنوان مشاور هاشمی و رئیس کتابخانه ملی ایران بود، تا این‌که اختلافات درون گروهی جریان حامی دولت سازندگی بتدریج در طول هشت سال مدیریت هاشمی بر قوّه مجریه، منجر به شکل‌گیری آرایش سیاسی جدیدی در کشور شد. جریان راست سنتی آن روز شامل حزب مؤتلفه، جامعه روحانیت مبارز بتدریج به منتقدین جدی حوزه فرهنگی ـ اقتصادی دولت هاشمی مبدل گردیدند. حزب کارگزاران سازندگی نیز به عنوان حامیان اصلی اقتصاد دوران سازندگی، خواستار تغییر قانون اساسی و حضور مجدد هاشمی رفسنجانی بر مسند ریاست‌جمهوری شدند،امّا با شکست این طرح، تلاشها برای به میدان آوردن میرحسین موسوی آغاز گردید. پس از امتناع میرحسین از کاندیداتوری در هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، جناح موسوم به چپ، سید محمد خاتمی عضو شورای مرکزی مجمع روحانیون مبارز را به عنوان نامزد انتخاباتی خود برگزیدند.

کاندیداتوری سید محمد خاتمی با واکنشهای متفاوتی در داخل و خارج کشور روبه‌رو شد. برخی از اشخاص حقیقی و حقوقی در جناح موسوم به راست ضمن حمایت از کاندیداتوری رقیب خاتمی یعنی ناطق نوری، اقدام به بیان مواضع و عملکرد خاتمی در سالهای گذشته بویژه موضوع استعفایش از وزارت ارشاد پرداختند. همچنین یک فیلم چند دقیقه‌ای از هوادارن خاتمی با سر و وضع نامناسب و

غیراسلامی در جامعه منتشر شد که آثار منفی در اذهان عمومی داشت.

از طرف دیگر کاندیداتوری خاتمی مورد استقبال رسانه‌های خارجی قرار گرفت. به طور مثال رادیو اسرائیل در تاریخ ۱۳۷۵/۱۲/۲ اعلام کرد: «خاتمی نشان داده که از مواضع سنجیده‌تری در مقایسه با دیگر جناحهای رژیم حمایت می‌کند . . . و با سختگیریها در مسایل هنری و فرهنگی مقابله کرده و به همین دلیل نیز از پست خود کنار گذاشته شد.» همچنین نشریه اکونومیست در مورد سابقه خاتمی نوشت: «او زمانی وزیر ارشاد اسلامی بود امّا در سال ۱۹۹۳ به خاطر داشتن مواضع آزاداندیشانه‌تر، از سمت خود توسط هاشمی رفسنجانی رئیس‌جمهور ایران به کنار گذاشته شد. وی اکنون رئیس کتابخانه عمومی است. محمد خاتمی سوسیالیسم اسلامی را توصیه می‌کند و بیشترین تأکید را بر عدالت اجتماعی می‌گذارد.»

به مرور با روشن شدن مواضع خاتمی، گروههای متعددی از وی حمایت کردند و گروههای ائتلاف خط امام، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و مجمع روحانیون مبارز به حامیان وی پیوستند. حزب کارگزاران سازندگی نیز پس از کش و قوس‌های فراوان سرانجام به این نتیجه رسید که باید از خاتمی حمایت کند.

هاشمی رفسنجانی نیز در یک هفته مانده به برگزاری انتخابات در دوم خرداد ۱۳۷۶، در خطبه‌های نمازجمعه تهران، تلویحاً از خاتمی حمایت کرد و مسؤولان انتخابات را بدقت در بررسی و اعلام نتایج انتخابات فراخواند.

سرانجام هفتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری فرارسید و ۲۹ میلیون نفر در انتخابات شرکت کردند و هنوز اعلام نتایج آرا به طور قطعی پایان نیافته بود که علی‌اکبر ناطق نوری در پیامی که از بخش خبری ساعت ۱۴ صدا و سیما پخش شد، انتخاب سید محمد خاتمی را تبریک گفت و سرانجام وی با کسب ۲۰ میلیون رأی به عنوان پنجمین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران شناخته شد.

مقام معظّم رهبری در حکم تنفیذ خاتمی ضمن حماسه خواندن این انتخابات مرقوم داشتند: «اکنون بار دیگر مسؤولیت بزرگ ریاست‌جمهوری با اکثریتی قاطع بر دوش مردی روحانی و کارآزموده و انقلابی و اهل دانش و معرفت قرار یافته و یکی از تربیت شدگان حوزه معرفت دینی، قدرت اجرایی را در کشوری به دست گرفته است که به برکت ایمان و دین‌باوری عمیق مردمش، پرچمدار نظام دینی و مفتخر به اجرای احکام اسلامی است. این رویکرد، همچنان که نشان اعتماد ملت ایران به روحانیت متعهد است، مژده‌رسان این نیز هست که در حرکت سازندگی ملت ایران ـ که بحمدلله سالهاست با همکاری ملّت و مسؤولان برجسته آغاز گشته است ـ همواره توجه به ارزشهای اصیل معنوی و پایبندی به دین و اخلاق و معنویت، رکن اساسی بوده و خواهد بود.»

در ۲۳ آبان ۱۳۷۶ همزمان با میلاد حضرت علی(ع) حسینعلی منتظری (قائم‌مقام مخلوع رهبری) در دیدار با جمعی از مردم نجف‌آباد اصفهان با تحلیل انتخابات دوم خرداد، همان راهی را رفت که رسانه‌های خارجی درصدد تئوریزه کردن آن بودند. وی همنوا با معاندین انقلاب اسلامی،

دوم خرداد را «نه» به جمهوری اسلامی و مشی عملی ولایت فقیه دانست. منتظری در سخنان خود از توصیه‌اش به رئیس دولت اصلاحات سخن گفت: «من پیغام دادم که من اگر جای شما بودم، می‌رفتم پیش رهبر و می‌گفتم: شما مقامت محفوظ، احترامت محفوظ، ولی ۲۲ میلیون مردم به من رأی دادند، به من هم که رأی دادند این ۲۲ میلیون، همه می‌دانستند که رهبر کشور به کسی دیگر نظر دارد. دفترشان و خودشان همه، شخص دیگری را تأیید می‌کردند، ۲۲ میلیون آمدند به ایشان رأی دادند. معنایش این است که ما آن تشکیلات را قبول نداریم. رأی این ۲۲ میلیون معنایش این است که ما آن را که شما می‌گویید قبول نداریم.»

منتظری در ادامه سخنان خود تا آن جا پیش رفت که حتی رسماً رئیس‌جمهور را دعوت به اعتراض و استعفای اعتراض‌آمیز کرد. وی افزود: «ایشان (خاتمی) قاعده‌اش این بود می‌رفت پیش مقام رهبری و می‌گفت شما احترامت محفوظ، ۲۲ میلیون به من رأی دادند، از من انتظارات دارند و اگر بنا بشود که بخواهید در وزرای من و در استاندارهای من دخالت کنید و افرادی را به من تحمیل کنید، من نمی‌توانم کار بکنم، بنابراین من ضمن تشکر از مردم استعفا می‌دهم. به مردم می‌گویم: ایهاالناس می‌خواهند در کار من دخالت کنند. قاعده این بود که به این صورت عمل نماید.» او خاتمی را به خاطر کوتاه آمدن در مقابل رهبری محکوم کرده و گفت: «آقای رئیس‌جمهوری به عقیده من، قاعده‌اش این بود یک قدری محکم‌تر می‌آمد.» لحن اهانت‌آمیز سخنان منتظری تا بدانجا بود که هیأت دولت خاتمی را هم به واکنش واداشت. در جلسه هیأت دولت تصریح شد که دولت، اصل ولایت فقیه را به عنوان میراث بزرگ امام خمینی و رکنی که با هدایت آن بزرگوار در قانون اساسی به صورت یک اصل نظام آمده ارج نهاده و هرگونه تضعیف ولایت فقیه را به زیان جامعه و انقلاب و ضربه خوردن به موازین آن می‌داند و آن را محکوم می‌کند. سید محمد خاتمی نیز موضع رسمی گرفت و آن را محکوم کرد. مقام معظّم رهبری در اجتماع بسیجیان با افشای توطئه دشمن و این‌که آنان گاهی حرفهای خود را از دهان افراد ساده‌لوح و معمم می‌زنند، از مواضع رئیس‌جمهور تجلیل کرده و آن را ناکام‌کننده دشمنان دانستند و فرمودند: «دشمن سعی کرد بگوید دو جریان است که با هم مخالفند، و بر سر اختیارات، با هم اختلاف دارند. نخیر؛ ایشان (خاتمی) در مصاحبه، قشنگ تشریح و روشن کردند. معلوم شد که روابط، کاملاً تعریف شده و مشخص است. همه می‌دانند که تکلیف و وظیفه‌شان چیست و با همکاری و مَحبّت، کارهای خودشان را پیش می‌برند. دشمن این جا ناکام ماند.»

مقام معظّم رهبری بارها در طول سالیان دولت اصلاحات تلاش کردند تا مسؤولان دولتی را از آنچه در لوای اصلاحات اتفاق می‌افتاد، برحذر دارند. در شرایطی که شعارهای اصلاح‌طلبانه خاتمی، مورد علاقه جریان روشنفکری وابسته و کارگزاران جریان استحاله و تغییر از درون واقع شد، معظّم‌له از شعار جامعه مدنی به عنوان شعار دولت اصلاحات، به مدینة‌النبی یاد کردند و آن را آرزوی دیرینه همگان برشمردند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان چشم بصیر انقلاب، که به اهداف دشمنان

انقلاب اسلامی واقف بوده و هستند، استراتژی فروپاشی از درون را که هدف آمریکا و غرب از حمایت اصلاح‌طلبان بود، افشا نمودند. ایشان در دیدار با کارگزاران نظام در ۱۹ تیر ۱۳۷۹ فرمودند: «یک طرح همه جانبه آمریکایی برای فروپاشی جمهوری اسلامی طراحی شد و جوانب آن از همه جهت سنجیده شد. این طرح، طرح بازسازی شده است از آنچه در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی اتفاق افتاد. به نظر خودشان می‌خواهند همان طرح را در ایران پیاده کنند و اجرا کنند.» ایشان در ادامه افزودند: «آنها اشتباه می‌کنند، نه آقای خاتمی، گورباچف است و نه اسلام، مارکسیسم و نه جامعه ما جامعه شوروی است. آنها به این تفاوتها توجه ندارند و فقط به بعضی از ظواهر دل خوش کرده‌اند.»

امّا آنچه متأسفانه در عمل محقق شد با رهنمودهای متعدد رهبر انقلاب به دولت، فاصله داشت و جریان دوم خرداد، مسیری را طی نمود که تمام فرصتهای پیش رو را بتدریج از دست داد.

با شکل‌گیری دولت اصلاحات که به زعم خاتمی، اصلاحات را در چارچوب قانون اساسی و آموزه‌های حضرت امام(ره) دنبال می‌کرد، بتدریج چهره‌ها و ایده‌هایی ظهور و بروز یافت که با ادعاهای اوّلیه متفاوت بود. خاتمی برای تشکیل کابینه عموماً از چهره‌هایی استفاده کرد که از اصلاحات تغییراتی ساختارشکنانه و عبور از قانون اساسی را تفسیر می‌کردند. تیم سیاسی خاتمی که اعضای حلقه‌های کیان، آیین و اعضای سازمان مجاهدین انقلاب، اکثریت آن را تشکیل می‌دادند. وظیفه نهادینه ساختن گفتمان جامعه مدنی و توسعه سیاسی را با بهره از ابزارها و امکانات دولت اصلاحات برعهده گرفت. عبدالله نوری (وزیر کشور اصلاحات) و عطاءالله مهاجرانی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دولت اصلاحات) از جمله وزرایی بودند که بسیاری از عناصر سکولار و لیبرال مسلک را وارد تشکیلات خود کردند. آنان با مصادره کردن آرای مردم که در حقیقت رأی به قانون اساسی و در چارچوب نظام اسلامی بود، آن را مخالفت با نظام و تجدید نظر طلبانه توصیف کردند. در مطبوعات زنجیره‌ای این جریان، توهین و زیر سؤال بردن مقدسات و ارزشهای اسلامی و انقلابی به رویه جاری مبدل گردید و این روش برای اکثریت مطبوعات دوم خردادی گسترش یافت. در این میان برخی عناصر کلیدی کارگزاران سازندگی مانند فائزه هاشمی ـ محمد عطریانفر و غلامحسین کرباسچی و . . . در تأسیس روزنامه‌های زنجیره‌ای زن، آزاد، هم‌میهن، توس، جامعه، فتح و . . . نقش ایفا کردند و بسیاری از نویسندگان نوظهوری که بعدها با بررسی دستگاههای امنیتی مشخص شد برخی از آنها وابستگان به جریانهای ضد انقلاب بوده و با دستگاههای جاسوسی بیگانه در ارتباط بودند، در این روزنامه‌ها قلم‌فرسایی نمودند.

ایجاد ناامنی و آشوب از جمله اقداماتی بود که ساختارشکنان جریان دوم خرداد به طور جدی در دستور کار خود قرار دادند. ناامن‌سازی و ایجاد آشوب در دانشگاهها با حضور چهره‌های افراطی و ایراد سخنرانیهای تند و تحریک‌کننده که عموماً علیه نظام و ارکان آن بود، باعث شد تا بسیاری از محافل به تشنج کشیده شود. متعاقب آن درگیری میان دانشجویان و بعضاً مردم و ایجاد بدبینی و چنددستگی در میان آنان شکل گرفت.

در این میان برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی و گفتگوی سید محمد خاتمی با شبکه سی . ان . ان و همچنین پیروزی غیر قابل پیش‌بینی تیم ملی فوتبال ایران در مقابل استرالیا و راهیابی به جام جهانی ۱۹۹۸ تا مدتها در صدر اخبار رسانه‌ای قرار داشت و در عین حال آغازی بود برای معرفی سیاست خارجی دولت جدید تحت عنوان سیاست تنش‌زدایی. خاتمی قصد داشت با اعلام سیاست خارجی خود در چارچوب تنش‌زدایی و اعتمادسازی با کشورهای جهان، سیاست خارجی ایران را از حالت انفعالی سالهای اوّلیه انقلاب خارج کند. وی با همین سیاست، پرونده هسته‌ای را دنبال کرد ـ امّا از آن جاکه جز به تسلیم شدن قانع نبود فشارهای زیادی را وارد کرد تا سرانجام بسیاری از تأسیسات هسته‌ای و حتی مطالعات هسته‌ای تعطیل شد و بوش رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۰۲ و در جریان ارائه گزارش سالیانه خود به مجلس سنا، ایران را در کنار عراق و کره شمالی در محور شرارت قرار داد و سیاست خاتمی در زمینه اعتمادسازی با مشکل مواجه شد ـ خاتمی با پیشنهاد گفتگو تمدنها سعی در ترمیم این چهره داشت.

در فروردین سال ۱۳۷۷ غلامحسین کرباسچی (شهردار تهران) به جرم اختلاس دستگیر شد. دستگیری وی توسط اصلاح‌طلبان به برداشت سیاسی منجر شد. آنان این دستگیری را لطمه جریان رقیب به جریان اصلاحات دانستند و شدیداً آن را محکوم کردند. سید محمد خاتمی در نامه‌ای به مقام معظّم رهبری که در آن خبر از بحران در مدیران دولتی می‌داد، خواستار آزادی وی شد. پس از مدتی کرباسچی با حکم حکومتی آزاد گردید، امّا تا مدتها نه تنها نقل محافل سیاسی و مطبوعاتی، بلکه ماجرایی جالب برای عموم شده بود به طوری که نمایش محاکمه وی از تلویزیون به سریال کرباسچی شهرت یافت.

یک سال از دولت اصلاحات با حوادث متعددی گذشت. طرحی از جانب دفتر تحکیم وحدت و روزنامه سلام در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۷ مطرح شد: «برگزاری سالگرد دوم خرداد». طرحی که گرچه به ظاهر، طرفداران رئیس‌جمهور منتخب را دور هم جمع می‌کرد امّا در واقع نگه داشتن تب و تاب انتخابات و دو دستگی‌ها و اختلافات مردم بود و این بدعت تا سالها ادامه یافت ـ شاید یکی از شیوه‌های دشمن همین باشد که از زمانهای اختلافی بین مردم استفاده کرده و تشنج را در جامعه حاکم کند ـ دوم خرداد مصادف بود با ۲۵ محرم که بنا به روایتی سالروز شهادت امام سجاد(ع) بود. در این روز یکی از معدود راهپیماییهای دانشجویی در دههٔ ۷۰ و سخنرانی مفصل و طولانی خاتمی به همراه سوت و کف زدنهای مکرر حضار در شب شهادت امام سجاد(ع) اتفاق افتاد. جشن سالگرد دوم خرداد آن هم در شب شهادت امام سجاد(ع) باعث شد تا جمعی از طلاب و روحانیون قم و مشهد کفن‌پوش دست به راهپیمایی اعتراض‌آمیز بزنند. دنبال‌کنندگان پروژه جامعه مدنی خواستار برگزاری اوّلین انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا شدند و سید محمد خاتمی نیز در اواخر سال ۱۳۷۷ این دستور را صادر نمود.

در پاییز ۱۳۷۷ قتلهای زنجیره‌ای با کشته شدن داریوش فروهر و همسرش و چندی بعد محمد

مختاری و پس از او محمدجعفر پوینده و با هدف تضعیف دستگاههای امنیتی وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران به وقوع پیوست. همچنین در ۱۸ تیر ۱۳۷۸ حادثه کوی دانشگاه به بهانه توقیف روزنامه سلام کلید خورد که سید محمد خاتمی از آن به عنوان تاوان قتلهای زنجیره‌ای یاد کرد.

در همان سال عبدالله نوری به دلیل نشر اکاذیب در روزنامه خرداد توسط هیأت منصفه دادگاه ویژه روحانیت به پنج سال زندان محکوم گردید و سید محمد خاتمی زندانی شدن نوری را، محروم شدن ایران از یک دولتمرد توانا توصیف کرد.

دو هفته قبل از برگزاری انتخابات مجلس ششم، چاپ کاریکاتور یکی از علمای قم، سبب راهپیمایی و تحصن علیه سیاستها مطبوعاتی وزارت ارشاد دولت خاتمی شد و انتخابات مجلس ششم با پیروزی جریان افراطی دوم خرداد در ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ به پایان رسید. خاتمی با همراهی نمایندگان افراطی مجلس ششم تلاش نمود با استفاده از ابزارهای قانونی، قوانینی را به تصویب برسانند که با قانون اساسی در تعارض بود. تلاش برای تصویب قانون مطبوعات، لایحه افزایش اختیارات ریاست‌جمهوری و لایحه اصلاح قانون مطبوعات از جمله این اقدامات بود که با هوشیاری شورای نگهبان ناکام ماند.

روزهای سال ۱۳۷۸ رو به پایان بود که در بیست و دوم اسفند، سعید حجاریان (مشاور سیاسی خاتمی) در مقابل شهرداری تهران به طرز مشکوکی ترور شد. خاتمی در واکنش به ترور حجاریان اعلام کرد: «ما تا آخر ایستاده‌ایم.» آغاز سال ۱۳۷۹ مواضع و اندیشه‌های بسیاری از اطرافیان خاتمی را به وضوح روشن ساخت. بنیاد هاینریش که زیر نظر حزب اسلام‌ستیز «سبزهای آلمان» اداره می‌شد کنفرانسی را برگزار کرد و تعدادی از اصلاح‌طلبان که مورد حمایت و از نزدیکان سید محمد خاتمی بودند ـ عزت‌الله سحابی، حمیدرضا جلایی‌پور، حسن یوسفی اشکوری، علیرضا علوی تبار، اکبر گنجی، علی افشاری، جمیله کدیور و . . . ـ را برای سخنرانی در آن دعوت کرد. در این کنفرانس که به کنفرانس برلین مشهور است علاوه بر رقص زنان، افراد مذکور، رسماً با زیر سؤال بردن بسیاری از مبانی دینی جمهوری اسلامی و قانون اساسی با مطرح کردن مبانی ترجمه‌ای و سکولار در پوشش دموکراسی و آزادیخواهی، پروسه استحاله جمهوری اسلامی را دنبال نمودند. به عنوان مثال در حال مبارزه با دیکتاتوری در داخل هستند.»

پس از پخش صحنه‌هایی از این کنفرانس ذلت‌بار از صدا و سیما، بسیاری از مراجع تقلید ،علما و مردم بدان واکنش نشان دادند و متعاقب آن شرکت‌کنندگان در این کنفرانس به دادگاه انقلاب فراخوانده شدند و محاکمه شدند. پس از ماجرای کنفرانس برلین مقام معظّم رهبری در دیدار چند تن از سران جبهه اصلاحات با تأکید بر ضرورت وفاداری به شعارها و مواضع اصولی انقلاب تصریح کردند: «همه شما معتقد به اسلام، انقلاب و امام هستید، ولی در داخل کشور کسانی هستند که همچون آمریکا، با این اصول دشمنی می‌ورزند و مهم این است که در برابر این مخالفتها و دشمنیها، به طور شفاف و روشن موضعگیری شود، امّا موضع برخی دوستان و مجموعه‌های سیاسی در این

زمینه‌ها، به قدری نامحسوس است که اگر کسی به این مواضع اعتقاد یافت، احساس می‌کند می‌تواند حتی به ضد انقلاب نیز نوعی دلبستگی داشته باشد.» ایشان خاطرنشان کردند: «بنده با اظهار نظر مخالفان و انتشار مقالات تحلیلی آنها در چارچوب قوانین، مخالفتی ندارم، همان‌گونه که از اوّل انقلاب نیز این مسأله وجود داشته است، امّا نباید به این بهانه‌ها، فضای کشور به دست ضد انقلاب سپرده شود، عرصه بر انقلابیون تنگ گردد.»

سال ۱۳۸۰ در حالی آغاز شد که واکنشهای جریان دوم خرداد به توقیف برخی نشریات و روزنامه‌ها ادامه داشت و در این حین البته برخی چون مصطفی تاجزاده، فاطمه حقیقت‌جو و برخی عناصر ملی ـ مذهبی طعم بازداشت و دادگاه را تجربه می‌کردند. در پی تردیدهای خاتمی برای حضور در انتخابات هشتم ریاست‌جمهوری اسلامی اسامی مختلفی برای کاندیداتوری مطرح شد، امّا اصلاح‌طلبان می‌کوشیدند تا به هر نحو ممکن خاتمی را وارد عرصه انتخابات کنند و از او پلی بسازند برای رسیدن به اهداف ساختارشکنانه‌ای که در سر می‌پروراندند. در حالی که همچنان تردیدهای خاتمی ادامه داشت. علی شکوری‌راد از قضاوت خاتمی در این خصوص و نگرانیهای وی سخن گفت. وی تصریح کرد: «آقای خاتمی می‌گوید آیا من خواهم توانست در جهت برنامه‌ها قدمی برای مردم و مملکت بردارم و آیا حضورش اثر مثبتی خواهد داشت. ما به آقای خاتمی حق می‌دهیم، امّا از وی خواسته‌ایم به احترام خرد جمعی بپذیرد و آقای خاتمی هم به خرد جمعی بی‌اعتنایی نخواهد کرد.» شکوری‌راد افزود: «نیامدن آقای خاتمی بسیار سنگین است و استدلالهای او قابل توجه است و نیامدن او هم ممکن است فردای‌تیره و تاری را رقم بزند.» و سرانجام در سومین روز ثبت نام نامزدهای ریاست‌جمهوری، خاتمی با حضور در وزارت کشور ضمن رد خبر تردیدش در انتخابات در حالی که در پایان سخنانش اشک ریخت، گفت: «من دغدغه‌ها و نگرانیهایی نسبت به سرنوشت انقلاب و ایران داشتم که کم و بیش، در جاهای مختلف نیز بیان می‌کردم. این نگرانی، نگرانی همهٔ دلسوزان انقلاب و ایران است و طبیعی است که من هم در مقطع کنونی، این نگرانی و دغدغه را دارم. ضمن آن که من در این زمینه تأمل کردن که آیا در مقام ریاست‌جمهوری بیشتر می‌توانم به این انقلاب، ملت و کشور، خدمت کنم یا در موقعیت دیگری؟ البته ترجیح می‌دادم که این فرصت، در موقعیت دیگری باشد؛ علت آن نیز این است که این ملت، در طول تاریخ، خواسته‌های بزرگی داشته که مهمترین آنها، تحقق مردم‌سالاری بوده است.»

در نهایت انتخابات هشتم در ۱۸ خرداد ۱۳۸۰ برگزار شد و سید محمد خاتمی با کسب ۲۲ میلیون رأی برای بار دوم رئیس‌جمهور کشور شد. مدتی بعد مقام معظّم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری خاتمی در سخنانی ضمن اشاره به تهاجم فرهنگی دشمن، انواع فساد را مورد توجه قرار دادند و فرمودند: «فساد انواع و اقسامی دارد که فسادهای ملی و اقتصادی از جمله آنهاست. یکی از بزرگترین مسؤولیتهای مسؤولان کشور ـ از جمله رئیس‌جمهوری محترم ـ تعقیب مفاسد مالی و اقتصادی است که باید در برنامه دولت قرار گیرد.»

انتخاب مجدد سید محمد خاتمی به عنوان رئیس دولت هشتم را می‌توان سرآغاز پایان فرصت برای جریان دوم خرداد دانست که روزبه‌روز پایگاه اجتماعی خود را از دست می‌داد. در سالهای دولت دوم خاتمی اتفاقاتی رخ داد که ریزش شدید هوادران اصلاح‌طلبی را به دنبال داشت.

سعید حجاریان روایت می‌کند که سال ۱۳۸۰ در گفتگویی خصوصی به محمد خاتمی گفت اصلاحات به سبب فقدان نیروی اجتماعی در حال فروپاشی است. او از رئیس دولت اصلاحات خواست که همزمان، نقش رهبر اپوزیسیون را نیز بازی کند تا جنبش، بی‌سر نشود و نمیرد. خاتمی به حجاریان پاسخ داد که از سرنوشت بنی‌صدر می‌ترسد و گفت: «من نمی‌خواهم مثل بنی‌صدر شوم. چون بنی‌صدر می‌گفت که در دنیا فقط من هستم که هم رئیس‌جمهورم و هم رئیس اپوزیسیون.» در سال ۱۳۸۱، هاشم آغاجری (عضو سازمان مجاهدین و حامی خاتمی) در همدان به ساحت مراجع تقلید اهانت کرد و دادگاه وی را به اعدام محکوم کرد. در حالی که بسیاری از مراجع، علما و مردم انقلابی در برابر اظهارات وقیحانه آغاجری موضع‌گیری کرده بودند، سید محمد خاتمی به همراه احزاب دوم خردادی به حکم دادگاه اعتراض کرد و در دخالتی آشکار به دستگاه قضایی گفت: «این حکم نباید صادر می‌شد. در مسائل نظری و اعتقادی نمی‌توان به این سادگی درباره افراد حکم کرد. آن هم درباره کسی که سوابق روشنی دارد.»

سال ۱۳۸۱ سال اختلافات داخلی اصلاح‌طلبان بود. اعضای شورای شهر که از مدتها پیش با هم اختلاف داشتند، به جای پرداختن به مشکلات مردم، به منازعات سیاسی مشغول بودند. آنان با شهردار و وزارت کشور نیز مشکل پیدا کردند. از این رو در آذر ۱۳۸۱، وزارت کشور، شورای شهر را منحل اعلام کرد و پس از برگزاری انتخابات شورای دوم، گروه نوپایی به نام آبادگران شامل عباس شیبانی، مهدی چمران و چند تن از چهره‌های اصولگرا انتخاب گردیدند و این‌گونه بود که اصلاح‌طلبان دچار افول شدند. اما اوج این افول، نافرمانی مدنی برخی نمایندگان اصلاح‌طلب در واکنش به رد صلاحیت آنان در انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی بود. نمایندگان رد صلاحیت شده استعفای دسته‌جمعی داده و در مجلس به تحصن نشستند. همچنین برخی استانداران نیز تهدید به استعفا نمودند. خاتمی خطاب به استانداران گفت: «محکم بایستید، اگر نخواستید با هم می‌رویم.» خاتمی به همراه کروبی در جلسه مشترکی با شورای نگهبان موضوع را پیگیری کردند. همچنین آنان در این باره با رهبر انقلاب دیدار نموده و خواستار تعویق زمان انتخابات شدند که با مخالفت رهبری مواجه گردیدند. مقام معظّم رهبری در این دیدار تأکید کردند که انتخابات باید در روز موعد برگزار گردد.

انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی نیز در اسفند ۱۳۸۲ و با پیروزی آبادگران که سال گذشته در انتخابات شوراها پیروز شده بودند، پایان یافت. شورای دوم شهر تهران، محمود احمدی‌نژاد را به عنوان شهردار تهران برگزید و وی فارغ از درگیریهای حزبی در مدت چند ماهه ریاستش بر شهرداری، خدمات قابل توجهی را ارائه کرد. سید محمد خاتمی که عملکرد شهردار تهران را

نمی‌پسندید در سخنانی که از صدا و سیما پخش شد از مشکل ترافیک و احمدی‌نژاد انتقاد کرد. محمود احمدی‌نژاد نیز در پاسخ به خاتمی با ابراز خرسندی از این‌که رئیس‌جمهور خاتمی، برای یک بار هم که شده از خط ویژه استفاده نکرده است ومشکل ترافیک شهر تهران را از نزدیک لمس نموده، پیشنهاد کرد، وی دفترکاری خود را از نیاوران به پاستور انتقال دهد تا مجبور به رفت و آمد در ترافیک در سطح شهر نباشد.

روزهای پایانی ریاست‌جمهوری خاتمی، روزهای خوبی برای وی نبود. وی در مراسم روز دانشجو سال ۱۳۸۳ مجبور شد، چهره‌ای را از خود نشان دهد که سالها بود نشان نداده بود. شاید اگر خاتمی از روز اوّل این‌گونه موضع‌گیری می‌کرد، بسیاری از مسائل اتفاق نمی‌افتاد.

خاتمی ۱۶ آذر ۱۳۸۳ در دانشگاه تهران حضور یافت. در این مراسم سخنان خاتمی بارها توسط دانشجویان قطع شد و آنان وی را هو کردند. خاتمی که عصبانیت از رویش مشخص بود، خطاب به آنها گفت: «این‌گونه رفتار خلاف دموکراسی است. چند نفرید که هو می‌کنید. کاری نکنید که بگویم بیرونتان بکنند. خدا نکند آدمهایی که تحمل دیگران را ندارند به قدرت برسند.» زمانی که خاتمی سخنانش را ادامه می‌داد، این عده دوباره با هو کردن صحبتهای وی را قطع کردند که خاتمی برافروخته شد و گفت: «شما که هنوز به قدرت نرسیده، تحمل دیگران را ندارید، خدا کند به قدرت نرسید، شما در همه چیز انحراف ایجاد کرده‌اید و حالا نمی‌گذارید کسی حرف بزند.» در ادامه خاتمی و در واکنش به بی‌نظمی جلسه گفت: «اگر بنا این باشد که من حرف نزنم، همین الان از این جا می‌روم.» وی در کمال تعجب افزود: «برخی اصلاح‌طلبان این‌گونه وانمود کرده‌اند که زمینه را برای سخت‌گیری نیروهای متعصب بیشتر کرده‌اند و متأسفانه پایگاه خود را در میان اکثریت مردم متدین از دست دادند و امروز در اردوگاه اصلاح‌طلبان، متأسفانه صداهایی می‌شنویم که دشمنان این ملت، آن را بیان می‌کنند.» گرچه این اظهارات خاتمی در سال پایانی ریاست‌جمهوری‌اش بیان شد، امّا خاتمی و یارانش هیچ‌گاه درصدد پالایش و تسویه این دشمنان (عناصر سکولار و لائیک) از اردوگاه اصلاح‌طلبان برنیامدند و خطوط قرمزی برای خود ترسیم ننمودند. از این رو با پایان دوران ریاست‌جمهوری خاتمی، مردم که از شعار توسعه سیاسی و درگیریهای حزبی و جناحی خسته شده بودند، انتخابات نهمین دوره ریاست‌جمهوری را به گونه‌ای دیگر رقم زدند.

سید محمد خاتمی در انتخابات نهم در ابتدا از مصطفی معین (وزیر علوم دولت اصلاحات) حمایت و با به دور دوم کشیده شدن انتخابات و رقابت میان هاشمی رفسنجانی و احمدی‌نژاد، به حمایت از هاشمی پرداخت. وی در آستانه دور دوم انتخابات نهم با صدور بیانیه‌ای که به نوعی حمایت از هاشمی تلقی شد بیان داشت: «بیایید به حرمت عهد مقدسی که از هشت سال پیش با هم بستیم، بکوشیم در ماههای پایانی این دوران درخشان و سخت، منصب پرافتخار خدمتگزاری را به آن کس واگذاریم که آزادی را صادقانه پاس بدارد و در پی پیشرفت و سازندگی و عدالت مبتنی بر توسعه و قادر به دفاع از عزت و حیثیت و منافع کشور در جهان کنونی باشد.» امّا علی‌رغم

پیش‌بینی‌ها، حمایتها و تخریبها و تحقیرها، دکتر محمود احمدی‌نژاد به عنوان ششمین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران از سوی مردم انتخاب گردید.

سید محمد خاتمی با صدور بیانیه‌ای ضمن تبریک حضور ملت شریف ایران آورد: «امروز همه ما صرف نظر از نتیجه انتخابات باید به آنچه در ایران تجربه می‌شود، احترام بگذاریم.»

در شرایطی که برخی کاندیداهای انتخابات نهم (هاشمی و کروبی) اعتراضاتی به نتایج آراء داشتند، خاتمی دستور بازشماری برخی صندوقها را صادر کرد و پس از آن با اطمینان، از صحّت و سلامت انتخابات خبر داد.

با پایان دوران هشت ساله ریاست‌جمهوری خاتمی، وی در بنیاد باران (بنیاد آزادی، رشد و آبادانی ایران) و مؤسسه بین‌المللی گفتگوی تمدنها مشغول به کار شد. خاتمی در قالب این مؤسسه بین‌المللی، تعدادی از بازنشستگان سیاسی جهان را برای حضور در سمیناری پرهزینه در تهران دعوت کرد. مقام معظّم رهبری در دیدار آنان، در مقابل ژستهای صلح‌جویانه‌ای که به نام گفتگوی تمدنها گرفته می‌شد، فرمودند: «دعا و نصیحت برای حل مشکلات جهان خوب است، امّا بدون عدالت‌طلبی و مقابله با ظلم، هیچ نصیحت و اقدامی مؤثر نخواهد بود.»

خاتمی در سفرهای خود به بهانه گفتگوی تمدنها، اقداماتی را انجام داد که بسیار سؤال‌برانگیز بود. وی در اجلاس ائتلاف تمدنها در ترکیه را راسموسن (دبیرکل ناتو و نخست‌وزیر دانمارک) که در زمان نخست‌وزیری‌اش از حامیان کاریکاتوریستهای توهین به پیامبر اکرم(ص) بود، دست داد. وی همچنین در جریان سفر به ایتالیا با برخی زنان و دختران که سر و وضع نامناسب داشتند، دست داد. خاتمی در ایران نیز در مراسم شب یلدای مجله چلچراغ اعمالی را انجام داد که خلاف شرع بود و این نمونه‌ها گرچه از سوی وی تکذیب شد، امّا انتشار فیلمهای آن از طریق بلوتوث در جامعه، تکذیب آن را دچار تردید کرد.

با تشکیل دولت نهم، اصلاح‌طلبانی که در انتخابات گذشته؛ مجلس، شوراها و ریاست‌جمهوری را از دست داده بودند، درصدد شدند تا استراتژی نقد را پیش بگیرند، لذا از روزهای آغازین روی کار آمدن دولت، نقدهای تند و گاه غیرمنصفانه شروع شد. غیرکارشناسانه بودن برنامه‌ها، پوپولیستی خواندن سفرهای استانی، ماجراجویی دولت، غیرعاقلانه بودن ایستادگی در برابر استکبار و . . . از جمله اتهاماتی بود که بر دولت نهم وارد شد و رسانه‌های دوم خردادی با بزرگنمایی خاصی به انتشار آن در جامعه پرداختند. امّا از سوی دیگر دولت نهم و شخص رئیس دولت نهم، با جدیت و تلاش خستگی‌ناپذیر، خدمت بی‌منت به مردم را برای خود افتخار دانسته و در پی نهادینه کردن آن برآمد. اقدامات مثبت دولت باعث شده بود تا روح امید در مردم دمیده شود و همگان بویژه اقشار محروم کشور از آن بهره‌مند شوند. این تلاشها موجب آن شد تا نخبگان و مردم بفهمند علی‌رغم تدارکاتچی خواندن رئیس‌جمهور در دولت قبل، رئیس‌جمهور می‌تواند منشأ خدمات بسیار و ماندگاری شود. فعالیتهای دولت، بویژه سفرهای استانی و استقبال گسترده مردم از رئیس‌جمهور و دولت نهم،

وضعیت ناگواری را برای اصلاح‌طلبان فراهم کرد. از این رو با نزدیک شدن ایام انتخابات دهم، استراتژی نقد به استراتژی تخریب مبدل گردید و خاتمی نیز از این امر مستثنی نبود و هرچند گاهی اظهاراتی را در تخریب دولت نهم بیان می‌کرد. به طور مثال وی درخصوص شرکت رئیس‌جمهور در اجلاس ژنو و اهانت چند صهیونیست به دکتر احمدی‌نژاد گفت: «نه، در مجامع بین‌المللی به من گوجه پرتاب نشده است.» وی همچنین با انتقاد از سیاستهای دولت اظهار داشت: «ببینید تحت عنوان عدالت چه چیزی حاصل شده است؟» خاتمی در دانشگاه تهران گفت: «می‌خواهیم از عقب‌ماندگی تاریخی نجات پیدا کنیم و ننگ عقب‌ماندگی را از تاریخ ملت ایران پاک کنیم.» خاتمی کم‌کم به یکی از منتقدان جدی دولت تبدیل شد و اصلاح‌طلبان با برگزاری جلسات متعدد به این نتیجه رسیدند که برای حفظ موجودیت سیاسی خود باید خاتمی را وارد عرصه رقابتهای انتخاباتی دهمین دوره ریاست‌جمهوری کنند. لذا از نیمه دوم سال ۱۳۸۷ عکسها و مصاحبه‌های خاتمی مجدداً تیتر نشریات و روزنامه‌های جریان دوم خرداد قرار گرفت و از خاتمی به عنوان ناجی کشور یاد شد.

سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان و تردیدهای خاتمی برای حضور در رقابتهای انتخاباتی و طرح «اگر او بیاید من نمی‌آیم و یا اگر من بیایم او نمی‌آید»، در شرایطی که موسوی هنوز نظر نهایی خود را درباره نامزدی اعلام نکرده بود، وی در حاشیه افتتاح سایت مجمع روحانیون نامزدی خود را اعلام کرد، امّا پس از مدتی کوتاه و با نامزدی میرحسین موسوی، انصراف داد.

علی‌رغم این‌که خاتمی دلیل کناره‌گیری خود را رسیدن به کاندیدای واحد برای اصلاح‌طلبان عنوان کرد، ولی بر اساس تحلیل بسیاری از کارشناسان سیاسی، وی پس از آن که با عدم استقبال مردم پس از سفر به چند استان کشور روبه‌رو گردید و همچنین مقایسه سفرهای استانی احمدی‌نژاد با وی و چندین عوامل دیگر، سبب شد تا قدمهای خاتمی در ادامه این مسیر سست شود.

خاتمی در بیانیه انصراف خود با حمایت از میرحسین موسوی، وی را فردی شایسته برای ایجاد تغییر در شرایط کنونی کشور دانست. بدین ترتیب انصراف خاتمی در روزهای پایانی سال ۱۳۸۷ تلخ‌ترین و دردناک‌ترین خبر برای اصلاح‌طلبان به حساب آمد.

خاتمی با انداختن شال سبز بر گردن موسوی، حامیانش را به سمت موسوی سوق داد. وی در میتینگهای انتخاباتی موسوی شرکت کرد و موسوی را بهترین گزینه برای ریاست‌جمهوری دانست. خاتمی از تخریبهای عناصر تندرو در جریان انتخابات دهم حمایت کرد و در برخی موارد مشوق آنان بود. برگزاری مراسم سالگرد دوم خرداد در ورزشگاه ۱۲ هزار نفری آزادی و در حمایت موسوی یکی از آن موارد بود.

میرحسین موسوی نیز برای جلب حمایت خاتمی و پر کردن سبد آرای خود از آرای هواداران خاتمی، به شیوه خاتمی عمل کرد. موسوی در تبلیغات خود از عکسهای خاتمی استفاده کرد و روشهای تبلیغاتی خاتمی را در پیش گرفت. تا این‌که مناظره‌های انتخاباتی آغاز گردید و احمدی‌نژاد در مناظره با میرحسین موسوی گفت: «باور من این است که امروز آقای موسوی در برابر من نیست.

تنها آقای موسوی نیست، بلکه ۳ دولت پی‌درپی در برابر بنده قرار گرفته‌اند. هم آقای هاشمی و هم آقای خاتمی که این سه در گذشته با هم بودند. در دور گذشته هم آقای موسوی از آقای خاتمی حمایت کرد و هم از آقای هاشمی حمایت کرد و هم آقای خاتمی، از آقای هاشمی حمایت کرد، درواقع اینها همه با هم بودند.» پس از این مناظره، سید محمد خاتمی با تقدیر از متانت موسوی، این مناظره را تقابل بی‌هنری و هنرمندی دانست.

ایام رقابتهای انتخاباتی به پایان رسید و دکتر محمود احمدی‌نژاد با کسب بیش از ۲۴ میلیون رأی پیروز انتخابات شد، ولی نامزد مورد حمایت خاتمی با قانون‌شکنی، قواعد رقابتهای انتخاباتی را برهم زد و راهی را پیش گرفت که رسانه‌های معاند خارج از کشور تجویز کرده بودند و خاتمی ـ که از او انتظار می‌رفت، موسوی را به پیگیری شکایتش از راه قانون دعوت کند ـ هیچ واکنش مثبتی نشان نداد. بلکه از وی نیز در ادوکشی‌های خیابانی حمایت و آن را حق موسوی دانست. خاتمی همچنین از دستگیری تعدادی از اصلاح‌طلبان که آشوبها را هدایت می‌کردند برآشفت و احساس نگرانی کرد. وی برگزاری دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات را مردود دانست و مدعی شد که اعترافات در زیر شکنجه بوده است!

بویژه آن که کیان تاجبخش در دادگاه از دیدار خاتمی با جرج سوروس (رئیس بنیاد سوروس) پرده برداشت و همچنین سید محمدعلی ابطحی (رئیس دفتر خاتمی) در اعترافات خود در دادگاه انقلاب اسلامی بیان داشت: «بعد از انتخابات، روز شنبه یک جلسه مشترکی بین آقایان هاشمی، خاتمی و موسوی برگزار شد که من هم از آن اطلاع داشتم. آقایان در آن جا تقریباً هم‌قسم شدند که پشت همدیگر را خالی نکنند.»

هرچند روز بعد از دادگاه دفتر هاشمی و خاتمی این اظهارات را تکذیب کردند، امّا اعمال و رفتار و موضع‌گیریهای آن دو در حوادث پس از انتخابات گویای تصدیق سخنان ابطحی بود.

در این راستا، سید محمد خاتمی پس از خطبه‌های سؤال‌برانگیز نمازجمعه هاشمی برای پایان دادن به مناقشات پیشنهاد غیرقانونی رفراندوم را مطرح کرد و گفت: «این همه‌پرسی را باید نهادهای بی‌طرفی نظیر مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار کنند و از مردم سؤال شود آیا آنچه پیش آمده، مطلوب و رضایت‌بخش است؟ اگر اکثریت مردم این وضع را قبول داشته باشند، ما هم تسلیم هستیم.»

سید محمد خاتمی در طول حوادث پس از انتخابات، نه تنها موضعی در دفاع از نظام اسلامی و بویژه ولایت فقیه نگرفت، بلکه در برابر بسیاری از حوادث مانند اهانت به حضرت امام(ره)، شعارهای انحرافی جمهوری ایرانی، نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران، سکوت کرده و در مواردی به حمایت از اغتشاشگران و اهانت‌کنندگان پرداخت. تا این‌که با وقوع حادثه تلخ در روز عاشورای ۱۳۸۸ و اهانت به ساحت امام حسین(ع) و حمایتهای مکرّر وی از موسوی، سبب شد تا مردم انقلابی در سراسر کشور در راهپیمایی تاریخی ۹ دی ۱۳۸۸ شعارهایی علیه وی سر دهند!

سید محمد خاتمی در شرایطی که جنبش موسوم به سبز با ریزش زیادی روبه‌رو بود با ترتیب دادن دیدارهایی با خانواده متهمان حوادث پس از انتخابات و برخی شخصیتهای همفکر، سعی نمود تا این جنبش را زنده نگه دارد. وی در مقطعی با انتقاد از روحیه لجاجت‌آمیز میرحسین و کروبی، آن را موجب ریزش حامیان و آسیب دیدن فرایند اصلاح‌طلبی و اثبات ساختارشکنی دانست و تلاش کرد تا از آنان فاصله بگیرد. امّا این مواضع خاتمی قبل از آن که جبران اشتباهات گذشته تلقی شود، مواضعی برای ادامه فعالیت سیاسی در آینده و حفظ جریان مدعی اصلاحات ارزیابی شد. این تحلیل زمانی بیشتر عینی گردید که سید محمد خاتمی در دی ماه ۱۳۸۹ در دیدار اعضای فراکسیون اقلیت مجلس بدون اشاره به ۸ ماه تحریک به آشوب و فتنه‌گری برای برهم ریختن قواعد مردم‌سالاری و قانون، کوشید تا ژست قانونگرایی و دموکراسی‌خواهی بگیرد! وی در این دیدار ضمن بیان عجیب این‌که اقلیت مجلس خواست و اراده اکثریت معنوی جامعه را نمایندگی می‌کند، اظهار داشت: «تأکید ما بر انتخابات سالم، حفظ سلامت در تمامی مراحل انتخابات، از مقدمات تا نحوه تشخیص صلاحیتها، حقوق کاندیداها در نظارت بر صندوقها و روند رأی‌گیری و شمارش آرا است. خواست ما در گذشته و امروز موارد مشخصی بوده که حتی پس از حوادث انتخابات اخیر کشور نیز بر آن تأکید کردیم. باید شرایط حضور با نشاط مردم و تأمین حقوق آنان تضمین شود و باید ساز و کاری برای انتخابات کشور تدوین شود که کمترین محدودیت برای آزادی و رأی مردم و بیشترین فضا برای تحقق خواست و اراده آنان فراهم شود.»

خاتمی در ادامه بدون اشاره به نامه‌های متعدد خود به قوّه قضائیه و صحه گذاردن بر ادعاهای موسوی مبنی بر این‌که آراء موسوی به نفع احمدی‌نژاد مصادره شده، افزود: «منظور ما از انتخابات سالم، فقط امکان وقوع تقلب در رأی‌گیری نیست بلکه تأکید ما بر انتخابات سالم، حفظ سلامت در تمام مراحل انتخابات می‌باشد.» خاتمی در حالی این‌گونه سخن گفت که عملکرد وی و همفکرانش در انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری نشان داد، اصلاح‌طلبان در شرایطی که ۴۷ هزار نماینده در کنار شعب اخذ رأی داشتند، امّا هیچ‌کدام یک سند و یک دلیل موجّه برای تقلب و عدم سلامت انتخابات گزارش نکردند و بر طبل انتخابات کوبیدند!

پیوست ۲

بخشی از زندگینامه محسن رضایی

محسن رضایی میرقائد در ۱۰ شهریور ۱۳۳۳ در مسجدسلیمان به دنیا آمد. وی پس از دوران ابتدایی و متوسطه در سال ۱۳۵۲ جهت تحصیل در رشته مهندسی مکانیک در دانشگاه علم و صنعت به تهران آمد. وی در دوران دانشجویی وارد مبارزات چریکی علیه رژیم پهلوی شد و عضو گروه چریکی اسلامی منصورون بود. با پیروزی انقلاب اسلامی و با تأکید حضرت امام بر وحدت گروههای مبارز، مذاکرات میان گروههای مبارز آغاز شد و محسن رضایی نماینده گروه منصورون بود که سرانجام ۷ گروه مبارز در هفتم فروردین ۱۳۵۸ با صدور بیانیه‌ای ذیل نام جدید سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی اعلام موجودیت کردند. محسن رضایی به همراه تعدادی دیگر از مبارزان و نیروهای وفادار انقلابی از جمله محسن رفیق‌دوست، محمدباقر ذوالقدر، محمد بروجردی، یوسف کلاهدوز، عباس دوزدوزانی، عباس آقازمانی، علی دانش منفرد، علی‌محمد بشارتی، محمد غرضی، محمد منتظری و . . . به منظور پر کردن خلأ به وجود آمده از تضعیف ارتش ـ فرار یا اعدام عده‌ای از سران ارتش در ابتدای انقلاب ـ و برای رسیدن به پشتوانه قدرت سیاسی نظام جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را تشکیل دادند. وی در اوّلین شورای فرماندهی سپاه به عنوان معاون اطلاعات و تحقیقات سپاه معرفی گردید و پس از آغاز جنگ تحمیلی و در اوّلین ماههای جنگ (شهریور ۱۳۶۰) با حکم حضرت امام(ره) در سن بیست و هفت سالگی به فرماندهی سپاه پاسداران منصوب شد.

محسن رضایی در طول جنگ با همراهی یاران شهیدش همچون حسن باقری، محمد بروجردی، ابراهیم همت، حسین خرازی، احمد کاظمی، مهدی باکری و . . . در برابر تهاجم دشمن بعثی ایستادگی و عملیات مهمی را طرحریزی و عملیاتی کرد. وی به اتفاق امیر شهید صیاد شیرازی در وحدت نیروهای ارتش و سپاه نقش اساسی را ایفا نمود.

پس از پایان جنگ هشت ساله، محسن رضایی تحصیلات مهندسی خود را نیمه‌کاره گذاشت و در رشته اقتصاد به ادامه تحصیل پرداخت و توانست دکترای اقتصاد خود را از دانشگاه تهران دریافت کند. وی با راه‌اندازی قرارگاه بازسازی خاتم‌الانبیاء در سپاه پاسداران عملاً این نهاد مقدس را به تلاش در عرصه سازندگی و عمرانی واداشت و چندین طرح عمرانی را زیر نظر دولت سازندگی

هاشمی رفسنجانی به انجام رسانید.

در ماههای آغازین سال ۱۳۷۶ فرزند وی (احمد رضایی) به آمریکا پناهنده شد و با انجام مصاحبه‌هایی علیه جمهوری اسلامی جنجال بسیاری را آفرید. چند ماه بعد محسن رضایی از فرماندهی سپاه کناره‌گیری کرد و با حکم مقام معظّم رهبری به سمت دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام منصوب گردید. از جمله تلاشهای وی در مجمع تشخیص می‌توان به نقش وی در تدوین سند چشم‌انداز بیست ساله ایران و نیز اصلاح قانون سرمایه‌گذاری خارجی اشاره کرد.

محسن رضایی در سال ۱۳۷۸ خود را کاندیدای نمایندگی مجلس شورای اسلامی کرد و مورد حمایت ائتلاف خط امام و رهبری قرار گرفت امّا موفق به کسب آرای لازم نشد. وی پس از آن در سال ۱۳۸۴ با شعار انتخاباتی دولت عشق پا به عرصه رقابتهای انتخاباتی ریاست‌جمهوری گذارد ولی دو روز پیش از برگزاری انتخابات کناره‌گیری خود را اعلام نمود. در بیانیه‌ای که در آن زمان منتشر کرد، دلیل کناره‌گیری خود را جلوگیری از پراکندگی آرای مردم در اثر کثرت نامزدها عنوان کرد.

محسن رضایی پس از برگزاری انتخابات نهم ریاست‌جمهوری، به یکی از منتقدان جدی برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و . . . دولت تبدیل شد. وی با راه‌اندازی سایت تابناک مواضع و رویکردهای خود را انعکاس می‌داد. هرچند محسن رضایی چهره‌ای اصولگرا محسوب می‌شد امّا در شرایطی که اصلاح‌طلبان، حملات تخریبی خود را علیه دولت اصولگرای نهم آغاز کرده بودند، وی نیز دولت نهم را از این حملات بی‌نصیب نگذاشت.

سایت تابناک منتسب به رضایی با انتشار عکس دکتر احمدی‌نژاد و دیدار با کودکان بی‌سرپرست در آغاز سال جدید آن را تبلیغاتی خواند و ادعا کرد: «احمدی‌نژاد به غیر از سفرهای استانی با حضور در مجامعی همچون خوابگاههای دانشجویی و مراکز کودکان بی‌سرپرست دست به کار تبلیغاتی می‌زند.» رضایی در سخنانی در آستانه برگزاری انتخابات دهم ریاست‌جمهوری ـ که با بزرگنمایی رسانه‌های جریان دوم خرداد همراه شد ـ به تخریب دولت نهم پرداخت. به طور مثال، رضایی ادامه راه دولت نهم را بردن کشور به پرتگاه توصیف کرد و در شرایطی که اصلاح‌طلبان سیاست خارجی دولت نهم را ماجراجویانه می‌خواندند، وی نیز در اظهاراتی گفت: «صندلی ریاست‌جمهوری توهّم مدیریت جهان را ایجاد کرده است.»

با نزدیک شدن ایام انتخابات ریاست‌جمهوری دهم، پروژه عبور از احمدی‌نژاد توسط تعدادی از سیاسیون تحت تأثیر القائات جریان اصلاحات، کلید خورد. هرچند بسیاری از اصولگرایان بر وحدت روی کاندیداتوری احمدی‌نژاد تأکید داشتند. امّا محسن رضایی در تلاش بود تا برای تغییر در وضعیت مدیریت کشور از میان ولایتی، لاریجانی و قالیباف یکی را متقاعد برای نامزدی ریاست‌جمهوری کند. لذا گفتگوهایی در این رابطه شکل گرفت. عدم حمایت گروههای مطرح اصولگرایان از نامزدی لاریجانی و قالیباف موجب شد تا آنان، کاندیداتوری خود را تکذیب نمایند. در این شرایط بود که محسن رضایی با ایده دولت ائتلافی کارآمد و متحد، اعلام حضور کرد. رضایی درباره علل حضور خود

گفت: «یکی از آن دلایل این است که اگرچه من انتظار می‌کشدیم تا آخرین لحظه، یکی از دوستانی که دولت ائتلافی را قبول داشتند پا پیش بگذارند و من کمک‌شان کنم، امّا آنها این کار را نکردند. دلیل دوم هم این بود که هرچه من به گفتمان کاندیداهایی که هم‌اکنون در صحنه انتخابات هستند توجه کردم، دیدم که برنامه‌ها و ایده‌هایی که ما داریم را مطرح نمی‌کنند، یا اگر برخی آنها را به صورت ضعیف طرح می‌کنند یک راه‌کار واقعی و اجرایی برای تحقق آن ایده‌ها ندارند. بنابراین بر خود تکلیف دیدم تا برنامه‌ها و ایده‌های خودم را مطرح کنم و در محضر انتخاب مردم قرار گیرم.» وی که شعار دولت ائتلافی را می‌داد، تصمیم داشت، چهره‌های سرشناسی که با نگاه اجمالی می‌توان دریافت آنان اختلافات بسیاری در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی دارند را در کنار هم بنشاند. رضایی در این باره گفت: «اگر در انتخابات پیروز شوم، از همه ظرفیتها در کشور؛ از میرحسین موسوی در ارشاد، خاتمی در سیاست خارجی، احمدی‌نژاد در زمینه نیرو و انرژی، از ناطق نوری برای ارتباط با کشورهای میانه، از ولایتی، قالیباف و کروبی هم استفاده خواهم کرد.»

اعلام حضور رضایی در عرصه رقابتهای انتخابات دهم ریاست‌جمهوری با واکنشهای متفاوتی در دو جریان اصولگرایی و اصلاح‌طلبی روبه‌رو شد. برخی این حضور را موجب رونق فضای انتخاباتی و افزایش شرکت‌کنندگان دانستند. برخی دیگر هویت قومی رضایی (لر بودن و خوزستانی بودن رضایی) را موجب کاهش آرای قومی کروبی ارزیابی کردند و تعدادی دیگر حضور رضایی را مانعی برای تمایل آراء اصولگرایان به سمت اصلاح‌طلبان دانستند. اصلاح‌طلبان از این حضور به ایجاد شکاف در جبهه اصولگرایان یاد کردند، امّا اصولگرایان حامی دولت، حضور رضایی را بی‌تأثیر در سبد آرای احمدی‌نژاد تحلیل نمودند.

از سویی خبرهایی مبنی بر توصیه هاشمی رفسنجانی به رضایی، برای کاندیداتوری، در سطح جامعه انتشار یافت و محسن رضایی در واکنش به این خبرها، اظهار داشت: «برای آمدن از هیچ کس مشاوره و توصیه نگرفته‌ام.»

از سوی دیگر نطقهای انتخاباتی رضایی به عنوان نامزدی از جبهه اصولگرایان، بیش از این‌که به نقد عملکرد جریان دوم خرداد اختصاص یابد، بیشتر در جهت تخریب دولت اصولگرای نهم بود و این خود قرینه آشکاری بود که جریان حامی رضایی از طریق چهره‌های پشت پرده سیاست جبهه دوم خرداد هدایت می‌شود.

رضایی که مهمترین برنامه خود را انقلاب اقتصادی معرفی کرده بود، بر این باور بود که باید اوّل یک مدلی برای الگوی توسعه کشور داشته باشیم. در غیر این صورت اصلاح ساختاری و اصلاح قیمتها به نتیجه نمی‌رسد و در این راه فدرالی شدن کشور را مطرح کرد. وی در مناظره شامگاه سه‌شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۸ با مهدی کروبی ضمن تشریح برخی برنامه‌های خود، آن را نزدیک به دیدگاه کروبی دانست و اظهار داشت: «تفاوت نظر بنده با آقای کروبی در این است که بهره چگونه به دست مردم برسد.» کروبی نیز در این مناظره گفت: «احساس می‌کنم نظرات بنده با رضایی در الفاظ

متفاوت است.» و رضایی در پایان مناظره مجدداً تأکید کرد: «بنده و کروبی نیت‌مان یکی است.»
محسن رضایی در مناظره خود با موسوی ـ که تحت تأثیر مناظره شب گذشته بین احمدی‌نژاد و موسوی بود ـ تلاش نمود تا با گذشتن از بحث شب قبل، فضای مناظره را به سمت دیگری ببرد. وی در ابتدای مناظره از به وقوع پیوستن پیش‌بینی سال گذشته خود اظهار تأسف کرد و گفت: «متأسفم که پیش‌بینی سال گذشته‌ام مبنی بر گسترش و ایجاد تفرقه و نفاق درست درمی‌آید.» وی مناظره احمدی‌نژاد و موسوی را یک منازعه توصیف کرد و افزود: «راه من این است که یک تحول در اقتصاد کشور به وجود بیاید، فرهنگ متحول و سیاست اصلاح شود.»
رضایی در مناظره با محمود احمدی‌نژاد که از آن به عنوان کارشناسی‌ترین مناظره یاد شد، سعی کرد برنامه‌های خود را تبیین نماید و در این راستا بحثهای قابل توجهی بین وی و احمدی‌نژاد رخ داد. رضایی در این مناظره در ابتدا سعی کرد با تعریف و تمجید از رئیس‌جمهور سخنان تخریبی خود را لاپوشانی کند، امّا پس از بحثهای خوبی که در مورد مسائل اقتصادی شد، قسمتهای انتهایی این مناظره به تخریب دولت انجامید. رضایی که با سؤالات احمدی‌نژاد مواجه شده بود، گفت: «من اتفاقاً یکی از اشکالات جدی‌ام به آقای احمدی‌نژاد این است که ایشان خودشان را فوق تخصص همه مسائل می‌دانند.»
سرانجام ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ از راه رسید و حد نصاب ۸۵ درصدی حضور مردم در انتخابات کشور ثبت شد، امّا در پی اعتراضات میرحسین موسوی و کروبی، محسن رضایی نیز به نتایج انتخابات اعتراض کرد. وی که توانسته بود نزدیک به هفتصد هزار رأی را به خود اختصاص دهد، با صدور بیانیه‌ای در ۲۶ خرداد با بیان این‌که پیش‌بینی چنین حوادثی را می‌کرده است، از نیروهای انتظامی خواست که با حضور مسالمت‌آمیز و آرام مردم، برخوردی دوستانه و محبت‌آمیز داشته باشند. وی همچنین از مردم خواست تا اعتراض خود را قانونی و با کمال مسالمت ابراز دارند.
رضایی همچنین در نامه‌ای به مقام معظّم رهبری در ۲۸ خرداد نوشت: «فرض می‌دانم تا از رهنمودهای راهگشای حضرت‌عالی در دیدار با نمایندگان ستادهای انتخاباتی، سپاسگزاری نمایم. همواره معتقد بوده و هستم که از کارکردهای مهم رهبری در جمهوری اسلامی ایران، حفظ وحدت جامعه و گره‌گشایی از بن‌بست‌های سیاسی در اداره کشور است و الحمدلله تاکنون چنین بوده است.» وی افزود: «امید است شورای محترم نگهبان و وزارت کشور، با الهام از رهنمودهای حضرت‌عالی گامهای مؤثری در رفع ابهامات انتخابات بردارند.» پس از پایان مهلت رسیدگی به شکایت نامزدهای معترض، شورای نگهبان علی‌رغم عدم همراهی مدعیان تقلب، در نامه‌ای از مقام معظّم رهبری خواستار افزایش پنج روزه فرصت رسیدگی به شکایات شد. با تأیید مقام معظّم رهبری مبنی بر افزایش مهلت رسیدگی، هیأت ویژه‌ای از سوی شورای نگهبان تشکیل و از نامزدهای معترض دعوت گردید تا در جلسه‌ای در حضور شورای نگهبان موضوعات مختلف مورد بحث و بررسی قرار گیرد. محسن رضایی برخلاف میرحسین و کروبی از این اقدام شورای نگهبان استقبال کرده و در

نامه‌ای به دبیر شورای نگهبان خواستار مشارکت مؤثر دیگر کاندیداها در این روند قانونی شد. وی در روز شنبه ۳۰ خرداد با حضور در شورای نگهبان تقاضای بازشماری ده درصدی آرای تمامی مراکز استان و نیز برخی شهرهای مورد نظر خود را نمود. پس از پایان بازشماری آرا و عدم وجود مغایرت محسوس بین آرای اعلامی و نتایج بازشماری، رضایی در تاریخ ۲ تیر ۱۳۸۸ با ارسال نامه‌ای به شورای نگهبان، انصراف خود را از پیگیری شکایتهای مطروحه اعلام کرد.

رضایی پس از انصراف خود از پیگیری شکایتش، بارها تلاش کرد تا موضوع وحدت را مطرح کرده و نامزدهای معترض را که ماهها کشور را دچار آسیب کردند و با اردوکشی خیابانی، آب به آسیاب دشمن ریختند، از هرگونه پاسخگویی معاف نماید. وی در بیانیه‌ای در ۲۱ تیر ۱۳۸۸ با بیان این‌که امروز هر نوع نزاع سیاسی هرچند برحق هم باشد، اگر ما را از ادامه انقلاب در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی بازبدارد یک گناه نابخشودنی است، نتیجه گرفت که پس راهی جز وحدت بر سر ادامه انقلاب اسلامی در حوزه‌های فتح نشده نیست! رضایی در ادامه با اشاره به این‌که جامعه ایران و طرفداران جمهوری اسلامی دچار اختلافات شده است، نوشت: «خانواده انقلاب را تهمت‌باران می‌کنند. عده‌ای به برخی از اعضای این خانواده، منافقین جدید لقب می‌دهند. عده‌ای دیگر بخشی از این خانواده را به عنوان خوارج لقب می‌دهند. آیا این یک توطئه نیست که نیروهای نظام را به جان هم بیاندازند و یک فروپاشی درونی صورت بدهند؟» محسن رضایی در بیانیه چند صفحه‌ای خود ادامه داد: «من معتقدم ادامه روش برخی از فعالان سیاسی ما را به عقب می‌برد و با شکست مواجه می‌کند و تاکنون هم آسیبهایی وارد کرده است و ادامه [این] روش برخی دیگر [از] ما را به سراشیبی می‌برد و آسیب می‌رساند. آسیبهایی که از هر دو طرف وارد شده، قابل اصلاح است، اگر عزمی برای اصلاح باشد این روشها باید اصلاح شود. با این حال معتقدم که آقایان میرحسین موسوی، احمدی‌نژاد و کروبی و سایر فعالان سیاسی راهی جز کنار هم نشستن برای منافع ملی را ندارند.»

رضایی در مهرماه ۱۳۸۹ مجوز روزنامه‌ای تحت عنوان «ملّت ما» را دریافت کرد، که از طریق آن مواضع خود را اعلام می‌نماید.

پیوست ۳

بخشی از زندگینامه میرحسین موسوی

سید حسین رهجو مشهور به میرحسین موسوی در ۱۱ اسفند ۱۳۲۰ در خامنه از توابع استان آذربایجان شرقی متولد شد. پدرش سید اسماعیل از تبریز و از بازرگانان چای بود. میرحسین پس از پایان دوره دبیرستان، در سال ۱۳۳۷ به تهران آمد و در سال ۱۳۴۸ در رشته معماری دانشگاه ملی ایران (شهید بهشتی) فوق لیسانس خود را دریافت نمود. در اواخر دهه چهل و اوایل دهه پنجاه با گروههای ملی ـ مذهبی همچون نهضت آزادی آشنا شده و بدین واسطه در جلسات علی شریعتی در حسینیه ارشاد تهران حضور پیدا کرد. وی همچنین در تأسیس جنبش مسلمان مبارز با حبیب‌الله پیمان همکاری کرد. موسوی در سال ۱۳۴۸ در حالی که فارغ‌التحصیل شده بود، در نمایشگاه نقاشی زهره کاظمی (با نام مستعار زهرا رهنورد) با او آشنا و ازدواج کرد.

عمده فعالیت سیاسی که در قبل از انقلاب از این زوج ثبت شده است، شرکت در نشستهایی است که در شرکت سمرقند برگزار می‌شد. شرکت سمرقند شرکتی بود که میرحسین و دوستانش آن را تأسیس کرده بودند و هدف نشستهای آنها، اقدامات سیاسی و ابراز نظرات مخالف رژیم پهلوی بود. موسوی در جریان مبارزات سیاسی با شهید بهشتی نیز آشنا و بدین سبب، پس از پیروزی انقلاب اسلامی به حزب جمهوری اسلامی پیوست. وی در حزب جمهوری اسلامی به عنوان دبیر سیاسی و پس از مدتی سردبیر روزنامه جمهوری اسلامی (ارگان رسمی حزب) گردید.

موسوی در روزنامه جمهوری اسلامی به طرفداری جدی از مصدق می‌پرداخت به طوری که بسیاری از صفحات این روزنامه به این موضوع اختصاص داشت! همین امر موجب اختلافاتی بین موسوی و برخی از اعضای حزب جمهوری اسلامی شد. زمانی که نام مهندس موسوی به عنوان وزیر پیشنهادی امور خارجه در جلسه شورای مرکزی حزب مطرح شد، برخی به مخالفت برخاستند. شهید آیت از جمله این افراد بود. شهید آیت معتقد بود که موسوی در خط پیمان است و خط پیمان لاجرم به خط آمریکا می‌انجامد. وی در جای دیگری گفته بود: «درست است که این آقا (موسوی) عضو حزب است اما در عین حال افکارش، افکاری که در خط ولایت باشد، نیست. بلکه به عمل‌گرایی فردی تمایل دارد و هوادار مصدق و جزء حلقه حبیب‌الله پیمان است و در چنین مواردی خودش و همسرش مقابل مجلس خبرگان قانون اساسی می‌ایستد. بنابراین این دو نفر به احتمال

قوی در مسیری خواهند رفت که در آینده اگر خودشان را اصلاح نکنند، جلوی نظام هم می‌ایستند.»

ابراهیم اسرافیلیان (از دوستان نزدیک شهید آیت) در این باره می‌گوید: «دکتر آیت اسنادی را علیه میرحسین موسوی داشت و روزی که موسوی قرار بود از مجلس برای وزارت امور خارجه کابینه شهید باهنر رأی اعتماد بگیرد، آیت سخت بیمار بود به گونه‌ای که همسرش از او می‌خواهد که به مجلس نرود، امّا آیت می‌گوید که امروز باید تکلیف عده‌ای با جمهوری اسلامی روشن بشود. برای همین اسناد را برمی‌دارد تا این که سوار اتومبیل خود شود، توسط عده‌ای ناشناس که یک اتومبیل بنز داشتند ترور می‌شود و اسناد مفقود می‌گردد تا این که باجناق آیت به دنبال اسناد می‌رود امّا نتیجه‌ای نمی‌گیرد.» وی می‌افزاید: «آیت می‌گفت موسوی اصلاً به جمهوری اسلامی و نظام اعتقاد ندارد، بلکه به خاطر منافعش درون نظام جا گرفته است. موسوی از همان ابتدا که روی کار آمد معلوم بود نظرات و تفکرات چپ دارد، ولی برای این‌که به کارهایش مشروعیت ببخشد خودش را پشت ولی فقیه پنهان می‌کرد.» امّا علی‌رغم مخالفتهای شهید آیت و عده‌ای دیگر، مجلس به موسوی به عنوان وزیر امور خارجه دولت شهید رجایی رأی اعتماد داد.

بعد از شهادت شهید رجایی و شهید باهنر در انفجار دفتر نخست‌وزیری، در آستانه تشکیل دولت چهارم، آیت‌الله خامنه‌ای (رئیس‌جمهور وقت) علی‌اکبر ولایتی را برای تصدی نخست‌وزیری به مجلس معرفی کرد. امّا پس از آن که مجلس به وی رأی اعتماد نداد و بعد از استمزاج هاشمی رفسنجانی از مجلس در ۵ آبان ۱۳۶۰ و نظر مساعد نسبت به مهندس موسوی از میان گزینه‌ها، طی نامه رسمی به مجلس او را به عنوان نخست‌وزیر پیشنهاد نمود و مجلس نیز رأی اعتماد داد.

میرحسین موسوی هرچند پست نخست‌وزیری را در شرایطی در دست گرفت که کشور دچار جنگی ناخواسته بود، امّا برخی معتقدند که وی با پافشاری در پیشبرد یک سیاست شبه‌سوسیالیستی و آمیخته با مشاوره‌های اقتصاد سنتی، نه تنها فروریزی اقتصاد ایران را طی این دوران شدّت بخشیده که در آن شرایط جامعه اخلاقی، نخستین نطفه‌های رانت‌خواری و زایش افراد نوکیسه را برای اوّلین بار پس از انقلاب در پی داشته است. وی با تبدیل اقتصاد کشور به اقتصاد کوپنی، اقتصاد دولتی و تصدی‌گری دولت را بر اقتصاد رواج داد و باعث انتقاد بسیاری شد. تا جایی که هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نمازجمعه بارها از سیاستهای اقتصادی دولت موسوی انتقاد و مشکلات به ارث رسیده از این دولت را تشریح کرد. از جمله انتقادات هاشمی؛ می‌توان به فساد اداری، بی‌برنامگی، مدیریت غلط، تورم، خطر نقدینگی، بی‌عدالتی، اقتصاد مریض و ... اشاره کرد.

امّا آنچه بیشتر باید مد نظر قرار گیرد اظهارات میرحسین موسوی در زمان تصدی پست نخست‌وزیری وی می‌باشد که عموماً در سالهای اخیر، ۱۸۰ درجه عکس شده است. موسوی در تیرماه ۱۳۶۵ در مورد شبهات مطرح شده درخصوص سلامت انتخابات میاندوره‌ای مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «در انتخاباتی که همه مردم و شورای نگهبان و همچنین روحانیت عزیزمان ناظر هستند، دولت نمی‌تواند اثر بگذارد.» وی همچنین در یک گفتار تلویزیونی از انتقادات به عمل آمده

نسبت به عملکرد دولت خود انتقاد کرد و گفت: «این نوع دهانها و قلمها قبل از آن که در مقابل دولت قرار بگیرند، در مقابل مردم قرار می‌گیرند و ما این هشدار را به آنها می‌دهیم که مراقب خود باشند و در مقابل قرار نگیرند، از مردم حمایت کنند و به دولت ایراد نگیرند.» میرحسین در واکنش به گروهک نهضت آزادی که خواستار آزادی انتخابات مجلس در سال ۱۳۶۲ شده بود، گفت: «بنده این اخطار را مجبور هستم بکنم که شعار تأمین آزادی انتخابات نمی‌تواند در هنگامه جنگ به عنوان وسیله‌ای جهت تضعیف جبهه‌ها به کار گرفته شود و واقعاً بنده از این همه پررویی متعجبم!» وی تصریح می‌کند: «مسأله لیبرالها روشن است؛ چون آنها یقین پیدا کرده‌اند که مردم بدانها رأی نخواهند داد، برای آمریکا غذا تهیه می‌کنند ولی بنده به حضرات اطمینان می‌دهم که آنها اگر جرأت کنند خود را نامزد کنند، [تنها] رأی خود را خواهند داشت.»

با برگزاری انتخابات چهارمین دوره ریاست‌جمهوری در ۲۵ مرداد ۱۳۶۴، آیت‌الله خامنه‌ای با کسب بیش از ۱۲ میلیون رأی مجدداً توسط مردم به ریاست‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد. ایشان به دلیل اختلاف نظرهایی که با میرحسین موسوی داشت، در ابتدا از معرفی وی به عنوان نخست وزیر امتناع ورزید. آیت‌الله خامنه‌ای در این رابطه فهرست ۶۰۰ مورد تخلف قانون اساسی میرحسین موسوی در دوران نخست‌وزیری دوره اوّل را که به موسوی تذکر داده و او اعتنا نکرده بود به مجلس ارائه کردند. امّا نامه تعدادی از نمایندگان مجلس به حضرت امام و سخنان محسن رضایی در خدمت امام مبنی بر این‌که اگر آقای موسوی نخست‌وزیر نشود در جبهه اثرات منفی دارد، باعث می‌شود تا حضرت امام اعلام نمایند که انتخاب غیر از ایشان، خیانت به اسلام است. و مقام معظّم رهبری علی‌رغم میل باطنی خود، میرحسین موسوی را مجدداً به عنوان نخست‌وزیر معرفی می‌نماید.

میرحسین موسوی در دوران نخست‌وزیری خود، سه بار استعفا می‌دهد. هرچند موسوی خود فقط به استعفای شهریور ۱۳۶۷ اشاره می‌کند امّا هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات خود از ۲ استعفای دیگر ـ یکی در سال ۱۳۶۲ به خاطر عدم توافق روی وزیر مسکن و دیگری در سال ۱۳۶۳ به خاطر کمی بودجه و عدم هماهنگی با رئیس‌جمهور وقت ـ سخن به میان می‌آورد.

سومین استعفای موسوی مربوط به سال ۱۳۶۷ و پس از پذیرش قطعنامه و پایان یافتن عملیات مرصاد و آغاز گفتگوهای آتش‌بس میان ایران و عراق بود، که با واکنش حضرت امام(ره) مواجه شد. ایشان در نامه‌ای عتاب‌آلود فرمودند: «**جناب آقای موسوی نخست‌وزیر محترم، نامه استعفای شما باعث تعجب شد. حق این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید، لااقل من و یا مسؤولین رده بالای نظام را در جریان می‌گذاشتید. در زمانی که مردم حزب‌الله برای یاری اسلام، فرزندان خود را به قربانگاه می‌برند چه وقت گله و استعفا است.** شما در سنگر نخست‌وزیری در چارچوب اسلام و قانون اساسی به خدمت خود ادامه دهید، در صورتی که نسبت به بعضی از وزرا به توافق نمی‌رسید چون گذشته عمل شود. این حق قانونی مجلس است که به هر وزیری که مایل

بود، رأی دهد . . . **همه باید به خدا پناه بریم و در مواقع عصبانیت دست به‌کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از آن سوءاستفاده کنند.»**

برخی می‌گویند مهندس موسوی در دوران دفاع مقدس با آن همه مشکلات، کشور را به نحو احسن اداره کرد. در آن سالها دو نامه خدمت حضرت امام(ره) رسید که منجر به نوشیدن جام زهر به تعبیر خودشان شد. یکی نامه محسن رضایی (فرمانده سپاه پاسداران) و دیگری نامه میرحسین موسوی (نخست‌وزیر) بود. در پی ارسال مطالبی که این افراد به حضرت امام منتقل کرده بودند، امام به این نتیجه رسیدند که نمی‌شود جنگ را ادامه داد و باید جام زهر را نوشید. برخی معتقدند که میرحسین آن طور که باید امکانات کشور را برای اداره جنگ بسیج نکرده بود.

اختلافات به وجود آمده میان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، سرانجام به شورای بازنگری قانون اساسی انجامید. حضرت امام(ره) تعدادی از افراد مورد اعتماد را به عضویت این شورا خواندند. پس از تشکیل جلسه شورای بازنگری قانون اساسی برخی بندهای آن دچار تغییر گردید، بویژه پست نخست‌وزیری در قانون اساسی حذف شد وبالطبع موسوی نیز از پست نخست‌وزیری کنار گذاشته شد.

پس از ارتحال حضرت امام(ره) و انتخاب مقام معظّم رهبری از سوی مجلس خبرگان رهبری، معظّم‌له در سال ۱۳۶۸، طی حکمی موسوی را به عضویت مجمع تشخیص مصلحت نظام درآوردند و در سال ۱۳۷۵ نیز به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی منسوب شد.

میرحسین با روی کار آمدن دولت سازندگی، طی حکم هاشمی رفسنجانی به عنوان مشاور رئیس‌جمهور انتخاب شد. با نزدیک شدن انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری، گروههای موسوم به چپ که مدتی از صحنه سیاسی کشور کنار رفته بودند به فکر افتادند تا مجدداً به صحنه برگردند. لذا در اوایل مرداد ۱۳۷۵ تعدادی از این گروهها متشکل از ائتلاف گروههای خط امام، مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی برای متقاعد ساختن میرحسین موسوی جهت کاندیداتوری با وی دیدار و گفتگو کردند. امّا میرحسین علی‌رغم این دعوتها حاضر به کاندیداتوری نشد. زهرا رهنورد (همسر موسوی) در توجیه عدم حضور او در انتخابات در مطلبی که نشریه عصر ما (ارگان رسمی سازمان مجاهدین) در آذر ۱۳۷۵ منتشر کرد، اعلام نمود: «هرچند ما مجلس بدی نداریم ولی مجلس فعلی مجلسی است که جناح مخالف موسوی در آن زیاد هستند و مجلسی نیست که با سیاستهای رادیکال هماهنگ باشد. سایر قوا هم این هماهنگی لازم را نداشتند. مهمتر از همه این‌که حمایت رهبری باید پشت سر یک رئیس‌جمهور باشد.»

عدم پذیرش کاندیداتوری از سوی موسوی، جریان موسوم به چپ را تا حدی سردرگم کرد. تعدادی حسن حبیبی و برخی دیگر محمد هاشمی را مطرح کردند. مجمع روحانیون مبارز نیز اعلام کرد که از بین سید هادی خامنه‌ای و سید محمد خاتمی یک نفر را معرفی می‌کند، سرانجام سید محمد خاتمی به عنوان کاندیدای مشترک آنها معرفی و در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ پیروز گردید.

با روی کار آمدن اصلاح‌طلبان، سید محمد خاتمی طی حکمی، در سال ۱۳۷۶ میرحسین موسوی را به مشاوری خود برگزید و در سال ۱۳۷۷ نیز ریاست فرهنگستان هنر به موسوی سپرده شد.

میرحسین موسوی به عنوان فردی که طی ۱۰ سال اوّل انقلاب در تمام صحنه‌ها حضور داشته و از مدیران ارشد نظام بوده؛ در طول ۲۰ سال، سکوتی عجیب اختیار می‌کند و علی‌رغم این‌که حتی همفکران وی در دولت اصلاحات روی کار بودند، وی هیچ‌گاه اظهار نظر رسمی نکرد و در برابر حوادثی چون حادثه ۱۸ تیر ۱۳۸۸، جریان تحصن نمایندگان مجلس ششم، پرونده هسته‌ای، فشارهای گسترده آمریکا و غرب علیه ایران و بسیاری از مسائل مهم کشور، موضعی اتخاذ ننمود. تا این‌که با پایان دولت اصلاحات و در آستانه انتخابات ۱۳۸۴ مجدداً گروههای موسوم به چپ (اصلاح‌طلبان) از میرحسین موسوی دعوت کردند تا نامزد انتخابات نهم ریاست‌جمهوری شود. امّا پس از سه ماه بحث و مذاکره، خبر عدم کاندیداتوری موسوی، توسط کروبی اعلام شد. مهدی کروبی اظهار امیدواری کرد که میرحسین خود دلایل انصرافش را با مردم در میان بگذارد. امّا میرحسین هیچ گاه سخنی در این خصوص نگفت و بدین ترتیب پرونده کاندیداتوری وی در انتخابات نهم بسته شد.

با روی کار آمدن دولت نهم، میرحسین موسوی طی حکم محمود احمدی‌نژاد، در سمت ریاست فرهنگستان هنر ابقاء گردید، امّا کمتر کسی فکر می‌کرد که وی با نزدیک شدن انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری بالاخره نامزد شود و به انزوای خودخواسته پایان دهد.

پس از اعلام کاندیداتوری توسط مهدی کروبی و سید محمد خاتمی، تمام توجه اصلاح‌طلبان به روی این دو متمرکز گردید و امید فراوانی را برای اصلاح‌طلبان ایجاد کرد. امّا اعلام نامزدی میرحسین موسوی در روزهای پایانی سال ۱۳۸۷ شوک بزرگی برای اصلاح‌طلبان بود. آنان که تفرق و عدم وحدت را یکی از عوامل ناکامی در انتخابات گذشته نظیر مجلس هفتم و ریاست‌جمهوری نهم می‌دانستند، در ابتدا از نامزدی موسوی استقبال سردی کردند. حتی برخی از افراطیون جریان دوم خرداد، میرحسین را کاندیدای نظام برای خراب کردن آرای خاتمی معرفی کردند. ولی انصراف خاتمی در ۲۶ اسفند ۱۳۸۷ به نفع موسوی، همه امید و آمال آنان را نقش بر آب کرد.

هرچند در روزهای اوّلیه شعار یا خاتمی یا هیچ کس توسط سازمان مجاهدین مطرح شد، ولی با روشن شدن مواضع رادیکال موسوی، حمایت قاطع خود را از وی اعلام نمودند.

میرحسین موسوی که از وی در اذهان عمومی جامعه به عنوان شخصیتی مورد اعتماد امام(ره) و نخست‌وزیر ایشان یاد می‌شد، سعی داشت از این ذهنیت به نفع خود استفاده کند. وی در سفرهای استانی به شهرستانهای مختلف کشور از پایبندی به قانون اساسی، خون شهداء، ولایت فقیه و . . . سخن به میان آورد و بدین ترتیب توانست رأی بسیاری از این افراد را بدست آورد. ولی با گذشت زمان و حمایت احزاب و گروههایی نظیر حزب مشارکت، سازمان مجاهدین و مجمع روحانیون مبارز و متعاقب آن حزب کارگزاران سازندگی مواضع رادیکال میرحسین نیز بیان گردید.

میرحسین موسوی در اوّلین مصاحبه مطبوعاتی‌اش در جمع خبرنگاران، ضمن بیان این‌که مستقل وارد عرصه رقابتها شده است، از دلایل آمدنش به صحنه سخن گفت. وی اظهار داشت: «به خاطر مشکلات در حال افزایش کشور آمدم»، «به مشاورت هاشمی و خاتمی افتخار می‌کنم»، «نمی‌توانم با ساختارشکنان کار کنم»، «تلویزیون خصوصی تأسیس می‌کنم» و... .

ریزش آرای موسوی در میان اصولگرایان با انجام این مصاحبه آغاز گشت. برخی سیاسیون این سخنان را خارج شدن موسوی از دایره اصولگرایی تعبیر کردند. بویژه آن‌که گروههای تندرو جریان اصلاح‌طلبی حمایت خود را از وی اعلام نمودند.

میرحسین همواره در سخنرانیها و میتینگهای انتخاباتی به دلیل این حمایتها مورد سؤال واقع می‌شد و وی علی‌رغم موضع‌گیری در قبال گروههای تندرو مانند نهضت آزادی، اظهار داشت که نسبت به آنان حساسیتی ندارد. این‌گونه بود که وی با برخی اعضای ملی ـ مذهبی و نهضت آزادی جلساتی را برگزار و بسیاری از اعضای این گروهها را در ستاد خود جای داد.

با نزدیک شدن ایام انتخابات دهم و تبدیل استراتژی نقد دولت به استراتژی تخریب دولت از سوی اصلاح‌طلبان، میرحسین موسوی نیز این استراتژی را در پی گرفت. وی که در طول رقابتهای انتخاباتی، بارها سیاستهای دولت در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاست خارجی و . . . را مورد انتقاد قرار داده بود، با بیان جملاتی همچون «مدیریت نادرست عامل اصلی فقر و بیکاری در کشور است»، «مردم هزینه سیاستهای دولت را می‌دهند»، «دیکتاتوری با بی‌تفاوتی به قانون آغاز می‌شود»، «هیچ کشوری را مثل ایران تنها نمی‌بینم» و . . . به تخریب دولت نهم پرداخت.

تخریب دولت به وسیله اصلاح‌طلبان و کاندیدای آنان تا آن جا پیش رفت که رهبر انقلاب که همیشه از دولتها حمایت کرده‌اند، وارد صحنه شده و خطاب به تخریب‌کنندگان فرمودند: «حالا در باب انتخابات حرفهای گفتنی متعددی هست که ان‌شاءالله در وقت خودش، در فرصت مناسب خودش، آنها را به ملت عزیزمان عرض خواهیم کرد. حالا هنوز زود است. لیکن انسان احساس می‌کند که در بین آنچه که امروز گفته می‌شود بی‌انصافیهایی صورت می‌گیرد.» ایشان همچنین خطاب به نامزدهای محترم فرمودند: «گاهی انسان حرفهای عجیب و نسبتهای عجیبی می‌شنود. این حرفها مردم را نگران می‌کند، کسی را هم به گوینده این حرفها دلبسته و علاقه‌مند نمی‌کند! نامزدهای محترم توجه داشته باشند، اذهان عمومی را تخریب نکنند. این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب‌کننده اذهان مردم است. واقعیت هم ندارد. خلاف واقع هم هست. بنده که از همه این آقایان اوضاع کشور را بیشتر می‌دانم و بهتر خبر دارم. می‌دانم که بسیاری از این مطالبی که به عنوان انتقاد درباره وضع کشور و وضع اقتصاد و اینها می‌گویند، خلاف واقع است، اشتباه می‌کنند. ان‌شاءالله اشتباه است.»

میرحسین موسوی و یارانش در طول رقابتهای انتخاباتی دهم ریاست‌جمهوری اقدام به اجرای یک روش تبلیغاتی دشمن‌پسند نمودند. ستاد موسوی با الگوبرداری از انقلابهای مخملی، رنگ سبز

را به عنوان نماد حامیان وی اعلام کرد و هزینه‌های بسیاری صورت گرفت تا با این ترفند و رنگی کردن فضای انتخاباتی به اصطلاح شور و هیجان انتخابات را زیاد کنند. امّا خواسته یا ناخواسته تکمیل‌کننده پازل دشمن در نشانه گرفتن جمهوری اسلامی شدند و همین رنگ سبز موجب سوءاستفاده و اغتشاش و درگیری میان هواداران نامزدها گردید.

با شروع مناظره‌های نامزدها، انتخابات دهم به اوج خود رسید. در حالی که تحلیل‌گران مسائل سیاسی پیروزی هر نامزد در مناظره را پیروزی در مجموع انتخابات ارزیابی می‌کردند، مناظره تاریخی میرحسین موسوی و احمدی‌نژاد فرارسید. سعید حجاریان (تئوریسین جریان دوم خرداد) در آستانه مناظره موسوی و احمدی‌نژاد، عدم حضور موسوی در مناظره را شکست سه بر صفر و حضور وی را شکست شش بر صفر ارزیابی کرد. این مناظره که در شب چهاردهم خرداد برگزار شد، بینندگان بسیاری را به پای تلویزیون نشاند.

میرحسین موسوی در این مناظره، مجدداً دولت نهم را زیر سؤال برد. در سیاست خارجی دولت را بر اساس ماجراجویی و بی‌ثباتی و رفتارهای نمایشی و قهرمان‌نمایی و شعاری خواند و دولت را به قانون‌گریزی و خودمحوری، سطحی‌نگری و روزمرگی متهم کرد. موسوی همچنین با بیان این‌که عزت ایران دچار خدشه شده است، اقدامات دولت در آزادی ملوانان انگلیسی، طرح هولوکاست، کنفرانس ژنو و . . . را مورد تخریب قرار داد.

محمود احمدی‌نژاد نیز در این مناظره به دفاع از عملکرد چهارساله خود پرداخت و به تخریبهای اصلاح‌طلبان و میرحسین موسوی پاسخ گفت. وی با بیان این‌که امروز آقای موسوی در برابر من نیست بلکه سه دولت پی‌درپی در برابر بنده قرار گرفته‌اند، از ارتباط میان موسوی با هاشمی رفسنجانی و خاتمی برای حذف دولت خبر داد و در برابر انتقادات و تخریبها، موسوی را به تأمل در مواضع و عملکرد گذشته خود فراخواند.

میرحسین موسوی در مناظره با مهدی کروبی و محسن رضایی نیز به روند تخریب دولت ادامه داد و در اقدامی بی‌سابقه رئیس‌جمهور قانونی (احمدی‌نژاد) را دروغگو خطاب کرد.

روزهای انتهایی تبلیغات انتخاباتی در حالی سپری شد که هواداران نامزدها بشدّت تحت تأثیر فضای مناظره‌ها با راه‌اندازی کارناوالهای تبلیغاتی به طرفداری از نامزد خود می‌پرداختند که بعضاً به درگیری نیز می‌انجامید.

سرانجام انتخابات دهم ریاست‌جمهوری در ۲۲ خرداد ۱۳۸۸ طبق روال گذشته برگزار گردید. هنوز چند ساعتی از شروع انتخابات نگذشته بود که سایتهای وابسته به اصلاح‌طلبان از پیروزی نامزد خود یعنی میرحسین موسوی خبر دادند. سایت کلمه (سایت رسمی میرحسین موسوی) در مصاحبه‌ای با سید محمد خاتمی از قول وی نوشت: «شواهد امر حاکی است که میرحسین موسوی انتخابات را برده است، امّا من پیشگو نیستم.» همچنین میرحسین موسوی نیز یک ساعت پس از پایان زمان انتخابات در شرایطی که هنوز شمارش آرا آغاز نشده بود در جمع خبرنگاران از پیروزی

خود خبر داد. وی که به همراه برخی نزدیکان خود از ماهها قبل کمیته صیانت از آرا را با هدف القاء تقلب تشکیل داده بود با اعلام نتایج به تمامی قواعد رقابتهای انتخاباتی پشت پا زد.

میرحسین موسوی با کسب ۱۳ میلیون رأی حائز رتبه دوم شد و علی‌رغم رقابت تنگاتنگ با احمدی‌نژاد در پایتخت، نتوانست اعتماد اکثریت مردم ایران را برای ریاست‌جمهوری به دست آورد. وی برای نشان دادن اعتراض خود به انتشار بیانیه‌های متعدد روی آورد و یکی از بی‌سابقه‌ترین قانون‌گریزیهای گستاخانه تاریخ انقلاب را نمودار ساخت. موسوی با صدور بیانیه‌های گمراه کننده به رغم تحمیل هزینه‌های بی‌سابقه به نظام و کشور، صدمات جبران‌ناپذیر مالی و معنوی را نیز بر جامعه وارد و از سوی دیگر پوششی را برای آشوبگران و اقدامات ضد امنیتی سرویسهای جاسوسی بیگانه و حضور عناصر معاند با نظام، فراهم کرد.

مقام معظّم رهبری که اشراف کامل نسبت به مسائل کشور داشته و دارند، به عنوان بالاترین و عالی‌ترین مسؤول نظام اسلامی تلاش کردند تا میرحسین موسوی را به جریانات و اهداف دشمن، تحت لوای اعتراض به نتیجه انتخابات روشن نمایند. لذا در دیدار موسوی با ایشان در روز یکشنبه ۲۴ خرداد ضمن تأکید بر پیگیری کارها از طریق روند قانونی، خطاب به موسوی فرمودند: «جنس شما با این‌گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.» حتی شورای نگهبان نیز با موافقت رهبر انقلاب مدت رسیدگی به شکایات قانونی نامزدهای معترض را یک هفته تمدید کرد، امّا میرحسین کوچک‌ترین اعتنایی به مساعدت فراقانونی وزارت کشور و شورای نگهبان نکرد و این نهادها را زیر سؤال برد و بر طبل ابطال انتخابات کوبید.

عدم تمکین موسوی به توصیه‌های مقام معظّم رهبری مبنی بر پیگیری اعتراضات از طریق قانون و اصرار وی بر صدور بیانیه‌های متعدد بدون ارائه برهان و دلیل قانع‌کننده و محکمه‌پسند، از سویی سبب شد تا دشمنان انقلاب اسلامی نیز از این فرایند، سوءاستفاده کرده و با حمایت از میرحسین موسوی اقداماتی را علیه جمهوری اسلامی ایران روا داشته و در پی آن حوادث تلخی در کشور رخ داد. از سوی دیگر این اقدامات و به طور مجموع فتنه سال ۱۳۸۸ موجب واکسیناسیون نظام و پالایش آن از عناصر فرسوده گردید.

میرحسین موسوی به همراه همسرش زهرا رهنورد در طول مدت پس از انتخابات با انجام دیدارهای متعدد با خانواده‌های متهمان حوادث پس از انتخابات بدون آن که اشاره‌ای به اتهام آنان نمایند، نظام را متهم کرده و آنان را افرادی انقلابی خواندند. در این مدت میرحسین موسوی مورد حمایت و تأیید سران کشورهای غربی ـ بویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی ـ قرار گرفت. حتی گروههایی چون کومله، دموکرات، سلطنت‌طلبان، سازمان منافقین و . . . از وی حمایت کردند. امّا موسوی هیچ‌گونه عکس‌العملی به این حمایتها انجام نداد! وی همچنین در برابر شعارهای انحرافی حامیانش در روز ۱۳ آبان، ۱۶ آذر سکوت کرد. تا این‌که به دنبال اهانت حامیان موسوی در روز عاشورای ۱۳۸۸ به ساحت مقدس حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) در راهپیمایی تاریخی ۹ دی در

سراسر کشور، شعارهایی علیه موسوی سر داده شد. میرحسین موسوی دو روز بعد از حماسه مردمی ۹ دی با صدور بیانیه شماره هفده خود، اراذل و اوباش روز عاشورا که با هتک حرمت عزاداران حسینی، شعار مرگ بر جمهوری اسلامی و مرگ بر اصل ولایت فقیه سر داده بودند و میلیونها تومان خسارات به اموال عمومی و خصوصی وارد کرده بودند را «مردان خداجوی» نامید!

وی در ادامه از آمادگی خود برای شهادت خبر داد. این بیانیه موسوی با واکنش منفی مردم، مراجع تقلید، سیاسیون و تشکلهای دانشجویی و . . . روبه‌رو شد. برخی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تشکلهای دانشجویی در نامه‌های جداگانه‌ای به رئیس قوّه قضائیه خواستار محاکمه سران فتنه شدند و آیت‌الله آملی لاریجانی نیز از قطعیت محاکمه سران فتنه خبر داد.

پیوست ۴

بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری (۱۳۸۸/۷/۲)

یکی از خطوط اصلی دشمن، همین مسألهٔ تفرقه است که شما آقایان بر روی او بحق تکیه کردید، در گزارش هم بیان فرمودند، در بیانیهٔ پایانی خبرگان هم به این مسألهٔ اتحاد توجه شده؛ بسیار مسألهٔ مهمی است. مسألهٔ اتحاد ملت و کاری که برای ایجاد تفرقه دارد انجام می‌گیرد، بسیار مسألهٔ مهمی است. ما نشانه‌های وحدت عمومی مردم را داریم می‌بینیم. شما نمازجمعه‌ها را در ماه رمضان دیدید، روز قدس را دیدید، نمازهای عید فطر را دیدید؛ چه عظمتی! انسان وقتی نگاه می‌کند ـ نه فقط در تهران، در مشهد، در اصفهان، در کرمان، در تبریز، در مناطق مختلف ـ منظره، منظره‌های بی‌نظیری است؛ اصلاً شاید در تاریخ اسلام، هرگز نماز عید فطر با این عظمت، با این شُکوه‌های عجیب ـ در نقاط مختلف یک کشور، نه فقط در یک شهر ـ دیده نشده! ما امروز اینها را داریم؛ اینها همه نشانهٔ وحدت است؛ نشانهٔ همدلی مردم است؛ نشانهٔ این است که یک مرکز مشترکی وجود دارد که مردم علی‌رغم اختلافات جزئی و فرعی‌ای که با هم دارند، در گرایش و انتماء به این اصل، متفق‌اند؛ دلشان متوجه این مرکز است؛ که این مرکز هم دین است، اصول اسلامی است، ارزشهای والاست، دین خداست. این، خیلی چیز مهمی است. خوب، همه باید در مقابل این وحدت سر فرود بیاورند، وقتی این وحدت را می‌بینند. می‌بینیم که متأسفانه بعکس، بعضی دم از تفرّق می‌زنند، از روی جهالت، غفلت؛ واقعاً محمول بر غفلت است این چیزها، بیش از آنچه که بر چیزهای دیگری انسان بخواهد اینها را حمل کند. این، مسألهٔ مهمی است. مسأله ایجاد وحدت؛ وحدت مذهبی، وحدت قومی، وحدت سلائق سیاسی، اینها مهم است، باید سعی کرد. یکی از خطوط دشمن، ایجاد تفرقه است. هرچه بتوانند، در هرجا بتوانند، در هر سطحی که بتوانند، در سطوح مختلف، از مسؤولین، غیرمسؤولین، آحاد مردم و بین خود گروههای روحانی، بین خود گروههای دانشگاه، بین خود جمعها و جمعیتهای واحدهای دیگر اجتماعی، و بین اینها با یکدیگر ایجاد اختلاف کنند و بین مذاهب نمونه‌های فراوانش را دارید مشاهده می‌کنید که در جامعه هست. این یک مسأله است که در جامعه هست. خط دشمن خط ایجاد تفرقه است. این هم یک مسأله است.

مسأله بعدی ـ این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه‌گذاری

می‌کند ـ منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسایی‌های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می‌آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد، در این هیچ تردیدی نیست، کسی این را منکر نیست، «ما اَصٰابَکَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللهِ وَ مٰا اَصٰابَکَ مِنْ سَیِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِکَ»[۱] این‌که معلوم است. دشمن هم اگر ضربه‌ای با ما زد و این ضربه کاری شد این هم من نفسک است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد در حقیقت مسلمانها از خودشان ضربه خوردند، در این که بحثی نیست. منتها نکته این است که اگر انسانی بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می‌خواهد به ما ضربه بزند. از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال ـ بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن ـ یکی از خطوط القایی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، می‌گویند: آقا شما همه‌اش به گردن دشمن می‌اندازید! خوب هست دشمن. هست دشمن. چرا نمی‌بینیم دشمن را؟ چرا نمی‌بینیم شعف عظیمی که دشمن پیدا می‌کند از آنچه که این‌جا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای انتخابات به وجود می‌آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند آن‌جا، رئیس یک کشور بزرگ از آدمها، اسم می‌آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می‌آورد و تمجید می‌کند از فلان کس که آقا از شجاعت او ما تعجب کردیم، چرا؟ چون یک کلمه‌ای گفته که آنها خوششان آمده. اینها را باید دید. اینها را باید متوجه شد و نبایستی از دشمنی دشمن غفلت کرد.

البته دشمنی او خلاف انتظار نیست، غفلت ما خلاف انتظار است. دولت انگلیس که کارنامه دویست سالهٔ حضور آنها و ارتباط آنها با کشور ما، کارنامه سرتاپا سیاه است ـ واقعاً یک نقطه و یک جا نداریم که بشود نشان داد که دولت انگلیس به نفع ملت ایران یک قدم کوچکی برداشته باشد، هرچه بوده ضرر، هرچه بوده صدمه‌های بزرگ ـ اینها اعلان می‌کنند که ما طرفدار ملّت ایرانیم! دولت آمریکا اعلام می‌کند که ما طرفدار مردم ایرانیم! یعنی با نظام جمهوری اسلامی بدیم، امّا مردم را دوست داریم! خوب، مردم جزو این نظامند، این نظام که منفک از مردم نیست. این ترفندهای دشمن است. اینها را باید شناخت، فهمید. او البته دشمنی‌اش را می‌کند، امر طبیعی است، امّا این‌که ما نفهمیم دشمنی او را و از این معنا غفلت کنیم، این قابل قبول نیست.

یک وقت می‌بینید ما در داخل جدول و پازلهای دشمن قرار می‌گیریم ـ در پازل، مجموعه‌ای را کنار هم می‌چینند، تا یک شکلی از تویش دربیاید ـ تا یکی از این اجزاء را ما تأمین بکنیم. خوب، این خیلی چیز بدی است. ما باید سعی کنیم که تأمین کننده اجزاء او نباشیم. مثل این جدول حروف متقاطع که وقتی کنار هم گذاشته می‌شود، یک کلمه‌ای از تویش درمی‌آید. دشمن یک جدولی این جوری درست کرده، برای این‌که یک حرفی از تویش دربیاورد؛ چند تا از این حروف را هم ما بگذاریم!

۱- سورهٔ نساء: آیهٔ ۷۹ (آنچه تو را نکویی رسد همانا از نزد خداست و آنچه از بدی رسدت از خود توست).

این را باید مراقبت کرد؛ بحث سر این است؛ باید جدول دشمن را کامل نکنیم؛ پازل دشمن را کامل نکنیم؛ ببینیم دشمن چه کار دارد می‌کند و چه کار می‌خواهد بکند؛ اهداف و حضور واضح او را ببینیم.

امروز مؤثرترین سلاح بین‌المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه‌ای است. امروز این قوی‌ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر است. این سلاح دشمن شما را در بلواهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه قضایای ما را دنبال می‌کرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود می‌داد. «وَ اِنَّ الشَّیاطینَ لَیوحُونَ اِلی اَولِیائِهِمْ لِیُجادِلُوکُمْ»[1] دائم به اولیاء خودشان ایحاء می‌کردند. خوب این حضور دشمن است دیگر، حضور دشمن را از این واضح‌تر و روشن‌تر می‌شود فرض کرد؟

باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروههای سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث با این خطوط دشمن با بصیرت مواجه بشوند، با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت‌و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند، آن وقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی‌بصیرتی است.

این محورهایی که عرض شد این خطوط دشمن را ما در عمل خودمان و در اظهارات خودمان باید محاسبه کنیم و باید اینها را در محاسبات خودمان بگنجانیم، که اگر اظهارنظری هم می‌خواهیم بکنیم، با توجه به اینها باشد؛ عمل و اقدامی می‌خواهیم بکنیم، با توجه به اینها باشد؛ ببینیم آیا داریم به دشمن کمک می‌کنیم یا نه. این به نظر من چیز مهمی است.

نکتهٔ چهارم این است که جمهوری اسلامی ـ که از انقلاب اسلامی برخاسته است ـ یک واحدی است که دارای دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن؛ هم اسلامی است، هم مردمی است. و مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است. دین مسؤولیت عمومی است؛ بنابراین مردمی بودن از خود اسلامی بودن برمی‌آید. اسلامی هم هست؛ چون خدای متعال منّت گذاشته است: «بَلِ اللهُ یَمُنُّ عَلَیکُمْ أَنَ هَدَیکُمْ لِلایمانِ»[2]؛ منّت گذاشته بر ما، هدایت کرده ما را به این ایمان؛ پروردگار به مردم ما، به خود ما منّت گذاشته، ما را به این دین هدایت کرده؛ لذا جمهور ما اسلام را می‌خواهند و این دین الهی را بحمدالله خدای متعال به ما داده است. بنابراین «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه است، یک مجموعه است، یا بگوییم واحدِ دارای ابعادی است که این ابعاد باید با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و با هم باشد؛ این درهم‌تنیدگی باید حفظ بشود. هر کدام از این جهات تضعیف بشود، کل و مجموعه تضعیف شده است.

مسأله ولایت هم پایبندی به همین مجموعه است؛ چه ولایت معصومین(علیهم‌السّلام)، چه ولایت فقیه که دنباله ولایت معصومین و ادامه او هست. مسأله پایبندی به این مجموعه و رعایت حفظ این مجموعه در کشور و در نظام است، که زاویه‌ای پیدا نکند، مشکلی برایش به وجود نیاید، در

۱- سورهٔ انعام: آیهٔ ۱۲۱ (و بی‌گمان شیاطین دوستان خود را وسوسه می‌کنند تا با شما مجادله و ستیز کنند).
۲- سورهٔ حجرات: آیهٔ ۱۷ (بلکه خدا منّت نهد بر شما که رهبریتان کرد به سوی ایمان).

او تنقیصی و تبعیضی حاصل نشود، با همین جامعیت حرکت کند و پیش برود. و این اسلام ناب هم که در فرمایش امام بود، ناظر به همین است؛ چون امام اسلام ناب فرمودند، در مقابل اسلام آمریکایی. اسلام آمریکایی فقط آن نیست که آمریکاپسند باشد؛ هرچیزی که خارج از این اسلام ناب است؛ اسلام سلطنتی هم همین جور است، اسلام التقاطی هم همین جور است، اسلام سرمایه‌داری هم همین جور است، اسلام سوسیالیستی هم همین جور است، اسلامهایی که با شکلها و رنگهای مختلفی عرضه بشود و آن عناصر اصلی در او وجود نداشته باشد، همه‌اش مقابل اسلام ناب است؛ درواقع اسلام آمریکایی است. انسان مشاهده می‌کند که در این معارضه‌هایی که با نظام در طول این سی سال انجام گرفته، این اسلامهای گوناگون حضور داشته‌اند؛ هم اسلام التقاطی وجود داشته، هم اسلام سلطنتی وجود داشته، هم اسلام سوسیالیستی وجود داشته؛ انواع و اقسام این اسلامها در مواجههٔ با نظام جمهوری اسلامی وجود داشته‌اند. خوب، در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه می‌شوند، معنویت و عدالت با هم ملاحظه می‌شوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه می‌شوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده می‌شوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت ـ که آن هم خارج از شریعت البته نیست ـ در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومهٔ مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود.

نکته بعدی این است که ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم هم خلل به جود خواهد آمد. درک روشن از کُبریات و صُغریات؛ گاهی انسان کُبریات را درست می‌فهمد، در صُغریات اشتباه می‌کند. این درک صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجیِ منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کُبریات و صُغریات احتیاج دارد به این‌که ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ و الّا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جوّ، ترس از فضا؛ اگر این حرف را بزنیم، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بزنیم، فلان لکه را به ما خواهد چسباند؛ این ترسها فهم انسان را هم مختل می‌کند. گاهی انسان به خاطر این ترسها، به خاطر این ملاحظات، صورتِ مسأله را درست نمی‌فهمد؛ نمی‌تواند مسأله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا «وَ لاٰ یَخْشَوْنَ اَحَداً اِلّا اللهَ» خیلی مهم است؛ در این آیه شریفه «اَلّذینَ یُبَلِّغُونَ رِسالاتِ اللهِ وَ یَخْشَوْنَهُ وَ لاٰ یَخْشَوْنَ اَحَداً اِلّا اللهَ وَ کَفٰی بِاللهِ حَسیباً»[1]؛ معلوم می‌شود شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که: «و لا یخشون احداً الّا الله». می‌گویی: آقا! اگر این کار را بکنم، ممکن است در دنیا سرم کلاه برود. خوب، «وکفی بالله حسیباً»؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند. اگر پروای از

۱- سورهٔ احزاب: آیهٔ ۳۹ (کسانی که پیامهای خدا را می‌رسانند و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز خدا نمی‌ترسند و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند).

خدای متعال تقواست. اگر این را کنار گذاشتیم و ترس مردم جایگزین شد، آن وقت فرقانی هم که خدای متعال گفته، پیدا نخواهد شد؛ «اِنْ تَتَّقُوا اللهَ یَجْعَلْ لَکُمْ فُرْقاناً»[1]؛ این فرقان ناشی از تقواست؛ روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست. و به نظر من این مسأله خیلی مهم است؛ مسأله خشیت از مال و جان و آبرو و زمزمه‌ها و حرف مردم و حرفها و حدیثها و تهمتها و اینها، خیلی مهم است؛ این قدر این مسأله مهم است که خدای متعال به پیغمبرش خطاب می‌کند و او را بر حذر می‌دارد: «وَ اِذْ تَقُولُ لِلَّذی أَنْعَمَ اللهُ عَلَیْهِ وَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِ أَمْسِکْ عَلَیْکَ زَوْجَکَ وَ اتَّقِ اللهَ وَ تُخْفی فی نَفْسِکَ مَا اللهُ مُبْدیهِ وَ تَخْشَی النّاسَ وَ اللهُ اَحَقُّ أَنْ تَخْشیٰهُ»[2]؛ ملاحظه حرف مردم، ملاحظه این تهمتی که خواهند زد، ملاحظه چیزی را که خواهند کرد، نباید کرد؛ «وَ اللهُ اَحَقُّ اَنْ تَخْشیٰهُ». به نظر من یکی از چیزهایی که فتوحات گوناگون امام را ارزانی آن بزرگوار داشت، همین شجاعت او بود، که فتوحات علمی، فتوحات معنوی، فتوحات سیاسی، فتوحات اجتماعی، این مجذوب شدن دلها به آن بزرگوار را ـ که واقعاً چیز عجیبی بود ـ به وجود آورد. و شجاعت آن بزرگوار این بود که ملاحظه هیچ چیزی را نمی‌کرد. بالاخره اهل فتنه مایلند که خشیت خودشان را، خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند؛ یعنی مایلند که از آنها ترسیده بشود؛ «اَلَّذینَ قالَ لَهُمُ النّاسُ إِنَّ النّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزادَهُمْ إیماناً وَ قالُوا حَسْبُنَا اللهُ وَ نِعْمَ الْوَکیلُ»[3]. (یعنی این‌که دائماً دارند به ما می‌گویند: آقا! «إِنَّ النّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَکُمْ فَاخْشَوْهُمْ»، جوابش همین است: «فَقالُوا حَسْبُنَا اللهُ وَ نِعْمَ الْوَکیلُ». نتیجه‌اش هم این است: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللهِ وَ فَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ»[4]. نتیجه این احساس، این درک، این حقیقت روحی و معنوی همین است که: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللهِ وَ فَضْلٍ لَمْ یَمْسَسْهُمْ سُوءٌ». بنابراین، بایستی این شجاعت را داشت.

دشمن انواع و اقسام کار را می‌کند؛ انواع واقسام فعالیت را می‌کند، عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه‌های دشمن خواص است. آماج دشمن خواص است. می‌نشینند طراحی می‌کنند تا ذهن خواص را عوض کنند. برای این‌که بتوانند مردم را بکشانند؛ چون خواص تأثیر می‌گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظایف اصلی امروز ما و شما همین است، ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان‌شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد کنیم.

و انقلاب اسلامی خیلی ریشه‌دار است. خیلی قوی است. خیلی ارکان مستحکمی دارد و خدای متعال هم پشتیبان ماست. همین طور که من بارها از قول امام(رض) نقل کرده‌ام که فرمودند: من از اوّلی که وارد این قضیه شدیم، دیدم ـ یا احساس کردم ـ یک دست قدرتی دارد کارها را پیش می‌برد. حقیقتاً همین جور است. و این را ایشان به من فرمودند. انسان این قدرت الهی را می‌بیند. البته این

۱- سورهٔ انفال: آیهٔ ۲۹ (اگر از خداوند پروا کنید، برای شما نیروی تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد).
۲- سورهٔ احزاب: آیهٔ ۳۷.
۳- سورهٔ آل عمران: آیهٔ ۱۷۳.
۴- سورهٔ آل عمران: آیهٔ ۱۷۴.

دست قدرت الهی، قوم و خویشی‌ای با ما ندارد ـ «من کان لله کان الله له»، «إِنْ تَنْصُرُوا اللهَ يَنْصُرْكُمْ»[1]، «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللهُ مَنْ يَنْصُرُهُ»[2] ـ باید در خدمت این راه باشیم. خالصانه، آنچه که داریم بیاوریم میدان و برای این راه تقدیم کنیم؛ تلاشمان و کارمان را برای این راه تقدیم کنیم. خدای متعال هم تفضل خواهد کرد. لطف خواهد کرد، امروز همین کار شده و خدای متعال تفضل کرده و سنگ دشمن به سوی خودش برگشته؛ تیرش کمانه کرده به طرف خودش و نتوانستند از توطئه‌ای که کردند طرفی ببندند.

قطعاً این بلواهای بعد از انقلاب، به نظر آدمهای خبره و آگاه برنامه‌ریزی شده بود. یعنی انسان با هرکسی از انسانهای فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان می‌گذارد، می‌فهمد. پریروز من به ایشان همین را عرض کردم، گفتم اینها برنامه‌ریزی شده بود. ایشان گفتند: قطعاً. یعنی همه این را می‌فهمند که این کار برنامه‌ریزی شده بوده و این یک کار دفعی نبود که بخواهیم بگوییم یک چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه، این کار برنامه‌ریزی شده بود، از یک مرکزی هدایت می‌شد. خوب شکست خوردند دیگر، ان‌شاءالله این شکست‌شان ادامه هم پیدا خواهد کرد. منتها دائم دارند توطئه می‌کنند.

این را هم عرض بکنیم؛ بعضیها در فضای فتنه، این جمله «کن فی الفتنة کابت اللّبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می‌فهمند و خیال می‌کنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه‌گر نتواند از تو استفاده کند، از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد، مراقب باید بود.

در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار یاسر دائم ـ آثار صفین را نگاه کنید ـ مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، با گروههای مختلف؛ چون آن جا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه عظیمی بود؛ یک عده‌ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشنگری بود؛ این طرف می‌رفت، آن طرف می‌رفت، برای گروههای مختلف سخنرانی می‌کرد ـ که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست ـ از آن طرف هم عده‌ای که «نفر من اصحاب عبدالله بن مسعود . . .» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین ـ یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است ـ انّا قد شککنا فی هذا القتال»؛ ما شک کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرعی است که یُحلب؛ همان ظهری است که یُرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال ما را و شما را به آنچه می‌گوییم، به آنچه نیت داریم، عامل کند؛ موفق کند.

۱- سورهٔ محمّد(ص): آیهٔ ۷. ۲- سورهٔ حج: آیهٔ ۴۰.

پیوست ۵

بخشی از زندگینامه علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی

علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۱۳ در روستای بهرمان از توابع رفسنجان در یک خانواده مذهبی و کشاورز به دنیا آمد. در سن ۵ سالگی وارد مکتب‌خانه شد و در ۱۴ سالگی برای تحصیل علوم دینی و حوزوی راهی قم شد. در دوران اقامت در قم به واسطه نزدیکی محل سکونتش با محل زندگی حضرت امام خمینی، با ایشان آشنا گردید و به همراه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای در درس خارج فقه امام شرکت کرد. اوّلین مقابله علنی رژیم پهلوی با هاشمی رفسنجانی به سال ۱۳۳۷ برمی‌گردد که در همدان بر منبر از رژیم سلطنتی پهلوی شدیداً انتقاد کرد و بلافاصله توسط ساواک دستگیر شد، اما به درخواست علمای شهر ونیز به دلیل این‌که بسیار جوان بود آزاد گردید. اکبر هاشمی در این دوران تحت رهبری امام خمینی در جریان مخالفت با انجمنهای ایالتی و ولایتی دست به فعالیتهایی زد تا این‌که پس از حادثه حمله به فیضیه، در فروردین ۱۳۴۲ دستگیر و اجباراً به سربازی اعزام شد. در حالی که مسؤولین ارتش از فعالیتهای وی بیم داشتند، در ۲۱ خرداد ۱۳۴۲ پس از مرخصی، دیگر به پادگان بازنگشت.

هاشمی در این مقطع به زندگی مخفی روی آورد و با استفاده از این فرصت به ترجمه کتاب «سرگذشت فلسطین» پرداخت که با افزودن مقدمه‌ای روشنگر، در اعتراض به سلطه داخلی و استعمار خارجی و حمایت از مردم مظلوم فلسطین در سال ۱۳۴۳ چاپ شد و اثری عمیق بر روشنفکران و مبارزان آن دوران گذاشت.

پس از تبعید حضرت امام، هاشمی به همراه تعدادی دیگر از علما از جمله آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و . . . در نامه‌ای سرگشاده به هویدا (نخست‌وزیر وقت) نسبت به تبعید امام اعتراض کردند و خواستار بازگشت امام به قم شدند.

در اسفند ۱۳۴۳ ساواک بار دیگر هاشمی را دستگیر کرد که پس از ۴ ماه بازجویی و شکنجه، تحت فشار علما و مراجع آزاد شد. در همین روند وی یک بار دیگر در سال ۱۳۴۴ در حالی که ممنوع‌المنبر بود، به دلیل نقض آن و نیز سایر فعالیتهایش دستگیر شد. از جمله فعالیتهای هاشمی در این دوران تألیف کتاب «امیرکبیر یا قهرمان مبارزه با استعمار» در سال ۱۳۴۶ است که در آن با تأکید بر اصلاحات امیرکبیر، ضرورت اقدامات اصلاحی را در کشور گوشزد می‌کرد.

هاشمی رفسنجانی در چندین نوبت دیگر دستیگر و سپس آزاد گردید تا این‌که در آخرین دستگیری از تاریخ ۱۳۵۴/۹/۱ تا پاییز ۱۳۵۷ در زندان ماند. وی بعد از آزادی از زندان به همراه دوستان خود همچون آیت‌الله شهید بهشتی، آیت‌الله شهید مفتح، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله موسوی اردبیلی و . . . هسته اوّلیه جامعه روحانیت مبارز را تشکیل داد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هاشمی رفسنجانی از نزدیکان حضرت امام محسوب می‌شد. وی به همین دلیل حکم نخست‌وزیری مهدی بازرگان را قرائت کرد. هاشمی به اتفاق آیت‌الله شهید بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله موسوی اردبیلی، حجةالاسلام محمدجواد باهنر حزب جمهوری اسلامی را تأسیس کرد و بدین ترتیب نیروهای انقلابی را در قالب تشکیلات حزب جمهوری اسلامی دور هم آورد.

هنوز چهار ماه از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که وی مورد سوء قصد قرار گرفت و ترور شد. امّا این ترور نافرجام ماند. حضرت امام خمینی در پیامی به هاشمی فرمود: «مردان تاریخ تا آخر زنده هستند. بدخواهان بدانند هاشمی زنده است، چون نهضت زنده است.»

در دوره حساس انتقال قدرت، سرپرستی حساس‌ترین وزارتخانه یعنی وزارت کشور به عهده هاشمی گذاشته شد که حسب فرمان امام، انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار و بنی‌صدر رئیس‌جمهور شد. هاشمی به دلیل شرکت در انتخابات مجلس اوّل شورای اسلامی از وزارت کشور استعفا و پس از ورود به مجلس با اجماع به ریاست مجلس انتخاب گردید.

با آغاز جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران، طی حکمی، هاشمی رفسنجانی در تاریخ ۲۰ مهر ۱۳۵۹ به عضویت شورای عالی دفاع و سخنگوی آن شورا منصوب شد و سال بعد یعنی ۲۱ مهر ۱۳۶۰ از سوی حضرت امام به عنوان نماینده رهبری در شورای عالی دفاع گردید.

در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۶۲ به سمت فرماندهی عملیات والفجر منصوب و در این دوران پس از پایان جلسات مجلس در پایان هفته به مناطق جنگی می‌رفت. در این زمان با توجه به اهمیت جنگ و از آنچه که بروز برخی اختلافات موجب وقفه در امور مربوط به جنگ می‌شد، به پیشنهاد آیت‌الله خامنه‌ای و حکم امام به عنوان جانشین فرمانده کل قوا انتخاب گردید و تا پایان جنگ این مسؤولیت را به عهده داشت ـ هاشمی رفسنجانی در کتاب خاطرات خود بسیاری از مسائل مربوط به جنگ، دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و . . . را بیان می‌کند ـ وی همچنین به عنوان یکی از امامان جمعه موقت تهران معرفی گردید.

هاشمی رفسنجانی از جمله افرادی بود که به دلیل بیماری قلبی حضرت امام، مسأله جانشینی برای ایشان را مطرح کرد. وی با مطرح کردن آقای منتظری تلاش کرد تا زمینه‌های لازم را جهت استمرار رهبری فراهم آورد. هاشمی در این باره می‌گوید: «از نظر صلاحیتها، دیدگاههای فقهی و سیاسی، آن موقع در قانون اساسی مرجعیت شرط رهبری بود. برای اوّلین بار در نمازجمعه تهران من آقای منتظری را آیت‌الله‌العظمی خطاب کردم. این یک کلمه تشریفاتی نبود بلکه حساب شده بود و

مبنای فقهی داشت تا این که ایشان مرجع تقلید محسوب شوند.»!

پس از پایان جنگ، روح حضرت امام خمینی(ره) در روز شنبه ساعت ۲۳ : ۲۲ دقیقه ۱۳ خرداد ۱۳۶۸ به ملکوت اعلی پیوست و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۴ خرداد با رأی اکثریت قاطع اعضای مجلس خبرگان رهبری، به عنوان رهبر انتخاب شدند. هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت و با رأی بالای مردم به ریاست‌جمهوری اسلامی ایران انتخاب گردید. لزوم بازسازی و ترمیم خرابیهای ناشی از جنگ و ساخت زیربناها به عنوان یک راهکار نجات‌بخش برای دهه دوم انقلاب مورد توجه قرار گرفت. لذا هاشمی رفسنجانی با شعار دولت کار، گفتمان جدیدی را تحت عنوان گفتمان سازندگی مطرح ساخت و در پرتو این گفتمان، پیشرفتهای قابل توجهی برای کشور حاصل گشت. امّا گذشته از این توسعه‌طلبی‌ها و بازسازیها، نکته حائز اهمیتی که می‌توان از آن به عنوان نقطه ضعف تأمل‌برانگیز این گفتمان برشمرد، تکیه صرف بر توسعه اقتصادی کشور و بی‌توجهی به عدالت و معنویت و به حاشیه راندن فرهنگ و آزادی بود. وجود تکنوکراتها در کابینه وی و تصمیمات آنان فشار مضاعفی را بر روی اقشار جامعه وارد کرد تا جایی که تورم نزدیک به ۵۰ درصدی را در مقابل رشد اقتصادی نادیده می‌گرفتند و وضعیت اقتصادی کشور به دلیل افزایش بدهی خارجی، افزایش واردات و کسری تراز تجاری و کاهش نرخ درآمد سرانه و . . . در وضعیت بغرنجی قرار گرفت. این در حالی بود که برخی افراد خانواده هاشمی نیز برخی پستهای دولتی را تصاحب کرده بودند. محمد هاشمی (برادر اکبر هاشمی رفسنجانی) معاون اجرایی و ستادی دولت، محسن هاشمی (فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی) رئیس دفتر رئیس‌جمهور و بازپرس ویژه، مهدی هاشمی (فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی) معاون اجرایی و ستادی دولت، محسن هاشمی (فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی) در نفت، فائزه هاشمی (دختر اکبر هاشمی رفسنجانی) در سیاست و ورزش، یاسر هاشمی رفسنجانی (فرزند اکبر هاشمی رفسنجانی) در وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی حضور داشتند!

این وضعیت با موضع‌گیری و انتقاد بسیاری از دلسوزان انقلاب روبه‌رو شد. بویژه مقام معظّم رهبری در دیدارهای مختلف با کارگزاران نظام مسائلی را گوشزد فرمودند. رهبر انقلاب در دوران سازندگی تأکید ویژه‌ای بر عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی در سطوح مختلف و بویژه رعایت ساده‌زیستی مسؤولان داشتند، ولی همواره این مسأله مهم و بسیار اساسی لابه‌لای چرخهای بزرگ سازندگی گم و له می‌شد و گاه به مسابقه تجمل و اشرافیت میان برخی مسؤولان و کارگزاران میانی نظام می‌انجامید. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این باره بیان داشتند: «عده‌ای سازندگی را با مادّیگرایی اشتباه گرفته‌اند. سازندگی چیزی است، مادّیگرایی چیز دیگری است. سازندگی یعنی کشور آباد شود و جمعیت محروم به نوایی برسند. سالهای سال این کشور را ویران کرده‌اند. بعد از انقلاب هم به وسیله مهاجمین خارجی، هشت سال همان کار را ادامه دادند. این کشور باید ساخته شود. این سازندگی تلاش نام دارد. از پایان جنگ تا امروز، هنوز سه سال و اندی می‌گذرد. زمان زیادی از پایان جنگ تا

امروز نگذشته است . . . بعد از چند سال ویرانگری جنگ اکنون دولت جمهوری اسلامی، به کمک مردم و کارگزاران و متخصصین و کاردانهایش، می‌خواهد این کشور را بسازد. این کار یک روز و دو روز نیست. کار یک سال و دو سال هم نیست. این همه مراکز مادّی از بین رفته، این همه امکان اشتغال نابود شده؛ اینها چیزی نیست که ظرف مدت کوتاهی برگردد این را می‌گویند سازندگی . . . امروز عده‌ای به اسم سازندگی خودشان را غرق در پول و دنیا و مادّه‌پرستی می‌کنند. این سازندگی است؟ آنچه که جامعه ما را فاسد می‌کند، غرق شدن در شهوات است. از دست دادن روح تقوا و فداکاری است (۱۳۷۱/۴/۲۲).»

آغاز دههٔ ۷۰ را برای انقلاب می‌توان آغاز جنگ نرم دشمن علیه انقلاب اسلامی دانست. در این دوران ضد انقلاب و اپوزیسیون خارج از کشور با تغییر خط مشی و استراتژی و برنامه‌های فرهنگی خود زمینه را برای استحاله مسؤولین نظام و سپس مردم فراهم کرد. در این میان مدیران فرهنگی کشور بدون توجه به هجمهٔ فرهنگی دشمن، به تئوریزه کردن نظریات به اصطلاح روشنفکرانه مشغول بودند. هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ «مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست‌جمهوری» را با هدف توسعه سیاسی راه‌اندازی کرد و موسوی خوئینی‌ها را به ریاست آن گمارد. امّا این مرکز به محلی برای رفت و آمد و حلقه اتصالی بین اعضای حلقه کیان (طرفداران سروش) و اعضای حلقه آیین (طرفداران خاتمی) تبدیل شد و در آن افرادی نظیر سعید حجاریان، عباس عبدی، مصطفی تاجزاده، بهزاد نبوی، هاشم آغاجری، محسن سازگارا و . . . با برگزاری جلسات منظم به جای اندیشه و ارائه راهکار مقابله با جنگ نرم دشمن به دنبال بیان مفاهیمی تازه و جدید و گاهی حتی مخالف با اهداف نظام اسلامی بوده و در این مسیر گام برداشتند و به نوعی خواسته یا ناخواسته اهداف دشمن را در زمینه فرهنگی پیگیری می‌کردند و این‌گونه بود که فرهنگ اسلامی، عدالت و معنویت، ایثار و شهادت به فراموشی سپرده شد. مقام معظّم رهبری به عنوان چشم بینا و بصیر انقلاب اسلامی در تذکری جدی مسؤولان فرهنگی را به هوشیاری فراخوانده و فرمودند: «دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط ـ فرهنگ فساد و فحشا ـ سعی می‌کند جوانهای ما را از ما بگیرد. کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه باید گفت یک شبیخون فرهنگی یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است. امروز دشمن این کار را با ما می‌کند. چه کسی می‌تواند از این فضیلتها دفاع کند؟ آن جوان مؤمنی که دل به دنیا نبسته، دل به منافع شخصی نبسته و می‌تواند بایستد و از فضیلتها دفاع کند، کسی که خودش آلوده و گرفتار است که نمی‌تواند از فضیلتها دفاع کند (۱۳۷۱/۴/۲۲).»

در سال ۱۳۷۲ هاشمی رفسنجانی مجدداً به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب گردید، امّا در این دوره با ریزش آراء ۵ میلیونی همراه بود. در سال ۱۳۷۳ با موافقت ضمنی هاشمی، بیش از ۳۰ نفر از اعضای ارشد دولت وی، حزب کارگزاران سازندگی را بنا نهادند و بدین ترتیب اوّلین حزب دولتی و تشکیل شد و بسیاری از مدیران و مسؤولان دولت درگیر حزب‌بازی شدند. افرادی چون عطاءالله

مهاجرانی، عبدالله نوری، غلامحسین کرباسچی، حسین مرعشی، فائزه هاشمی و . . . در لوای حمایتهای هاشمی رفسنجانی تلاش نمودند تا دولت و مجموعه حاکمیت را در دست بگیرند. با پایان دوران ریاست‌جمهوری هاشمی رفسنجانی برخی اعضاء کارگزاران بحث مادام‌العمر شدن ریاست‌جمهوری را با این ادعا که خواست عموم مردم است، مطرح کردند. ـ عبدالله نوری، حسن روحانی، حسین مرعشی، عطاءالله مهاجرانی از افرادی بودند که مادام‌العمر شدن ریاست‌جمهوری هاشمی را مطرح نمودند ـ اصرار بر تمدید دوران ریاست‌جمهوری هاشمی در حالی صورت گرفت که رهبر معظّم انقلاب در این زمینه موضع‌گیری مشخصی داشتند و بر انتخاب فرد جایگزین تأکید نمودند.

پس از امتناع میرحسین موسوی از کاندیداتوری هفتمین انتخابات ریاست‌جمهوری، گروههای موسوم به چپ ـ مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین ـ سید محمد خاتمی را مطرح کردند و سرانجام پس از کش و قوس‌های فراوان و اختلاف نظر در میان برخی از اعضای حزب کارگزاران سازندگی سرانجام این حزب نیز از خاتمی حمایت کرد. حتی هاشمی رفسنجانی نیز در خطبه‌های نمازجمعه یک هفته مانده به انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری تلویحاً از خاتمی حمایت نمود. وی در روز ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۶ در خطبه‌های نمازجمعه و در شرایطی که شعار کنایه‌آمیز و طنزگونه «بنویسیم خاتمی، بخوانیم ناطق» افکار عمومی جامعه را نسبت به احتمال تقلب وسیع انتخاباتی برانگیخته بود، گفت: «این گونه آدمی که سالها برای کشور خدمت کرده، امروز هم پست و مسؤولیت دارد و آینده هم می‌خواهد خدمت کند و شورای نگهبان هم او را به عنوان صالح پست ریاست‌جمهوری قبول کرده است. بدنام کردن چنین کسی چه معنا دارد و چه جوابی آدم پیش خدا می‌تواند بدهد؟ بقیه و همه مسؤولان اجرایی و ناظران باید واقعاً این کار را بکنند که همان چیزی که رأی مردم است بیاید توی صندوق و همان هم خوانده شود و همان هم اعلام شود. ممکن است کسی فکر کند که حالا اگر ما تغییراتی بدهیم و شخص مقبولی که خودمان به آن ایمان داریم می‌آید سر کار، این یک نفعی است برای جامعه. ولی این کار ضرر بنیانی دارد. اعتماد مردم را ضعیف کردن، بزرگترین جنایت است به ملت و نظامی که می‌خواهد به اتکای مردم این همه مشکلات را حل کند.»

ناطق نوری در کتاب خاطرات خود در مورد انتخابات هفتم ریاست‌جمهوری به علل شکستش اشاره کرد و عملکرد هاشمی و این سخنان را یکی از عوامل عدم موفقیت خود می‌داند. در سال ۱۳۷۶ دولت خاتمی روی کار می‌آمد و اتفاقات عدیده‌ای همچون قتلهای زنجیره‌ای، محکومیت کرباسچی، حادثه کوی دانشگاه، ترور حجاریان، کنفرانس برلین و . . . در کشور به وجود می‌آمد. در این ایام که هاشمی رفسنجانی به ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام منسوب شده بود، احزاب و فعالان سیاسی و مطبوعات دوم خردادی انتقادهای فراوانی را علیه وی آغاز و با نوشتن مقاله‌ها و کتابهایی مانند عالیجناب سرخ‌پوش و عالیجناب خاکستری به تخریب هاشمی پرداختند. اوج تخریبها زمانی بود که هاشمی قصد نامزدی در انتخابات مجلس ششم را نمود. در این زمان علاوه بر وی،

فرزندان هاشمی رفسنجانی نیز مورد انتقاد اصلاح‌طلبان قرار گرفتند. به همین خاطر فائزه هاشمی (دختر هاشمی) که در انتخابات گذشته حائز رتبه دوم شده بود، از راهیابی به لیست ۳۰ نفره جبهه مشارکت بازماند و هاشمی رفسنجانی نیز رتبه سی‌ام شهر تهران شد، که سرانجام به استعفای وی انجامید.

با پایان یافتن دوران هشت ساله دولت اصلاحات، هاشمی رفسنجانی ـ در حالی که بیان می‌شد قحط‌الرجال شده است ـ عزم خود را برای بازگشت به عرصه ریاست‌جمهوری، جزم کرد. علی‌رغم این‌که بسیاری مخالف حضور مجدد وی بودند، امّا وی در توجیه ورودش به عرصه رقابتها گفت: «بارها گفته‌ام که اگر به این نتیجه برسم و فرد دیگری برای ریاست‌جمهوری نباشد، چاره‌ای نیست و برای منافع اسلام و انقلاب باید به صحنه انتخابات بیایم، دریغ نخواهم کرد.» هاشمی در اعلامیه اعلام حضورش آورده بود: «نمی‌خواستم گمان شود که نظام جمهوری اسلامی توان زایش نخبگان و مدیران تازه را ندارد و یا شائبه این تحلیل ناصواب که برخی تصور کنند این‌جانب تنها شکل خدمت به انقلاب و میهن عزیز را منحصر در مدیریت اجرایی می‌دانم و یا این‌که مجال برای خدمتگزاری نیروهای تازه‌نفس و توانا محدود گردد.» در این دوره از انتخابات، آنچه قابل توجه و تأمل می‌نمود فیلم تبلیغاتی هاشمی رفسنجانی بود که تعجب بسیاری را به دنبال داشت. در این فیلم جمعی ۲۰ نفره با ترکیب دختران و پسرانی با شکل و ظاهری متفاوت با عرف ارزشی جامعه، در آن از صحبتهای جدی و شوخی و حرفهای بی‌ارتباط با موضوع انتخابات ریاست‌جمهوری طراحی شده بود تا هاشمی را شخصیتی جوان‌پسند و معتدل نشان دهد! همچنین برخی پوسترهای تبلیغاتی وی از جمله هاشمی ۲۰۰۵ و . . . چهره‌ای متفاوت را از هاشمی به جا گذارد.

درنهایت انتخابات ریاست‌جمهوری در ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ با حضور پرشور مردم برگزار و برای اوّلین بار در تاریخ انتخابات ریاست‌جمهوری، به دور دوم کشیده شد. هاشمی رفسنجانی با ۶/۱۶ میلیون رأی و احمدی‌نژاد با ۵/۷۱ میلیون رأی به دور دوم راه یافتند. در آستانه دور دوم انتخابات سید محمد خاتمی (رئیس‌جمهور وقت) بیانیه‌ای صادر کرد که به نوعی حمایت از هاشمی تلقی شد. اصلاح‌طلبان بویژه حامیان مصطفی معین با شعار «برای مقابله با اختناق و وحشت به هاشمی رأی می‌دهیم» از هاشمی حمایت نمودند، ولی با همه حمایتهای احزاب و گروههای اصلاح‌طلب و حتی برخی از اصولگرایان، مردم احمدی‌نژاد را ـ که در سمت شهرداری تهران روح خدمت را به جامعه بازگردانده بود ـ انتخاب کردند.

هاشمی رفسنجانی که فکر شکست را در مقابل حریف غیرآشنا و گمنام خود نمی‌کرد با صدور بیانیه‌ای یک روز پس از حماسه سوم تیر، اعتماد عمومی به ناظر انتخابات را نشانه رفت. وی در بیانیه خود آورد: «بنا ندارم که در مورد انتخابات، شکایت به داورانی که نشان دادند نمی‌خواهند یا نمی‌توانند کاری بکنند، ببرم و شکایت خود را فقط همانند مورد قبل در دادگاه عدل الهی مطرح می‌کنم. خدایی که با توکل بر او و برای جلب رضایتش به صحنه آمدم و با او معامله کردم و می‌دانم

در انتقام الهی اگر کسی معاقب شود، قطعاً مردم، انقلاب اسلامی و ایران نخواهد بود و فقط مجریان واقعی مجازات می‌شوند.»

هاشمی رفسنجانی تا مدتی سکوت اختیار کرد و در حالی که بسیاری از فعالیتهای دولت از جمله سفرهای استانی و . . . مورد تأیید مقام معظّم رهبری بود، وی حتی در خطبه‌های نمازجمعه نیز بدان اشاره‌ای نکرد. امّا این سکوت دیری نپایید که شکسته شد و در شرایطی که بسیاری از رسانه‌های زنجیره‌ای اصلاح‌طلبان انتقادها و بعضاً تخریبهایی را علیه دولت نهم بیان می‌کردند، هاشمی رفسنجانی نیز به صف عظیم منتقدین دولت پیوست.

یکی از مواردی که سنگین‌ترین مواضع علیه دولت از سوی رئیس تشخیص مصلحت نظام اتخاذ شد در مورد دانشگاه آزاد بود، تا آن جاکه هر بار انتقادی از عملکرد این دانشگاه از سوی رئیس‌جمهور مطرح می‌شد، هاشمی مجالی می‌یافت تا با حضور در یکی از واحدهای این دانشگاه، با تندترین الفاظ مخالفان دانشگاه آزاد را مورد خطاب قرار دهد. به عنوان نمونه هاشمی در آذر ۱۳۸۵ گفت: «امیدوارم شرارتهایی که می‌شود تا دانشگاه آزاد را به عنوان واحد ملی و جهانی تضعیف کند، شرش را از سر دانشگاه کوتاه کنیم.» مواضع هاشمی در حالی اتخاذ می‌شد که احمدی‌نژاد در پاییز ۱۳۸۴ با انتقاد از افزایش شهریه دانشگاه آزاد، شخص عبدالله جاسبی را خطاب قرار داده و در آبان ۱۳۸۵ در جمع مردم پیشوای ورامین اعلام کرده بود: «اگر دانشگاه آزاد شهریه‌ها را کاهش ندهد، درباره این دانشگاه تصمیم انقلابی خواهیم گرفت.» دولت همچنین بحث اصلاح اساسنامه دانشگاه آزاد را در دستور کار شورای عالی انقلاب فرهنگی قرار داد که با واکنشهایی از جانب هاشمی و جاسبی مواجه شد تا جایی که در اواخر شهریور ۱۳۸۷ سخنگوی دولت از توقف اقدامات دولت برای اصلاح در دانشگاه آزاد خبر داد!

بحرانی جلوه دادن کشور از دیگر مسائلی بود که در طول عمر دولت نهم از سوی جریان رقیب ـ یعنی اصلاح‌طلبان ـ پیگیری می‌شد. هاشمی رفسنجانی نیز که در این راه با آنان همراه شده بود، در دی ماه ۱۳۸۴ در همایش ائمه جمعه گفت: «مسأله تهاجم خارجی همیشه وجود داشته است ولی امروز شرایط ویژه است.» القای وجود بحران از سوی هاشمی رفسنجانی و یاران نزدیک وی در شرایطی که دولت نهم در طول سالیان اوّل خود به دنبال احقاق حقوق هسته‌ای ملّت بود، موجب شد تا رهبر معظّم انقلاب در دی ماه ۱۳۸۶ در تحلیل شرایط سیاسی کشور ضمن حساس برشمردن آن، وجود بحران را نفی کردند.

هاشمی رفسنجانی در اواخر اردیبهشت ۱۳۸۷ در مصاحبه با خبرگزاری موج در واکنش به واگذاری سهام عدالت آن را گداپروری خواند و گفت: «ساختن اقتصاد کشور با شیوه گداپروری جواب نمی‌دهد.» وی همچنین در آبان همان سال در افتتاح دومین همایش سمپوزیوم ایران ۱۴۰۴ بار دیگر دولت را متهم به گداپروری کرد و گفت: «عدالت اجتماعی با شعارهای پر زرق و برق به دست نمی‌آید. عدالت تقسیم فقر در جامعه نیست بلکه عدالت توزیع امکانات بین اقشار مختلف است.»

هاشمی در آذر ماه نیز همزمان با آغاز بحثهای انتخاباتی ریاست‌جمهوری در دانشگاه شریف، بی‌توجهی به محرومان در دوران سازندگی را یک دروغ تاریخی خواند!

گرچه مواضع هاشمی رفسنجانی علیه دولت نهم به مرور روشن‌تر و واضح‌تر می‌شد، امّا انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری اوج نقش‌آفرینی وی را نمایان ساخت. استراتژی هاشمی در این انتخابات، «دولت وحدت ملی» نام گرفت و در واقع تاکتیکی برای حذف احمدی‌نژاد بود. پس از آن که این طرح با عدم استقبال قاطبه اصولگرایان مواجه شد، با کاندیداتوری میرحسین موسوی و حمایت احزاب دوقلوی اصلاح‌طلبان (حزب مشارکت و سازمان مجاهدین) از وی، حزب کارگزاران نیز پس از دیدار اعضای ارشدش با هاشمی رفسنجانی از موسوی حمایت کرد.

هرچند در این خصوص هاشمی موضعی رسمی نگرفت، امّا فرزندان وی صحنه‌گردان اصلی ستادهای موسوی شدند. مهدی هاشمی کمیته راهبردی و فائزه هاشمی هدایت گروه دختران فیروزه‌ای ستاد موسوی را برعهده گرفتند. فعالیت مهدی هاشمی کمتر در چشم بود، ولی فائزه هاشمی در مراسمی که به مناسبت سالروز دوم خرداد و در حمایت از میرحسین موسوی برگزار شد، در اقدامی بی‌سابقه با لحن موهن و اهانت‌آمیز در حضور سید محمد خاتمی ضمن تجلیل از دوران سازندگی و اصلاحات، به تخریب شخصیت احمدی‌نژاد پرداخت. وی با تخریب دولت نهم شرایط حاضر را نکبت، خفت و خواری خواند و گفت: «شرایط اکنون برعکس است و در شرایطی به سر می‌بریم که نکبت و خفت و خواری نصیب ملت ایران شده و اینها را به مردم یادآوری می‌کنیم و از مردم می‌خواهیم که تلاش کنند تا آن دوران برنگردد.» فائزه هاشمی با توهین به دکتر احمدی‌نژاد اظهار داشت: «مطمئن هستم که اگر در اثر خطای ما این دولت پیروز شود، امر بر این آقا (احمدی‌نژاد) مشتبه می‌شود که خود را امام زمان می‌نامد و خطاهای گذشته را با قدرت بیشتر ادامه می‌دهد.»

حمایت هاشمی از میرحسین موسوی حتی صدای مهدی کروبی، کاندیدای دیگر اصلاح‌طلبان را درآورد و کروبی در نامه‌ای به هاشمی رفسنجانی نوشت: «ضمن تأکید بر حق شهروندی شما در حمایت از نامزدی خاص، به اطلاع برسانم که متأسفانه برخی از نزدیکان و بستگان شما با شایعه‌پراکنی قصد دارند یکی از دو صدای اصلاح‌طلبان در انتخابات را خاموش کنند و با پخش خبرهای کذب و شایعات ناروا درباره انصراف این‌جانب از رقابتهای انتخاباتی آب به آسیاب مخالفان اصلاحات بریزند . . . امیدوارم به دوستان خود تذکر بدهید که از ادامه این حرکت تخریبی ـ که جز به سود حریف نیست ـ خودداری کنند و بدانید که به رغم داعیه‌ها اکنون همه این رفتارها منتسب به جناب‌عالی است.» همچنین سایت تغییر (سایت رسمی حامیان کروبی) در این باره نوشت: «کروبی تبلیغات آن‌چنانی نکرده و جز یک روزنامه و دو، سه سایت خبری امکانات کلانی ندارد، چون نه هاشمی پشت سرش است که یک شبه ستادهایش را تجهیز کنند و نه فرزندان هاشمی فسنجانی، نه بیش از بیست سایت خبری دارد و نه چندین روزنامه دارد که با هزینه جاسبی و فرزندان هاشمی

رفسنجانی اداره شوند.»

و این‌گونه بود که محمود احمدی‌نژاد در جریان مناظره خود با میرحسین موسوی در شب ۱۴ خرداد ۱۳۸۸ پرده از نقش هاشمی در صحنه‌گردانی اردوگاه رقیب، برداشت و گفت: «بنده در برابر یک کاندیدا نیستم. در برابر یک مجموعه‌ای هستم که با محوریت آقای هاشمی و همکاری آقای موسوی و خاتمی علیه بنده حرکت کردند.»

پس از این مناظره در حاشیه مراسم سالگرد امام(ره) هاشمی رفسنجانی نامه‌ای ـ که هرگز محتوای آن فاش نشد ـ به احمدی‌نژاد داد و همچنین محسن هاشمی در نامه‌ای به احمدی‌نژاد مدعی شد که رئیس‌جمهور با دروغ و عوامفریبی می‌خواهد فضای انتخابات را «هاشمی ـ احمدی‌نژاد» کند.

در حالی که همگان انتظار می‌کشیدند تا فضای ملتهب به وجود آمده تحت تأثیر مناظره‌های تلویزیونی به پایان رسیده و انتخابات دهم برگزار شود، در ساعات مهلت پایانی تبلیغات انتخاباتی، انتشار نامه هاشمی رفسنجانی به مقام معظّم رهبری[1] فضا را ملتهب‌تر نمود. هاشمی در نامه بدون سلام و تحیت خود، از سخنان احمدی‌نژاد شکوه کرده و هشدار داده بود که دود آتش‌فشان پنهان برخاسته از این اقدام از هم‌اکنون در هوا دیده می‌شود. در شرایطی که شایعه پاسخ رهبر معظّم انقلاب به نامه هاشمی در سراسر کشور انتشار یافته بود، مقام معظّم رهبری در روز ۲۲ خرداد و در هنگام انداختن رأی خود به صندوق، در سخنانی، ملّت ایران را به عدم توجه به شایعات مطروحه فراخواندند. نامه هاشمی به مقام معظّم رهبری با واکنش شخصیتهای سیاسی و مذهبی بسیاری روبه‌رو شد.

بعد از اعلام رسمی نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری دهم و مشخص شدن شکست نامزد مورد حمایت هاشمی رفسنجانی، اردوکشی‌های خیابانی در قالب اعتراض به نتایج انتخابات آغاز گردید و تخریبها و اغتشاشات برخی از نقاط تهران و شهرستانها را فراگرفت. شورای نگهبان مهلت رسیدگی به شکایات انتخاباتی را با موافقت مقام معظّم رهبری تمدید کرد. تمامی زمینه‌ها برای جلب اعتماد عمومی فراهم شد. رهبر انقلاب در دیدار میرحسین موسوی با ایشان، به عنوان نخستین و عالی‌ترین مقام نظام، صف اعتراض‌کنندگان به نتایج انتخابات را از اغتشاشگران جدا دانسته و خطاب به موسوی فرمودند: «جنس شما با این‌گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.» امّا موسوی به این توصیه عمل نکرد و دست به قانون‌شکنی زده و چندین روز کشور را دچار چالش کرد.

هاشمی در روزهای ابتدایی اغتشاشات سکوت پیشه کرد. امّا در این بین بستگان او میدان‌دار این قائله بودند. فائزه هاشمی با حضور در میان اغتشاشگران آنان را تحریک می‌نمود. مهدی هاشمی نیز در پشت پرده از اغتشاشات حمایت می‌کرد. حضور برخی اعضای خانواده هاشمی رفسنجانی در اردوکشی‌های خیابانی برای چند نوبت منجر به دستگیری و سپس آزادی آنان گردید. ناآرامی‌ها و

۱- متن نامه هاشمی رفسنجانی به مقام معظّم رهبری در جلد اوّل ذکر شده است.

اغتشاشات تا یک هفته ادامه داشت و سران فتنه بدون آن که مسائل را از راه قانونی پیگیری نمایند شروع به صدور بیانیه‌های پی‌درپی کردند و در این راه رسانه‌ها و شخصیتهای سیاسی غربی نیز آنان را مورد حمایت خود قرار دادند. امّا هاشمی رفسنجانی که دچار بحران شده بود، هیچ‌گونه موضع‌گیریی از خود بروز نداد. خصوصاً که فرزندان هاشمی به صورت پیدا و پنهان علیه رهبری و رئیس‌جمهور موضع‌گیری کرده بودند.

مقام معظّم رهبری در خطبه‌های نمازجمعه تاریخی ۲۹ خرداد ۱۳۸۸ به تشریح اهداف دشمن از زیر سؤال بردن انتخابات پرداخته و در سخنانی روشن سعی کردند که هاشمی رفسنجانی را از این بحران خارج نمایند. ایشان با یادآوری خدمات هاشمی در طول مبارزات و قبل از انقلاب اسلامی و این‌که هاشمی تا مرز شهادت پیش رفته است، به اختلاف نظرها میان خود و هاشمی اشاره کردند و فرمودند: «من البته در مواردی با آقای هاشمی اختلاف نظر دارم، که طبیعی هم هست ولی مردم نباید دچار توهّم بشوند. چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رئیس‌جمهور از همان انتخابات سال ۸۴ تا امروز اختلاف نظر بود، الان هم هست، هم در زمینه مسائل خارجی اختلاف نظر دارند، هم در زمینه نحوه اجرای عدالت اجتماعی اختلاف نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف نظر دارند و نظر آقای رئیس‌جمهور به نظر بنده نزدیکتر است.»

غیبت پرسش‌برانگیز هاشمی رفسنجانی در نمازجمعه ۲۹ خرداد، در حالی که ادعا می‌شد او به مشهد مقدس سفر کرده، مسأله را بغرنج‌تر کرد. بویژه این‌که بزودی مشخص شد وی در تهران بوده است. هرچند بسیاری از شخصیتهای سیاسی معتقد بودند که هاشمی رفسنجانی بایستی نسبت به دفاع از رهبر انقلاب از شخصیت انقلابی هاشمی واکنش نشان داده و سخنان رهبری را فصل‌الخطاب بداند ولی او بنا بر دلایلی ـ که احتمالاً ریشه در شکستهای پیاپی سیاسی داشت ـ نه تنها واکنشی نشان نداد و از این فرصت استفاده نکرد، بلکه بار دیگر با حضور در نمازجمعه ۲۶ تیر به ایراد خطبه‌هایی پرداخت که مورد تعجب همگان شد!

نمازجمعه هاشمی رفسنجانی در ۲۶ تیر ۱۳۸۸ به مرحلهٔ دیگری برای آشوب و اعتراضات خیابانی تبدیل گردید. هاشمی در خطبه دوم در شرایطی که شعارهای «هاشمی، هاشمی سکوت کنی، خائنی» از طرف اغتشاشگران سبزپوش سر داده می‌شد، با بیان پیشنهادهای جنجال‌آفرین تلاش داشت تا نقش خود در صحنه سیاسی کشور را احیا نماید. «برای اعتمادسازی باید زندانیان سیاسی آزاد و از آسیب‌دیدگان دلجویی شود، نظام باید آزادی رسانه‌ها در چارچوب قانون را محترم بشمارد، صدا و سیما به دو طرف فرصت دهد، از علما دلجویی شود.»

هاشمی راه برون‌رفت از وضعیت فعلی کشور را عمل به این پیشنهادات بیان کرد و درواقع سعی نمود به ژست پدرگونه خود بازگردد. اظهارات هاشمی رفسنجانی با استقبال رسانه‌های دوم خردادی و همچنین رسانه‌های بیگانه قرار گرفت. در مقابل بسیاری از علما و روحانیون و فعالان سیاسی، واکنش نشان داده و سخنان هاشمی را آبی به آسیاب دشمن دانستند. هاشمی رفسنجانی در روزهای

بعد سعی کرد وجههٔ خود را ترمیم و از رابطه صمیمی خود با رهبر انقلاب سحن به میان آورد. امّا مقام معظّم رهبری در روز بعثت حضرت رسول اکرم(ص) در سخنانی که هشداری بسیار خطرناک برای نخبگان کشور بود اظهار داشتند: «همه باید مراقب گفتار و مواضع و حتی نگفتن‌های خود باشند زیرا نگفتن مسائلی که باید گفت، عمل نکردن به وظیفه است و گفتن مسائلی که نباید گفت، عمل کردن به خلاف وظیفه است.»

عده‌ای شاید معتقد بودند، هاشمی می‌تواند با حضور در مراسم تنفیذ ریاست‌جمهوری خود را از بحران نجات و به تمام این روزهای سخت که برای خود ساخته پایان دهد، امّا وی در این مراسم حاضر نگردید تا از لسان مبارک رهبر انقلاب بشنود: «عده‌ای از نخبگان کشور در امتحانات اخیر مردود شدند.» مقام معظّم رهبری در دیدارهای مختلف بسیاری خواص و نخبگان جامعه را مورد خطاب قرار دادند و لزوم هوشیاری و بصیرت آنان را متذکر شدند، ولی گویا هاشمی خود را مورد خطاب رهبر انقلاب نمی‌دانست و بر مواضع خود پافشاری می‌کرد! وی در سخنانی در جمع دانشجویان مشهد ضمن بیان مجدد مواضع قبلی گفت: «من از جریانی که در کشور می‌گذرد، راضی نیستم . . . بخصوص جدا شدن قشر آگاه و متفکر جامعه از نظام نوپای اسلامی.» وی افزود: «من در مقابل اتفاقات اخیر ساکت نیستم . . . من موضع خود را صریح در نمازجمعه انتخابات گفتم . . . من در آن نمازجمعه نگفتم که انتخابات درست است یا باطل. فقط گفتم تردید در جامعه حاکم است، امّا برخی به من گفتند چرا گفتی تردید.» هاشمی درخصوص سفر مهدی هاشمی به لندن گفت: «مهدی ما رفته خارج و خیالش از پرونده‌هایش راحت است. مهدی بارها به دیوان محاسبات رفته است، امّا مجلس با وارد شدن به آن قضیه، وی را مبرا دانسته است . . . من مطمئنم که مهدی در این انتخابات، هیچ دخالتی نداشت و در هیچ یک از اغتشاشات و در هیچ نقطه‌ای نبوده است . . . مهدی ما پول ندارد که به بقیه بدهد . . . مهدی به سفر کاری رفته است و این مسأله عادی بوده است . ما ۶ دانشگاه در خارج داریم که الان مهدی رفته به لندن و بیروت برای سرکشی در حالی که بقیه دانشگاهها را هنوز سرکشی نکرده است.[۱] مهدی دائماً می‌خواهد بیاید ولی من به او می‌گویم نیاید و کارهایش را انجام دهد.» این در حالی بود که برخی از متهمان حوادث پس از انتخابات در جلسه دادگاه به نقش مهدی هاشمی اشاره کرده بودند!

هاشمی رفسنجانی با وجود روشن شدن ماهیت سران فتنه ـ پس از اتفاقات روز قدس، ۱۶ آذر و طرح شعارهای انحرافی چون جمهوری ایرانی، نه غزه نه لبنان . . .، اهانت به حضرت امام(ره) و حضرت اباعبدالله‌الحسین(ع) ـ تاکنون (زمان نگارش) اعلام برائتی از آنان نکرده است و بدین ترتیب سؤالات بسیاری را در اذهان عمومی جامعه باقی گذاشته است که توسط افراد و تشکلهای مختلف بارها مطرح شده و طبعاً بایستی برای آنها پاسخی روشن و صریح بیان نماید.

۱- البته این مأموریت توسط عبدالله جاسبی رئیس دانشگاه آزاد در مهر ۱۳۸۹ تکذیب شد.

پیوست ۶

بخشی از زندگینامه محمود احمدی‌نژاد

محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۳۵ در روستای آرادان از توابع شهرستان گرمسار در استان سمنان به دنیا آمد. وی از یک سالگی به همراه خانواده‌اش در تهران اقامت گزید و دوران ابتدایی، راهنمایی و متوسطه خود را در این شهر گذراند. احمدی‌نژاد در سال ۱۳۵۴ با کسب رتبه ۱۳۲ کنکور سراسری، تحصیلات عالی خود را در رشته مهندسی عمران دانشگاه علم و صنعت آغاز کرد و در سال ۱۳۵۶ در مقطع کارشناسی ارشد همان دانشگاه پذیرفته شد. وی در دوران دفاع مقدس با عضویت بسیجی در جبهه‌های حق علیه باطل حضور یافت و در مهندسی رزمی سپاه پاسداران به فعالیت پرداخت.

محمود احمدی‌نژاد با پایان جنگ تحمیلی، در سال ۱۳۶۸ به عضویت علمی دانشکده عمران دانشگاه علم و صنعت درآمد و مدتی در پستهای دولتی چون فرماندار ماکو ـ خوی و استاندار اردبیل سپری کرد. وی در سال ۱۳۷۶ موفق به دریافت مدرک دکترای مهندسی و برنامه‌ریزی حمل و نقل از دانشگاه علم و صنعت گردید و چندین سال به تدریس در آن دانشگاه مشغول بود. احمدی‌نژاد در طی سالهای تدریس به تدوین مقالات و پژوهشهای متعدد علمی، راهنمایی دهها پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای تخصصی در زمینه‌های مهندسی عمران، راه و حمل و نقل و مدیریت ساخت را بر عهده داشت. وی همچنین در دوره پنجم مجلس شورای اسلامی کاندیدا شد، امّا موفق به کسب آرای لازم نگردید.

با روی کار آمدن تعدادی از اصولگرایان غیر سیاسی در سال ۱۳۸۱ تحت عنوان ائتلاف آبادگران‌ایران اسلامی در شورای اسلامی شهر تهران، این شورا با بررسیهای مختلفی که داشت سه نفر را کاندیدای شهرداری تهران نمود. مهندس مقیمی، مهندس سعیدی‌کیا و دکتر احمدی‌نژاد. که سرانجام پس از رأی‌گیری در جلسه شورا، دکتر محمود احمدی‌نژاد که تجربه استانداری اردبیل را با خود داشت، بار شهرداری کلان‌شهر تهران را با همه مصائبش بر دوش کشید.

محمود احمدی‌نژاد در دوره تصدی مسؤولیت شهرداری تهران توانست توانمندی و شایستگیهای خود را در سطح استان به نمایش گذارد و بدین وسیله زمینه‌های گرایش مردم به اصولگرایان فراهم شد. به طوری که لیست آبادگران اسلامی در انتخابات مجلس هفتم شورای اسلامی، اکثریت کرسیهای مجلس را به خود اختصاص دادند. محمدرضا باهنر (نائب رئیس مجلس

هفتم) در یکی از مصاحبه‌هایش به نقش برجسته احمدی‌نژاد در پیروزی اصولگرایان اشاره کرده و گفت: «واقعیت آن است که ۹۰ درصد موفقیت آبادگران در انتخابات مجلس هفتم، مدیون شخص احمدی‌نژاد است.»

در اواخر تیرماه ۱۳۸۳ بود که برخی گروهها درصدد روشن کردن تنور انتخابات نهم ریاست‌جمهوری شدند. اصلاح‌طلبان در ابتدا به سراغ میرحسین موسوی رفتند، امّا پس از امتناع وی، نام افرادی چون مصطفی معین و مهدی کروبی به میان آمد.

در شورای هماهنگی اصولگرایان نیز نام افرادی چون ولایتی، توکلی، رضایی و احمدی‌نژاد مطرح شد. در حالی که این شورا تلاش می‌کرد تا نامزد واحدی را معرفی نماید، همایشی را با حضور نامزدهای مختلف اصولگرایان برگزار کرد، امّا احمدی‌نژاد با ارسال نامه‌ای از حضور در جلسه عذر خواست. او در نامه خود نوشت، «از آن جا که حدود شش ماه به انتخابات ریاست‌جمهوری باقی مانده است و برادر کوچک شما مسؤولیت سنگین اداره شهر تهران و اجرای پروژه‌های مهمی را بر عهده دارد، خوف آن دارم که حضور زودهنگام و رسمی به عرصه تبلیغات انتخاباتی به روند خدمتگزاری در تهران آسیب برساند. بنابراین علی‌رغم اشتیاق فراوان به دیدار دوستان گرانقدر از حضور در این جلسه معذورم.» احمدی‌نژاد در پایان نامه آورد: «این آرزوی تاریخی ملت ماست که به لطف الهی زمینه‌های تحقق آن آشکارا مشاهده می‌شود. امروز ترویج این تفکر و تبیین خصوصیات چنین دولتی، به عنوان مقدمه آن امر مهمّ، ضروری و لازم است و همه باید با اغتنام فرصت باقیمانده تا انتخابات با درایت به انجام آن همت گمارند و با هوشمندی از انتقال رقابتهای بی‌حاصل و تخریبی توسط بدخواهان به درون جبهه یاران انقلاب اسلامی جلوگیری نمایند.»

در اوایل اسفند در حالی که سران شورای هماهنگی، از تصمیم قطعی‌شان برای حمایت از لاریجانی خبر می‌دادند، امّا قالیباف، رضایی و احمدی‌نژاد نیز نیم‌نگاهی به کاندیداتوری داشتند. در این شرایط هاشمی رفسنجانی علی‌رغم این‌که برخی دلسوزان توصیه بر نیامدنش داشتند، اعلام کاندیداتوری کرد. بدین ترتیب رقابت تنگاتنگی بین هاشمی رفسنجانی، مهدی کروبی، محمدباقر قالیباف، علی لاریجانی، محمود احمدی‌نژاد، مصطفی معین و محسن مهرعلیزاده شکل گرفت - محسن رضایی قبل از آغاز انتخابات انصراف داد - که در نوع خود بی‌نظیر بود.

پخش فیلم تبلیغاتی نامزدها، مناظره نمایندگان نامزدها و کشیده شدن به دور دوم از جمله مواردی بود که انتخابات نهم را از دیگر انتخابات متمایز نمود.

با فرارسیدن ۲۷ خرداد ۱۳۸۴ در حالی که ۷ کاندیدا با ایده‌ها و برنامه‌های متفاوت با هم به رقابت پرداختند، سرانجام اکبر هاشمی رفسنجانی با ۶/۱۶ میلیون و محمود احمدی‌نژاد با ۵/۷۱ میلیون رأی به مرحله دوم رفتند، تا یک رقابت تمام‌عیار را در ۳ تیر شکل بدهند.

با به دور دوم کشیده شدن انتخابات - که با اعتراض مهدی کروبی همراه بود - به یکباره اصلاح‌طلبان از هاشمی رفسنجانی حمایت کردند و در فاصله زمانی ۲۷ خرداد تا ۳ تیر، احمدی‌نژاد

مورد حمله و تخریب رسانه‌ای جریان دوم خرداد قرار گرفت.

در آستانه دور دوم انتخابات نهم، سید محمد خاتمی (رئیس‌جمهور وقت) با صدور بیانیه‌ای تلویحاً از هاشمی حمایت کرد. یوسف صانعی نیز در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: «ملت هرگز نخواهند گذاشت که عده‌ای متحجر و واپسگرا، آرمانهای انقلاب و امام امت را خدشه‌دار کنند و زحمات یکصد ساله آزادیخواهان را در راه تحقق مردم‌سالاری و واگذاری امور مردم به دست خودشان و حاکمیت دین و عقل جمعی بر هواخواهی و استبداد فردی از بین ببرند.» در غوغاسالاری آن دوران که احمدی‌نژاد از سوی اصلاح‌طلبان، نماد تحجر و عقب‌ماندگی و خشونت جلوه داده می‌شد، همسر شهید رجایی هم به کمک آنان شتافت و طی نامه‌ای نوشت: «در این جا نگرانی خود را از یکدست شدن حاکمیت ابراز و اعلام می‌کنم که آقای احمدی‌نژاد ـ که مدعی ادامه راه شهید رجایی دارد ـ سنخیت و نسبتی با شهید رجایی ندارد. خانواده شهید رجایی او را نمی‌شناسد و با احمدی‌نژاد هیچ ارتباطی ندارد.» شورای هماهنگی جبهه اصلاحات هم در بیانیه حمایت از هاشمی اعلام کرد: «برای مقابله با تحجر و واپسگرایی دینی، جلوگیری از انسداد سیاسی، تحقق حقوق مدنی و آزادیهای سیاسی و اجتماعی و . . . در مرحله دوم از هاشمی حمایت می‌کنیم.» مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم به ریاست موسوی تبریزی هم این اتهامات را تکرار کرد: «برای دفع اسلام طالبانی و سربلندی عزت ایرانی لازم است از کاندیداتوری حجةالاسلام جناب آقای هاشمی رفسنجانی حمایت کرد.» حتی به منظور تخریب دکتر احمدی‌نژاد با یک جنگ روانی حساب شده، لطیفه‌هایی ناخوشایند در مورد وی در سطح جامعه انعکاس یافت. امّا علی‌رغم همه تخریبها و تهمتها علیه احمدی‌نژاد، وی توانست اکثریت آراء مردم را به خود جلب نماید و ششمین رئیس‌جمهور اسلامی ایران شود.

مقام معظّم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری دکتر احمدی‌نژاد، آن را روزی مبارک و تجلی رحمت الهی خواندند و تصریح کردند: «عدالت، تندروی نیست، بلکه جلوگیری از ویژه‌خواری، توجه به حقوق آحاد مردم و مقابله با تجاوز به حقوق محرومان است.» ایشان همچنین در حکم ریاست‌جمهوری با حماسه خواندن انتخابات نهم، فرمودند: «ملّت با اکثریت قاطع، شخصیتی انقلابی و دانشمند و مدیری شایسته و کارآزموده و دارای سوابق مجاهدت صادقانه در صحنه‌های گوناگون را به ریاست‌جمهوری برگزیده است.»

روی کار آمدن دولت نهم و تأکید این دولت بر بازگشت به آرمانهای انقلاب اسلامی و حضرت امام خمینی(ره)، دشمنان خارجی و برخی عناصر داخلی را بر آن داشت تا به نقدهای غیرمنصفانه و تخریب دولت بپردازند. رسانه‌های غرب بویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی از زمان تشکیل این دولت به صورت آشکار و پنهان اقداماتی علیه دولت نهم و تخریب آن در دیدگاه بین‌المللی در پیش گرفتند. به طور مثال یک هفته پس از ۳ تیر ۱۳۸۴ رسانه‌های آمریکایی در یک جنگ روانی حساب شده با هدف به شکست کشاندن مذاکرات هسته‌ای، اقدام به تخریب چهره دکتر احمدی‌نژاد کرد. این رسانه‌ها با انتشار عکس تقی محمّدی (از عناصر شرکت کننده در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا)

این‌گونه وانمود کردند که صاحب این عکس، محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور اسلامی ایران است و بدین ترتیب تلاش کردند تا از وی یک چهره خشن و نماد خشونت و گروگانگیر بسازند. هرچند، بعد از گذشت زمانی، روزنامه واشنگتن پست اعلام کرد: «گزارش محرمانه دولت آمریکا تمام ادعاهای ضد احمدی‌نژاد را نادرست دانست.» امّا دشمنیهای آمریکا و غرب در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و . . . با شدّت بیشتری در طول دولت نهم پیگیری گردید.

در داخل کشور نیز هجمه‌های متعددی در سایه باز بودن فضای نقد، علیه دولت احمدی‌نژاد انجام شد. به طوری که شخص احمدی‌نژاد نیز مورد هتاکیهای بسیاری قرار گرفت، که به عنوان نمونه می‌توان به مقاله آواز دلفینها توسط روزنامه اعتماد ملی و. . . اشاره کرد.

عملکرد دولت نهم دارای ویژگیهای منحصر به فردی بود که در عرصه‌های مختلف قابل مشاهده است. در عرصه داخلی؛ سفرهای استانی به تمام نقاط کشور، اعطای سهام عدالت، تأسیس صندوق مهر امام رضا(ع)، تأکید بر ساده‌زیستی، ارائه لایحه هدفمند کردن یارانه‌ها، سهمیه بنزین، اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، مقابله با مفاسد اقتصادی، پیشرفتهای علمی، در زمینه‌های داروسازی، پزشکی، نانو، انواع ماهواره‌برها و . . . از جمله نقاط قوّت و متمایزکننده این دولت به شمار می‌رود.

دولت نهم همچنین در تنظیم و جهت‌گیری مناسبات و روابط خارجی با در نظر گرفتن مؤلفه‌هایی چون؛ تداوم گفتمان مقاومت پویا در برابر غرب و تغییر استراتژی وضعیت ایران از متهم به مدعی و اتخاذ راهبرد عدالت‌خواهی در عرصه بین‌المللی، اقدامات مؤثری را انجام داد. پایداری برحق استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، افزایش حضور معنوی و مؤثر در کشورهای اسلامی، نامه‌نگاری به برخی سران کشورهای غربی همچون جرج بوش ـ مرکل ـ شیراک ـ پوتین و . . .، دعوت از رئیس‌جمهور آمریکا برای مناظره در سازمان ملل، حضور در سازمان ملل و دفاع جانانه از حقوق مسلم ملت ایران و ارزشها و باورهای اسلامی آنان، حضور در حیاط خلوت آمریکا و ارتباط مؤثر با کشورهای آمریکای لاتین، ارائه پیشنهادهای مؤثر در کنفرانسها و نشستهای بین‌المللی و . . . از عملکردهای دولت نهم در این عرصه بود. دولت نهم همچنین در موضعی عزت‌مند در مقابل تحریمها و قطعنامه‌های مختلف که با فشار آمریکا و صهیونیست به تصویب می‌رسید، ایستادگی کرده و هر قطعنامه را شلیکی به اعتبار شورای امنیت و سازمان ملل دانست.

محمود احمدی‌نژاد در مواجهه با آمریکا و غرب و رژیم صهیونیستی با بیان این‌که قدرت آنان در حال افول است، نظام سرمایه‌داری غرب را به چالش کشید. وی در نشست جهان بدون صهیونیسم، نبرد فلسطین را جنگ دنیای اسلام با دنیای استکبار دانست و تحقق دنیای بدون آمریکا و اسرائیل را دست‌یافتنی و شدنی عنوان کرد. احمدی‌نژاد با مطرح کردن موضوع هولوکاست، رژیم صهیونیستی را با بن‌بست روبه‌رو ساخت، به طوری که بسیاری از متحدان اسرائیل با روی‌گردانی از این رژیم جعلی، به سمت ایران اسلامی متمایل شدند و جهان اسلام به شجاعت احمدی‌نژاد اقرار نمود.

مقام معظّم رهبری نیز به عنوان عالی‌ترین مقام نظام جمهوری اسلامی هرچند حمایت از دولتها را، سرلوحه کارهای خود دارند، امّا حمایت ایشان از دولت نهم نیز به مانند عملکرد این دولت در نوع خود بی‌نظیر است. مقام معظّم رهبری در زمانهای مختلف علاوه بر رهنمودهای لازم به دولت احمدی‌نژاد با ابراز خرسندی از اقدامات این دولت نظیر عدالت‌خواهی، سفرهای استانی بخصوص به مناطق محروم، آبادانی کشور و ایستادگی در برابر استکبار و . . . حمایت خویش را از دولت نهم ابراز داشتند. ایشان همچنین هدف حملات بی‌وقفه به دولت نهم را تأکید این دولت بر گفتمان امام(ره) و انقلاب دانستند. در ادامه به برخی حمایتهای معظّم‌له از دولت نهم و دکتر احمدی‌نژاد اشاره می‌نماییم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار با ائمه جمعه سراسر کشور در آبان ۱۳۸۴ با بیان این‌که همه باید از دولت و رئیس‌جمهور حمایت کنند، اظهار داشتند: «موج اقبال جوانان به سوی دین و معنویت یک واقعیت است که دلیل آن نیز، انتخابات اخیر ریاست‌جمهوری می‌باشد. زیرا در این انتخابات اکثر رأی‌دهندگان که جوانان بودند، به رغم وجود برخی شعارهای آمیخته با مفاهیم سیاسی رایج غربیها، به شعارهای عدالت‌خواهانه و اصولگرایانه و ارزشهای انقلاب گرایش پیدا کردند که باید قدر این واقعیت دانسته شود.» ایشان در شهریور ۱۳۸۵ نیز سفرهای استانی دولت را سفرهای پربرکت و امیدبخش دانستند و افزودند: «خدا را شاکریم که هدف توجه مسؤولان کشور به مناطق گوناگون با دولتی که سر کار است، به خودی خود برآمده است. خوشبختانه سرکشی دولت و رئیس‌جمهور به مناطق مختلف کشور، آرزوی دیرینه ما را به نحو احسن برآورده کرده است.» مقام معظّم رهبری در جمع مردم سمنان در سال ۱۳۸۵ علت مجبوبیت مردمی رئیس‌جمهور را تکرار و پیگیری شعارهای امام خمینی(ره) خواندند و بیان داشتند: «امروز یک دولت بانشاط و چابک، فعال، دلسوز، دلبسته به منافع و خواسته‌های مردمی و در وسط میدان و صحنه است. وجود دولتی مردمی، پایبند به ارزشهای دینی و کمربسته برای خدمت به مردم و در رأس آن رئیس‌جمهوری با شیوه و منش مردمی. با ایمان و ساده‌زیست. دلسوز، خستگی‌ناپذیر، شجاع و دارای اعتماد به نفس در وسط میدان کار و تلاش و صاحب ابتکار عملی در مسایل داخلی و بین‌المللی از دیگر نقاط قوّت نظام اسلامی در شرایط کنونی است.» رهبر انقلاب همچنین در جمع مردم گرمسار در همان سال فرمودند: «خوشبختانه در پرتو این سفرهای استانی دولت یکی از آرزوهای دیرینه رهبری یعنی جلب توجه مسؤولان به مسائل مناطق مختلف برآورده شده است و نشاط و تحرک دولت روند تحقق اهداف نظام را سرعت بخشیده است. سفرهای استانی آقای رئیس‌جمهور و هیأت دولت جزو کارهای خیلی خوب است. رفتن میان مردم و حرفها را بی‌واسطه از زبان آنها شنیدن، خیلی در شکل بخشیدن به انگیزه‌های آن کسی که کار متوجه به اوست تأثیر دارد. در هیچ جای دنیا چنین صحنه‌هایی وجود ندارد که یک رئیس‌جمهور در شهرهای کوچک و بزرگ مورد استقبال این‌چنین جمعیت عظیمی قرار گیرد و این نمونه بارز انسجام میان ملت و مسؤولان است.» ایشان در نوروز ۱۳۸۶ در جمع مردم مشهد دلایل حمایت خود را از

دولت نهم این‌گونه بیان کردند: «سختکوشی، ارتباط با مردم، تلاش برای عدالت اجتماعی از دلایل حمایت از دولت است. البته این حمایت بی‌حساب و کتاب نیست و مبتنی بر توقعاتی است که خستگی‌ناپذیری، حفظ مردم‌زیستی، دوری از مخاصمات جناحی و عمل به برنامه‌هایی که به مردم گفته می‌شود از جمله آنهاست.» آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار رئیس‌جمهور و مسؤولان اجرایی کشور در تیر ۱۳۸۶ ضمن بیان نقاط قوّت دولت نهم اظهار داشتند: «در سالهای گذشته برخی افراد و حتی برخی مخلصان انقلاب، تصور می‌کردند شعارهای اصلی انقلاب اسلامی، همچون سربلندی اسلام، عدالت، مبارزه با استکبار و تلاش برای رفع محرومیت دیگر جایگاهی ندارد و دوران آن به پایان رسیده است و حتی برخی به این شعارها گستاخی و جسارت نیز کردند، امّا به همت مردم و روی کار آمدن دولت نهم، این شعارها و ارزشها بار دیگر احیا شده است.»

معظّم‌له در هفته دولت سال ۱۳۸۶ نیز با بیان این‌که کار عظیم و بسیار خوب مدیریت مصرف سوخت باید ادامه یابد افزودند: «مردم از بسیاری از کارهای دولت بی‌خبرند و برای رفع این مشکل، باید دولت، اطلاعات لازم را در اختیار رسانه‌ها و رسانه ملی قرار دهد تا آنها هنرمندانه به مردم ارائه کنند که این کار، ضمن امیدزایی و روشنگری، کمک بیشتر مردم را نیز به دنبال خواهد آورد.» مقام معظّم رهبری در مهر ۱۳۸۶ نیز بیان داشتند: «با روی کار بودن یک دولت حزب‌اللهی و رئیس‌جمهور مکتبی زمینه برای حرکت عمیق فرهنگی بیش از پیش فراهم است و همه دستگاههای مسؤول اعم از وزارت ارشاد و صدا و سیما، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت علوم و ... باید در جهت ارتقای ارزشهای اخلاقی و ایمان دینی جامعه به طور جدی تلاش کنند.» ایشان در دیدار صدها نفر از دانشجویان نخبه و برترین‌های کنکور کشور در همان مهر ماه، حمایت از دولت را به معنای تأیید همه کارهای آن ندانستند و تصریح کردند: «دولت کنونی، انصافاً خدمتگزار، پرکار، باارزش و صد درصد مورد اعتماد است. امّا این مسائل به معنای اطلاع رهبری از جزئیات همه فعالیتهای دولت و تأیید آن نمی‌باشد.» مقام معظّم رهبری در دیار هزاران دانشجوی یزدی در دی ماه ۱۳۸۶، با بیان این‌که دولت فعلی برخی خصویات منحصر به فرد دارد، افزودند: «امّا مانند هر دولت دیگر خطاها و کاستیهایی دارد که باید دلسوزانه آنها را تذکر داد، امّا بهانه‌گیری مدام صحیح نیست. پرکاری فراوان دولت، سفرهای استانی آقای رئیس‌جمهور و هیأت دولت ابراز خرسندی دارد.» ایشان همچنین در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در اسفند ۱۳۸۶ به ایستادگی دکتر احمدی‌نژاد در قضیه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای اشاره کرده و اظهار داشتند: «نقش شخص رئیس‌جمهور و ایستادگی وی در پیشرفت موضوع هسته‌ای بسیار بارز است.»

رهبر انقلاب در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت دولت در شهریور ۱۳۸۷ علت حملات بی‌وقفه به دولت نهم را گفتمان امام و انقلاب دانسته و تصریح کردند: «زنده کردن و بازسازی برخی خصوصیات جوهری انقلاب و منطق امام و مقابله با کسانی که می‌خواستند این ارزشها و مفاهیم اساسی را منسوخ کنند از خصوصیات بسیار برجسته این دولت است.» ایشان افزودند: «این دولت در تعاملات

جهانی، وفاداری به گفتمان انقلاب را افتخار خود می‌داند و روند بسیار خطرناک غربزدگی و گرایشهای سکولاریستی را ـ که متأسفانه در حال نفوذ در بدنه مدیریتی کشور بود ـ سد کرده است.» آیت‌الله خامنه‌ای همچنین اضافه کردند: «شرافت شما در همسطح بودن با ملت، ساده‌زیستی و انس مستمر با مردم است و تجلی عملی این خصوصیات در رفتار رئیس‌جمهور و هیأت دولت باعث جلب اعتماد بیشتر مردم و ریشه‌کن شدن بلای اسراف و اشرافیگری می‌شود.» ایشان همواره تخریب دولت را توهین به ملت دانسته و در جمع کارگزاران حج در آبان ۱۳۸۷ فرمودند: «این فضای بی‌بند و باری در حرف زدن و اظهار نظر علیه دولت، مسائلی نیست که خداوند به آسانی از آنها بگذرد.» رهبر انقلاب در جمع دانشجویان دانشگاه علم و صنعت در آذر ماه همان سال با اشاره به ویژگی ساده‌زیستی و اجتناب از اشرافیگری در دولت نهم اظهار داشتند: «باید بسیار مراقب بود تا این روح و سیرت نظام اسلامی از دست نرود، بویژه با توجه به این‌که تغییر سیرت و هویت واقعی تدریجی و آرام است و توجه خیلیها به آن جلب نمی‌شود و ممکن است افراد موقعی به خود بیایند که کار از کار گذشته باشد.»

از نیمه اوّل سال ۱۳۸۷ و قبل از آرایش‌بندیهای سیاسی احزاب، برخی گروهها از جمله طیف علامه دفتر تحکیم وحدت با هدف مشروعیت‌زدایی از انتخابات و با اطمینان از رد صلاحیت عبدالله نوری، خواستار نامزدی وی برای انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری شدند. در سایه این درخواست جلسات شورای متعددی در منزل عبدالله نوری و با حضور سران اصلاحات برگزار گردید. نتیجه این جلسات دو هدف را دنبال نمود. هدف اوّل رسیدن به وحدت در میان اصلاح‌طلبان حول سید محمد خاتمی و هدف دوم تمرکز بر وجود نقاط ضف دولت نهم، از طریق نقدهای غیرمنصفانه و بتدریج تخریب دولت بود.

هرچند اصلاح‌طلبان برای دستیابی به هدف اوّل تلاش بسیاری را نمودند. امّا مهدی کروبی با طرح شورای حکمیت آن را دچار چالش کرد. عدم استقبال اصلاح‌طلبان از طرح کروبی، منجر به تفرق در میان کاندیدای اصلاح‌طلبان گردید. حتی اعلام نامزدی خاتمی نیز نتوانست از این قضیه جلوگیری نماید. انشقاق در میان اصولگرایان را نیز در پیش گرفتند. طرحهای دولت وحدت ملی و دولت ائتلافی و طرح عبور از احمدی‌نژاد در راستای این هدف تعبیر می‌شود، امّا قاطبه اصولگرایان با حمایت از احمدی‌نژاد، این طرحها را به ناکامی کشاندند.

وارد شدن به آرایش‌بندیهای سیاسی در میان اصلاح‌طلبان در حالی بود که احمدی‌نژاد به عنوان رئیس دولت نهم، ورود به عرصه انتخابات را زودهنگام توصیف کرده و بر عدم درگیر کردن مسائل جاری و پیشرفت رو به رشد کشور تأکید نمود.

از سوی دیگر اصلاح‌طلبان برای دستیابی به هدف دوم، استراتژی نقد را در پیش گرفتند که بتدریج این استراتژی جای خود را به استراتژی تخریب داد. اصلاح‌طلبان با تشکیل کمیته صیانت از آراء، نهاد ناظر بر انتخابات را زیر سؤال برده و همچنین در بی‌سابقه‌ترین اقدامات، پروژه تخریب،

دروغ و تهمت و سیاه‌نمایی ـ که ابتدای تشکیل دولت نهم نیز وجود داشت ـ با هدف جلوگیری از تکرار حضور دولت نهم به اوج خود رسید. بویژه آن که میرحسین موسوی و مهدی کروبی دو کاندیدای مطرح اصلاح‌طلبان نیز این پروژه و استراتژی را دنبال نمودند.

مقام معظّم رهبری به عنوان عالی‌ترین مقام نظام جمهوری اسلامی با ابراز نگرانی از رایج شدن اخلاق بی‌انصافی در جامعه، اظهار داشتند: «من نگرانی‌ام از این نیست که حرفی زده شود؛ از کسی انتقاد شود؛ نه؛ یک نفر انتقاد می‌کند، یک نفر هم جواب می‌دهد. نگرانی من از رایج شدن اخلاق بی‌انصافی در جامعه است. خدمات فراوانی دارد انجام می‌گیرد، انسان همه را کنار بگذارد، به نقطه بچسبد. این درست نیست.» ایشان همچنین نامزدها را به عدم تخریب اذهان عمومی فراخواندند و فرمودند: «این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب‌کننده اذهان مردم است. واقعیت هم ندارد. خلاف واقع هم هست. بنده که از همه این آقایان اوضاع کشور را بیشتر می‌دانم و بهتر خبر دارم. می‌دانم که بسیاری از این مطالبی که به عنوان انتقاد درباره وضع کشور و وضع اقتصاد و اینها می‌گویند، خلاف واقع است. اشتباه می‌کنند. ان‌شاءالله اشتباه است.»

در اوایل اردیبهشت ۱۳۸۸، احمدی‌نژاد در ادامه سفرهای استانی خود در جمع پرشور مردم اصفهان از تمام نخبگان و کسانی که دارای نظر و برنامه هستند و در خود توان اداره کشور را می‌بینند، دعوت کرد که به صحنه بیایند. وی گفت: «در انتخابات باید همه اندیشه‌ها، افراد، سلایق، دیدگاهها و نظرات به صحنه بیایند. ملت ایران هنوز دنبال نمونه‌ای مثل شهید رجایی می‌گردد.» چند روز بعد با استعفای سید مجتبی ثمره هاشمی برای تشکیل ستاد انتخاباتی احمدی‌نژاد، حضور وی را در انتخابات دهم قوّت بخشید. تا این‌که احمدی‌نژاد در ۱۷ اردیبهشت با حضور در وزارت کشور، نامزد رسمی انتخابات دهم ریاست‌جمهوری شد. وی در طول زمان تبلیغات انتخاباتی با سفر به چند استان و شهر بر تداوم گفتمان عدالت و گفتمان انقلاب اسلامی تأکید کرد و همگان را به حضور پرشور در انتخابات ۲۲ خرداد فراخواند.

احمدی‌نژاد در مناظره‌های تلویزیونی به دفاع از دولت نهم پرداخت و بدین وسیله توانست اکثریت مردم را به سمت خود متمایل کند. وی در مناظره خود با میرحسین موسوی، با بیان این‌که دروغ‌پردازیهای بزرگ، تخریب بی‌سابقه‌ای که علیه این دولت انجام شده در طول تاریخ بعد از انقلاب بی‌سابقه است، گفت: «ای کاش به جای این همه تخریب و این تبلیغات سنگین و بی‌سابقه یک برنامه‌ای ارائه می‌شد.» احمدی‌نژاد در ادامه با اشاره به این‌که ۳ دولت پی‌درپی در برابرش قرار گفته‌اند به برخی تخریبها علیه دولت اشاره کرد و افزود: «من به شوخی در یک جایی گفتم خوب شد که من هم داوطلبم و الّا این ۳ عزیزی که امروز کاندیدا هستند، چه می‌خواستند به مردم بگویند.» وی در ادامه به موضوعات مطرح شده توسط میرحسین موسوی ـ دستگیری ملوانان انگلیسی و سپس آزادی آنان، سفر به عربستان، بحث هولوکاست، انرژی هسته‌ای، دانشجویان ستاره‌دار، مدارک دانشگاهی، قانون‌گریزی دولت ـ پاسخ گفت و در پایان با برخی آمارهای مقایسه‌ای نسبت به دولت

خود و دولتهای گذشته اشاره کرد.

احمدی‌نژاد در مناظره با کروبی، در حالی که به قضیه هاله نور و قصد آمریکاییها برای ربودن رئیس‌جمهور اشاره کرد، در پاسخ گفت: «آقای کروبی دو ادعا را مطرح کردند که در ادعای اوّل ساختگی بودن آن کاملاً مشخص است و در دومی هم انگار ایشان جای آمریکاییها نشسته و از آنها دفاع می‌کند.» وی در ادامه با نشان دادن نمودارهای آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به دفاع از کارنامه اقتصادی دولت نهم پرداخت.

در شرایطی که احمدی‌نژاد قصد داشت برنامه‌های خود را ارائه داده و گزارشی از رشد اقتصادی کشور بیان کند، امّا کروبی مجدداً مسائلی را مطرح کرد که احمدی‌نژاد مجبور به دفاع از خود شد. احمدی‌نژاد اظهارات کروبی درخصوص دادن وام به محصولی را بازی تبلیغاتی خواند و گفت: «اگر محصولی وام گرفته مال شما.» وی درخصوص خدشه کروبی بر آمارهای رسمی کشور اضافه کرد: «این که شما آمار رسمی کشور را زیر سؤال می‌برید یعنی گذشته خود را زیر سؤال می‌برید.» احمدی‌نژاد در ادامه با بیان این‌که من گفته‌ام کاندیداها، اموال خود و خانواده و ستادشان را اعلام کنند تصریح کرد: «من کسی را به فساد متهم نمی‌کنم. ولی آقای کروبی شما که نیروی انقلاب هستید چرا از آقای شهرام جزایری پول گرفتید؟»

محمود احمدی‌نژاد در مناظره خود با محسن رضایی، به نقد برنامه‌های اقتصادی رقیب خود پرداخت و از رضایی درخصوص فدرالیسم اقتصادی، صندوق توسعه مالی و . . . خواستار توضیح شد. رضایی در ابتدای این مناظره تلاش کرد تا خود را بسیار منطقی و با برنامه‌های عالی اقتصادی نشان دهد و حتی در ابتدای سخنانش گفت: «من هیچ رئیس‌جمهوری را کاملاً سیاه یا سفید نمی‌دانم و آقای احمدی‌نژاد هم کارهای مثبتی داشته‌اند ولی کاستیهایی نیز وجود دارد.» امّا بتدریج مناظره ـ خصوصاً قسمت پایانی آن ـ به صورت سؤال و جوابهای پی‌درپی و کوتاه و ارزیابی توانایی پاسخگویی هر دو طرف مناظره انجامید. احمدی‌نژاد در این مناظره به برخی انتقادهای رضایی اشاره کرد و افزود: «این طور نیست که آقای رضایی در مناظرات قبلی راجع به این دولت صحبت نکرده باشند، ضمن این‌که بعضی جاها صحبتهای ایشان حالت تمسخر داشته است ولی من وارد آنها نمی‌شوم.»

رضایی نیز در ادامه دولت را متهم به آمارسازی، عدم به‌کارگیری همه نخبگان کشور، خودرأیی و . . . کرد و احمدی‌نژاد به برخی از آنان پاسخ گفت. با پایان یافتن مناظره‌های تلویزیونی موج تخریبها نسبت به اظهارات احمدی‌نژاد افزایش یافت و شخصیتهای حقیقی و حقوقی بسیاری از وی شکایت کردند. خانواده هاشمی رفسنجانی ـ عبدالله جاسبی ـ محسن صفایی فراهانی ـ غلامحسین کرباسچی از جمله شکایت‌کنندگان بودند. از سوی دیگر اظهارات احمدی‌نژاد در این مناظره‌ها ـ بویژه در مناظره موسوی و کروبی ـ با استقبال گسترده مردم و برخی فعالان سیاسی روبه‌رو شد و همین امر موجب بالا رفتن آرای احمدی‌نژاد در نظرسنجی‌های رسمی گردید.

در حالی که همگان انتظار می‌کشیدند تا فضای ملتهب رقابتهای انتخاباتی به وجود آمده تحت تأثیر مناظره‌های تلویزیونی به پایان رسیده و انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری در ۲۲ خرداد آغاز گردد، نامه هاشمی رفسنجانی به مقام معظّم رهبری فضا را ملتهب‌تر کرد.

هاشمی رفسنجانی در نامهٔ بدون سلام و تحیت خود نسبت به اظهارات محمود احمدی‌نژاد انتقاد و آنها را خلاف واقع دانست. وی در ادامه به اختلافات خود با رئیس‌جمهور اشاره کرد و در واکنشی تحریک‌آمیز بیان داشت: «بر فرض این‌که این‌جانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی‌شک بخشی از مردم و احزاب و جریانها این وضع را بیش از این برنمی‌تابند و آتش‌فشانهایی که از درون سینه‌های سوزان تغذیه می‌شوند در جامعه شکل خواهد گرفت.»

علی‌رغم شایعات بسیار گسترده مبنی بر پاسخ مقام معظّم رهبری به نامه هاشمی، آیت‌الله خامنه‌ای در روز ۲۲ خرداد در جمع خبرنگاران ضمن انداختن رأی خود به صندوق، مردم ایران را به عدم توجه به شایعات درخصوص بخشهای مختلف انتخابات ـ که ساخته انسانهای ناسالم است ـ رهنمون و افزودند: «به لطف و مدد الهی و رشد آگاهی مردم شاهد انتخاباتی پُرشور باشیم.» محمود احمدی‌نژاد در این روز با حضور در مسجد جامع افسریه، ضمن دادن رأی، از ملت ایران به خاطر حضور در صحنه انتخابات تشکر کرد. با شروع شمارش آراء خبرها حاکی از پیروزی احمدی‌نژاد داشت، امّا کاندیدای اصلاح‌طلبان یک ساعت بعد از اتمام زمان رأی‌گیری خود را پیروز دانسته و هواداران خود را به اردوکشی خیابانی دعوت نمود.

در شرایطی که شمارش آرا ادامه داشت و هنوز به قطعیت نرسیده بود، بسیاری از هواداران کاندیدای اصلاح‌طلبان با تجمعات غیرقانونی اعتراض خود را اعلام نمودند. در این میان به برخی از اماکن و اموال عمومی و خصوصی آسیب جدی وارد گردید.

با اتمام شمارش آراء، دکتر محمود احمدی‌نژاد با بیش از ۲۴ میلیون رأی، مجدداً به عنوان ریاست‌جمهوری ایران برگزیده شد. وی شنبه شب در رسانه ملی ضمن رکورد عظیم و پرافتخار دانستن حضور ۴۰ میلیونی مردم در انتخابات دهم، اظهار داشت: «باید از همه کسانی که چنین حماسه بزرگی خلق کردند ـ چه کسانی که به من رأی دادند و چه کسانی که به دیگران رأی دادند ـ تشکر کنم.» احمدی‌نژاد در ادامه، خدمتگزاری مسؤولان در رفع مشکلات مردم، عدالت و قطع دست متجاوزان به حقوق ملت، پیشرفت و تعالی کشور را از جمله خواسته‌های مردم دانست و افزود: «امروز ملت از بنده انتظار دارد در انتخاب همکارانم منافع ملت را در نظر بگیرم نه منافع اشخاص، گروهها و دسته‌ها.»

احمدی‌نژاد همچنین در اجتماع دهها هزار نفری هوادارانش در میدان ولی عصر(عج) که به مناسبت ولادت حضرت زهرا(س) و با هدف پایان دادن به تجمعات پراکنده و برخی آشوبها شکل گرفت، اظهار داشت: «بعضیها در داخل و خارج پیدا شدند که می‌گویند انتخابات مخدوش است که باید به آنها گفت کجای انتخابات مخدوش است. بعضیها اگر نتیجه انتخابات به نفع آنها بود

دموکراسی را فقط برای خودشان می‌خواهند. بعضیها انتخابات، آزادی و سلامت را تا آن جا قبول دارند که نتیجه به نفع خودشان باشد.» وی در ادامه به سؤال خبرنگاری که پرسیده بود بعضیها در گوشه و کنار بعضی کارها را انجام می‌دهند و اغتشاش است، اشاره کرد و گفت: «شما اشتباه می‌کنید ملت ایران یک ملت یکپارچه است. در یک مسابقه فوتبال ۵۰ هزار یا ۷۰ هزار تماشاچی می‌روند و آن کسی که تیمش باخته عصبانی است و به هر دری می‌زند. در ایران در انتخابات ۴۰ میلیون نفر خودشان بازیگر اصلی و تعیین کننده اصلی بودند. حالا ۴ تا خس و خاشاک این گوشه‌ها یک کاری می‌کنند، بدانید این رودخانه زلال ملت جای برای خودنمایی آنها نخواهد گذاشت.»

هرچند احمدی‌نژاد در این سخنان، ۴۰ میلیون شرکت کننده در انتخابات دهم را به عنوان بازیگر اصلی خطاب کرده بود، امّا رسانه‌های بیگانه و همچنین رسانه‌های جریان دوم خرداد با تحریف این سخنان، این‌گونه وانمود کردند که رئیس‌جمهور منتخب، مخالفان خود و هواداران میرحسین موسوی را خس و خاشاک نامیده است ـ این جنگ روانی توانست حتی برخی اصولگرایان نظیر علی مطهری ـ محسن رضایی و . . . را تحت تأثیر خود قرار دهد ـ احمدی‌نژاد همچنین در مناسبتها و جلسات مختلف بارها با تشکر از حضور چهل میلیونی مردم، آن را رفراندومی چهل میلیونی برای اصل نظام دانست.

چندی بعد مقام معظّم رهبری در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری به دکتر احمدی‌نژاد در مرداد ۱۳۸۶ رأی قاطع و بی‌سابقه مردم به رئیس‌جمهور منتخب را رأی به ویژگیهای کارنامه چهار ساله دولت نهم دانستند و افزودند: «این رأی به گفتمان پربرکت و عزتمدار انقلاب اسلامی است، رأی به استکبارستیزی و ایستادگی شجاعانه در برابر سلطه‌طلبان بین‌المللی است، رأی به مبارزه فقر و فساد و تبعیض و مبارزه با اشرافیگری است، رأی به ساده‌زیستی و نزدیکی با مردم و غمگساری از ضعیفان و مستضعفان است، رأی به کار و تلاش بی‌وقفه و خستگی‌ناپذیر است.»

گرچه دولت دهم در زمینه‌های بسیاری دارای نقاط مثبت نظیر هدفمند کردن یارانه‌ها و اجرای طرح تحول اقتصادی می‌باشد و آرمانهای دولت نهم را ادامه می‌دهد، امّا برخی نقاط ضعف مانند قضیه مشایی (اظهارات او درخصوص مردم اسرائیل و مکتب ایرانی و . . .) و پاسخ دیرهنگام به نامه رهبری مبنی بر برکناری مشایی از پست معاون اوّلی رئیس جمهور و . . . نیز در کارنامه دولت احمدی‌نژاد وجود دارد.

پیوست ۷

متن کامل گفتگوی اختصاصی سعید حجاریان با خبرگزاری ایرنا

سعید حجاریان، عضو مستعفی حزب مشارکت عامل اصلی حوادث پس از انتخابات و فوران نفرت را عملکرد سفارتخانه‌های و رسانه‌های بیگانه، فراخوان‌های غیرقانونی موسوی، دفاع کورکورانه برخی احزاب سیاسی از خط مشی وی و شایعه تقلب و ضعف مدیریت بحران دانست. سعید حجاریان که هم‌اکنون در بازداشت به سر می‌برد و بنا به گفته‌هایش دچار تحول شده است، در گفتگوی اختصاصی مکتوب با ایرنا، به پرسشهای متنوعی درخصوص علت تحوّل، عوامل حوادث پس از انتخابات، نوع نگاههای سابق خود به مقوله ولایت فقیه و مشروعیت، علت انحراف فکری خود و جریان متبوعش و . . . پرداخت. متن کامل این گفتگوی مکتوب در ادامه آمده است:

ـ شما در حوزه سیاسی، امنیتی و پژوهشی سوابق زیادی دارید؛ چطور در طول این مدت زیاد، چنین تحول فکری بزرگی برای شما رخ نداد و اینک این تحوّل در زندان برایتان پیدا شده است؛ به تعبیر دیگر، فرایند این تحوّل چگونه بود؟

اوّلاً وقایع پس از ۲۲ خرداد وقایع کمی نبودند. این همه خسارت مالی و جانی و فوران تنفر در تاریخ بعد از انقلاب بی‌سابقه بوده است. این تنفر میان برادران یک خانواده بزرگ در سابق نه در سنن ملی سابقه داشته و نه در سنن اسلامی، لذا من وحشت‌زده فکر کردم این موضوعات ریشه در خارج از فرهنگ ما دارد، بخصوص کمونیسم و آنارشیسم، این وقایع مرا به یاد تصفیه‌های خونین سال ۱۳۵۴ سازمان منافقین انداخت که بخش کمونیستی با چه قساوتی دست به تصفیه بخش مسلمان زد یا بسیاری بمبگذاریهای گرجی و ارمنی که در صدر مشروطیت فضای سیاسی را آلوده کردند و گرایشات آناشیسمی داشتند.

ثانیاً همراهی بعضی از بزرگان نظام با این وقایع بسیار دردناک بود. کسانی که به چشم خود می‌دیدند وحدت ملی در خطر است اما به این روند دامن می‌زدند.

ثالثاً برکت ماههای رجب، شعبان و رمضان آن هم در تأملات تنهایی به کمک من آمد تا بدقت راه طی شده را کاوش نمایم و در مشی و بینش خود تجدید نظر کنم.

ـ در متن دفاعیه خود گفتید که در جریان انتخابات خوادثی رخ داد و از آنها با این تعابیر یاد کردید:

«قانون شکنی آشکار»، «صدمه به اموال شخصی و عمومی»، «شعارهای وهن‌آلود»، «قتل و جرح»، «جور و عدوان بر مردم و نظام»، «به خطر انداختن امنیت کشور» و . . . چرا این وضعیت پدید آمد و عامل اصلی پیدایی این جریانات چه بود؟

اسباب متعددی دست به دست هم می‌دادند تا کار به این جا رسید:

الف) تبلیغات مکرر رسانه‌های صوتی و تصویری بیگانه که هر لحظه مردم را به آشوب ترغیب می‌کردند. ب) وجود بعضی عناصر سفارتخانه‌ها در میان تظاهرکنندگان و همچنین عناصری که از قبل آموزشهای لازم را برای براندازی نرم دیده بودند. ج) فرمانهای غیرقانونی و فراخوانهای بدون مجوز مهندس موسوی برای ایجاد تجمعات و راهپیماییهایی که احزاب سیاسی از خط مشی مهندس موسوی و اعلام حمایت از وی و دامن زدن به شایعات تقلب. هـ) بیانیه کمیته صیانت از آرا دال بر تقلب وسیع و مخدوش بودن اصل انتخابات بدون آن که مستند به مدارک محکمه‌پسند باشد. ح) ضعف مفرط وزارت ارشاد و صدا و سیما در آستانه بحران در جهت اطلاع‌رسانی و نیز ضعف وزارت اطلاعات در جهت مدیریت بحران.

ـ مقصود شما از فعالان سیاسی که گفتید عالماً و عامداً در سطح دانشگاهها، احزاب و جامعه نظریه‌هایی را بسط می‌دهند، چه کسانی بودند و چه شواهدی در این زمینه وجود دارد؟

فعالان سیاسی خود نظریه‌پرداز نیستند اما به بسط تئوریهای غربی در سطح دانشگاهها، احزاب سیاسی و جامعه می‌پردازند.

مثلاً بسیاری از توده‌ایهای سابق که به صورت منفرد فعالیت می‌کنند با مقالات و کتب خود به گسترش اندیشه‌های مارکسیسم، لنینیسم و حتی استالینیسم در جامعه می‌پردازند یا کسانی که با سوسیال دموکراسی اروپایی مأنوسند، به بسط این اندیشه می‌پردازند.

لیبرالها از همه فراوان‌ترند و جامعه لیبرالی و اقتصاد لیبرالی را بهترین نسخه برای ایران می‌شمارند و به طرح آن همت می‌ورزند. اندیشه‌های فمینیستی بین فعالان سیاسی زن رواج بسیار دارد و کمپین یک میلیون امضا اساساً مروج این دیدگاه بوده. پست مدرنها هم چند سالی است که سر و کله‌شان پیدا شده و آنها نیز ساز خود را می‌زنند. وهابی‌ها، بهایی‌ها، مبلغین مسیحی از جمله اقلیتهایی هستند که به تبلیغ عقاید خود می‌پردازند. مجموعاً باید گفت هیچ اندیشه‌ای نمی‌میرد و صبر می‌کند تا زمینه اشاعه آن فراهم آید، آن گاه در جامعه گسترش می‌یابد.

ـ درباره وظیفه حفظ وحدت هم نکاتی گفته بودید. چه ضرورتی در این زمینه هست؟ با توجه به اختلاف نظرها، وحدت در چه چیزهایی امکان‌پذیر است؟ محور وحدت کدام است؟ معیار وحدت یا امنیت ملی چیست؟ راههای وحدت‌شکنی کدام است؟ ویژگیهای وحدت‌شکنان چیست؟

در روایت داریم که اختلاف میان امت من، رحمت است (نقل به مضمون) چون اختلاف باعث تضارب آرا و تعامل افکار می‌شود و جامعه رشد پیدا می‌کند، منتهی حد اختلاف سقف محدودی دارد یعنی می‌توان سلایق مختلف درباره نحوه تصمیم‌گیریها، قوانین، مسؤولیت اجرایی و بسیاری از امور

دیگر داشت اما وحدت داشت (و این امر در همه جای دنیا رایج است) موضوعاتی مثل وحدت سرزمینی، حاکمیت، دفاع از مال و جان مردم در مقابل حملات بیگانگان، التزام به قانون اساسی، توسعه و رفاه وضع مردم جزو مسائل ملی هستند.

امام سجّاد(ع) در صحیفه سجّادیه به مرزداران دعا می‌کند با این که حکومت را غاصب می‌داند، چون حفظ ثغور مسلمین از حمله کفار و مشرکین را از مصالح امت اسلامی می‌شمارند و حضرت امیرالمؤمنین(ع) در نهج‌البلاغه با این که حق خود را غصب شده می‌دیدند، سکوت پیشه کرده و فرمودند: دیدم که دین خدا مانند مشکی است که اگر کوچک‌ترین آسیبی به آن برسد، همه محتویات آن بر زمین خواهد ریخت.

ـ در دادگاه گفتید که با تحلیلهای ناصواب مبنا برای اعمال نادرست ایجاد کرده‌ام. همچنین بسط نظریات نامنقح را موجب پدید آمدن نتایج سهمگین و عبرت‌آموز دانسته‌اید. این اعمال نادرست و نتایج سهمگین آن چه بود و رابطه این تحلیلها و آن اعمال نادرست چه بود؟

من در مقاطع مختلف تحت تأثیر منابع نقد ناشده دست به تحلیلهای غلط زده‌ام که طی سالیان متمادی این کار صورت گرفته است. نظراتی شبیه سلطانیسم، حاکمیت دوگانه، فتح سنگر به سنگر مواضع، فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا و غیره. همچنین منابع علوم انسانی در ایران عموماً نقد نشده و غیرمنقح در دانشگاهها تدریس می‌شود و با این که رهبر معظّم انقلاب بارها نسبت به آن هشدار داده‌اند، هنوز کار مکفی و جدی صورت نگرفته است و طبعاً من هم تحت تأثیر این منابع بوده‌ام. مقصود من از نتایج عبرت‌آموز وقایع پس از ۲۲ خرداد است. البته نمی‌خواهم بگویم همه کسانی که در آن وقایع دست داشته‌اند، آثار مرا خوانده‌اند اما لااقل بخشهایی از نخبگان با ایده‌های من آشنا بوده‌اند و تحت تأثیر آن آموزه‌ها به صدور بیانیه و فراخوان پرداخته‌اند و از این جهت من هم در سلسله اسبابی قرار می‌گیرم که به وقایع اخیر منجر شد.

ـ در مقاله مشروطیت، سلطانیستم و مشروعیت مقایسه‌ای میان انقلاب اسلامی و جنبش مشروطه می‌کنید و در آن پایه مشروعیت انقلاب اسلامی را دوگانه می‌دانید و راهکارهایی برای تقویت پایه مشروطیت آن (متجلی شده در جمهوریت) بیان کرده‌اید باید مقدورات و محدودیتهای هر دو پایه حکومت شناسایی شده و تاکتیکها برای پیشبرد امر دموکراسی تعیین شود. راه ایرانی توسعه سیاسی، سنتزی خواهد بود، از دو تجربه انقلاب مشروطیت و انقلاب اسلامی، یعنی کماکان در عصر مشروطه به سر می‌بریم و نمایندگان از جانب توده‌ها در بوروکراسی حضور داشته باشند و از سویی دیگر رهبرانی محلی، مردم را راهنمایی نمایند و اصلاحات با استفاده از الگوی «فشار از پایین، چانه‌زنی از بالا» که بخش اوّل آن برگرفته از تجربه انقلاب اسلامی و بخش دوم آن برگرفته از تجربه انقلاب مشروطیت است، ادامه یابد. اگر به فرض، اصلاح‌طلبان در هشت سال گذشته نتوانسته‌اند به وظایف خود عمل کنند، نافی تئوری یادشده نیست؛ چون به هر حال منابع مشروعیت در ایران چندگانه است و ناگزیر نهالهای جدید، برای پیگیری مطالبات دموکراتیک مردم، در درون

دستگاه سیاسی کشور پدید خواهد آمد. پس نباید این امکان را به عنوان پدیده‌ای ناهنجار، به طور کلی نفی کرد. (نامه، ش ۴۰، نیمه مرداد ۱۳۸۴) همچنین در مقاله «استراتژی مشروطه‌خواهی» تأکید می‌کنید «در نظر من، استراتژیهای سیاسی در ایران امروز» بر استراتژی مشروطه‌خواهی تأکید دارد، در نظر من استراتژی به معنای «طرح نو درانداختن برای تغییر ساختار» می‌باشد . . . مثلاً ذیل استراتژی مشروطه‌خواهی (استراتژی اوّل) می‌توان از تاکتیکهای زیر نام برد: اعتدال، آرامش فعال، بازدارندگی فعال، خروج از حاکمیت، فشار از پایین، چانه‌زنی از بالا و رویگردانی اجتماعی. کارکردی کردن حاکمیت دوگانه در ایران به معنای «بازتوزیع منابع قدرت» و «تأسیس نهادهای حل منازعه» است و به همین دلیل، تغییری ساختاری محسوب می‌شود. استراتژی مورد نظر من ضمن آن که قرائت رسمی از ولایت فقیه را (مستقل از پذیرش یا عدم پذیرش آن) دارای جایگاه مشخصی در حکومت می‌داند، برای وجههٔ جمهوری آن نیز جایگاه قائل است. من این استراتژی را اصلاحات (مشروطه‌خواهی) می‌دانم. آن دسته از استراتژیهای سیاسی که حاکمیت دوگانه را انکار می‌کنند، دچار این توهّم هستند که شرایط فعلی را با الگوهای صدر انقلاب تطبیق می‌دهند. (آفتاب، ش ۱۲) همین مسائل با بیانی دیگر در جزوه تأملات راهبردی حزب مشارکت منعکس شده است، این دیدگاههای شما حاکی از عدم اعتماد جدی به نظریه ولایت فقیه و مشروعیت الهی است. این در حالی است که در متن دفاعیه خود از مشروعیت الهی سخن گفته‌اید. آیا باید این را یک چرخش اساسی در نظریه شما به حساب آورد یا یک چرخش تاکتیکی؛ اگر اوّلی است، عامل آن چیست و چگونه آن را تئوریزه می‌کنید؟

در زمان حضرت امام(ره) اعتقادم بر این بود که ایشان دارای سه وجههٔ مشروعیت (بنا به نظریه ماکس وبر) هستند. الف) ایشان چون مرجع تقلید اکثریت کشور بودند حتی قبل از سقوط شاه امرشان مطاع بود، لذا نوعی مشروعیت سنتی داشتند که تا هنگام ارتحال حفظ کردند. ب) آن حضرت انقلاب شکوهمندی را رهبری کردند که بزرگ‌ترین قدرت منطقه را به زانو درآورد و به ازاله رژیم منحوس پهلوی منجر شد و طی این فرایند نوعی مشروعیت انقلاب (کاریزماتیک) هم کسب کردند. ج) بعد از همه‌پرسی قانون اساسی و تأسیس مجلس خبرگان حضرت امام(ره) از سوی خبرگان رهبری نیز بر اساس قانون اساسی به رهبری برگزیده شدند و به این ترتیب ایشان رهبر قانونی جمهوری اسلامی ایران هم شدند. لذا سه نوع رهبری سنتی، کاریزماتیک، قانونی در امام جمع شد و این امر در کمتر کسی از رهبران جهان سابقه دارد.

اما بعد از ارتحال امام(ره) و حذف شرط مرجعیت و سخنرانی عجیبی که آقای هاشمی کردند که رهبری فرصت مطالعه نداشتند و الخ . . . طبعاً به این نتیجه رسیدیم که مشروعیت سنتی امام دیگر ادامه نخواهد یافت. از آن گذشته امام(ره) به عنوان رهبر مؤسس انقلاب اسلامی دارای کاریزمایی بودند که بنا بر آموزه‌های ماکس وبر غیر قابل انتقال می‌نمود، پس تنها راه تقویت مشروعیت قانونی رهبری بود و همان طوری که در سؤال اشاره شده، به وجههٔ جمهوری (یعنی قانونیت مشروعیت) بها

دادم. اما بعد معلوم شد که رهبری دارای مقلدین بسیاری در داخل و خارج کشور هستند (وجه سنتی مشروعیت) ضمناً ایشان کشتی انقلاب را از گردابهای خطرناکی مثل همین وقایع اخیر نجات دادند بدون این که از اختیارات قانونی خود استفاده کنند، بلکه با بسیج توده‌ای زبانه‌های دود و آتش را خاموش کردند و نشان دادند که مشروعیت کاریزماتیک و جذبه هم دارند و از قبل هم که رهبر قانونی کشور بودند، لذا در مجموع هر سه منبع مشروعیت در ایشان جمع است بخصوص آن که ولایت فقیه اساساً ولایت پیامبر اکرم(ص) و ائمه اطهار علیهم‌السلام است.

در انتها باید در جواب سؤال کننده محترم که بدقت مطالب مرا خوانده و به آن استناد کرده‌اند، بگویم تغییر موضع من در امر ولایت فقیه را به حساب تاکتیک نگذارند چون اولاً هیچ گونه تندی و مکابره‌ای میان من و مسؤولین پرونده‌ام در میان نبوده؛ ثانیاً این سطور را هنگامی می‌نویسم که از رأی دادگاه بی‌خبرم، لذا آن رأی هرچه باشد، تأثیری در مواضع من ندارد وانگهی مگر ایرادی دارد که انسان مواضع خود را اصلاح کند. جناب سلمان فارسی بسیاری از ادیان را آزمود تا به حقانیت پیامبر اکرم(ص) پی برد و به مقام شامخ «سلمان منّا اهل البیت» رسید.

البته من از کلمه چرخش امتناع دارم و به جای آن کلمه تصحیح را ترجیح می‌دهم چون هیچ گاه نسبت به مقوله ولایت فقیه بی‌اعتنا نبوده و سؤال کننده محترم در آخرین پاراگراف از سؤال خود به معنی اشاره کرده‌اند آنچه من در ذهن خود اصلاح کرده‌ام، اولاً تقویت پایه مقبولیت، ثانیاً حل مسأله حکم حکومتی، ثالثاً مسأله کاریزمای رهبری، رابعاً مقوله احکام مولوی رهبری و همتراز نمودن آن با حکم شارع بوده است.

ـ آنچه در نقد نظریه‌های ماکس وبر گفته‌اید مطالبی نیست که تا به امروز کسی نگفته باشد و شما تازه آنها را شنیده باشید یا به آنها رسیده باشید. حضور مردم در تمام صحنه‌های انقلاب، داشتن آرای مؤثر در سرنوشت خود، داشتن قانون اساسی، موروثی نبودن حکومت در ایران، مشروعیت الهی نظام همه و همه از همان ابتدای انقلاب هم گفته شده و هم مورد عمل قرار گرفته است. چگونه می‌توان این غفلت (یا تغافل) را آن هم از فرد آگاه و اهل مطالعه‌ای مانند شما توجیه کرد؟ آیا آنچه این‌جا مطرح می‌کنید واقعاً آخرین نظر شماست؟

درست می‌گویید؛ مردم از همان اوّل انقلاب در تمام صحنه‌ها حضور داشته‌اند و سرنوشت خود را تعیین کرده‌اند، در قانون اساسی سخنی از موروثی بودن حکومت به میان نیامده است و مشروعیت این نظام الهی است. اما چه باید کرد که بعضی علوم حجاب می‌شوند و چون شیشه‌ای کبود جلوی دید را می‌گیرند و انسان دنیا را تیره و تار می‌بینند.

چنان‌که در دادگاه هم گفتم، من به ضرورت شغلی به سمت این دسته از امور کشیده شدم و متأسفانه علی‌رغم توصیه‌های مقام معظّم رهبری به مسؤولین، هیچ عنایتی به این علوم نشده بود و من ناچار بودم برای تحلیل شرایط سیاسی ـ اجتماعی به منابع علوم انسانی روی بیاورم، اما این‌که آیا واقعاً آنچه را مطرح می‌کنم، آخرین نظرات من است یا نه، باید بگویم (انّی لا اُبَرِّء نَفسی الا ما رَحِمَ

رَبّی) خدا را گواه می‌گیرم که موضع من همینهاست که گفته‌ام و بر او تـوکل مـی‌کنم و از او حُسن عاقبت مسألت دارم. انّهُ مُجیبُ دَعوَة الدّاع وَ اِنّهُ عالِمُ السّر و الخَفیات.

ـ گفته‌اید «در ضمن اگر قرار است نظرات امثال پارسونز، ماکس وبر یا هابرماس آثاری از خود به‌جا بگذارد که در حوادث اخیر دیدیم که هم امنیت ملی را به خطر انداخت و هم در ارکان تـوسعه اقتصادی تزلزل ایجاد نمود، قطعاً باید تجدید نظری در راه طی شده انجام دهیم و نقاط اعوجاج و انحراف را شناسایی کنیم» درباره این نقاط اعوجاج و انحراف بیشتر توضیح دهید.

وقتی بزرگانی که سالها با حضرت امام(ره) و مقام معظّم رهبری نشست و برخاست کرده‌اند در امتحان اخیر رد شده‌اند، چه انتظاری از دیگران می‌توان داشت؟ برای ردیابی نقاط اعوجاج و انحراف باید هم از زمینه ذهنی و هم در تاریخ معاصر ایران تلاشهایی انجام داد. من می‌توانـم سرفصل و نقاط عطفی را که اعوجاجات از آن‌جا شروع شده، بشمارم و البته ممکن است نقاط دیگری هم افزود.

قائم‌مقام رهبری آغاز سیاستهای تعدیل به اتکا به نگره‌های نولیبرالی، نشر اندیشه‌های سکولار در میان بخشی از نیروهای مسلمان و مسؤولان نظام، بسط ایـده‌های دمـوکراتـیزاسیون در مـیان نخبگان سیاسی، تـقابل مـصنوعی مـیان جـمهوریت و اسـلامیت در مـیان بـعضی نـظریه‌پردازان، دنیاگرایی برخی مسؤولین بخصوص پس از جنگ و فـاصله گـرفتن آنـها از قـاطبه مـردم و آلام و رنجهاشان، پیدا شدن اشکال عجیبی از فساد مالی اخلاقی و سیاسی در میان نخبگان، پدید آمدن هزار فامیل و الیگارشی‌های خویشاوندسالار، تأثیر سبک زندگی امریکایی بر مـردم طـبقه مـتوسط جدید از طریق رسانه‌های گروهی، فراگیری نسبی ماهواره‌های فرستنده اخبار گمراه کننده، گسترش مراکز آموزش عالی در رشته‌های علوم انسانی، اینها نقاط اعوجاجی بود که در کل جامعه رخ می‌داد و طبعاً در افکار من هم تأثیر می‌گذاشت و سؤالاتی را برمی‌انگیخت که جوابی برای آنها نمی‌یافتم اما خود من که می‌توانستم به عنوان چهره‌ای آکادمیک و تحلیلگر به پاسخ دقـیقی بـرای پـرسشهای جامعه خود برسم، خود را در ورطه یک کنش سیاسی انداختم که بکلی مرا از هدف دور کرد و گره‌های ذهنی‌ام را کورتر نمود. توضیح آن که:

۱ ـ به دنبال تأسیس روزنامه صبح امروز رفتم که این اواخر تیراژی نزدیک به نیم میلیون پیدا کرده بود. طبیعی است که اداره چنین روزنامه‌ای با حوادثی که هر روز اتفاق می‌افتد مجالی برای تفکر باقی نگذارد. هنوز صفحات روزنامه امروز بسته نشده باید به فکر فردا می‌بودی چون وقفه حتی یک روزه در کار روزنامه‌نگاری به اعتبار آن لطمه می‌زند، به این دلیل دچار خرده‌کاری و روزمرگی شدم و از تفکر و تدبر درباره مسائل عمیق‌تر بازماندم و اساساً ژورنالیسم کاری سطحی است کـه مـبلغین خاص خود را می‌طلبد و تازه به خاطر شکایتهایی که از محتویات روزنامه می‌شد، بخشی از وقتم در دادسرای کارکنان دولت و شعبه ۱۴۱۰ می‌گذشت.

۲ ـ اشتباه دیگرم عضویت در حزب مشارکت بود آن هم در مقطع تأسیس که بسیاری از کارها باید به عهده من می‌افتاد؛ از سازماندهی، آموزش و برنامه و . . . و این تقریباً همزمان بود با تأسیس

روزنامه صبح امروز که واقعاً کار به قدری شاق شده بود که اساساً خانه و خانواده فراموش شده بودند.

۳ ـ سومین اشتباهم عضویت در شورای شهر تهران بود که آن نیز به لحاظ زمان مقارن با دو اشتباه دیگر بود، شورایی که واقعاً اعصاب پولادین می‌خواست و جناح‌بندیهای داخلی آن واقعاً مرا فرسوده کرده آن هم زمانی که شهرداری خود پاشیده بود و شهردار و معاون او در زندان بودند و مطالبات مردم به سوی شورای شهر روانه شده بود و آنها توقع داشتند اوّلین شورای شهر شق‌القمر کند. تصور کنید سه کار مهم یعنی روزنامه، حزب، شورا آن هم همزمان چه انرژی از من گرفت به طوری که اصلاً فرصت تفکر درباره مسائل مهم را از من سلب کرد. اگر من خودم را در ورطه این امور نمی‌انداختم و به کار دانشگاهی بسنده می‌کردم، چه بسا می‌توانستم نقاط اعوجاج و انحراف را دقیق‌تر ببینم و راه‌حل‌هایی برای آنها پیدا کنم. چندی پیش دیدم مقام معظّم رهبری جمله‌ای را از خواجه نظام‌الملک نقل کردند که بسیار پرمغز بود.

هیچ گاه کسی را دو کار نفرما، مردی و کاری، کاری و مردی. اگر این را آویزه گوش کنیم و نیز بپذیریم عمل صالح هر فرد در هر زمان بر حسب استعدادهای او یک است، در آن مقطع عمل صالح من می‌توانست بومی کردن الگوی توسعه یا پروژه نقد متون علوم انسانی در جهت تقویت مبانی نظام جمهوری اسلامی می‌بود که اوّلاً آثار ماندگارتری داشت و باقیات صالحات محسوب می‌شد. ثانیاً با روحیه من سازگارتر می‌نمود چرا که من ۸ سال در مرکز تحقیقات استراتژیک با انواع محققین و معضلات علوم انسانی و مشکلات توسعه آشنا شده بودم و رشته تحصیلی خود را به علوم سیاسی تغییر داده بودم.

از آن گذشته سابقه کار اجرایی داشتم و نقاط ضعف و قوّت، آسیب‌پذیریها و تهدیدات و فرصتها، مقدورات و محدودیتهای کشور را می‌شناختم لذا می‌توانستم با این ذخیره از تجربه اجرایی و علوم مربوط به موضوع به دو هدف یاد شده یعنی بومی‌سازی الگوی توسعه و تحول متون علوم انسانی در جهت اهداف نظام جمهوری اسلامی بپردازم اما افسوس که عمرم را در امور روزمره سپری کردم اموری که از دیگران هم ساخته بود.

ـ بسیاری از دوستان شما معتقدند که پس از آزادی اظهارات فعلی خود را انکار خواهید کرد. نظر شما در این باره چیست و چه توصیه‌ای به دوستانتان دارید؟

این دوستان من کیانند که این قدر قاطعانه درباره من اظهار نظر می‌کنند. مگر من می‌توانم وقایع بعد از ۲۲ خرداد و فوران تنفر را فراموش کنم. این وقایع پس از انقلاب سابقه نداشته و تحلیل جدی می‌طلبد که اگر آن دوستان فرضی من هم به فکر فروروند، به نتایجی کمابیش مانند نتایج من خواهند رسید. اگر کسی ذره‌ای بویی از انسان‌دوستی و حتی ملی‌گرایی (نمی‌گویم مسلمانی) برده باشد، از این همه کینه که یک مرتبه به خیابان ریخت، احساس وحشت کرده و برای آینده کشور و توسعه آن و رفاه مردم نگران می‌شود. آیا هیچ ملی‌گرایی حاضر است وحدت سرزمینی را نادیده انگارد و بیگانگان را حاکم بر مقدرات کشور ببیند؟ مسلمان که جای خود دارد.

توصیه من به این دوستان آن است که ابتدا مصالح و منافع ملی را تعریف کرده و سپس با در نظر گرفتن آن، هر نظریه‌ای را می‌خواهند بپذیرند به شرط آن که با اصول بنیادی مغایرت نداشته باشد. به قول معروف ثبت الارض ثم انقش یعنی باید در کل این دوستان به مبانی پایبند باشند آن گاه درباره موارد فرعی مناقشه کنند.

پیوست ۸

بیانیه شماره سیزده میرحسین موسوی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

راهپیمایی روز قدس امسال در روند حوادث چند ماه گذشته بدون تردید یک نقطه عطف محسوب می‌شود. نتایجی بسیار مبارک از آنچه در این مناسبت اتفاق افتاد انتظار می‌رود که مختص به یک سلیقه و یک گرایش نیست، بلکه فضلی عام و دستاوردی برای تمام کسانی است که در این سرزمین ریشه دارند، حتی اگر برخی از آنها به خاطر پیشداوریهای نادرست اینک و امروز نتوانند این نعمت و رحمت را لمس کنند.

این برکت، میوه دوراندیشی‌های امام بود. او بارها به ما می‌گفت بنیانهای درست را چنان بگذارید که پس از شما اگر خواستند هم نتوانند آنها را خراب کنند. شاید ما نتوانسته باشیم حق این رهنمود را بدرستی ادا کنیم، ولی او خود در سیره‌اش این گونه عمل می‌کرد؛ تمامی ستونهای جمهوری اسلامی بر پایه‌هایی از اعتماد مردم برافراشت و علاوه بر آن در هر سال چندین سنت و میعاد برای حضور عملی آنان در صحنه قرار داد، تا کسی نباشد این شالوده را دیگرگون کند.

روز قدس از جمله این میعادهاست. با چنین سنتی نمی‌توان مردم را از صحنه دور کرد. با چنین دعوتی نمی‌توان بدون تأمین و ترویج عدل در داخل به وقوع ستم در دوردست معترض بود. آن گاه او این مناسبت را نه فقط مختص به فلسطین، که روز مستضعفین و اسلام نامید تا کمترین شائبه‌ای باقی نگذارد. اینک ارزش اهتمام آن پدر دلسوز برای پر کردن مستمر صحنه از حضورهای میلیونی مردم معلوم می‌شود.

سی سال پیش از این امام ما از مسلمانان جهان خواست با حفظ تعدد و تفاوتهایشان بر روی درد مشترکی که تمامی آنان را می‌آزرد همصدا شوند. چقدر این پیام با سخن امروز ما نزدیک است؛ اسلام نگفته است برای آن که وحدت پیدا کنیم باید مثل هم بیندیشیم. آن وحدتی که ما بدان دعوت شده‌ایم در عین قبول تفاوتهاست و قدس روزی است که مسلمانان باید با تحمل تنوع در دیدگاههای خود درمان دردهای مشترک‌شان را دنبال کنند. از این روست که اگر این مناسبت به یک پسند سیاسی تعلق یابد سال به سال شکوه خود را از دست می‌دهد؛ آثاری که برایش آرزو شده است باقی نمی‌گذارد و دیگر نمی‌تواند روز اسلام و روز مستضعفان باشد.

آرمان این آرزو آن است که رنگهای گوناگون را آمیخته با یکدیگر به صحنه بیاورد. روز قدس امسال ما این گونه نبود، اما برای چنین چیزی بود. اتفاقاً این‌جانب آخرین جمعه از رمضان امسال را در میان کسانی حاضر شدم که جمعی از آنان با مشتهای گره کرده به پیشوازم آمده بودند و برایم آرزوی مرگ داشتند. در مسیر پرهیاهویی که با یکدیگر همراه شده بودیم، سیمایشان را مرور می‌کردم و می‌دیدم که آن چهره‌ها را دوست دارم. و می‌دیدم پیروزی ما آن چیزی نیست که در آن کسی شکست بخورد. همه باید با هم کامیاب شویم، اگرچه برخی مژده این کامیابی را دیرتر درک کنند.

از قضا آنها که از رخدادهای قدس امسال احساس شکست می‌کردند بیشترین بهره را از آن بردند. آنها به واضح‌ترین شکل دریافتند که سه ماه خشونت بی‌سابقه کمترین اثری در حضور مردم به جای نگذاشته، بلکه آن را فراگیر کرده است. اگر فرصت روز قدس نبود چه بسا تا چند ماه دیگر که میقات بهمن فرا برسد، آنان بی‌نتیجه و پرخطا بودن سیاستهای خود را ملاقات نمی‌کردند و زمانی با هزینه‌های سنگین عملکرد خود روبه‌رو می‌شدند که برای چاره کردن بسیار دیر بود.

خشونت چاره‌ساز نیست. ادخلوا فی السلم کافه؛ همگی در مسالمت وارد شوید. خشم مرکبی است که سوار خود را به زمین می‌زند. در مقابل رفتارهای زشت امنیتی و تحریکهای مداوم تبلیغاتی مردم حق دارند عصبانی شوند، اگرچه این حقانیت تغییری در تبعات خشم آنان ایجاد نمی‌کند. ما به اندازه‌ای که از خود صبر و خرد نشان بدهیم از کوششهایمان نتیجه می‌گیریم و اگر به سوی تندرویهای بی‌دلیل بلغزیم چه بسا که حاصل یک هفته و یک ماه تلاش را در یک روز و یک صحنه جا بگذاریم. مردم ما از آن رو خود را شایسته رفتارهایی مناسب‌تر از سوی حاکمان می‌بینند که هوشیار و خردمندند، و خردمند کسی است که نه فقط میان خوب و بد، بلکه میان خوب و خوبتر و بد و بدتر تمیز بدهد.

خوبتر از نتایجی که در روز قدس به دست آوردیم هنوز وجود دارد، کما این که بدتر از وضعیتی که از آن رنج می‌بریم و بدان اعتراض می‌کنیم نیز هست. در پیش رو و در شرایط تاریخی ما تصویر روشنی از نتایج رفتارهای ساختارشکنانه نیست. همان گونه که در نامه فرستاده شده برای تمامی مراجع تقلید به عرض رسید افغانستان و عراق دو عبرت بزرگ در دو سوی سرزمین ما هستند که هرگز نباید آنها را از نظر دور کنیم. البته این عبرتها ما را از استیفای حقوقمان منصرف نمی‌کنند، زیرا ما آن صبوری و دانایی را داریم که بدون پرداختن چنین هزینه‌های سنگینی سرنوشت خود را بهبود ببخشیم.

آن چیزی که می‌تواند این هدف بزرگ را محقق کند پایبندی به شعارهای زرینی است که انتخاب کرده‌ایم. هیچ کلمه‌ای که دوستی و برادری میان مردم را تحت تأثیر قرار دهد به بازسازی هویت و وحدت ملی ما نمی‌انجامد. ما اسلام رحمانی را درمان دردهای خود می‌دانیم و آن چیزی را که اینک به نام دین از سوی بخشی از حاکمیت معرفی می‌شود پوستینی وارونه می‌بینیم.

ما خواستار اجرای بدون تنازل قانون اساسی و بازگشت جمهوری اسلامی به اصالت اخلاقی

نخستینش هستیم. ما جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم نه یک کلمه زیاد را می‌خواهیم، و آنانی را ساختارشکن و هرج و مرج طلب می‌شناسیم که بابهانه و بی‌بهانه از موازین اسلامی عدول می‌کنند و بنا بر امیال شخصی به تعطیل اصول قانون اساسی دست می‌زنند.

فضای سیاسی امروز کشور آن چیزی نیست که سی سال پیش از این ایرانیان آرزویش را داشتند. مردم اینک از خود می‌پرسند چه چیز ما را از رسیدن به آرمانهایمان بازداشت و به شرایط فعلی رساند .این سؤالی اساسی است که جا دارد درباره کوشش‌های امروز و فردای ما نیز پرسیده شود. ما چه باید بکنیم تا سی سال بعد از نو با همین پرسش روبه‌رو نشویم؟

ما تنها در صورتی به این اطمینان می‌رسیم که دستاوردهای سیاسی ـ اجتماعی خود را به زندگیهای روزمره‌مان متکی کنیم. در طول یک قرن گذشته مردم ما از این قبیل دستاوردها کم نداشته‌اند، اما همگی آنها متکی به مبارزه بوده است؛ تا فضای جهاد و تلاش وجود داشت این دستاوردها زنده بود و همین که مردم خسته می‌شدند یا تصور می‌کردند باید به خانه‌هایشان بازگردند محصول از میان می‌رفت. مبارزه امری مقدس است، اما دائمی نیست. آنچه دائمی است زندگی است.

این درسی است که ما از رزمندگان خود در هشت سال دفاع مقدس آموختیم. در آن سالها دو گروه در جبهه‌های جنگ حاضر می‌شدند؛ گروه نخست ایام جنگ را مبارزه کردند و سپس به نظرشان رسید وقت زندگی کردن رسیده است؛ وقت آن که پول روی پول بگذارند و برج روی برج بسازند. و گروه دوم که برای معنویتی سرشارتر به جبهه می‌رفتند. آنها برای ایثار کردن عازم جبهه نمی‌شدند؛ می‌رفتند تا از فضای نورانی آن جا بهره‌مند شوند.

شاید برای کسانی که آن فضا را تجربه نکرده‌اند هضم این کلمات آسان نباشد، اما واقعیت دارد. نه آن که ایثار نمی‌کردند؛ نامدارترین قهرمانان ما آنان بودند. اما در مقابل آن گوهرهایی که به دست می‌آوردند باور نداشتند که دارند ازخودگذشتگی می‌کنند. آنها سالهای جنگ را زندگی کردند و پس از آن مبارزه‌شان شروع شد؛ مبارزه‌ای آرام برای پاسداری از حیاتی، یا لااقل خاطره حیاتی که چشیده بودند. اگر آنها نبودند ما نمی‌توانستیم هشت سال با دستان خالی بایستیم.

به تأسی از آنان ما نیز باید راه سبز امید را زندگی کنیم؛ در این صورت همان معجزه‌ای که آنان آفریدند در انتظار ما نیز هست. اهمیت روز قدس امسال در این بود که نشان داد حیات جدیدی که مردم انتخاب کرده‌اند امری گذرا و موقتی نیست. اگر همه در خانه‌هایمان نشسته بودیم و در عین حال این پیام با همین صراحت ابلاغ شده بود دستاورد ما هیچ کمتر نبود.

راه سبز را زندگی کردن یعنی هر روز و همزمان که در خانه‌هایمان و سر کارمان و در کوچه و خیابان و بر سر معیشتهای روزمره خود هستیم این پیام با غیر قابل انکارترین ندا تکرار شود، آن گونه که مسلمان بودن و ایرانی بودن و این زمانی بودن ما تکرار می‌شود. وقتی سخن از تقویت شبکه‌های اجتماعی و یا زندگی کردن راه سبز می‌شود بلافاصله می‌پرسند چگونه؟ همان گونه که هستید. سخن

از آن نیست شبکه اجتماعی که وجود ندارند را شکل دهیم و قدرتمند کنیم؛ سخن از آن است که قدرت مردم در شبکه‌های اجتماعی است که به صورت طبیعی و به هدایتی فطری در میانشان شکل گرفته است. باید اهمیت آنها را درک کنیم.

روز قدس امسال نشان داد این شبکه همچون نوزادی که به راه افتاده باشد با سرعتی باورنکردنی در حال رشد است؛ بزودی سخن گفتن را هم آغاز می‌کند و بزودی بالغ می‌شود و همگان را به تحسین و احترام نسبت به خود وامی‌دارد. آن وظیفه‌ای که بر عهده ما قرار دارد آن است که با تکثیر اندیشه‌هایی که در حوالی آن شکل می‌گیرد و با تذکر دائمی این پدیده مبارک از آن پرستاری کنیم.

به همین ترتیب اگر گفته می‌شود راه سبز را باید زندگی کرد سخنی پیچیده و تازه‌ای و دعوت به امری ناشناخته نیست. بلکه توجه دادن به همان چیزی است که دارید تجربه می‌کنید، و این که حرکت امروز مردم ما به خلاف عهدهای پیشین، آغاز نوعی از زندگی است. در همصدایی‌ها و پیوندها و چشم‌پوشی‌ها و یکرنگی‌ها و هوشمندی‌ها و سرزندگی‌هایی که ادامه این مسیر مستلزم آن است حظی وجود دارد که زندگی را سرشارتر می‌کند.

علاوه بر آن در دانایی ملت ما قدرتی هست که او را از تحمل بسیاری رنجها بی‌نیاز می‌کند. مردم ما برای استیفای حقوق خود از پرداختن هزینه مضایقه ندارند، زیرا بهشت را به بها دهند و نه به بهانه. اما در عین حال اگر برای نتایجی که از حرکات اجتماعی خود به دست می‌آوریم دوام می‌خواهیم باید شجاعت و فراست را به هم بیامیزیم.

اینک بر اثر سیاست خارجی غلط و ماجراجویانه دولتی که مردم ما بدان دچار شده‌اند کشور در آستانه بحرانهایی قرار گرفته است که بیشترین خسارت آن را قشرهای محروم خواهند پرداخت. اگر با منطق مبارزه پیش می‌رفتیم شاید ساده‌انگارانه تصور می‌کردیم که این یک امتیاز برای راه سبز ماست، اما زمانی که می‌خواهیم مسیر سبز را زندگی کنیم چنین نیست.

این جا کشور ماست و این زندگانی ماست و این ما هستیم که باید نسبت به چنین مشکلاتی نگران باشیم و حساسیت نشان دهیم. اقتصاددانان با اتکا به آمارهای رسمی منتشرشده از سوی مراجع رسمی همین دولت دهها میلیارد دلار از درآمدهای ارزی کشور را ظرف سالهای گذشته مفقود اعلام می‌کنند و مراجعی که باید در مقابل این امر واکنش دهند بی‌تفاوت نسبت به حجم این ارقام که می‌تواند چند ارتش را تجهیز کند در گیر و دار یارکشی‌های سیاسی افتاده‌اند.

از کدام‌یک از آنان انتظار داریم به رنجهایی که بر اثر رفتارهایشان بر مردم تحمیل می‌شود اهمیت بدهند؟ اگر ما نسبت به آنچه زندگی در این خاک و بوم را مختل می‌کند حساسیت نشان ندهیم، دیگری نشان خواهد داد؛ کما این که اقتصاددانان ما بیمناک از آن سرنوشتی شبیه به معترضین نسبت به وقایع اعمال خلاف اخلاق در زندانها داشته باشند در اعتراض خود کاملاً تنها هستند. زمانی مفقود شدن بیست هزار دلار در خزانه کشور برای ساقط کردن یک دولت کافی بود. اما

اینک فریادهای اخطار نسبت به گم شدن چنین ارقام گزافی کمترین واکنشی برنمی‌انگیزد.

اخیراً گروهی از اساتید ایرانی مقیم خارج در نامه‌ای ضمن تشریح برداشت خود از راه سبز امید هرچیزی که منافع ملت ایران را تأمین کند هدف این جنبش معرفی کرده بودند. بر این اساس آنان توصیه می‌کردند که با سپاسگزاری از حمایت ملتهای دیگر ظرف این چند ماه از آنها بخواهیم در هیچ تحریمی بر علیه ایران شرکت نکنند. این‌جانب نظر آنان را پسندیدم و بر آن صحه گذاشتم، زیرا این نه تحریم یک دولت بلکه تحمیل رنجهای بسیار بر مردمی است که مصیبت دولتمردان مالیخولیازده برایشان کافی است. راه سبز را زندگی کردن به این معناست و ما با اعمال هرگونه تحریمی بر علیه ملت خود مخالفیم.

این یک نمونه است. کسی به کسانی که این خواسته را با ما در میان می‌گذارند از ضرورت زندگی کردن راه سبز نگفته بود. مابقی ما نیز از این ضرورت آگاه باشیم یا نباشیم به هدایتی فطری در همین مسیر هستیم، لذا ضرورت ندارد که این شیوه را به یکدیگر تلقین کنیم؛ تنها کافی است از آن آگاه باشیم و پرستاری کنیم.

زندگی ادامه دارد و افراد موقتی هستند. هر جمعی و جماعتی که سرنوشت خود را به بود و نبود کسان پیوند زند سرانجام ـ حداقل با فقدان او ـ سرخورده شدند. هرگاه مردمی برای به تنی یا افرادی از همراهان عادی خود امتیازات بی دلیل قائل شدند سرانجام تشخیص عقلانی خود را در مقابل خواست آنان واگذار کردند و به جاه‌طلبان مجال دادند که در آنان طمع کنند.

مردمی که می‌خواهند سر پای خود بایستند و حیاتی کریمانه را تجربه کنند جا دارد که از نخستین قدمهایی که به ناکامی‌شان می‌انجامد با بیشترین دقتها پیشگیری کنند. تولد این‌جانب نه هفتم مهر که روز آشنایی با شماست. حتی اگر روز هفتم مهر به دنیا آمده بودم نیز جا نداشت حرکت شما به کیش شخصیت آلوده شود. امیدوارم این کلمات مرا صمیمانه و از سر نگرانی و نه یک شکسته‌نفسی بی‌حقیقت و تعارف‌گونه تلقی کنید.

پیوست ۹

بخشی از زندگینامه مهدی کروبی

مهدی کروبی در شهر الیگودرز استان لرستان در سال ۱۳۱۶ متولد شد و پدرش حاج شیخ احمد کروبی از روحانیون سرشناس لرستان بود. مهدی کروبی دروس مقدماتی حوزه را نزد پدرش فراگرفت و در ۱۶ سالگی به قم رفت و نزد اساتید بزرگی چون امام خمینی(ره)، آیت‌الله نجفی مرعشی، آیت‌الله سلطانی، آیت‌الله فاضل لنکرانی، آیت‌الله مشکینی و آیت‌الله منتظری به کسب علم پرداخت. وی پس از مدتی به تهران عزیمت کرد و با آغاز نهضت اسلامی و مبارزات سیاسی حضرت امام(ره) به صف مبارزین پیوست و کروبی چندین بار به دلیل فعالیتهای سیاسی، دستگیر و راهی زندان شد که طولانی‌ترین آن مربوط به سال ۱۳۵۳ بود که سه سال به طول انجامید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی کروبی مدتی به همراه عسگراولادی و شفیق مسؤولیت کمیتهٔ امداد امام خمینی را بر عهده گرفت و در سال ۱۳۵۸ با حکم امام(ره) ریاست بنیاد شهید انقلاب اسلامی را عهده‌دار شد.

مهدی کروبی با انتخابات اوّلین دوره مجلس شورای اسلامی وارد مجلس شد و به دلیل فعالیت مؤثرش در مجلس، در دوره دوم نیز از سوی مردم انتخاب گردید.

پیش از آغاز انتخابات مجلس سوم و بر اثر اختلافات به وجود آمده در جامعه روحانیت مبارز، انشعابی شکل گرفت و مهدی کروبی به همراه موسوی خوئینی‌ها، محمد خاتمی و اکبر محتشمی‌پور و مجمع روحانیون مبارز را تأسیس کردند. با برگزاری مجلس سوم، مهدی کروبی پس از ورود مجدد به مجلس از سوی نمایندگان به ریاست مجلس سوم انتخاب گردید.

کروبی در سال ۱۳۶۴ با حکم حضرت امام(ره) به عنوان سرپرست حجاج ایرانی منصوب گردید. در پی ادعای حسینعلی منتظری (قائم‌مقام وقت رهبری) مبنی بر اعدام دسته جمعی زندانیان سیاسی، مهدی کروبی در نامه‌ای سرگشاده که به امضای سید حمید روحانی و امام جمارانی نیز رسید، خطاب به منتظری اعتراض نموده و سخنان وی را دشمن شاد کن دانست. وی به همراه تشکل‌اش و گروهی از سیاسیون جناح موسوم به چپ، به دلیل اختلافات با شورای نگهبان از حضور در انتخابات دوره چهارم مجلس شورای اسلامی کناره‌گیری کرده و مدتی سکوت اختیار کرد. با نزدیک شدن انتخابات هفتمین دوره ریاست‌جمهوری، مهدی کروبی تلاش بسیاری کرد تا میرحسین موسوی، نخست‌وزیر سالهای دفاع مقدس را به عرصه رقابت انتخاباتی آورد، امّا میرحسین موسوی

امتناع نمود. در نتیجه کروبی و یارانش از سید محمد خاتمی عضو مجمع روحانیون مبارز خواستند تا وی پا به عرصه رقابتها بگذارد.

با آمدن خاتمی در حماسه دوم خرداد ۱۳۷۶، کروبی از وی حمایت کرد، تا این‌که این نزدیکی و قرابت با دولت اصلاحات موجب شد در سال ۱۳۷۸، مهدی کروبی به همراه تعدادی دیگر از عناصر مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین و . . . به مجلس ششم راه پیدا کنند. اگرچه برخی با ریاست مجلسی کروبی مخالفت نموده بودند، امّا وی از سوی نمایندگان به ریاست مجلس ششم انتخاب شد. در نخستین روزهای آغازین مجلس ششم، طرحی با عنوان اصلاح قانون مطبوعات با قید یک فوریت در دستور کار مجلس قرار گرفت. طرحی که محمدرضا خاتمی - مرد اوّل مشارکت - آن را مهمترین مسأله سیاسی حزب متبوعش قلمداد کرده و با همین نگاه دو طرح خود جرایم سیاسی و مطبوعاتی را با هم آمیخته و به جای اصلاح، درصدد تغییر قانون مطبوعات برآمد. هرچند این طرح در پی نامه مقام معظّم رهبری به مهدی کروبی از دستور کار مجلس خارج شد، امّا تندروهای افراطی مجلس، کروبی را مورد اتهام قرار دادند.

کروبی در این باره می‌گوید: «بعد از این ماجرا، برخی از مطبوعات حملات تندی را علیه من آغاز کردند.»

در اواخر سال ۱۳۸۰ و پس از دستگیری شهرام جزایری به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور و پرداخت رشوه و رانت‌خواری، کروبی در جمع خبرنگاران با ظرافت خاصی از شهرام جزایری دفاع کرد و گفت: «نمایندگان یا روحانیون، کمکهایی از افراد برای هزینه‌هایی که مصرف می‌کنند، دریافت می‌نمایند و من این را طبیعی می‌دانم.» البته این دفاع کروبی و طبیعی دانستن کمکها، چیزی نبود که کروبی بدون اطلاع قبلی بیان کند. این مطلب پس از اعتراف جزایری در جلسه دوم دادگاه و نام بردن از مهدی کروبی بیشتر نمایان شد. جزایری گفت: «من مبلغ ۳۰۰ میلیون تومان به مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی پرداخت کردم که در راه خیر صرف کند و وی هیچ تقاضایی از من نکرده بود و چون شنیده بودم که آقای کروبی به نماینده‌ها کمک می‌کند و مورد وثوق رهبری است، این مبلغ را برای صرف در امور خیریه با اصرار پرداخت کردم.»

بردن نام کروبی برای شهرام جزایری بسیار هزینه‌ساز بود، چنان که خود او پس از بردن نام کروبی اظهار داشت که با جانش بازی می‌کند. (امّا شهرام جزایری و کروبی زمانی که در مسلسل رشوه‌هایش نام مهدی کروبی را می‌برد، گمان نمی‌کرد که کمک بلاعوض ناقابل ۳۰۰ میلیون تومانی تا سالها بعد جنجال درست کند) و کروبی هیچ‌گاه پاسخ نداد که چرا از یک مفسد اقتصادی ۳۰۰ میلیون تومان کمک دریافت کرده است!

مهدی کروبی در ادامه به عنوان ریاست مجلس ششم، روزهای سختی را در مواجهه با افراطیون مجلس سپری کرد. وی در سال ۱۳۸۱ و پس از ارائه لوایح دوگانه توسط رئیس دولت اصلاحات و رد آن توسط شورای نگهبان بارها مورد سرزنش جریان افراطی مجلس ششم قرار گرفت. کروبی بعدها

ارائه لوایح دوقلو را اشتباه بزرگ خاتمی خواند و گفت، «اگر لوایح دوگانه تصویب می‌شد از بزرگترین اشتباهات این مجلس بود و باعث می‌شد که با بن‌بست برخورد کنیم، بنابراین یکی از مشکلات مجلس ششم همان لوایحی بود که آقای خاتمی ارائه کرد.» کروبی همچنین به خاطر عدم همراهی با این افراطیون ـ که غالباً مشارکتی و مجاهدینی بودند ـ در قضیه ارسال نامه اهانت‌آمیز به مقام معظّم رهبری و تحصن نمایندگان رد صلاحیت شده مورد غضب آنان واقع شد. لذا پس از پایان دوران مجلس ششم، کروبی از این جریان جدا و با کناره‌گیری از دبیرکلی مجمع روحانیون مبارز در انتخابات نهم ریاست‌جمهوری به عنوان نامزد مستقل وارد عرصه رقابت شد. کروبی در ابتدا تلاش نمود تا میرحسین موسوی را به عنوان کاندیدا معرفی نماید، امّا وی امتناع کرد و کروبی نامزد شد. کروبی بی‌توجه به فشارها برای کناره‌گیری به نفع هاشمی رفسنجانی و یا مصطفی معین، به نتیجه‌بخش بودن شعارهای اقتصادی خاص خود ـ اعطای ۵۰ هزار تومان در هر ماه به هر ایرانی بالای ۱۸ سال ـ چشم دوخته بود.

هرچند این شعار موجب رأی‌آوری بالای کروبی بویژه در شهرستانها و کسب رتبه سوم در انتخابات نهم گردید، امّا وی در نهایت از رقابت بازماند. کروبی با عدم تمکین به قانون و نتیجه انتخابات نهم وارد یک فضاسازی تبلیغاتی شد و در ادامه اعتراضات خود به روند برگزاری انتخابات نهم در حالی که همجناحی‌های وی یعنی اصلاح‌طلبان مجری انتخابات بودند و سید محمد خاتمی و موسوی لاری بر صحّت انتخابات تأکید نمودند، طی نامه‌ای سرگشاده به مقام معظّم رهبری از کلیه مسؤولیتهای سیاسی استعفا داد. وی در نامهٔ خود آورد: «پس از آن که این‌جانب از عزم برخی نهادهای قدرت برای تغییر جهت رأی مردم اطمینان حاصل کردم. ضمن برگزاری مصاحبه، مطابق رویه معمول خویش و بر اساس اصل ۵۷ قانون اساسی از حضرت‌عالی درخواست کردم برای اصلاح انحرافی که در حال انجام بود، دخالت کرده، دستور مقتضی صادر فرمایید، امّا بر اساس آنچه دفتر جنابعالی اعلام کرده است پاسخ شما به درخواست این‌جانب به شرح ذیل است: «به آقای کروبی بگویید: من رئوس مطالب شما را نگاه کردم. مطالبی که شما گفتید بکلی دور از شأن شما و در جهت ایجاد بحران در کشور است. آیا متوجه هستید که چه کار دارید می‌کنید؟ آیا متوجه هستید که ایجاد بحران و بدبین کردن مردم کاملاً در جهت خواست دشمنانی است که خیز برداشته‌اند برای این که بلایی سر نظام جمهوری اسلامی دربیاورند که همه شما را دربر خواهد گرفت. اگر اعتراض به انتخابات دارید مگر راه قانونی وجود ندارد؟ چرا فضا را خراب می‌کنید؟ ممکن است دیگران اعتراضات مشابه داشته باشند. آیا حق می‌دهید آنان فردا همه چیز را زیر سؤال ببرند؟ من از شما مطلقاً انتظار چنین برخوردی ندارم و من به حول و قوّه الهی نخواهم گذاشت افرادی در کشور بحران ایجاد کنند.»

مهدی کروبی بعد از ناکامی در انتخابات نهم، با جمعی از همفکرانش مانند رسول منتجب‌نیاحزب اعتماد ملی را راه‌اندازی نمود و فعالیت خود را به طور جدی برای باقی ماندن در صحنه سیاست دنبال کرد.

وی به همراه حزب متبوعش پس از گذشت چند ماه از تولد دولت نهم، انتقادهای تندی را علیه دولت نهم روا داشت. علاوه بر مهدی کروبی که به تخریب دولت روی آورده بود، رسول منتجب‌نیا (قائم‌مقام حزب اعتماد ملی) نیز دولت را از افاضات خود بی‌بهره نگذاشت. منتجب‌نیا در مقاله‌ای تحت عنوان آواز دلفین‌ها به تخریب سفرهای استانی و استقبال گسترده مردم از رئیس‌جمهور پرداخت. این اظهارات که با واکنش مهدی کروبی و عذرخواهی رسمی وی از رئیس‌جمهور، روبه‌رو شد یکی از نمونه‌های تخریب دولت نهم از سوی حزب اعتماد ملی محسوب می‌شود.

کروبی در سال ۱۳۸۴ تلاش کرد تا علی‌رغم مخالفت قوانین جمهوری اسلامی برای تأسیس تلویزیون خصوصی، تلویزیون ماهواره‌ای صبا را راه‌اندازی کند. وی با معرفی بهروز افخمی به عنوان سرپرست این تلویزیون درخواست پخش از شهر دوبی را نمود که با مخالفت روبه‌رو گردید. با نزدیک شدن انتخابات دهم کروبی برای حضور در صحنه سیاست و قدرت، اوّلین کسی بود که در ۲۱ مهر ۱۳۸۷، نامزدی خود را اعلام نمود. این تصمیم کروبی با واکنش جدی گروههای دوم خردادی روبه‌رو شد و آنان خواستار کناره‌گیری وی از عرصه رقابتها شدند. امّا کروبی در حاشیه اوّلین کنگره حزب اعتماد ملی گفت: «من به نفع هیچ کسی کنار نمی‌روم، پیش خودم گفتم نکند که رأیها پاره بشود به همین خاطر بود که اعلام کردم هرکس می‌خواهد وارد صحنه بشود. از آبان ماه سفرها، برنامه‌ها و مصاحبه‌هایش را شروع کند؛ بعد اگر دیدیم رأی دارد پاره می‌شود، آن وقت یک شورای حکمیتی جمع کنیم و در آن بررسی می‌کنیم که چه باید بکنیم. البته در صورتی که آقایان بیایند و شرکت کنند و حضور داشته باشند.» وی در مورد امکان استفاده از نظرسنجی به عنوان راهکار شورای حکمیت گفت: «من نظرسنجی‌ها را ده شاهی قبول ندارم، اصلاً این نظرسنجی‌ها مشکل برای مملکت درست می‌کند، منظور من نظرسنجی نبوده است بلکه هدف این است که در آن‌جا بنشینیم و واقعیتها را بررسی کنیم و ببینیم واقعیت چیست؟ مشورت کنیم تا مثل دوره قبلی نشود و یک کابینه ائتلافی که با حضور همه اصلاح‌طلبان باشد تشکیل بدهیم، بعد هرکسی که رأی آورد، دیگران نه این‌که با پای خود کنار بکشند، بلکه باید بپذیرند و کنار بروند.»

کروبی برای مصمم نشان دادن خود، خیلی زود تیم همراهش را مشخص کرد. در میان اعضای کمیته انتخاباتی وی چهره‌های متنوع و متکثری از میان حزب کارگزاران و مجمع روحانیون مبارز و چهره‌هایی چون کرباسچی، عبدی، ابطحی، افخمی، رهامی، قوامی، قوچانی و . . . از جمله اعضای این ستاد انتخاباتی بودند. کروبی همچنین از عطاءالله مهاجرانی در ساماندهی امور بین‌الملل خود بهره جست.

امّا این یارگیری کروبی و آرایشی از طیفهای مختلف و همچنین حمایت وی از برخی گروههای مسأله‌دار مانند بهائیان ـ صوفیان و دراویش و . . . در انتخابات دهم بسیار قابل تأمل است که از آن می‌توان به یکی از دلایل شکست کروبی یاد کرد. در جریان رقابتهای انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری، بسیاری از حامیان میرحسین موسوی که مهدی کروبی را رقیب خود می‌دانستند

تلاش بسیاری کردند تا وی را از کاندیداتوری منصرف سازند، امّا کروبی بر کاندیداتوری خود پافشاری نمود. پافشاری کروبی، به مرور زمان به معضلی برای اصلاح‌طلبان تبدیل گردید. در نتیجه، جلسات سخنرانی کروبی توسط هواداران موسوی به تشنج کشیده شد. با بالا گرفتن تشنجات میان کروبی و موسوی، سید محمد خاتمی پا در میان گذاشت و هر دو کاندیدای اصلاح‌طلب را به خویشتن‌داری دعوت کرد.

انصراف خاتمی در اسفند ۱۳۸۷ و حمایت وی از موسوی، حمایت مجمع روحانیون مبارز از موسوی ـ علی‌رغم ۱۴ سال دبیرکلی کروبی در آن ـ، تجهیز ستادهای موسوی توسط دانشگاه آزاد و حزب کارگزاران و . . . سبب شد تا کروبی در نامه گلایه‌آمیزی خطاب به هاشمی رفسنجانی، حمایت وی از کاندیدای خاص را مورد انتقاد قرار دهد. کروبی در این نامه نوشت: «ضمن تأکید بر حق شهروندی شما در حمایت از نامزدی خاص، به اطلاع برسانم که متأسفانه برخی از نزدیکان و بستگان شما با شایعه‌پراکنی قصد دارند یکی از دو صدای اصلاح‌طلبان در انتخابات را خاموش کنند و با پخش خبرهای کذب و شایعات ناروا درباره انصراف این‌جانب از رقابتهای انتخاباتی آب به آسیاب مخالفان اصلاحات بریزند.» سرانجام مهدی کروبی در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۸۸ در حالی که عباس عبدی، غلامحسین کرباسچی، محمدعلی ابطحی و جمیله کدیور او را همراهی می‌کردند به ستاد انتخابات کشور آمد و به تمامی شایعات مبنی بر انصراف وی پایان داد. کروبی پس از ثبت نام در جمع خبرنگاران گفت: «چنانچه مردم مرا بپذیرند و موفق شوم، هم انسانی، هم اخلاقی و هم قانونی است که به نیروهایی که در کنارم هستند و مرا پذیرفته‌اند و با من همکاری می‌کنند، نقش اوّل را بدهم.» وی در جنجالی‌ترین بخش سخنانش با انتقاد از سخنان سردارد جعفری (فرمانده کل سپاه پاسداران) مبنی بر این‌که بسیجیان غیرفعال می‌توانند در فعالیتهای سیاسی مانند انتخابات نقش داشته باشند، گفت، «من از ۴۸ سال پیش بسیجی بوده‌ام، قطعاً آن زمان آقای جعفری یک کودک بود. اما باید گفت آن بسیجی که زیر نظر آقای جعفری است، نیروهای مسلح هستند. ما آمده‌ایم برای انتخاباتی آزاد و بدون دخالت بسیج و نیروهای مسلح یا نیروهای خودسر.»

کروبی در جریان مناظره‌های تلویزیونی نیز بارها اقدامات دولت نهم را زیر سؤال برد. وی در مناظره خود با احمدی‌نژاد به مسائل حاشیه‌ای دولت و قضیه هاله نور و طرح دزدیده شدن احمدی‌نژاد توسط نظامیان آمریکایی در عراق، خلیج عربی و . . . اشاره کرد. در حالی که احمدی‌نژاد در این مناظره چندین بار مسأله گرفتن ۳۰۰ میلیون تومان از شهرام جزایری توسط کروبی را یادآوری کرد، کروبی نیز چندین بار اعتراف به عدم شجاعت در برابر احمدی‌نژاد نمود. وی گفت: «جرأت شما زیاد است و اسم هم می‌برید ولی من نمی‌توانم اسم افراد را ببرم.»

مهدی کروبی در مناظره با میرحسین موسوی نیز به توصیه برخی از یارانش عمل کرد و هردو به انتقاد و تخریب دولت پرداختند. وی در روز ۲۲ خرداد در صندوق شماره ۶۶ نیاوان واقع در حصار بوعلی حاضر شد و پس از انداختن رأی خود گفت: «نتیجه این انتخابات را پیش‌بینی نمی‌کنم؛ چراکه این مردم هستند که باید پیش‌بینی کننده انتخابات باشند.» وی در ادامه گفت: «ما باید بعد از اعلام نتایج انتخابات، مردم هرکسی را که رأی آورد از او دفاع و حمایت کنیم.» اما آنچه پس از اعلام نتایج

انتخابات اتفاق افتاد خلاف این گفته بود. به دنبال اعتراض میرحسین موسوی و هوادرانش، مهدی کروبی نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: «جشنواره انتخابات به سوگواری تبدیل شده و باید مرثیه خواند! نتایج اعلام شده چنان مضحک و شگفت بود که در بیان و بیانیه نمی‌آید. شگفت که مشارکت ملت به ابزار تحکیم دولت تبدیل شد.» وی در ادامه نوشت: «دستان همه رأی دهندگان بخصوص افراد مورد تبعیض، اقلیتهای قومی و مذهبی، دراویش و اهل حق را می‌بوسم.» پس از تشکیل هیأت ویژه شورای نگهبان و دعوت از سه نامزد معترض فقط محسن رضایی آماده همکاری شد و کروبی نیز مانند موسوی حاضر به پیگیری شکایت خود از طریق قانون نشد و با عدم معرفی نماینده، هیأت ویژه نتوانست کار خود را آغاز کند، درنتیجه با صدور گزارشی به کار خود پایان داد.

این پایان ماجرا نبود. کروبی در حوادث پس از انتخابات نقش ایفا کرد و علاوه بر تدارک خوراک برای رسانه‌های بیگانه همچون VOA و BBC و . . . به حمایت از اغتشاشگران پرداخت.

حمایت از متهمان دستگیرشده حوادث پس از انتخابات، شرکت در مراسم ختم تعدادی از کشته شدگان خیالی در پروژه کشته‌سازی، اعتراض به برگزاری دادگاه متهمان حوادث پس از انتخابات، شرکت در نمازجمعه تشنج‌زای هاشمی رفسنجانی، تحریک اغتشاشگران برای حضور در روز قدس، کروبی: «شما در روز قدس نیز بار دیگر قدرت مردم را خواهید دید و متوجه می‌شوید که مردم از چه فکر و اندیشه‌ای حمایت می‌کنند». همراهی کروبی با روزه‌خواران در روز قدس و شعارهای انحرافی، ادعای تجاوز جنسی به زندانیان کهریزک و نامه به هاشمی رفسنجانی از جمله اقدامات فتنه‌انگیز کروبی در حوادث پس از انتخابات بود. وی همچنین به دنبال حمایت منتظری از اقدامات ساختارشکنانه‌اش، در پیام تشکرآمیز به منتظری از وی تقدیر کرد. امّا آنچه کروبی را به سقوط برد و از مردودان اصلی حساب شد، بیانیه وی در حمایت از آشوبگران روز عاشورا بود. در حالی که همگان بر توطئه دشمن و هدف آنان از ایجاد فتنه پی برده بودند و آشوبهای روز عاشورا را محکوم نمودند، کروبی به همراه موسوی که آشوبگران را «خداجو» خوانده بود! در بیانه‌ای اعلام کرد: «امروز در عاشورای حسینی از بدو صبح با خشونتی وصف‌ناپذیر بر مردم ـ آشوبگران ـ یورش بردند و جمع زیادی را مجروح، دستگیر و بنا بر گزارشهای رسیده تعدادی از هموطنان را به شهادت رساندند. آنان که هویت و شناسنامه این انقلابند و در روزگار مبارزه در صف اوّل مبارزان بودند، به یاد دارند که در عاشورای ۱۳۴۲ تظاهراتی عظیم با شعارهایی تند علیه شاه صورت گرفت، امّا رژیم شاهی حرمت عاشورا را نگاه داشت و کشتار، سرکوب و دستگیری رهبران مبارزه و در رأس آن امام را به روزهای بعد موکول کرد. براستی چه شده است که حکومت برخواسته[1] از قیام عاشورا، در روز عاشورا دست بر خون مردم برده و جماعتی وحشی را به جان مردم انداخته است.»

این‌گونه شد که کروبی مورد تنفر مردم حزب‌الله واقع و در راهپیمایی ۹ دی در محکومیت عاملین روز عاشورا شعارهایی علیه وی داده شد و پس از آن کروبی در هر مکان ظاهر گردید با شعارهای «مرگ بر ضد ولایت فقیه» و «مرگ بر منافق» روبه‌رو گشت.

۱- مقصود «برخاسته» بوده است!

پیوست ۱۰

متن دومین نامه مهدی کروبی به هاشمی رفسنجانی

جناب آقای هاشمی

این دومین نامه‌ای است که پس از شبه‌انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر به شما می‌نویسیم. نامه اوّل را پس از آن به شما نوشتم که اخبار بسیار ناگوار و تکان‌دهنده از درون بازداشتگاهها به گوش من رسید و بر خود دیدم که از شما بخواهم بنا بر جایگاه حقوقی خود به این اتفاقات رسیدگی کنید و نگذارید در جمهوری اسلامی تعرض به جان و مال و ناموس مردم تبدیل به امری معمول و عادی شود. متأسفانه اما آن نامه اثری در مسؤولان نکرد و دیدید که بی‌توجهی و بی‌حرمتی به حقوق مردم چه آتشی بر خرمن اعتماد زد و چه آبرویی از نظام ما زایل کرد. البته صلاح مملکت خویش مسؤولین دانند. با این حال اگر آن نامه سرانجامی پیدا نکرد با خود گفتم که شاید رسیدگی به آن نامه از دایره اختیارات شما خارج بوده است.

اکنون اما این نامه دوم را از آن روی به شما می‌نویسم که دیدم اجلاسیه مجلس خبرگان رهبری برگزار شد و آنچه در این مجلس باید مطرح می‌شد، مطرح نشد و آنچه باید توسط اعضای آن مجلس مورد کنکاش قرار می‌گرفت، مورد کنکاش قرار نگرفت؛ و در یک کلام مجلس خبرگان که ممتازترین نهاد نظارتی در نظام جمهوری اسلامی باید باشد به نهادی بی‌اثر تبدیل شد؛ و ماحصل این اجلاس صرفاً چند سخنرانی و صدور بیانیه‌ای بود که بدون برگزاری اجلاس و جمع شدن اعضای محترم آن مجلس و زحمت بردن بسیار، هم می‌شد آن را انجام داد.

این‌چنین بود که تصمیم گرفتم این نامه را به شما بنویسم و رشادتها و دلیریهای حضرت امام خمینی و نیروهای انقلابی در عصر ستمشاهی را یادآوری کنم و تأکیدی که امام و شاگردان او همچون من و شما بر مقابله با ظلم و جور داشتیم را به خاطر شما بیاورم و توضیح دهم که فلسفه وجودی مجلس خبرگان رهبری و مسؤولیت اعضای آن چه بود، تا بعد شما خود داوری کنید که در شرایط خطیر کنونی چه مسؤولیتی بر عهده شما بوده و هست و شما تا چه حد جایگاه صندلی‌ای را که بر آن تکیه زده‌اید را حفظ کرده و به چه میزان در جایگاه ریاست مجلس خبرگان، حافظ انقلابی بوده‌اید که اصلی‌ترین هدف آن مقابله با بی‌عدالتی و تضییع حقوق مردم بوده است.

جناب آقای هاشمی

امام خمینی در شرایطی سخت و خطیر و در تاریکی استبداد پهلوی، برای دفاع از اسلام و آزادی مردم از استبداد و استعمار، پنجه در پنجه نظامی انداخت که مستظهر به حمایت خارجی و تا بن دندان مسلح بود و خون جوانان را به ارزانی در خیابانها می‌ریخت. شما که یکی از شاگردان امام و در رکاب ایشان بودید می‌دانید که اگر نبود اعتقادی الهی و عزمی راسخ، مقابله با قدرت مطلقه شاه و استبداد شاهنشاهی و آن فداکاریها و جانفشانیها میسر نمی‌شد. حتماً به خاطر دارید که در آن شرایط هولناک و در راه مبارزه با جور و استبداد، ابتدا تعداد همراهان همدل در صنف روحانیت بسیار کم بود.

هنگامه خطر کردن بود و زمانه زندان و شکنجه و بگیر و ببند و تبعید و دربه‌دری و آوارگی. نه احتمالی قوی به پیروزی بود و نه برنامه‌ای برای تقسیم غنایم.

ایمان و باور قلبی به اسلام و عدالت و مردم در دلهای ما حاکم بود و شوق قدم زدن در بیابان به قصد کعبه. آن رشادتها و فداکاریها به رهبری حضرت امام به انقلابی اسلامی و ضد استبدادی منجر شد که ما امروز وارثان آن هستیم و عدالت‌خواهی آن به مرزهای کشور نیز محدود نمی‌شد و هدفی جهانی داشت از جمله در سرزمین فلسطین و قدس شریف.

جناب آقای هاشمی

من در مقام یکی از شاگران مکتب امام خود را مدیون ایشان و رهبری شجاعانه‌شان می‌دانم و با خود عهد کرده‌ام که تا پایان عمر در رکاب آن اندیشه و حافظ آن میراث گرانقدر اسلامی و ضد استبدادی باشم. چه باک که در این مسیر در نظام جمهوری اسلامی دفتر شخصی و دفتر حزبی مهدی کروبی را پلمپ می‌کنند و روزنامه‌ای را توقیف و یارانش را در بند سازند. چه باک که جریده‌هایی دهان‌دریده به اسم ایران و وطن از زمین و کیهان بر من بتازند و بیت‌المال را خرج فحاشی خود کنند و از این راه مواجب بگیرند و رسانه ملی را نیز تبدیل به یک توپخانه حزبی و سیاسی علیه این‌جانب سازند و نماز مقدس جمعه را هم با مقاصد سیاسی خود بیالایند و به مرکزی برای حمله به یاران امام راحل مبدل کنند. من اما تحمل تمام این مسائل را برای خود شیرین ساختم. با یادآوری آن که چگونه طوفانهای سهمگین و فراز و نشیب‌های دوران سخت پیش از انقلاب و پس از آن سپری شد و چگونه عزم و اراده بی‌نظیر امام و پایداری همراهان پولادین‌قدم، قساوت و شقاوت ساواک و دژخیمان پهلوی را به لذت پیروزی خون بر شمشیر و غلبه حق بر باطل مبدل ساخت. کام من چنان از آن پیروزیها شیرین است که تلخی برخی مسائل گذرا اثری بر من نداشته و نخواهد داشت.

نیک می‌دانم که شما نیز در این مسیر در رکاب حضرت امام تمام آن مصائب و سختیها را تجربه کرده‌اید و برخلاف عده‌ای دیگر، می‌دانید که نظام جمهوری اسلامی متکی بر سرمایه‌ای بسیار گرانبها و رشادتهایی بس فراوان است. شما سی سال در خدمت این نظام بوده‌اید و می‌دانید که این نظام چه مصائب و مراحل پرخطری را در مبارزه با گروههای التقاطی و الحادی پشت سر گذاشته است و چه هزینه‌هایی برای اعتلای نظام اسلامی و برقراری حاکمیت جمهور پرداخت شده است.

واأسفا اما که امروز دستاورد ما از آن همه رشادت و مقابله با استبداد و عدالتخواهی چیست و به کجا رسیده‌ایم؟

می‌بینم که اجلاس خبرگان برگزار می‌شود و شما نه سخنی در انتقاد از شرایط حاکم بر کشور بر زبان می‌آورید و نه انتقادی را بنا به وظیفه خود منتقل می‌کنید و از همه عجیب‌تر
در اختتامیه مجلسی بدین اهمیت در زمانه‌ای بدین حد خطیر غایب می‌شوید. از خود می‌پرسم آیا این همان اکبر هاشمی است با همان روحیه‌ای که قبل و بعد از انقلاب در او سراغ داشتیم؟ به یاد می‌آورم که شما . . . چگونه با رشادت در حضور امام نیز هرگاه که مطلبی را لازم می‌دیدید هرچند که برخلاف نظر امام بود بر زبان می‌آوردید. به یاد دارم جلسه‌ای را که در حضور حضرت امام بودیم و ایشان وصیتنامه خود را به ما ابلاغ کردند ونظر خواستند و همه سخن در تأیید گفتند اما شما نکته‌ای راکه داشتید در خود فرونبردید و بر زبان آوردید و امام نیز با بزرگواری سخن شما را پذیرفتند و بدان عمل کردند.

جناب آقای هاشمی

شما با رأی مردم و نمایندگان آنها در مجلس خبرگان در رأس نهادی قرار گرفته‌اید که حساس‌ترین و پراهمیت‌ترین نهاد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. نهادی که مطابق اصل ۱۰۸ قانون اساسی عهده‌دار معماری و نظارت بر رأس هرم قدرت در ساختار حکومتی ایران است و مسؤول انتخاب و تعیین رهبری و نظارت بر عملکرد آن و سازمانهای تابعه‌اش. این حقوق و اختیارات را نیز هیچ فردی به آن مجلس نداده است که بخواهد از آن مجلس پس بگیرد و ودیعه‌ای نیست که هروقت پسندیدند از آن مجلس بستانند. حق آن مجلس در انتخاب و نظارت و مراقبت بر رهبری برآمده از قانون اساسی است و مستظهر به رأی ملت ایران. این مجلس از چنان جایگاهی برخوردار است که هیچ نهادی حق قانونگذاری درخصوص آن را نیز ندارد و اعضای این مجلس خود حق تعیین شرایط کاری و نظارتی برای خود را دارند.

اجلاس خبرگانی با چنین جایگاهی منحصر به فرد، در شرایط خطیر کنونی برگزار شد و پرسش من از شما به عنوان رئیس این مجلس است که آیا این مجلس بر اساس وظیفه خود در این اجلاس عمل کرده است؟ آیا آن نطقهای پیش از دستور و آن گزارش و بیانیه‌ای که صادر شد به واقع پاسخگوی پرسشها و ابهامات جامعه امروز ایران بود؟ اگر جناب آیت‌الله دستغیب با آن سوابق درخشان و پایگاه عمیق مردمی که دارند نیز در آن مجلس سخنی از سر دلسوزی گفتند چنان با ایشان برخورد شد و از ضرورت طرد و حذف و تنبیه ایشان سخن به میان آمد که گویی در آن مجلس جز به تمجید و تجلیل نباید سخن گفت و هیچ خبره‌ای حق انتقاد از شرایط کشور را ندارد و دهان آن خبره‌ای که از هفت‌خوان[1] شورای نگهبان گذشته و توانسته به مجلس خبرگان راه یابد را باید با خاک پر کرد تا مبادا جز به مداحی و تجلیل از شرایط موجود سخنی بگوید! براستی که ما به کجا می‌رویم؟

۱- منظور «هفت‌خان» بوده است!

و اگر قرار بر این بود و هدف مقدس همه ما در مبارزه با استبداد و استعمار رسیدن به چنین نقطه‌ای بود چه احتیاجی بود به مجلس خبرگان؟ اگر قرار بر این است که در مجلس خبرگان هیچ خبره‌ای جز به تأیید سخن نگوید آیا بهتر آن نیست که اجلاس سالانه‌ای هم برگزار نکند؟ براستی دیگر چه احتیاجی به هزینه کردن بیت‌المال و داشتن ساختمان و دفتر و کارمند و این همه هزینه کردن. آیا بهتر نیست چنین مجلسی را بگذاری فقط برای روز مبادا که خدای نکرده اتفاقی برای مقام رهبری رخ دهد؟

اجلاسیه مجلس خبرگان برگزار شد و توقع آن بود که نمایندگان مردم در این مجلس نگاهی موشکافانه به آنچه روز انتخابات ۲۲ خرداد رخ داد و حوادث و بحرانهای قبل و پس از آن داشته باشند. گمان اما نمی‌کردم که در این اجلاس، خبرگان ملت، بحران مبتلا به کشور را «فتنه» بخوانند و چنین به امید پاک کردن صورت مسأله، سر خویش را به زیر برف کنند. براستی جناب‌عالی که قبل از انتخابات «آتشفشان» خشم مردم را روشن دیده و آن را اعلام عمومی کرده بودید چگونه تأیید فرمودید که تصاعد این آتشفشان را امواج فتنه بخوانند و چنین بی‌دغدغه از کنار شرایط خطیر مترتب بر کشور بگذرند؟

در عجبم که با قانون اساسی، این میراث گرانبهای امام و خونبهای شهیدان و ثمره تلاش و پایمردی رهروان انقلاب، و با یکی از اصلی‌ترین پایه‌های آن که همانا مجلس خبرگان رهبری است چه رفتاری می‌شود! و عظمت این مجلس و جایگاهی که می‌تواند در حفظ و سلامت نظام جمهوری اسلامی و احقاق حقوق مردم داشته باشد، چه سرنوشتی پیدا کرده است!

ریاست محترم مجلس خبرگان رهبری

امام اگر این مجلس را مایه تقویت رهبری می‌دانستند منظورشان نه فقط قدردانی و تأیید محسنات که نقد ایرادها از طریق اعمال و انجام وظیفه نظارتی نیز بود. متأسفانه اما جایگاه این مجلس در سالهای گذشته بدانجا رسید که نمایندگان ادوار آن همچون ایات عظام رحمت‌الله علیهم احسان‌بخش و جمی و عبایی خراسانی و خلخالی و آیت‌الله عباسی‌فر را قلع و قمع کردند و تیغ نظارت استصوابی بر گردن آنها نهادند و کسی هم دم برنیاورد که این چه بلایی است که بر سر خبرگان ملت این نظام می‌آورند و مگر آنها چه گناهی کرده بودند که مستحق حذف قرار گرفتند. نتیجه آن سکوتها است که امروز عده‌ای به خود جرأت می‌دهند به محض شنیدن صدایی ناخوشایند از یک نماینده، فریاد اخراج و حذف او را سر دهند. غافل از این‌که چنین اختناق و سختگیریهایی آن هم در حق یک نماینده مجلس خبرگان با هیچ عقل سلیمی قابل توجیه نیست. چگونه می‌توان برای مردم توجیه کرد خفه کردن و بستن دهان یک نماینده مجلس خبرگان را که وظیفه‌ای سنگین برعهده او گذاشته شده است صرفاً بدان دلیل که حرفی ناخوشایند عده‌ای زده است؟ این دم خروس چیزی نیست که بتوان به راحتی از عهده پنهان کردنش برآمد؟ و باید که مقام رهبری خود وارد عمل شوند و در برابر این بی‌حرمتی‌ها در حق یک نماینده مجلس خبرگان بایستند و ممانعت به عمل

آوردند و براستی آیا مجلسی با این ترکیب که تحقیر عضو آن نیز چنین رایج و ممکن است چگونه می‌تواند در هنگامه‌ای سخت و در روز مبادا، تصمیمی شایسته و بایسته برای کشور و ملت بگیرد؟

جناب آقای هاشمی

پاسخ شما چیست به مردمی که از وظایف مجلس تحت ریاست شما در شرایطی چنین خطیر پرسش می‌کنند؟ آیا اگر مجلس خبرگان در اجلاس خود نگاهی گذرا به آنچه که در چهار سال گذشته بر این مملکت رفته است می‌انداخت نمی‌توانست بسیار بهتر زمینه‌های پیدایش بحرانی که بر مملکت حاکم است ـ البته شما فتنه‌اش خوانده‌اید ـ را دریابد؟ . . .

جناب آقای هاشمی

بر خود می‌بینم که بخشی از تعبیر حضرت امام درخصوص جایگاه مجلس خبرگان را برای شما و دیگران یادآور شوم که فرمودند: «اکنون شما ای فقهای شورای خبرگان و ای برگزیدگان ملت ستمدیده در طول تاریخ شاهنشاهی و ستمشاهی، مسؤولیتی قبول فرمودید که در رأس همه مسؤولیتهاست، و آغاز به کاری کردید که سرنوشت اسلام و ملت رنج‌دیده و شهید داده و داغ‌دیده در گرو آن است. تاریخ و نسلهای آینده درباره شما و ملت قضاوت خواهد کرد و اولیاء بزرگ خدا ناظر آرا و اعمال شما می‌باشند: والله من ورائهم مُحیط و رقیب. کوچکترین سهل‌انگاری و مسامحه و کوچکترین اعمال نظرهای شخصی و خدای نخواسته تبعیت از هوای نفسانی که ممکن است این عمل شریف را به انحراف کشاند بزرگترین فاجعه تاریخ را به وجود خواهد آورد».

. . . من مهدی کروبی امروز این نامه را به شما نوشتم و از باب تذکر و یادآوری این نکات را بازگو کردم تا به وجدان خویش در برابر امام راحل، انقلاب و مردم شریف ایران عمل کرده و نشان داده باشم که آنچه بر آن مجلس می‌رود نه به نفع نظام است و نه به نفع مردم و نه تضمین‌کننده جمهوریت و اسلامیتی که بیش از ۹۸ درصد مردم در فروردین ۱۳۵۸ به آن رأی دادند.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

مهدی کروبی

ششم مهر

پیوست ۱۱

بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور

حالا اشاره کردند به حوادث و مسائل اخیر. خوب، در این زمینه‌ها خیلی حرف هست؛ خیال نکنید آن حرفهایی که صدا و سیما می‌زند، این، همه حرفهاست؛ نه، خیلی مطلب هست. گفت: «یک سینه حرف موج زند در دهان ما». این جور نیست که هرچه که انسان احساس می‌کند، این را گفته باشد یا بتواند بگوید. خیلی حرفهای زیادی هست. شما جوانها الحمدلله باهوشید، بااستعدادید، بتدریج خیلی از حقایق برای شماها روشن خواهد شد. من می‌بینم در همین حوادث سیاسی اخیر و در مجموع حوادث این سی سال اخیر، کشور بتدریج به مجموعه‌ای مصونیت‌دار، ضد ضربه، ضد بمب تبدیل شده؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی. شوخی نیست. شما قدرت امنیتی و جاسوسی و تبلیغاتی این سرویسهای گوناگون امنیتی و تبلیغاتی دنیا را دست‌کم نگیرید. همه این را احساس می‌کنند ـ حالا شاید کسانی که کمتر توی مقوله‌های گوناگون تبحر داشتند، کمتر ببینند ـ هالیوود را شما دست‌کم نگیرید. قدرت اثرگذاری هنری ـ همین طور که یکی از خانمها گفتند ـ در غرب و چینش بسیار دقیق حروف تبلیغات در دنیای غرب را دست‌کم نگیرید. همه این نیروی عظیم به اضافه ثروت بی‌پایان، به اضافه دستگاههای عظیم سیاسی و تبلیغاتی، افتادند به جان جمهوری اسلامی. امروز هیچ کشور دیگری در دنیا پیدا نمی‌کنید که این جور آماج حملات باشد. و جمهوری اسلامی دارد مقاومت می‌کند. این شوخی است؟ این موجود هفت‌جوش مستحکم مصونیت یافته دارد مقاومت می‌کند. این کم‌چیزی نیست. توطئه توهم نیست؛ این را جوانها، این جوانهای عزیز ما بدانند. خیال نکنید من از شنیدن این جور حرفها ناراحت می‌شوم؛ نه، من از این‌که این حرفها زده نشود ناراحت می‌شوم.

بنده توی جلسات دانشجویی، دانشگاهی که این‌جا هستند، گاهی که ببینم حالا بعضیها روی ملاحظه، روی احترام، روی هرچه، بعضی از این حرفها را که خیال می‌کنند من خوشم نمی‌آید، نمی‌زنند؛ از نگفتنش ناراحت می‌شوم؛ از گفتنش مطلقاً ناراحت نمی‌شوم. ای کاش مجال بود تا گفته می‌شد، تا آن وقت انسان می‌توانست آن برگ‌های بر روی هم گذاشته کتاب حرف را، باز کند تا خیلی از حقایق روشن بشود. آینده، البته این کارها خواهد شد. این جور نیست که شما خیال کنید توطئه نسبت به این کشور، یک توهّم است؛ نه، یک واقعیت است؛ از همه طرف دارد توطئه می‌شود. ممکن

است آن کسی که در جهت آن توطئه‌ها در داخل کشور محور حرکت قرار می‌گیرد خودش اصلاً نفهمد.

فهمیدن این هم ذکاوت می‌خواهد. بعضیها این ذکاوت را ندارند. ما آدمها را تجربه کردیم؛ نمی‌فهمند دارند به ساز کی می‌رقصند. ولی واقعیت را عوض نمی‌کند که آنها بفهمند یا نفهمند؛ بدانند یا ندانند. این توطئه‌ها وجود دارد. در عین حال این کشور، این نظام نه فقط سست نمی‌شود، ضعیف نمی‌شود؛ جامعه علمی‌اش، جامعه پیشرفته‌اش ـ که همین شما جوانها باشید ـ امروزش از ده سال قبلش به صورت آشکاری جلوتر می‌رود. این معنایش چیست؟ این معنایش حقانیت است. این معنایش اصالت است. این معنایش ریشه‌دار بودن است. «الم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمة طیبة کشجرة طیبة»[1]؛ اعتقاد ما این است، ما با اعتقاد با دل کار می‌کنیم. من کمبودها را نفی نمی‌کنم؛ بیشتر از خیلی از منتقدین بنده کمبودها را می‌دانم؛ منتها راه رفع کمبودها، این چیزهایی که تصور می‌شود نیست که حالا بیا اعلام کن که مثلاً فلان جا فلان جور چه جوری است؛ نه، خیلی چیزها با اعلام درست نمی‌شود، با کار درست می‌شود. با حرف درست نمی‌شود؛ حرف، جنجال‌سازی تبلیغاتی و لفاظی هیچ کمکی به حل مشکلات نمی‌کند؛ همچنانی که شما دیدید. تو همین قضایای انتخابات، خوب، تبلیغات انتخاباتی مثلاً باید یک ماه یا بیست روز قبل از شروع انتخابات انجام بگیرد؛ اما از پیش از عید نوروز تبلیغات انتخاباتی شروع شد! همین تلویزیونی هم که مورد انتقاد بعضی از دوستان است، متأسفانه منعکس می‌کرد. بنده موافق هم نبودم. این را هم شما خیال نکنید که حالا بنده چون رئیس صدا و سیما را انتخاب می‌کنم، همهٔ برنامه‌های صدا و سیما را می‌آورند، دانه دانه بنده نگاه کنم، امضاء کنم. نخیر، از خیلی از برنامه‌های صدا و سیما بنده راضی هم نیستم؛ از جمله، از همین من راضی نبودم که از سه ماه قبل از انتخابات ـ انتخابات بیست و دوم خرداد بود ـ از ماه اسفند، بلکه زودتر از اسفند، بعضی از سفرهای تبلیغاتی و حرفهایی که زده شد و تظاهراتی که می‌شد و مجادلاتی که انجام می‌گرفت، از تلویزیون پخش شود، که متأسفانه تو تلویزیون پخش شد؛ به خاطر همین، که یعنی ما آزاداندیشیم! اینها توهم است؛ این جنجال‌آفرینی در داخل کشور است. جنجال فکری غیر از مباحثات صحیح است.

بنده گفتم کرسی آزادفکری را در دانشگاهها به وجود بیاورید. خوب، شما جوانها چرا به وجود نیاورید؟ شما کرسی آزادفکری سیاسی را، کرسی آزادفکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف، تو همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجو بروند، آن جا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آن جا خودش را نمایان خواهد کرد. حق این جوری نمایان نمی‌شود که کسی یک انتقادی را پرتاب بکند. این جوری که حق درست فهمیده نمی‌شود. ایجاد فضای آشفتهٔ ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمی‌کند. شما تجربهٔ این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آنی که کمک می‌کنید به پیشرفت

۱- سورهٔ ابراهیم(ع): آیهٔ ۲۴.

کشور، آزادی واقعیِ فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال نترسیدن، به تشویق و تحریص این و آن هم نگاه نکردن. یک وقت شما یک حرفی می‌زنید، ناگهان می‌بینید همهٔ ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشتهٔ از پلیدی و خباثت است، برای شما کف می‌زنند. به این تشویق نشوید. به قول رایج بین جوانها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگویید؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فبشّر عباد. الّذین یستمعون القول فیتّبعون احسنه»[1]. سخن را باید شنید، بهترین را انتخاب کرد. و الا فضای جنجال درست کردن، همین می‌شود که دیدید. جنجالِ قبل از انتخابات، بعد از انتخابات، انعکاسش می‌شود این؛ بخصوص وقتی دست بیگانه هم دخالت دارد. به چه دلیل، با چه توجهی شما فکر می‌کنید دستگاههای تبلیغاتی دنیا حوادثی را که فکر می‌کنند به ضرر نظام جمهوری اسلامی است، لحظه به لحظه منتشر می‌کنند؟ به چه محاسبه‌ای این کار انجام می‌گیرد؟ این را نباید فکر کرد؟! نباید رویش مطالعه کرد؟! اینهاست آن چیزهایی که باید به آنها توجه کرد.

به هر حال کشور دارد پیش می‌رود. این را بدون تردید بدانید؛ کشور دارد پیش می‌رود. برنامه‌ریزیهای گذشته هم البته بلاشک عیوبی داشته، اما برایند همه نقاط مثبت و منفی همینی است که امروز شما دارید مشاهده می‌کنید. جوانهای ما از لحاظ علمی پیش رفتند، از لحاظ بینش سیاسی پیش رفتند، از لحاظ رسوخ و نفوذ تفکر دینی در عمق اندیشه‌ها پیش رفتند. این حرفهایی که امروز جوانهای ما این‌جا راجع به معنویت و راجع به دین و راجع به دل نبستن به پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزیهای غربی و استقلال گفتند ـ این حرفهایی که امروز جزو حرفهای رایج شما شده ـ اندکی پیش از دوران شماها، جزو حرفهای برجسته روشنفکرانی بود که فکر می‌کردند این حرفها را باید بزنند یا بفهمند! اما امروز جزو فرهنگ رایج جامعه ماست. این پیشرفت نیست؟ ما داریم پیش می‌رویم. البته دشمن هم زیاد داریم، مانع هم خیلی داریم، اگر مانع نبود، ما این جور ورزیده نمی‌شدیم؛ جامعه اسلامی و جمهوری اسلامی این جور ورزیده نمی‌شد. مانع وجود دارد، و الّا تو زمین صاف راه رفتن که تقویت عضلانی نمی‌آورد. باید کوهنوردی کرد، باید از موانع بالا رفت. جامعه ما این کار را کرده، این راه را پیش رفته، باز هم خواهد رفت، بعد از این هم خواهد رفت. شما بدانید! نسل جوان امروز، نسلی که بتوان متوقفش کرد، نیست.

حالا راجع به این چند جمله‌ای که این جوان عزیزمان گفتند. خوب، همین طور که گفتیم حرف زیاد است. در انتقاد از بی‌انصافی یک دستگاه یا یک کس، خود ما باید دچار بی‌انصافی نشویم؛ به این توجه کنیم. صدا و سیما آیا وضعیت واقعی کشور را نشان می‌دهد؟ نه، ناقص نشان می‌دهد. خیلی پیشرفتهای برجسته و بزرگ هست که صدا و سیما نشان نمی‌دهد. دلیلش هم این است که شما مجموعه مرتبط با حوادث گوناگون، از خیلی از حقایق کشور و پیشرفتهای کشور مطلع نیستید؛ نقص صدا و سیمای ماست. و الّا اگر صدا و سیما می‌توانست همان جور که تلویزیون فلان کشور غربی با

۱- سورهٔ زمر: آیهٔ ۱۷ و ۱۸.

یک سابقه و تجربه فراوان و با استفاده‌های هنری دروغهای خودش را راست جلوه می‌دهد، واقعیات موجود کشور را درست منعکس کند، شما بدانید امروز امید نسل جوان، دلبستگی نسل جوان به کشورش، به دینش، به نظام جمهوری اسلامی‌اش، به مراتب بیشتر از حالا بود. این ایراد ماست به صدا و سیما. اگر می‌توانست درست وضع کشور را منعکس کند، خیلی شعف و بهجت بینندگان به مراتب بیشتر از آنی می‌شد که امروز هست. خیلی از کارها دارد انجام می‌گیرد که مایه خوشوقتی است، مایه خشنودی است؛ نه فقط در زمینه‌های علمی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های سیاسی؛ مایه سرافرازی است. این را خیلیها ـ اغلب یعنی ـ خبر ندارند. بنده غالباً به مسؤولین دولتی اعتراضم این است که چرا نمی‌توانید بیان کنید. بیان کردن هم یک هنری است. بیان هنری بخصوص، هنر بزرگی است؛ این را ندارند.

حالا یکی از ایرادهایی که ما معمولاً داریم به بعضیها این است که آنچه را که بیگانه بگوید، این را تلقی به قبول می‌کنند؛ آنچه را خودی بگوید، تلقی با تردید می‌کنند! چرا؟ خوب، این تلقی، تلقی ناسالمی است؛ این تلقی درستی نیست، تلقی ناسالمی است. این را باید اصلاح کرد. البته شما جوانهای خوب ان‌شاءالله بیایید وارد عرصه‌های گوناگون بشوید، عرصه‌های تبلیغاتی کشور را بگیرید. مطبوعات ما هم همین جور است. بنده روزها معمولاً حدود شانزده هفده تا روزنامه را نگاه می‌کنم؛ نه این‌که حالا همهٔ صفحات لایی و اینها را نگاه کنم؛ لکن تیترها، اگر سرمقالهٔ قابل توجهی داشته باشند، معمولاً نگاه می‌کنم. خیلی از روزنامه‌های ما متأسفانه در انعکاس حقایق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیرمنصفانه عمل می‌کنند. در همین مسائل اخیر، مسائل را باید اصلی فرعی کرد؛ مسألهٔ اصلی چیست؛ یک سلسله مسائل فرعی هم پیرامون اوست؛ نه این‌که آن مسائل فرعی کم‌اهمیت است، اما مسألهٔ اصلی اهمیتش بیشتر از آنهاست. مسألهٔ اصلی در این قضایای اخیر، اصل انتخابات بود؛ زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را می‌بندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، یک شرکتِ به این عظمت، یک نصاب‌شکنی، یک رکوردشکنی در دنیا در مردمسالاری، در دمکراسی‌ای که این قدر ادعایش را می‌کنند، انجام بگیرد، بعد یک عده مفت و مسلّم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! یک قدری باید منصف بود توی این قضایا. دشمن هم حداکثر استفاده را از این کرد. یک عده هم هستند در داخل کشور، از اوّل با نظام جمهوری اسلامی موافق نبودند ـ مال امروز و دیروز نیست، سی سال است که موافق نیستند ـ از این فرصت استفاده کردند، دیدند عناصری وابستهٔ به خود نظام، از خودِ نظام، دارند این جور میدانداری می‌کنند، اینها هم وقت را مغتنم شمردند، آمدند داخل میدان؛ و دیدید. من روز اوّل این را پیغام دادم به همین حضراتی که صحنه‌گردان این قضایا هستند؛ آن ساعات اوّل من به آنها پیغام خصوصی دادم.

من اگر یک وقتی توی نمازجمعه یک حرفی می‌زنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ حرف خصوصی،

پیغام خصوصی، نصیحتِ لازم انجام می‌گیرد، وقتی انسان ناچار می‌شود، یک حرفی را می‌آورد در علن بیان می‌کند. من پیغام دادم، گفتم این را شما دارید شروع می‌کنید، اما نمی‌توانید تا آخر کنترل کنید؛ می‌آیند دیگران سوءاستفاده می‌کنند. حالا دیدید آمدند سوءاستفاده کردند. مرگ بر اسرائیل را خط زدند! مرگ بر آمریکا را خط زدند! معنای این کار چیست؟ آنی که وارد عرصهٔ سیاست می‌شوید، باید مثل یک شطرنج‌باز ماهر هر حرکتی را که می‌کند، تا سه تا چهار تا حرکت بعد از او را هم پیش‌بینی کند. شما این حرکت را می‌کنی، رقیبت در مقابل او آن حرکت دیگر را خواهد کرد؛ باید فکرش باشی که تو چه حرکتی خواهی کرد. اگر دیدی در آن حرکت دوم، تو درمی‌مانی، امروز این حرکت را نکن؛ اگر کردی، ناشی هستی ـ حالا تعبیر بهترش این است ـ توی این کار، توی این بازی، توی این حرکت، ناشی هستی، ناواردی. اینها نمی‌فهمند چه کار می‌کنند؛ یک حرکتی را شروع می‌کنند، ملتفت نیستند که در حرکات بعد و بعد و بعد، چطور در خواهند ماند؛ مات خواهند شد. اینها را باید محاسبه می‌کردند. مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات مواجه کردن مجموعه‌ای از مردم ـ آنها هیچ نیت سویی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده‌شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب ـ با نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور اینها کارهای کوچکی نیست. اگر شما منصفید آن حرکتهای جانبی را، آن قضایای جانبی را ببینید، اهمتش را هم در نظر داشته باشید؛ اما مهمتر بودن این را هم در نظر داشته باشید.

پیوست ۱۲

بیانیه شماره چهارده میرحسین موسوی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

در تاریخ معاصر ما سیزدهم آبان یادآور سه حادثه است. در نخستین از این رویدادها امام خمینی از ایران تبعید شد و نهضت در فترتی سیزده ساله فرورفت. رژیم شاه پس از به دست آوردن چنین نتیجه‌ای باید خود را شماتت کرده باشد که چرا این راه حل ساده را پیش از آن به کار نبست. یک قیام بود و یک امام که وقتی از صحنه دور شد دیگر چیزی از شور تحول‌خواهی باقی نماند. آیا براستی امام خمینی در حرکتی که آغاز کرد تنها بود؟ هرگز چنین نبود، زیرا هرگز چنین نیست که یک فرد بتواند به تنهایی در صحنه جامعه تحولات نمایان ایجاد کند. پیروان او بسیار بودند، اما آنان شبیه به یارانی نبودند که سالها بعد پیرامونش را گرفتند، آن زمانی که گفت «رهبر ما آن طفل سیزده ساله است . . .»

دومین سیزده آبان روز رهبران سیزده ساله است؛ دانش‌آموزانی که برای تظاهرات در محوطه دانشگاه تهران گرد آمده بودند و مورد یکی از سبعانه‌ترین کشتارها قرار گرفتند. تجربه رژیم از حوادث دهه چهل بود که موجب چنین حرکات خونین شد. تصور بر آن بود که اگر با همان قاطعیت گذشته عمل کنند از نو به همان نتایج خیره‌کننده دست می‌یابند، حال آن که زمینه اجتماعی کاملاً تغییر کرده بود؛ زمین تغییر کرده بود و زمان تغییر کرده بود و مهمتر از آن جان انسانها تغییر کرده بود. دیگر حکومت شاهنشاهی با یک امام تنها روبه‌رو نبود. این بار کسانی گرد او جمع شده بودند که شاید به اندازه پدرانشان او را نمی‌شناختند یا سخنانش را نشنیده بودند، اما به اندازه امام خود شور در سینه داشتند؛ آنها همچون پدرانشان برای به راه افتادن لازم نبود که پی‌درپی شماتت شوند.

درباره سومین سیزده آبان بسیار گفته شده است، تا جایی که بعید است کمترین اطلاعی از آن ماجرا ناگفته مانده باشد؛ از جمله آن که در این رویداد امام از دانشجویان مسلمان پیروی کرد. ظاهراً این دانشجویان بودند که خود را پیرو خط امام می‌خواندند، اما در واقع این امام بود که حرکت آنان را دنبال نمود. قطعاً هیچ یک از رهبران و فرماندهان انقلاب در شکل دادن به آنچه در این روز اتفاق افتاد نقشی نداشت. حتی خود دانشجویان تصور می‌کردند بعد از چند روز حادثه تمام می‌شود و به خانه‌هایشان بازمی‌گردند ولی امام این رویداد را پیگیری کرد و آن را انقلابی بزرگتر از انقلاب اوّل

نامید و تنها امامی که درد یک سکوت سیزده ساله را چشیده باشد می‌داند که جامعه‌ای شکل یافته از چوبهای فرمانبر و خشک از خود جوششی ندارد و حیات پاکیزه‌ای ندارد. او مردم را رهبر می‌پسندید، زیرا می‌دانست که گذر از یک گردنه تاریخ برای سعادت هیچ ملتی کافی نیست. آنان باید از چنان خودانگیختگی و بصیرتی برخوردار شوند که در هر عصری و نسلی بتوانند راه را از بیراهه بشناسند و بپیمایند. مردم ما امروز رهبرانند و این همان آرزوی بزرگی است که امام برای آنان داشت. او ما را دعوت کرد به سوی آن چیزی که ما را زنده می‌کرد.

آنک سیزدهم آبان، این سبزترین روز سال دوباره از راه می‌رسد. آیا امروز قابل تصور است که حرکت مردم بر اثر بازداشته شدن همراهی از همراهی خاموش شود؟ اگر این‌گونه باشد دستاوردهای چهل و پنج سال تاریخ معاصر خود را از دست داده‌ایم، و اگر چنین نباشد این نشانه‌ای از ریشه‌های انقلابی ماست. ما به اتکای این ریشه‌هاست که سبز شده‌ایم، ریشه‌هایی که اگر از آنها دور شویم به همان چیزی تنزل خواهیم کرد که مخالفان مردم آرزو می‌کنند. به این خاطر است که جا دارد با هر تلاش افراطی در این جهت برخوردی احتیاط‌آمیز داشته باشیم.

حرکت ما از واگذار کردن اسلام به جبهه خرافه‌پرستان و سپردن انقلاب به دست نااهلان و نامحرمان، از ناچیز شمردن میراث و میوه مبارزات صدساله مردم ایران و جایگزین کردن آن با تصوراتی گنگ، و از جدایی و بیگانگی نسبت به ریشه‌های تاریخی‌اش نفع می‌برد، اگر برخی دولتهای بیگانه بر ترویج چنین تمایلاتی اصرار دارند شاید در این کار سودی ملاحظه می‌کنند. آنها اگر لازم باشد با وجدانی آرام بر سر جنبش امروز ایرانیان پشت میز معامله می‌نشینند و به همان مقدار آزادی و توسعه سیاسی که در کشورهای همسایه وجود دارد برای ملت ما قناعت می‌کنند و در این قناعت قابل سرزنش نیستند. این ما هستیم که اگر مصالح خود را بدرستی تشخیص ندهیم باید ملامت شویم.

این روزها هر نگاهی که به نگاهی می‌افتد از پیروزی می‌پرسد. کی به آن می‌رسیم؟ چه چیز ما را به آن می‌رساند؟ کدام قدم و اقدام آن را به پیش می‌راند؟ و چه چیز ان را کمال می‌بخشد؟ تمامی وجود ما دعا و سؤال است و وعده خداوند که فرمود هرآنچه مسئلت کنیم مقداری از آن را اجابت خواهد کرد. و آتاکم من کل ما سالتموه. (و از هرآنچه از او خواستید به شما داد). همین که خواسته‌ای در جامعه متولد می‌شود دیگر هیچ کس قادر نیست از برآورده شدن آن ممانعت کند و دولتها تنها می‌توانند بر مقادیری چون زمان و میزان و شکل تحقق آن تأثیر بگذارند.

آیا ما هم می‌توانیم بر این مقادیر اثر داشته باشیم؟ آری. المعروف بقدر المعرفه؛ انسانها به قدری که بصیرت و آگاهی از خود به نمایش می‌گذارند درخور نیکوییها قرار می‌گیرند. کما این که در این چند ماه مردم ما بیش از آن که از رنجهای خود گنج به دست آورده باشند از برکات خردمندی خود بهره‌مند شده‌اند.

راه سبز ما یک مسیر عقلانی است و این یک بشارت است، زیرا نشان می‌دهد که ما تا انتها بر

سر خواسته‌های خود مستحکم خواهیم ایستاد. اگر دچار تندروی و رفتارهای افراطی بودیم شک نکنید که با دستانی خالی از نیمهٔ راه بازمی‌گشتیم، زیرا افراط راه را برای تفریط باز می‌کند. اگر برای قبول این حقیقت به مثال نیاز دارید به سیاسیت خارجی دولتمردان بنگرید. همان وقتی که آنان مناسبات بین‌المللی کشور را به اغراض تبلیغاتی آلوده کردند و از خردورزی و متانت کناره گرفتند می‌شد حدس زد که بزودی مصالح بلندمدت مردم را به هیچ معامله خواهند کرد. شانزده سال پیش از این تهیه سوخت برای تأسیسات هسته‌ای تهران امری بود که نه مسؤولان و نه رسانه‌ها انجام آن را یک خبر مهم تلقی نمی‌کردند. امروز قسمت اعظم محصول فعالیتهای هسته‌ای کشور، که این همه جار و جنجال به خود دیده و چندین تحریم برای ملت به همراه آورده است، گویا باید برای تأمین همین نیاز ساده تحویل کشورهای دیگر شود، شاید بعدها لطف کنند و اندکی سوخت در اختیار ما بگذارند. آیا این یک پیروزی است؟ یا یک تقلب آشکار، که چنین تسلیمی فتح‌المبین نامیده شود؟

دولتمردان نه مشکلات جهان را حل کردند و نه بر حقوق تردیدناپذیر ملت خود تأکید نمودند، که با گشاده‌دستی از این حقوق عقب نشستند. آنها نشان دادند که حتی در تسلیم شدن و کرنش کردن افراطگرند. حتی اگر با تلاش دلسوزان از واگذاری دستاوردهای کشور در زمینه انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای جلوگیری شود از عواقب افراط و تفریطهای دولتمردان ایمن نشده‌ایم، زیرا رفتارهای آنان زمینه را برای اجماع بین‌المللی جهت اعمال تحریمها و فشارهای بیشتر به ملت ما فراهم کرده است.

چیزی که ما می‌توانیم از این ماجرا بیاموزیم آن است که خود دچار افراط نشویم. دیر یا زود ـ بلکه به امید خدا بسیار زود ـ مخالفان مردم صحنه را ترک می‌کنند. آیا آن روز باید کشوری تخریب شده برای ملت باقی بماند؟ آن چیزی که امروز باید نگران آن باشیم مصالح کشور است، زیرا کشور جز صاحبان اصلی‌اش کسی را ندارد که در این باره ابراز نگرانی کند. ساختن فردا را باید امروز آغاز کنیم. باید برای فردا چنان مهیا باشیم که اگر همین فردا از راه رسید یکه نخوریم. باید هریک از ما مردم نه فقط نقش پیشوایی که مسؤولیت آن را نیز بر عهده خود احساس کنیم.

تأکید بر اجرای بدون تنازل قانون اساسی یک راهبرد کلیدی برای ساختن فرداست. با چنین راهبردی ما در تاریکی قدم نمی‌گذاریم و میراثهای به جا مانده از مبارزات نسلهای پیشین را به هیچ تقلیل نمی‌دهیم. و هرآنچه از آرمانها و خواسته‌هایمان که جا بماند با زندگیهای خود آن را به دست می‌آوریم، زیرا ساختار ظاهری هرگز تمام آن چیزی، بلکه قسمت اصلی آن چیزی نیست که در جامعه واقعیت دارد. بخش اصلی این واقعیت زندگیهای ماست. دستگاه ظاهری می‌تواند فرزندان انقلاب را همچون تبهکاران دستگیر کند و لباسهای تحقیرآمیز بر قامتشان بپوشاند و مردم می‌توانند با نگاهشان از آنان قهرمان بسازند و به آنان افتخار کنند. در این رودررویی کدامیک برنده‌اند؟ دستگاه ظاهری می‌تواند آنان را در دادگاههای نمایشی محکوم کند و نگاه مردم می‌تواند آنان را در پیشگاه وجدان خویش حاکم بداند. براستی کدامیک از این دو در واقعیت جامعه حکومت می‌کند؟ دستگاه ظاهری با برخوردهای توهین‌آمیز خود خانواده‌های آنان را سرافکنده و خوارشده می‌خواهد و

نگاه‌های مردم آنان را در عین تلخکامی‌هایی که می‌چشند سربلند می‌بیند. کدامیک از این دو نگاه بر احساس این خانواده‌ها چیره است؟ دقت کنید که تنها در نگاه مردم این همه قدرت وجود دارد و تا این‌جای کار هنوز حرفی از دیگر تواناییهای آنان نگفته‌ایم. دستگاه ظاهری می‌تواند برای این خانواده‌ها تنهایی و عسرت تدارک ببیند و مردم می‌توانند آنان را در آغوش بگیرد؟ براستی کدامیک از این دو بر کار خود غالبند؟ دستگاه ظاهری می‌تواند دانشجویان غریب را به جرم ابراز عقیده از خوابگاه محروم کند و معیشت آنان را در تنگنا قرار دهد و شبکه‌های اجتماعی می‌توانند با حمایتهای خود از آنان پشتیبانی کنند. تأثیر اقدام کدامیک از آنها بیشتر است؟ براستی کدامیک از آنها قدرتمندتر است؟ بلکه اساساً تقابلی میان این دو وجود ندارد؛ یکی هست و دیگری نیست، زیرا این زندگیهای ماست که به هر امری در نظم ظاهری جامعه معنا می‌بخشد. ما در چند ماه گذشته نه با شکستن این نظم، که با تغییر معنا دادن به آن از راه زندگیهایمان صحنه جامعه را تغییر دادیم. ما چه نیازی به شکستن این نظم داریم در حالی که در هر شرایطی این ما هستیم که با زندگیهای خود به آن جهت می‌دهیم.

بعد از این نیز راه ما این است. در شرایطی که اصول متعدد قانون اساسی بتوانند بی‌محابا معطل بمانند حقیقت آن است که فرقی میان قانون خوب و بد وجود ندارد. ساختار سیاسی کشور اگر بهترین نظم ممکن باشد به چه کار می‌آید اگر زندگیهای ما به آن اعتبار نبخشد، یعنی معنی برایش تدارک نبیند، آن را تنفیذ نکند و اجرای بدون تنازل آن را مطالبه ننماید؟ به همین ترتیب اگر این ساختار واجد اشتباهات و عقب‌افتادگی‌های واضح بود ما تنها در صورتی می‌توانستیم آن را اصلاح کنیم که نخست معنای آن را اصلاح می‌کردیم و این کار را با زندگیهای خود انجام می‌دادیم.

البته بسیارند ملتهایی که این توانایی خود را به جا نمی‌آورند و ترجیح می‌دهند قدرت را به قدرتمندان وابگذارند. آنها در جامعه خود پیشوا نیستند، ولی مردم ما هستند.

سیزدهم آبان میعادی است تا از نو به یاد آوریم که در میان ما مردم رهبرانند. این روز عزیز را به ملت ایران تبریک می‌گویم و برای گروهی از آفرینندگان این مناسبت که اینک در بندند و دیگر اسیران نهضت سبز از خداوند آزادی، شکیبایی و پاداشی مناسب با نیتهای بلندشان آرزو می‌کنم.

میرحسین موسوی

۹ آبان ۸۸

پیوست ۱۳

بیانیه جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم

به گزاش خبرگزاری فارس از قم، تعدادی از استادان و محققان حوزه علمیه قم از جمله حججاسلام والمسلمین سید حسن ربانی، محمدتقی سبحانی، حمید پارسانیا، سید عباس صالحی، حمید شهریای، علیرضا اعرافی، علیرضا امینی، محمدحسین رحیمیان و عبدالرضا ایزدپناه در بیانیه‌ای به تحلیل حوادث پس از انتخابات در کشور پرداختند.

متن کامل این بیانه با عنوان «مردم‌سالاری دینی در آزمون ملی» به شرح ذیل است:

«سه دهه انقلاب اسلامی ایران، سرشار از تجربه‌ها و عبرتهاست، شجره طیبه گفتمان امام راحل(قدّس‌سرّه)، با این آموزه‌های متوالی، تناورتر و با آزمونهای جدید بارورتر گردید.

حوادث چند ماهه اخیر، گرچه با رویدادهای ناخوشایند، تلخکامی‌هایی را به بار داشت؛ اما موجب تکمیل و انباشت تجارب «مردم‌سالاری دینی» در نظام جمهوری اسلامی ایران شد.

نظام سیاسی که ابتلائات دشواری را چونان فتنه‌های قومی، تجاوز دولت بعثی، دسیسه منافقان داخلی و توطئه‌های مداوم استکبار جهانی را درنوردید و پس از سه دهه مقاومت و عزت، انتخابات شکوهمندی را با مشارکت ۸۵ درصدی آزمود.

اینک بهار سال تحصیلی جدید (۸۸-۸۹) و رویش مجدد جوانه‌های دانش و معرفت، فرصتی را پدید آورد که جمعی از فضلا و محققان حوزه علمیه قم در تخاطب با نخبگان و فضلای دانشگاه حوزوی مروری بر رخدادهای اخیر داشته باشند و آن را در مجالی کوتاه از منظری درونی مورد تحلیل و بازخوانی قرار دهند.

چونان می‌نماید که بخش عمده‌ای از مشاجرات و منازعات انتخاباتی که عوارض آن هنوز برجای مانده است، در فاصله‌گزینی از لوازم مردم‌سالاری دینی است. پدیده‌ای که فرآورده تجربه سیاسی ایران اسلامی معاصر است.

تجربه‌ای که از فراز و فرود بیش از یک سده جنبشهای متوالی اجتماعی ایران (تنباکو، مشروطیت، نهضت ملی نفت و . . .) پدیدار گشت و در منطق و گفتمان امام قائد(قدس‌سره) تجلی یافت.

در این بیانیه تحلیلی کوتاه، فارغ از مباحث تئوریک و مجادلات نظری، برخی از مؤلفه‌های

اساسی «مردم‌سالاری دینی» را یادآوری و تأکید می‌کنیم. محورهایی که غفلت، تغافل و یا اعراض و انکار آن، شکوه مشارکت انتخابات را به تلخی کشاند، وحدت ملی را در مخاطره انشقاق اجتماعی قرار داد، دلسوزان اسلام و انقلاب را در جهان اسلام دلواپس و نگران ساخت. زخم‌خوردگان از امام و انقلاب اسلامی را به طمع واداشت و جبهه‌ای به گستردگی سلطنت‌طلبان، منافقان، ملی‌گرایان، لیبرالها، مرتجعان و . . . را متحد و همراه ساخت.

مهم‌ترین مؤلفه‌های «مردم‌سالاری دینی» را در نکات زیر می‌توان شناخت:

۱ ـ قانون‌گرایی: نظام مردم‌سالاری دینی قانونمدار است بویژه چون قوانین عرفی از ساحات نظارت و ولایت عبور می‌کنند، جایگاه معنوی دینی نیز می‌یابند.

اما چنین به نظر می‌رسد که نوباوگی مردم‌سالاری دینی و عوامل دیگر، قانون‌گریزی را به آفت شایع سیاسی تبدیل کرده است. نمودهای آن در گونه‌های مختلف ظهور و بروز یافت. شیوه برخی از مناظرات که پیشینه انقلاب و نظام را با ابهام و انکار مواجه می‌ساخت نمونه‌ای از آن بود که مورد نقد و انکار مقام معظّم رهبری قرار گرفت، رخدادهای دیگر چونان حوادث کوی دانشگاه، کهریزک و . . . نیز در تداوم آن بود که به حیثیت و جایگاه نظام اسلامی صدمات جدی وارد کرد که پیگیریهای قاطع قضایی را برمی‌طلبد.

از سویی دیگر پس از انتخابات، کشور با قانون‌گریزی ساختاری مواجه شد و آن، قانون‌شکنی مغلوبان کارزار انتخاباتی بود. اینان با ادعای تقلب و زورآزمایی خیابانی نفی ساختارهای قانونی را تعقیب کردند و مشروعیت ساز و کارهای مردم‌سالاری نوظهور دینی را با تردید و انکار مواجه ساختند، بخش وسیعی از هیجانات اجتماعی پس از انتخابات، نشئت یافته از این قانون‌گریزی ساختاری بود که تبعات جبران‌ناپذیر داخلی و خارجی را پدید آورد.

قانون‌شکنان ساختاری، باید بدانند که «هرج و مرج اجتماعی» بدترین رخداد ممکن است و نمی‌تواند با ساختارشکنی نهادهای قانونی، به عدالت، آزادی و استقلال و هر ارزش انسانی دیگر دست یافت. چه این‌که اصول انسانی و آرمانهای دینی، تنها و تنها در گذار و گذر از معبر معتمد نهادهای قانونی و مقررات اجتماعی تحقق می‌یابند.

۲ ـ تنوع و تکثر سیاسی: نظام مردم‌سالار دینی، به مشارکت اجتماعی حداکثری معتقد است و این مهم، جز با حضور حداکثری سلایق و دیدگاههای جناحهای گوناگون ممکن نیست.

رهبر معظّم انقلاب اسلامی، در برهه‌های متعدد آن را مورد توجه و تأکید قرار دادند. در خطابه ۲۱ رمضان سال جاری فرمودند:

«اشکالی ندارد که مسؤولان کشور، متولیان امور کشور منتقدینی داشته باشند که ضعفهای آنها را به خود آنها نشان بدهند. وقتی انسان در مقام رقابت قرار گیرد، مقابل انتقاد قرار بگیرد، بهتر کار می‌کند. این جور نیست که وجود منتقدان و کسانی که این روشها را قبول ندارند و آن روش را قبول دارند، برای نظام ضرری داشته باشد.»

در همین سخنان ایشان از جاذبه حداکثری و دافعه حداقلی در نظام مردم‌سالار دینی سخن گفتند و حتی در بیانی صریح و شفاف، دگر اندیشی سیاسی را روا شمردند و فرمودند: «نظام با دگراندیشان کاری ندارد، این همه دگراندیش هست، دگر اندیشی سیاسی که بالاتر از دگراندیشی دینی نیست. ما اقلیتهای دینی داریم که دگراندیشند، مجلس شورای اسلامی همه عضو دارند . . . بنابراین بحث دگراندیشی نیست، بحث مخالفت است، بحث معارضه است، بحث ضربه زدن است، در مقابل نظام و در مقابل انقلاب شمشیر کشیدن است.»

اما این نگرش با سماحت، فراتر از دید و عمل عناصر و جریانهای کم‌تحمل و یا بی‌ظرفیت سیاسی است، افراد و گروههایی هستند که گویا دافعه حداکثری را مبنای تحلیل و عمل قرار داده‌اند و کوچک‌ترین فاصله فکری و سلیقه‌ای را، کفر و فسق تلقی کرده‌اند و با سوءظن اعمال و عقاید دیگران را کاوش داشته‌اند و با تهمت و افترا آنان را به طرد و تکفیر سپرده‌اند، اینان در فضای ملتهب اخیر، مجال بیشتری برای حضور و بروز یافته و میدان‌داری رسانه‌ای را بر عهده گرفته‌اند و سعه صدر سیاسی را که از مؤلفه‌های اساسی
مردم‌سالاری دینی است، نشانه رفته‌اند.

۳ ـ رضایت و مقبولیت مردمی: نظام مردم‌سالار دینی، برای همدلی و رضایت مردم شأن و منزلت قائل است؛ آن را مهم و ارجمند تلقی می‌کند؛ خواسته و رأی ایشان را تشریفاتی و زینتی نمی‌داند؛ هویت‌بخش نظام سیاسی اسلامی می‌شناسد؛ در تحقق اهداف و روشهای اجرا، به رضایتمندی مردم می‌اندیشد؛ اقناع افکار عمومی را مورد توجه قرار می‌دهد و رسانه‌های جمعی را موظف به آن می‌داند.

در حوادث پس از انتخابات، در نگاه جریان مغلوب، مفهوم قبولیت مردمی به رضایت نخبگان و طبقات متوسط شهری تقلیل یافت. با آن که در نظام مردم‌سالار دینی، آحاد جامعه نقش یکسانی دارند و مردمان ایلاتی، روستایی و حاشیه‌نشینان شهری چونان نخبگان علمی و هنری حق حضور، مشارکت و انتخاب دارند، متأسفانه نگاههای نخبه‌گرایانه مانع درک و فهم جایگاه طبقات متنوع جامعه گردید و شاخصهای مقبولیت و رضایت در سطوح جامعه نخبگانی تعریف یافت، البته بی‌تردید نخبگان جایگاه ویژه در جوامع دارند، در بخش وسیعی از مدیریت، تولید، دانش‌سازی، فرهنگ‌گستری و تحول اجتماعی نقشهای حساس و کم‌مانند دارند. از این رو، این سخن، نه به معنای نادیده انگاشتن این منزلت است بلکه بدان معناست که نباید در نظام مردم‌سالاری مبتنی بر انتخابات، توقع «الیگارشی نخبگانی» داشت.

۴ ـ اعتبار اکثریت: مردم‌سالاری دینی، قاعده وفاق اجتماعی را در پذیرش رأی اکثریت و تقدیم آن بر رأی اقلیت، پذیراست، در این نظام رقابتهای سیاسی در پایانه انتخابات پایان می‌پذیرند و صندوق آرا خاتمه منازعات انتخاباتی می‌گردند.

امام راحل، در سخنی زرین فرموده‌اند:

«روی آن مسیری که ملت ما دارند، روی آن مسیر راه بروید، ولو عقیده‌تان این است که این مسیر که ملت رفته خلاف صلاحش است، خب باشد. ملت می‌خواهد که این طور بکند، به من و شما چه کار دارد. خلاف صلاحش را می‌خواهد انجام می‌دهد. ملت رأی داده و رأی که داده متبع است.»

در حوادث اخیر، اصرار در تداوم شرایط انتخابات، بدون توجه به ساختارها و ساز و کارهای قانونی از نگرش نخبه‌گرایانه و تعصبات حزبی جریانی برخاست، نگاهی که در تبادل مناصب سیاسی به معیار آراء اکثریت پایبند نشد و در موقعیت اقلیت هرچند اقلیت قابل توجه و معتبر جایگاه اکثریت را طلبید و منازعه‌ای پرکشاکش را پی‌گیری کرد.

۵ ـ اخلاق و فرهنگ سیاسی: نظام مردم‌سالار دینی، جز با اخلاق و فرهنگ سیاسی متناسب، پایدار نمی‌ماند. از این رو باید به تکمیل و ارتقای فرهنگ سیاسی در کشور اندیشید. تحمل، مدارا و سعه صدر را در فرهنگ نخبگانی و عمومی ترویج کرد و عصبانیت و بداخلاقی سیاسی را به خردمندی و دوراندیشی تبدیل کرد، اخلاق سیاسی دینی را که اجتناب از دروغ، تهمت، سوءظن، اشاعه شایعات و . . . است معیار رفتار بهنجار عمل کرد، سخنان درشت را کنار نهاد و گفتار عقلانی و نقد و گفتگو را جایگزین ساخت.

۶ ـ هدایت و رهبری دینی: نظام مردم‌سالاری دینی در گفتمان امام و قانون اساسی، باید در تداوم دولت نبوی و علوی باشد و در ولایت سیاسی اسلام‌شناس عادل و مدبر قرار گیرد.

این نکته که در تعبیر «ولایت فقیه» ارائه شد، برجسته‌ترین مؤلفه گفتمان سیاسی امام راحل بود. این نظریه در دروس ایشان، تقریر یافت و در دهه نخست انقلاب، مورد تأکید مجدد قرار گرفت و در سالیان پایانی حیات مبارکشان، تبیین شفاف‌تری یافت.

ولایت اساسی که در قانون اساسی منتخب مردم جای یافت و برای تحقق آن مجلسی مردم‌نهاد شکل گرفت، در سه دهه پس از انقلاب اسلامی ایران کارویژه‌های گوناگون و متنوع یافت:

* دفاع از وحدت ملی ایران‌زمین در فراز و فرودهای منازعات قومی (حوادث کردستان، خوزستان و . . .).

* حفظ عزّت ایران اسلامی در برابر تجاوزات و زیاده‌طلبی دشمنان خارجی (در دوره دفاع مقدس و پس از آن).

* همگرایی و هماهنگ‌سازی قوای انتخابی (ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی) در مشاجرات و اختلافات سلیقه‌ای و مبنایی.

* بن‌بست‌شکنی‌های فقهی در شرایط ناهمسازی فقه متداول با مصالح اجتماعی.

موارد فوق بخشی از کارویژه‌های هدایت‌مداری‌های دینی در قالب ولایت فقیه بود، بدین گونه ولایت فقیه در جمهوریت جدیدالتأسیس رشته‌ای شد که تکثرهای اجتماعی را به همگرایی تبدیل کرد و حافظ مصالح ملی در برابر تفرقه‌افکنی‌های قومی، خصومت‌های خارجی و بن‌بست‌های دینی بود. هنوز حافظه اجتماعی از حضورهای قاطع و بهنگام امام در مقاطع حساس آکنده است، پیام

تاریخی ایشان در محاصره‌شکنی پاوه، گفتار آرام و مؤثر در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ (آغاز جنگ تحمیلی)، عزل بنی‌صدر، پیام صادقانه و اعتمادساز در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و موارد فراوان دیگر.

رهبری داهیانه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در تداوم آن بوده و هست. رهنمودهای هشیارانه ایشان در دو دهه اخیر، از عوامل اساسی ثبات منطقه‌ای، حضور مؤثر بین‌المللی، تداوم امنیت داخلی و روند توسعه اجتماعی ایران است.

در حوادث منطقه‌ای، مواضع ایران اسلامی در دو جنگ خلیج فارس، نمونه‌ای از آن بود، در جنگ نخست که برخی از عناصر سیاسی آن روزگار که بعدها به رویکردهای تجدیدنظرطلبانه رو آوردند، حضور در کنار صدام و مقابله با آمریکا را توصیه می‌داشتند، مقام معظّم رهبری با سیاست مناسب در اتخاذ بی‌طرفی، ایران را از تنازعات منطقه‌ای به دور داشتند.

در پیامد آن موضع، ایران از چند جنگ خانمان‌سوز منطقه‌ای، مصون و ایمن ماند؛ از دو دشمن خطرناک چونان صدام و طالبان رهایی یافت و به حضوری مؤثر در معادلات سیاسی دست یافت.

در موضوعات داخلی نیز تأکیدات ایشان بر دانشگاه سیاسی، مشارکت حداکثری در انتخابات، نهضت تولید علم، اصلاحات و تحول در حوزه، تأکید بر آرمان عدالت اجتماعی و دهها موضع دیگر در پویایی و توسعه سیاسی، اجتماعی کشور اهمیت ویژه‌ای داشته و دارد.

دریغ می‌نماید که برخی، این تدبیر و درایت را نادیده انگارند، شکر نعمت نورزند و با زاویه‌یابی‌ها، خود را محروم از فیض ولایت سازند و یا گروهی، این نماد وحدت ملی و تعالی اجتماعی را در چارچوب‌های جناحی سلیقه‌ای خویش محدود سازند.

و آخر دعوانا ان الحمدلله ربّ العالمین

جمعی از اساتید و محققان حوزه علمیه قم

پیوست ۱۴

بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با بسیجیان سراسر کشور

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در یک جامعه نسبت به هم بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند، یک بهانه‌ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید یک بهانه‌ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. این جور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دلهای مردم نسبت به یکدیگر؛ یک بهانه‌ای مثل بهانه انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دلها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست‌آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسؤولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرحهای اساسی است. این جور کاری را دنبال می‌کنند.

خب، شما ببینید در یک چنین وضعیتی چه چیزی بیشتر از همه برای انسان مهم است؟ بصیرت. بنده بارها بر روی بصیرت تکیه می‌کنم، به خاطر همین. مردم بدانند چه اتفاقی دارد می‌افتد. ببینند آن دستی را که دارد صحنه‌گردانی می‌کند، صحنه را شلوغ می‌کند تا در خلال شلوغی‌های مردم، یک عنصر خائنی، یک عنصر دست‌نشانده و دست‌آموزی بیاید کاری را که آنها می‌خواهند، انجام بدهد و نشود او را توی مردم پیدا کرد؛ این کاری است که دشمن می‌خواهد انجام بدهد. هر اقدامی که به بصیرت منتهی بشود، بتواند عنصر خائن را، عنصر بدخواه را از آحاد مردم و توده مردم جدا کند، او را مشخص کند، این خوب است. هر اقدامی که فضا را مغشوش کند، مشوش کند، انسانها را نسبت به هم مردد کند، فضای تهمت‌آلود باشد، مجرم و غیرمجرم در آن مخلوط بشوند، این فضا مضر است، مخالف است.

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از این‌گونه عناصر در داخل ملتها دارد؛ در داخل ملت ما هم این جور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا می‌شود. متن ملت، آحاد مردم، این توده عظیم مردمی ـ از خواص تا عامه مردم ـ اینها را باید از آن عناصر معدود خودفروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من می‌بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از

حرفها، فضا آن‌چنان مغشوش می‌شود که افراد سردرگم می‌شوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسؤولان‌شان، بدبین می‌شوند؛ این درست نیست.
حالا بعضیها ـ چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون، توصیه‌پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمی‌خواهند؛ معلوم نیست سیاستهای بعضی از این دستگاهها و مطبوعات و رسانه‌ها را کی معیّن می‌کند و کجا معیّن می‌شود ـ نانشان در ایجاد اختلاف است ـ اما آن کسانی که مصالح کشور را می‌خواهند، مایلند حقایق را غالب کنند، من توصیه‌ام به آنها این است که از این اختلافات جزئی و غیراصولی صرف نظر کنند. شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی درست نیست. انسان می‌بیند صریحاً و علناً به مسؤولین کشور ـ کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند ـ تهمت می‌زنند، نسبت به اینها شایعه‌سازی می‌کنند؛ فرق هم نمی‌کند، چه رئیس‌جمهور باشد چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوّه قضائیه باشد؛ اینها مسؤولین کشورند. مسؤولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه‌پراکنی کرد؛ دشمن این را می‌خواهد. دشمن می‌خواهد شایعه‌پراکنی کند؛ می‌خواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسؤولین بدبین کند.

دیدید شما در اوایل همین حوادث بعد از انتخابات ـ این فتنه بعد از انتخابات ـ اوّلین کاری که شد، تردیدافکنی در کار مسؤولین رسمی کشور بود؛ در کار شورای نگهبان، در کار وزارت کشور. این تردیدافکنی‌ها خیلی مضر است؛ دشمن این را می‌خواهد. جوانان بسیجی باید ایمان را، بصیرت، انگیزه را، رعایت موازین و معیارها را، اینها همه را با هم ملاحظه کنند.

از جمله چیزهای مهمی که باید مورد توجه قرار بگیرد، تنوع عرصه‌های حضور بسیج است. این رویکردی که اخیراً برای بسیج اعلام شد ـ رویکرد علم، نوآوری علمی، کار فرهنگی ـ بسیار چیز مبارکی است. خیلی کارها است که باید انجام بگیرد، که جز با روحیه بسیجی و با همین ایمان جوشان امکان‌پذیر نیست. مطمئن باشید تا بسیج در این کشور هست، تا این روحیه صدق و صفا و خدمت بی‌مزد و منت در میان مردم ما ـ بخصوص جوانان ما ـ وجود دارد، دشمن هیچ گونه لطمه‌ای به این انقلاب و به این نظام و به این کشور نخواهد توانست وارد کند.

کسانی هم که با اشاره دشمن، با تشویق دشمن، با لبخند دشمن، با کف زدن دشمن برایشان می‌خواهند با این نظام، با این قانون اساسی، با این حرکت عظیم مردمی مواجه کنند، سرشان را دارند به سنگ می‌زنند؛ سر به دیوار می‌کوبند، کار بیهوده می‌کنند، مواظب باشید، نمی‌شود هرکسی را به مجرد یک خطا یا اشتباهی گفت منافق؛ نمی‌شود هرکسی را به مجرد این‌که یک کلمه حرفی برخلاف آنچه که من و شما فکر می‌کنیم، زد، بگوییم آقا این ضد ولایت فقیه است. در تشخیصها خیلی باید مراقبت کنیم. من تأکیدم به شما جوانان عزیز، فرزندان عزیز خود من، جوانان پرشور این کشور در سرتاسر میهن عزیز، همین است. انگیزه‌ها با شدّت، با قوّت، با ایمان کامل، با امید کامل به آینده حفظ بشود؛ اما در تشخیصها و در مصداقهای مختلف دقت بشود. بی‌دقتی در مصداقها گاهی اوقات ضررها و لطمات بزرگی خواهد زد.

پیوست ۱۵

بیانیه شماره پانزده میرحسین موسوی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

پنجم آذرماه سالروز تأسیس بسیج مستضعفان از سوی امام خمینی و فرصتی است تا این نهاد مؤثر در تاریخ انقلاب اسلامی در معرض نگاهی دوباره قرار گیرد. بسیج چه بود و چه هست و چه باید باشد؟ بسیج را چه چیز ساخت و چه چیز نامدار کرد و قهرمان تمامی سلیقه‌ها و گرایشها در دوره‌ای از تاریخ معاصر این سرزمین قرار داد؟ آن سابقه درخشان و دستاورد بزرگ که بسیج نامیده شد با بودجه‌های کلان و سلاحهای گران به دست نیامد. سازماندهی برتر نبود که از بسیج اسطوره ساخت و قدرت نظامی نبود که تواناییهای بسیج را شکل داد، بلکه نیتهایی پاک و عمیق این بنای بلند را برافراشت و اسوه‌هایی را پرورش داد که هنوز هرگاه از آنان نام برده می‌شود گویندگان و شنوندگان، یاران پیامبر(ص) را به یاد می‌آورند.

علاوه بر این، بسیج در تاریخ انقلاب نماد شجاعت و ایستادگی ملت ماست. سی سال پیش از این امام بسیج مستضعفان را در مقابله با احتمال حمله نظامی ابرقدرتها به وجود آورد و این مؤثرترین اقدام ممکن برای پیشگیری از آن خطر بود. در این سه دهه هیچ سلاحی وجود نداشت که قدرتهای بزرگ و کوچک مخرب‌تر از آن را در اختیار نداشته باشد و تنها چیزی که آنان را از گزند رساندن به این خاک منصرف و یا پشیمان می‌کرد ملاحظه شجاعت مردمی بود که از قدرت قدرتمندان نمی‌ترسیدند و در دفاع از آرمانها و حقوق خود کوتاهی نمی‌ورزیدند. بسیج قابی بود که این چهره از ملت ما را به نمایش می‌گذاشت.

و بسیج جلوه‌گاهی بود برای ظهور یکپارچگی اقشار و سلیقه‌های گوناگون مردم ما. زمانی که پدر دلسوز ما این نهال را غرس می‌کرد، گفت: «کشوری که بیست میلیون جوان دارد باید بیست میلیون بسیجی داشته باشد». چنین هدفی چگونه می‌توانست تحقق بیابد اگر بسیج به یک سلیقه یا نحله یا فرقه یا قشر تعلق پیدا می‌کرد؟ بلکه مقصود او از ارتش بیست میلیونی ایجاد آن ظرفی و رنگی بود که بتواند تمام، یا لااقل اکثریت عظیمی از رنگهای جامعه را در خود جمع کند؛ شبیه‌ترین چیز به اسم پرچمهای سالار شهیدان(ع) که هرساله در کشور ما بلند می‌شود و هم اقشار مردم ما، حتی برخی از اقلیتهای دینی را گرد خویش می‌آورد.

اگر بسیجی به یکی از بزرگترین دستاوردهای تاریخی ملت ما تبدیل شد به خاطر توجه به چنین رمزهایی بود، و الّا از صرف یک نام چنین هنرهایی ساخته نیست؛ هنر تبدیل انسانهایی عادی به لشکر مخلص خدا، هنر پایدار ماندن و پیروز شدن با دستانی خالی و هنر محور و مایه وحدت و سربلندی یک ملت تاریخی و بزرگ قرار گرفتن.

اینک نیز داستان همین است. نوعی از نامها و نشانه‌ها، نوعی از کلمات و ظواهر، نوعی از لحن‌ها و لهجه‌ها، نوعی از جملات و طلسمها . . . نیستند که مدرسه‌های عشق و انسانهای بزرگ می‌سازند. تمامی بسیجیان نامدار و گمنامی که ایمان و ایران به آنان افتخار می‌کند به صرف ادای چند حرف در میادین سابقین قهرمان نشدند. آنان در بوته قرار گرفتند. و در این جهان کیست که در بوته‌های فتنه آزموده نشود؟

احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون.

آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم به حال خود رها می‌شوند و در فتنه‌ها آزموده نخواهند شد؟

و لقد فتنا الذین من قبلهم و لیعلمن الله الذین صدقوا و لیعلمن الکاذبین

به تحقیق کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم و خداوند خواهد دانست کسانی را که راست گفتند و خواهد دانست آنانی را که دروغ‌گویانند.

اینک نوبت به وارثان باقری‌ها و باکری‌ها رسیده است. نسل جدیدی که بسیجی نامیده می‌شود امروز در بوته تاریک‌ترین شبهه‌ها و فتنه‌ها قرار دارد. آیا این نسل جدید نیز شبیه به کسانی هستند که جنگ جمل را در رکاب امیرمؤمنان(ع) مبارزه کردند؟ یا این قیاسها واهی است و کسانی که این گونه قیاس می‌کنند بسیج را ماشینی سرکوبگر می‌خواهند برای زدن و گرفتن و آزار و حتی قتل انسانهایی که تنها جرمشان دعوت به دادگری است؟ چه کسانی جواب این سؤال را می‌دانند؟ هویت آن سازمانی که اینک بسیج مستضعفان نامیده می‌شود براستی چیست؟ دستگاهی بی‌نیت که بفرموده چشمانش را می‌بندد و دست و پای خواهران و برادرانش را می‌شکند، یا نهادی مجهز به عمیق‌ترین بصیرتها که می‌تواند در ظلمانی‌ترین شبهای فتنه راه را از بیراهه تشخیص دهد؟ شب فتنه روز کسانی است که در پاسخ به این پرسشها مردد مانده‌اند.

اذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بالقرآن. پاسخ پیامبر(ص) را به تمامی این تردیدها بشنوید که وقتی فتنه همچون پاره‌های شب تاریک شما را فراگرفت باید به قرآن رو کنید. قرآن شفیعی است که اگر به سود کسی شفاعت کند از او پذیرفته خواهد شد و چون به رغم کسی شهادت دهد تصدیق می‌شود؛ کتابی که هرکس آن را پیشوا و پیشارو بگذارد به بهشت می‌رود و کسانی را که به آن پشت کنند به سوی دوزخ می‌راند؛ کتابی که به سوی بهترین راه هدایت می‌کند؛ کتابی که به روشنی و صراحت ما را فرمان می‌دهد تا با راستگویان باشیم.

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید و با راستگویان باشید.

ولی اگر معلوم بود کدام گروه راستگو هستند که شب فتنه به پایان می‌رسید. در عین حال این قدر معلوم است که راستگویان دروغ نمی‌گویند. کسانی که در مبارزه سیاسی اصلی‌ترین شیوه‌شان دروغ گفتن است حتماً راستگو نیستند؛ تقوا در همدستی با آنان و ایمان سازگار با پیروی‌شان نیست. آیا در این چند ماهه هیچ دروغی نشنیده‌اید؟ ای جماعت مؤمنان! تقوا کنید و با راستگویان باشید.

بسیج چه بود و چه خواهد بود و چه باید باشد؟

بسیجی که امام می‌خواست در مقابل ملت قرار نمی‌گرفت، بلکه در کنار مردم و پشت سر آنان بود؛ بسیجی که به دنبال رفاقت و محبت و یگانگی مردم باشد؛ بسیجی که بدون توجه به اختلافات سلیقه‌ای خود با دیگران حافظ عرض و ناموس‌شان باشد، که آنان یا برادر او در دینند و یا نظیر او در آفرینش؛ بسیجی که حرمت حریمهای خصوصی مردم را حفظ کند. امام بسیج را به عنوان ابزاری برای قدرت حاکمان نمی‌خواست، بلکه نهادی برای قدرت مردم می‌دید تا حاکمیت آنان بر سرنوشتشان تضمین نماید. قرار نبود رفتار و اندیشه بسیجی در مردم اثر کند، نه آن قدرت بسیج بر سر مردم فرود آید. قرار بود بسیج جیره‌خوار دولت شود و به ازای دستگیر کردن مردم در اجتماعات پاداش سرانه بگیرد. افسوس بر بسیج اگر تا حد یک حزب سیاسی تنزل کند؛ این آن چیزی نیست که امام ما برای بسیجیان می‌خواست. قرار نبود بسیج به دستگاهی تبدیل شود که اختیار انتخاب و آزادی رأی را از مردم بستاند.

برادران بسیجی من! کدام عیب و کاستی در آرزوهای امام برای بسیجی وجود داشت که از آنها کناره گرفته شود؟ و چرا باید چهره‌ای که با زحمات گذشتگان شما پدید آمد به کدورتها آلوده گردد؟ شما خود با مردمید و از مردمند. مفاهیمی که فطرت مردم آنها را می‌پسندد چرا باید در نزد برخی از دوستان بسیجی ما نفرت ایجاد کند؟ کدام زشتی در نامهایی چون آزادی وجود دارد که وقتی بر زبان می‌آید قلب بعضی از آنان را مشمئز می‌کند، گویی که نام بزرگترین گناهان باشد؟ حال آن که هنوز بزرگترین میعادگاه در اکثر شهرهای ما به نام آزادی خوانده می‌شود. مگر نمی‌گوییم عنوانهایی چون حقوق بشر، حقوق زنان، حقوق اقلیتها، و امثالشان محمل‌هایی است تا قدرت ریاکارانه خویشتن را به آنها الصاق کنند و سیمایشان را زیبا جلوه دهند؟ چرا آنهایی که قاعدتاً باید صاحبان اصلی و اصیل چنین آرمانهایی باشند از آنها فاصله می‌گیرند؟ مگر می‌خواهند مکتب‌شان کریه جلوه کند؟ چرا این مفاهیم را لعن می‌کنیم و ملاک بی‌دینی قرار می‌دهیم؟ دینی که چونان یک بوته گل دلخواه برای بشر ارمغان آورده شد، از بس که آموزه‌هایش ملایم و موافق با فطرت بود. مبادا آن را تبدیل به یک بوته خار کنیم تا هرکس با هر گوشه از آن تماس می‌گیرد زخمی شود؛ زخمهایی از نوع آنچه جوانان ما در خیابانها می‌بینند.

بسیج نیز سی سال پیش از این که همچون یک بوته گل و یک پارچه نور متولد شد. آیا اگر کسی رجعت به آن عهد نورانی و نخستین را بخواهد به انقلاب پشت کرده است و دست به براندازی نظام

زده است؟ آیا اگر کسی بازگشت به نسخه اصیل انقلاب اسلامی را طلب کند، آیا اگر کسی خواستار آن اسلام ناب محمدی که امام منادی و معرف آن بود باشد و از خرافه‌پرستی‌ها و قشریگریهایی که به نام دین به مردم فروخته می‌شود بیزاری بجوید، آیا اگر کسی اجرای بدون تنازل قانون اساسی را دنبال کند، آیا اگر کسی از وفاداری به عهدهای ایمانی و انسانی بپرسد جز به دادگری فراخوانده است؟ آیا چنین کسانی باید در خیابانها کتک بخورند، در زندانها شکنجه ببینند و به حبسهای طولانی مدت محکوم شوند؟ آیا اسلام و قرآن اجازه می‌دهد مردمی که با مسالمت حاکمانشان را به عدالت امر می‌کنند کشته شوند؟

و یقتلون الذین یأمرون بالقسط من الناس فبشرهم بعذاب الیم

و مردمی را که به دادگری امر می‌کنند به قتل می‌رسانند، پس آنان را به عذابی دردناک بشارت ده.

بسیج چه بود و چه خواهد بود اگر به مسیری که پیش رویش گذاشته شده است ادامه دهد؟ آن نیرویی که یک زمان نماینده شجاعت ملت ما بود آیا اینک به کار گرفته شود تا ایرانیان را بترساند؟ کاملاً پیداست که آخرین و تازه‌ترین راهبرد اقلیت اقتدارطلب ایجاد هراس در مردم است. آیا لباسهای مخوف می‌پوشند و در خیابانهای شهر آرایشهای نظامی به خود می‌گیرند تا هموطنانشان را مرعوب کنند؟ یا مردم را می‌ترسانند چون خود می‌ترسند؟ یا فرزندان انقلاب را به هفت سال و ده سال و پانزده سال محکوم می‌کنند تا به خود تسلی داده باشند؟ و فکر نمی‌کنند که با این رفتارهای کوته‌بینانه چگونه امنیت ملی کشور را در معرض خطر قرار می‌دهند.

کافی است مردم بترسند تا پای قدرتها به مرزهای این بوم باز شود. کافی است سمعه شجاعت این ملت خدشه‌دار گردد و بیگانه در دلاوری و استواری آنان تردید کند تا خوابهای سی ساله تعبیر شود. به دو کشور همسایه ما که اینک در اشغال خارجی قرار دارد نگاه کنید. در هر دوی آنها نخست مردم ترسانده شدند و ترسیدند. ظاهراً قدرتها با شعار آزادی‌بخشی به این دو کشور قدم گذاشتند، در عین حال که وقتی ابوغریب‌ها را به راه می‌انداختند طمع خویش را در چهره‌های وحشت‌زده مردم پنهان نکردند. آنها با صراحتی که بیشتر از آن ممکن نبود به مردم این دو کشور می‌گفتند شما همانهایی هستید که از صدام و طالبان وحشت داشتید، پس اینک حق آن است که از سلاحهای رعب‌انگیزتر ما بیشتر بترسید. حتی تروریستهای افراطی هنوز به آن امید که بتوانند همچون خونخواران پیش از خود بر هراس مردم این کشورها حکومت کنند آنان را بی‌رحمانه می‌کشند. قربانیان ددمنشی‌های صدام و طالبان هنوز دارند تاوان ترس خود را می‌پردازند، کما این‌که ملت ما هنوز امنیت و آرامش خویش را مرهون شجاعت و استحکامی است که در طول سی سال گذشته به نمایش گذاشت.

حال کسانی در داخل کشور می‌خواهند این سرمایه را از ما بگیرند. در مقابل نمایشهای آنان مردم یا نمی‌ترسند، که نمی‌ترسند، و این آخرین حربه هم از آنان سلب می‌شود، و یا خدای ناکرده

می‌ترسند. در آن صورت آیا اسباب‌بازیهای جنگی از تمامیت این کشور حفاظت خواهد کرد؟

بسیج در تاریخ معاصر ما نه فقط یک نام، بلکه یک عملکرد بود که هرگز از آن بی‌نیاز نمی‌شویم؛ تا جایی که اگر معدودی از متصدیان این عملکرد مأموریتهای خود را فراموش کنند لازم است ما مردم خود آنها را بر عهده بگیریم. ضرورتی، حتی به مراتب مهم‌تر از آرمانهای جنبش سبز ما را مجبور می‌کند که اجازه ندهیم کسی در ترسیدن ما طمع کند.

و بدانیم که بالاتر از سیاهی رنگی نیست. ترساندن آخرین تیر ترکش است. مخالفانتان اشتباه کردند و در مقابل مسالمت و مقاومت شما آن را به کار بردند تا اگر کارگر نشود چاره دیگری نداشته باشند. چاره راستین آنها هم خود شمایید، روزی که از مخالفان خود بپرسید آیا پرچمهای رنگارنگ شما نیز به معنای اصرار بر اجرای بدون تنازل قانون اساسی است، و اگر آری گفتند آنها را بپذیرید. آن روز وقتی است که همه با هم سبز می‌شویم.

میرحسین موسوی

۱۳۸۸/۹/۴

پیوست ۱۶

بیانیه شماره شانزده میرحسین موسوی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

عید سعید غدیر را به ملت مسلمان ایران تبریک می‌گویم و از خداوند متعال نزدیک شدن به آرمانهای صاحب غدیر را برای آنان و تمامی مسلمانان جهان مسئلت می‌کنم. در این عید شیعیان برای هم برکت و بهروزی آرزو می‌کنند و از یکدیگر تحفه‌هایی را می‌طلبند که به تحقق چنین آرزویی کمک کند و متضمن سرانجامی نیکو برای ملت و کشور خصوصاً در شرایط بحران‌زده کنونی باشد. چنین انتظاری از ما نیز هست و حتی اگر این انتظار وجود نداشت برآورده کردن آن وظیفه‌ای بر عهده ما بود.

برای این منظور کاری که از ما برمی‌آید صمیمیت در خیرخواهی است، حتی اگر آن را نپذیرند، و پایداری در دوراندیشی است، حتی اگر چنین نامی بر آن نگذارند. خاطرهایی بزرگتر از آن در پیش است که چه ما و چه دیگران از خویشتن یاد کنیم و واقعیتهایی سترگ‌تر از آن در برابر قرار دارند که با نادیدن ناپدید شوند. با استمداد از لطافتی که فضای عید ایجاد کرده است و با استفاده از فرصتی که روز شانزدهم آذر به وجود آمد چه چیز بهتر از پرداختن به آنچه می‌تواند داروی درد امروز باشد؛ دارویی که الزاماً تلخ نیست، اگر پیشداوریها را کنار بگذاریم.

روز دانشجو در پیش است. در تاریخ معاصر ما جنبش دانشجویی همواره نوعی پرچم و گواه برای حرکت مردم بوده است. در روزهای تلخ بعد از کودتا و در تاریک‌ترین برهه از تاریخ ملت ما، زمانی که همه آرزوها بر باد رفته به نظر می‌رسید آنچه در شانزدهم آذر ۱۳۳۲ روی داد شاهدی بود که معلوم می‌کرد روح مردم و خواسته‌های تاریخی‌شان هنوز زنده است. آن «سه قطره خون» و آن «سه آذر اهورایی» که روز دانشجو را پایه گذاشتند، اگر پس از نیم قرن هنوز از تازگی، درخشندگی و اهمیت برخوردارند، به خاطر آن است که نسبت به وجود و حیات واقعیتی عظیم‌تر در جان مردم شهادت دادند.

این گواهی در سالها و نسلهای پس از آن نیز از سوی جنبش دانشجویی ادامه داشت و هنوز ادامه دارد. جامعه به دلایل بسیار گرایشهای در حال تکوین در بطن خویش را پیش چشم کسانی که تنها به ظاهر آن می‌نگرند نمایان نمی‌کند. دگرگونیهای بزرگ معمولاً متهمند که یکباره روی می‌دهند و از

بازیگران سیاسی فرصت هماهنگ شدن با خود را دریغ می‌کنند. البته در حقیقت هیچ تحولی دفعتاً تحقق نیافته است؛ تنها بروز و ظهور تغییرهاست که شکلی دفعی دارد. در چنین شرایطی گواهانی که از اعماق ناپیدای جامعه خبر می‌دهند براستی ارزشمندند.

جنبش دانشجویی در تاریخ معاصر ما همواره حاوی گزارشهایی از شکل‌گیری جریانهای عمیق سیاسی و اجتماعی در متن جامعه بوده است. این نقشی است که اگر حاکمان با درایت برخورد می‌کردند می‌توانست و می‌تواند برای عبور کم‌هزینه به سمت توسعه و پیشرفت بیشترین بهره‌ها را برساند، اما آنان خشمگینانه این نشانگر ذی‌قیمت را می‌شکنند؛ آنان دوست دارند به خود تسلی دهند که حرکتهای دانشجویی جز غوغای چند جوان پر سر و صدا نیستند که اگر خاموش شوند صورت مسأله از اساس پاک خواهد شد؛ داستانی تکراری از انکار واقعیتها و تلاش برای تولید و تفسیر اطلاعات مطابق میل دولتمردان که تقریباً هیچ عهد تاریخی بدون شمه‌ای از آن پایان نیافته است.

ان هولاء لشر ذمه قلیلون، (گفتند که) اینها گروهی ناچیزند (به قول امروزیها خس و خاشاکی بیش نیستد)، و انهم لنا لغائظون، و آنها ما را به خشم می‌آورند و انا لجمیع حاذرون، و ما همگی در آماده‌باش به سر می‌بریم، فاخر جناهم من جنات و عیون، پس خداوند آنان را از باغها و چشمه‌سارها بیرون کرد، و کنوز و مقام کریم، و از گنجها و از جایگاه دلپسند.

چه تلخ است اگر پس از این همه عبرتهای دور و نزدیک مشابه این خطا هنوز در رفتار کسانی دیده شود؛ آنهایی که اصرار دارند بگویند مردم دیگر ساکت شده‌اند و فقط دانشجویان مانده‌اند؛ در دانشگاهها هم فقط تهران ناآرام است، از تهران هم فقط دانشگاههای مادر هیاهو می‌کنند، آن جا هم کانون جنبش و جوشش، چند نفر جوان غریبند که اگر آنها را به اخراج از خوابگاه و محرومیت از تحصیل و تهدید و محکوم کنیم داستان تمام می‌شود. خوب! تمام این کارها را کردید، پس چرا داستان تمام نشد؟

زیرا حرکت دانشجویی گواه بر واقعیتهای بزرگتر از خویش است. ای کاش قدر آن را می‌دانستند، از پیش‌آگهیهایی که درباره تحولات دور و نزدیک می‌دهد درس می‌گرفتند و خود را با این تغییرات هماهنگ می‌کردند، در حال حاضر از هر بیست ایرانی یک نفر مستوره‌ای کوچک از مردم، که یکی از وسیع‌ترین و فعال‌ترین قشرها را تشکیل می‌دهند. در حال حاضر از هر بیست ایرانی یک نفر دانشجوست. متصدیان امور اگر پیش از این به نقش آنان به عنوان گواه فردا توجه کرده بودند اینک در چنین بحرانی قرار نداشتند.

البته این یک قاعده دو سویه است. حرکات دانشجویی هم به اندازه‌ای که از تمایلات واقعی جامعه خبر بدهند نیرومند و ریشه‌دارند، زیرا قدرت نهادهای اجتماعی در گرو پایبندی به ضرورتی است که آنها را ایجاد و ایجاب می‌کند. نسل ما آن زمان که در حرکات دانشجویی شرکت داشتیم به روشنی می‌دید که پیوند با متن جامعه تا چه حد در تواناییهایش مؤثر است. در آن زمان گرایشهای بسیاری میان دانشجویان به چشم می‌خورد. اگر انجمنهای اسلامی از همه قوی‌تر بودند به خاطر آن

بود که از واقعیتهای اجتماعی بیشتر نمایندگی می‌کردند.

بسیاری از فعالان دانشجویی امروز، گردانندگان فردای جامعه خواهند بود و این دلیلی مضاعف است تا مظهریت از واقعیتهای اجتماعی را از دست ندهند. قدرت و سرزندگی آنها در گرو این رمز است. راز موفقیت سیاستمداران نیز همین است. آنها تا اندازه‌ای که بتوانند خواستها و تمایلات جامعه را بشناسند و با آنها منطبق شوند، بلکه تجلی و گواه آنها قرار بگیرند، قادرند به کشور خود خدمت کنند، یا لااقل قدرتمند باقی بمانند. و این تصور که کسی می‌تواند به رغم گرایشهای مردم بر آنان حکومت کند بیشتر از یک توهم نیست. حتی زمانی که یک دولت موفق می‌شود با تکیه بر نیروی سرکوب موجودیتش را حفظ کند فی‌الواقع از انطباق خود با آمادگی جامعه برای تمکین در برابر زور ارتزاق کرده است، گرچه این تمکین هم تا ابد نمی‌پاید.

جامعه ما اینک شگرف‌ترین تحولات را تجربه می‌کند؛ بعد از حوادثی که چند ماه گذشته به خود دید کیست که بتواند این حقیقت را انکار کند؟ ماهیت دقیق این دگرگونی چیست؟ این بزرگترین سؤال برای ما و برای مخالفان ماست. آنان نیز اگر بدانند که چه رویداد عظیم و مبارکی در راه است، کلاه‌خودها و چوب‌دستی‌هایشان را کنار می‌گذارند و به دنبال ابزارهایی برای پرستاری از این گیاه پاک که در خاک جوانه زده است می‌روند.

در میان زیباییهای بسیاری که روزهای پیش از انتخابات را نورانی می‌کرد زیباترین پدیده جمع شدن مردمی از سلیقه‌های گوناگون گرداگرد هم بود. آنها برای آن که به این کار موفق شوند تفاوتها و تنوعهایشان را کنار نمی‌گذاشتند، بلکه به رسمیت می‌شناختند. کسی لازم نمی‌دید که برای شرکت در این یکرنگی هویت خویش را از دست بدهد و دیگری شود. در آن یگانه شدن‌ها حظی وجود داشت که فطرتهایمان می‌پسندید. آن زنجیره‌های سبز انسانی که شهرهای ما را فراگرفت نمایشی تهی از حقیقت نبود. قرار نبود بعد از آن که از پل گذشتیم به سرنوشت یکدیگر اهمیت ندهیم و جانهایمان نمی‌خواست که پس از چشیدن طعم یگانگی از نو پراکنده شویم. چنین چیزی بدون تردید نشانه‌ای از طلوع بزرگی و رشد در حیات یک ملت است.

بزرگی یک ملت در ثروتمند بودن یا قدرتمند شدن نیست؛ اینها فقط بخش کوچکی از آثار آن است. بزرگی یک ملت در عظمت جان اوست. بزرگی به آن است که بتوانیم امور ظاهراً ناسازگار را با هم داشته باشیم. خانه کوچک مکانی است فقط برای «من»، اما در خانه بزرگ برای دیگران هم جا وجود دارد. کارفرمایی که جانش کوچک بود فکر می‌کرد جز با تجاوز به حقوق کارگران نمی‌تواند مالی بیندوزد، حال آن که کارآفرین بزرگ تنها راه سود بردن را سود رساندن می‌بیند. همین گونه است تفاوت کارگر کوچک و کارگر بزرگ. به هزار دلیل تنها راه بهره‌مند شدن این است که همه با هم بهره‌مند شوند، اما کسانی که کوچکند ظرفی ندارند که در آن دیگری هم بگنجد. همچنین است تفاوت دینداری که بزرگ است و دینداری که کوچک است.

دیندار بزرگ امام صادق(ع) است که در خانه خدا می‌نشیند و با منکر خدا حکیمانه گفتگو می‌کند.

حقیقت خانه خدا همان قلب اوست که برای همگان جا دارد و برای همه حق قائل است؛ حق زیستن، حق شنیدن، حق برگزیدن، حق اشتباه کردن، حق بزرگ بودن. آری بزرگ بودند، و الّا بزرگ به کوچک چه کار دارد؟ غیردیندار را در جایگاهی می‌بیند که می‌تواند به زیباییهای دین رو کند، اگر نتوانسته است حقیقتی را بیابد احتمال درک آن را از سوی دیگری نادیده نگیرد، یا می‌تواند کوچک باشد و هرچیزی را که نچشیده است انکار کند؛ هرچیزی را که درک نمی‌کند ترک کند و بی آن که بنشیند و برای فهمیدن گوش بدهد، عقاید دیگران را بی‌اساس بخواند.

ملت ما اینک دارد نشانه‌های بزرگی خود را به نمایش می‌گذارد؛ آن تحول شگرفی که جامعه ما در تکاپوی تجربه آن است این است. البته چیزی که اهمیت دارد خود این بزرگی است و نه نشانه‌های آن. نشانه‌هایش را بازمی‌گوییم تا خود آن را باور کنیم که چونان بهار از راه می‌رسد و حیات ما را دیگرگون می‌کند؛ تا به مبارکی آن ایمان بیاوریم و از تغییراتی که ایجاد می‌کند نترسیم. این همان رشدی است که انقلاب ما به امید آن بنا نهاده شد. چندی گذشت و از آن غافل شدیم، ولی پروردگارمان غافل نشد. بذری را که سی سال پیش از این با هزار امید در خاک خود کاشته بودیم پرورش داد تا اینک که جوانه‌هایش را پیش رویمان قرار داده است.

نشانه‌های بزرگی یک ملت شبیه به صفاتی است که از یک انسان رشید انتظار می‌رود. کسی که آرمان ندارد هیچ نمی‌ارزد، اما کیست که بتواند در عین آرمان‌گرایی ارتباط خود را با واقعیتها از دست ندهد؟ یک انسان رشید؛ و یک ملت بزرگ. اگرمردم علی‌رغم تمامی صحنه‌های تلخی که در این چند ماهه دیده‌اند همچنان اجرای بدون تنازل قانون اساسی را شعار محوری خود می‌دانند به آن خاطر نیست که اگر چیز دیگری بخواهند به آنها داده نمی‌شود. تنها و تنها حکمت و واقع‌بینی مردم بود که اجازه نداد رفتار زشت حاکمان به واکنشهای عصبی و لجام‌گسیخته بیانجامد.

به عنوان مثالی دیگر صفت شجاعت را در نظر آورید. شهامتی که یک انسان رشید (مثلاً یک پدر در دفاع از دختر جوانش) نشان می‌دهد همراه با هیاهو نیست، مانع از دوراندیشی و مستلزم قبول هزینه‌های بی‌دلیل نیست، اما هول‌انگیزتر و اثرگذارتر از زور بازوی دیگران است. آیا مشابه این کیفیت را در شجاعتی که مردم ما به نمایش می‌گذارند مشاهده نمی‌کنید؟

به عنوان مثالی دیگر انعطاف یک انسان رشید به معنای وادادگی نیست، بلکه بدان معناست که او برای رسیدن به مقصود خود پر از راه‌حل‌های گره‌گشاست. در طول شش ماه گذشته هر روز روزنه‌هایی که مردم می‌گشودند بسته می‌شد و آنان هربار بدون آن که به رودررویی کشیده شوند یا آرمانشان را کنار بگذارند راه‌حل‌های جدید خلق می‌کردند.

به عنوان مثالی دیگر از صبر و متانتی که در حرکت مردم وجود دارد نگاه کنید؛ خواسته‌هایشان را چنان با حوصله‌ای زندگی می‌کنند که گویی می‌توانند صد سال آنها را زندگی کنند؛ حوصله‌ای که مخالفانشان را خسته کرده است، حوصله‌ای که از رشد حکایت می‌کند. و به عنوان مثالی دیگر انسان رشید کسی است که اعتماد به نفس دارد؛ یعنی نسبت به ارزشهای وجودی خود آگاه است. برای

زمانی طولانی ما این گونه نبودیم. سرهای ما فروافتاده بود. دو قرن وابستگی خودباوری را از ملت ما گرفته بود، تا این که انقلاب ترمیم این باروی فروریخته را آغاز کرد. ولی آیا بلافاصله به این هدف رسیدیم و عمق روح خود را از آن لطمه‌های تاریخی پاک کردیم؟

پس چرا وقتی هنرمندانمان در جهان مورد تحسین قرار می‌گرفتند متعجب می‌شدیم؟ انگاری احتمال هم نمی‌دادیم که از ایرانی هنری سر بزند، یا اگر بدبین بودیم بی‌باور به آن که ممکن است کمترین نکته قابل ستایشی در ما وجود داشته باشد به دنبال رد پای توطئه می‌گشتیم. آیا اگر یک انسان رشید هم مورد تحسین قرار گیرد این گونه واکنش نشان می‌دهد؟ یا او از فضائل خویش آگاه است، به قدری که تمجیدها نه جانش را ذوق‌زده می‌کند و نه مسیرش را تغییر می‌دهد. در چند ماه گذشته ملتها ایرانیان را بسیار ستودند، اما واکنش مردم ما را در مقابل این تحسین‌ها با گذشته مقایسه کنید تا ایمان بیاورید که جان جامعه ما دارد نشانه‌های عظمت را تجربه می‌کند.

در سند چشم‌انداز بیست ساله آمده است که ایران باید در سال ۱۴۰۴ قدرت اول منطقه باشد. آیا قرار است در آن سال ما به منطقه و جهان راست بگوییم که قدرت بزرگی هستیم یا دروغ بگوییم؟ آیا قرار است در حالی که هنوز بزرگ نشده‌ایم لباسهای بزرگ بپوشیم تا عظیم به نظر برسیم؟ آیا قرار است در سطح کشورهای منطقه طرحهای عمرانی نیمه‌کاره افتتاح کنیم، یا سفرهای شکست خورده‌مان را با امدادهای رسانه‌ای پیروزی بنامیم، یا خود را کانون دائمی جنجالها قرار دهیم، یا با تحقیر دیگران و توهین به آنان ادعای عظمت کنیم؟ یا قرار است واقعاً قدرتمند باشیم؟ این سؤال را از آن جا می‌پرسم که یک کشور تنها زمانی بزرگ است که ملتی بزرگ داشته باشد.

دعایمان مستجاب شد و ملت با تکیه بر زانوان خود به بلوغ و رشدی که شایسته او بود رسید، منتهی مشکل آن است که یک ملت بزرگ نمی‌نشیند تا در روز روشن رأیش را ببرند و هیچ نگوید. یک ملت بزرگ انتخابات درجه دو انتصابی را تحمل نمی‌کند. وقتی که یک ملت بزرگ می‌شود دیگر خدمتگزارانش اجازه ندارند به او بگویند چه باید بخورد و کجا باید برود و چه کسی را برگزیند و به چه چیز و چه کس اعتماد کند. یک ملت بزرگ از شورای نگهبان انتظار دارد آنها را قانع کند که تقلبی در انتخابات روی نداده است، نه آن که تنها یک ادعا پیش رویشان بگذارد و ادعای خود را باطل کننده انبوهی از مشاهدات و مستندات بداند.

از ما می‌خواهند که مسأله انتخابات را فراموش کنیم، گویی مسأله مردم انتخابات است. چگونه توضیح دهیم که چنین نیست؟ مسأله مردم قطعاً این نیست که فلانی باشد و فلانی نباشد؛ مسأله آنها این است که به یک ملت بزرگ بزرگی فروخته می‌شود. آن چیزی که مردم را عصبانی می‌کند و به واکنش وامی‌دارد آن است که به صریح‌ترین لهجه بزرگی آنان انکار می‌شود.

مگر نمی‌خواهید که ما نباشیم و شما باشید؟ راهش توجه به این واقعیت است؛ مردم با زید و عمرو عهد اخوت ندارند و آن کسی را بیشتر می‌پسندند که حق بزرگی آنان را کامل‌تر ادا کند. این مسأله‌ای است که توجه به آن نه فقط گره انتخابات، که هزار گره دیگر را نیز می‌گشاید. و اگر بنا باشد

حل نشود آرزو کنید که دامنه‌های مشکل در یک انتخابات، محدود بماند.

برداران ما! اگر از هزینه‌های سنگین و عملیات عظیم خود نتیجه نمی‌گیرید شاید صحنه درگیری را اشتباه گرفته‌اید؛ در خیابان با سایه‌ها می‌جنگید حال آن که در میدان وجدانهای مردم خاکریزهایتان پی‌درپی در حال سقوط است. ۱۶ آذر دانشگاه را تحمل نمی‌کنید. ۱۷ آذر چه می‌کنید؟ ۱۸ آذر چه می‌کنید؟ چشمانی را که در صحن دانشگاه به رزمایش‌های بی‌فایده افتاده و آنها را نشانه ترس یافته چگونه تسخیر می‌کنید؟ اصلاً همه دانشجویان را ساکت کردید؛ با واقعیت جامعه چه خواهید کرد؟

اینها سخنانی است که ما از روی خیرخواهی می‌گوییم و شنیده نمی‌شود. اگر می‌شنیدند راه پیروزی خیلی نزدیک می‌شد؛ آن پیروزی را می‌گوییم که عبارت از غلبه یک حزب نیست، بلکه فراگیر شدن بلوغ یک ملت است؛ آن پیروزی که انسانها را همچون جوانه‌های یک مزرعه یکی یکی و گروه گروه بزرگ می‌کند و بی آن که لازم باشد هویت خود را از دست بدهند سبز می‌کند، تا جایی که خود زندانبان از کارهایی که می‌کند خجالت بکشد.

اخیراً شنیدم بسیج دانشجویی یکی از دانشگاهها در مراسم خود برای مخالفان هم فرصت سخن گفتن قرار داده است؛ این یک شروع خوب است. یا شنیدم که در عید غدیر مخالفان مردم به یکدیگر شال سبز هدیه می‌دهند، از دیدگاهی که این همراه شما می‌نگرد این را بزرگترین عیدی است. زیرا این ما نبودیم که سبز را انتخاب کردیم، بلکه سبز بود که ما را برگزید. آیا ممکن است که این رنگ، برادران ما را نیز برگزیند؟ آری ممکن است، زیرا ذی‌جود کسی است که به حیله حیله‌زننده نگاه نمی‌کند و راه سبز شدن بر هیچ کس بسته نیست.

میرحسین موسوی

۱۳۸۸/۹/۱۵

پیوست ۱۷

بیانات مقام معظّم رهبری در جمع طلاب و روحانیون کشور

حقیقت قضیه این است؛ اما زبانی که به کار می‌برند، آن چیزی است که گفتم: ما با قانون‌شکنی مخالفیم! دولتهای قانون‌شکن باید پاسخگو باشند! ببینید، فتنه یعنی این. چه چیزی می‌تواند این توطئه را، این جریان گندابِ فاسد را از مجموعه افکار عمومی عالم جمع بکند جز روشنگری؛ و این ظلمات را بشکند. چه می‌تواند بشکند، جز چراغ و مشعل بیان حقیقت؟ ببینید چقد وظیفه، سنگین است.

در زمینه‌های مسائل دینی هم همین جور است. یکی از کارهایی که امروز دستهای فتنه‌انگیز در دنیا بجد دنبالش هستند، اختلافات مذهبی در بین مسلمانهاست. چون منطقه‌ای که مسلمانها در آن زندگی می‌کنند، منطقه حساسی است، منطقه پرفایده‌ای است، منطقه راهبردی است، منطقه نفت است و آنها به این جا احتیاج دارند؛ اسلام هم مزاحم است. پس بایستی یک جوری مشکل اسلام را برای خودشان حل کنند. یکی از راههای خوبی که پیدا کرده‌اند، ایجاد اختلاف بین مسلمانهاست؛ وسیله اختلاف هم تعصبات مذهبی. چه چیزی می‌تواند در مقابل این، ایستادگی بکند؟ بصیرت. روشنگری، تبلیغ صحیح، در دام دشمن نیفتادن. این، عرصه بین‌المللی است.

در عرصه داخلی هم همین جور. شما ملاحظه کنید یک عده‌ای قانون‌شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آن جایی که می‌توانستند، تشویق کردند ـ حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که می‌خواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند ـ زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرأت به آنها دادند؛ کاری کردند که دشمنان امام ـ آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند ـ جرأت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه، به عکس امام اهانت بکنند؛ کاری کردند که دشمن مأیوس و نومید، جان بگیرد، تشویق بشود بیاید در مقابل چشم انبوه دانشجویانی که مطمئناً اینها علاقه‌مند به امامند، علاقه‌مند به انقلابند، عاشق کار برای کشور و میهنشان و جمهوری اسلامی هستند، یک چنین اهانتی، یک چنین کار بزرگی انجام بدند. آن قانون‌شکنی‌شان، آن اغتشاش‌جویی‌شان ـ تشویقشان به اغتشاش و کشاندن مردم به عرصه اغتشاشگری ـ این هم نتایجش. این خطاها اتفاق می‌افتد، عمل خلاف انجام می‌گیرد، کار غلط انجام می‌گیرد، بعد برای این‌که این کار غلط، غلط بودنش پنهان بشود، اطراف او فلسفه درست می‌شود!

فلسفه می‌بافند؛ استدلال برایش درست می‌کنند! از ابتلائات بزرگ انسانها این است؛ همه‌مان در معرض خطریم، باید مراقب باشیم. کار خطا را می‌کنیم، بعد برای این‌که در مقابل وجدانمان، در مقابل سؤال مردم، در مقابل چشم پرسشگران بتوانیم از کار خودمان دفاع کنیم، یک فلسفه‌ای برایش درست می‌کنیم؛ یک استدلالی برایش می‌تراشیم!

خب، اینها ایجاد فتنه می‌کند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود می‌کند. شعار طرفداری از قانون می‌دهند، عمل صریحاً برخلاف قانون انجام می‌دهند. شعار طرفداری از امام می‌دهند، بعد کاری می‌کنند که در عرصه طرفداران آنها، یک چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم می‌کنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم می‌گیرند؛ بر اساس آن تصمیم عمل می‌کنند؛ تشویق می‌شوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد می‌کند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین(ع) هست: «و لکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان فهنالک یستولی الشّیطان علی اولیائه»؛ یک کلمه حق را با یک کلمه باطل مخلوط می‌کنند، حق بر اولیاء حق مشتبه می‌شود. این‌جاست که روشنگری، شاخص معیّن کردن، مایز معیّن کردن، معنا پیدا می‌کند.

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار می‌کند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهت‌گیریی علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه می‌شود. چرا متنبه نمی‌شوند؟ وقتی شنیدند که از اصلی‌ترین شعار جمهوری اسلامی ـ «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» ـ اسلامش حذف می‌شود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط می‌روند، اشتباه می‌کنند؛ باید تبری کنند. وقتی می‌بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده می‌شود، باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم. وقتی می‌بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت می‌کنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند ـ هم در زمان کنونی، هم در دوره تاریخی صد سال و دویست ساله تا حالا ـ دارند از اینها حمایت می‌کنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می‌بینند همه آدمهای فاسد، سلطنت‌طلب، از اینها حمایت می‌کند، توده‌ای از اینها حمایت می‌کند، رقاص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت می‌کند، باید متنبه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمی‌خواهیم حمایت شما را، چرا رودربایستی می‌کنند؟ آیا می‌شود با بهانه عقلانیت، این حقایق روشن را نادیده گرفت، که ما عقلانیت به خرج می‌دهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین طور خوشتان بیاید، دل خوش کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه مقابل عقل است که بمجردی که دیدید

برخلاف آن مبانی‌ای که شما ادعایش را می‌کنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگویید نه نه نه، ما نیستیم؛ بمجردی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای این‌که اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردنِ کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چه جوری دارد برنامه‌ریزی می‌کند، چه می‌خواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب می‌کنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند ـ بعضی از این آقایان یک سیلی برای انقلاب نخوردند در دروان اختناق و طاغوت ـ و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، می‌بینید که دشمنان انقلاب چطور براق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، می‌خندند؛ اینها را که می‌بینید؟ به خود بیایید، متوجه بشوید.

شما برادران سابق ما هستید. اینها کسانی هستند که بعضی از اینها، یک وقتی به خاطر طرفداری از امام مورد اهانت هم قرار می‌گرفتند. حالا ببینید که کسانی به نام اینها شعار می‌دهند، عکس اینها را روی دستشان می‌گیرند، اسم اینها را با تجلیل می‌آورند، درست نقطه مقابل، علیه امام و علیه انقلاب و علیه اسلام شعار می‌دهند و روزه‌خواری علنی در روز قدس، در ماه رمضان می‌کنند؛ اینها را می‌بینید، خب، بکشید کنار. انتخابات تمام شد. انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند؛ حالا هی ادعا کردند، فرصت هم داده شد؛ گفتیم بیایید، نشان بدهید، ثابت کنید؛ نتوانستند، نیامدند؛ تمام شد. پابندی به قانون اقتضاء می‌کند که انسان ولو این رئیس‌جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع کند. خب، معلوم است هیچ کسی نمی‌تواند بگوید این کسی که انتخاب شده، صد درصد حسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صد درصد قبح محض است؛ نه، همه حسنی دارند، قبحی دارند؛ این طرف هم حسنی دارد، قبحی دارد؛ آن طرف هم حسنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک است، معیار است. چرا اینجوری می‌شود؟ چرا؟ این، هوای نفس است.

اینها مال امروز هم نیست. کسانی که از اوائل انقلاب یادشان هست، می‌دانند؛ بعضی بودند از یاران امام، از نزدیکان امام در دهه اوّل انقلاب و در حال حیات امام، که کارشان به مقابله با امام کشید؛ کارشان به معارضه با امام کشید؛ ایستادند پای این‌که امام را به زانو دربیاورند و خطای حرکت امام(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) را ـ آن مرد بزرگ را، آن مرد الهی را ـ اثبات کنند؛ اما بعد زاویه پیدا کردند. خب، انقلاب اینها را مطرود کردو کسانی که از نزدیکان امام بودند، از یاران امام بودند، کارشان کشید به یا پناه بردن به دشمن، یا مواجه شدن با انقلاب، یا ضربه زدن به انقلاب. اینها باید عبرت باشد برای همه ما؛ باید عبرت باشد؛ باید بفهمیم.

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نمازجمعه؛ اعتقاد من به جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ اما بعضی کأنه خودشان اصرار دارند بر این‌که از نظام فاصله بگیرند. یک اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را ـ که مبارزات انتخاباتی بود ـ یک عده‌ای تبدیل کردند به مبارزه با نظام ـ

البته اینها اقلیتند، کوچکند؛ در مقابل عظمت ملت ایران صفرند، لکن به نام اینها شعار می‌دهند، اینها هم دل خوش می‌کنند به این - این باید مایه عبرت باشد. تبلیغ باید بتواند این حقایق را برای مردم و برای خود آنها روشن بکند که بفهمند دارند خطا می‌کنند و اشتباه می‌کنند.

البته این نظام، نظام الهی است؛ این نظام، نظامی است که خدای متعال لطف خود و حمایت خود را از این نظام به مرات و کرات نشان داده است؛ تجربه‌های ما از اوّل انقلاب همه‌اش همین را نشان می‌دهد. ما اگر با خدا باشیم، خدا با ماست. این کسانی که و این جهانخواران که امروز در سطح بین‌المللی با این منطقهای مغلوط و با این منطقهای مخدوش - که اشاره کردم - می‌خواهند دنیا را اداره بکنند و بر دنیا سیطره پیدا بکنند، مطمئناً به وسیله این ملت و به وسیله ملتهای مستقل، به حول و قوه الهی تودهنی خواهند خورد. اینها نه اسلام را شناختند، نه این ملت را شناختند، نه این انقلاب را شناختند، نه امام راحل عظیم‌الشأن ما را شناختند؛ نمی‌دانند با کی طرف شده‌اند. این ملت را هم نشناختند؛ این ملت، ملت مقاومی است. جوانهای ما جوانهایی هستند که به معنای حقیقی کلمه از عمق جانشان تلاش می‌کنند برای سعادت؛ سعادتی که در اسلام هست. دانشجوهای ما هم همین جورند؛ دانشجوهای ما امروز جزو برترین دانشجوها هستند؛ نه فقط از لحاظ ذهن و علم، بلکه حتی از لحاظ صفا، معنویت، ایمان؛ دانشجوهای ما خیلی خوبند. توی همین قضایا هم بارها دیده شده؛ دانشگاه بسیار آزمایش خوبی داد. در همین قضایا نشان داد که توی صحنه است، آگاه است، بیدار است. هرچه هم این ارتباط حوزه و دانشگاه، این پیوند حوزه و دانشگاه بیشتر بشود، این معنویت، این روحیات، بیشتر خواهد شد.

ما البته درخواستمان از مردم این است؛ در این قضایای اهانت به امام راحل(رضوان‌الله‌علیه)، مردم ما عصبانی شدند، خشمگین شدند؛ حق هم دارند. اعلام برائت کردند، جا هم داشت، خوب هم بود؛ لکن آرامش‌شان را حفظ کنند. از دانشجوها هم ما همین درخواست را داریم؛ آرامش را حفظ کنید. این کسانی که در مقابل شما قرار دارند، اینها کسانی نیستند که ریشه‌ای داشته باشند، بتوانند بمانند، بتوانند در مقابل عظمت این ملت و عظمت این انقلاب، مقاومت کنند؛ نه. با آرامش؛ همه کار با آرامش. اگر یک وقتی لازم بشود، خود مسؤولین، خود قانون و حافظان قانون، آنچه که وظیفه‌شان باشد، انجام می‌دهند. البته شناسایی کنند؛ خود دانشجوها موظفند در محیط دانشگاه، افرادی را که منشأ فسادند، اینها را بشناسند و دیگران را آگاه کنند. این خودش یک تبلیغ درست و صحیحی است. آگاه کنند؛ بدانند ارتباطات اینها را، جهتگیری اینها را؛ لکن همه کار با آرامش باید انجام بگیرد. در سطح جامعه، تشنج، اغتشاش، درگیری مصلحت نیست؛ این چیزی است که دشمن می‌خواهد. دشمن می‌خواهد جامعه آرام نباشد. امنیت، مهم است. دشمنان امنیت مردم دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند، کلافه بشوند، عصبانی بشوند؛ ما این را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم مردم زندگی‌شان، زندگی آرامی باشد؛ دانشجو بتواند درس بخواند؛ طلبه بتواند درس بخواند؛ دانشمند بتواند تحقیق خودش را بکند؛ صنعتگر، کشاورز، بازرگان بتوانند همه کارشان را انجام بدهند. محیط

دانشگاه هم باید محیط امنی باشند؛ جوانهای مـردم تـوی ایـن مـجموعه دانشگـاه جـمعند. مـردم می‌خواهند جوانهاشان در محیط امنی باشند. این کسانی که محیط دانشگاه را با ایـن اغـتشاشگری ناامن می‌کنند، با مردم مواجه‌اند، با مردم طرفند. البته دستگاههای قانونی هم وظایفی دارند؛ باید به این وظایف عمل کنند.

پیوست ۱۸

توضیح دفتر هاشمی رفسنجانی پیرامون سخنرانی مشهد

حضرت آیت‌الله هاشمی رفسنجانی روز گذشته درباره سخنرانی وی در جمع دانشجویان مشهد توضیحی را ارسال کرده است. در این توضیح آمده است: پس از سخنرانی آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با سه گروه از دانشجویان که در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۴ و به صورت پرسش و پاسخ در تالار آیینه آستان قدس رضوی انجام شد، بعضی از خبرگزاریها، سایت‌های اینترنتی و روزنامه‌های وابسته به یک جریان خاص در کشور و به تبع آن تقریباً همه رسانه‌های معاند نظام اسلامی با جعل و تحریف، اقدام به انتشار گزینشی آن کردند. در این میان اقدام یک خبرگزاری و بالاتر از آن سخنرانی عالی‌ترین مسؤول امنیتی کشور تأمل‌برانگیزتر است. خبرگزاری فارس به نقل از یکی از شرکت کنندگان در آن جلسه که گویا ترتیبات مصاحبه با او را نیز فراهم کرده است، با همه تلاشی که در این روزها در جهت انتشار صادقانه اخبار دارد!! در هر دو بخش، یعنی هم سؤالات و هم پاسخها علاوه بر حذف برخی از جملات و از آن رندانه‌تر، برخی کلمات مصداق بارز سانسور شده و از طرف دیگر به جای جملاتی که به مذاقش خوش نمی‌آمد، جملاتی را اضافه کرد که اگر نپذیرند دروغ گفته‌اند، باید بپذیرند که راست نگفته‌اند!! مثلاً آیت‌الله هاشمی رفسنجانی درخصوص نقش مردم در جبهه‌ها می‌گوید: «اگر داوطلبهای مردمی به میدان نمی‌آمدند، شک نکنید که ارتش و سپاه نمی‌توانستند با آن همه دشمن بجنگند.» اما نحوه اطلاع‌رسانی خبرگزاری فارس را ببینید که می‌نویسد: «اگر مردم نبودند، ارتش شکست می‌خورد.» در این جمله کلمه «سپاه» عامدانه حذف شده تا نوعی کم‌توجهی به نقش سپاه از طرف فرماندهی جنگ القا شود که می‌تواند کینه‌برانگیز باشد و از طرف دیگر کلمه «شکست» را آوردند تا نوعی ناکارآمدی ارتش نیز القا شود. یا درخصوص آقای توکلیان جمله‌ای را به نقل از ایشان به متن اضافه می‌کنند و می‌گویند: «در دانشگاه فردوسی مشهد ۵۵ درصد به آقای احمدی‌نژاد رأی دادند.» در حالی که با چندین بار بازشنوایی نوار حتی یک کلمه از این جمله در سخنرانی ایشان نیست که حمل بر اشتباه شود!! البته اختصار شیوه‌ای مرسوم در خبررسانی است، اما اضافه کردن جملات به متنی که قرار است موجز باشد، از نوادر اطلاع‌رسانی و در زمره خبرسازی است که طبیعتاً عواقب بدی بر جامعه دارد و فوری‌ترین و مخرب‌ترین دستاورد این نوع خبررسانی، متأسفانه موضع‌گیریهای وزیر اطلاعات در سخنرانی اخیرشان در جمع طلاب حوزه علمیه قم بود. از

نکات حائز اهمیت موضع‌گیری ایشان، انتساب این سخنان به نوع اندیشه معاندان نظام است که خوب است مشخص نمایند، وگرنه بیان حدیص نبوی از قول سید بن طاووس، بیان نقش مردم در مبارزه، پیروزی، تثبیت و تداوم انقلاب اسلامی، تبیین نقش مردم در دفاع مقدس، بیان جنایات انقلابهای سرخ یا کمونیستی، بیان لزوم پذیرش منطق و استدلال توسط همه جناحها و بالاتر از آن بیان روحیات مردمداری رهبری معظّم انقلاب چه سنخیتی با تلاشهای دشمنان انقلاب اسلامی از یک طرف و ضدیتی با تلاشهای دوستان و دوستداران انقلاب اسلامی دارد که عالی‌ترین مقام اجرایی امنیت کشور در مراسمی که «امنیت» محور برگزاری آن است، شرح و تفسیر سخنان رئیس مجلس خبرگان رهبری و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام را محور بحثهای خویش به عنوان موانع ثبات امنیت در کشور!! قرار می‌دهد.

-•◇• پیوست ۱۹ •◇•-

اطلاعیه دو تشکل دانشجویی مشهد
در خصوص تحریف سخنان هاشمی توسط دفتر وی

دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص سخنرانی هاشمی رفسنجانی در جمع دانشجویان در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۸۸ در مشهد مقدس نمابری را به خبرگزاریها و رسانه‌های خبری ارسال کرد که در آن علاوه بر زیر سؤال بردن خبر اعلام شده از سوی دانشجویان حاضر در جلسه از بخشهایی از سخنان وی، متن کامل این سخنرانی را نیز به روایت خود برای این خبرگزاریها ارسال کرد.

اما در پاسخ به این جوابیه دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام، جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد و جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی مشهد با صدور اطلاعیه‌ای واکنش نشان دادند.

این دو تشکل دانشجویی در این اطلاعیه با اشاره به این که دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت بدون توجه به اصل و مفهوم و رویکرد سخنان هاشمی رفسنجانی، به برخی جملات خبر ایراد گرفته است که اصولاً هیچ ارتباطی با قسمتهای اصلی سخنان وی که مورد انتقادهای فراوان قرار گرفته است ندارد، تصریح کردند: این دفتر از این طریق خواسته است تا با زیر سؤال بردن قسمت ناچیز و غیرمهم خبر، کل خبر را زیر سؤال ببرد. دانشجویان مشهدی در بخش دیگری از این اطلاعیه با بیان این که این دفتر جملاتی را به سخنان رئیس محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام اضافه کرده است، آورده‌اند: در قسمتی از نمابر دفتر رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام که به متن کامل سخنان ایشان در این جمع به روایت این دفتر اشاره دارد، آمده است که «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در پاسخ به ایشان گفتند: اگرچه اذان را گفتند و باید نماز بخوانیم، ولی بگذارید به این مسائل بپردازم. در مورد دانشگاهیان من نگفتم همه آنها مخالفند. شما خودتان دیدید که نماینده رهبری در دانشگاهها اخیراً گفته‌اند؛ هفتاد درصد دانشگاهیان به کسانی که امروز زمام امور را در دست دارند رأی نداده‌اند.» گفتنی است این دیدار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با دانشجویان در مشهد در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۸۸ برگزار شد و جالب این‌جاست که دفتر رئیس محترم مجمع تشخیص در این نمابر آورده است که ایشان در این دیدار گفته‌اند: «شما خودتان دیدید که نماینده رهبری در

دانشگاهها اخیراً گفته‌اند؛ هفتاد درصد دانشگاهیان به کسانی که امروز زمام امور را در دست دارند رأی نداده‌اند.» هرچند آقای هاشمی رفسنجانی در این جلسه چنین سخنی نگفته است اما ماجرا آنجا جالب می‌شود که بدانیم حجةالاسلام والمسلمین محمدیان رئیس نهاد نمایندگی مقام معظّم رهبری در دانشگاهها این سخنان را در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۸۸ یعنی ۷ روز بعد از این جلسه و در اجلاس شصت و دومین نشست رؤسای دانشگاههای علوم پزشکی بیان داشته‌اند و خبرگزاریهای مختلف از جمله مهر و ایلنا و سایت‌های خبری مختلف از جمله سایت منتسب به مهدی هاشمی فرزند آیت‌الله هاشمی رفسنجانی نیز در همین روز اقدام به پوشش خبر مذکور کرده‌اند.

ضمن این‌که از حجةالاسلام والمسلمین محمدیان کسب اطلاع کردیم و ایشان فرمودند که این سخنان را به هیچ عنوان قبل از این نشست در هیچ جلسه‌ای ایراد نکرده‌اند. این دو تشکل دانشجویی دانشگاههای مشهد در بخش دیگری از این اطلاعیه افزوده‌اند: در نمابر ارسالی دفتر آیت‌الله هاشمی ۵ خط متن عربی! روایت «سید بن طاووس» در این نامه گنجانده شده است، در حالی که ما به عنوان دانشجویان حاضر در این جلسه تأکید می‌کنیم که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی چنین متن عربی را در این جلسه قرائت نکرده است.

این دو تشکل دانشجویی تصریح کردند: در نامه ارسالی دفتر مجمع آن جایی که اشاره به سؤال ایوب توکلیان از هاشمی دارد، درج شده است. این در حالی است که اصلاً توکلیان در آن جلسه خود را با سمت رسمی معرفی نکرده و احتمالاً دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام این قسمت را از خبرگزاری فارس برداشته است.

دانشجویان در ادامه آورده‌اند: دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام جمله «توجه داشته باشید که صحبت از مقبولیت و کارایی حاکم است و نه مشروعیت» را به سخنان آقای هاشمی اضافه کرده و ایشان این جمله را نگفته‌اند!

همچنین جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد خواستار انتشار فایل صوتی دیدار آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با دانشجویان شدند.

پیوست ۲۰

بخشی از زندگینامه حسینعلی منتظری

حسینعلی منتظری در سال ۱۳۰۱ در شهر نجف‌آباد اصفهان متولد شد. وی پس از طی دوران تحصیلات حوزوی در نجف‌آباد به قم رفت و نزد علمای بزرگ آن زمان نظیر آیت‌الله‌العظمی بروجردی و . . . شاگردی کرد. پس از رحلت آیت‌الله‌العظمی بروجردی در اوائل سال ۱۳۴۰ نظر بسیاری از علما و اساتید حوزه علمیه متوجه آیت‌الله خمینی گردید. از جمله آیت‌الله منتظری و آیت‌الله مطهری قائل به اعلمیت ایشان بوده و زعامت آیت‌الله خمینی را به صلاح اسلام و مسلمین تشخیص دادند. با شروع نهضت توسط امام خمینی فعالیتهای سیاسی وی نیز آغاز گردید. وی در سال ۱۳۴۲ و پس از دستگیری امام به همراه تعدادی دیگر از علما و روحانیون تهران برای آزادی امام تجمع کردند. آیت‌الله منتظری در سال بعد از آن نیز با امضای نامه سرگشاده‌ای به هویدا (نخست‌وزیر وقت) [این نامه را بیش از پنجاه نفر از علما امضاء کردند که پنجمین امضاء مربوط به مقام معظّم رهبری و هفتمین امضاء اختصاص به آقای منتظری دارد] از زندانی کردن علما و دانشجویان و اصناف انتقاد کرد.

ایشان به دلیل فعالیت سیاسی و انجام سخنرانی علیه رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۵ دستگیر و در زندان قزل قلعه تهران زندانی شد و پس از آن جا به مسجدسلیمان، طبس، خلخال و سقز تبعید گردید. وی در آخرین دستگیری در سال ۱۳۵۴ به ۱۰ سال زندان محکوم شد.

مبارزات مردم به رهبری امام خمینی رژیم پهلوی را مجبور به آزادی آیت‌الله منتظری و جمع کثیری از زندانیان سیاسی کرد و وی پس از آزادی از زندان در هشتم آبان ۱۳۵۷ به قم رفت. وی در آذرماه ۱۳۵۷ در پاریس با حضرت امام دیدار و گفتگو کرد و در بهمن ۱۳۵۷ در تجمع و تحصن علما و روحانیون در دانشگاه تهران برای بازگشت امام به ایران شرکت نمود.

با پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام همواره از آیت‌الله منتظری در امور اساسی و راهبردی و نیز رفع مشکلات فقهی و تنگناهای دستگاه قضایی استفاده برده و مسؤولین مختلف را به سوی ایشان دلالت می‌دادند و بر این باور بودند که ایشان توان پاسخگویی به نیازهای فقهی ایران اسلامی پس از پیروزی را دارند. ایشان با حکم حضرت امام به عنوان امام‌جمعه تهران منسوب شد ولی در ۲۳ دی ماه ۱۳۵۹ از امامت نماز استعفا و به قم بازگشت! در سال ۱۳۶۰ ارجاعات فقهی در امور تعیین

حدود، موسیقی، تعزیرات حکومتی، حکم فرار از جبهه و . . . از امام به منتظری واگذار گردید. در پی درخواست برخی علما و تعدادی از مردم برای انتشار رساله توسط وی سرانجام در سال ۱۳۶۲ رساله علمیه خود را منتشر ساخت. ایشان که به عنوان یکی از شخصیتهای انقلابی پیرو امام ـ که در زمان طاغوت نیز در جریان مبارزات رهبر انقلاب با رژیم پهلوی حضور داشت ـ با تشکیل اوّلین دوره خبرگان رهبری، بدون مشورت امام به قائم‌مقامی رهبری برگزیده شد[۱] و نخستین بار روزنامه کیهان با مدیریت سید محمد خاتمی در دوم آذر ۱۳۶۴، خبر قائم‌مقامی را به نقل از حجةالاسلام باریک‌بین (امام جمعه قزوین) منتشر کرد.

هرچند امام خمینی به دلایلی با این مصوبه مجلس خبرگان مخالف بودند، امّا طبق منش همیشگی خود، در برابر اقدام قانونی خبرگان سکوت فرموده و دخالتی نکردند.

کم‌کم در ادامه شعار برای سلامتی حضرت امام، دعا بر قائم‌مقام رهبری نیز اضافه شد. پخش درسهای ایشان از صدا و سیما و چاپ سخنان او در روزنامه‌ها، وی را تا اعماق جامعه نفوذ داد. اما نفوذ ایشان از زمان ورود به فاز جانشینی رهبری شاهد رشد منفی بود. تلاشهای منافقین برای ترور شخصیت و ساختن جوک و نامگذاریهای غیرمنصفانه از ابتدای مطرح شدن جانشینی شدّت گرفت. اگرچه موضع‌گیریهای ایشان در اموری مثل ازدواج دختران ایرانی با پناهجویان افغان و عراقی و چیزهای ریز و درشت دیگر بی‌تأثیر نبود، و نگرانیهای امام را برانگیخت. امام جایگاه رفیع ایشان و حیثیت انقلابی آقای منتظری را خواستار بودند و حفظ ایشان را واجب مؤکد می‌دانستند. حضرت امام خمینی برای جلوگیری از بروز مشکلات بیشتر، شرایط خاصی را برای فعال‌سازی قائم‌مقام خود فراهم کردند. مسؤولین و نخبگان حوزه‌های مختلف فرهنگی، آموزشی، قضایی و نهادهای انقلابی را به ایشان ارجاع دادند و توصیه اکید و مستمر داشتند که مسؤولین دستگاههای مزبور از راهنماییهای ایشان بهره‌مند شوند و با ایشان در ارتباط باشند. امّا حضور مهدی هاشمی (برادر داماد منتظری) و نقش تأثیرگذار او در اداره دفتر ایشان و همچنین سوابق نامناسبی که داشت، زمینه انتقاد برخی از اساتید حوزه را فراهم آورد. امام خمینی در چند نوبت ملاقات با آیت‌الله منتظری، سعی کردند تا ایشان را از خطر همراهی مهدی هاشمی بر حذر دارند و تلاش نمودند تا خود شخصاً از دستگاههای ذی‌ربط بخواهد تا به اتهامات مهدی هاشمی رسیدگی و حکم شرعی و عادلانه صادر شود. امام در نامه‌ای محرمانه در ۱۲ مهر ۱۳۶۵ از ایشان خواستند، اگر بتواند خودش درخواست رسیدگی به اتهامات مهدی هاشمی داشته باشد و یا حداقل در این زمینه سکوت کند. در نامه امام به منتظری که در آن برای اوّلین بار، امام ایشان را فقیه عالی‌قدر خطاب کردند (تا این زمان ایشان یا آقای منتظری خطاب می‌شدند و یا حجةالاسلام والمسلمین) چنین مرقوم شد: «. . . احتیاج مبرمی

۱- این خود مسألهٔ قابل تأملی است که چه کسانی و با چه اهدافی بدون مشورت با حضرت امام او را به قائم‌مقامی رساندند ـ که البته عملکرد هاشمی رفسنجانی در آن رابطه بسیار شاخص است ـ این سخن بگذار تا وقت دگر!

که جمهوری اسلامی و اسلام به مثل جنابعالی دارد، انگیزه علاقه مبرم است. لهذا این حیثیت مقدس باید از هر جنبه محفوظ و مصون باشد. حفظ این حیثیت به جهات عدیده بر شما و همه ماها واجب و احتمال خدشه‌دار شدن آن نیز منجز است برای اهمیت بسیار آن.» امام در ادامه بسیار صمیمانه و خالصانه سعی در همراه کردن قائم‌مقام خود در امری کردند که صلاح دنیا و آخرتش در آن بود. امام نوشتند: «نمی‌خواهم بگویم که ایشان حقیقتاً مرتکب چیزهایی شدند، بلکه می‌خواهم عرض کنم ایشان (مهدی هاشمی) متهم به جنایات بسیار، از قبیل قتل، مباشرتاً یا تسبیباً و امثال آن می‌باشد و چنین شخصی ولو مبرا باشد، ارتباطش موجب شکستن قداست مقام جنابعالی است که بر همه حفظش واجب مؤکد است.» در ادامه نامه، امام با گلایه از اظهارنظرهای نسنجیده آقای منتظری نوشتند: «آن چه مسلم است و مایه تأسف، حسن ظن جنابعالی به اعمال و گفته‌ها و نوشته‌هاست که به مجرد وصول به شما، ترتیب اثر می‌دهید و در مجمع عمومی صحبت می‌کنید و به قوّه قضائیه و غیره سفارش می‌دهید و من از شما که دوست صمیمی سابق و حال من هستید و مورد علاقه ملت، تقاضا می‌کنم که با اشخاص صالح آشنا به امور کشور مشورت نمایید، پس از آن ترتیب اثر بدهید تا خدای نخواسته لطمه به حیثیت شما که برگشت به حیثیت جمهوری اسلامی است، نخورد.» بعد از ارسال نامه امام به منتظری به وزارت اطلاعات قم دستور داده شد که مهدی هاشمی خود را به ستاد وزارت در تهران معرفی کند.

مهدی هاشمی در بازجویی‌های خود می‌گوید: «روز آخری که قصد داشتم خود را به وزارت اطلاعات معرفی کنم، آقا (منتظری) مرا احضار کردند و گفتند امام نامه‌ای برای من نوشته‌اند و قسمتی از آن را که درباره من بود خواندند. بعد اضافه کردند که من هم یک نامه‌ای برای امام نوشتم و آن قسمتی که درباره من بود، برایم خواندند، بعد گفتند: «امام با نامه خودشان خواب را از چشمان من گرفته‌اند. من هم نامه‌ای نوشتم که خواب را از امام بگیرد.»

این آغاز جدایی بین امام و منتظری بود و از این زمان نامه‌نگاریها و تهدید و توهین‌ها به ساحت امام آغاز شد! انگ زدن به دفتر امام، ادعای حسادت ورزیدن مسؤولین به سید مهدی و این‌که او از هاشمی و رضایی بهتر و بیشتر می‌فهمد و . . .

حضرت امام که بارها می‌گفتند: «اگر احمد (فرزندشان) که از اعز اشخاص نزد من می‌باشد، دستگیر شود، من برخورد با این مسأله نخواهم کرد و از راه قانونی مسایل را دنبال می‌کنم.» خواستار رسیدگی منصفانه به پرونده مهدی هاشمی شدند.

با دستگیری مهدی هاشمی درس منتظری تعطیل شد و تلاش یاران امام برای متقاعد کردن وی به جایی نرسید. او در ۱۹ دی ۱۳۶۵ در نامه‌ای به حضرت امام می‌نویسد: «شنیده شده بنا دارند آقای سید هادی (داماد منتظری) را تبعید کنند، آقای سید هادی نزد حضرت‌عالی چه خوب چه بد، مثل فرزند من است و برای من تبعید او قابل تحمل نیست.» کم‌کم نامه‌پراکنی‌های او به امام و بیان توهین‌ها و عبارات مغرضانه در سطحی وسیعتر از مسأله مهدی هاشمی مسایل جنگ، فرماندهی

سپاه و . . . به میان کشیده شد. منتظری که زمانی خواهان تقویت سپاه و تجهیز سپاه به سلاح سنگین و آموزشهای خلبانی و هوایی شده بود، به یکباره سپاه را عامل ناتوانی نیروهای مسلح در ابتدای جنگ و اشغال کشور معرفی کرد. وی در اردیبهشت ۱۳۶۷ و در روزهای بحرانی آخر جنگ در موضع‌گیریی عجیب گفت: «ما متأسفانه در جنگ و در بسیاری از کارهای دیگر، فرصتهای زیادی را از دست دادیم. هر روز دلمان را به گزارشهای مبالغه‌آمیز نسبت به وضع خود و خرابی وضع دشمن و به شعارها و وعده‌های بی‌اساس خوش کردیم . . .» این اظهارات منتظری با واکنشهای متعددی روبه‌رو شد. حضرت امام خمینی به عنوان فرماندهی کل قوا در سوم اسفند ۱۳۶۷ با بیان این‌که ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم، بیان داشتند: «**چه کوته‌نظرند آنهایی که خیال می‌کنند، چون ما در جبهه به آرمان نهایی نرسیده‌ایم، پس شهادت و رشادت و ازخودگذشتگی و صلابت بی‌فایده است. در حالی که صدای اسلام‌خواهی آفریقا، از جنگ هشت ساله ماست.**»

با اثبات اتهامات مهدی هاشمی و اعترافات تلویزیونی او، منتظری باز هم از موضع بالا از امام می‌خواست تا مانع از اجرای حکم او شوند و استدلال می‌کرد، اعدام سید مهدی، در جبهه‌ها اثر سوء خواهد گذاشت! با اجرای حکم، فرزندان و نوادگان منتظری بدترین جسارتها را به امام می‌کردند و فاصله رهبر و جانشین هر روز بیشتر می‌شد. بویژه این‌که خبرهایی از ملاقاتهای وی با افراد مسأله‌دار (عناصر منافقین و لیبرال نهضت آزادی) می‌رسید که منجر به موضع‌گیری او بر علیه اقدام قاطع نظام و مسؤولین، پس از تجاوز مشترک ارتش عراق و منافقین به غرب کشور در عملیات مرصاد وانعکاس آن در رادیوهای بیگانه، موجبات تذکر تند امام به منتظری، در پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی را فراهم ساخت. امام خمینی در این پیام صراحتاً فرمودند: منافقین حرفهایشان را از دهان افراد ساده‌لوح می‌زنند و تهدید کردند که نظام بر سر مصلحت خود با کسی شوخی ندارد. این مداراها و دلسوزی حضرت امام راه به جایی نبرد و سخنانشان تأثیری برمخاطب خاص نداشت و سرانجام امام در ۶ فروردین ۱۳۶۸ طی نامه‌ای آیت‌الله منتظری را عزل کردند. در نامه امام آمده است: «با دلی پرخون و قلبی شکسته چند کلمه‌ای را برایتان می‌نویسم تا مردم روزی در جریان امور قرار گیرند. **شما در نامه اخیرتان نوشته‌اید که نظر تو را شرعاً بر نظر خود مقدم می‌دانم. خدا را در نظر می‌گیرم و مسائلی را گوشزد می‌کنم. از آن جا که روشن شده است که شما این کشور و انقلاب اسلامی عزیز مردم مسلمان ایران را پس از من به دست لیبرالها و از کانال آنها به منافقین می‌سپارید، صلاحیت و مشروعیت رهبری آینده نظام را از دست داده‌اید.** شما در اکثر نامه‌ها و صحبتها و موضع‌گیریهایتان نشان دادید که معتقدید لیبرالها و منافقین باید بر کشور حکومت کنند. به قدری مطالبی که می‌گفتید دیکته شده منافقین بود که من فایده‌ای برای جواب به آنها نمی‌دیدم. مثلاً در همین دفاعیه شما از منافقین تعداد بسیار معدودی که در جنگ مسلحانه علیه اسلام و انقلاب محکوم به اعدام شده بودند را منافقین از دهان و قلم شما به آلاف و الوف رساندند و می‌بینید که چه خدمت ارزنده‌ای به استکبار

کرده‌اید. **در مسأله مهدی هاشمی قاتل، شما او را از همه متدین‌تر می‌دانستید و با این‌که برایتان ثابت شده بود که او قاتل است مرتب پیغام می‌دادید که او را نکشید.** از قضایای مثل قضیه مهدی هاشمی که بسیار است و من حال بازگو کردن تمامی آنها را ندارم. شما از این پس وکیل من نمی‌باشید و به طلاّبی که پول برای شما می‌آورند بگویید به قم منزل آقای پسندیده و یا در تهران به جماران مراجعه کنند.»

حضرت امام حتی اجازه اخذ وجوهات را هم از منتظری گرفتند و البته باز هم نصیحتهایی را مطرح کردند: «**اگر شما نظر من را شرعاً مقدم بر نظر خود می‌دانید ـ که مسلماً منافقین صلاح نمی‌دانند و شما مشغول به نوشتن چیزهایی می‌شوید که آخرتتان را خراب‌تر می‌کند ـ با دلی شکسته و سینه‌ای گداخته از آتش بی‌مهری‌ها با اتکا به خداوند متعال به شما که حاصل عمر من بودید چند نصحیت می‌کنم،** دیگر خود دانید:

۱ ـ سعی کنید افراد بیت خود را عوض کنید تا سهم مبارک امام بر حلقوم منافقین و گروه مهدی هاشمی و لیبرالها نریزد.

۲ ـ از آن جا که ساده‌لوح هستید و سریعاً تحریک می‌شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید، شاید خدا از سر تقصیرات شما بگذرد.

۳ ـ دیگر نه برای من نامه بنویسید و نه اجازه دهید منافقین هرچه اسرار مملکت است به رادیوهای بیگانه دهند.

۴ ـ نامه‌ها و سخنرانیهای منافقین که به وسیله شما از رسانه‌های گروهی به مردم می‌رسید، ضربات سنگینی بر اسلام و انقلاب زد و موجب خیانتی بزرگ به سربازان گمنان امام زمان(روحی له فداه) و خونهای پاک شهدای اسلام و انقلاب گردید. **برای این‌که در قعر جهنم نسوزید خود اعتراف به اشتباه و گناه کنید، شاید خدا کمکتان کند.**» امام از مخالفت خود از همان آغاز با انتصاب منتظری به عنوان قائم‌مقام رهبری سخن به میان آوردند: «**والله قسم، من از ابتدا با انتخاب شما مخالف بودم، ولی در آن وقت شما را ساده‌لوح می‌دانستم که مدیر و مدبر نبودید ولی شخصی بودید تحصیلکرده که مفید برای حوزه‌های علمیه بودید و اگر این‌گونه کارهاتان را ادامه دهید مسلماً تکلیف دیگری دارم و می‌دانید که از تکلیف خود سرپیچی نمی‌کنم. والله قسم، من با نخست‌وزیری بازرگان مخالف بودم ولی او را هم آدم خوبی می‌دانستم. والله قسم، من رأی به ریاست‌جمهوری بنی‌صدر ندادم و در تمام موارد نظر دوستان را پذیرفتم.**» و حضرت امام(ره) در انتهای مطلب فرموده‌اند: «**از خدا می‌خواهم که به پدر پیر مردم عزیز ایران صبر و تحمل عطا فرماید و او را بخشیده و از این دنیا ببرد تا طعم تلخ خیانت دوستان را بیش از این نچشد.**»

حضرت امام در نامه‌ای به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزیران در ۲۶ فروردین ۱۳۶۸ در مورد عزل منتظری نوشتند: «همین قدر بدانید که پدر پیرتان بیش از دو سال است در اعلامیه‌ها و پیغامها تمام تلاش خود را نموده است تا قضیه به این جا ختم نگردد، ولی متأسفانه موفق نشد. از

طرفی دیگر وظیفه شرعی اقتضا می‌کرد تا تصمیم لازم را برای حفظ نظام و اسلام بگیرد. لذا با دلی پرخون حاصل عمرم را برای مصلحت نظام و اسلام کنار گذاشتم. ان‌شاءالله خواهران و برادران در آینده تا اندازه‌ای روشن خواهند شد. سفارش این موضوع لازم نیست که دفاع از اسلام و نظام شوخی‌بردار نیست و در صورت تخطی، هرکس در هر موقعیت بلافاصله به مردم معرفی خواهد شد.»
حضرت امام در تمام سالهای قبل و بعد از انقلاب جز خیر و صلاح برای وی نخواستند و همواره کوشیدند تا ایشان را برای کشور و انقلاب حفظ کنند، امّا رویدادهایی که در کشور رخ داد منجر به فاصله گرفتن بیشتر او از امام و نظام شد. رنجنامه مرحوم سید احمد خمینی (یادگار امام) گویای اتفاقات و مسائلی است که در آن زمان گذشت.

منتظری تا ارتحال حضرت امام سکوت کرد ولی از فردای رحلت امام، باب سخنرانی و تضعیف نظام، چاپ شبنامه‌ها، انتشار مکاتبات با امام، مصاحبه با رادیوهای بیگانه و زیر سؤال بردن نظام و مسؤولین برجسته نظام را ادامه داد. تا این‌که با نزدیک شدن ایام انتخابات دهمین دوره ریاست‌جمهوری و کاندیداتوری میرحسین موسوی، منتظری مورد توجه اصلاح‌طلبان قرار گرفت. بسیاری از چهره‌های اصلاح‌طلب از جمله عبدالله نوری، عمادالدین باقی، محمد قوچانی و . . . با وی دیدار و گفتگو کردند. همچنین نامه‌نگاریهایی از سوی افرادی چون میرحسین موسوی، مهدی کروبی و محسن کدیور و . . . شد. اوج سوءاستفاده اصلاح‌طلبان از او در سال ۱۳۸۸ و ماههای منتهی به انتخابات دهم و حوادث پس از انتخابات اتفاق افتاد. آنان با نزدیک شدن به وی، حمایتهایی وی را برای خود جلب نمودند.

در شرایطی که هیچ مرجعی درباره بهائیان در ایران اظهار نظر نکرده بود، منتظری در خرداد ۱۳۸۸ اعلام کرد که بهائیان ایران از حقوق شهروندی برخوردار هستند. از آن جا بود که بسیاری از اصلاح‌طلبان که در گذشته و در زمان حضرت امام مواضع تندی را علیه منتظری به کار برده بودند، با گردش ۱۸۰ درجه‌ای برای رسیدن به مقاصد شوم خود، تلاش نمودند تا از شخصیت مذهبی وی سوءاستفاده کرده و او را به عنوان مرجع دگراندیش و رهبر معنوی جنبش سبز معرفی نمایند.

منتظری نیز که با نظام اسلامی مشکل پیدا کرده بود، دیگر جایگاهی نزد امت انقلابی نداشت؛ اصلاح‌طلبان را افرادی یافت که می‌توانند، نظام را با چالش روبه‌رو کنند لذا با آنان همراه شد. منتظری در پیامی نسبت به نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری اعتراض کرد و نوشت: «متأسفانه از این بهترین فرصت بدترین استفاده شد. با اعلام نتایجی که هیچ عقل سلیمی آن را نمی‌پذیرد و بر اساس شواهد موثق تغییرات عمده‌ای در آرای مردم داده شده است و به دنبال آن در پی اعتراض برخی از اقشار مردم به این نحوه عملکرد، در جلوی چشم همین مردم که بار سنگین پیروزی انقلاب و هشت سال جنگ تحمیلی را بر دوش خود حمل نمودند و با دست خالی در برابر فرزندان این مردم و این مملکت افتاده و با شدت و خشونت کامل با زنان و مردان بی‌دفاع و دانشجویان عزیز برخورد کرده و آنها را سرکوب و مضروب و دستگیر نمودند: و اینک به دنبال تسویه حسابهای سیاسی، با

فعالان و اندیشمندان و روشنفکران برآمده و عده کثیری را که بعضاً از مسؤولین بلندمرتبه نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند بی‌جهت دستگیر و بازداشت می‌کند.»

حسینعلی منتظری همچنین در ادامه حمایتهای خود از جنبش سبز در پاسخ به نامه محسن کدیور (روحانی خارج‌نشین حامی موسوی) برخلاف نظریه سال ۱۳۵۹ خود، تأکید بر داشتن بمب اتمی و به صراحت درباره حرام بودن استفاده از بمب هسته‌ای فتوا صادر می‌کند!! وی همچنین در شهریور ۱۳۸۸ در جواب نامه کروبی و موسوی ـ از آنان که با قانون‌شکنی خود، زمینه را برای هرگونه جرم و جنایت فراهم کردند ـ حمایت کرد.

منتظری در سالروز ۱۳ آبان ۱۳۸۸، اشغال سفارت آمریکا را اشتباه خواند و در آذرماه همان سال با انتشار کتاب «المخاطرات فی‌الاصول» به زبان عربی به نقد کتابهای درس خارج فقه حضرت امام و نقد ولایت فقیه پرداخت و در اظهاراتی بیان داشت؛ امام خمینی(ره) معصوم نبودند و در کارهایشان اشتباه هم داشته‌اند.

سرانجام حسینعلی منتظری در ساعت یک بامداد یکشنبه ۲۹ آذر ۱۳۸۸ در سن هشتاد و هفت سالگی و در هنگام خواب ظاهری و باطنی در شهر قم درگذشت! فَاعْتَبِرُوا یا أُولِی الْأَبْصارِ.

پیوست ۲۱

متن قطعنامه پایانی راهپیمایی عاشوراییان در نهم دی

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

اِنَّ الحُسین مصباحُ الهُدی و سَفینةُ النِجاه

انقلاب اسلامی در ایران که معجزه بزرگ قرن و تجدید حیات اسلام نام گرفت، الهام گرفته از نهضت حضرت اباعبدالله‌الحسین(علیه‌السلام) است.

صف‌بندی و مقابله استکبار، صهیونیسم بین‌الملل و ایادی وابسته به آن در برابر این نهضت الهی همانا ناشی از ماهیت عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی انقلاب اسلامی و پیوند آن با آموزه‌های عاشورای حسینی است. نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران بر پایه ولایت فقیه که استمرار راه انبیا و امامان معصوم(علیهم‌السلام) است میراث گرانقدر معمار کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی(رحمة‌الله‌علیه) می‌باشد که افتخارات و دستاوردهای عظیم و بی‌بدیل سه دهه گذشته برای ملت سلحشور، انقلابی و غیرتمند ایران اسلامی را فراهم ساخته است و دشمنان قسم خورده همواره در کمین بوده‌اند تا در هر فرصتی از ملت بزرگ ایران اسلامی و نظام جمهوری اسلامی انتقام بگیرند، اما زهی خیال باطل که راه به جایی نخواهند برد.

در همین راستا در روز عاشورای حسینی روز حزن و اندوه و مصیبت عظمای سالار شهیدان حضرت اباعبدالله‌الحسین(علیه‌السلام) که روز عزای عمومی جهان بشریت محسوب می‌گردد و در ایران اسلامی که کانون جوشان عشق و ارادت به سرور شهیدان می‌باشد، معدودی ضد انقلاب و فتنه‌گر که مخالف امنیت، آسایش، پیشرفت، آبادانی، سربلندی و عزت مردم ایران هستند، در برخی از خیابانهای تهران با هدایت و پشتیبانی رسانه‌های بیگانه و نیز برخی قدرتهای استکباری، مقدس‌ترین ارزشهای اسلامی را نشانه گرفته و با هلهله، سوت و کف به تخریب اموال دولتی، اماکن عمومی، سنگ‌پرانی و حمل سلاحهای گرم و سرد به صفوف نمازگزاران و عزادران حسینی وحشیانه یورش برده، حتی به ساحت قرآن کریم جسارت کردند و بدین سان کارنامه ننگین وارثان یزیدیان را سیاه و سیاه‌تر نمودند.

اینک، ما شرکت کنندگان در این تجمع عظیم و تاریخی ضمن اعلام انزجار و برائت از اقدام ننگین و شرم‌آور معدودی عوامل ضد انقلاب و ضد دین با ندای توحیدی و وحدت‌آفرین «الله‌اکبر» مواضع خود را اعلام می‌نماییم:

۱ ـ اغتشاش و آشوبگری معدودی ضد انقلاب و ضد دین و حرمت‌شکن نسبت به ارزشها و آرمانهای اسلامی بیانگر عمق توطئه و فتنه علیه تمامیت ارضی، منافع ملی و نظام جمهوری اسلامی از سوی دشمنان قسم خورده به سرکردگی استکبار و صهیونیسم بین‌الملل می‌باشد. ما از همه اقشار مردم بخصوص جوانان و دانشجویان آگاه و غیور می‌خواهیم که با حفظ هوشیاری، ارتقای بصیرت انقلابی، اعتماد، اتحاد و وحدت حول محور ولایت فقیه و مقام معظّم رهبری، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای(مدظله‌العالی) نقشه‌های شوم دشمنان اسلام و نظام مقدس جمهوری اسلامی و تلاش آنان برای ایجاد شکاف و تفرقه در میان صفوف متحد و یکپارچه ملت بزرگ ایران را نقش بر آب نمایند.

۲ ـ ما در تجمع بزرگ عاشوراییان برای آخرین بار به برخی جرایانات سیاسی و اشخاص که با شکست در انتخابات با «نه» بزرگ مردم مواجه شدند و به جای تن دادن به قانون و رأی اکثریت، نمایش و بازی تقلب را به راه انداختند و زمینه‌ساز و بستری برای ساختارشکنی، هنجارشکنی و اقدامات ضد انقلابی شدند و بسیاری از اغتشاشات پس از انتخابات با سکوت، همراهی یا حمایت آنان بوده است قاطعانه هشدار می‌دهیم که اگر به صراحت از ضد انقلاب حرمت‌شکن و یزیدیان وابسته به استکبار و صهیونیسم بین‌الملل اعلام بیزاری و برائت نجویید و همچنان بر لجاجت و پیمودن راه باطل و خلاف مسیر ملت و اسلام پای‌فشاری نمایید، با خشم ملت انقلابی و غیور ایران اسلامی مواجه و برای همیشه از صحنه طرد خواهید شد.

۳ ـ ملت ایران گستاخی عوامل فتنه و ضد انقلاب را ناشی از عدم برخورد قاطع و انقلابی نهادها و دستگاههای مسؤول امنیتی، اطلاعاتی و قضایی کشور می‌داند. ما اعلام می‌کنیم اغتشاشگران و آشوبگران روز عاشورا که علیه قرآن، ارزشها و مقدسات اسلامی و نظام جمهوری اسلامی دست به توطئه زدند، مصداق بارز ضد انقلاب، مفسد فی‌الارض و محارب با خدا می‌دانیم و از نهادهای مسؤول خواهان شناسایی، محاکمه عاملان و مسببان این حرمت‌شکنی و اشدّ مجازات برای آنان هستیم.

۴ ـ ما با تقدیر و تشکر از ادقامات روشنگرانه و شجاعانه رسانه ملی در افشاگری جریان فتنه و نقش رسانه‌های وابسته به استکبار و سازمانهای جاسوسی در تحریک آشوبها، قاطعانه از دولت انقلابی می‌خواهیم از موضع اقتدار و عزّت و صلابت در روابط خود با کشورهای حامی منافقین و ضد انقلاب از جمله انگلیس و فرانسه تجدید نظر نماید.

۵ ـ ملت مسلمان و انقلابی ایران ضمن بیعت مجدد با آرمانهای والای معمار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام راحل(رحمة‌الله‌علیه) و شهیدان انقلاب اسلامی بار دیگر با نائب‌الامام، ولی امر مسلمین جهان و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای(مدظله‌العالی)، تجدید میثاق نموده و پاسداری از اصل ولایت فقیه را دفاع از ارزشهای اسلامی و فرهنگ عاشورایی سرور آزادگان جهان، حضرت امام حسین(علیه‌السلام) و اصحاب و یاران باوفایش دانسته و آمادگی خود را برای لبیک و جانفشانی در راه پاسداری از حریم مقدس ولایت اعلام می‌داریم.

پیوست ۲۲

بیانیه شماره هفده میرحسین موسوی

بسم الله الرحمن الرحیم

السلام علیک یا ابا عبدالله. انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم و ولی لمن والاکم و عدو لمن عاداکم فیالیتنی کنت معکم فافوزا فوزا عظیما.

همواره به این‌جانب و دوستان گفته می‌شد که اگر شما اطلاعیه ندهید مردم به خیابانها نخواهند آمد و آنان از اعتراضات و مطالبات خود دست برخواهند داشت و آرامش به کشور برخواهد گشت. بنده به عنوان یک همراه جنبش عظیم سبز مردمی با این نظر موافق نبودم و می‌اندیشیدم که تا اصلاحات لازم با تکیه بر اصول روشن که می‌توان آنها را از قانون اساسی استخراج کرد، صورت نگیرد، آب رفته به جوی باز نخواهد گشت.

برای مراسم عاشورای حسینی علی‌رغم درخواستهای فراوان، نه جناب حجت‌الاسلام و المسلمین کروبی اطلاعیه دادند و نه حجت‌الاسلام والمسلمین خاتمی اطلاعیه صادر کردند و نه بنده و دوستانم. با این وصف یک بار دیگر مردمی خداجوی به صحنه آمدند و نشان دادند که شبکه‌های وسیع اجتماعی و مدنی که در طول انتخابات و بعد از آن به صورت خودجوش شکل گرفته است، منتظر اطلاعیه و بیانیه نمی‌مانند. در حالی که مردم نه روزنامه همراه و مشوقی در کنار خود داشتند و نه از صدا و سیما، به عنوان رسانه‌ای ملی و بی‌طرف و منصف و عاقل بهره می‌بردند، باز همه ملتها و جهانیان شاهد بودند که در میان طوفانی از تهدیدها و تبلیغات و تکفیرها و اهانتها، عزاداران حسینی در این روز مقدس حسین حسین گویان به صورت مسالمت‌آمیز و بدون شعارهای تند روانه میدانها و مسیرهایی شدند که خود انتخاب کرده بودند و این بار نیز چون دفعات گذشته با اعمال تحریک‌آمیز مواجه شدند، خشونتهای غیرقابل باور چون زیر کردن راهپیمایان، تیراندازی نیروهای لباس شخصی که امروز هویت آنها بر کسی پوشیده نیست و روزبه‌روز پرده از چهره آنان و سرانشان کنار زده می‌شود، فاجعه‌ای را آفرید که اثرات آن به این زودی از صحنه سیاسی کشورمان رخت برنخواهد بست.

مشاهده فیلمهای تکان‌دهنده عاشورا نشان می‌دهد که اگر شعارها و حرکات جاهایی به سمت افراط غیرقابل قبول کشانده می‌شود، ناشی از به زیر انداختن افراد بی‌گناه از روی پلها و بلندیها،

تیراندازیها و آدم زیر کردن‌ها و ترورهاست. جالب آن‌که در بعضی از این فیلمها دیده شده است که مردم در پشت چهره نیروهای انتظامی و بسیجی مهاجم برادران خود را می‌بینند و در شرایط بحرانی و پر از خشم و هیاهوی آن روز سعی می‌کنند بدانها آسیبی نرسد. اگر صدا و سیما یک جو انصاف و عقل داشت می‌توانست برای تلطیف فضا و نزدیک کردن مردم به همدیگر گوشه‌ای از این صحنه‌ها را نشان دهد. ولی هیهات! جریان روزهای بعد از عاشورا و گسترش دستگیریها و دیگر تمهیدات دولتی نشان می‌دهد که مسؤولان اشتباهات گذشته را این بار در وسعت بیشتر تکرار می‌کنند و آنها می‌اندیشند سیاست ارعاب تنها راه حل است.

گیرم که چند روز با دستگیریها، خشونتها، تهدیدها و بستن دهان روزنامه‌ها و رسانه‌ها سکوت برقرار گردید، تغییر قضاوت مردم را نسبت به نظام چگونه حل می‌کنید؟ تخریب مشروعیت را چگونه جبران می‌نمایید؟ نگاه ملامت‌آمیز و متعجب همه جهانیان از این همه خشونت یک دولت به ملت خود را چگونه تغییر می‌دهید؟ با مشکلات بر زمین مانده اقتصادی و معیشتی کشور که به دلیل ضعف مفرط دولت روزبه‌روز وخیم‌تر می‌شود چه می‌کنید؟ با چه پشتوانه‌ای از کارآمدی و انسجام ملی و سیاست خارجی مؤثر، سایه قطعنامه‌ها و امتیازخواهی‌های بیشتر را در سطح بین‌الملل از سر کشور و ملتمان دور می‌کنید؟

اینان می‌اندیشند با عقب راندن نخبگان و روشنفکران و دانشگاهیان و فعالان از صحنه سیاسی خواهند توانست بدون پرداختن ریشه‌ای به مسائل امروز کشور به دیروز قبل از انتخابات برگردند؟ اما کسانی که تاریخ را خوانده‌اند و کمی با ماهیت پیچیده جوامع آشنایی دارند می‌دانند که این تفکر ناشی از یک توهم واقع گریز و پناه بردن به رویکردهای کم‌عمق و گول‌زننده است.

بنده به صراحت و روشنی می‌گویم فرمان اعدام و قتل و زندانی کروبی و موسوی و امثال ما مشکل را حل نخواهد کرد. سخنان روز چهارشنبه میدان انقلاب و قبل از آن نماز جمعه هفته پیش دانشگاه که توسط چهره‌های منتسب به نظام ایراد گردید، نتایج هر نوع اقدام تروریستی را مستقیماً به سمت کانون نشانه خواهد رفت و گره مشکل بحران کنونی را ناگشودنی خواهد ساخت. گوساله و بزغاله خواندن بخش عظیمی از جامعه و خس و خاشاک نامیدن آنان و مباح کردن خون عزاداران حسینی فاجعه‌ای است که هم اکنون توسط افرادی مشخص و صدا و سیما در جامعه رخ داده است. این چه سخنرانی است که از تریبون دولتی مردم را به جنگ با یکدیگر دعوت می‌کند و یک عده را حزب‌الله می‌نامد و عده‌ای دیگر را حزب‌الشیطان؟ بارها در یک سخنرانی کوتاه اعلام می‌کند مردم توجه کنید جنگ است! آیا این سخنان دعوت به جنگ و شورش داخلی نیست؟ با توجه به استفاده از اصطلاحات مذهبی و اشاره به آیات و روایات، این مراجع عظام و روحانیون فاضل هستند که می‌توانند بگویند با این گونه اشخاص چه می‌توان کرد؟

آنچه به بنده به عنوان یک فرد کوچک این جامعه مربوط می‌شود استقبال از هر هجمه‌ای در راه اسلام و کشور عزیزمان است و سخنان چند روز اخیر، بنده را به یاد کلام امام رحمه‌الله‌علیه می‌اندازد

که «بکشید ما را، ما نیرومندتر می‌شویم». بنده ابایی ندارم که یکی از شهدایی باشم که مردم بعد از انتخابات در راه مطالبات به حق دینی و ملی خود تقدیم کردند و خون من رنگین‌تر از آن شهدا نیست.

بنده به صراحت می‌گویم تا وجود یک بحران جدی در کشور به رسمیت شناخته نشود، راهی برای خروج از مشکلات و مسائل پیدا نخواهد شد. عدم اذعان به بحران، توجیه‌گر ادامه راه حل‌های سرکوبگرانه خواهد شد. اذعان به وضعیت بحرانی می‌تواند راه حل را نه در سرکوب که بر سر آشتی ملی قرار دهد. تهمت بی‌دینی و همراهی با قدرتهای بیگانه مستکبر و افراد بدنام و جریانهای منحوسی چون منافقین به فرض آن‌که به حذف فیزیکی تعدادی از خدمتگزاران اسلام و مردم منتهی شود ناشی از چشم بستن به ماهیت مشکلات ملی کشور است. من به عنوان یک دلسوز می‌گویم منافقین با خیانتها و جنایتهای خود مرده‌اند، شما برای کسب امتیازهای جناحی و کینه‌ورزی آنها را زنده نکنید.

من لازم می‌دانم قبل از آن‌که راه حل خودم را برای خروج از بحران مطرح سازم، بر هویت اسلامی و ملی و مخالف سلطه بیگانگان و وفادار به قانون اساسی ما و جنبش سبز تأکید نمایم. ما پیروان اباعبدالله حسین(ع) هستیم. ما شیفتگان حریتی هستیم که منادیش آن امام مظلوم بود. ما پیرو کسی هستیم که در قلمرو وسیع اسلامی ربودن خلخالی از پای یک زن را برنمی‌تابید. ما معتقد به تفسیر رحمانی از اسلام هستیم که انسانها را یا هم کیش هم می‌دانند و یا همسانانی در خلقت. نگاهی که بر کرامت ذاتی انسان باور دارد و برنمی‌تابد که ضارب او در زندان با غذایی جز شبیه غذای او نگهداری شود و یا مورد شکنجه و امثال آن قرار گیرد.

بنده و دوستان عزیزم که امروز بسیاری از آنها در زندانها محبوس هستند پای‌بندان سرسخت استقلال کشور هستیم و از این‌که بازار اسلامی ما تبدیل به یک بازار مکاره برای کالاهای بیگانه شده است رنج می‌بریم. ما بشدّت با فساد موجود که ناشی از سیاستهای سوء و عدم تدبیر است مخالفیم. ما می‌گوییم نهاد بزرگ و تأثیرگذاری چون سپاه اگر هر روز چرتکه بیاندازد که قیمت سهام چقدر بالا و پایین رفته نمی‌تواند از کشور و منافع ملی آن دفاع نماید؛ هم خود به فساد کشیده می‌شود و هم کشور را به فساد می‌کشاند. ما می‌گوییم و حاضریم در مباحثات نشان دهیم که امروز منافع و حقوق مستضعفان و کارگران و کارمندان و سایر اقشار ملت در یک فساد بزرگ در حال غرق شدن است. جنبش سبز مخالف دروغ است و آن را آفتی خانمان‌برانداز برای کشور می‌داند و از این‌رو دروغهای سیاسی و امنیتی و اقتصادی و فرهنگی و امثال آن را خطری بزرگ برای کشور می‌دانیم.

ما یک دولت و نظام صادق و رئوف و باشفقت و مبتنی بر آراء مردم می‌خواهیم که به تنوع آراء و عقاید مردم نه به شکل تهدید بلکه به صورت یک فرصت نگاه کند. ما سرک کشیدن به زندگی خصوصی مردم، تفتیش عقاید، تجسس ، بستن روزنامه‌ها و محدود کردن رسانه‌ها را مخالف دین مترقی و رهایی‌بخش خود و مخالف قانون اساسی برآمده از این دین می‌دانیم. ما ضایع کردن یک

ریال از بیت‌المال را در جهت اهداف باندی و جناحی حرام می‌دانیم و می‌گوییم که سند چشم‌انداز ملی بیست ساله که به تأیید همه ارکان نظام رسیده است امروز به یک ورق‌پاره بی‌ارزش تبدیل شده است. ما هشدار می‌دهیم که رقیبان بزرگی در منطقه با رشدهای اقتصادی دو رقمی در حال ظهور هستند و روز به روز قوی‌تر می‌شوند. در حالی که ما متأسفانه از دادن یک بودجه سالانه و نگهداشتن حسابهای ذخیره ارزی و امانت در سپرده‌های مردم و پاسخگویی در مقابل دیوان محاسبات عمومی و مجلس شورای اسلامی عاجز هستیم.

ما نه آمریکایی هستیم و نه انگلیسی. تا حال نه کارت تبریکی برای رؤسای کشورهای بزرگ فرستاده‌ایم و نه امید یاری آنها را داریم و می‌دانیم با اصالت قدرت در روابط بین‌الملل هر کشور به دنبال منافع ملی خود است و ما بیزار از کسانی هستیم که بر عرف و اعتقادات دینی و ملی ملت خود احترام نمی‌گذارند و مضحک است که به ما تهمت اهانت به قرآن، عاشورای امام حسین یا پاره کردن عکس حضرت امام قدس‌سره زده شود. مسلماً حرمت‌شکنی اگر در روز عاشورا صورت گرفته باشد مورد تأیید ما نیست. اما بدترین نوع حرمت‌شکنی را کشتن بندگان بی‌گناه و عزادار در روز عاشورا و در ماههای حرام می‌دانیم.

اما من برآنم که راه حل مشکلات پیش آمده و بحران موجود چنین است؛ وضعیت کشور امروز چون رودخانه خروشان و عظیمی است که سیلابهای تند و حوادث گوناگون باعث طغیان و گل‌آلود شدن آن شده است. راه آرام کردن این رودخانه بزرگ و روشن ساختن و زلال کردن آب آن در یک اقدام سریع و عاجل امکان‌پذیر نیست. اندیشیدن به این‌گونه راه حلها که عده‌ای توبه کنند و عده‌ای معامله کنند و بده و بستانی صورت گیرد تا این مشکل بزرگ حل شود عملاً به بیراهه رفتن است.

بنده راه حل را در روانه ساختن نهرها و چشمه‌هایی از آب روشن و شیرین به بستر این رودخانه می‌دانم که بتدریج و طی یک فرآیند تدریجی کیفیت آب و وضع رودخانه را تغییر دهد. و نیز اعتقاد دارم که هنوز دیر نشده است و نظام ما آن قدرت را دارد که در صورت تدبیر و در صورت داشتن یک نگاه احترام‌آمیز و توأم با ملاطفت به همه ملت و اقشار آن این مهم را به انجام برساند. بنده تعدادی از این راه حلها را که چون نهرها و چشمه‌هایی از آب روشن می‌تواند فضای ملی را تحت تأثیر قرار دهد و اوضاع را به سمت بهبود ببرد، بیان می‌کنم:

۱ـ اعلام مسؤولیت‌پذیری مستقیم دولت در مقابل ملت و مجلس و قوّه قضائیه به نوعی که از دولت حمایتهای غیرمعمول در مقابل کاستیها و ضعفهایش نشود و دولت مستقیماً پاسخگوی مشکلاتی باشد که برای کشور ایجاد کرده است. به یقین اگر دولت کارآمد و محق باشد خواهد توانست جواب مردم و مجلس را بدهد و اگر بی‌کفایت و ناکارآمد بود مجلس و قوّه قضائیه در چارچوب قانون اساسی با او برخورد خواهند کرد.

۲ـ تدوین قانون شفاف و اعتمادبرانگیز برای انتخاباتها به نوعی که اعتماد ملت را به یک رقابت آزاد و منصفانه و بدون خدعه و دخالت قانع سازد. این قانون باید شرکت همه ملت را علی‌رغم تفاوت

در آراء و اندیشه‌ها تضمین کند و جلوی دخالتهای سلیقه‌ای و جناحی دست‌اندرکاران نظام را در همه سطوح منتفی سازد. مجالس اوّلیه انقلاب می‌تواند به عنوان الگویی مورد توجه قرار گیرند.

۳ـ آزادی زندانیان سیاسی و احیاء حیثیت و آبروی آنها. بنده یقین دارم که این اقدام نه به ضعف که به درایت نظام تعبیر خواهد گشت و نیز آگاهیم که جریانهای سیاسی منحطی با این راه حل مخالف هستند.

۴ـ آزادی مطبوعات و رسانه‌ها و اجازه نشر مجدد روزنامه‌های توقیف شده جزء ضروریات روند بهبود است. ترس از آزادی مطبوعات باید از بین برود و تجربیات جهانی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد. گسترش کانالهای ماهواره‌ای و اهمیت یافتن آنها و تأثیرگذاری قاطع این رسانه که بخوبی ناکافی بودن روشهای قدیمی و محدودیت صدا و سیما را می‌رساند. پارازیتها و محدودیتهای اینترنتی می‌تواند برای مدت کوتاهی اثرگذار باشد. تنها راه چاره داشتن رسانه‌هایی متنوع و آگاه و آزاد در داخل کشور است. آیا زمان آن نرسیده است که با اقدامی شجاعانه و ناشی از اعتماد به متفکران و نیروهای خلاق جامعه، نگاهها را از آن سوی مرزها به شکوفایی خلاقیت سیاسی و فرهنگی و اجتماعی داخلی برگردانیم؟

۵ـ به رسمیت شناختن حقوق مردم برای اجتماعات قانونی و تشکیل احزاب و تشکلها و پایبندی به اصل ۲۷ قانون اساسی. اقدام در این زمینه که می‌تواند با درایت و همکاری همه علاقه‌مندان به کشور صورت گیرد در طول چند ماه می‌تواند فضایی توأم با دوستی و محبت ملی را جایگزین درگیری سازمان بسیج و نیروهای امنیتی با مردم و یا درگیری مردم با مردم نماید.

به بندهای فوق پیشنهادات دیگری نیز می‌توان اضافه کرد. به نظر بنده حتی یک جوی کوچک زلال در این بین می‌تواند مغتنم باشد. ضرورتی ندارد همه بندها باهم شروع شود. مشاهده عزم در این راه به روشنی افق کمک خواهد کرد و کلام آخر آن‌که همه این پیشنهادات بدون نیاز به توافق‌نامه و مذاکره و داد و ستدهای سیاسی و از موضع حکمت و تدبیر و خیرخواهی می‌تواند اجرایی شود.

-•◆ پیوست ۲۳ ◆•-

اطلاعیهٔ وزارت اطلاعات

متن کامل این اطلاعیه به این شرح است: «حوادث تأسف‌باری که در چند ماه اخیر در منظر ملت ایران اتفاق افتاد، موجب سوء استفاده دشمنان اسلام و ملت ایران از بستر به وجود آمده توسط عده‌ای از عناصر بازی خورده و وابسته به بیگانه بود که کام عموم ملت را تلخ و دشمنان را خشنود کرد. در جمهوری اسلامی ایران که از پشتوانه مردمی و اقتدار کامل برخوردار است، خوابهایی مانند انقلاب مخملی و براندازی نرم توسط دشمنان، هرگز تعبیر نخواهد شد و راه به جایی نخواهد برد.

وزارت اطلاعات براساس سیاست کلان نظام اسلامی مبنی بر دادن فرصت کافی برای تمییز حق از باطل، کنار رفتن غبارهای فتنه و جدا شدن عناصر فریب‌خورده از صف فتنه‌انگیزان و اغتشاشگران، تاکنون در این زمینه با مدارا برخورد کرده است و در مقاطع مختلف، هشدار متعددی به سران فتنه و عناصر مرتبط با این‌گونه اقدامات ساختارشکنانه داده، اما اگرچه مردم کاملاً صف خود را از این عده اندک جدا کرده‌اند و از اقدامات زشت آنها، اعلام بیزاری و برائت نموده‌اند، ولی متأسفانه برخی از این مدعیان، با لجاجت و غرض‌ورزی، در حال ضربه زدن به میراث گرانبهای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و ثمره خون شهیدان بوده و راهی را برگزیدند که همسو با اهداف شوم بیگانگان و هم‌جهت با خطادهی گروهکهای ضد انقلاب و الحادی می‌باشد، به طوری که اقدامات آنها نه تنها موجبات وهن کشور شده و هیچ شباهتی به شؤون و شخصیت ملت بزرگ ایران ندارد، بلکه مقدس‌ترین ارزشهای اسلامی که در عمق قلب و جان مردم جای دارد یعنی عاشورای حسینی و اصل مترقی ولایت فقیه که ریشه در اعتقادات دینی ملت بزرگوار ایران دارد نیز از آنان در امان نمانده و اسائه ادب را به جایی رساندند که مراجع معظّم، نخبگان و تمامی ملت را به خروش درآورده که از مسؤولین کشور می‌خواهند تا با فتنه‌گران به طور قاطعانه برخورد شود. از این‌رو، وزارت اطلاعات با توجه به اطلاعات موثقی که از ارتباطات برخی از فتنه‌گران با بیگانگان و گروهکهای ضد انقلاب دارد، مجدداً و به عنوان اتمام حجت، هشدار می‌دهد تا فریب‌خوردگان بیش از این بازیچه دست بیگانگان که به دنبال سلطه مجدد بر کشور هستند و مردم شریف ایران خاطرات تلخی از آنها دارند، نشده و در فرصت محدود باقیمانده راه خود را از آنها جدا کنند در غیر این صورت بدون هیچ‌گونه مماشاتی، برخورد قانونی با آنان صورت خواهد گرفت.

با توجه به اقدامات سربازان گمنام آقا امام زمان(عج) در وزارت اطلاعات در آینده نزدیک، اطلاعات مهمی در مورد نقش گروهکهای ضد انقلاب، اشرار و بیگانگان و فتنه‌گران در اغتشاشات اخیر به اطلاع ملت شریف ایران رسانده خواهد شد.

همان‌گونه که با تدبیر آن عارف سالک خمینی کبیر(ره) اطلاعات ۳۶ میلیونی در آن مقطع تاریخی در مقابله با ضد انقلاب و بیگانگان به میدان آمد و به رسالت خویش عمل نمود، امروز نیز اطلاعات هفتاد میلیونی نقش تأثیرگذار خود در مقابله با فتنه‌گران را به اثبات خواهد رساند، لذا از امت هوشیار و وفادار انقلاب اسلامی می‌خواهیم همچون گذشته هرگونه اطلاعات و مستندات اعم از فیلم و عکس از فتنه‌انگیزان و آشوبگران حوادث اخیر را به ستاد خبری وزارت اطلاعات (تلفن ۱۱۳) ارائه نمایند.

-•◆• پیوست ۲۴ •◆•-

پاسخ آیت‌الله علم‌الهدی به میرحسین موسوی

جناب آقای مهندس میرحسین موسوی

علی‌رغم این‌که بنا دارم به انبوه فحاشیها و دشنامهایی که در سایتهای مختلف هواداران شما و مطبوعات وابسته نثار بنده می‌شود پاسخی ندهم ولی چون چند جمله در ارتباط با سخنرانی در روز چهارشنبه گذشته در میدان انقلاب در بیانیه شما ملاحظه کردم فکر کردم خاطر شما را به نکات ذیل معطوف نمایم.

۱ـ شما این بیانیه را با سلام به ابی‌عبدالله شروع کرده و نمی‌دانم مقصودتان کدام ابی‌عبدالله است اگر مقصود شما اباعبدالله الحسین(ع) است باید عرض کنم این بیانیه شما در ابتدا دچار یک پارادوکس است شما به اباعبدالله الحسین سلام داده‌اید و تصریح فرموده‌اید: حرب لمن حاربکم و در همان سطور اوّلیه افرادی که علی رئوس‌الاشهاد نشان داده شدند پرچم مشکی مثلث که بر روی آن نوشته شده بود یا حسین شهید دور سر چرخاندند و در آتش انداختند و اعلام حرب با حسین نمودند آنها را مردم خداجوی خواندید آیا این اظهار شما شبیه آن نیست که در عصر تاسوعا وقتی عمر سعد به لشکر خود فرمان یورش به طرف سیدالشهداء(ع) داد آنها را خیل‌الله نامید و فریاد زد: «یا خیل‌الله ارکبی و با الجنه ابشری» (ای لشکر خدا سوار شوید به بهشت شما را بشارت باد).

۲ـ شما فرمودید بنده از بلندگوی دولتی صحبت کردم یقیناً حدود دو میلیون و پانصد هزار مخاطب بنده هم در آن روز به نظر شما جمعیت دولتی بودند و حبذا به دولتی که این همه جمعیت دارد.

شما فرمودید: بنده مردم را به جنگ با یکدیگر دعوت کردم به این‌که یک عده را حزب‌الله و یک عده را حزب‌الشیطان نامیدم این اشکال شما قبل از این‌که به بنده وارد باشد به خدا وارد است که در قرآن در زمان پیغمبر امت اسلام را که به مراتب محدودتر از جمعیت این کشور بوده‌اند به حزب‌الله و حزب‌الشیطان تقسیم کرده است. چون در مورد حزب‌الله در آیه ۵۶ سوره مائده که خداوند می‌فرماید: «و من یقول‌الله و رسوله والذین امنوا فان حزب‌الله هم الغالبون» حزب‌الله را پذیرای ولایت خدا و رسول و کسانی که ایمان آورده‌اند (که مقصود از الذین امنوا الذین آمنوا در آیه قبل است که به اتفاق سنی و شیعه بر امیرالمؤمنین(ع) تطبیق شده) معرفی می‌کند که این ولایت‌پذیران در امت اسلامند و

در آیه ۱۹ سوره مبارکه مجادله می‌فرماید: «استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکرالله اولئک حزب‌الشیطان الا ان حزب‌الشیطان هم الخاسرون» (شیطان بر آنها مستولی شد و یاد خدا را به آنها فراموشاند آنها حزب شیطانند) آنها که مرجع ضمیر هم در علیهم و انساهم هستند در آیه ۱۴ همین سوره مشخص شده‌اند که می‌فرماید: «الم تر الی الذین تولوا قوماً غضب الله علیهم ما هم منکم و لا منهم و یحلفون الکذب و هم یعلمون» (آیا نمی‌بینی کسانی که دوستی ورزیدند با گروهی که خدا بر آنها غضب کرده است در حالی که این افراد نه از شمایند و نه از آنها به دروغ قسم می‌خورند و از دروغ خود آگاهند) که مقصود بخشی از امت اسلام بودند که منافق شدند و با یهود همدست گردیدند پس به گفته شما خداوند در این جا با تقسیم امت به حزب‌الله و حزب‌الشیطان آنها را به جنگ داخلی واداشته است.

۳ـ شما نقد فرموده‌اید که چرا بنده بخشی از جامعه را بزغاله و گوساله نامیدم این تعبیر را خداوند در قرآن در دو آیه عنوان فرموده است یکی در آیه ۱۷۹ سوره مبارکه اعراف: «و لقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون» در این آیه کسانی که دل دارند و فهم ندارند چشم دارند و بصیرت ندارند به چهارپایان تشبیه شده‌اند آیا کسانی که قدرت فهم امتیاز اصل مترقی ولایت فقیه را ندارند و با آن دشمنی می‌ورزند و شعار علیه آن می‌دهند مصداق این اشخاص نیستند آیه دوم در سوره مبارکه فرقان آیه ۴۳ و ۴۴ می‌فرماید: «ارایت من اتخذ الهه هواه افانت تکون علیه و کیلا ام تحسب ان اکثرهم یسمعون او یعقلون ان هم الا کالانعام بل هم اضل سبیلا» در این آیه هم کسانی که هوای نفس خود را معبود خود قرار دهند به انعام و چهارپایان تشبیه شده‌اند آیا کف و سوت‌زنهای روز عاشورای حسینی با آن قیافه‌های منکر مصداق این اشخاص نیستند.

۴ـ شما فرمودید به این‌که بنده گفتم «مردم توجه کنند جنگ است» مردم را به جنگ و شورش داخلی دعوت کردم من این سخن را از خود نگفتم بنده پیرو ولی‌فقیه زمان رهبر عظیم‌الشأن حکیم هستم که از ابتدای این غائله اعلام فرمودند این حرکت برنامه‌ریزی شده دشمن جنگ نرم است البته از افرادی که ضد ولی‌فقیه‌اند انتظار نداریم این اعلام مقام ولایت را بپذیرند و قبول کنند.

۵ـ شما در این‌که حقیر از آیات و روایات و اصطلاحات مذهبی در استناد مطالب خود استفاده کردم بنده را به برخورد مراجع عظام و روحانیون فاضل تهدید فرموده‌اید، اوّلاً از شما تقدیر می‌کنم که در حوزه‌ای که تخصص نداشتید وارد نشدید و مقصود شما از روحانیون فاضل نمی‌دانم چه کسانی هستند اما مراجع عظام که فرمان و نظرشان بالای سر و چشم ماست شاگردان امام بزرگوار رضوان‌الله‌تعالی علیه‌اند. بنده در مورد «بغی» که حرکت شما را مصداق آن معرفی کردم به آیه شریفه قرآن و تفسیر لغوی بغی به وسیله راغب اصفهانی در کتاب مفردات استناد کردم که کتاب مفردات در لغت معنی قرآن از نظر تمام فرق اسلامی حجت و نص است. آیات و توقیع شریف امام زمان به اسحاق‌بن یعقوب که مستند اصل ولایت فقیه معرفی نمودم دقیقاً منطبق با استناد و استدلال استاد

الفقهاء و المراجع امام رحمةاللهعلیه در بحث ولایت فقیه در کتاب البیع است.

محارب بودن اغتشاشگران روز عاشورا مستند به حکم امام رحمةاللهعلیه درباره منافقین در هنگام عملیات مرصاد بوده است طبیعی است آنهایی که فکر کردید با بنده برخورد کنند باید درحقیقت با خدا در آیه ۴۲ سوره مبارکه شورا برخورد کنند و یا با امام راحل بزرگوار در کتاب البیع.

خاتمه: تمام سخن در یک کلمه: جناب آقای موسوی «ان ربک لبالمرصاد».

والسلام علی من اتبع الهدی

۱۷ محرم ۱٤۳۱ ـ سیداحمد علم‌الهدی

پیوست ۲۵

بیانات مقام معظّم رهبری در دیدار با مردم قم در سالگرد قیام ۱۹ دی

بسم الله الرّحمن الرّحیم

هر سال نوزدهم دی را همهٔ ملت ایران، بخصوص مردم عزیز و بابصیرت قم، همچون یک مقطع تاریخی گویا و زباندار، به رخ مستکبران عالم می‌کشند. جا هم دارد؛ حقیقتاً هم حادثه‌ای مثل نوزدهم دی، به رخ دشمن کشیدنی است. این حادثه از ابعاد مختلفی قابل توجه و تأمل است: هم بصیرت در این حادثه موج می‌زند، هم موقع‌شناسی، هم دشمن‌شناسی، هم مجاهدت و اقدام و فداکاری؛ اینها ابعاد این حادثهٔ عظیمی است که در نوزدهم دی سال ۱۳۵۶ ـ یعنی سی و دو سال قبل ـ به وقوع پیوسته است. از طرف دیگر، همین حادثه، مبدأ یک تحول، یک حرکت، یک جریان عظیم و جهتداری در ملت ایران شد. پس حادثه، حقیقتاً حادثهٔ مهمی است. آن روز هم تأثیر گذاشت؛ امروز هم که شما یاد آن حادثه را و یاد شهدای روحانی و غیرروحانی آن حادثه را گرامی می‌دارید، باز تأثیر می‌گذارد؛ درس می‌دهد، بصیرت می‌دهد و جهت حرکت را به ما نشان می‌دهد.

روزهای سال، به طور طبیعی و به خودی خود همه مثل همند؛ این انسانها هستند، این اراده‌ها و مجاهدتهاست که یک روزی را از میان روزهای دیگر برمی‌کشد و آن را مشخص می‌کند، متمایز می‌کند، متفاوت می‌کند و مثل یک پرچمی نگه می‌دارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا ـ دهم محرم ـ فی نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حسین‌بن علی(ع) است که به این روز جان می‌دهد، معنا می‌دهد، او را تا عرش بالا می‌برد؛ این مجاهدتهای یاران حسین‌بن علی(ع) است که به این روز، این خطورت و اهمیت را می‌بخشد. روز نوزدهم دی هم همین جور است، روز نهم دیِ امسال هم از همین قبیل است. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمند که ناگهان با یک حرکت ـ که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دیِ قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاستهٔ از بصیرت است، از دشمن‌شناسی است، از وقت‌شناسی است، از حضور در عرصهٔ مجاهدانه است ـ روز نهم دی را هم متمایز می‌کنند.

مطمئن باشید که روز نهم دیِ امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم یک روز متمایزی شد. شاید به یک معنا بشود گفت که در شرائط کنونی ـ که شرائط غبارآلودگی فضاست ـ این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر می‌کند، دست خدای متعال را،

دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین‌بن علی(ع) را می‌بیند. این کارها کارهایی نیست که با ارادهٔ امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همان طور که امام در یک موقعیت حساسی ـ که من بارها این را نقل کرده‌ام ـ به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذِ بابصیرت، آن مرد خدا. در شرائط فتنه، کار دشوارتر است؛ تشخیص دشوارتر است. البته خدای متعال حجت را همیشه تمام می‌کند؛ هیچ وقت نمی‌گذارد مردم از خدای متعال طلبکار باشند و بگویند تو حجت را برای ما تمام نکردی، راهنما نفرستادی، ما از این جهت گمراه شدیم. در قرآن مکرر این معنا ذکر شده است. دست اشارهٔ الهی همه جا قابل دیدن است؛ منتها چشم باز می‌خواهد. اگر چشم را باز نکردیم، هلال شب اوّل ماه را هم نخواهیم دید؛ اما هلال هست. باید چشم باز کنیم، باید نگاه کنیم، دقّت کنیم، از همهٔ امکاناتمان استفاده کنیم تا این حقیقت را که خدا در مقابل ما قرار داده است، ببینیم.

مهم این است که انسان این مجاهدت را بکند. این مجاهدت به نفع خود انسان است؛ خدای متعال هم در این مجاهدت به او کمک می‌کند. نوزده دیِ مردم قم در سال ۱۳۵۶ از این قبیل بود، نهم دیِ امسالِ آحاد مردم کشور ـ که حقیقتاً این حرکت میلیونی فوق‌العادهٔ مردم حرکت عظیمی بود ـ از همین قبیل است و قضایای گوناگونی که ما در طول انقلاب از این چیزها کم نداشتیم. این مجاهدت، راه را به ما نشان می‌دهد.

ببینید در جنگ صفین، امیرالمؤمنین در مقابل کفار که قرار نداشت؛ جبههٔ مقابل امیرالمؤمنین جبهه‌ای بودند که نماز هم می‌خواندند، قرآن هم می‌خواندند، ظواهر در آنها محفوظ بود؛ خیلی سخت بود. کی باید این جا روشنگری کند و حقائق را به مردم نشان دهد؟ بعضیها حقیقتاً متزلزل می‌شدند. تاریخ جنگ صفین را که انسان می‌خواند، دلش می‌لرزد. در این صف عظیمی که امیرالمؤمنین به عنوان لشکریان راه انداخته بود و تا آن منطقهٔ حساس ـ در شامات ـ در مقابل معاویه قرار گرفته بود، تزلزل اتفاق می‌افتاد؛ بارها این اتفاق افتاد؛ چند ماه هم قضایا طول کشید. یک وقت خبر می‌آوردند که در فلان جبهه، یک نفری شبهه‌ای برایش پیدا شده است؛ شروع کرده است به این‌که آقا ما چرا داریم می‌جنگیم؟ چه فایده دارد؟ چه، چه. این جا اصحاب امیرالمؤمنین ـ یعنی درواقع اصحاب خاص و خالصی که از اوّل اسلام با امیرالمؤمنین همراه بودند و از امیرالمؤمنین جدا نشدند ـ جلو می‌افتادند؛ از جمله جناب عماریاسر (سلام‌الله‌علیه) که مهمترین کار را ایشان می‌کرد. یکی از دفعات عماریاسر ـ ظاهراً عمار بود ـ استدلال کرد. ببینید چه استدلالهایی است که انسان می‌تواند همیشه اینها را به عنوان استدلالهای زنده در دست داشته باشد. ایشان دید یک عده‌ای دچار شبهه شده‌اند؛ خودش را رساند آن جا، سخنرانی کرد. یکی از حرفهای او در این سخنرانی این بود که گفت: این پرچمی که شما در جبههٔ مقابل می‌بینید، این پرچم را من در روز احد و بدر در مقابل رسول خدا دیدم ـ پرچم بنی‌امیه ـ زیر این پرچم، همان کسانی آن روز ایستاده بودند که امروز هم ایستاده‌اند؛ معاویه و عمروعاص. در جنگ احد، هم معاویه، هم عمروعاص و دیگر سران بنی‌امیه در مقابل پیغمبر قرار داشتند؛ پرچم هم

پرچم بنی‌امیه بود. گفت: اینهایی که شما می‌بینید در زیر این پرچم، آن طرف ایستاده‌اند، همینها زیر همین پرچم در مقابل پیغمبر ایستاده بودند و من این را به چشم خودم دیدم. این طرفی که امیرالمؤمنین هست، همین پرچمی که امروز امیرالمؤمنین دارد - یعنی پرچم بنی‌هاشم - آن روز هم در جنگ بدر و احد بود و همین کسانی که امروز زیرش ایستاده‌اند، یعنی علی‌بن ابی‌طالب و یارانش، آن روز هم زیر همین پرچم ایستاده بودند. از این علامت بهتر؟ ببینید چه علامت خوبی است. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند، در یک جبهه. پرچم، همان پرچم جنگ احد است؛ آدمها همان آدمهایند در جبههٔ دیگر، در جبههٔ مقابل. فرقش این است که آن روز آنها ادعا می‌کردند و معترف بودند و افتخار می‌کردند که کافرند، امروز همانها زیر آن پرچم ادعا می‌کنند که مسلمند و طرفدار قرآن و پیغمبرند؛ اما آدمها همان آدمهایند، پرچم هم همان پرچم است. خوب، اینها بصیرت است. این قدر که ما عرض می‌کنیم بصیرت بصیرت، یعنی این.

از اوّل انقلاب و در طول سالهای متمادی، کی‌ها زیر پرچم مبارزهٔ با امام و انقلاب ایستادند؟ آمریکا در زیر آن پرچم قرار داشت، انگلیس در زیر آن پرچم قرار داشت، مستکبرین در زیر آن پرچم قرار داشتند، مرتجعین وابستهٔ به نظام استکبار و سلطه، همه در زیر آن پرچم مجتمع بودند؛ الان هم همین جور است. الان هم شما نگاه کنید از قبل از انتخابات سال ۸۸، در این هفت هشت ماه تا امروز آمریکا کجا ایستاده است؟ انگلیس کجا ایستاده است؟

خبرگزاریهای صهیونیستی کجا ایستاده‌اند؟ در داخل، جناحهای ضد دین، از توده‌ای بگیر تا سلطنت‌طلب، تا بقیهٔ اقسام و انواع بی‌دین‌ها کجا ایستاده‌اند؟ یعنی همان کسانی که از اوّل انقلاب با انقلاب و با امام دشمنی کردند، سنگ زدند، گلوله خالی کردند، تروریسم راه انداختند. سه روز از پیروزی انقلاب در بیست و دوی بهمن گذشته بود، همین آدمها با همین اسمها آمدند جلوی اقامتگاه امام در خیابان ایران، بنا کردند شعار دادن؛ همانها الان می‌آیند توی خیابان، علیه نظام و علیه انقلاب شعار می‌دهند! چیزی عوض نشده. اسمشان چپ بود، پشت سرشان آمریکا بود؛ اسمشان سوسیالیست بود، لیبرال بود، آزادی‌طلب بود، پشت سرشان همهٔ دستگاههای ارتجاع و استکبار و استبداد کوچک و بزرگ دنیا صف کشیده بودند! امروز هم همین است. اینها علامت است، اینها شاخص است؛ و مهم این است که ملت این شاخصها را می‌فهمد؛ این چیزی است که انسان اگر صدها بار شکر خدا را بکند، حقش را به جا نیاورده است؛ سجدهٔ شکر کنیم.

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه می‌کنند به صحنه، می‌شناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض می‌کنم روز نه دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ می‌ترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمر و بکر را می‌کشند جلو، بمباران تبلیغاتی می‌کنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن

حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که می‌جوشد، یک وقتی هم دندان روی جگر می‌گذارند، صبر هم می‌کنند، باید هم بکنند؛ اما یک وقت هم آن جایی که وقت حضور در صحنه است، می‌آیند توی صحنه.

تحلیل حوادث جاری کشورمان تحلیلی نیست که از حوادث عام جدا باشد. حوادث عالم، حوادث منطقه، اینها به هم متصل است. بخشی هم مربوط به کشور ماست، که البته آن بخش اصلی و اساسی است. علت هم این است که استکبار لنگی کار خود را از این جا می‌بیند؛ و این نشان می‌دهد که یک ملت و یک مجموعهٔ انسانی چه نقشی می‌تواند ایفاء کند. اینی که امام بزرگوار ما هی خطاب می‌کرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. یک ملت وقتی بیدار می‌شود، این جور می‌تواند همهٔ محاسبات استکبار را به هم بریزد. کارخانه‌ای که آنها درست کردند، خط تولیدی که برای به ثمر رساندن اهداف استکباریِ خودشان به وجود آوردند،این خط تولید را بیداری یک ملت این جور کُند یا متوقف می‌کند. اگر همهٔ ملتهای مسلمان بیایند توی میدان، چه می‌شود! اگر همهٔ ملتهای مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند، چه اتفاقی در دنیا می‌افتد! از این می‌ترسند. می‌خواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملتهای دیگر نرسد. می‌خواهند کاری کنند که ملتهای دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت یک ملت در حوادث عالم چقدر است.

یک نکته را هم به جوانان عزیز انقلابی، به فرزندان عزیز انقلابی خودم، به فرزندان بسیجی ـ از زن و مرد ـ عرض بکنم: جوانان از اطراف و اکناف کشور، از آنچه که تهتّک بیگانگان از ایمان دینی به گوششان می‌خورد یا با چشمشان می‌بینند، عصبانی هستند؛ وقتی می‌بینند روز عاشورا چگونه یک عده‌ای حرمت عاشورا را هتک می‌کنند، حرمت امام حسین را هتک می‌کنند، حرمت عزاداران حسینی را هتک می‌کنند، دلهاشان به درد می‌آید، سینه‌هاشان پر می‌شود از خشم؛ البته خوب، طبیعی هم هست، حق هم دارند؛ ولی می‌خواهم عرض بکنم جوانهای عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هرگونه کار بی‌رویه‌ای، کمک به دشمن است. این جا جوانها تلفن می‌کنند ـ می‌فهمم من، می‌خوانم، غالباً تلفنها و نامه‌ها را خلاصه می‌کنند، هر روز می‌آورند، من نگاه می‌کنم ـ می‌بینم همین‌طور جوانها گله‌مند، ناراحت و عصبانی؛ گاهی هم از بنده گله می‌کنند که چرا فلانی صبر می‌کند؟ چرا فلانی ملاحظه می‌کند؟ من عرض می‌کنم؛ در شرائطی که دشمن با همهٔ وجود، با همهٔ امکاناتِ خود در صدد طراحی یک فتنه است و می‌خواهد یک بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاههای مسؤولی وجود دارند، قانون وجود دارد؛ برطبق قانون، بدون هیچ‌گونه تخطی از قانون، بایستی مُرّ قانون به صورت قاطع انجام بگیرد؛ اما ورود افرادی که شأن قانونی و سمت قانونی و وظیفهٔ قانونی و مسؤولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب می‌کند. خدای متعال به ما دستور داده است: «و لا یجر منّکم شنئان قوم علی ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتّقوی»[1]. بله، یک عده‌ای دشمنی

۱– سورهٔ مائده: آیهٔ ۸ (و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که آن به

می‌کنند، یک عده‌ای خباثت به خرج می‌دهند، یک عده‌ای از خباثت‌کنندگان پشتیبانی می‌کنند ـ اینها هست ـ اما باید مراقب بود. اگر بدون دقّت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بی‌گناهانی که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال می‌شوند؛ این نباید اتفاق بیفتد. من برحذر می‌دارم جوانهای عزیز را، فرزندان عزیز انقلابی خودم را از این‌که یک حرکتی را خودسرانه انجام بدهند؛ نه، همه چیز بر روال قانون.

مسؤولین کشور بحمدالله چشمشان هم باز است، می‌بینند؛ می‌بینند مردم در چه جهتی دارند حرکت می‌کنند. حجّت بر همه تمام شده است. حرکت عظیم روز چهارشنبهٔ نهم دی‌ماه حجّت را بر همه تمام کرد. مسؤولین قوّهٔ مجریه، مسؤولین قوّهٔ مقننه، مسؤولین قوّهٔ قضائیه، دستگاههای گوناگون، همه می‌دانند که مردم در صحنه‌اند و چه می‌خواهند. دستگاهها باید وظائفشان را انجام بدهند؛ هم وظائفشان در مقابل آدم مفسد و اغتشاشگر و ضدانقلاب و ضد امنیت و اینها، هم وظائفشان در زمینهٔ ادارهٔ کشور.

⇦ تقوا نزدیکتر است).

پیوست ۲۶

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار با اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی (۱۳۸۸/۱۰/۲۹)

دشمنان ملت از شفاف بودن فضا ناراحتند؛ فضای شفاف را برنمی‌تابند؛ فضای غبارآلود را می‌خواهند. در فضای غبارآلود است که می‌توانند به مقاصد خودشان نزدیک شوند و به حرکت ملت ایران ضربه بزنند. فضای غبارآلود، همان فتنه است. فتنه معنایش این است که یک عده‌ای بیایند با ظاهر دوست و باطن دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند؛ در این فضای غبارآود، دشمن صریح بتواند چهرهٔ خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند. اینی که امیرالمؤمنین فرمود: «انّما بدء وقوع الفتن اهواء تتّبع و احکام تبتدع»، تا آن جایی که می‌فرماید: «فلو انّ الباطل خلص من مزاج الحقّ لم یخف علی المرتادین»؛ اگر باطل، عریان و خالص بیاید، کسانی که دنبال شناختن حق هستند، امر بر ایشان مشتبه نمی‌شود؛ می‌فهمند این باطل است. «و لو انّ الحقّ خلص من مزج الباطل انقطع عنه السن المعاندین»؛ حق هم اگر چنانچه بدون پیرایه بیاید توی میدان، معاند دیگر نمی‌تواند حق را متهم کند به حق نبودن. بعد می‌فرماید: «و لیکن یؤخذ من هذا ضغث و من ذاک ضغث فیمزجان»؛ فتنه‌گر یک تکه حق، یک تکه باطل را می‌گیرد، اینها را باهم مخلوط می‌کند، در کنار هم می‌گذارد؛ «فحینئذ یشتبه الحقّ علی اولیائه»؛ آن وقت کسانی که دنبال حقند، آنها هم برایشان امر مشتبه می‌شود. فتنه این است دیگر.

خوب، حالا در مقابل یک چنین پدیده‌ای، علاج چیست؟ عقل سالم حکم می‌کند و شرع هم همین را قاطعاً بیان می‌کند: علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما می‌بینید یک حرکتی به بهانهٔ انتخابات شروع می‌شود، بعد یک عامل «دشمن»ی در این فضای غبارآلود وارد میدان شد، وقتی می‌بینید عامل دشمن ـ که حرف او، شعار او حاکی از مافی‌الضمیر اوست ـ آمد توی میدان، این جا باید خط را مشخص کنید، این جا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند؛ بیشتر از همه، خواص؛ و در میان خواص، بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است دیگر: مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی چی می‌گوید. این جور نباشد که باطل، خودش را در لابه‌لای گرد و غبار برخاستهٔ در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبههٔ حق نداند از کجا دارد ضربه می‌خورد. این است که حرف دو پهلو زدن، از خواص،

مطلوب هم نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این، مخصوص یک گرایش سیاسی خاص هم نیست. در داخل نظام اسلامی، همهٔ گرایشهایی که در مجموعهٔ نظام قرار دارند، اینها باید صریح مشخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم می‌کنند، مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که سران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کُشندگان انسانهای مظلوم در فلسطین و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر، می‌آیند وارد میدان می‌شوند، حرف می‌زنند، موضع می‌گیرند، خوب، باید معلوم بشود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است، در مقابل این چه موضعی دارد؛ حاضر است تبرّی بجوید، بگوید من دشمن شمایم؟ من مخالف شمایم؟

وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبانشان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی می‌کنند، با عملشان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال می‌برند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دو پهلو حرف زدن، کمک کردن به غبارآلودگی فضاست؛ این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف‌سازی نیست. شفاف‌سازی، دشمن دشمن است؛ مانع دشمن است. غبارآلودگی، کمک دشمن است. این، خودش شد یک شاخص. این یک شاخص است: کی به شفاف‌سازی کمک می‌کند و کی به غبارآلودگی کمک می‌کند. همه این را درنظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند.

حرف آخر هم این‌که: برادران عزیز! خواهران عزیز! شما بدانید و می‌دانید که انقلاب اسلامی یک حقیقت است، برخاستهٔ از یک سنّت الهی است؛ این را نمی‌شود از بین برد، این را نمی‌شود متزلزل کرد. تا وقتی که آحاد مردم ایمان دارند، علاقه دارند، عشق دارند، اقدام می‌کنند، بدانند اگر همهٔ قدرتهای عالم هم دست به دست بدهند، نخواهند توانست به این انقلاب و به این نظام و به این ملت صدمه‌ای وارد کنند. وظیفه‌هایی است، باید انجام داد؛ گذرگاههایی است، باید از آنها گذشت و عبور کرد. بعضی از این گذرگاهها سخت است، بعضی آسانتر است. الحمدلله ملت ما از خیلی گذرگاههای سخت و دشوار عبور کرده که خیلی خیلی دشوارتر از آن چیزهایی بوده است که امروز هست، بعد از این هم خواهد بود! حضرت آقای جنتی فرمودند که ملت ایران خیالشان از فتنه‌گران راحت بشود. من به ایشان عرض می‌کنم که فتنه‌گر و دشمن همیشه هست؛ امروز یک دشمن است، فردا یک دشمن دیگر است، پس فردا یک کس دیگر است، یک جور دیگر است. یک ملت وقتی بیدار بود، آگاه بود، عازم بود، ایمان خودش را حفظ کرد زنده بود، رویش داشت، با همهٔ این معارضه‌ها با آسانی ـ که روز به روز آسانتر هم خواهد شد ـ ایستادگی می‌کند، دست و پنجه نرم می‌کند، بر همهٔ این معارضه‌ها هم فائق می‌آید. ما بحمدالله امروز نشانهٔ این رویشها را می‌بینیم؛ این جوانهایی که توی انقلابند. و من توصیه می‌کنم به مجموعهٔ دوستان که برای هرچه بهتر پیش بردن کار، از این جوانهای امروز، از این نوخاسته‌های انقلاب، رویشهای انقلاب، هرچه بیشتر استفاده کنند. خیلی از این جوانها یا انقلاب را ندیده‌اند یا در پیروزی انقلاب سنین خیلی کمی داشته‌اند؛ اما امروز از کاری که ماها آن روز می‌کردیم، خیلی بهتر دارند عمل می‌کنند، خیلی قوی‌تر دارند عمل می‌کنند، هوشیارانه‌تر دارند کار می‌کنند. انقلاب بحمدالله برگ و بارش روزافزون است.

پیوست ۲۷

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار مردم مازندران در سالگرد حماسه ۶ بهمن

خطاهایی در معارضین جمهوری اسلامی بود، که تا هر وقتی که این خطاها وجود داشته باشد، کارهایی که بکنند، ممکن است به مردم آزار و اذیتی وارد کند، اما بیشتر به ضرر خودشان است: یکی این است که معارضین جمهوری اسلامی غالباً خود را از مردم بالاتر دانسته‌اند. خطای دوم این است که به دشمنان این مردم امید بستند، دل بستند. این، دو تا اشتباه بزرگ است. وقتی از مردم خودشان را بالاتر دانستند، لازمه‌اش این می‌شود که اگر مردم در یک حرکت قانونی یک اقدامی کردند، یک چیزی را خواستند، یک چیزی را نخواستند، انتخابی کردند، عملی انجام دادند، اینها بگویند نه؛ مردم، عوام بودند؛ این عوامگرایی است، این پوپولیزم است؛ ما این را قبول نداریم. خود را از مردم بالاتر دانستن، این جا ظاهر می‌شود. ادعا ملاک نیست که بگویند ما مردمی هستیم؛ در عمل باید مردمی بود. این اشکال اوّل.

اشکال دوم این است که به دشمنان این مردم ـ که دشمنی آنها ثابت است، واضح است ـ دل می‌بندند. کی با این مردم در طول این سی سال دشمن بوده است؟ در درجهٔ اوّل، آمریکا و صهیونیسم. از اینها دشمن‌تر ما سراغ داریم برای جمهوری اسلامی؟ از روز اوّل، دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی و صهیونیستهای دنیا در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایستادند. امروز هم حقاً و انصافاً دشمن‌ترین دشمنان، اینها هستند. بنده که نگاه می‌کنم، می‌بینم بعضی از دولتهای غربی گاهی یک حرفهای بی‌ربطِ بی‌معنایی می‌زنند؛ اما محرک، صهیونیستهایند؛ عامل، همان طبقهٔ مسلطی هستند که بر حکومت آمریکا و دولت آمریکا و انتخابات آمریکا هم مسلطند؛ اینهایند که دارند صحنه‌گردانی می‌کنند. خوب، پس اینها شدند دشمن‌ترین دشمنان ملت ایران.

حالا اگر آن کسی که در مقابل مردم می‌ایستد، به اینها دل بست، این آن خطای دوم است که اتفاق می‌افتد. دل بستن به دشمن؟! وقتی می‌بینیم که این دشمن وارد میدان شده است، بایستی بفهمیم، بشناسیم؛ اگر خطایی، اشتباهی کرده باشیم، باید اشتباه را برطرف کنیم. از روز اوّل، آمریکاییها علیه جمهوری اسلامی توطئه کردند. خوب، این توطئه‌ها زائد است که بگوییم بی‌اثر بود؛ واضح است که بی‌اثر بود؛ اگر این توطئه‌ها بی‌اثر نبود که حالا باید اثری، نشانی از جمهوری اسلامی

باقی نباشد؛ می‌بینید که جمهوری اسلامی امروز دهها برابر قوی‌تر از روز اوّل است؛ پس این توطئه‌ها بی‌اثر بود. امروز هم هی نقشهای جدیدی می‌زنند، باز هم توطئه می‌کنند؛ عبرت هم نمی‌گیرند. من تعجب می‌کنم! به گذشته فکر نمی‌کنند که خوب، این همه توطئه کردیم، این همه علیه جمهوری اسلامی پول خرج کردیم، این همه این جا آن جا این را دیدیم، آن را دیدیم، در داخل مزدور پرورش دادیم، در بیرون این و آن را علیه جمهوری اسلامی بسیج کردیم؛ اثری نکرد. باز دوباره می‌نشینند چهل و پنج میلیون دلار بودجه تصویب می‌کنند، برای این‌که جمهوری اسلامی را شکست بدهند! بودجه تصویب می‌کنند که از طریق اینترنت، انقلاب ایران را از بین ببرند؛ جمهوری اسلامی را سرنگون کنند! ببینید چقدر این دشمن، دشمن درمانده‌ای است. خوب، شما چند ده «چهل و پنج میلیون دلار» را تا حالا مصرف کرده‌اید؟ چقدر شما برای شکست دادن جمهوری اسلامی کار دیپلماسی کردید، تحریم اقتصادی کردید، انواع اقسام توطئه‌ها را کردید، جاسوس فرستادید، جاسوس تربیت کردید؛ چه فایده‌ای کردید که حالا باز می‌خواهید از این طریق وارد شوید و ملت ایران را به خیال خودتان از انقلاب جدا کنید؟ این را دشمن نمی‌فهمد. این، همان سنّت الهی است؛ این، همان زدن به چشم و گوش دشمن غافل از خدای متعال است که حقائق را نفهمد؛ غافل کردن دشمن است. «فسینفقونها ثمّ تکون علیهم حسرة»؛ پول را خرج می‌کنند؛ بعد هم برایشان حسرت می‌شود؛ چون بی‌فایده است. من نمی‌دانم چقدر نشستند طراحی کردند، کار کردند تا بتوانند در تهران به یک بهانه‌ای آشوب راه بیندازند؛ خدا می‌داند که از چه مدت قبل اینها نشستند طراحی کردند؛ خوب، چه شد؟ غیر از این شد که مردم از آنچه که بودند، بیدارتر شدند؟ اگر کسی خیال می‌کرد که لازم نیست دیگر بیاید توی میدان، از نظام جمهوری اسلامی دفاع کند، با این حوادث، همه احساس کردند که باید همیشه برای دفاع از جمهوری اسلامی حاضر باشند.

گاهی هم هست که این بازیهایی که دشمن درمی‌آورد، برای باج گرفتن از جمهوری اسلامی است. اوّل انقلاب هم همین‌جور بود؛ بعضی از این گربه‌رقصانی‌هایی که می‌کردند، برای این بود که نظام جمهوری اسلامی را وادار کنند که آنها را در قدرت سهیم کند، شریک کند، بدون استحقاق؛ بدون این‌که مردم این را خواسته باشند، پشتوانهٔ مردمی‌ای وجود داشته باشد. گاهی این جور است که دشمنان بین‌المللی ما این جنجالها را راه می‌اندازند، برای این‌که جمهوری اسلامی را وادار کنند به باج‌دهی؛ مثل خیلی از دولتهایی که به مجردی که یک خطری احساس می‌کنند، می‌روند در مقابل ارباب بزرگتر، حاضر می‌شوند باج بدهند؛ باج پولی بدهند، باج سیاسی بدهند. امام باج نداد ـ این را همه بدانند ـ ما هم به هیچ کس از طرف ملت ایران و از طرف خودمان باج نخواهیم داد.

ما یک حرف حقی داریم، پای آن حرف حق ایستاده‌ایم؛ ما گناهی نکرده‌ایم. ما می‌خواهیم ملتی باشیم که قدرتمندان دنیا بر ما مسلط نباشند؛ خودمان ادارهٔ امور خودمان را به عهده بگیریم. ما می‌خواهیم ملتی باشیم پویا، حرکت‌کنندهٔ به جلو. ما می‌خواهیم ملتی باشیم که مسلمانی را در عمل ـ نه فقط در ادعا ـ ثابت کنیم؛ به احکام الهی عمل کنیم. ما می‌خواهیم جامعهٔ ما جامعهٔ مسلمان باشد،

جامعهٔ اسلامی باشد. ما نمی‌خواهیم بافته‌ها و پندارهای متفکرین مادّی را، سیاستمداران غربی را در زندگی خودمان به عنوان دستورالعمل بپذیریم؛ ما می‌خواهیم حکم خدا را بپذیریم. این جرم است؟

این را هم فهمیده‌ایم که اگر بخواهیم مسلمان زندگی کنیم، باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از خودمان و از هدفمان و از عقایدمان در مقابل دشمن دفاع کنیم. باید قدرتمند باشیم تا بتوانیم از حقوق کشورمان، از حقوق ملتمان ـ به عنوان یک ملت ـ از حقوق خودمان دفاع کنیم؛ ما دنبال این هستیم. اینها جرم است برای یک ملت؟ پس حرف ما حق است. پای این حق هم ایستاده‌ایم. این را هم معتقدیم که آن وقتی که حق با باطل درگیر و رو به رو شود، اگر اصحاب حق راست بگویند پای حق بایستند، قطعاً باطل شکست خواهد خورد. تجربه هم کرده‌ایم همین‌جور است. ما در طول این سی سال تجربه کرده‌ایم: ایستادیم، پیش رفتیم. هرجا که می‌بینید یک عقب‌نشینی‌ای انجام گرفته است، یک ناکامی‌ای پیش آمده است، به خاطر این است که در استقامت ما سستی پیدا شده بود. هرجا استقامت کردیم، پیش رفتیم. بعد از این هم همین‌جور خواهد بود.

آنچه که برای ما لازم است، این است که آحاد مردم، مسؤولین، غیر مسؤولین، بخصوص جوانها، بخصوص کسانی که سخن و حرفشان تأثیر دارد، احساس مسؤولیت حضور در صحنه را از دست ندهند. هیچ کس نگوید من تکلیف ندارم، من مسؤولیتی ندارم؛ همه مسؤولند. مسؤولیت معنایش این نیست که اسلحه ببندیم، بیاییم توی خیابان راه برویم؛ در هر کاری که هستیم، احساس مسؤولیت کنیم؛ مسؤولیت دفاع از انقلاب و از نظام جمهوری اسلامی؛ یعنی از اسلام، یعنی از حقوق مردم، یعنی از عزّت کشور. این، شرط اوّل: همه باید این احساس مسؤولیت را داشته باشیم و من می‌بینم که این احساس مسؤولیت را داریم. این را مردم کشور ثابت کردند، ثابت می‌کنند؛ حالا یک نمونهٔ واضحش همین ۹ دی بود که اشاره کردند؛ نمونه‌های دیگری هم هست؛ ۲۲ بهمن در پیش است، دههٔ فجر در پیش است. مردم حضور خودشان را، آمادگی خودشان را، سرزندگی و نشاط خودشان را نشان داده‌اند، باز هم نشان خواهند داد.

مسؤولین کشور بالخصوص، باید همهٔ تلاش خودشان را بگذارند که مشکلات را با سرپنجهٔ تدبیر، با کار مستمر، با خسته نشدن، با شوق و ذوق و توکل به خدا و کمک خواستن از خداوند برطرف و حل کنند. منظور فقط مشکلات سیاسی و امنیتی نیست ـ اینها جزئی از مشکلات است ـ پیشبرد کشور، اقتصاد کشور، علم کشور، مسائل اجتماعی گوناگون هم بر عهدهٔ مسؤولین است. مسؤولان قوای سه‌گانه و همهٔ مسؤولان کشور وظیفهٔ خودشان بدانند که برای این ملت کار کنند؛ کار و کار و کار، تدبیر و تدبیر و تدبیر؛ یک لحظه غفلت نکنند. ما یک حرکت خوبی داریم به سمت جلو؛ نگذارند این حرکت متوقف بشود؛ نباید این حرکت از دور بیفتد. ما داریم پیش می‌رویم؛ بایدهمین طور با این پیشرفت ادامه بدهیم، سرعت را هم بیشتر کنیم، همه‌جانبه‌تر هم بکنیم، نقاط کور را هم بگیریم. وظیفهٔ آحاد مردم در قبال مسؤولین هم، اعتماد کردن به مسؤولین و همراه بودن با آنهاست. اعتماد به مسؤولین و همراه بودن با آنها معنایش این نیست که ما به مسؤولین تذکر ندهیم؛ آن جایی که

لازم است از آنها انتقادی بشود، انتقاد نکنیم؛ نه، اما باهم باشیم. یکی از هدفهای دشمن، بی‌اعتماد کردن مردم به مسؤولین کشور است؛ این ترفند دشمن است. پس وظیفهٔ عمومی برای همه ـ از صدر تا ذیل ـ حضور در عرصه‌ی انقلاب و عرصهٔ دفاع از کشور است در مقابل جبههٔ دشمن؛ که خوشبختانه این جبهه هم امروز از سی سال پیش خیلی خیلی عقب‌تر و مشکل‌دارتر است؛ در افغانستان گرفتارند، در عراق گرفتارند، در پاکستان گرفتارند، اخیراً خودشان را در یمن گرفتار کردند؛ با ملتهای منطقهٔ ما مشکل دارند، با ملتهای خودشان مشکل دارند، در اروپا مشکل دارند.

در مقابل این جبههٔ دشمن، احساس حضور، احساس مسؤولیت برای حضور، وظیفهٔ همه است. وظیفهٔ مسؤولان، کار کردن، وقت را مغتنم شمردن برای خدمت، خدمت دادن به مردم، هر لحظه‌ای را، هر ساعتی را مغتنم شمردن برای کار، که گره‌ها را باز کنند، مشکلات را برطرف کنند؛ و وظیفهٔ عمومی مردم در قبال مسؤولین، اعتماد، همراهی، پشتیبانی و کمک است. اگر کسی نظری دارد برای کمک، نظر بدهد؛ اگر کسی یک وقت اعتراضی دارد، اعتراض هم اشکالی ندارد، ولی اعتراض باید مقابله نباشد؛ همراهی باشد، مثل دو همسنگر که در یک سنگر نشسته‌اند، ممکن است این به آن اعتراض کند که چرا پایت را دراز کردی یا چرا خوابت برد؟ اینها رو به روی هم قرار نمی‌گیرند.

بدانید عزیزان من! دست قدرت و ارادهٔ الهی، برحسب قرائن فراوان، پشتیبان شما ملت است. بدانید ان‌شاءالله دعای مستجاب ولی‌عصر (ارواحنافداه) متوجه شما ملت است. و بدانید خدای متعال به توفیق و فضل خود، این ملت را به هدفهای بلند و به آرزوهای بزرگ خود خواهد رسانید و ان‌شاءالله دشمن را در مقابل شما ذلیل و خاکسار خواهد کرد.

-•◇ پیوست ۲۸ ◇•-

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران (۱۳۸۸/۱۱/۱۳)

بعضیها حساسند روی کلمهٔ دشمن، که چرا شما می‌گویید دشمن؛ چرا هی تکرار می‌کنید دشمن. خوب، تکرار هم می‌کنیم و باز بعضی این جوری دچار غفلت می‌شوند، نمی‌فهمند که دشمن دارد با آنها چه کار می‌کند؛ این همه هم می‌گوییم و نمی‌شود! اگر نمی‌گفتیم، چه می‌شد! شما ببینید از اوّل تا آخر قرآن، خدای متعال چقدر اسم شیطان و شیطان‌صفتها و ابلیس را آورده؛ چقدر اسم فرعون و نمرود و قارون و دشمنان پیغمبر در زمان بعثت آمده و چقدر اینها در قرآن تکرار شده. داستان ابلیس و شیطان در قرآن تکرار شده. می‌شد یک بار خدای متعال بگوید، برای اطلاع کافی بود. این برای این است که هیچ وقت نباید از کید دشمن غافل بود. امیرالمؤمنین فرمود: «و من نام لم ینم عنه»؛ اگر شما توی سنگر خوابتان برد، لازمه‌اش این نیست که دشمن شما هم که رو به رو نشسته، او هم توی سنگرش خوابش برده باشد؛ نه، ممکن است شما خوابت برده باشد، او بیدار باشد؛ آن وقت پدرتان درآمده است. نباید غفلت کرد. و می‌بینید که غفلت می‌شود.

توی همین قضایای بعد از انتخابات واقعاً غفلت بزرگی کردند. حالا من که می‌گویم غفلت، چون بنای من بر خوش‌بینی است؛ خود من هم آدم بدبینی نیستم؛ آدم خوش‌بینی‌ام، نسبت به اشخاص هم خوش‌بینم. بلافاصله روز بعد از انتخابات، کارهای بدی را انجام دادند؛ حالا دارند نتائجش را می‌بینند. به عنوان اعتراض به انتخابات، مردم را به خیابانها دعوت کردند، چرا؟ این چه منطقی است؟ چرا مردم را به خیابان دعوت می‌کنند؟ مگر مسألهٔ انتخابات ـ مسأله‌ای به این اهمیت، به این ظرافت ـ قابل حل توی خیابان است؟ نیروی فشار درست کردن؛ اینها غفلتهای بزرگی است. خوب، وقتی این جوری می‌شود، مأمنی درست می‌کنند برای دشمن؛ مأمنی درست می‌کنند برای آن کسی که می‌خواهد ایجاد آشوب و اغتشاش کند؛ اینها غفلتهاست. یعنی در سیاست، غفلتها گاهی مثل خیانتها خیلی ضربه می‌زند. یعنی واقعاً وقتی شما تیراندازی کردید، این تیر خورد به سینهٔ یک نفر، ممکن است شما متعمد هم نباشید، اما بالاخره در نتیجه تأثیر ندارد؛ تیر توی قلبش خورد، می‌افتد می‌میرد؛ چه شما تعمد داشته باشید، چه از روی خطا زده باشید؛ خیال کردی این سیبل است، زدی به سینهٔ آدم، خطاها گاهی این جوری است؛ خطایی می‌کند، خطاست؛ اما در نتیجه تأثیری ندارد؛

همان ضربه وارد می‌آید. خوب، حالا شما بخواهید محیط دانشگاه را از این آسیب محفوظ نگه دارید، باید چه کار کنید؟ این خیلی مهم است. توجیه دانشجو، توجیه بعضی از اساتید.

پس ببینید در دانشگاهها مسأله علمی با همان تفاصیلی که مکرّر عرض کردیم، امروز هم عرض کردیم، آقایان هم فرمودید، مهم است. بسیار خوب بود مطالبی که این جا راجع به مسائل علم گفته شد؛ کاملاً مورد تصدیق و تأیید ماست. مسألهٔ فرهنگی و مسألهٔ سیاسی هم به نظر من مسائل خیلی مهمی است. البته اینها مسائل دانشگاه تهران نیست؛ مسائل دانشگاه کشور است؛ لیکن دانشگاه تهران قله است. یعنی شماها وقتی کاری را بکنید، این طبعاً الگویی خواهد شد؛ ان‌شاءالله این حالت الگو را حفظ کنید.

-•◆ پیوست ۲۹ ◆•-

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار با جمعی از مردم آذربایجان (۱۳۸۸/۱۱/۲۸)

بعضیها هم با همان لغت دشمن حرف می‌زنند، با همان زبان دشمن حرف می‌زنند. آیا می‌فهمند یا نمی‌فهمند، آن با خداست؛ اما با زبان او حرف می‌زنند، سعی می‌کنند وانمود کنند که انقلاب از راه خود منحرف شده است؛ نه، اگر منحرف شده بود، این همه دل با نام انقلاب و یاد انقلاب به حرکت درنمی‌آمد؛ این همه ایمان و انگیزه به یاد این انقلاب بسیج نمی‌شد. در دنیا هم همین جور است. این انقلاب، امروز در کشورهای اسلامی هم آثارش در دلهای مردم محسوس است. به چند تا دولت معاند نگاه نکنید؛ ملتها این انقلاب را گرامی می‌دارند، بزرگ می‌دارند، به آن احترام می‌کنند، حسرت آن را برای خودهاشان می‌خورند؛ این نشانه‌های حقانیت است، نشانه‌های بقاء است؛ «تؤتی اکلها کلّ حین» است.

خوب، من و شما همچنان که تا امروز به توفیق الهی وفادار مانده‌ایم، می‌توانیم وفادار بمانیم. اگر چنانچه این وفاداری را حفظ کنیم، «فسیؤتیه اجرا عظیما»؛ خدا اجر خواهد داد. این اجر، مخصوص دنیا نیست، مخصوص آخرت هم نیست؛ هم دنیاست، هم آخرت؛ در دنیا عزّت است، اقتدار است، رسیدن به آرمانهای والاست، در آخرت هم اجر الهی است؛ ثواب الهی است، که از همه چیز بالاتر است. اگر خدای نکرده سست‌عهدی کنیم، بدعهدی کنیم، در میانهٔ راه هواهای نفس ما را به این طرف و آن طرف بکشاند، آن هم به ضرر خود ماست؛ انقلاب راه خودش را ادامه خواهد داد. آن کسانی که انقلاب را رها کردند، آن کسانی که طبق خواست دشمن در مقابل انقلاب ایستادند، ضرر کردند. خیال می‌کنند حالا بنشینند علیه انقلاب توطئه کنند، حرف بزنند، تحریک کنند، راه به جایی خواهند برد؛ نه، اشتباه است.

در قضیهٔ ۲۲ بهمن امسال که این معجزهٔ عظیم الهی خود را نشان داد، این حضور عظیم مردمی چشمها را خیره کرد، دشمنان و مخالفان ـ چه مخالفان معاند، چه مخالفان غافل ـ جور دیگری فکر کرده بودند، نقشهٔ دیگری طراحی کرده بودند، خیالات دیگری در سر داشتند. از مدتها پیش تلاش کردند، کاری کنند که حادثهٔ ۲۲ بهمن را که یکی از مظاهر حضور مردمی این انقلاب است، خراب کنند؛ چه در تهران، چه در شهرهای دیگر کاری کنند که به درگیری بین مردم بینجامد؛ این را

پیش‌بینی کرده بودند. در حرفهایشان گفتند که روز ۲۲ بهمن جنگ داخلی در ایران شروع خواهد شد! ببینید چه کار کرده بودند که انتظار داشتند در ایران جنگ داخلی بشود. بعضی این جور می‌گفتند، بعضی هم امیدوار بودند که بتوانند چهرهٔ مخالفی علیه نظام جمهوری اسلامی در ۲۲ بهمن نشان بدهند؛ این جور وانمود کنند که مردم از انقلاب بریده‌اند، از نظام جمهوری اسلامی بریده‌اند، در مقابل آن قرار گرفته‌اند؛ این جوری فکر کرده بودند، این جوری حساب کرده بودند. ملت ایران با آگاهی خود، با بصیرت خود، با همت خود، با دست قدرت الهی که دلهای آنها را بیدار کرد، به دهان همهٔ این مخالفان مشت کوبیدند و حجّت را بر همه تمام کردند.

دشمنان خارجی هم باید بیدار شده باشند. رئیس‌جمهور آمریکا و دیگرانی مثل او، هی دم از مردم ایران می‌زدند: «ما طرفدار مردم ایرانیم». «مردم ایران با نظام جمهوری اسلامی مخالفند». این حرفها را بارها تکرار کردند. ببینید اینها وقتی مردم ایران را روز ۲۲ بهمن توی خیابانها دیدند، چه حالی شدند؟ خذلان الهی برای دشمن، از این بالاتر؟ رسوایی برای دشمن، از این بالاتر؟ یک عده هم در داخل، بعضی از روی غفلت، بعضی از روی بی‌عقلی، بعضی از روی عناد و دشمنی، هی علیه نظام جمهوری اسلامی، علیه این حرکت کلی نظام حرف زدند؛ هی گفتند: مردم، مردم، مردم! خوب، این مردم. ۲۲ بهمن نشان داد که مردم کجایند، چه می‌خواهند، چه می‌گویند. غرّه شدند به توهّمهایی که به آنها القاء شد. خیال کردند یا خودشان را به نادانی زدند که مردم از انقلاب دست شستند، مردم از امام دست شستند. روز ۲۲ بهمن، آگاهی و بصیرت مردم، همت مردم، ایمان مردم و توفیق الهی که شامل حال مردم شد، پاسخ کوبنده‌ای به آنها داد.

خارجیها هم همین‌جور دچار توهّمند. الفاظ در غیر معانی خودشان به کار می‌روند. سردمداران کشورهای مستکبر ـ چندتا دولت مستکبر ـ می‌نشینند دربارهٔ نظام جمهوری اسلامی اظهار نظر می‌کنند و این جور وانمود می‌کنند که جامعهٔ جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است. کدام جامعهٔ جهانی؟ کدام جامعهٔ جهانی با جمهوری اسلامی مخالف است؟ چهار تا، پنج تا دولت مستکبر ـ که غالباً ملتهای خودشان هم حرف آنها را قبول ندارند ـ با نظام اسلامی، با جمهوری اسلامی مخالفند. نظامهایی که در پنجهٔ کمپانی‌دارهای صهیونیست است، توی مشت زالوهای بین‌المللی است، البته که با جمهوری اسلامی ـ که فریاد عدالت سر داده است ـ مخالفند؛ باید هم مخالف باشند. آن روزی که شبکهٔ اختاپوسی سرمایه‌داری جهانی از ما تعریف کند و با ما مخالف نباشد، آن روز ما باید عزا بگیریم.

بله، چند تا دولت مستکبر و دولت زورگو با جمهوری اسلامی مخالفند؛ اما جامعهٔ جهانی به هیچ وجه با جمهوری اسلامی مخالف نیست. جامعهٔ جهانی، یعنی ملتها. جامعهٔ جهانی، یعنی بسیاری از دولتهایی که خودشان هم از این مستکبرین ناراضی‌اند؛ اگرچه اغلب جرأت نمی‌کنند این نارضایی را اظهار کنند، اما ما می‌دانیم ناراضی‌اند. در گفتگوها، در اظهارات، کاملاً واضح است، به ما هم می‌گویند؛ ولی جرأت نمی‌کنند اعتراض کنند، می‌ترسند. ما همان حرفی را که در دل ماست ـ که

می‌دانیم در دل ملتهاست و در دل بسیاری از دولتها هم هست ـ صریح می‌گوییم. ما با استکبار مخالفیم، ما با نظام سلطه مخالفیم، ما با تسلط چند کشور بر سرنوشت عالم بشدّت مخالفیم و با آن مبارزه می کنیم و نمی‌گذاریم اینها با سرنوشت دنیا بازی کنند. البته پیداست؛ آن دولتها هم با ما مخالفند. آن وقت سر قضیهٔ هسته‌ای بهانه‌گیری می‌کنند، به نام حقوق بشر بهانه‌گیری می‌کنند، به نام دموکراسی بهانه‌گیری می‌کنند؛ همه هم در دنیا می‌دانند که اینها دروغ می‌گویند، می‌دانند که اینها ریاکاری می‌کنند.

حالا باز مأمورشان را فرستاده‌اند این جا، اطراف خلیج فارس بگردند و باز همان دروغها و حرفهای بی‌ربطشان را علیه جمهوری اسلامی تکرار کنند: ایران دنبال بمب هسته‌ای است! کی حرف شما را باور می‌کند؟ کی باور می‌کند که شما به منافع و مصالح ملتهای این منطقه می‌اندیشید؟ شمایی که ملتهای این منطقه را تا آن جا که توانستید و به شما اجازه داده شده است، در زیر پای منافع نامشروع خودتان لگدمال کردید. خلیج فارس را تبدیل کردید به انبار تسلیحات. این کارها را آمریکاییها کردند. پولهای کشورهای خلیج فارس را بمکند و ببرند، به جایش تسلیحات خودشان را آن‌جا انبار کنند. شما جنگ‌طلبید، شما به عراق حمله کردید، شما افغانستان را نابود کردید، شما به جان پاکستان افتادید و هر جای دیگر هم که امکان پیدا کنید، همین جنایات را تکرار خواهید کرد. آن وقت می‌آیید راجع به جمهوری اسلامی حرف می‌زنید؟ همهٔ ملتهای منطقه می‌دانند، بسیاری از دولتهای این منطقه می‌دانند؛ جمهوری اسلامی طرفدار صلح است، طرفدار برادری است، طرفدار عزّت کشورهای این منطقه است، طرفدار عزّت کشورهای اسلامی است. راه افتادند مثل دوره‌گردها! حرکتشان هم از روی انفعال است. سی سال است که علیه جمهوری اسلامی دارند توطئه می‌کنند، و سی سال هم هست که دارند شکست می‌خورند. امسال برای چند دهمین بار جمهوری اسلامی در مبارزهٔ خود در قبال مستکبرین پیروز شد و مستکبرین شکست خوردند.

حوادث بعد از انتخابات را که عده‌ای از روی نادانی و محاسبهٔ غلط ایجاد کردند، دشمن بهانه کرد، شاید بتواند جمهوری اسلامی را تضعیف کند؛ اما بعکس شد؛ همین حوادث موجب قدرت جمهوری اسلامی شد. **اگر تا قبل از این حوادث کسی می‌خواست با استدلال به مردم اثبات کند که دشمن در کمین است، بعد از این حوادث مردم به چشم خودشان دیدند که دشمن در کمین است و ملت ایران این جوری است؛ وقتی که دید دشمن در کمین است، معطل نمی‌کند، می‌آید توی میدان. از این به بعد هم به حول و قوهٔ الهی و به توفیق پروردگار، همهٔ قشرهای مردم در کارهاشان ان‌شاءالله جدی‌تر خواهند بود و با انگیزهٔ بیشتر حرکت خواهند کرد؛** در محیط علم، در محیط صنعت، در محیط کارهای گوناگون، در محیط ادارات، در محیط کسب و کار، در محیط تجارت. همه باید تلاش کنند، همه باید کار کنند.

مسؤولیت مسؤولین هم سنگین شد. مسؤولان کشور، مسؤولان قوای سه‌گانه، در مقابل این حرکت عظیم مردمی، در مقابل این هوشیاری خیره‌کنندهٔ مردم، مسؤولیتشان سنگین شد. این مردم

برای دفاع از کشورشان، انقلابشان و ارزشهایشان آماده هستند. خدمتگزاران جامعه باید با خضوع و احترام در مقابل این ملت، کارهایشان را با قدرت و با جدیت دنبال کنند، برای مردم کار کنند. در کشور گرفتاری هست، نابسامانی هست، مشکل هست؛ اما هیچ گرفتاری‌ای، هیچ نابسامانی‌ای، هیچ مشکلی نیست که با دست ارادهٔ متکی به ایمان، قابل برطرف کردن نباشد. ان‌شاءالله مسؤولین کشور در قوای سه‌گانه، در بخشهای مختلف، خود آحاد مردم هرکس به سهم خود، در نوبهٔ خود، کوشش خواهند کرد، این مشکلات را برطرف خواهند کرد.

همه بدانند؛ آیندهٔ ملت ایران، آیندهٔ درخشانی است. این ملت ـ همان‌طور که قبلاً عرض کردیم ـ تصمیم خودش را گرفته است؛ به اوج اهداف خود ان‌شاءالله دسترسی پیدا خواهد کرد و نه فقط برای دنیای اسلام، بلکه برای همهٔ ملتها الگو خواهد شد، تا بدانند راه عزّت و عظمت از کجا می‌گذرد.

پیوست ۳۰

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبر (۱۳۸۸/۱۲/۶)

در این فتنه‌های بعد از انتخابات، آن چیزی که اساس قضیه است، این است که رأی مردم و حضور مردم از نظر یک عده‌ای نفی شد، مورد خدشه قرار گرفت، نظام تکذیب شد، مورد تهمت قرار گرفت. گناه بزرگی که انجام دادند، این بود. اینها بایست تسلیم می‌شدند. بالاخره وقتی انتخابات با همین معیارهایی که در اسلام وجود دارد ـ که حالا بعضی از معیارها و شاخصهایی که برای انتخابات در نظر ما معتبر است، که نظر اسلام است، من عرض می‌کنم ـ اتفاق افتاد، بایستی در مقابل قانون، در مقابل داوری قانون تسلیم شد؛ همچنان که باید در مقابل آن داوری که قانون او را معیّن می‌کند، تسلیم شد. اگر قانون در مسألهٔ مهمی مثل مسألهٔ انتخابات یک داوری را مشخص کرده است، یا یک شیوهٔ داوری را مشخص کرده است، باید تسلیم این بشوند، ولو برخلاف میلمان باشد؛ این می‌شود انتخابات سالم.

آن وقت این انتخابات اگر چنانچه به این شکل باشد و به همان شکلی که در نظام اسلامی معتبر است، باشد، این خصوصیات را دارد: اوّلاً در انتخابات، احترام به رأی و تشخیص و رضایت مردم هست. من عرض بکنم؛ امروز در دنیای دموکراسی که انتخابات در آن‌جاها انجام می‌گیرد و پرچم دموکراسی را اینها بلند می‌کنند، آنچه وجود ندارد، «رضی‌العامّة» است؛ مسأله، صوری است؛ درواقع غالباً این جور است. در کشور آمریکا این جور است، در کشورهای معروف دموکراسی دنیا این جور است. پشت سر این کسانی که می‌آیند وارد میدان انتخاب می‌شوند و مبارزهٔ انتخاباتی می‌کنند، گروههایی از جبههٔ خاصه وجود دارند؛ یعنی سرمایه‌دارها، کمپانی‌دارها، متنفذین مالی، باندهای عظیم مالی؛ اینها هستند که دارند کارها را رو به راه می‌کنند؛ با تبلیغات گمراه‌کننده و با روشهای گوناگون، آراء مردم را به این سمت و آن سمت می‌کشانند. درواقع، دعوا بین کمپانی‌دارهاست؛ دعوا بین آراء مردم نیست؛ یک چیز تخیلی است. درواقع، حکومت دموکراسی در آن‌جاها حکومت اقلیت است؛ حکومت خواصی است که خواص بودن آنها، نخبه بودن آنها، به خاطر امکانات ملی فراوان آنهاست؛ اینها هستند که دارند سیاستگذاری می‌کنند.

در انتخاباتِ نظام جمهوری اسلامی این جور نیست. این جا مردمند که دارند تصمیم می‌گیرند،

مردمند که دارند تشخیص می‌دهند. ممکن است این تشخیص یک جا درست باشد، یک جا غلط باشد ـ بحث در این نیست ـ اما تصمیم‌گیر، خود مردم هستند. پشت سر آراء مردم، آراء باندهای قدرت و ثروت و اینها قرار ندارد. در این انتخابات، واقعاً احترام به رأی مردم است؛ احترام به تشخیص مردم است. باید در مقابل این تشخیص تسلیم شد. این یک مسأله است.

مسألهٔ دیگر در انتخابات و اهمیت انتخابات، مسابقه و رقابت سالمی است که وجود دارد؛ نشاط مردمی است که در انتخابات به وجود می‌آید. انتخابات چیزی است که موجب می‌شود مردم احساس کنند مسؤولیت دارند، باید تشخیص بدهند، باید بیایند توی میدان. نشاط مردمی، خون تازه‌ای به رگهای نظام می‌ریزد و روح تازه‌ای می‌دمد. تحول در مدیریت وجود دارد. این انتخاباتها یکی از بزرگترین محسّناتش این است که از رکود جلوگیری می‌کند. بهترین شکل ادامهٔ یک نظام اجتماعی این است که در عین ثبات، تحول داشته باشد. رکود بد است و ثبات خوب است. ثبات یعنی استقرار؛ یعنی این چهارچوب، این هندسه، در جای خود محفوظ باشد، مستقر باشد، ریشه‌دار باشد؛ در عین حال در داخل این چهارچوب، تحولات، مسابقات و رقابتها وجود داشته باشد. این بهترین شکل است که کشتی نظام در دریاهای طوفانی بتواند بدون دغدغه حرکت کند. «و هی تجری بهم فی موج کالجبال» این دربارهٔ کشتی نوح است. کشتی حرکت می‌کند، در بین امواج گوناگون هم هست؛ لیکن این امواج سهمگین نمی‌توانند استقرار او را از بین ببرند. این استقرار بایست وجود داشته باشد. البته در درون این استقرار، در درون این چهارچوب، تحول وجود دارد.

بنابراین همهٔ تحولات باید در چهارچوب باشد. اگر چنانچه کسی وارد میدان رقابت انتخاباتی و مسابقهٔ انتخاباتی بشود، اما بخواهد چهارچوب را بشکند، او از قاعدهٔ نظام خارج شده است، از قواعد حرکت انتخاباتی خارج شده؛ این غلط است، این درست نیست. باید همه چیز در چهارچوب نظام باشد. این چهارچوب، قابل تغییر نیست.

تأکید بر خطوط مرزی نظام با مخالفان و دشمنان، در انتخابات لازم است. ممکن است دو نظر مختلف دربارهٔ یک مسألهٔ اجتماعی یا اقتصادی بین نامزدها وجود داشته باشد؛ هیچ مانعی ندارد، این دو نظر را بگویند؛ لیکن مرزبندی کنند با آن چیزهایی که نظراتِ مخالف با نظام است. مشخص بکنند که مرز ما چیست؛ این مرزبندی لازم است. بارها ما بر روی این مرزبندی تأکید می‌کنیم؛ این به خاطر این است که اگر مرزبندیها ضعیف بشود، مرزها کمرنگ بشود، موجب اشتباه مردم می‌شود. مثل مرزهای کشوری، که اگر مرزها تضعیف شد و کمرنگ شد، عده‌ای می‌توانند داخل مرز بشوند، با قصد خیانت، بدون این‌که شناخته شوند؛ عده‌ای می‌توانند از این مرز خارج بشوند با غفلت، بدون این‌که بدانند دارند از مرز خارج می‌شوند. لذا بایستی بر مرزها تأکید بشود. اشتباه و خطای فاحش کسانی که این مرزها را در انتخابات رعایت نمی‌کنند، همین است که مردم را دچار زحمت می‌کنند، دچار حیرت می‌کنند. بایستی خطوط مرزی نظام با مخالفان نظام، با دشمنان نظام، کاملاً مشخص شود، بر آن تکیه شود و از مخالفان نظام اعلام برائت بشود.

البته در انتخابات باید منافع نظام، منافع کشور، مصالح کشور بر مصالح حزبی و جناحی و شخصی و امثال اینها ترجیح داده شود و نظرات، نظرات شفاف و روشنی باشد؛ معلوم باشد که چه می‌خواهند. اگر چنانچه یک چنین انتخاباتی انجام بگیرد، این بلاشک به نفع نظام، به نفع پیشرفت کشور و به نفع مردم خواهد بود؛ نظام را زنده و بانشاط نگه می‌دارد و پیش می‌برد.

و من می‌خواهم عرض بکنم، امروز خوشبختانه وضع کلی نظام از گذشتهٔ ما به هیچ وجه عقب‌تر نیست و در موارد زیادی به مراتب بهتر است؛ این را باید توجه کرد. این خیال‌پردازی نیست، بیان آرزوها نیست؛ بلکه با نگاه به واقعیتهاست.

امروز ملاحظه کنید ما نفس گرم امام بزرگوار را نداریم، حادثهٔ جنگ را نداریم ـ که مردم به خاطر این حادثه به هیجان و حرکت می‌آمدند و طبعاً جوششی در مردم به وجود می‌آمد ـ از مبدأ انقلاب سی و یک سال فاصله گرفتیم، در عین حال شما می‌بینید جمع کثیری از جوانهای این مردم ـ حالا افراد غیرجوان به جای خود، حتّی جوانها که بیشتر از همه در معرض تهدید اخلاقی و فکری و انحرافات گوناگون هستند ـ با کمال پاکی، با کمال آراستگی، در میدانهای مختلف حضور پیدا می‌کنند. در دانشگاه هم همین جور است، در بیرون دانشگاه هم همین جور است، در عرصه‌های اجتماعی هم همین جور است.

در اجتماعات عظیمی که تشکیل می‌شود، غالباً جوانها حضور دارند. در ۲۲ بهمن، شما نمونهٔ کم‌نظیرش را مشاهده کردید؛ چه در تهران، چه در بقیهٔ شهرها ـ آن‌طور که حالا در دوربینهای تلویزیون انسان می‌دیدید و از بعضی از کسانی که از نزدیک دیده بودند، انسان می‌شنود ـ اغلب اینهایی که بودند، جوان بودند؛ اکثر این جمعیت، جوانها بودند. خوب، این نشان‌دهندهٔ چیست؟ مردم احساس مسؤولیت می‌کنند، می‌آیند توی میدان. این احساس مسؤولیت مردم و بخصوص جوانها، بعد از گذشت سی و یک سال از انقلاب، خیلی حادثهٔ عظیمی است؛ خیلی حادثهٔ بزرگی است.

چرا مردم امسال در ۲۲ بهمن از سال گذشته گرم‌تر و متراکم‌تر آمدند؟ چون احساس خطر کردند؛ چون دیدند کسانی به بهانهٔ مسألهٔ انتخابات و مسائل بعد از انتخابات، دارند در اصل نظام خدشه به وجود می‌آورند، دارند معارضه می‌کنند، دارند پنجه به چهرهٔ نظام می‌زنند. رفتار خطرناک آنها این بود که نام امام و انقلاب و نظام را هم گاهی می‌آورند، اما حرفشان، عملشان، اقدامشان، تحریکشان، درست نقطهٔ مقابل روش انقلاب و ممشای انقلاب و اهداف انقلاب است؛ مردم این را احساس کردند. این‌که مردم این را می‌فهمند و احساس می‌کنند؛ این بصیرت بالایی است، این خیلی مهم است؛ و این‌که مردم بعد از این احساس، این جور وارد میدان می‌شوند، می‌آیند حضور خود را اعلام می‌کنند، این خیلی همت و عزم بالایی را نشان می‌دهد؛ اینها خیلی مهم است. ما باید اینها را ببینیم، باید قدر بدانیم و باید عاملش را بشناسیم. عاملش دینداری مردم است؛ عاملش همین ملاک اصلی در نظام اسلامی است؛ یعنی اطاعت از پروردگار عالم. این به نظر من اساسی‌ترین مسأله است.

ما امروز مواجه هستیم با یک جبههٔ دشمنی بزرگ در سراسر دنیای قدرتمندان؛ این جبهه‌ای

است که شکل گرفته است در مراکز قدرت بین‌المللی، قدرتهای مالی و اقتصادی، که غالباً هم در مشت صهیونیستها و سرمایه‌دارهای بزرگ است. این جبهه در مقابل نظام اسلامی از همهٔ وسائل استفاده می‌کند و در داخل هم متأسفانه کسانی به اینها جواب می‌دهند؛ کسانی می‌شوند طرف مورد اعتماد آنها، حرف آنها را تکرار می‌کنند، به آنها پاس می‌دهند، برای این‌که آنها بتوانند به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنند! یک چنین حالتی متأسفانه وجود دارد. لیکن در مقابل آن، بیداری مردم، آگاهی مردم، انگیزهٔ مردم، حضور مردم، دینداری مردم، علاقه‌مندی مردم به مبانی نظام و پایه‌های نظام وجود دارد. اینها حقائقی است که در جمهوری اسلامی وجود دارد و ما پیش رفتیم. ما در طول این سالهای متمادی، خدا را شکر می‌کنیم که پیش رفتیم.

آنچه که وظیفهٔ امروز ماست، حفظ این هندسهٔ عظیم است؛ این را باید حفظ کرد. باید در حفظ این هندسه، مرزبندی کرد. این مرزبندی که من عرض می‌کنم، این‌جاست؛ والّا در مسائل مادون این ـ حالا چه مسائلی که در درجهٔ دوم اهمیت است، چه در مراتب پایین‌تر ـ ممکن است اختلاف نظرهایی باشد؛ این اختلاف نظرها به جامعه ضربه نمی‌زند. اختلاف نظر موجب پیشرفت می‌شود. این اختلاف نظرها مهم نیست؛ اینها در رقابتهای انتخاباتی هم ممکن است تأثیر بگذارد، که اشکالی هم ندارد. آنچه که مهم است، اساس نظام، هندسهٔ کلی نظام، نقشهٔ جامع نظام است؛ این را باید در نظر داشت و نسبت به این باید حساس بود. باید دید حرفی که زده می‌شود و کاری که دارد انجام می‌گیرد، در مقایسهٔ با این نقشهٔ کلی، در چه وضعیتی قرار دارد.

باید دشمنیها را شناخت. مشکل ما این است. اینکه بنده مسألهٔ بصیرت را برای خواص تکرار می‌کنم، به خاطر این است. گاهی اوقات غفلت می‌شود از دشمنی‌هایی که با اساس دارد می‌شود؛ اینها را حمل می‌کنند به مسائل جزئی. ما در صدر مشروطه هم متأسفانه همین معنا را داشتیم. در صدر مشروطه هم علمای بزرگی بودند ـ که من اسم نمی‌آورم؛ همه می‌شناسید، معروفند ـ که اینها ندیدند توطئه‌ای را که آن روز غربزدگان و به اصطلاح روشنفکرانی که تحت تأثیر غرب بودند، مغلوب تفکرات غرب بودند، طراحی می‌کردند؛ توجه نکردند که حرفهایی که اینها دارند در مجلس شورای ملی آن زمان می‌زنند، یا در مطبوعاتشان می‌نویسند، مبارزهٔ با اسلام است؛ این را توجه نکردند، مماشات کردند. نتیجه این شد که کسی که می‌دانست و می‌فهمید ـ مثل مرحوم شیخ فضل‌الله نوری ـ جلوی چشم آنها به دار زده شد و اینها حساسیتی پیدا نکردند؛ بعد خود آنهایی هم که به این حساسیت اهمیت و بها نداده بودند، بعد از شیخ فضل‌الله مورد تعرض و تطاول و تهتک آنها قرار گرفتند و سیلی آنها را خوردند؛ بعضی جانشان را از دست دادند، بعضی آبرویشان را از دست دادند. این اشتباهی است که آن جا انجام گرفت؛ این اشتباه را ما نباید انجام بدهیم.

امام (رضوان‌الله تعالی علیه) که جامع‌الاطراف بود، یکی از اطراف شخصیت ایشان همین بود: حساس بود. مثلاً بمجرد این که نسبت به قانون قصاص یک حرکتی انجام گرفت ـ که خوب، یک قانون بود ـ فوراً حساسیت امام مطلب را درک کرد؛ فهمید که معارضهٔ با قانون قصاص اسلامی،

معنایش چیست؛ و آن برخورد عجیب و قاطع را که یادتان هست، انجام داد. ما باید این جور باشیم؛ باید حساس باشیم.

روی مسألهٔ اصلی نظام و نقشهٔ نظام و کلیت نظام هیچ اهمالی را نباید روا بداریم. مسائل درجهٔ دویی وجود دارد که البته اینها را می‌توان حل کرد. حالا من دیدم مثلاً این روزها طرحی که در مجمع تشخیص است، مورد توجه است. البته معلوم است؛ این طرح وقتی که در مجمع تشخیص مطرح بشود، بالاخره نظر مجمع، نظر مشورتی است؛ این پیش ما خواهد آمد و آن چیزی را که معتقد ماست، اعمال می‌کنیم و به عنوان سیاست کلی گفته می‌شود. شکی نیست که شورای نگهبان وظائفی قانونی دارد. به این وظائف مصرّح در قانون اساسی ـ که نظارت بر انتخابات و تشخیص صلاحیتها و این چیزهاست ـ باید تعرض نشود. این چیزها را می‌شود اصلاح کرد. یعنی این قضیه را نباید مسألهٔ مورد بحث و مورد دعوا و نزاع قرار داد؛ اینها چیزهایی است که قابل اصلاح است. ممکن است در آن جا یک کسی خطایی هم بکند؛ خطا قابل جبران است. اینها مسائل اصلی نیست؛ **مسألهٔ اصلی همین مسائلی است که در طول این هشت نُه ماهِ بعد از انتخابات، محل اختلاف بوده است بین مجموعهٔ نظام اسلامی و مجموعهٔ کفر و استکبار، که این جا کسانی حرفهای آنها را تکرار کردند.**

آنها می‌خواهند نظام اسلامی، نظام دینی، نظام مبتنی بر اطاعت از خدا و رسول وجود نداشته باشد. هر آن چیزی که تضمین‌کنندهٔ اطاعت عمومی این نظام است، برای آنها دشمن محسوب می‌شود؛ علیه‌اش اقدام می‌کنند، علیه‌اش فعالیت می‌کنند، همهٔ تلاش خودشان را برای زدن آن متمرکز می‌کنند. این طرف قضیه بایستی تلاش و سعی خودش را بکند، برای این‌که همین ارکان اصلی را، این مبانی و مبادی اصلی را حفظ کند. مسألهٔ اصلی را نبایستی مغفولٌ‌عنه قرار داد.

صریح و روشن هم بایستی خطوط را مشخص کرد. یعنی آن کسانی که پایبند به نظام اسلامی و پایبند به حضور مردم ـ با همین انگیزه و ایمانی که مردم دارند ـ هستند، باید مرزشان با کسانی که دلشان نمی‌خواهد این حرکت به این شکل، اسلامی ادامه پیدا کند، مشخص شود. با قانون معارضه می‌کنند، با قانون مخالفت می‌کنند. باید این مرز هم، مرز روشن و واضحی باشد تا مردم دچار خطا و اشتباه نشوند. مردم به ماها نگاه می‌کنند؛ ما بایستی بدانیم که خط چه جوری است. این، اصل قضیه است. هر چیزی که مادون این است، قابل اغماض است، قابل حل است. ولو اختلاف نظری هم وجود داشته باشد، این اختلاف نظر نباید به معارضه و مجادله و مخاصمه بینجامد؛ که از این مخاصمات، دشمن سود می‌برد. حرف ما این است.

آن کسانی که این نقشهٔ کلی را که متبلور است در قانون اساسی و حکمیت قانون و داوری قانون، قبول دارند جزو مجموعهٔ نظام اسلامی هستند. آن کسانی که اینها را رد می‌کنند، کسانی‌اند که خودشان به دست خودشان صلاحیت حضور در نظام اسلامی را دارند از دست می‌دهند و صلاحیت ندارند. کسانی که حاضر نیستند قانون را تحمل کنند، کسانی که حاضر نیستند اکثریت را قبول کنند، کسانی که آن انتخابات عظیم ۴۰ میلیونی مایهٔ افتخار را زیر سؤال می‌برند، یک نقطهٔ قوّت را برای

نظام می‌خواهند تبدیل کنند به یک نقطهٔ ضعف، اینها درواقع دارند خودشان، خودشان را از این کشتی نجات ـ که نظام اسلامی است ـ بیرون می‌اندازند؛ والّا هیچ کس نمی‌خواهد کسی را از کشتی نجات بیرون بیندازد.

حضرت نوح نبی (علی نبیّنا و علیه‌السّلام) به فرزندش فرمود: «یا بنیّ ارکب معنا و لا تکن مع الکافرین». نظام اسلامی هم تأسیاً به حضرت نوح، به همه می‌گوید: بیایید با ما باشید، بیایید وارد این کشتی نجات شوید، «و لا تکن مع الکافرین». هدف و مبنا این است. ما هیچ کس را از نظام بیرون نمی‌کنیم؛ اما کسانی هستند که خودشان، خودشان را از نظام بیرون می‌کنند؛ خودشان را از نظام خارج می‌کنند.

امیدواریم که خدای متعال به ما توفیق بدهد تا بتوانیم نظام اسلامی را با همین کلیت و با همین جهت‌گیری درست که بحمدالله تا امروز آماده‌ایم، حفظ کنیم و بتوانیم به این نظام و به این مردم خدمت کنیم.

انسان وقتی نگاه می‌کند، می‌بیند آگاهی مردم، بصیرت مردم، احساس مسؤولیت مردم در قبال نظام اسلامی، حقیقتاً بی‌نظیر است. با این احساس مسؤولیت، با این احساس آمادگی، یقیناً اگر امروز یک حادثه‌ای مثل حادثهٔ دفاع مقدس در کشور ما پیش می‌آمد، کسانی که وارد میدان می‌شدند، از آن روز که در دفاع مقدس جوانهای ما می‌آمدند، بیشتر خواهد بود و کمتر نخواهد بود. انسان این را از این حرکت عظیم مردمی احساس می‌کند.

◆ پیوست ۳۱ ◆

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری
در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی (۱۳۸۹/۱/۱)

امسال سی و دومین سالی است که نظام جمهوری اسلامی تشکیل شده است؛ یعنی دومین سال از دهه‌ای است که اعلام شد دههٔ پیشرفت و عدالت است. شعار پیشرفت و عدالت، یک شعار محوری است؛ یک مطلب اساسی است؛ یک نیاز است. در این مرحله، هدف کلان ملت عزیز ما و مسؤولان باید پیشرفت و عدالت باشد. «پیشرفت» و «عدالت» دو خواسته‌ای است که انسانها به آن نیازمندند. پیشرفت، یعنی از لحاظ علم و عمل و آنچه که در دنیا برای یک جامعه لازم است، به نتایج مطلوب برسد. عدالت هم یعنی میان انسانها تبعیض وجود نداشته باشد، بی‌عدالتی نباشد، ظلم نباشد. هر دو خواسته، جزو خواسته‌های اساسی و اصلی و دیرین بشریت است، که تا تاریخ بشر وجود داشته است، این دو خواسته، خواستهٔ اصلی انسانها بوده است: پیشرفت و عدالت. این شعارها را می‌شود داد؛ مهم این است که کِی می‌شود به این شعارها عمل کرد. ما در نظام جمهوری اسلامی، این دههٔ چهارم را هنگام مناسب برای عمل در جهت رسیدن به این دو شعار یافتیم. پیشرفت را می‌شود به معنای حقیقی کلمه به دست آورد؛ عدالت را هم با رشدی که در جامعهٔ ما هست، با آگاهی و بصیرتی که مردم ما بحمدالله پیدا کرده‌اند، موانع را شناخته‌اند، اهداف را تشخیص داده‌اند، دوست و دشمن را امروز جوانهای ما تشخیص می‌دهند، اگر مسؤولی در پی عدالت باشد، می‌تواند در جامعهٔ ما مقدمات استقرا عدالت کامل را فراهم کند. البته این کار کوتاه‌مدت نیست، کار بلندمدت است. ...کشور آمادگیهای زیادی دارد.

عزیزان من! در این سی سال، ملت و کشور در همهٔ زمینه‌ها پیشرفت کرده است. زمینه برای یک حرکت عظیم و بنیانی، یک حرکت محسوس که اثر آن را در زندگی مردم بشود ملاحظه کرد، فراهم است. ما هم در زمینهٔ زیرساختهای اقتصادی پیشرفتهای زیادی کرده‌ایم. در زمینهٔ زیرساختهای ارتباطی و مواصلاتی کارهای بزرگی انجام گرفته است. در زمینهٔ پیشرفت علمی و فناوری، یک روند پرشتابی از چندی قبل تاکنون آغاز شده است. ملاحظه می‌کنید؛ در زمینه‌های علمی، جوانان ما، دانشگاهیان ما، برجستگان و نخبگان ما به یک مراحلی دست پیدا می‌کنند که برای یک کشوری که از مرحلهٔ دانش و تحقیق و فناوری و ابتکار علمی بسیار دور بوده است و فاصله داشته است، بسیار

چیزهای عجیبی است.

جوانان عزیز! امروز در کشور شما چیزهایی که ایران را در ردیف ده کشور اوّل دنیا قرار می‌دهد، یا در ردیف هشت کشور اوّل دنیا قرار می‌دهد، کم نیست. در بخشهای مختلف، در بخشهای علوم زیستی، علوم نانو، علوم فضایی، علوم گوناگون، شما می‌بینید دانشمندان کشور ـ که عمدتاً هم همین جوانان پرشور و پرشوق و پرنشاط هستند ـ توانسته‌اند کشور را به این‌جا برسانند که بگویند در این مقوله، ایران جزو هشت کشور دنیاست؛ در این مقوله، ایران جزو ده کشور اوّل دنیاست؛ یعنی این پیشرفت عظیمی است، این یک جایگاه مهمی است برای کشور.

در زمینهٔ اعتبار و اقتدار منطقه‌ای و بین‌المللی، امروز نظام جمهوری اسلامی و دستگاه اسلامی در کشور ما، آن‌چنان از اُبّهت و اهمیتی در چشم کشورها برخوردار است که دشمنان ما هم اعتراف می‌کنند که اعتبار بین‌المللی جمهوری اسلامی جزو برترین کشورهای همسطح خود و کشورهایی است که می‌توانند اثرگذار باشند. می‌توان گفت جمهوری اسلامی از لحاظ اعتبار بین‌المللی و سیاسی در منطقه، در درجهٔ اوّل قرار دارد. افرادی که بهترین تعبیر دربارهٔ آنها این است که انسان بگوید کوته‌بینند و دقّت نظر ندارند، می‌شنوید از آنها که گاهی این‌که فلان رئیس کشور مستکبر غربی یا فلان وزیر خارجه یا فلان مأمور بین‌المللی دربارهٔ ایران بدگویی‌ای کرده است، این را دلیل بی‌اعتباری نظام جمهوری اسلامی می‌شمارند؛ این خطاست. جمهوری اسلامی امروز در چشم ملتها، در چشم دولتها، حتّی در چشم دشمنان خودش دارای اعتبار و اقتدار است؛ یک دولت اثرگذار است. در مسائل جهانی، حضور نظام جمهوری اسلامی، یک حضور محسوس است؛ قابل مقاسه نیست با یک کشوری که از لحاظ وضع اقتصادی و وضع ثروت عمومی، در حد ایران است. ...چشم‌انداز روشنی تعیین شده است ـ یعنی سند چشم‌انداز بیست سالهٔ جمهوری اسلامی ـ این سند باارزشی است. دولتهایی که پشت سر یکدیگر با انتخاب مردم بر سر کار می‌آیند، می‌توانند بر اساس این سند چشم‌انداز، اهداف را مشخص کنند؛ هرکدام بخشی از راه را بروند و دنبالهٔ کار را به دولت بعدی بسپارند. وجود سند چشم‌انداز، یکی از امکانات باارزش نظام جمهوری اسلامی است ... .

سال گذشته، سال مهمی برای کشور ما بود. به نظر من ـ همان‌طور که در پیام نوروزی هم به ملت ایران عرض کردم ـ سال ۸۸، سال ملت ایران بود؛ سال پیروزی ملت ایران بود؛ سال حضور نمایان ملت ایران در عرصه‌های عظیم زندگی در نظام اسلام و در کشورمان بود. یک جا در ۲۲ خرداد ۴۰ میلیون نفر پای صندوقهای رأی آمدند؛ یعنی ۸۵ درصد شرکت مردم در انتخابات؛ این چیز بسیار مهمی است. یقیناً حضور مردم در مشروعیت یک نظام نقش دارد. آن کسانی که در غرب، مشروعیت خودشان را اساساً ناشی از حضور مردم می‌دانند و هیچ عامل دیگری را در آن دخیل نمی‌دانند، آنها یک چنین حضوری را الآن ندارند. در حدود زمان انتخابات ما، در کشور انگلیس انتخاباتی برگزار شد با حضور تقریباً ۳۰ درصد کسانی که می‌توانستند رأی بدهند. ۸۵ درصد کجا، ۳۰ درصد کجا؟! این حرکت مردمی، این حضور مردمی خیلی اهمیت دارد. تحلیلگران و مفسران سیاسی

مسائل دنیا از این چیزها به آسانی نمی‌گذرند. ممکن است در مطبوعاتشان این را منعکس نکنند؛ ممکن است سیاستمدارها در حرفهایشان که تبلیغ می‌شود، این را بر زبان نیاورند و کتمان کنند؛ اما در دلشان مؤثر است، می‌فهمند.

این ملت پای حرف خود ایستاده است. این یک حرکت عظیم بود از ملتمان. ملت توانستند در تاریخ کشور این را ثبت کنند که بعد از گذشت سی سال از استقرار نظام اسلامی ـ که نظامی بر پایهٔ اسلامیت و جمهوریت است و اینها از هم تفکیک‌ناپذیرند؛ آنهایی که این دو را از هم تفکیک می‌کنند، جمهوری اسلامی را نشناختند ـ آن‌چنان پایبند به مبانی این نظام هستند که در یک انتخاباتی با این شور و شوق، با این عظمت شرکت می‌کنند. خوب، این یک حرکت عظیم مردمی بود. در قبال این حرکت، دشمنان ملت ایران نقشه‌هایی داشتند؛ این نقشه‌ها را شروع کردند به عمل کردند. اگر حضور شما مردم در انتخابات ۲۲ خرداد سال ۸۸ یک حضور ضعیفی بود، اگر به جای ۴۰ میلیون، مثلاً ۳۰ میلیون شرکت کرده بودید، به احتمال زیاد دشمنان شما موفق می‌شدند. نقشه‌هایی از پیش طراحی شده بود. من کسی را متهم نمی‌کنم؛ اما هندسهٔ کار دشمن را می‌شناسم، می‌بینم، آن را تشخیص می‌دهم؛ نمی‌توانم آن را انکار کنم. هندسهٔ کار دشمن یک هندسهٔ مشخصی بود. نظیر این کار را در جاهای دیگر هم کردند. وقتی قدرتهای مستکبر بین‌المللی از یک نظامی ناراضی و ناخشنود باشند، یکی از راههایی که یافتند و عمل کردند، این است که منتظر یک فرصت انتخابات بشوند، بعد در آن فرصت انتخابات، اگر کسانی که مورد رضای آنها نیستند، بر سر کار آمدند، و آنهایی که آنها می‌خواهند بر سر کار نیامدند، آن وقت با یک حرکت نمایشی مردمی، اوضاع را برگردانند؛ با شعارهایی گروهی از مردم را توی صحنه بکشانند، با فشار بر صحنه خیابانها، آن چیزی را که با قانون به دست آمده است، با خشونت دگرگون کنند. این یک نقشهٔ شناخته شده است. اگر ملاحظه می‌کنید که حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمد، در ذهن مردم، در ذهن تحلیل‌گران مستقل و صادق و تیزبین منتصب به عوامل خارجی و بیرونی می‌شوند ناشی از این است. اگر کسی هیچ خبری هم از پشت پرده نداشته باشد اطلاعاتی که افراد صاحب اطلاع به دست می‌آوردند، اگر این اطلاع هم در دست نباشد، انسان شکل کار را که نگاه می‌کند می‌فهمد که این کار، کار دشمنان ملت است؛ کار بیگانگان است. انتخاباتی انجام می‌گیرد، یک حرکت قانونی اتفاق می‌افتد، یک نتیجه‌ای هم با خود به دنبال می‌آورد؛ این نتیجه را به زور به خشونت بخواهند عوض کنند. یک عده‌ای را بکشند توی صحنه؛ احیاناً اگر اقتضاء شد، خشونت هم بکنند، آتش‌سوزی هم راه بیندازند، بانک هم آتش بزنند، اتوبوس هم آتش بزنند، برای این‌که نتایج قانونی را برگردانند. خوب، این حرکتی است که هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است. پیداست این حرکت، حرکت هدایت‌شده‌ای از طرف بیگانگان است. یک‌چنین اتفاقی را می‌خواستند در کشور پیش بیاورند.

آزمون مهمی بود برای کشور. من به شما عرض بکنم، آزمون مهمی بود؛ هم عبرتهای زیادی داشت و هم درسهای زیادی داشت؛ و در این آزمون ملت ایران پیروز شد. آنها می‌خواستند مردم را

تقسیم کنند به یک گروه اقلیت، به یک گروه اکثریت؛ یک گروهی که برندهٔ انتخابات است؛، یک گروه هم که در انتخابات به نتیجهٔ مطلوب خود دست پیدا نکرده، اینها را در مقابل هم قرار بدهند. ملت را دوپارچه کنند؛ یک عده اغتشاشگر هم وارد میدان بشوند و با ایجاد اغتشاش، جنگ را در داخل کشور مغلوبه کنند، جنگ داخلی راه بیندازند؛ امیدشان این بود. اما ملت هوشیاری به خرج داد. شما دیدید در روز انتخابات، مردم به دو گروه سیزده چهارده میلیونی، و بیست و چهار پنج میلیونی تقسیم شدند؛ اما بعد از گذشت مدتی نه چندان بلند، همین دو گروه با هم یکی شدند و در مقابل شورشگران و اغتشاشگران و خرابکاران ایستادند. بیداری ملت را انسان این‌جا می‌شود بفهمد. می‌خواستند بین مردم اغتشاش ایجاد کنند. بدخواهانی که سی سال است علیه این انقلاب و علیه این مردم هر کاری توانستند بکنند. اگر آمریکاییها و انگلیسیها و صهیونیستها می‌توانستند نیرو وارد خیابانهای تهران بکنند، یقین بدانید می‌کردند. منتها می‌دانستند که این کار به ضررشان تمام می‌شود. تنها کاری که می‌توانستند بکنند، این بود که در صحنهٔ تبلیغات، در صحنهٔ سیاست جهانی، از آشوبگر، از اغتشاشگر حمایت کنند. رؤسای جمهور کشورهای مستکبر در این قضیه وارد میدان شدند؛ اغتشاشگران خیابانی و خرابکارانی را که با آتش زدن می‌خواهند موجودیت خودشان را نشان بدهند، ملت ایران نامیدند؛ شاید بتوانند اوضاع را آن‌چنان که طبق میل خودشان است، در افکار عمومی دنیا و کشورمان تصویر و ترسیم کنند؛ اما شکست خوردند.

قوی‌ترین و آخرین ضربه را ملت در روز ۹ دی و ۲۲ بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در ۲۲ بهمن، کار عظیمی بود؛ ۹ دی هم همین‌جور. یکپارچگی ملت آشکار شد. **همهٔ کسانی که در عرصهٔ سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آنها خوش‌بین هم بودند، تجدید نظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در ۲۲ بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از ۲۲ خرداد تا ۲۲ بهمن ـ هشت ماه ـ یک فصل پرافتخار و پرعبرتی برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد.** آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه‌ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینهٔ بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم ... ممکن است در هشت ماه از سال ۸۸ که اشتغالات فتنه‌انگیزان بعضی از ذهنها را به خود مشغول کرد، برخی از کارها نیمه‌کاره مانده باشد؛ باید جبران بشود. باید حرکت، یک حرکت سریعی باشد. عرصه‌های گوناگونی وجود دارد: عرصهٔ علم و تحقیق در درجهٔ اوّل دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی در همهٔ زمینه‌ها، علوم تجربی، علوم انسانی در همهٔ بخشهایی که برای کشور مورد نیاز است، بایستی همتشان را در تحقیق و علم افزایش بدهند؛ مراحل دورتری را در مقابل چشمشان و مد نظرشان قرار بدهند؛ کار را باید متراکم‌تر کنند.

من عرض کردم؛ باید جوانان ما همتشان این باشد که با گذشت یکی دو دههٔ دیگر، کشورشان را

یک مرجع علمی برای دانشمندان جهان قرار بدهند. پس این شد همت مضاعف و کار مضاعف در عرصهٔ علم و تحقیق . . . البته چالشهایی هم داریم، موانعی هم داریم. ما ملتی نیستیم که در دنیا هیچ‌کس با ما دشمنی نداشته باشد. آن ملتهایی دشمن ندارند که ارزش وجودی ندارند. ملتی که راهی دارد، هدفی دارد، کاری دارد، تلاشی می‌کند، دشمنانی هم پیدا می‌کند. البته دشمن داریم تا دشمن. دولت آمریکا هم در دنیا خیلی دشمن دارد؛ اما دشمن دولت آمریکا کیست؟ ملتها. ملتهایند که متنفرند، مکدّرند، از دولت آمریکا بدشان می‌آید. چرا؟ به خاطر این‌که دولت آمریکا سابقهٔ تجاوز و تعرض به کشورها از پنجاه سال، شصت سال قبل از این تا امروز در پرونده‌اش ثبت شده است. در طول پنجاه سال گذشته، دولت آمریکا نزدیک به شصت کشور را مورد تجاوز نظامی خودش قرار داده؛ این شوخی است؟ این کم است؟ خوب، پس او هم دشمن دارد، نظام جمهوری اسلامی هم دشمن دارد. دشمن نظام جمهوری اسلامی کیست؟ دولتهای مستکبر، سرمایه‌دارهای صهیونیست، دشمنان بشر، دستگاههای جاسوسی غدار و سفاک. بنابراین دشمن هست؛ این دشمنان فعالیت می‌کنند، تلاش می‌کنند.

ملت و مسؤولان کشور باید هوشیار باشند؛ محاسبهٔ این دشمنیها را بکنند؛ در مقابلهٔ با این دشمنیها، با تدبیر و با شجاعت عمل کنند. هم تدبیر لازم است، هم شجاعت لازم است. اگر شجاعت وجود نداشته باشد، در مقابل اُبّهت و هیبت و چهرهٔ عبوس دولتهای مستکبر، کسی دل خود را ببازد، قطعاً شکست‌خورده است. دولتهای مستکبر یکی از کارهایشان همین تشر زدن است؛ چهرهٔ عبوس گرفتن است؛ حق را ناحق کردن است. در مقابل اینها اگر شجاعتی وجود نداشته باشد، مسؤولان کشور اگر نتوانند در مقابلهٔ با این حرکتهای نمایشی خصمانه و مستکبرانه روی پای خودشان بایستند، قطعاً کلاهشان پس معرکه است؛ هم خود شکست می‌خورند، هم ملت را به شکست می‌کشانند. بنابراین شجاعت لازم است.

تدبیر هم لازم است. تدبیر یعنی آگاهی از آنچه که در برنامهٔ دشمن است، و تصمیم درست و بجا در مقابلهٔ با آن. دشمن به شکلهای مختلفی ظاهر می‌شود. شما امروز ملاحظه کنید؛ در مقابل ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی، صهیونیستها هستند، دولت آمریکا قرار دارد؛ گاهی لباس گرگ می‌پوشند، گاهی لباس روباه می‌پوشند؛ گاهی چهرهٔ خشن و خصمانهٔ خودشان را نشان می‌دهند، گاهی چهرهٔ فریبگرانه نشان می‌دهند؛ باید متوجه بود.

من سال گذشته، روز اوّل سال، در همین اجتماع عظیم به شما مردم عزیز گفتم: در مقابل اظهاراتی که رئیس‌جمهور جدید ایالات متحدهٔ آمریکا می‌کند و می‌گوید ما دست دوستی را دراز می‌کنیم، با نگاه تیزبین مسأله را دنبال خواهیم کرد. ما نگاه می‌کنیم ببینیم آیا واقعاً دست دوستی است؟ آیا واقعاً نیت، نیت دوستانه است یا نیت خصمانه در قالب الفاظ فریبگر؟ این برای ما خیلی مهم است. پارسال گفتم اگر در زیر دستکش مخملی، دست چدنی و پنجهٔ چدنی باشد، ما دستمان را دراز نمی‌کنیم؛ دوستی را قبول نمی‌کنیم. اگر با لبخندی که زده می‌شود، خنجری در پشت پنهان شده

باشد، ما حواسمان جمع است. متأسفانه آنچه که اتفاق افتاد، همان چیزی بود که حدس زده می‌شد. دولت آمریکا و همین تشکیلات جدید و رئیس‌جمهور جدید، با همهٔ ادعای علاقه‌مندی به روابط عادلانه و صحیح، که نامه هم نوشتند و پیغام هم دادند و در بلندگوها هم گفتند و در مجالس خصوصی هم تکرار کردند که ما می‌خواهیم با جمهوری اسلامی روابطمان را عادی کنیم، متأسفانه در عمل عکس این عمل کردند. در همین قضایای هشت ماه بعد از انتخابات، بدترین موضع را گرفتند. رئیس‌جمهور آمریکا اغتشاشگران و خرابکاران خیابانی را به عنوان جنبش مدنی معرفی کرد! آتش زدن بانک، آتش زدن اتوبوس، کتک زدن عابر بی‌گناه و بی‌خبر، کتک زدن خواهر و مادر شهید به خاطر این‌که چادر بر سر دارد، آتش زدن موتورسیکلت جوان چون محاسن دارد، اینها جنبش مدنی است؟! شما دم از حقوق انسان می‌زنید، دم از دموکراسی می‌زنید، اما حرکت عظیم مردم را در انتخاباتشان، در انتخابشان، در حضورشان در صحنه نمی‌بینید و ندیده می‌گیرید؛ طرف یک عده اخلالگر و اغتشاشگر را می‌گیرید؟! این را جنبش مدنی اسم می‌گذارید؟! خجالت نمی‌کشید؟! ادعا می‌کنند که ما طرفدار حقوق بشریم، احساس مسؤولیت نسبت به حقوق بشر می‌کنیم! شما در موقعیتی نیستید که با کسی دربارهٔ حقوق بشر بحث کنید. شما در کدام‌یک از اقدامات خودتان در این چند سال نسبت به گذشته تغییر ایجاد کردید؟ در افغانستان کشتار را کم کردید؟ در عراق دخالتتان را کم کردید؟ از کشتار فاجعه‌آمیز مردم در غزه و کشتن کودکان حمایت نکردید که ادعای طرفداری از حقوق بشر می‌کنید؟

من امروز بار دیگر اعلام می‌کنم؛ دولتهایی که با حالت استکباری، با روحیهٔ استکباری بخواهند با ملت ایران و با مسؤولین جمهوری اسلامی مواجه بشوند، بدانند از سوی ملت ایران و از سوی مسؤولین جمهوری اسلامی محکوم و مردود هستند. شما نمی‌توانید دم از میل به صلح و دوستی بزنید، اما در همان حال توطئه کنید، فتنه بکنید؛ به خیال خودتان بخواهید به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنید.

ملت بیدار است. مسؤولین بیدارند. تدبیر این است که رفتار خصم را انسان زیر نظر بگیرد، ببیند چه می‌خواهند بکنند. نه در لباس گرگ، نه در لباس روباه، از چشم ملت ایران نبایستی اینها پوشیده و مخفی بمانند، ناشناخته بمانند. ملت ایران بایستی هوشیارانه تصمیم بگیرند، و ما ان‌شاءالله به توفیق الهی هوشیارانه تصمیم می‌گیریم. ما منافع ملت خود را در مقابل تشر و اخم دشمنان، هرگز رها نخواهیم کرد. آنچه را که در راه پیشرفت این ملت لازم است، اقدام می‌کنیم و مطمئنیم و می‌دانیم که این ملت پیروز است؛ همچنان که در این سی سال پیروز بوده است. دشمنان ما در این سی سال آنچه به ملت ایران انجام داده‌اند، شکست خوردند؛ نتوانستند به نظام جمهوری اسلامی ضربه و لطمه بزنند؛ نتوانستند مردم را از نظام جدا کنند. بعد از این هم همین خواهد بود. بعد از این هم به توفیق الهی، به حول و قوهٔ الهی، سرنوشت ملت ایران پیروزی و پیشرفت است؛ سرنوشت دشمنان ملت ایران شکست و عقب‌ماندگی است.

پیوست ۳۲

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری در منطقه عملیاتی فتح‌المبین (۱۳۸۹/۱/۱۱)

من می‌خواهم به شما بگویم: جوانهای عزیز! همیشه همین‌طور است؛ همیشه عزم راسخ شما، هوشمندی و بصیرت شما، ایستادگی و قاطعیت و شجاعت شما می‌تواند همهٔ دشمنان را هر چند به ظاهر بزرگ و نیرومند باشند، به شکست بکشانند. امروز هم همین‌جور است؛ فردا هم همین‌جور است. ملت ایران اگر بخواهد به اوج سعادت دنیا و آخرت برسد ـ که می‌خواهد و ان‌شاءالله خواهد رسید ـ راهش عبارت است از شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ، ارادهٔ مستحکم از سوی زن و مرد؛ و همهٔ اینها متکی بر ایمان، ایمان اسلامی. آن چیزی که ضامن این عزم و همت راسخ در رزمندگان ما بود، ایمان قلبی‌شان بود. دین را، خدا را، قیامت را، مسؤولیت انسانی در مقابل خدا را باور داشتند؛ این باور در هر ملتی، در هر جامعه‌ای وجود داشته باشد، او را آسیب‌ناپذیر می‌کند؛ می‌توانند مقاومت کنند.

برادران و خواهران عزیز! امروز ما از روزهای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بمراتب جلوتریم، بمراتب قوی‌تریم، بمراتب نفوذ ملت ایران در دنیای اسلامی گسترده‌تر است؛ امروز ما تواناتریم. ملت ایران این توانایی را به برکت ایستادگیها به دست آورده. امروز هم توطئه زیاد است؛ لکن ملت ایران با ایستادگی خود، به توطئهٔ دشمن پوزخند می‌زند و راه خود را با استواری طی می‌کند.

آنچه مهم است این است که ملت ایران این مقطع تاریخی حساس ـ مقطع دفاع مقدس ـ را هرگز فراموش نکند و سالهای پرمحنت، ولی پرافتخار دوران جنگ تحمیلی را هرگز از یاد نبرید. این آمدنها، این اظهار ارادتها، این یادبود گرفتنها، کمک می‌کند به این‌که این یادها در ذهنها زنده بماند. من از این حرکت راهیان نور ـ که چند سال است بحمدالله روزبه‌روز هم در کشور توسعه پیدا کرده ـ بسیار خرسندم و این حرکت را حرکت بسیار بابرکتی می‌دانم. و معتقدم این مقطع حساس برای ما یک تجربه است. شما جوانهای امروز اگر آن روز هم بودید، توی این میدان، با عزم راسخ حاضر می‌شدید.

امروز هم در میدان علم، میدان سیاست، میدان تلاش و کار، میدان همبستگی ملی و میدان بصیرت، شما جوانها پایمردی خودتان را نشان دادید، ایستادگی خودتان را ثابت کردید. گاهی اوقات

جنگ نظامی آسانتر از جنگ فکری است؛ آسانتر از جنگ در عرصه‌های سیاسی است. ملت ایران نشان داد که در جنک عرصه‌های سیاسی و امنیتی، بصیرتش و ایستادگی‌اش از ایستادگی در جنگ نظامی کمتر نیست. لذا جوانهای ما بحمدالله جوانهای لایق، ساخته و پرداخته‌ای هستند که باید به این مقدار هم اکتفا نکنند؛ همت مضاعف، کار مضاعف. همتتان را بلند کنید. ملت ایران باید عقب‌افتادگیهای دورانهای طولانی استبداد در این کشور و دخالت خارجی و نفوذ خارجی را جبران کند. بنده اطمینان راسخ دارم به این که جوان امروز کشور عزیز ما در سطح عالم، کم‌نظیر یا بی‌نظیر است. و این نوید آیندهٔ کشور است. ان‌شاءالله شما جوانها آن روزی را خواهید دید که کشورتان از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی، از لحاظ نفوذ بین‌المللی، در سطحی باشد که شایستهٔ ایران اسلامی و شایستهٔ ملت بزرگ ایران است.

ـ‹› پیوست ۳۳ ‹›ـ

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار با جمعی از مسؤولان نظام جمهوری اسلامی (۱۳۸۹/۱/۱۶)

از لحظه‌لحظهٔ روزهای مسؤولیت من و شما سؤال خواهد شد. از همه سؤال خواهد شد؛ منتها آن کسی که بار سنگینی بر دوشش نیست، مثل آن کسی است که مال زیادی ندارد؛ از او حساب بخواهند، سرانگشتی یک چند قلم بیان خواهد کرد، خلاص خواهد شد. آن کسی که مال زیاد دارد، اندوخته‌ای دارد، رشته‌های گوناگون درآمدی دارد، طبعاً اگر از او حساب بخواهند، با یک کلمه و دو کلمه، این حساب تمام نمی‌شود. اگر طرف حساب، دقیق باشد و بخواهد مو را از ماست بکشد و بخواهد سختگیری کند، بخواهد با عدالت رفتار کند، طبعاً خیلی مشکل خواهد شد؛ قدم‌به‌قدم این را بایست جواب داد: این پول را از این‌جا به دست آوردیم، این‌جا خرج کردیم، به این دلیل به دست آوردیم، به این دلیل خرج کردیم. مسؤولیت هم همین‌جور است. حالا الحمدلله شماها علی‌الظاهر افراد مالدار و پولدار و ثروتمندی نیستید ـ ان‌شاءالله که نباشید ـ لیکن سنگینی مسؤولیت شما از سنگینی آن مال بیشتر است. از ما سؤال می‌کنند: در فلان قضیه، شما مسؤولیتتان چه بود؟ جزئیات مسؤولیت را چطور ادا کردید؟ طول می‌کشد تا شرح بدهیم، تا بیان کنیم، تا عذر بیاوریم . . . البته یک حرف هست که آن را می‌شود در پیشگاه خدای متعال عرضه کرد؛ و آن این است که من به قدر توان خودم تلاش کردم. اگر بتوانیم این را بگوییم، خوب است. به قدری که می‌فهمیدم، به قدری که می‌توانستم و می‌دانستم، تلاش کردم؛ دیگر حالا کم و زیاد و نقص و مشکل و کمبود و اینهایش را عفو کن؛ این‌جوری می‌شود. پس باید همت‌مان را بگماریم به این‌که از همهٔ نیرو و توان و استعداد و ظرفیت استفاده کنیم. البته هر انسانی ضعفی دارد، مشکلی دارد، کمبودی دارد؛ اینها را هم به خدا محول کنیم؛ لیکن تلاش خودمان را بکنیم، از ظرفیت کم نگذاریم . . . خوب، حالا شما آقایان و خانمهایی که این‌جا تشریف دارید، مسؤولین هستید و این حرفهایی که ما به شما عرض می‌کنیم، حرفهایی است که خود شماها به مردم می‌گویید؛ حرفهای جدیدی برای شماها نیست؛ تذکر است دیگر. انسان احتیاج دارد به تذکر. در یادآوری، نتایج بزرگی هست که در دانستن، آن نتایج نیست. خیلی چیزها را انسان می‌داند، اما باید مرتب به انسان یادآوری بشود. توجه کنیم که ما کجا هستیم، چه کار داریم می‌کنیم، هدف چیست؟ . . . یکی از چیزهایی که خیلی مهم است ـ چون حالا تقریباً

همهٔ مسؤولین قوا، از هر سه قوّه این‌جا تشریف دارید ـ یکپارچگی در حرکت است؛ ولو یکپارچگی در فکر و نظر و سلیقه نباشد، که نه ممکن است، نه آن قدر هم مطلوب است. اختلاف سلائق و اختلاف نظرات به مباحثه می‌انجامد و مباحثه به کشف عرصه‌های جدید منتهی می‌شود. بنابراین ما هیچ توصیه نمی‌کنیم که حتماً همه در همه مسائل یکسان فکر کنند، نه اصلاً ممکن هم نیست و امکان ندارد. اختلاف در نظر و در سلیقه و در فکر و در فهم، خودش از اوّل خلقت بشر وسیله‌ای شده است برای پیشرفت انسان امّا با وجود آن اختلافاتی که وجود دارد، هماهنگی در حرکت لازم است. اگر کاورانی باشد، افراد کاروان بین خودشان اختلافاتی داشته باشند، بحثی داشته باشند، دعوایی داشته باشند، مباحثهٔ علمی داشته باشند. مباحثهٔ سیاسی داشته باشند، مباحثهٔ در مسائل گوناگون و روزمره داشته باشند، با هم بحث کنند ـ این ایرادی ندارد ـ به نتیجه رسیدند، چه بهتر؛ به نتیجه هم نرسیدند، نرسیدند؛ ایرادی ندارد؛ اما این حرکتی که دارد انجام می‌گیرد، متوقف نشود. این‌جور نباشد که این مباحثه موجب بشود که وسیلهٔ راهواری که زیر پایشان است، این را از کار بیندازند، مشغول مباحثه شوند؛ یا احیاناً بگویند حالا که در این مسألهٔ علمی به نتیجهٔ واحدی نرسیدیم، پس تو از آن راه برو، من از این راه؛ نه آقا، داریم می‌رویم؛ هدف مشخص است. سه قوّه باید این‌جوری حرکت کنند. دوستان عزیز! برادران و خواهران عزیز که در سه قوّه تشریف دارید! مراقب باشید وحدت حرکت، یکپارچگی در حرکت و در تصمیمهای بزرگ، حفظ شود؛ اختلافات به اختلافات در کار اساسی نینجامد.

پیوست ۳۴

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار با گروه کثیری از پرستاران نمونه کشور (۱۳۸۹/۲/۱)

خوب، در جمهوری اسلامی روز پرستار را با ولادت حضرت زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) برابر قرار داده‌اند؛ این هم معنای بزرگی دارد. زینب کبری یک نمونهٔ برجستهٔ تاریخ است که عظمت حضور یک زن را در یکی از مهمترین مسائل تاریخ نشان می‌دهد. این‌که گفته می‌شود در عاشورا، در حادثهٔ کربلا، خون بر شمشیر پیروز شد ـ عامل این پیروزی، حضرت زینب بود؛ و الّا خون در کربلا تمام شد. ... آنچه که از بیانات زینب کبری باقی مانده است و امروز در دسترس ماست، عظمت حرکت حضرت زینب کبری را نشان می‌دهد. خطبهٔ فراموش‌نشدنی زینب کبری در بازار کوفه یک حرف زدن معمولی نیست، اظهار نظر معمولی یک شخصیت بزرگ نیست؛ یک تحلیل عظیم از وضع جامعهٔ اسلامی در آن دوره است که با زیباترین کلمات و با عمیق‌ترین و غنی‌ترین مفاهیم در آن شرایط بیان شده است. قوّت شخصیت را ببینید؛ چقدر این شخصیت قوی است. دو روز قبل در یک بیابان، برادر او را، امام او را، رهبر او را با این همه عزیزان و جوانان و فرزندان و اینها از بین برده‌اند، این جمع چند ده نفرهٔ زنان و کودکان را اسیر کرده‌اند، آورده‌اند در مقابل چشم مردم، روی شتر اسارت، مردم آمده‌اند دارند تماشا می‌کنند، بعضی هلهله می‌کنند، بعضی هم گریه می‌کنند؛ در یک چنین شرایط بحرانی، ناگهان این خورشید عظمت طلوع می‌کند؛ همان لحنی را به کار می‌برد که پدرش امیرالمؤمنین بر روی منبر خلافت در مقابل امت خود به کار می‌برد؛ همان جور حرف می‌زند، با همان جور کلمات، با همان فصاحت و بلاغت، با همان بلندی مضمون و معنا: «یا اهل الکوفه، یا اهل الغدر و الختل» ای خدعه‌گرها، ای کسانی که تظاهر کردید! شاید خودتان باور هم کردید که دنباله‌رو اسلام و اهل بیت هستید، اما در امتحان این‌جور کم آوردید. در فتنه این‌جور کوری نشان دادید. «هل فیکم الّا الصّلف و العجب و الشّنف و الکذب و ملق الاماء و غمز الاعداء»؛ شما رفتارتان، زبانتان با دلتان یکسان نبود. به خودتان مغرور شدید، خیال کردید، ایمان دارید، خیال کردید همچنان انقلابی هستید، خیال کردید همچنان پیرو امیرالمؤمنین هستید، در حالی که واقع قضیه این نبود. نتوانستید از عهدهٔ مقابله با فتنه بربیایید، نتوانستید خودتان را نجات دهید. «مثلکم کمثل الّتی نقضت غزلها من بعد قوّة انکاثا»؛ مثل آن کسی شُدید که پشم را می‌ریسد، تبدیل به نخ می‌کند، بعد نخها را دوباره باز می‌کند،

تبدیل می‌کند به همان پشم یا پنبهٔ نریسیده. با بی‌بصیرتی، با نشناختن فضا، با تشخیص ندادن حق و باطل، کرده‌های خودتان را، گذشتهٔ خودتان را باطل کردید. ظاهر، ظاهر ایمان، دهان پر از ادعای انقلابیگری؛ اما باطن، باطن پوک، باطن بی‌مقاومت در مقابل بادهای مخالف. این آسیب‌شناسی است.

پیوست ۳۵

بخشی از بیانات مقام معظّم رهبری
در دیدار با کارگران نمونه سراسر کشور (۱۳۸۹/۲/۸)

در نظام اسلامی، در جمهوری اسلامی عزیز کشورمان، قشر کارگر از اوّل انقلاب تا امروز، یک امتحان بسیار خوبی پس داده است. در دوران جنگ تحمیلی، همهٔ کسانی که بودند، شاهد بودند و دیدند حضور قشر عظیم کارگر را، کارگر شهری و روستایی را، کارگر صنعتی و کشاورزی را، کارگرهای خدماتی و غیره را؛ حضور اینها را در عرصه‌های نظامی یا در عرصه‌های پشتیبانی نظامی، همه مشاهده کردند و دیدند که کارگران ما در آن هشت سال نقش‌آفرینی کردند. غیر از آن، از اوّل انقلاب تا امروز، کارگران در نظام جمهوری اسلامی، یکی از بهترین امتحانها را پس دادند. می‌دانید قشر کارگر و شعارهای سیاسی‌ای که در دنیا برای قشر کارگر فراهم می‌شود، همیشه یکی از اهرمهای فشار بر ضد حکومتهاست. در نظام جمهوری اسلامی، از اوّل دشمنانی سعی کردند از این اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند... . سی سال است که آنها تلاش می‌کنند از این اهرم علیه نظام جمهوری اسلامی استفاده کنند، و سی سال است که کارگران کشور ما توی دهن آنها می‌زنند. این، شناخت ما از قشر کارگر است. این، صمیمیت بین قشر کارگر و نظام اسلامی است، که تکیه دارد بر ایمان؛ تکیه دارد بر آن پایهٔ مستحکمی که نظام اسلامی بر اساس آن به وجود آمده است. لذاست که حرکت مجموعهٔ کشور، در جهت تولید، با محوریت کارگر و تولیدکنندگان کار ـ اعم از کارگر و کارفرما ـ پیش خواهد رفت و نمی‌توانند اخلالی به وجود بیاورند . . . منتها بایستی همهٔ دقّت لازم را در این‌جا بکنند.

بشر موجود عجیبی است عزیزان من! گاهی عبادت و نماز شب هم می‌شود وسیلهٔ نفوذ شیطان، وسیلهٔ فریب نفسِ خود انسانی که دارد نماز شب می‌خواند! همهٔ ایده‌های خوب، همهٔ فکرهای خوب و شریف می‌تواند منفذی بشود برای شیطان. سیاستهای اصل ۴۴ خیلی خوب است، خیلی لازم است و حتماً باید با گسترش تمام اجرا شود؛ اما مراقب باشند مثل آن نماز شبِ دام شیطان نشود. از این‌جا هم ممکن است شیطانها نفوذ کنند. بارها گفته‌ام؛ آدمهای سوءاستفاده‌چی، قانوندانهای قانون‌شکن، کسانی که بلدند چه جوری سر مأمور و مسؤول و رئیس و مرؤوس و آدم کوچه و بازار را بپیچانند، برای این‌که به یک طعمه‌ای دست پیدا کنند؛ اینها کارخانه را بخرند، بعد به بهانه‌های

گوناگون کارخانه را زمینگیر کنند، کارگرها را بیکار کنند؛ بعد از ماشین‌آلات فرسودهٔ همان کارخانه، پول فروشش را دربیاورند، از زمین آن کارخانه هم به میلیاردها و آلاف و الوف برسند؛ از این کارها شده است، می‌شود؛ باید همه حواسشان جمع باشد . . . دنیایی هم که در مقابل ایران صف‌آرایی می‌کند و دندان نشان می‌دهد و پنجهٔ خونین حواله می‌کند و بداخلاقی می‌کند و در همهٔ جاهایی که دستش برسد، می‌خواهد یک اشکالی ایجاد کند، دنیای استکباری است؛ دنیای تحت تأثیر و در مشت نظام سرمایه‌داری ظالم و ستمگر است. این را نمی‌تواند تحمل کند، چون این از قاعدهٔ آنها خارج است؛ لذا با او دشمنی می‌کند، که می‌بینید دشمنیها را در این سی سال. آنچه که کم نبوده و همه دیده‌انـد و چشمشان پر است، دشمنیها و عنادها و خباثتهای دشمنان ماست. آنها نتوانستند کاری بکنند، بعد از این هم مطمئن باشید هیچ کاری نمی‌توانند بکنند.

پیوست ۳۶

خطبه‌های نمازجمعهٔ تهران در حرم امام خمینی(ره) (۱۳۸۹/۳/۱۴)

امروز دربارهٔ امام بزرگوار در خطبه‌های اوّل عرایضی را عرض می‌کنم؛ نگاه به امام از منظر یک شاخص. این نگاه از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که چالش اصلی همهٔ تحولات بزرگ اجتماعی - از جمله انقلابها - صیانت از جهتگیریهای اصلی این انقلاب یا این تحول است. این مهمترین چالش هر تحول عظیم اجتماعی است که هدفهایی دارد و به سمت آن هدفها حرکت و دعوت می‌کند. این جهتگیری باید حفظ شود. اگر جهتگیری به سمت هدفها در یک انقلاب، در یک حرکت اجتماعی صیانت نشود و محفوظ نماند، آن انقلاب به ضد خود تبدیل خواهد شد؛ در جهت عکس اهداف خود عمل خواهد کرد. ... تغییر جهتگیریها و منحرف شدن از راه اصلی - که هویت اصلی هر انقلابی به آن جهتگیریهاست و درواقع، سیرت انقلابها همین جهتگیریهای اصلی است - بکلی راه را عوض می‌کند و این انقلاب به هدفهای خود نمی‌رسد. اهمیت این قضیه از این باب است که تغییر جهتگیریها تدریجی است، نامحسوس است؛ این‌جور نیست که از اوّل کار، این تغییر جهتگیری با ۱۸۰ درجه اتفاق بیفتد؛ اوّل با زاویه‌های خیلی کوچکتر، این تغییر شروع می‌شود؛ هرچه ادامه پیدا می‌کند، فاصلهٔ راه اصلی - که صراط مستقیم است - با این انحراف، روزبه‌روز بیشتر می‌شود. این یک جهت است.

جهت دیگر این است که آن کسانی که در پی تغییر هویت انقلاب برمی‌آیند، معمولاً به پرچم رسمی و با تابلو جلو نمی‌آیند؛ آن‌چنانی حرکت نمی‌کنند که معلوم بشود اینها دارند با این حرکت مخالفت می‌کنند؛ حتّی گاهی به عنوان طرفداری از حرکت انقلاب، یک اقدامی می‌کنند، یک اظهاری می‌کنند، کاری می‌کنند، زاویه ایجاد می‌کنند؛ انقلاب از جهتگیری خود بکلی دور می‌افتد، برکنار می‌شود.

برای این‌که این جهتگیری غلط و این انحراف اتفاق نیفتد، احتیاج به شاخصهای معینی هست. باید سر راه، شاخصهایی وجود داشته باشد. اگر این شاخصها بود، روشن بود، واضح بود، در معرض دید مردم بود، انحراف اتفاق نمی‌افتد؛ اگر کسی هم در جهت انحراف کار کند، از نظر تودهٔ مردم شناخته می‌شود؛ اما اگر شاخصی وجود نداشت، آن وقت خطر جدی خواهد شد.

خوب، شاخص در انقلاب ما چیست؟ این خیلی مهم است. سی سال است که ما در جهت این انقلاب حرکت می‌کنیم. ملت ما بصیرت به خرج دادند، شجاعت به خرج دادند، حقاً و انصافاً لیاقت به

خرج دادند. این انقلاب را سی سال است شما دارید جلو می‌برید؛ اما خطر وجود دارد. دشمن انقلاب، دشمن امام بیکار نمی‌نشیند؛ سعی می‌کند این انقلاب را از پا دربیاورد. چه جور؟ با منحرف کردن راه انقلاب. بنابراین لازم است ما شاخص داشته باشیم.

من عرض می‌کنم بهترین شاخصها، خود امام و خط امام است. امام بهترین شاخص برای ماست. اگر این تشبیه با همهٔ فاصله‌ای که وجود دارد، به نظر برسد، عیبی ندارد که تشبیه کنیم به وجود مقدس پیغمبر که قرآن می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول‌الله اسوة حسنة لمن کان یرجوا الله و الیوم الاخر». خود پیغمبر اسوه است؛ رفتار او، کردار او، اخلاق او. ...در مورد امام بزرگوار که شاگرد این مکتب و دنباله‌رو راه انبیای عظام است، همین معنا صدق می‌کند. خود امام برجسته‌ترین شاخصهاست؛ رفتار امام، گفتار امام. خوشبختانه بیانات امام در دسترس است، تدوین شده است. وصیتنامهٔ امام آشکارا همهٔ مافی‌الضمیر امام را برای آیندهٔ انقلاب تبیین می‌کند. نباید اجازه داد این شاخصها غلط تبیین شوند، یا پنهان بمانند، یا فراموش بشوند. اگر این شاخصها را ما بد تبیین کردیم، غلط ارائه دادیم، مثل این است که یک قطب‌نما را در یک راه از دست بدهیم، یا قطب‌نما از کار بیفتد. فرض کنید در یک مسیر دریایی یا یک بیابان که جاده‌ای هم وجود ندارد، قطب‌نمای انسان آسیب ببیند و از کار بیفتد؛ انسان متحیر می‌ماند. اگر نظرات امام، بد بیان شد، بد تبیین شد، مثل این است که قطب‌نما از کار بیفتد، راه گم می‌شود هرکسی به سلیقهٔ خود، به میل خود حرفی می‌زند. بدخواهان هم در این میان از فرصت استفاده می‌کنند، راه را جوری تبیین می‌کنند که ملت به اشتباه بیفتد.

مواضع امام بایستی به طور روشن و واضح ـ همان‌طور که خود او گفت، همان‌طور که خود او نوشت ـ تبیین شود؛ این ملاک راه امام و خط امام و صراط مستقیم انقلاب است. یک نفر صریح می‌گوید من امام را قبول ندارم ـ این بحث دیگری است ـ خیلی خوب، پیروان امام و طرفداران امام با کسی که صریح بگوید من امام را قبول ندارم، راه او را غلط می‌دانم، حسابشان روشن است؛ اما اگر قرار است در خط امام، با اشارهٔ انگشت امام، این انقلاب پیش برود، باید معلوم باشد، روشن باشد و مواضع امام بزرگوارمان بدرستی تبیین شود.

نباید برای خوشامد این و آن، برخی از مواضع حقیقی امام را یا انکار کرد، یا مخفی نگه داشت. بعضی این‌جور فکر می‌کنند ـ و این فکر غلطی است ـ که برای این‌که امام پیروان بیشتری پیدا کند، کسانی که مخالف امام هستند، آنها هم به امام علاقه‌مند شوند، بایستی ما بعضی از مواضع صریح امام را یا پنهان کنیم یا نگوییم یا کمرنگ کنیم؛ نه، **امام هویتش، شخصیتش به همین مواضعی است که خود او با صریح‌ترین بیانها، روشن‌ترین الفاظ و کلمات، آنها را بیان کرد. همینها بود که دنیا را تکان داد. همین مواضع صریح بود که توده‌های عظیم را مشتاق ملت ایران و بسیاری را پیرو ملت ایران کرد.** این نهضت عظیم جهانی که شما امروز در گوشه و کنار دنیای اسلامی نشانه‌های آن را می‌بینید، از این طریق به راه افتاد.

امام را صریح باید آورد وسط میدان. مواضعش بر علیه استکبار، مواضعش بر علیه ارتجاع،

مواضعش بر علیه لیبرال دموکراسی غرب، مواضعش بر علیه منافقین و دورویان را باید صریح گذاشت. کسانی که تحت تأثیر آن شخصیت عظیم قرار گرفتند، این مواضع را دیدند و تسلیم شدند. نمی‌شود به خاطر این‌که زید و عمرو از امام خوششان بیاید، ما مواضع امام را پنهان کنیم یا پوشیده کنیم یا آن چیزهایی که به نظرمان تند می‌آید، کمرنگ کنیم. عده‌ای در یک دورانی ـ که ما آن دوران را به یاد داریم؛ دوران جوانیهای ما ـ برای این‌که اسلام علاقه‌مندان و طرفدارانی پیدا کند، بعضی از احکام اسلامی را کمرنگ می‌کردند، ندیده می‌گرفتند؛ حکم قصاص را، حکم جهاد را، حکم حجاب را انکار و پنهان می‌کردند، می‌گفتند اینها از اسلام نیست، قصاص از اسلام نیست، جهاد از اسلام نیست، برای این‌که فلان مستشرق یا فلان دشمن مبانی اسلامی از اسلام خوشش بیاید! این غلط است. اسلام را با کلیتش بایستی بیان کرد.

امام منهای خط امام، آن امامی نیست که ملت ایران به نفس او، به هدایت او جانشان را کف دست گرفتند، فرندزانشان را به کام مرگ فرستادند، از جان و مالشان دریغ نکردند و بزرگترین حرکت قرن معاصر را در این نقطهٔ عالم به وجود آوردند. امام منهای خط امام، امام بی‌هویت است. سلب هویت از امام، خدمت به امام نیست. مبانی امام، مبانی روشنی بود. این مبانی ـ اگر کسی نخواهد مجامله کند، تعارف کند ـ در کلمات امام، در بیانات امام، در نامه‌های امام، و بخصوص در وصیتنامهٔ امام ـ که کوتاه‌شدهٔ همهٔ آن مواضع است ـ منعکس است. این مبانی فکری همان چیزی است که آن موج عظیم و سهمگین را علیه غارتگریهای غرب و یکه‌تازیهای آمریکا در دنیا به وجود آورد. شما خیال می‌کنید این‌که رئیس‌جمهورهای گوناگون آمریکا به هر کشوری از این کشورهای آسیا و خاورمیانه سفر کردند، حتّی در بعضی از کشورهای اروپایی مردم جمع شدند و علیه آنها شعار دادند، همیشه این‌جور بود؟ نه، این حرکت امام بود، افشاگری امام بود، موضعگیری امام بود که استکبار را رسوا کرد، صهیونیسم را رسوا کرد، و روح مقاومت را در ملتها و بخصوص در جوامع اسلامی زنده کرد.

این کج‌اندیشی است که ما مواضع امام را انکار کنیم. این کج‌اندیشی را هم متأسفانه بعضاً کسانی انجام می‌دهند که یک وقتی خودشان جزو مروجان افکار امام بودند یا جزو پیروان امام بودند. حالا به هر دلیلی راهها کج می‌شود، هدفها گم می‌شود، یک عده‌ای برمی‌گردند؛ بعد از آن‌که سالهای متمادی برای امام و برای این هدفها حرف زدند و حرکت کردند، در مقابل این اهداف و این مبانی می‌ایستند و آن حرفها را می‌زنند!

خوب، خط امام اجزایی دارد. مهمترین آنچه که در مورد خط امام و راه امام می‌شود گفت، چند نکته است که من عرض می‌کنم. و بخصوص به جوانها عرض می‌کنم: بروید وصیتنامهٔ امام را بخوانید. امامی که دنیا را تکان داد، امامی است که در این وصیتنامه منعکس است، در این آثار و گفتار منعکس است.

اوّلین و اصلی‌ترین نقطه در مبانی امام و نظرات امام، مسألهٔ اسلام ناب محمّدی است؛ یعنی اسلام ظلم‌ستیز، اسلام عدالتخواه، اسلام مجاهد، اسلام طرفدار محرومان، اسلام مدافع حقوق

پابرهنگان و رنجدیدگان و مستضعفان. در مقابل این اسلام، امام اصطلاح «اسلام آمریکایی» را در فرهنگ سیاسی ما وارد کرد. اسلام آمریکایی یعنی اسلام تشریفاتی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل ظلم، در مقابل زیاده‌خواهی، اسلام بی‌تفاوت در مقابل دست‌اندازی به حقوق مظلومان، اسلام کمک به زورگویان، اسلام کمک به اقویا، اسلامی که با همهٔ اینها می‌سازد. این اسلام را امام نامگذاری کرد: اسلام آمریکایی.

فکر اسلام ناب، فکر همیشگی امام بزرگوار ما بود؛ مخصوص دوران جمهوری اسلامی نبود؛ منتها تحقق اسلام ناب، جز با حاکمیت اسلام و تشکیل نظام اسلامی امکانپذیر نبود. اگر نظام سیاسی کشور بر پایهٔ شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزهٔ واقعی و حقیقی بکند. لذا امام حراست و صیانت از جمهوری اسلامی را اوجب واجبات می‌دانست. اوجب واجبات، نه از اوجب واجبات. واجب‌ترین واجبها، صیانت از جمهوری اسلامی است؛ چون صیانت اسلام ـ به معنای حقیقی کلمه ـ وابستهٔ به صیانت از نظام سیاسی اسلامی است. بدون نظام سیاسی، امکان ندارد.

امام جمهوری اسلامی را مظهر حاکمیت اسلام می‌دانست. برای همین، امام جمهوری اسلامی را دنبال کرد در راهش آن همه تلاش کرد و با آن شدّت و حدّت و اقتدار پای جمهوری اسلامی ایستاد. امام که دنبال قدرت شخصی نبود؛ امام دنبال این نبود که خودش بتواند قدرتی پیدا کند. مسألهٔ امام، مسألهٔ اسلام بود؛ لذا پای جمهوری اسلامی ایستاد. این مدل نو را امام به دنیا عرضه کرد؛ یعنی مدل جمهوری اسلامی.

اساسی‌ترین مسأله در جمهوری اسلامی، مبارزه با حاکمیتهای زورگویانه و اقتدارطلب دنیاست که در شکلهای مختلف خودش را نشان می‌دهد. حکومت دیکتاتوری و اقتدارطلب، فقط حکومت پادشاهان نیست؛ این یکی از انواع حکومت دیکتاتوری است. آن زمان دیکتاتوریهای چپ وجود داشت، که دیکتاتوری یک‌حزبی در کشورها بود؛ هر کار می‌خواستند، با آحاد ملت می‌کردند؛ کسی هم به ملت پاسخگو نبود. درواقع ملت دست یک اقلیت محدودی زندانی بود. این هم یک نوع دیکتاتوری بود. یک نوع دیکتاتوری هم دیکتاتوری سرمایه‌داران است که در نظامها بظاهر مردم‌سالار ـ نظامهای لیبرال دموکراسی ـ تجلی پیدا می‌کند. این هم نوعی دیکتاتوری است، منتها دیکتاتوری بسیار هوشمندانه و غیرمستقیم؛ درواقع دیکتاتوری سرمایه‌دارها و صاحبان ثروتهای بزرگ است.

امام جمهوری اسلامی را در مقابل این طاغوتهای بشری به وجود آورد؛ اسلام را ـ که در دل اسلامیت، تکیهٔ به مردم و رأی مردم و خواست مردم وجود دارد ـ معیار اصلی این نظام قرار داد. بنابراین جمهوری اسلامی، هم جمهوری است، یعنی متکی به آراء مردم است؛ هم اسلامی است، یعنی متکی به شریعت الهی است. این یک مدل نو است؛ این یکی از شاخصهای عمدهٔ در خط امام است. هر کسی دربارهٔ حاکمیت نظام جمهوری اسلامی برخلاف این فکر کند، برخلاف فکر امام

است؛ مدعی نشود که او دنباله‌رو امام است، در عین حال این فکر را دارد؛ نه، فکر امام این است. این واضح‌ترین خط از خطوط اندیشهٔ امام است.

یک شاخص دیگر در برنامهٔ امام و خط امام و راه مستقیم امام، مسألهٔ جاذبه و دافعهٔ امام بود. انسانهای بزرگ، جاذبه و دافعه‌شان هم میدان وسیع و گسترده‌ای دارد. همه جاذبه و دافعه دارند. شما با رفتار خودتان، یکی را به خودتان، علاقه‌مند و متمایل می‌کنید، یکی هم از شما می‌رنجد؛ این جاذبه و دافعه است. اما انسانهای بزرگ، جاذبه‌شان یک طیف وسیعی را به وجود می‌آورد؛ دافعهٔ آنها هم همین‌طور، یک طیف عظیمی را به وجود می‌آورد. جاذبه و دافعهٔ امام تماشایی است.

آنچه که مبنا و معیار جاذبهٔ امام و دافعهٔ امام بود، باز مکتب بود، اسلام بود؛ درست همان‌طوری که امام سجّاد(سلام‌الله‌علیه) در دعای صحیفهٔ سجّادیه ـ دعای ورود در ماه رمضان ـ به خداوند متعال عرض می‌کند. مکرر عرض کرده‌ایم که دعاهای امام سجّاد واقعاً جزو برترین گنجینه‌های معارف اسلامی است. در این دعاها معارفی وجود دارد که انسان اینها را از روایات و آثار روائی نمی‌توان به دست بیاورد؛ در دعاها صریح اینها بیان شده است. در دعای چهل و چهارم صحیفهٔ سجّادیه ـ که دعای ورود در ماه رمضان است و امام سجّاد آن را می‌خواندند ـ حضرت چیزهایی را از خدای متعال برای ماه رمضان درخواست می‌کنند؛ از جملهٔ چیزهایی که درخواست می‌کنند، این است: «و ان نسالم من عادانا»؛ پروردگارا! از تو می‌خواهیم که با همهٔ دشمنان خودمان صلح کنیم، سلم و مدارا پیشه کنیم. بعد بلافاصله می‌فرمایند: «حاشی من عودی فیک و لک فانه العدوّ الّذی لا نوالیه و الحرب الّذی لانصافیه»؛ مگر آن دشمنی که من به خاطر تو با او دشمنی کردم، در راه تو با او دشمنی کردم. این دشمنی است که ما هرگز با او دم از آشتی نخواهیم زد و دل ما با او صاف نخواهد شد.

امام این‌جوری بود؛ دشمنی شخصی با کسی نداشت. اگر کدورتهای شخصی‌ای هم بود، امام زیر پا می‌گذاشت؛ اما دشمنی به خاطر مکتب، برای امام بسیار جدی بود. همان امامی که از اوّل شروع نهضت در سال ۱۳۴۱ روی تودهٔ مردم، انواع و اقسام افکار گوناگون در میان مردم، این‌جور آغوش باز کرده بود، مردم را از اهل هر قومی، از اهل هر گروه و مذهبی، با آغوش باز می‌پذیرفت، همین امام در اوّل انقلاب یک مجموعه‌هایی را از خود طرد کرد. کمونیستها را صریح طرد کرد. آن روز برای خیلی از ماها که در اوّل انقلاب دست‌اندر کار مبارزه بودیم، این کار امام عجیب بود. در همان اوائل انقلاب، امام صریح در مقابل کمونیستها موضعگیری کرد و اینها را از خودش جدا کرد. در مقابل لیبرال‌مسلکها و دلباختگان به نظامهای غربی و فرهنگ غربی، امام قاطعیت نشان داد؛ اینها را از خود دور کرد. در تبرّی از افرادی که در دایرهٔ فکری و مبانی اسلامی او قرار نمی‌گرفتند، امام تأمل نکرد؛ در حالی که با آنها هم دشمنی شخصی نداشت.

شما ملاحظه کنید به وصیتنامهٔ امام؛ امام در همین وصیتنامه خطاب می‌کند به کمونیستهایی که در داخل جنایت کرده بودند و به خارج کشور گریخته بودند. لحن امام را ملاحظه کنید. به اینها می‌گوید: شما داخل کشور بیایید و مجازاتی را که قانون و عدالت برای شما می‌گذارد، تحمل کنید و

مجازات شوید. یعنی بیایید اعدام را یا حبس را یا سایر مجازاتها را تحمل کنید، برای این‌که خودتان را از عذاب الهی لااقل نجات دهید. با اینها دلسوزانه حرف می‌زند. می‌فرماید: اگر شهامت این را هم ندارید که بیایید مجازات خودتان را قبول کنید، لااقل آن‌جا که هستید، راهتان را عوض کنید، توبه کنید؛ با ملت ایران، با نظام اسلامی، با حرکت اسلامی مقابله نکنید؛ برای قدرتمندان و زورگویان، پیاده‌نظام نباشید.

امام دعوای شخصی ندارد؛ اما در دایرهٔ مکتب، با قاطعیت کامل، جاذبه و دافعهٔ خود را اعمال می‌کند. این یک شاخص عمده از زندگی امام و مکتب امام است. تولّی و تبرّی در عرصهٔ سیاست هم باید تابع تفکر و فکر و مبانی اسلامی و مذهبی باشد؛ این‌جا هم باید انسان ملاک و معیار را این قرار بدهد؛ ببیند خدای متعال از او چه می‌خواهد.

با این روشی که امام در پیش گرفته بود و در گفتار و کردار او منعکس بود، نمی‌شود انسان خود را در خط امام بداند، دنباله‌رو امام بداند، اما با کسانی که صریحاً پرچم معارضهٔ با امام و اسلام را بلند می‌کنند، خودش را در یک جبهه تعریف کند. نمی‌شود قبول کرد که آمریکا و انگلیس و سیا و موساد و سلطنت‌طلب و منافق بر روی یک محوری توافق کنند، حول یک محوری جمع بشوند، بعد آن محور باز ادعا کند که من خط امامم! این قابل قبول نیست.

نمی‌شود با هرکس و ناکسی ائتلاف کرد. باید ببینیم دشمنان دیروز امام در برابر ما چه موضعی می‌گیرند. اگر دیدیم مواضع ما جوری است که آمریکای مستکبر، صهیونیست غاصب، مزدوران قدرتهای گوناگون، مخالفین و معاندین امام و اسلام و انقلاب از ما تجلیل می‌کنند، احترام می‌کنند، بایستی در مواضعمان شک کنیم؛ باید بدانیم که راه درست و مستقیم را نمی‌رویم. این معیار است. این یک ملاک است. امام هم بارها بر همین تکیه می‌کرد. امام می‌فرمود ـ در نوشته‌جات امام وجود دارد، **در اسناد قطعی فرمایشات امام این هست ـ که اگر از ما تعریف کردند، بدانیم که خیانتکاریم. این خیلی مهم است.**

کسانی بیایند درست در خط مقابل امام حرکت کنند، دربارهٔ مسألهٔ قدس در روز قدس آن‌جور موضعگیری کنند، در روز عاشورا آن فضاحت را به بار بیاورند، بعد ما با کسانی که با اساس مبنای امام و حرکت امام صریحاً مخالفند، اظهار همراهی کنیم، خودمان را در کنار اینها قرار بدهیم و تعریف کنیم، یا در مقابل اینها سکوت کنیم؛ در عین حال بگوییم ما دنباله‌رو امامیم! این امکان ندارد، این قابل قبول نیست. ملت هم این را خوب فهمیدند. ملت این را می‌بیند، می‌داند، می‌شناسد، می‌فهمد.

یک شاخص دیگر در مشی امام و خط امام که خیلی مهم است، مسألهٔ محاسبات معنوی و الهی است. امام در تصمیم‌گیریهای خود، در تدابیر خود، محاسبات معنوی را در درجهٔ اوّل قرار می‌داد. یعنی چه؟ **یعنی انسان برای هر کاری که می‌خواهد بکند، در درجهٔ اوّل هدفش کسب رضای الهی باشد؛ کسب پیروزی نباشد، به دست گرفتن قدرت نباشد، کسب وجاهت پیش زید و عمرو نباشد.**

هدف اوّل، رضای الهی باشد. این یک. بعد هم به وعدهٔ الهی اطمینان و اعتماد داشته باشد. وقتی انسان هدفش رضای خدا بود، به وعدهٔ الهی هم اعتماد و اطمینان داشت، آن وقت دیگر یأس معنا ندارد، ترس معنا ندارد، غفلت معنا ندارد، غرور معنا ندارد.

امام آن وقتی که تنها بود، مبتلای به ترس نشد، مبتلای به یأس نشد؛ آن وقتی هم که همهٔ ملت ایران یکصدا نام او را فریاد زدند، بلکه ملتهای دیگر هم به او عشق ورزیدند و این را ابراز کردند، دچار غرور نشد. آن وقتی که خرمشهر به وسیلهٔ متجاوزین عراقی از دست رفت، امام مأیوس نشد؛ آن وقتی هم که خرمشهر را رزمندگان ما با دلاوری و فداکاری خود گرفتند، امام مغرور نشد؛ فرمود «خرمشهر را خدا آزاد کرد»؛ یعنی ما هیچ‌کاره‌ایم. در همهٔ حوادث گوناگون دوران زعامت آن بزرگوار، امام همین‌جور بود. آن وقتی که تنها بود، وحشت نکرد؛ آن وقتی که غلبه و قدرت با او بود، مغرور نشد؛ غفلت هم نکرد. این اعتماد به خداست. وقتی رضای خدا بود، قضیه این است.

به وعدهٔ الهی باید اعتماد کرد. خدای متعال در سورهٔ «انّا فتحنا» می‌فرماید: «و یعذّب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الظّانّین بالله ظنّ السّوء»؛ خصوصیت منافق و مشرک از جمله این است که به خدا سوءظن دارند، وعدهٔ الهی را قبول ندارند، باور ندارند. این‌که خدا می‌گوید: «و لینصرنّ الله من ینصره»، این را آدم مؤمن با همهٔ وجود قبول دارد؛ منافق این را قبول ندارد. خداوند می‌فرماید: «علیهم دائرة السّوء و غضب الله علیهم و لعنهم و اعدّ لهم جهنّم و ساءت مصیرا». کسانی که به خدا سوءظن دارند، وضعیتشان این‌جور است.

امام به وعدهٔ الهی اطمینان داشت. ما برای خدا مجاهدت می‌کنیم، قدم برای خدا برمی‌داریم، همهٔ تلاش خودمان را به میدان می‌آوریم؛ نتیجه را خدای متعال - آن‌چنان که وعده فرموده است - تحقق خواهد داد. ما برای تکلیف کار می‌کنیم؛ اما خدای متعال بر همین عمل برای تکلیف، بهترین نتیجه را به ما خواهد داد. این یکی از خصوصیات مشی امام و خط امام است. راه انقلاب، صراط مستقیم انقلاب این است.

یکی از چیزهایی که در همین زمینه وجود داشت، رعایت تقوای عجیب امام در همهٔ امور بود. تقوا در مسائل شخصی یک حرف است؛ تقوا در مسائل اجتماعی و مسائل سیاسی و عمومی خیلی مشکلتر است، خیلی مهمتر است، خیلی تأثیرگذارتر است. ما نسبت به دوستانمان، نسبت به دشمنانمان چه می‌گوییم؟ این‌جا تقوا اثر می‌گذارد. ممکن است ما با یکی مخالف باشیم، دشمن باشیم؛ دربارهٔ او چگونه قضاوت می‌کنید؟ اگر قضاوت شما دربارهٔ آن کسی که با او مخالفید و با او دشمنید، غیر از آن چیزی باشد که درواقع وجود دارد، این تعدی از جادهٔ تقواست. آیهٔ شریفه‌ای که اوّل عرض کردم، تکرار می‌کنم: «یا ایّها الّذین امنوا اتّقوا الله و قولوا قولاً سدیدا». قول سدید، یعنی استوار و درست؛ این‌جوری حرف بزنیم. من می‌خواهم عرض بکنم به جوانان عزیزمان، جوانهای انقلابی و مؤمن و عاشق امام، که حرف می‌زنند، می‌نویسند، اقدام می‌کنند؛ کاملاً رعایت کنید. این‌جور نباشد که مخالفت با یک کسی، ما را وادار کند که نسبت به آن کس از جادهٔ حق تعدی کنیم،

تجاوز کنیم، ظلم کنیم؛ نه، ظلم نباید کرد. به هیچ‌کس نباید ظلم کرد.

من یک خاطره از امام نقل کنم. ما یک شب در خدمت امام بودیم. من از ایشان پرسیدم نظر شما نسبت به فلان کس چیست ـ نمی‌خواهم اسم بیاورم؛ یکی از چهره‌های معروف دنیای اسلام در دوران نزدیک به ما، که همه نام او را شنیدند، همه می‌شناسند ـ امام یک تأملی کردند، گفتند: نمی‌شناسم. بعد هم یک جملهٔ مذمت‌آمیزی راجع به آن شخص گفتند. این تمام شد. من فردای آن روز یا پس‌فردا ـ درست یادم نیست ـ صبح با امام کاری داشتم، رفتم خدمت ایشان. بمجردی که وارد اتاق شدم و نشستم، قبل از این‌که من کاری را که داشتم، مطرح کنم، ایشان گفتند که راجع به آن کسی که شما دیشب یا پریشب سؤال کردید: «همین ،نمی‌شناسم». یعنی آن جملهٔ مذمت‌آمیزی را که بعد از «نمی‌شناسم» گفته بودند، پاک کردند. ببینید، این خیلی مهم است. آن جملهٔ ذمت‌آمیز نه فحش بود، نه دشنام بود، نه تهمت بود؛ خوشبختانه من هم بکلی از یادم رفته که آن جمله چه بود؛ یعنی یا تصرف معنوی ایشان بود، یا کم‌حافظگی من بود؛ نمی‌دانم چه بود، اما این‌قدر یادم هست که یک جملهٔ مذمت‌آمیزی بود. همین را ایشان آن شب گفتند، دو روز بعدش یا یک روز بعدش آن را پاک کردند؛ گفتند: نه، همان نمی‌شناسم. ببینید، اینها اسوه است؛ «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة».

دربارهٔ زیدی که شما او را قبول ندارید، دو جور می‌شود حرف زد: یک جور آن چنانی که درست منطبق با حق است، یک جور هم آن چنانی که در آن آمیزه‌ای از ظلم وجود دارد. این دومی بد است، باید از آن پرهیز کرد. درست همان که حق است، صدق است و شما در دادگاه عدل الهی می‌توانید راجع به آن توضیح دهید، بگویید، نه بیشتر. این یکی از خطوط اصلی حرکت امام و خط امام است که ماها باید به یاد داشته باشیم.

یکی دیگر از خطوط اصلی خط امام، نقش مردم است؛ هم در انتخابات که امام در این کار واقعاً یک حرکت عظیمی انجام داد، هم در غیر انتخابات، در مسائل گوناگون اجتماعی. در هیچ انقلابی در دوران انقلابها ـ که نیمهٔ اوّل قرن بیستم، دوران انقلابهای گوناگون است؛ در شرق و غرب دنیا انقلابهای مختلفی با شکلهای مختلف به وجود آمد ـ سابقه ندارد که دو ماه بعد از پیروزی انقلاب، یک رفراندوم عمومی برای انتخاب شیوهٔ حکومت و نظام حکومتی انجام بگیرد؛ اما به همت امام در ایران این اتفاق افتاد. هنوز یک سال از انقلاب نگذشته بود که قانون اساسی تدوین و تصویب شد. در آن ماههای اوّل که تدوین قانون اساسی هنوز انجام نشده بود و تأخیر افتاده بود، یادم هست یک روز امام ماها را خواستند، رفتیم قم ـ آن وقت ایشان هنوز قم بودند ـ با اوقات تلخی گفتند که قانون اساسی را زودتر تدوین کنید. آن وقت انتخابات مجلس خبرگان راه افتاد و مردم خبرگان را برای تدوین قانون اساسی انتخاب کردند؛ بعد هم که قانون اساسی تدوین شد، آن را به رأی عمومی گذاشتند؛ رفراندوم شد، مردم قانون اساسی را انتخاب کردند. بعد هم انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس برگزار شد. در سخت‌ترین دوران جنگ که تهران زیر بمباران دشمن بود، انتخابات تعطیل

نشد؛ حتّی تا امروز یک روز انتخابات در ایران تأخیر نیفتاده است. کدام دموکراسی را در دنیا شما سراغ دارید؟ انقلابها که هیچ؛ در هیچ دموکراسی‌ای، با این دقّت، سر موقع، آراء مردم به صندوقها ریخته نمی‌شود. این خط امام است.

در غیر مسائل انتخابات هم بارها مردم مورد توجه امام قرار گرفتند و امام به نقش آنها اشارهٔ روشن کردند، گاهی تصریح کردند؛ در یک جاهایی گفتند: اگر مسؤولین فلان کار را که باید انجام بدهند، انجام ندهند، مردم خودشان وارد می‌شوند و انجام می‌دهند.

یک نقطهٔ دیگر از نقاط روشن خط امام، جهانی بودن نهضت است. امام نهضت را جهانی می‌دانست و این انقلاب را متعلق به همهٔ ملتهای مسلمان، بلکه غیرمسلمان معرفی می‌کرد. امام از این ابایی نداشت. این غیر از دخالت در امور کشورهاست، که ما نمی‌کنیم؛ این غیر از صادر کردن انقلاب به سبک استعمارگران دیروز است، که ما این کار را نمی‌کنیم، اهلش نیستیم؛ این معنایش این است که بوی خوش این پدیدهٔ رحمانی باید در دنیا پراکند شود، ملتها بفهمند که وظیفه‌شان چیست، ملتهای مسلمان بدانند که هویتشان چگونه است و کجاست. یک نمونهٔ این نگاه جهانی، موضعگیری امام در باب فلسطین است. **امام صریحاً فرمود: اسرائیل یک غدهٔ سرطانی است. خوب، غدهٔ سرطانی را چه کار می‌کنند؟ غیر از قطع غده، چه علاجی می‌توان برای آن کرد؟ امام ملاحظهٔ کسی را نکرد.** منطق امام این بود. این حرف شعاری نیست؛ این منطقی است. فلسطین یک کشور تاریخی است. در طول تاریخ، کشوری وجود داشته است به نام فلسطین. یک عده‌ای با پشتیبانی قدرتهای ستمگر عالم آمده‌اند با عنیف‌ترین و شدیدترین وجهی این ملت را از این کشور بیرون کرده‌اند؛ کشتند، تبعید کردند، شکنجه کردند، اهانت کردند، این ملت را بیرون کردند ـ که امروز چند میلیون آوارهٔ فلسطینی در کشورهای همجوار فلسطین اشغالی و در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند؛ اغلب هم توی اردوگاهها ـ درواقع آمدند کشور را از صحنهٔ جغرافیا حذف کردند، ملت را بکلی از هستی ساقط کردند، یک واحد جغرافیایی جعلی و جدیدی به جای آن تحمیل کردند و اسمش را گذاشتند اسرائیل. ببینید منطق چه اقتضاء می‌کند؟ حرفی که ما در مورد مسألهٔ فلسطین داریم، یک حرف شعاری نیست؛ یک حرف صد درصد منطقی است.

یک عده قدرتمند که در رأس آنها اوّل انگلیس بود، بعد هم آمریکا ملحق شد، دنباله‌رو آنها هم کشورهای غربی، آمده‌اند می‌گویند کشور فلسطین و ملت فلسطین باید حذف بشوند تا به جای آن، کشوری به نام اسرائیل و ملت جعلی‌ای به نام ملت اسرائیل به وجود بیاید. این یک حرف؛ یک حرف دیگر هم در مقابلش هست که حرف امام است؛ می‌گوید: نه، این واحد جعلی و تحمیلی باید حذف شود؛ به جای آن، ملت اصلی و کشور اصلی و واحد جغرافیایی اصلی سر کار بیاید. از این دو حرف، کدام منطقی است؟ آن حرفی که متکی بر سرنیزه و سرکوب است و می‌خواهد یک نظام سیاسی را، یک واحد اصلی جغرافیایی تاریخی را با چند هزار سال سابقه، بکلی از صحنهٔ جغرافیا حذف کند، این منطقی است یا آن حرفی که می‌گوید نه، این واحد اصلی جغرافیایی باید بماند، آن واحد جعلی و

تحمیلی باید از بین برود؟ امام این را می‌گفت. این منطقی‌ترین حرفی است که در باب اسرائیل غاصب و در باب مسألهٔ فلسطین می‌شود گفت. امام این را گفت؛ صریح هم این را بیان کرد. حالا اگر کسی این حرف را به اشاره هم بیان کند، یک عده‌ای که مدعی خط امامند، می‌گویند آقا چرا این حرف گفته شد؟! خوب، این حرف امام است؛ این منطق امام است؛ این منطق صحیح است؛ همهٔ مسلمانان عالم، همهٔ آزادگان عالم، ملتهای بی‌طرف باید این حرف را قبول کنند و بپذیرند. این، درست است. این، موضع امام است.

یک نکتهٔ آخر هم عرض بکنم. شما برادران و خواهران عزیز در گرمای هوا تحمل کردید؛ خداوند ان‌شاءالله شما را مأجور بدارد. یک نکتهٔ اساسی دیگر در مورد **خط امام و راه امام این است که امام بارها فرمود قضاوت در مورد اشخاص باید با معیار حال کنونی اشخاص باشد. گذشتهٔ اشخاص، مورد توجه نیست.** گذشته مال آن وقتی است که حال فعلی معلوم نباشد. انسان به آن گذشته تمسک کند و بگوید: خوب، قبلاً این‌جوری بوده، حالا هم لابد همان‌جور است. اگر حال فعلی اشخاص در نقطهٔ مقابل آن گذشته بود، آن گذشته دیگر کارایی ندارد. این همان قضاوتی بود که امام امیرالمؤمنین علی(علیه‌الصّلاةوالسّلام) با جناب طلحه و جناب زبیر کرد. شما باید بدانید طلحه و زبیر مردمان کوچکی نبودند. جناب زبیر سوابقی درخشان دارد که نظیر آن را کمتر کسی از اصحاب امیرالمؤمنین داشت. بعد از به خلافت رسیدن جناب ابی‌بکر، در همان روزهای اوّل، پای منبر ابی‌بکر چند نفر از صحابه بلند شدند، اظهار مخالفت کردند، گفتند: حق با شمانیست؛ حق با علی بن ابی طالب است. اسم این اشخاص در تاریخ ثبت است. اینها چیزهایی نیست که شیعه نقل کرده باشند؛ نه، این در همهٔ کتب تواریخ ذکر شده است. یکی از آن اشخاصی که پای منبر جناب ابی‌بکر بلند شد و از حق امیرالمؤمنین دفاع کرد، زبیر است. این سابقهٔ زبیر است. مابین آن روز و روزی که زبیر روی امیرالمؤمنین شمشیر کشید فاصله بیست و پنج سال است. حالا برادران اهل سنّت از طرف طلحه و زبیر اعتذار می‌کنند، می‌گویند آنها اجتهادشان به این‌جا منتهی شد؛ خیلی خوب، حالا هرچی. ما راجع به این‌که آنها در مقابل خدای متعال چه وضعی دارند، الآن در مقام آن نیستیم؛ اما امیرالمؤمنین با اینها چه کرد؟ جنگید. امیرالمؤمنین از مدینه لشکر کشید، رفت طرف کوفه و بصره، برای جنگ با طلحه و زبیر. یعنی آن سوابق محو شد، تمام شد. امام ملاکش این بود، معیارش این بود.

بعضیها با امام از پاریس تو هواپیما بودند و آمدند ایران؛ اما در زمان امام به خاطر خیانت اعدام شدند! بعضی از دورانی که امام در نجف بود و بعد که به پاریس رفت، با ایشان ارتباط داشتند، در اوّل انقلاب هم مورد توجه امام قرار گرفتند، اما بعد رفتار اینها، موضعگیریهای اینها موجب شد که امام اینها را طرد کرد، از خودش دور کرد. میزان، وضعی است که امروز بنده دارم. اگر خدای نکرده نفس اماره و شیطان، راه را در مقابل من منحرف کردند، قضاوت چیز دیگری خواهد بود. مبنای نظام اسلامی این است و امام این‌جوری عمل کرد.

خطوط دیگری را هم در زمینهٔ راه امام و خط امام می‌شود بیان کرد. آنچه که عرض شد مهمترین

و مؤثرترینها بود. خوب است برادران، جوانان، اهل فکر و تحقیق، طلاب، دانشجویان، روی این مبانی فکر کنند، روی اینها کار کنند. فقط متن باقی نماند؛ این متنها درست توضیح داده شود، تبیین شود.

همه بخصوص جوانهای عزیز ما این را بدانند؛ آنچه که بعد از رحلت امام تا امروز اتفاق افتاده است، از دشمنیها، کارشکنیها، هر کاری که کردند، از هر نوعی که انجام دادند، نتوانسته است در پایه‌های این نظام اندک تزلزل و تکانی ایجاد کند؛ بلکه بعکس، هر ضربه‌ای که دشمن حوالهٔ جمهوری اسلامی کرده است، در نتیجه به استحکام بیشتر جمهوری اسلامی انجامیده است؛ درست مثل هشت سال جنگ تحمیلی. هشت سال همهٔ قدرتهای سیاسی و نظامی و مالی بزرگ دنیا پشت سر رژیم بعثی عراق ایستادند، با ایران اسلامی جنگیدند، همهٔ توان خودشان را به میدان آوردند تا جمهوری اسلامی با یک قدرت دفاعی و نظامی بمراتب قوی‌تر و عظیم‌تر از هنگام جنگ شد. قدرت جمهوری اسلامی بعد از جنگ آن‌چنان در دنیا طلوع کرد که چشمها را خیره کرد. امروز هم همین‌جور است. هر اتفاقی که دشمنان برنامه‌ریزی کنند، افراد ساده‌دل و خام و غافل به هر نحوی با دشمنان همراهی کنند، با ایستادگی ملت ایران، نتیجه‌اش تقویت بیشتر جمهوری اسلامی است.

شما دیدید فتنه‌ای به وجود آمد، کارهایی شد، تلاشهایی شد، آمریکا از فتنه‌گران دفاع کرد، انگلیس دفعا کرد، قدرتهای غربی دفاع کرند، منافقین دفاع کردند، سلطنت‌طلبها دفاع کردند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همهٔ این اتحاد و اتفاق نامیمون مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز ۹ دی، در روز ۲۲ بهمن، آن‌چنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد. ایران امروز، جوان امروز، تحصیلکردهٔ امروز، ایرانیان امروز، آن‌چنان وضعیتی دارند که هر توطئه‌ای را دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی زمینه‌چینی کند، به توفیق الهی توطئه را خنثی می‌کنند. منتها توجه داشته باشید؛ باید تقوا پیشه کنیم. آنچه ما را قوی می‌کند، تقواست؛ آنچه ما را آسیب‌ناپذیر می‌کند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامهٔ این راه تا رسیدن به اهداف عالیه امیدوار می‌کند، تقواست.

نمایه موضوعی

نمایه اشخاص

نمایه تشکلات

نمایه اماکن

حضرت امام خمینی (ره):

من باز می‌گویم همهٔ مسؤلان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویّت اسلامی‌تان ـ به خیال خام خودشان ـ بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست.

(۱۳۶۸/۱/۲)

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

تلفن: ۶۶۴۱۱۱۵۱-۶۶۴۶۹۹۵۸
نمابر: ۶۶۴۶۷۳۹۴
www.ghadr110.ir

ISBN:978-964-495-211-1